مجموعه

قوانین موضوعه و مسائل مصوبه

دوره نهم تقنینیه

۲۴ فروردین ماه ۱۳۱۲ - ۲۴ فروردین ماه ۱۳۱۴

چاپ سوم

مقدمه

مجموعه قوانین دوره نهم تقنینیّه چاپ سوم طبع و تقدیم خواستاران میشود .

نکاتی که درموقع طبع قوانین ادوارقبل مراعات میشده کماکان با اصلاحاتی چند دراین مجموعه نیزرعایت گردیده وبرای اطلاع خوانندگان نکات مزبوررا متذکرمیگردد :

اولا

مجموعه مصوبات دوره نهم تقنینیّه بر هفت قسمت بشرح ذیل تقسیم شده است :

قسمت اول ـ قوانین (مصوباتی که جنبه عمومی داشته وعامه مشمول مقررات آن میباشند) .

قسمت دوم ـ امتیازات .

قسمت سوم ـ عهدنامه ها ومقاوله نامه ها (عهدنامه هائی که با دول خارجه منعقدشده ویا اینکه جنبه عمومی داشته و دولت شاهنشاهی نیزدرآن شرکت نموده است .

قسمت چهارم ـ کنتراتها (قوانین اجازه استخدام مستخدمین خارجی) .

قسمت پنجم ـ تصویبات مالی (این قسمت شامل بودجه ها ـ اعتبارات ـ اجازه واگذاری ویا فروش اراضی واملاك خالصه واجازه استقراض برای پاره‌ای عملیات خاص میباشد) .

قسمت ششم ـ تصمیمات متفرقه .

قسمت هفتم ـ نظامنامه های مصوب کمیسیونهای پارلمانی (این نظامنامه ها بموجب اختیارات حاصله ازقوانین مربوطه بتصویب کمیسیونهای پارلمانی رسیده است) .

قسمتی که در این مجموعه نیز رعایت گردیده است نسخ و تغییر و یا اصلاحاتی است که بعد ازتصویب قانون طی دوره‌های بعد (تاموقع طبع این مجموعه) در همان قوانین بعمل آمده است اصلاحات مزبور را درجای خود متذکر شده ومطالعه کنندگان

بماده اصلاحیّه راهنمائی شده اند . آن قسمت از قوانین منسوخه برای اینکه جالب نظر باشد باحروف ریز طبع و ذیل صفحه تاریخ نسخ آن تذکر داده شده است .

ثانیاً

برای سهولت مراجعه و پیدا کردن محل هر قانونی در هر قسمت و در فهرست خاص آن قسمت این نکته درنظر گرفته شده است که قوانین راجعه بیك موضوع (مثلا قوانین قضائی - یا قوانین جزائی) و یا بیك وزارتخانه (قوانین مربوط بوزارت داخله ویا وزارت مالیه) اگر چه ازحیث تاریخ تصویب متفاوت باشد پشت سر هم طبع گردد مخصوصاً در قسمت اعتبارات این نکته رعایت شده است که بودجه کل هرسال درابتداء و اصلاحاتی که بموجب قوانین خاص در هریك از مواد بودجه شده است در پشت سر آن طبع و حتی اصلاحات مختلف راجع ببودجه هر وزارتخانـه و همچنین اعتبارات مربوطه بآن وزارتخانه یا مؤسسه در یك محل گنجانده شده است .

دراین‌قسمت پاره‌ای ازمصوبات‌است که مربوط باجازه تهیه قرضه برای‌امورخاص میباشد . این نوع ازقوانین بعنوان « قانون اجازه استقراض » درفهرست قید و درمتن قانون طبع گردیده است .

ثالثاً

نظر بلزوم استحضار خواستاران این مجموعه از نظامنامه هائی که بموجب قوانین خاص بوسیله کمیسیونهای مجلس تصویب گردیـده است در نظر گرفته شده کـه یك قسمت جداگانه باین نوع نظامنامه ها تخصیص وضمیمه قانون گردد .

منتها چون این نظامنامه‌ها غالباً مربوط بقوانینی بوده است کـه در طی دوره نهم تصویب شده است نظامنامه مربوطه بهر قانون ذیل خود آن قانون گنجانده شده ولی در فهرست مخصوص نمره صفحه‌ای که این نوع نظامنامه ها طبع شده است تذکر داده شده و خواستاران با مراجعه بفهرست از محل نظامنامه مطلع خواهند شد .

رابعاً

فهرستی که برای این مجموعه در نظرگرفته شده بدوقسمت تقسیم گردیده است :

الف : فهرست تقسیمی ـ بترتیب تقسیمات هفتگانه مصوبات و آن بر دو قسمت است :

۱ ـ فهرست کلی : که در ابتدای این مجموعه گذارده شده و محل هر یك از قسمتهای هفتگانه را بطور کلی مشخص میکند .

۲ ـ فهرست جزئی : که برای هرقسمت علیحده تنظیم شده و شامل فهرست کلیه قوانین مندرجه درآن قسمت میباشد ـ این فهرست درمتن کتاب درابتدای قسمتهای مربوطه قرار داده شده است .

ب : فهرست تاریخی ـ که درآخر کتاب قرار داده شده و کلیه مصوبات دوره نهم تقنینیّه بترتیب تاریخ تصویب درآن ذکر گردیده است .

خامساً

اضافه میکند که قوانین قضائی مصوب کمیسیون قوانین عدلیه نیز که بموجب اجازه مجلس شورای ملی قابل اجرا است درهمین مجموعه در قسمت اول ضمن سایرقوانین طبع و برای مطالعه مراجعه کنندگان تقدیم شده است .

واما قانون مدنی که مشتمل بر ۱۳۳۵ ماده میباشد ازماده یك تاماده ۹۵۵ آنرا که‌بعد از الغاءِ کاپیتولاسیون بمجلس تقدیم‌شده بودبموجب قانون‌مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ اجازه اجرای موقت آن بدولت داده شده ودویست وپنجاه ویك ماده آن از ماده ۹۵٦ تاماده ۱۲۰٦ در دوره نهم و۱۲۹ ماده آنهم از ماده ۱۲۰۷ تا ماده ۱۳۳۵ در دوره دهم بتصویب مجلس شورای ملی رسیده وبرای اینکه یك جا در دسترس مطالعه‌کنندگان قرار گیرد قسمت های مصوبه قانون مدنی در دوره ششم ودهم را هم دراین مجموعه‌چاپ تا از مراجعه به ادوار مختلف بی نیاز گردند

اداره مطبوعات واطلاعات مجلس شورای ملی

بهمن ماه ۱۳۲۹

فهرست

قوانین موضوعه و مصوبات

دوره نهم تقنینیه



(فهرست تقسیمی)

فهرست تقسیمی مصوبات دوره نهم تقنینیه

فهرست

قسمت اول ـ قوانین



فهرست قسمت اول ـ قوانین

فهرست قسمت اول ـ قوانین

قسمت اول

قوانین

* قانون

اصلاح قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی واجازه وضع مقررات جدیدی در قسمت اسعاری قانون مزبور

مصوب ۱۹ اردی بهشت ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول - مجلس شورای ملی از تاریخ تصویب این قانون مقررات قانون انحصار تجارت خارجی راجع به اسعار خارجی مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ را ملغی نموده وبه هیئت‌دولت اجازه میدهد در صورتیکه مقتضی بداند مقررات جدیدی نسبت به اسعار خارجی وضع نموده و بطور آزمایش بموقع اجرا بگذارد ودرظرف مدت سه ماه آن مقررات را برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید .

ماده دوم - اشخاصی که درانجام تعهدات صدور یا تعهدات فروش اسعار خارجی مربوط به قبل از ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ تأخیر کرده‌اند ازتعقیب جزائی درهرمرحله قضائی که باشند معافند .

ماده سوم - اداره کل تجارت مجاز است باتصویب هیئت دولت :

اولا - جوازهای ورودی را که در ظرف مدت جواز بعلتی که از حیطهٔ اختیار صاحب جواز خارج بوده است تا این تاریخ مورد استفاده واقـع نشده بـاشد تمدید دهد مشروط‌براینکه مجموع مدت جواز از یکسال تجاوز ننماید .

---

* این قانون بموجب ماده پنجم قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی‌خارجی مصوب هشتم تیرماه ۱۳۲۰ (دوره دوازدهم) ملغی است .

ثانیاً ـ در مقابل تصدیق‌صدور انواع خاصی ازمحصولات ومصنوعات ایران برای‌اجناسی که در کنتنژان سالیانه منظور نشده ودر داخلهٔ مملکت هم بمقدار کافی تهیه نمیشود جواز ورود بدهد مشروط براینکه اجناس مزبور تحت نظر ادارهٔ کل تجارت وارد شده ودر حدود مقررات قانون جلوگیری از قاچاق اجناس ممنوع‌الورود فقط در مرکز فروش دولتی بطور خرده فروشی فروخته شود .

ماده چهارم ـ صاحبان اجناسی که درسهمیه سالیانه ۱۳۱۱ منظور نبوده ولی درمقابل تصدیق صدور غله جواز ورود آن داده شده یا قبلا وارد مملکت گردیده است باید اجناس‌مزبور را که صورت آن از طرف اداره کل تجارت اعلان خواهد شد در ظرف دو ماه پس‌از اعلان در هر محل بمراکز فروش دولتی تحویل‌نمایند تا مطابق مقررات‌قانون‌مربوط باجناس‌ممنوع‌الورود بفروش برسد ـ مقررات قانون جلوگیری از قاچاق اجناس ممنوع‌الورود شامل این‌گونه اجناس نیز خواهد بود .

این قانون که مشتمل برچهار ماده است در جلسه نوزدهم اردی‌بهشت‌ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه فروش قسمتی ازمنسوجات ممنوعه درخارج از مراکز فروش دولتی

مصوب ۱۱ تیرماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ اداره کل تجارت مجاز است کلیه منسوجاتی که قیمت آن از متری شش ریال کمتراست (باستثنای روبان وتوری) ودرمراکز فروش دولتی‌تمرکز حاصل نموده بتشخیص خود بـا اخذ صدی پنج بعنوان مخارج مراکز فروش دولتی ممهور بمهرمخصوص‌یاسرب نموده بصاحبان‌آن مسترد سازد که بمصرف‌فروش‌برسانند.

این‌قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه یازدهم تیرماه یکهزاروسیصدو و دوازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆قانون

تمدید مدت اعتبار جواز ورود مال التجاره

مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ مدت اعتبار جوازهای ورود مذکور دربند (ج) از ماده ۸ قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ از تاریخ تصویب این قانون یکسال خواهد بود واداره کل تجارت مجاز است جوازهای صادره قبل‌از تصویب‌این قانون را نیز که مدت اعتبارشان‌هشت‌ماه بوده است تا یکسال تمدید دهد .

این قانون که مشتمل بر یکماده است درجلسه بیست وپنجم تیرماه یکهزار وسیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

. رئیس‌مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆قانون

تعیین تاریخ شروع مدت اعتبار تصدیق صدور

مصوب ۱۹ شهریورماه ۱۳۱۲شمسی

ماده واحده ـ از پانزده روز پس ازتصویب این قانون مدت اعتبار یکساله تصدیقهای صدور از تاریخ وصول اطلاع نامه صدور جنس از سرحد بگمرك خانه صادرکننده ورقه تصدیق محسوب میشود .

این قانون که مشتمل بر یکماده است درجلسه نوزدهم شهریورماه یکهزاروسیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆ دوقانون بالا بموجب ماده پنجم قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی مصوب ۸ تیرماه ۱۳۲۰ (دوره دوازدهم) ملغی شده است .

☆ قانون

اصلاح ماده هشتم قانون انحصار تجارت خارجی

مصوب ۸ اسفندماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده - جمله اول از قسمت ج ازماده هشتم قانون انحصارتجارت خارجی مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ بطریق ذیل اصلاح میشود :

❀ ج - اداره کل تجارت مکلف است از تاریخ تصویب این‌قانون بامراعات شرایط‌مقرره قانونی میزان صدی هشتاد وپنج مبلغ تصدیق صدور جواز ورود بدرخواست کننده بدهد .

این قانون که مشتمل بریکماده است در جلسه هشتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

☆☆ قانون

راجع بمعاملات تصدیق صدور

مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول - فقره (ج) ازماده ششم قانون اصلاح قانون انحصار تجارت مورخه۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ بطریق ذیل اصلاح میشود :

ج - دارندگان تصدیق صدور که بخواهندآنهارا بفروش برسانند باید قبل از انقضاء مدت قانونی تصدیق صدور که یکسال است بدولت بفروشند و دولت مکلف است بمحض ارائه بقیمت معین و بوعدهٔ که از سه ماه تجاوز نکند خریداری نماید - این قیمت را دولت اعلان کرده و قبل از انقضای سال اقتصادی آنرا کسر نخواهد نمود .

❀ بند (ج) بموجب قانون ١٤ اسفند ۱۳۱۳ اصلاح شده است و بموجب بند ششم از ماده پنجم قانون‌اصلاح‌قانون انحصار بازرگانی خارجی‌مصوب ۸ تیرماه ۱۳۲۰ (دوره دوازدهم)قانون‌بالا ملغی شده است .

❀❀ این قانون بموجب بند هفتم از ماده پنجم قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی مصوب ۸ تیرماه ۱۳۲۰ (دوره دوازدهم) ملغی شده است .

تبصره ـ تصدیق صدورهائی که از ۲۰ خردادماه سال جاری الی موقع باز شدن سهمیه مدت آنها منقضی شده است از موقع باز شدن سهمیه هذه السنه تا یکماه دیگر باعتبار خود باقی خواهد بود .

ماده دوم ـ فقره (ه) از ماده ششم قانون فوق‌الذکر بطریق ذیل اصلاح میشود :

ه ـ برای اجناس ذیل تصدیق صدورداده نخواهد شد :

۱ ـ مواد نفطی .

۲ ـ محصولات شیلات .

۳ ـ تمبر پست و جواهرات و فیروزه .

٤ ـ اشیاء عتیقه و اشیائیکه عتیقه قلمداد شود .

۵ ـ پرده‌های نقاشی اعم از روغنی و آب رنك .

٦ ـ مازوج .

۷ ـ کتب اعم از خطی و چاپی وسایر مطبوعات .

تبصره ـ ورود کتب اعم از خطی و چاپی از ابطال تصدیق صدور معاف خواهد بود .

ماده سوم ـ بآخر ماده هشتم قانون سابق‌الذکر یکفقره اضافه میشود باین مضمون :

ح ـ تصدیق صدوری که واردکنندگان باید برطبق فقره (ب) ازاین ماده بدرخواست خود منضم‌نمایند ازدولت خریداری‌خواهند کرد ـ قیمت فروش تصدیق صدوررا دولت اعلام نموده و قبل از انقضاء سال اقتصادی آنرا اضافه نخواهد نمود .

مدت اعتبار قانونی تصدیق صدور پس از خریداری دولت نامحدود خواهد بود .

ماده چهارم ـ عایداتی که از تفاوت قیمت خرید و فروش تصدیق های صدور برای دولت حاصل میشود منحصراً بمصارف ناشیه از مقررات این قانون ومساعدت باشخاص ومؤسساتی که موجبات ترقی و رواج اجناس صادراتی مملکت‌را فراهم میآورند خواهد رسید .

ترتیب اقدامات برای حصول این‌منظور درنظامنامه جداگانهٔ که هیئت دولت تنظیم خواهد نمود معین شده و قبلا باطلاع عامه خواهد رسید .

دولت میتواند باعتبار عایدات مزبور با بانکها حساب جاری باز نماید .

ماده پنجم ـ نظامنامه اجرای قانون اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی بمقتضای‌مقررات این مواد از طرف هیئت دولت اصلاح و تکمیل خواهد شد .

این قانون که مشتمل برپنج ماده است در جلسه نوزدهم تیرماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

✡ قانون

راجع به تصدیق صدور

مصوب ١٤ اسفندماه ١٣١٣ شمسی

ماده اول - دولت مجاز است در ظرف هرسال اقتصادی قیمتی را که بموجب مواد ١و٣ قانون ١٩ تیرماه ١٣١٣ برای خرید و فروش تصدیق صدور معین کرده یا بکند تغییر بدهد .

تغییر قیمت خرید تصدیق صدور منحصراً نسبت بتصدیق صدورهائی مؤثر خواهد بود که جنس موضوع آن پس از اعلان تغییر قیمت صادر بشود .

ماده دوم - بند ج از ماده واحده مصوب ٨ اسفند ماه ١٣١٢ راجع به اصلاح ماده ٨ قانون انحصار تجارت خارجی بطریق ذیل اصلاح میشود :

اداره کل تجارت مکلف است ازتاریخ تصویب این قانون با مراعات شرایط مقرره قانونی بمیزان صدی هشتاد وپنج بمبلغ تصدیق صدور جواز ورود بدرخواست کننده بدهد .

دولت مجاز است میزان فوق‌را تاصدی صد ترقی بدهد .

این قانون که مشتمل بردوماده است در جلسه چهاردهم اسفندماه یکهزار وسیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع بنرخ طلا

مصوب اول اردیبهشت ماه ١٣١٣ شمسی

ماده‌واحده - بانك ملی ایران مجاز است در داخله ایران طلا را بنرخی که مقتضی بداند خریداری کرده وبحساب ذخیره اسکناس بگذارد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه اول اردیبهشت ماه یکهزار و سیصدو سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای‌ملی - دادگر

✡ این‌قانون بموجب بندهشتم‌ازماده پنجم قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی‌مصوب ٨ ١٣٢٠ (دوره دوازدهم)ملغی‌شده است .

قانون

راجع بحقوق انحصاری چای داخلی

مصوب ۷ امرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده‌اول ـ وزارت مالیه مجاز است برای جلوگیری از قاچاق هریك از اجناسی که انحصار آن با دولت باشد مقرراتی راجع بالصاق تمبر یا باندرل یا مهر یا بسته بندی خاص یا تهیه جنس بشکل و ترتیب معین وضع نماید ـ متخلفین از آن مقررات جزء مرتکبین قاچاق محسوب و مطابق قوانین مربوطه تعقیب و مجازات خواهند شد.

ماده‌دوم ـ دولت مجاز است نسبت بچای داخلی از قرار هر من شش ریال حقوق انحصاری دریافت نماید عایدات حاصله تابع مقررات مواد ۹و ۱۱ قانون ۹ خرداد ۱۳۰٤ خواهد بود.

ماده‌سوم ـ محکومیت بجرم قاچاق مستلزم محرومیت از کسب وتجارت‌جنس موضوع قاچاق است برای پنج سال ولو اینکه این محرومیت در حکم محکمه قید نشده باشد.

محکمه میتواند مدت محرومیت را کمتر از پنجسال معین کند بدون اینکه بتواند درهیچ صورت مدت را از دوسال کمتر قرار بدهد.

این قانون که مشتمل برسه ماده است درجلسه هفتم امرداد ماه یکهزار وسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ دادگر

قانون

اجازه صدور شلتوك

مصوب ۲۷ شهریورماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ هیئت دولت مجاز است درهرسال وبهر مقدار که مقتضی بداند اجازه خروج شلتوك بدهد.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه بیست و هفتم شهریور ماه یکهزار و سیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆قانون

اجازه تأسیس بانك فلاحتی و صنعتی سهامی

مصوب ۲۱ خرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ دولت مجاز است بانك فلاحتی و صنعتی سهامی با سرمایه بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال تأسیس نماید از بابت تأسیس قسمتی از سرمایه این بانك دولت تمام دارائی بانك ایران را ازمنقول و غیرمنقول ومطالبات و غیره و دارائی فعلی شعبه فلاحتی بانك ملی ایران را (که پس از رد طلب صندوق تقاعد از طرف دولت بدولت منتقل شده است) ببانك فلاحتی وصنعتی جدید التأسیس انتقال خواهدداد.

منافعی که بابت سهام دولت عاید میشود تا آخر ۱۳۱۶ بر سرمایه بانك اضافه خواهدشد.

وزارت مالیه میتواند یك قسمت از وجوه موجود وآزاد خزانه را نزد بانك

☆ بموجب ماده نهم قانون متمم بودجه ۱۳۱۷ کشور (دوره یازدهم) سرمایه بانك بیکصد میلیون ریال ترقی داده شده و نیز بموجب ماده نوزدهم قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۰ (دوره ۱۲) سیصد میلیون ریال دیگر اضافه شده و بموجب ماده شانزدهم قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۹ (دوره ۱۲) عنوان بانك ببانك کشاورزی و پیشه وهنر تغییر یافته است.

فلاحتی و صنعتی امانت بگذارد و همچنین از خالصجات دولتی بشرایطی که هیئت وزراء تعیین خواهد نمود بدون آنکه مزایده لازم باشد ببانك مزبور اجاره بدهد.

وصول مطالبات وتأدیه قروض بانك ایران وشعبه فلاحتی بانك ملی نیز بعهده بانك فلاحتی و صنعتی بوده ولی تأدیه قروض بانك ایران موکول بوصول مطالبات آن خواهد بود.

تبصرهـ مقررات قانونی‌که درموضوع مطالبات بانك ایران ومحاکمات مربوط بآن مجری است عیناً درباره همان امور با وجود انتقال به بانك فلاحتی و صنعتی مجری خواهد ماند.

ماده‌دومـ بانك فلاحتی وصنعتی سهامی ایران میتواند کلیه معاملات را برای بسط فلاحت وصنعت مملکت بنماید.

ماده‌سوم ـ مواد قانون تجارت راجع بمحدودیت عده آراءِ صاحبان سهام‌در تشکیلات واساسنامه بانك فلاحتی وقتی لازم‌الرعایه خواهد بود که بیش از دو عشر سهام بانك در دست افراد مردم باشد.

ماده‌چهارم ـ این قانون از تاریخ تصویب مجری و قانون نهم شهریور ۱۳۰۹ راجع بتأسیس شعبه فلاحتی بانك ملی‌ملغی خواهدبود.

این قانون که مشتمل برچهارماده است درجلسه بیست‌ویکم خردادماه‌یکهزار وسیصدو دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید.

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ دادگر

قانون

راجع بفروش خالصجات وقرضه‌های فلاحتی و صنعتی

مصوب ۱۷ دیماه ۱۳۱۲ شمسی

فصل اول ـ فروش خالصجات

ماده‌اول ـ از تاریخ اجرای این قانون تا دهسال دولت مجاز است کلیه خالصجات را باستثنای رقبات مذکور در ماده ۵ مطابق مقررات این قانون بفروش رساند .

ماده دوم ـ فروش خالصجات بطریق مزایده بعمل خواهد آمد باین ترتیب که در هر حوزه کمیسیونی مرکب از سه نفر از رؤسای ادارات آن حوزه بانتخاب وزارت مالیه تشکیل خواهد شد کمیسیون پس از کسب نظر دو نفر خبره محلی حد اقل قیمت هر ملك را معین و اعلان میکند مزایده از قیمتی شروع خواهد شد که حد اقل قیمت تشخیص شده است .

ماده سوم ـ باستثنای مستغلات مالیات هر ملکی که مطابق این قانون بفروش میرسد همان است که در قانون مالیات املاك اربابی مقرر شده مبلغ این مالیات که از روی عایدات سه ساله اخیر بدون آفت معین میشود در اعلان مزایده تصریح خواهد شد .

ماده‌چهارم ـ هر خالصه که ده هزار ریال یا کمتر قیمت داشته باشد فقط در مقابل وجه نقد فروخته خواهد شد ـ سایر خالصجات را میتوان باقساطی که مدت پرداخت آن از پنجسال تجاوز نکند فروخت مشروط بر اینکه لا اقل ربع قیمت و اگر ربع قیمت ده هزار ریال یا کمتر باشد لااقل ده هزار ریال نقداً تأدیه گردد ـ سایر شرایط فروش بموجب نظامنامه های وزارت مالیه معین میشود .

*ماده پنجم ـ خالصجات ذیل مشمول این قانون نیست :

۱ ـ املاك مزروعی حوزه طهران ـ میاندوآب باستثنای املاکی که دولت با افراد مشترکاً مالك است .

۲ ـ خالصجات سیستان ـ بلوچستان ـ پشتکوه ـ لرستان ـ بنی طرف و هندیجان که قسمتی از آنها ممکن است مطابق نظامنامه هیئت وزراء باقساط یا بلاعوض بزارعین واگذار شود .

۳ ـ اراضی خالصه واقعه در بنادر بطور کلی و اراضی خالصه واقعه در سواحل باستثنای نقاطی که دولت بموجب تصویبنامه معین میکند .

٤ ـ املاکی راکه دولت درهرحوزه برای مزرعه نمونه شدن مناسب بداند .

**ماده‌ششم ـ حاصل‌فروش‌خالصجات تا پنجاه میلیون ریال بترتیب مقرر در ماده ۷ ببانك فلاحتی و صنعتی قرض داده خواهد شد بقیه برای سایر امور اقتصادی ذخیره شده و بموجب قوانین مخصوص مورد استفاده میشود .

فصل دوم ـ قرضه های فلاحتی و صنعتی

ماده هفتم ـ وجوه ذیل در بانك فلاحتی و صنعتی امانت گذارده میشود :

* بموجب قانون اجازه فروش خالصجات اطراف تهران مصوب ۲۰ آبان ۱۳۱٦ (دوره یازدهم) اجازه فروش خالصجات اطراف تهران داده شده است و نیز بموجب ماده ۲۰ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۳ در همین کتاب اجازه فروش حقوقی راکه دولت در قصبه شبستر دارد داده شده ونیز بموجب ماده هفتم قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۱ (دوره۱۳) اجازه فروش خالصجات پشتکوه و لرستان طبق قانون بالا بدولت داده شده .

** بموجب ماده پنجم قانون متمم بودجه سال۱۳۱۸ (دوره یازدهم) وزارت دارائی مجازاست در مواقعی که مقتضیات ایجاب مینماید املاك و یا مستغلاتی خریداری وبهای آنرا از فروش خالصجات پرداخت و پس از فروش قیمت آنرا بحساب فروش خالصجات منظور دارد .

الف ـ بیست‌میلیون‌ریال بضمانت دولت ازوجوه صندوق‌تقاعد بامانت ده‌ساله .

ب ـ پنجاه میلیون ریال از محل فروش خالصجات بامانت ده ساله .

ج ـ عندالضروره پنج میلیون ریال از وجوه دیگری که دولت دراختیار خود دارد باستثنای وجوه انحصار قند و چای بامانت یکساله .

ماده هشتم ـ دولت مکلف است در بودجه سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱٤ سالی پنج میلیون ریال برای افزودن بسرمایه بانك فلاحتی و صنعتی منظور بدارد .

ماده نهم ـ بانك فلاحتی‌وصنعتی از محلهای مذکور در مواد ۷ و ۸ وسرمایه فعلی خود هرسال مبلغی برای انجام مقاصد مذکور در ماده ۱۰ قرض خواهد داد .

مدت قرضه‌های هرسال مطابق نظامنامه‌های مصوب مجمع‌عمومی بانك فلاحتی و صنعتی خواهد بود .

مجموع وجوهی که بانك در ظرف دهسال قرض میدهد :

سیصد و پنجاه میلیون ریال و مبلغ قرضه های هرسال بترتیب ذیل است :

سال اول	۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال
سال دوم	۲۰۰۰۰۰۰۰ «
سال سوم	۲۰۰۰۰۰۰۰ «
سال چهارم	۳۰۰۰۰۰۰۰ «
سال پنجم	٤۰۰۰۰۰۰۰ «
سال ششم	٤۰۰۰۰۰۰۰ «
سال هفتم	٤۰۰۰۰۰۰۰ «
سال هشتم	٤۰۰۰۰۰۰۰ «
سال نهم	٥۰۰۰۰۰۰۰ «
سال دهم	٥۰۰۰۰۰۰۰ «

☆**ماده دهم** ـ وجوه مذکوره درماده فوق‌را بانك منحصراً برای انجام یکی از مقاصد ذیل میتواند قرض بدهد :

الف ـ ایجادتوسعه یابهبودی‌زراعت‌پنبه ـ چای ـ چغندر ـ پسته ـ بادام ـ کنف ـ نیل و روناس ـ ابریشم ویا هرنوع محصول دیگری که ایجاد یاتوسعه آن در ولایتی که درنظر گرفته شده است مفید باشد این‌نوع محصولات درنظامنامه هائی که اداره کل فلاحت تهیه و هیئت وزراء تصویب میکند معین خواهد شد .

ب ـ اصلاح‌نژاد حیوانات اهلی ومحصولاتی که ازحشم ومواشی بدست‌میآید.

ج ـ ایجاد یا تنقیه و تعمیر قنوات وبطورکلی اصلاح امور آبیاری .

د ـ ازدیاد صادرات فلاحتی .

هـ ـ تهیه‌وازدیاد عوامل‌زراعتی‌برای‌مقاصد مذکوره دربندهای‌الف و د ☆☆

❀❀❀**ماده‌یازدهم**ـ بانك فقط درمقابل وثیقه ملکی قرض‌خواهد داد ـ فرع قرضهائی که برای مقاصد مذکور درماده فوق داده میشود نباید ازصدی‌شش درسال تجاوز کند .

❀ بماده دهم بالا بموجب‌ماده نهم قانون‌متمم بودجه‌سال ۱۳۱٤ (درهمین کتاب) که عیناً نقل‌میشود ایجاد شرکت رهنی علاوه شده :

ماده ۹ ـ بانك فلاحتی و صنعتی مکلف است شرکتی باسم شرکت رهن املاك تأسیس نموده و در سال ۱۳۱٤ تاپنج میلیون ریال ازسرمایه و سایر وجوهی را که در اختیار خود دارد درآن شرکت بکار بیندازد ـ اساسنامه شرکت مزبور ونظامنامه های‌مربوطه آن باموافقت‌وزارت مالیه تنظیم خواهد شد .

❀❀ بموجب قانون۱۳ اسفند ۱۳۱۲ که بعداز این قانون چاپ شده اجازه داده شده است برای مساعدت بگردش کارخانه های داخلی نیز قرض‌داده شود .

❀❀❀ ماده ۷ قانون متمم بودجه ۱۳۱۷ کشور دوره ۱۱ که وارد بماده(۱۱)است‌عیناًنقل‌میشود:

ماده ۷ ـ بانك فلاحتی وصنعتی ایران میتواند علاوه بر وثیقه ملکی وثائق دیگری که بموجب تصویبنامه هیئت وزراء تعیین خواهد گردید برای دادن وام قبول نماید .

ماده‌دوازدهم ـ هر گاه وجه استقراضی در کاری که برای آن استقراض بعمل آمده ودرقرارداد بآن تصریح شده مصرف نشود بانك برای مدیون اخطاریه فرستاده و کل مبلغ بدهی را مطالبه خواهدکرد .

درصورتیکه مدیون درظرف سه ماه دین خود را نپردازد بانك بفروش ملکی که وثیقه دارد اقدام خواهد نمود .

در مورد این ماده مدیون علاوه برفرع مقرر جریمهٔ معادل‌صدی‌دوازده وجه استقراضی درسال ازابتدای استقراض تا روز وصول طلب خواهد پرداخت .

اختلافات حاصله از مقررات این ماده بطریق حکمیت قطع و فصل میشود .

طرز تعیین حکم‌ها وسایر مقررات مربوط بحکمیت بموجب نظامنامهٔ خواهد بود که بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس میرسد .

ماده سیزدهم ـ دولت مجاز است ازتاریخ اجرای این قانون تاپنجسال سالیانه صد هزار لیره از ذخیره مملکتی ببانك فلاحتی قرض بدهد .

این وجوه مخصوص اعطای قرضه هائی خواهد بود که صاحبان کارخانه‌ها برای بسط وتکمیل وتبدیل کارخانه وامور صنعتی خود احتیاج بآن داشته باشند ـ شرایط اساسی این قرضه ها بموجب نظامنامه هیئت وزراء معین میشود .

ماده چهاردهم ـ کلیه مالکین املاك مزروعی مکلفند مطابق نقشهٔ که برای آبادی املاك و بهبودی محصولات فلاحتی از طرف اداره کل فلاحت تنظیم و بتصویب هیئت دولت و کمیسیون قوانین مالیه مجلس میرسد عمل کرده و درمدتی که برای اجرای آن نقشه معین میشود آن را بموقع اجرا بگذارند. باهرمالکی که در مدت مقرر نقشه اصلاحات فلاحتی‌را اجرا نکند مطابق مقررات قانونی که بعداً وضع میشود رفتار خواهد شد .

ماده پانزدهم ـ این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

این قانون که مشتمل برپانزده ماده است درجلسه هفدهم دیماه یکهزاروسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شواری ملی ـ دادگر

قانون

اجازه مساعدت به کارخانه های داخلی بوسیله اعطای قرضه

مصوب ۱۳ اسفند ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ بانك فلاحتی میتواند از محل وجوه مذکور در مواد ۷ و ۸ قانون فروش خالصجات وقرضه های فلاحتی وصنعتی مصوب ۱۷ دیماه ۱۳۱۲ هرسال مبلغی برای مساعدت بگردش کارخانه های داخلی قرض بدهد ـ درمقابل این نوع قرضه ممکن است بجای وثیقه ملکی خود کارخانه را بوثیقه گرفت.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سیزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تکمیل قانون بانك فلاحتی وصنعتی ایران

مصوب ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده - بانك فلاحتی و صنعتی ایران مجاز است بمنظور انجام مقاصد

ماده دوازدهم ـ هر گاه وجه استقراضی در کاری که برای آن استقراض بعمل آمده ودرقرارداد بآن تصریح شده مصرف نشود بانك برای مدیون اخطاریه فرستاده و کل مبلغ بدهی را مطالبه خواهدکرد .

درصورتیکه مدیون درظرف سه ماه دین خود را نپردازد بانك بفروش ملکی که وثیقه دارد اقدام خواهد نمود .

در مورد این ماده مدیون علاوه برفرع مقرر جریمهٔ معادل‌صدی‌دوازده وجه استقراضی درسال ازابتدای استقراض تا روز وصول‌طلب خواهد پرداخت .

اختلافات حاصله از مقررات این ماده بطریق حکمیت قطع و فصل میشود .

طرز تعیین حکم‌ها وسایر مقررات مربوط بحکمیت بموجب نظامنامهٔ خواهد بود که بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس میرسد .

ماده سیزدهم ـ دولت مجاز است ازتاریخ اجرای این قانون تاپنجسال سالیانه صد هزار لیره از ذخیره مملکتی ببانك فلاحتی قرض بدهد .

این وجوه مخصوص اعطای قرضه هائی خواهد بود که صاحبان کارخانه‌ها برای بسط وتکمیل وتبدیل کارخانه وامور صنعتی خود احتیاج بآن داشته باشند ـ شرایط اساسی این قرضه ها بموجب نظامنامه هیئت وزراء معین میشود .

ماده چهاردهم ـ کلیه مالکین املاك مزروعی مکلفند مطابق نقشهٔ که برای آبادی املاك و بهبودی محصولات فلاحتی از طرف اداره کل فلاحت تنظیم و بتصویب هیئت دولت و کمیسیون قوانین مالیه مجلس میرسد عمل کرده و درمدتی که برای اجرای آن نقشه معین میشود آن را بموقع اجرا بگذارند. باهرمالکی که در مدت مقرر نقشه اصلاحات فلاحتی‌را اجرا نکند مطابق مقررات قانونی که بعداً وضع میشود رفتار خواهد شد .

ماده پانزدهم ـ این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

این قانون که مشتمل برپانزده ماده است درجلسه هفدهم دیماه یکهزاروسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شوارى ملی ـ دادگر

قانون

اجازه مساعدت به کارخانه های داخلی بوسیله اعطای قرضه

مصوب ۱۳ اسفند ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ بانك فلاحتی میتواند از محل وجوه مذکور در مواد ۷ و ۸ قانون فروش خالصجات وقرضه های فلاحتی وصنعتی مصوب ۱۷ دیماه ۱۳۱۲ هرسال مبلغی برای مساعدت بگردش کارخانه های داخلی قرض بدهد ـ درمقابل این نوع قرضه ممکن است بجای وثیقه ملکی خودکارخانه را بوثیقه گرفت.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سیزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تکمیل قانون بانك فلاحتی و صنعتی ایران

مصوب ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده - بانك فلاحتی و صنعتی ایران مجاز است بمنظور انجام مقاصد

مقرره در قانون ۱۷ دیماه ۱۳۱۲ مؤسساتی از تولید کنندگان و همچنین شرکتهائی تأسیس نموده و وسائل مالی آنها را خواه بوسیله شرکت در آنها و خواه بوسیله اعطای اعتبارات که شرایط آن بموجب نظامنامه هیئت وزراء تنظیم خواهد شد ایجاد نماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سیزدهم شهریورماه یکهزارو سیصدو سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

☆ قانون

معافیت ماهیهای موسوم به متو و حشینه صادره ازخلیج فارس از حقوق گمرکی

مصوب ۸ امردادماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ ماهیهای موسوم به متووحشینه که در سواحل خلیج فارس صید میشود درموقع صدور از پرداخت حقوق گمرکی معاف میباشد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه هشتم امرداد ماه یکهزارو سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆ این قانون بموجب بند هشت ازماده (۱۰) قانون اصلاح قانون تعرفه گمرکی و مالیات راه مصوب ۲۲ تیر ۱۳۲۰ (دوره دوازدهم) نسخ‌شده است.

قانون

معافیت فلز طلا و نقره وارده بنام دولت از حقوق گمرکی و عوارض

مصوب ۳ دیماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده - فلز طلا ونقره بهرشکل وبهرمقدار که بنام دولت وارد مملکت میشود ازتأدیه حقوق گمرکی وسایر عوارض معاف خواهد بود.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سوم دیماه یکهزار وسیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

معافیت جهازات متعلق باداره بندر و اشیاء و تدارکات وزارتجنك از عوارض بندری

مصوب ۳ دیماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده - علاوه برجهازات مذکوره درماده دوم قانون پنجم بهمن ۱۳۰۶ جهازات و اشیاءِ ذیل نیز از عوارض بندری معاف است:

بموجب ماده ۹ قانون ۲۶ اسفندماه ۱۳۱۲ طلا و نقره وارده بنام دولت قبل از این قانون نیز از تأدیه حقوق گمرکی وعوارض ومالیاتهای دیگر معاف شده است.

بموجب ماده ۱۲ قانون متمم بودجه ۱۳۱۴ مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۱۳ ورودطلای شمش از پرداخت حقوق گمرکی معاف شده است - طلاهائی نیز که درسال ۱۳۱۳ بانك ملی برای ذخیره اسکناس وارد کرده است مشمول این معافیت میباشد.

وبموجب بند ۹ ماده (۱۰) قانون اصلاح قانون تعرفه گمرکی ومالیات راه مصوب ۲۲ تیر ۱۳۲۰ (دوره ۱۲) نسخ شده است.

۱ ـ جهازات متعلق باداره بندر که اختصاصاً برای امور بندر بکار میروند .
۲ ـ اشیاءِ لازمه برای تدارکات وزارت جنك و اداره تشکیلات امنیه .
تبصره ـ جهازات و اشیاءِ مذکوره درفقره ۱و۲ این ماده که قبل از تصویب این قانون وارد و عوارض بندری آن پرداخت نگردیده است مشمول این معافیت خواهند بود .

این قانون که مشتمل بر یکماده است درجلسه‌سوم دیماه یکهزاروسیصدودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

✡ قانون

مالیات برعایدات و حق تمبر

مصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ شمسی

فصل اول ـ مالیات برعایدات

ماده ۱ ـ از عایدات خالص مشمولین این قانون در صورتیکه از ۵۰۰۰ ریال در سال تجاوز کند طبق مقررات ذیل مالیات اخذ خواهدشد :

تبصره ۱ ـ عایدات خالص از لحاظ این قانون عبارت از مجموع عایدات مؤدی است در دوره مالیاتی منهای مخارج جاری و مصارف شغل در حدودی که برای تحصیل و حفظ عایدات مزبور در دوره مالیاتی ضروری است و درنظامنامه مصوب کمیسیون قوانین مالیه تعیین خواهدشد.

✡ مواد ۷ ـ ۱۰ ـ ۱۳ ـ ۱٤ و ۱۵ و همچنین جمله اخیر ماده ۸ این قانون بموجب قانون ۲٤ آذر ۱۳۱۳ در همین کتاب نسخ شده است و بموجب قانون اصلاح قانون مالیات بردرآمد مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۱۷ بعضی از مواد آن اصلاح ومواد ۸ و۱۷ وتبصره دوم ماده ۲۳ ملغی وبعداً بموجب قانون مالیات بردرآمد مصوب ۱۹ آبان ۱۳۲۲ دوره سیزدهم قانون بالا باستثنای مواد مربوط بحق تمبروچك وسایر برگها واسناد بازرگانی وقانون ۲٤ آذر ۱۳۱۳ وقانون۲۸ اسفند ۱۳۱۷ ملغی شده است .

تبصره ۲ ـ عایدات املاك اربابی و خالصه انتقالـی و مستغلات مشمول قوانین مخصوص خود می‌باشد .

ماده ۲ ـ مکلفین پرداخت مالیات مذکور درماده قبل عبارتند از :

الف ـ هر نوع شرکت انتفاعی که مرکز اصلی آن در ایران است و هر نوع شرکت انتفاعی که مرکز اصلی آن درخارجه بوده ودر ایران دارای مؤسسه (شعبه نماینده ویا امثال‌آن) باشد و یا بوسیله دیگر در ایران عوائدی تحصیل نماید .

ب ـ مستخدمین دولتی ـ مملکتی وبلدی وبطور کلی اشخاصی که ازدیگران حقوقی‌دریافت میدارند .

ج ـ اشخاص ومؤسسات مذکور درماده ۱۲ .

ماده ۳ ـ اشخاص ومؤسسات ذیل ازپرداخت مالیات معافند :

الف ـ سفرای کبار ووزرای مختار وسایر نمایندگان سیاسی خارجه .

ب ـ بشرط معامله متقابله قنسول ها و وکلای قنسولی واعضای سفارتخانه‌ها وقونسولگریها نسبت بحقوقی که از دولت خودمیگیرند مشروط براینکه دارای تابعیت دولتی که نماینده‌آن‌هستند بوده و دولت ایران آنها را باین سمت شناخته باشد .

ج ـ صاحبمنصبان قشون‌وامنیه ونظمیه نسبت بحقوقی که از وزارتخانه ویا ادارات متبوعه خود دریافت میدارند .

۱ – شرکتهای انتفاعی

ماده ۴ ـ از شرکتهائی که مرکز اصلی آنها در ایران است بنسبت‌کلیه عایـدات خالص آنها مالیات گرفته خواهد شد ولو اینکه تمام یا قسمتی از آن عایدات در خارجه تحصیل شده باشد .

عایدات خالص شرکتها که از آن مالیات گرفته میشود عایدات خالص سال قبل شرکت است بانضمام وجوه ذخیره آن سال ـ در هر مورد کـه سال محاسباتی شرکت بـا سال شمسی تطبیق نکند ازعایدات خالص دورهٔ که محاسبه آن درسنه قبل بسته شده مالیات گرفته‌خواهدشد.

برای تعیین عایدات خالص شرکتها اشیاء ساخته شده و مال‌التجاره موجوده شرکت بقیمت روز حساب میشود مبالغی که برای استهلاك کسور اموال منقول وغیر منقول شرکت منظور شده از مجموع عایدات غیر خالص موضوع میشود مشروط براینکه کسور واقعی بوده و مربوط بسالی باشد که بحساب مالیاتی آن سال رسیدگی میشود .

تبصره ـ عوائد ذیل را درصورت ابراز ادله مثبته باید ازعایدات غیرخالص کسرنمود :

الف ـ عوائد املاك اربابی ومستغلات وخالصجات انتقالی .

ب ـ حقوق یا برداشت های شرکائی که در مؤسسات شرکت شغلی را عهده دار هستند مشروط براینکه درحد متعارف بوده و از مبالغیکه باین عناوین استفاده کردهاند مطابق مقررات ماده ۱۰ مالیات مقرر خودرا پرداخته باشند .

ماده ۵ ـ مالیات شرکتهای انتفاعی مذکور درماده ۲ که مرکز اصلی آنها در خارجه است در مرکز اداری آنها در ایران از منافع کلیه معاملاتی کـه مؤسسات آنها در ایران خواه بحساب شرکت وخواه بحساب دیگری (بتوسط شرکت) انجام دادهاند اخذ میشود .

شرکت های مذکوره باید برای معاملات فوق حساب جداگانه نگاه دارند .

مقررات ماده ٤ ازقسمت ۲ ببعد درمورد این شرکتها نیز مجری میشود ـ درمحاسبه مخارج عادی واداری مؤسسات این شرکتها فقط مخارج مؤسسات واقعه در ایرانرا میتوانمنظورنمود .

تبصره ـ عایداتی کـه باسعار خارجی بحساب آمده بایستی در موقع تعلق مالیات بنرخ روز بپول ایران تسعیر شود .

ماده ٦ ـ مأخذ مالیات آخرین سنه عملیات شرکت ها قیمت حقیقی دارائـی شرکت است منهای :

الف ـ سرمایهای که پرداخته شده وباید بشرکاء مسترد شود .

ب ـ ذخیرههائی که قبلا مالیات آنها پرداخته شده است .

در مواردیکه دارائی شرکت در اثـر انحلال یـا علل دیگر تقسیم میشود مالیات پس از وضع اقلام فوق از مجموع دارائی کـه بشکل نقود یا اسناد ذیقیمت و یا غیر آن تقسیم میگردد دریافت خواهدشد .

ماده ۷ ـ میزان مالیات شرکتها مطابق ترتیب ذیل تعیین میشود :

عایدات خالص سالیانه از ۵۰۰۱ ریال تا ۲۵۰۰۰ ریال صدسه از مازاد ۵۰۰۰ ریال .

عایدات خالص سالیانه از ۲۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰۰ ریال صدسه ونیم نسبت بمازاد ۲۵۰۰۰ ریال .

عایدات خالص سالیانه از ۱۰۰۰۰۱ ریال ببالا صدچهار نسبت بمازاد ۱۰۰۰۰۰ ریال .

ماده ۸ ـ شرکتهای مشمول مالیات قبل از ۱۵ تیر هرسال ویا درظرف چهار ماه پس از خاتمه عملیات مکلفند :

اولا ـ سوادی از آخرین بیلان و حسابهـای نفع وضرر خود کـه صحت آن از طرف

نمایندگان صلاحیتدار آنها تصدیق شده باشد بضمیمه کلیه اطلاعاتی که برای اجرای مقررات این قانون ونظامنامه‌های اجرائیه آن لازم باشد باداره مالیه محلی که مرکز اصلی شرکت یامرکز اداری شرکت خارجی درایران درآن محل واقع است تسلیم نمایند .

ثانیاً ـ مالیاتی را که برعایدات آنها تعلق میگیرد تأدیه نمایند .

درهیچ مورد مالیات شرکتها نبایستی ازمالیات مذکور درماده ۱۷ کمتر باشد .

۲ ـ مستخدمین دولتی ومملکتی وبلدی وکلیه اشخاصی که از دیگران حقوق دریافت میدارند

ماده ۹ ـ برکلیه حقوق بگیران اعم ازکسانی که از وزارت خانه‌ها ـ ادارات دولتی ـ مملکتی یا بلدی یا مؤسسات تابعه آنها ویا از مؤسسات تجاری صنعتی شرکتها یا اشخاص دیگر حقوق میگیرند (باستثنای حقوق تقاعد) مالیات برعایدات تعلق میگیرد .

کلیه عایدات اشخاص فوق ازقبیل حقوق ثابت یاغیرثابت ـ مدد معاش ـ فوق‌العاده ـ شهریه ـ مستمری ـ اجرت ـ انعام ـ فوق‌العاده اضافه کار و نظایر آنها بدون وضع هیچگونه کسوری مشمول مالیات هستند فقط خرج سفر وامثال آن از پرداخت مالیات معاف است .

تبصره ـ استفاده های غیر نقدی حقوق بگیران از قبیل استفاده مجانی از خانه و اتومبیل وامثال آن بحقوق نقدی اضافه میشود .

بوزارت مالیه اجازه داده میشود که استفاده های غیر نقدیرا بطور مقطوع تقویم نماید .

ماده ۱۰ ـ میزان مالیات اشخاص فوق مطابق ترتیب ذیل تعیین واخذ میگردد :

حقوق ماهیانه کمتر از ۴۲۰ ریال درماه از مالیات معاف است .

حقوق ماهیانه از ۴۲۰ تا ۵۰۰ ریال درماه صدنیم ازمجموع حقوق .

حقوق ماهیانه از ۵۰۱ ریال تا ۱۰۰۰ ریال در ماه صدیك ونیم نسبت بمازاد ۵۰۰ ریال .

حقوق ماهیانه از ۱۰۰۱ ریال تا ۲۰۰۰ ریال درماه صددونسبت بمازاد ۱۰۰۰ ریال .

حقوق ماهیانه از ۲۰۰۰ ریال ببالا صدچهار نسبت بمازاد ۲۰۰۰ ریال .

تبصره ـ از حقوق غیر ثابت مانند : فوق‌العاده ـ انعام و نظایر آنها صدی سه مالیات اخذ خواهد شد .

ماده ۱۱ ـ مالیات مقرر در مواد ۹ و ۱۰ بمجرد تخصیص یا پرداخت حقوق و استفاده غیر نقدی تعلق میگیرد ـ وزارتخانه‌ها ـ ادارات دولتی و مملکتی و بلدی یا مؤسسات تابعه آنها ـ مؤسسات تجاری و صنعتی ـ شرکتها و اشخاص دیگر موظفند مالیات را حتی در مواردیکه مؤدی معترض باشد ازوجوه و استفاده های غیرنقدی پرداختی یا تخصیص داده شده کسر ومنتهی درظرف

یکماه بصندوق مالیه بپردازند. بلدیه‌ها وهمچنین‌شرکتها و اشخاص وتجارتخانه‌ها وسایر مؤسسات خصوصی مکلفند قبل از ۱۵ خرداد هرسال صورتی ازاسامی مستخدمین خود که مشمول این‌قانون هستند با تعیین حقوق و استفاده های غیرنقدی آنها درسال قبل ومالیاتی که درسال مزبور بصندوق مالیه پرداخته‌اند بمالیه محل تسلیم نمایند.

اشخاصی که در ایران از تجارتخانه‌ها ومؤسسات و اشخاص مقیم خارجه که در ایران تجارتخانه یا مرکز اداری ندارند حقوق میگیرند مکلفند ماهیانه یا در مواعدی که حقوق دریافت میکنند مالیاتی که باین عوائد تعلق میگیرد باداره مالیه محل اقامت خود بپردازند.

۳ـ سایر مشمولین

ماده ۱۲ ـ این طبقه ازمشمولین عبارتنداز:

الف ـ تجار (کسانیکه مطابق‌قانون تجارت مصوب اردی‌بهشت ماه ۱۳۱۱ تاجر شناخته میشوند).

ب ـ طبیب ـ جراح ـ کحال ـ دندانساز ـ قابله.

ج ـ هر هیئت یا مؤسسه که در ایران به اعمال تجارتی یا صنعتی اشتغال داشته و همچنین هرکس اعم از فرد یا هیئت یا موسسهٔ که از ممری سوای آنچه قبلا در این قانون ذکر شده عایداتی مستمر یا اتفاقی در ایران بدست آورد اعم ازاینکه ساکن ایران باشد یاساکن‌خارجه.

❀ **د**ـ هرکس درایران اقامتگاه یاسکونت اختیار کرده وعوائدی ازخارجه تحصیل‌نماید.

ماده ۱۳ ـ مالیاتیکه برعایدات تجارتعلق میگیردبطورمقاطعه وبترتیب ذیل‌خواهد بود:

تجار به شش درجه تقسیم میشوند:

درجه اول ـ تاجریکه عایدات خالص سالیانه‌اش ۶۰۰۰۰ ریال ویا بیشتر است.
درجه دوم ـ » » » » لااقل ۵۰۰۰۰ ریال است.
درجه سوم ـ » » » » » » ۴۰۰۰۰ » »
درجه چهارم ـ » » » » » » ۳۰۰۰۰ » »
درجه پنجم ـ » » » » » » ۲۰۰۰۰ » »
درجه ششم ـ » » » » » » ۱۰۰۰۰ » »

❀ ـ بموجب قانون مصوب ۱۲ آبان ۱۳۱۵ (دوره‌دهم) فقره (د) ماده ۱۲ اصلاح شده است. وبموجب بند یك ماده دوم قانون مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۷ (دوره۱۱) نیز اصلاح شده‌است.

مالیات هردرجه بترتیب ذیل تعیین میشود :

درجه اول ـ حداقل مالیات ٢٤٠٠ ریال.

درجه دوم ـ » ٢٠٠٠ »

درجه سوم ـ » ١٦٠٠ »

درجه چهارم ـ » ٩٠٠ »

درجه پنجم ـ » ٣٠٠ »

درجه ششم ـ » ١٥٠ »

عایداتی که از عایدات حد اقل درجه اول تجاوز کند برای هر (١٠٠٠٠) ریال اضافه ٤٠٠ ریال علاوه مالیات خواهد پرداخت .

اشتغال بهرنوع کسب و تجارت و بطور کلی اشتغال بهرنوع عملیات صنعتی یا تجاری محتاج بداشتن جواز است مگر درمورد کسانیکه عایدات خالص آنها کمتر از سالی (٥٠٠٠) ریال باشد قیمت جواز سالیانه (٦٠) ریال خواهد بود مالیات برعوائد درموقع دادن جواز مطابق ترتیب فوق مأخوذ میشود ـ در روی هرجواز درجه تاجر ومیزان مالیاتیکه پرداخته قید میگردد .

تبصره ـ کلیه کسبه واصناف ازطبقه تجارمحسوب ومطابق مقررات فوق باآنها رفتارمیشود.

ماده ١٤ ـ مالیاتی که بر عایدات طبیب ـ جراح ـ کحال ـ دندانساز ـ قابله تعلق میگیرد بطور مقاطعه وترتیب ذیل اخذ میشود :

مشمولین این ماده بهشش درجه تقسیم میشوند :

درجه‌اول کسیکه‌عایدات‌خالص‌سالیانه‌اش‌لااقل ٦٠٠٠٠ ریال‌است ١٢٠٠ ریال‌مالیات‌خواهد پرداخت.

درجه دوم	»	»	»	٥٠٠٠٠ »	»	١٠٠٠ »	»
درجه‌سوم	»	»	»	٤٠٠٠٠ »	»	٨٠٠ »	»
درجه چهارم	»	»	»	٣٠٠٠٠ »	»	٦٠٠ »	»
درجه پنجم	»	»	»	٢٠٠٠٠ »	»	٣٠٠ »	»
درجه ششم	»	»	»	١٠٠٠٠ »	»	١٠٠ »	»

اشتغال بمشاغل مذکور دراین ماده محتاج بداشتن جوازاست‌مگر درمورد کسانیکه عایدات خالص آنها از سالی ٥٠٠٠ ریال کمتر باشد .

قیمت جواز سالیانه ٣٠ ریال خواهد بود .

مالیات برعایدات درموقع دادن جواز مطابق ترتیب فوق اخذ میشود در روی‌جواز درجه

مالیات بده ومیزان مالیاتیکه پرداخته قید میگردد .

ماده ۱۵ ـ میزان مالیات مشمولین بند ج و د ماده ۱۲ بترتیب ذیل تعیین میشود :

عایدات خالص سالیانه از ۵۰۰۱ الی ۶۰۰۰ ریال صدیك ازمجموع
« « « « ۶۰۰۱ « ۱۲۰۰۰ « صدیك ونیم «
« « « « ۱۲۰۰۱ « ۲٤۰۰۰ « صد دو «
« « « « ۲٤۰۰۱ « ۳۶۰۰۰ « صد سه «

عایدات خالص سالیانه از ۳۶۰۰۱ ریال ببالا صد چهار از مجموع .

ماده ۱۶ ـ مالیات سالیانه مشمولین مذکور در ماده ۱۲ بنسبت عایدات خالص آنها در ظرف سال شمسی قبل و هرگاه سال محاسباتی آنها با سال شمسی تطبیق نکند بـه نسبت عایدات خالصی که محاسبه آن درسنه قبل بسته شده گرفته میشود ـ درصورتیکه مشمول در سال شمسی جاری شروع بتحصیل عوائد کرده باشد به نسبت عایداتی که درآن مدت ازسال برای او تشخیص میشود مالیات خواهد پرداخت .

ماده ۱۷ ـ عایـدات خالص مشمولین ماده ۱۲ از روی قرائن و اماراتی از قبیل میزان معاملات ـ مبلغ مال‌الاجاره ـ حق العمل ـ حق الـزحمه ـ حق‌العلاج و غیره کـه در نظامنـامه مخصوص تشریح خواهـد شد معین میشود این نظـامنامه بتصویب کمیسیون قوانین مـالیه مجلس خواهد رسید .

برای تشخیص اینکه قرائن وامارات درهرمحل حاکی ازچه میزان عایدات‌است وبرای رفع اختلاف بین مالیه و مؤدیان در هر حوزه مالیاتی یك یاچند کمیسیون موسوم بکمیسیون تشخیص تشکیل میشود .

طرز تشکیل کمیسیونهای تشخیص وحدود صلاحیت وطریق رسیدگی آنها در نظامنامه‌های مصوب کمیسیون قوانین مالیه مجلس معین خواهدشد .

ماده ۱۸ ـ مشمولین ماده ۱۲ مکلفند قبل از ۱۵ خرداد هرسال اظهار نامهٔ کـه حاوی کلیه اطلاعات لازمه برای اجرای مقررات این قانون ونظامنامه‌های مربوطه آن باشد باداره مالیه محل تسلیم نموده و در همان موقع مالیات خود را به نسبت عایدات اظهارشده تأدیه نمایند .

❀ **ماده ۱۹** ـ هرگاه اداره‌مالیه مالیات اظهارشده‌را صحیح نداند نظرخودرا باذکردلائل

❀ این‌ماده بموجب ماده ۱۵ قانون متمم بودجه ۱۳۱۵ کشور (دوره دهم) حذف شده است .

کتباً به کمیسیون مربوطه تشخیص اطلاع خواهدداد .

کمیسیون درصورت موافقت بانظر مالیه عین آن را و درصورتی که میزان مالیات رابیشتر از مالیات اظهار شده و کمتر از مالیاتی که بنظر مالیه رسیده است تشخیص دهد میزانی را که خود تشخیص میدهد با ذکر دلائل بمؤدی ابلاغ و اخطار مینماید تا اگر اعتراضی دارد درظرف بیست روز اعتراضنامه خود را با ذکر دلائل بکمیسیون بدهد در صورت تسلیم صریح مؤدی به تشخیص کمیسیون ویا عدم اعتراض در مدت مقرر میزان مالیاتی که باو ابلاغ شده قطعی و وصول خواهدشد مگر اینکه مسلم گردد اشتباه در محاسبه شده است .

ماده ۲۰ ـ هرگاه مؤدی در مدت مقرر نسبت بمیزان مالیات ابلاغ شده اعتراض نماید موضوع بکمیسیون تشخیص ارجاع خواهد شد کمیسیون طبق نظامنامه مذکور در قسمت اخیر ماده ۱۷ رسیدگی کرده رأی خواهد داد رأی کمیسیون پس از ابلاغ بطرفین قطعی و لازم الاجرا است مگر در مواردیکه موضوع اختلاف راجع بمالیاتی باشد که مبلغ آن متجاوز از ۵۰۰۰ ریال است که دراین صورت میتوان درظرف یکماه ازتاریخ ابلاغ بمحکمه تجدید نظر محاکمات مالیه مراجعه نمود .

هرگاه مراجعه بمحاکمات مزبور از طرف مؤدی بعمل آید مشارالیه باید قبلا معادل وجه مابه الاختلاف را درصندوق مالیه ودیعه گذارد .

ماده ۲۱ ـ مالیات مؤدیانی که از تسلیم اظهار نامه برای تعیین مالیات خود و یا مالیاتهائیکه مسئولیت پرداخت آن بعهده آنها است درمدت مقرر خود داری نمایند رأساً از طرف مالیه بر طبق قرائن و امارات تعیین و وصول میشود مگر اینکه مؤدی معذور بوده و اداره مالیه عذر او را موجه بداند ولی درهرحال مؤدی مطابق مواد ۱۹ و ۲۰ حق مراجعه خواهد داشت .

این مراجعه مانع از اعمال مقررات ماده ۲۳ و ۲۴ درباره مشارالیه نخواهد بود .

ماده ۲۲ ـ مقررات مواد ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ این قانون نسبت بشرکتها و اشخاص مذکور در ماده ۹ نیز قابل اجرا خواهد بود .

مقررات عمومی

ماده ۲۳ ـ هیئت وزراء می توانند برای متخلفین از مقررات این قانون یا نظامنامه های مصوب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی ویا مقرراتیکه ازطرف وزارت مالیه برای تشخیص وتفتیش (درحدود این قانون) و وصول مالیات وضع میشود جریمه‌هائی معین کنند که حد اکثر آن معادل دوبرابر مالیات پرداخته نشده خواهد بود ـ وصول این جرائم بعهده ادارات مالیه است.

در مواردیکه بواسطه عدم تسلیم اظهار نامه ویا درنتیجه تسلیم اظهارنامه مخدوش ویاناقص ویا مخالف حقیقت مالیات وصول نشود دولت حق‌دارد تا مدت سه سال که مبداء آن سنه ایست که مالیات آن میبایستی اخذ شود مالیات خود را بضمیمه جرائم مطالبه و وصول‌نماید - مقررات مواد ۱۹ - ۲۰ و ۲۱ درموارد فوق نیز قابل اجرا است.

***تبصره ۱** - درمورد مشمولین قسمت الف و ب ماده ۱۲ مقررات قسمت اخیراین ماده فقط در صورتی مجری است که مؤدی تحصیل جوازنکرده باشد.

تبصره ۲ - تفتیش دردفاتر واوراق ومحاسبات تجارتی وشخصی برای تعیین مالیات‌ممنوع است مگر اینکه مؤدی خود بخواهد آنرا ارائه بدهد.

ماده ۲٤- درمواردیکه اشخاص - شرکتها - مؤسسات - تجارتخانه‌ها وبطورکلی‌مشمولین این قانون در تأدیه مالیات خود و یا مالیاتی که مسئولیت پرداخت آن بعهده آنها میباشد تأخیر نمایند نسبت بهرماه تأخیر ملزم به پرداخت جریمه ای خواهند بود معادل دو در صد مالیات که درهرحال نمی تواند از ٥ ریال کمتر باشد.

برای تأمین وصول مالیات وجرائم پیش بینی شده دراین قانون دولت مجازاست نظامنامهٔ بر اساس مقررات راجع باجرای اسناد ثبت شده تنظیم نماید.

دولت می تواند برای تأمین مالیات شرکتها و کلیه مؤدیانی که در ایران دارائی ثابتی ندارند و یا دارائی ثابت آنها غیر مکفی است مطالبه تضمینات کافیه نموده و کلیه تدابیری که برای گرفتن تأمین ویا بقای آن لازم است بعمل آورد.

ماده ۲٥ - درموقع وصول مالیات وجرائم ومخارج وصول مطالبات دولت ازعوائدواموال منقول مدیونین و یا ضامن آنها جز در مورد توقف دولت نسبت بسایر طلبکاران حق تقدم خواهد داشت واین حق پس از انقضای سه سال نسبت بمطالبات هرسنه ساقط میشود.

فصل دوم

حق تمبر چك وسایر اوراق واسناد تجارتی

ماده ۲٦ - ازاسناد بهادار حق تمبر بمیزان ذیل اخذ میشود:

۱ - از چك های صادره یا معامله شده در ایران و وجوهیکه ازحساب جاری بوسیله قبض اخذ ویا حوالجاتی که از بابت اوراق اعتبار صادر میشود (باستثنای دستور انتقال وجه از حسابی

* این تبصره بموجب ماده (۱۵) قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۵ (دوره دهم) حذف شده است.

بحساب دیگر) و سایر اوراقیکه شبیه بچك یا بمنزله آنست بهرمبلغی که باشد ده دینار .

چکهائیکه از طرف وزارتخانه‌ها و ادارات و مؤسسات دولتی یا بلدی صادرمیشود ازتأدیه مالیات معاف است .

۲ - ازکلیه اسناد تجارتی قابل انتقال که درایران صادر یا معامله یامورد استفاده قرارداده میشود (باستثنای اوراق تجارتی مذکور درماده ۲۷) و منجمله از اسنادی که کاشف از حقوق مالکیت نسبت بمال‌التجاره باشد ازقبیل بارنامه کشتی وقبض تحویل مال‌التجاره بحواله کردوهمچنین اوراق بیمه مال‌التجاره دو ریال .

۳ - ازکلیه قراردادها واسناد مشابه آنها که بین بانکها ومشتریان آنها ویا بین مؤسسات صرافی و مشتریان آنها مبادله ویا از طرف مشتریان تعهد میشود و مربوط بودایع نقدی یا مدت ویا اسهام یا هر نوع اوراق بهادار و یا اسناد ذمه و یا انتقال طلب یا التزامنامه وضمانتنامه است درصورتیکه در ثبت اسنادثبت نشده باشد دوریال .

ماده ۲۷ - از اوراق مشروحه ذیل نسبت بمبلغ آنها معادل نیم در هزار حق تمبر اخذ خواهد شد :

۱ - برات - فته طلب - تصدیق ودیعه مال‌التجاره (در صورتیکه بمبلغ معینی بحواله کرد دیگری ظهرنویسی بشود) و سایر اوراق تجارتی مشابه آنها .

۲ - ازاوراق مشروحه ذیل یکربع واحد درهزار حق تمبراخذ خواهدشد :

اسناد تجارتی برؤیت وهمچنین اسناد تجارتی صادره درخارجه که ازطرف حواله دهنده‌محل پرداخت آنهم درخارجه معین شده باشد .

تبصره - حق تمبر مقرر دراین ماده نسبت بمبلغ کمتر از ۱۰۰۰ ریال معادل حق تمبر ۱۰۰۰ ریال مأخوذ خواهد شد .

ماده ۲۸ - چکها واسناد تجارتی که مشمول مالیات فوق بوده ودرایران صادر شده‌باشد باید صادرکنندگان تمبرمقرر را روی آنها الصاق و باطل نمایند وهرگاه اسناد مذکور درخارجه صادرشده باشد اولین شخصی که درایران اسناد مزبوررا متصرف میشود باید قبل از هرقسم‌امضاء اعم ازظهرنویسی - معامله - قبولی یاپرداخت بترتیب فوق عمل‌نماید. معهذا مؤسسات بانکی‌مکلفند قبل از تسلیم دفترچه چك بمشتریان خود آنهارا تمبر کنند - مؤسسات یا اشخاصیکه در ایران‌چك یا سایر اسناد متشابه را معامله - دریافت یا تأدیه می‌نمایند بطور تضامن مسؤل الصاق تمبرهای مقرر فوق بوده و در صورت تخلف مسؤل پرداخت حقوق و جرائم مقرر خواهند بود .

ماده ۲۹ ـ وزارت مالیه مجاز است در هر مورد که لازم بداند دوسیه های مربوط بمعاملات چك و اسنادی را که مشمول مالیات تمبر است تفتیش نماید .

جرائم مقرر در ماده ۲۳ در مورد تخلف از مواد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ یادر مورد امتناع از تفتیش مذکور در این ماده نیز تعلق خواهد گرفت .

فصل سوم

مقررات متفرقه

ماده ۳۰ ـ اعضاء و مستخدمین وزارت مالیه و اعضای کمیسیون های تشخیص مذکور در مواد ۱۹ و ۲۰ و همچنین سایر اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند مکلفند اطلاعاتی را که از منافع و عملیات مؤدیان درنتیجه مأموریت حاصل کرده‌اند بکلی محرمانه نگاهدارند مگر در مواردی که وظیفه شغلی آنها دادن اطلاعات مذکور را ایجاب نماید ـ متخلف مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد .

ماده ۳۱ ـ مقررات این قانون بطریق ذیل اجرا میشود :

الف ـ نسبت بحقوق بگیران ازتاریخ انتشار این قانون درمجله رسمی وزارت عدلیه .

ب ـ نسبت بسایر مؤدیان از تاریخ سنه شمسی ۱۳۱۳ .

ج ـ نسبت به حق تمبر چك‌ها وبروات وسایر اوراق تجارتی یکماه بعد ازانتشار قانون در مجله رسمی وزارت عدلیه .

تبصره ـ مالیات سال ۱۳۱۲ وسنوات قبل که هنوزتصفیه‌نشده تاآخراسفندسال جاری مطابق قانون مالیات بر شرکتها و تجارت وغیره مصوب ۱۲ فروردین ۱۳۰۹ تصفیه خواهد شد .

نسبت بمؤدیانی که تاآخراسفند ۱۳۱۲ مالیات خودرا نپردازند مقررات این قانون بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

ماده ۳۲ ـ بترتیب وتدریجی که مطابق ماده فوق مقررات این قانون بموقع اجرا گذارده میشود مقررات قانون مالیات برشرکتها وتجارت وغیره مصوب ۱۲ فروردین ۱۳۰۹ ملغی میشود.

این قانون که مشتمل برسی و دو ماده است در جلسه بیست ونهم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

٭ قانون

اصلاح قانون مالیات برعایدات

مصوب ۲۴ آذرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول - از مجموع عایدات خالص مشمولین قانون اخیر مالیات بر عایدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ در صورتیکه سالیانه از (۲۴۰۰) ریال ببالا باشد طبق مقررات ذیل مالیات اخذ خواهد شد:

۲۴۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال یك درصد از مجموع
۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ ریال یك ونیم درصد ازمجموع
۱۰۰۰۱ تا ۲۰۰۰۰ ریال دو درصد «
۲۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال سه درصد «
۳۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰ ریال سه ونیم درصد «
۵۰۰۰۱ ببالا چهاردرصدازمجموع.

تبصره ۱ - مالیات صاحبان مشاغلی که عایدات خالص سالیانه آنها از ۲۴۰۰ تا ۳۶۰۰ ریال است بطور مقاطعه معین خواهدشد.

اشتغال بهرنوع کسب وتجارت وبطورکلی عملیات صنعتی یا تجاری محتاج بداشتن جوازاست مگر درمورد کسانیکه عایدات خالص سالیانه آنها کمتر از ۲۴۰۰ ریال باشد.

نظامنامه جوازبتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید.

تبصره ۲ - عایدات املاك و خالصجات انتقالی و مستغلات و دواب مشمول این قانون نخواهد بود.

ماده دوم - مواد ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و همچنین جمله آخر از ماده ۸ قانون مالیات بر عایدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ از اول فروردین ۱۳۱۴ ملغی و این قانون از همان تاریخ بموقع اجرا گذارده میشود.

٭ این قانون بموجب بند ۳ ماده ۲۲ قانون مالیات بردرآمد مصوب ۱۹ آبان ۱۳۲۲(دوره سیزدهم) ملغی شده‌است.

این قانون که مشتمل بردو ماده است درجلسه بیست وچهارم آذرماه یکهزار وسیصدوسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆ قانون

الغاء قانون حق‌الثبت وسائط نقلیه و وضع مالیات بر نفط و بنزین

مصوب ۱۵ آذرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ قانون حق‌الثبت وسائط نقلیه مصوب ۱۲ فروردین ۱۳۰۹ ملغی

☆این قانون بموجب قانون اصلاح قانون مالیات نفت و بنزین مصوب ۲۴ مهر ۱۳۱۴ (دوره دهم) اصلاح و مالیات هرلیتر نفت وبنزین سی‌دینار شده است و مالیات هرلیتر نفت دیزل و گازاویل ده دینار شده است و بموجب ماده نهم قانون متمم بودجه ۱۳۱۵ (دوره دهم) بدولت اجازه داده شده است که نسبت بمصرف نفت وبنزین هیئت سیاسی خارجه در دربار شاهنشاهی برطبق مقررات بین‌المللی عمل‌نماید وبموجب قانون مصوب ۱۶ مرداد ۱۳۱۷ (دوره یازدهم) ازهرلیتر بنزین و نفت چهل دینار واز هرلیتر نفت دیزل و گازاویل پانزده دینار اخذ و اصلاحاتی هم در مواد آن بعمل آمده وبموجب قانون اصلاح قانون نفت وبنزین مصوب ٤ شهریور ۱۳۱۸ (دوره یازدهم) از بنزین و نفت پنجاه دینار و از سایر اقسام آن بیست دینار اخذ و اصلاحی راجع باجرای مواد آن بعمل آمده.

وماده هشتم متمم‌بودجه ۱۳۱۹ وماده ششم‌متمم بودجه ۱۳۲۰ که مربوط بمالیات نفت است عیناً نقل میشود :

ماده هشتم ـ مبلغیکه درنتیجه استعمال‌نیروی‌برق‌بجای نفت‌ازمالیات‌نفت کسر میشود ازمصرف برق دریافت خواهد شد مأخذ دریافتی این مالیات که بموجب آئین‌نامه مصوب هیئت وزیران معین خواهد شد نباید از نصف بهای مصرف تجاوز نماید.

ماده‌ششمـ دولت‌میتواند بنا برپیشنهاد وزارت‌دارائی مالیات‌نیروی‌برقی‌را که بمصرف بنگاههای عمومی و تأسیسات خیریه میرسد تخفیف بدهد.

و بجای آن‌از بنزین و مواد مشابهی که بمصرف سوخت موتورهای احتراق داخلی میرسد وازنفط لامپا ازقرار هرلیتری بیست‌دینار مالیات اخذمیشود .

مؤدیان این مالیات عبارتند از مصرف کنندگان در موقع خرید مواد فوق و پرداخت این مالیات باقید محاسبه بامصرف کننده براشخاص ذیل‌تعلق میگیرد :

الف ـ وارد کنندگان در موردیکه مواد مذکور در فوق از خارجه وارد شده باشد .

ب ـ تولید کنندگان در موردی که مواد مذکور در فوق در مملکت تولید شده باشد .

تبصره ـ مالیاتی را که وزارت مالیه بموجب این قانون ازمصرف قشونی‌اخذ خواهدنمود بوزارت جنك ردخواهد کرد.

ماده‌دوم ـ مالیاتی که در ماده (۱) مقرر شده است بمواد ذیل تعلق نخواهد گرفت :

الف ـ کلیه موادی که از خاك ایران بطور ترانزیت عبور داده میشود و کلیه موادی‌که در ایران تولید شده واز مملکت صادرمیگردد .

ب ـ موادی که در انبار وسائط نقلیه که ازخارجه وارد ایران میشود موجود است بشرطی‌که برای هریك از آنها مقدارمواد موجوده ازده‌من تجاوز ننماید .

ماده‌سوم ـ مالیات درشگه و کالسگه شخصی و کرایه ماهیانه سی ریال خواهد بود .

ماده‌چهارم ـ نظامنامه اجرای این قانون و طرز وصول مالیات و وظائف مسئولین پرداخت آن بموجب نظامنامه مصوب هیئت وزراء معین خواهدشد .

ماده پنجم ـ این قانون بلافاصله پس‌ازتصویب بموقع اجرا گذارده‌میشود .

بقایای مؤدیان بموجب مقررات قانون حق‌الثبت وسائط نقلیه مصوب ۱۲ فروردین ۱۳۰۹ وصول خواهدشد.

این قانون که مشتمل برپنج ماده‌است درجلسه پانزدهم آذرماه یکهزاروسیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ دادگر

قانون

الغاء مالیات ارضی و دواب

مصوب ۲٤ آذرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ قانون مالیات ارضی و دواب از تاریخ اجرای این قانون ملغی و بجای آن بترتیب مقرر درمواد ۲ و ۳ مالیات ازعایدات گرفته میشود.

❀ **ماده دوم** ـ مالیات از عایدات مذکور درماده فوق بتدریجی که محصولات ارضی و حیوانات و مواد حیوانی داخله برای مصرف بشهر ها یا قصبات وارد و یا از مملکت صادر میشود وصول و از قرار سه در صد قیمت جنسی خواهد بود که وارد شهر یا قصبه و یا از مملکت خارج میگردد هرجنس فقط یکمرتبه مالیات خواهد پرداخت.

❀ **ماده سوم** ـ تعرفه مالیات اجناس‌مصرف داخلی مشمول این قانون براساس سه‌درصد قیمت به‌تناسب وزن یا تعداد وبطورمقطوع برای هرسال‌معین میگردد.

تااول اسفند هرسال تعرفه سال بعد بتصویب هیئت وزراء رسیده واعلان خواهد شد مالیات اجناس صدوری بریال نقره گرفته میشود.

نظامنامه اجرائی مواد فوق بتصویب هیئت دولت خواهد رسید.

ماده‌چهارم ـ نسبت به‌بقایای مالیات ارضی ودواب وباز خرید منال‌خالصگی ترتیب ذیل مقرر میگردد:

❀ بموجب بند یك ماده ۲۲ قانون مالیات بردرآمد مصوب ۱۹ آبان ۱۳۲۲ دوره سیزدهم ماده دوم وسوم بالا ملغی شده است.

الف ـ از مؤدیانی‌که تاآخرشهریور **۱۳۱۴** ترتیب تصفیه حساب مالیات گذشته خود را طبق نظامنامه های وزارت مالیه ندهند بدهی تا آن تاریخ وجریمه‌ای معادل ربع بدهی علاوه برجریمه قانونی گرفته خواهدشد.

ب ـ از صاحبان خالصجات انتقالی که منال ملك خود را تا آخر اسفند **۱۳۱٤** مطابق نظامنامه های وزارت مالیه باز خرید نکنند قیمت منال بعلاوه جریمه‌ای معادل ربع آن وصول خواهدشد. مفاد قوانینی که مخالف با مقررات این قانون باشد ملغی است.

نظامنامه های وزارت مالیه میتواند اصولی برای تخفیف در جرائم مذکور در قسمت الف وب این ماده قائل شود.

ماده پنجم ـ تاریخ اجرای این قانون را وزارت مالیه با رعایت فصل بدست آمدن محصول ۱۳۱٤ درهرحوزه که منتهی آخر تیرماه خواهد بود تعیین وقبلاً اعلان خواهد گردید.

این قانون‌که مشتمل برپنج ماده است درجلسه بیست وچهارم آذرماه یکهزار وسیصدو سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع بطبع اسکناسهای جدید

مصوب ۲۰ شهریورماه ۱۳۱۳ شمسی

* **ماده اول** ـ بانك ملی ایران مجاز است **۶۳۵** ملیون ریال اسکناس جدید

* بموجب قانون نشر اسکناس مصوب ۱۷ آبان ۱۳۱۵ (دوره دهم) به بانك ملی اجازه داده شده که مبلغ (۱،۰۱۷۶،۱۶۳،۶۰۰) ریال اسکناس درجریان داشته باشد.

طبع نموده و از مجموع اسکناس های فعلی و اسکناس هائی که بموجب این قانون طبع میشود تا هشتصد ملیون ریال اسکناس در جریان داشته باشد مشروط باینکه همیشه معادل لا اقل شصت در صد کل اسکناس هائی که در جریان است مسکوك و شمش طلا و نقره بطور ذخیره را کد اسکناس نگاهدارد .

بانك ملی ایران میتواند تا رسیدن اسکناس های جدید و در صورت ضرورت معادل یکصد ملیون ریال از اسکناسهائی که بموجب قانون (۱۱) مرداد ۱۳۱۱ طبع شده بجریان بیندازد .

کلیه اسکناس های فوق تابع مقررات قانون (۲۲) اسفند ماه ۱۳۱۰ راجع بنگاهداری ذخیره اسکناس و نظارت ذخیره مزبور وغیره خواهد بود .

ماده دوم ـ پس از رسیدن اسکناس هائی که بموجب ماده (۱) این قانون طبع خواهد شد بانك مکلف است از مجموع اسکناس های فعلی واسکناسهای جدید

وبموجب قانون راجع بمیزان گردش اسکناس مصوب ۲۱ اسفند ۱۳۱۸ (دوره دوازدهم) بانك ملی مجاز است تامبلغ (۱،۰۵۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال اسکناس رویهمرفته در گردش داشته باشد.

وبموجب قانون مصوب ۲۵ خرداد ۱۳۲۰ (دوره دوازدهم) بانك ملی مجاز است تا مبلغ (۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال اسکناس روی هم رفته در گردش داشته باشد .

وبموجب قانون مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۲۱ (دوره سیزدهم) ببانك ملی اجازه داده شده است که مبلغ هفتصد ملیون ریال اسکناس علاوه برمبلغ دوملیارد ریال منظور درقانون ۲۵ خرداد ۱۳۲۰ دراختیار دولت بگذارد .

وبموجب قانون مصوب ۲۱ شهریور ۱۳۲۱ (دوره سیزدهم) ببانك ملی اجازه داده شده است که علاوه برمبلغ دوملیاردوهفتصد ملیون ریال مبلغ سیصد ملیون ریال دیگر درجریان بگذارد.

وبموجب قانون مصوب ۲۸ مهر ۱۳۲۱ (دوره سیزدهم) بانك ملی مجاز است مبلغ پانصد ملیون ریال اسکناس علاوه براجازه‌های سابق بجریان بگذارد .

وبموجب قانون مصوب ۲۸ آبان ۱۳۲۱ (دوره سیزدهم) اجازه انتشار اسکناس به هیئت نظارت اندوخته اسکناس واگذار شده است .

و بموجب قانون مصوب ۲٤ دیماه ۱۳۲٦ (دوره پانزدهم) اجازه انتشار اسکناس بهیئت نظارت اندوخته اسکناس لغو شده است .

معادل سیصد ملیون ریال بطورذخیره نگاهداری کرده وفقط آنرا بجای اسکناسهائی منتشر نماید که بواسطه اندراس از جریان خارج میشود.

مادهسوم ـ ۵۳ خروار و ۸۸ من و ۲۲ سیر و ۱۴ مثقال (۱۵۸۷۵۳۹۶ گرم) طلائی که دولت ازمحل ذخیره مملکتیوسایرعوائدخود خریداری کرده بذخیرهرا کد اسکناس منتقل میشود.

این قانون که مشتمل بر سه ماده است درجلسه بیستم شهریور ماه یکهزار و سیصدو سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

❊ قانون اجازه ضرب مسکوکات مسی

مصوب ۱۶ فروردین ماه ۱۳۱۴ شمسی

مادهواحده ـ مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که سکه هـای

❊ بموجب قانون اجازه ضرب مسکوکات مسیمصوب ۸ تیرماه ۱۳۱۴ (دوره دهم) معادل پنج میلیون ریال مسکوك مسی ۵ و ۱۰ و ۲۵ و ۵۰ دیناری ضرب وبجریان بگذارد.

وبموجب قانون راجع بمسکوك خردمصوب نهم اسفند ۱۳۱۵ (دوره دهم) ارزش پول خرد وعیار وترکیبات وپشتوانه وسایر ترتیبات آن معین شده است.

و بموجب قانون مصوب۱۳مهر ۱۳۱۴ (دوره دهم) بوزارت مالیه اجازه داده شده مبلغ ده میلیون ریالمسکوك مسی پنجاه دیناری ضرب نماید.

وبموجب ماده اولقانون متمم بودجه سال ۱۳۲۱ کشور (دوره سیزدهم) پنجاه میلیونریال پشیز موضوع ماده سوم قانون نهم اسفند۱۳۱۵ (دوره دهم) به پنجاه و چهار میلیون ونیم ریال مقرر میشود.

و بموجب قانون مصوب ۳ خرداد ۱۳۲۲ (دوره سیزدهم) بوزارت دارائی اجازه دادهشده است علاوه برپنجاه وچهارمیلیون ونیم ریال پشیز موضوع ماده یك قانون متمم بودجه۱۳۲۱ بیست میلیون و پانصد هزار ریال دیگر پشیز بجریان بگذارد.

وبموجب قانون مصوب اولشهریور ۱۳۲۲ (دوره سیزدهم) بوزارت دارائیاجازه داده شده است که (۱۱۸۷۱۸) کیلو مسکوك پنج وده دیناری نیکل خارج از رواجرا بدولت هندوستان فروخته و درمقابل بهای آن آلمونیوم ومس دریافت نماید.

مسی پنج دیناری و ده دیناری و بیست و پنج دیناری معادل دو میلیون ریال ضرب نموده وبجریان گذارد ـ سکه پنج دیناری مس اعتبار همان سکه پنج دیناری نیکل وسکه ده دیناری مس اعتبارسکه ده دیناری نیکل و سکه بیست وپنج دیناری مس اعتبارسکه بیست‌وپنج دیناری نیکل را خواهد داشت.

مخارج ضرب مسکوك فوق‌ازبودجه ضرابخانه پرداخت میشود.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه شانزدهم فروردین‌ماه‌یکهزار وسیصدو چهارده شمسی بتصویب‌مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

☆ قانون

راجع بدیوان محاسبات

مصوب ۲٤ دیماه ۱۳۱۲ شمسی

درتأسیس وتشکیل دیوان محاسبات

*＊ **ماده ۱** ـ دیوان محاسبات دارای سه شعبه است . هرشعبه مرکب ازیك‌رئیس

---

* بموجب قانون ۱۹اسفند۱۳۱٤ مصوب کمیسیون قوانین دارائی (دوره دهم) پنج ماده بعنوان مواد الحاقیه بقانون دیوان محاسبات تصویب شده است ونیز بموجب قانون ۳ مهرماه۱۳۱۷ مصوب کمیسیون قوانین مالیه (دوره یازدهم) سه ماده بعنوان (متمم مواد الحاقیه بقانون دیوان محاسبات) مواد ٦ـ۷ـ۸ تصویب و باین قانون الحاق شده است .

** طبق ماده دوم (مواد الحاقیه بقانون دیوان محاسبات) مصوب کمیسیون قوانین مالیه درتاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۱٤ (دوره دهم) یك شعبه بشعب سه گانه بالا اضافه شده‌است.

و نیز بموجب ماده ششم (متمم مواد الحاقیه بقانون دیوان محاسبات) مصوب کمیسیون قوانین دارائی ۳ مهر ۱۳۱۷ (دوره یازدهم) یك شعبه به شعب چهارگانه علاوه شده است .

و دومستشار ــ رئیس شعبه اول سمت ریاست کل دیوان محاسبات را خواهد داشت.

دیوان محاسبات دارای نه عضو قائممقام و هریك ازشعب بعده کافی دارای ممیز خواهد بود.

ماده۳ ــ برای دیوان محاسبات یکنفر مدعی‌العموم و بعده کافی و کیل‌عمومی معین میشود.

* **ماده ۳ ــ الف** ــ انتخاب اعضاء دیوان محاسبات بطریق ذیل بعمل میآید:

وزیر مالیه ۲۷ نفر را از میان مستخدمین رسمی دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود مجلس از بین آن اشخاص ۱۸ نفر رامعین میکنند که وزیر مالیه ۹ نفرآنهارابریاست وعضویت شعب سه گانه دیوان‌محاسبات منصوب نماید **.

نه نفر دیگرعضوقائم مقام بوده ودرموارد ذیل بریاست شعب یاعضویت دیوان محاسبات منصوب میشوند:

۱ ــ درمورد فوت یا استعفاء یا تقاعد یکی از رؤساء یا اعضاء شعب.

---

* بموجب ماده پنجم (موادالحاقیه بقانون دیوان محاسبات) مصوب کمیسیون قوانین مالیه ۱۹ اسفند۱۳۱٤ (دوره‌دهم) بجای ۲۷ نفر سی وشش نفرمعین شده.
و نیزبموجب ماده هشتم (متمم موادالحاقیه بقانون دیوان محاسبات) مصوب کمیسیون قوانین مالیه ۳ مهر۱۳۱۷ (دوره یازدهم) بجای ۳٦ نفر ٤۵ نفر معین شده.

** آقایان ذیل درجلسه ۸ بهمن ماه۱۳۱۲ برطبق ماده سوم برای عضویت دیوان محاسبات انتخاب شده اند:

۱ ــ میرزا شمس‌الدین خان جلالی ۲ ــ میرزا احمد خان اشتری ۳ ــ میرزا سیدعلیخان نصر
٤ ــ میرزا علی اصغر خان طالقانی ۵ ــ میرزا حسن خان ناصر ٦ــ میرزا سیدحسین‌خان الهی
۷ ــ میرزا ابوالقاسمخان همایون‌فر ۸ ــ میرزا رضاخان تابش ۹ ــ میرزا محمدخان برزین
۱۰ ــ میرزا محمدخان مفتاح ۱۱ ــحاج‌میرزاابراهیمخان‌فریور ۱۲ ــ میرزا نصرالله خان‌صبا
۱۳ ــ میرزاسید مصطفی‌خان کاظمی ۱٤ ــ میرزا ابراهیمخان کاردار ۱۵ ــمیرزاسیدمحمودخان کاظمی
۱٦ ــ میرزاسیدعبدالرحیم‌خان‌خلخالی ۱۷ــ میرزا ابوالقاسمخان بودجه ۱۸ ــ عزت‌الله خان اردلان

۲ ـ اگر وزیر مالیه تغییر یکی از رؤساء یا اعضاء دیوان محاسبات را لازم ببیند. انتخاب اعضاء دیوان محاسبات از طرف مجلس هر سه سال یکمرتبه تجدید خواهد شد ـ اعضاء سابق را مجدداً میتوان انتخاب کرد.

اگر در موقع تجدید انتخاب مجلس تعطیل باشد اعضاء سابق بکار خود ادامه داده ودر دوماه اول پس از افتتاح مجلس تجدید انتخاب بعمل خواهد آمد.

ب ـ اشخاص ذیل نمی توانند بریاست یاعضویت دیوان محاسبات منصوب شوند مگر اینکه قبل از انتصاب بسمت‌های مزبور ازشغل خود استعفا دهند:

۱ ـ نمایندگان مجلس شورای ملی واعضاء انجمن های بلدی.

۲ ـ کسانیکه دارای شغل دولتی بوده ویا متصدی یکی ازمعاملات دولتی باشند.

تبصره ۱ ـ استعفائی که برای قبول ریاست یاعضویت دیوان محاسبات داده میشود موجب تنزل رتبه نخواهد شد.

تبصره ۲ ـ درهرمورد که یکی از اعضاء دیوان محاسبات بطور موقت غائب باشد رئیس کل دیوان مزبور یکی ازاعضاء قائممقام را موقتاً بجای او دعوت خواهد کرد دراین مورد مقررات بند (ب) رعایت نخواهدشد.

ماده۴ ـ مدعی‌العموم دیوان محاسبات از طرف وزیر مالیه و بموجب فرمان همایونی تعیین خواهدشد.

ماده۵ ـ ممیزین دیوان محاسبات واعضاء دفتری دیوان مزبور را وزیر مالیه در حدود مقررات قانون استخدام معین میکند.

حدود وظایف دیوان محاسبات

فصل اول ـ در کلیات

*ماده ٦ ـ دیوان محاسبات موافق قوانین و نظامات درعایدات و مخارج و اموال دولتی نظارت وتفتیش مینماید.

**ماده ۷ ـ دیوان محاسبات درحدودقوانین ونظامنامه‌های‌مربوطه حسابهای‌وزارتخانه‌ها

* در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۱٦ (دوره دهم) مصوب کمیسیون قوانین مالیه ماده ٦ بالا بطریق زیر اصلاح شده است:

ماده ششم ـ دیوان محاسبات عایدات و مخارج و اموال دولت را در تمام تشکیلات و مؤسسات دولتی موافق باقوانین ونظامات مالی و محاسباتی مربوطه و در وزارت جنگ واداره امنیه موافق با نظامات موضوعه ازطرف وزارت جنگ نظارت و تفتیش مینماید.

** ماده اول قانون ۱۹ اسفند ۱۳۱٤ (دوره دهم) مصوب کمیسیون‌قوانین مالیه که مربوط بماده هفتم بالا میباشد عیناً درج میشود:

ماده اول ـ صورت حساب اول ازفروردین ماه ۱۳۱٤ بلدیه‌ها جهت رسیدگی بدیوان محاسبات تسلیم و قانون دیوان مزبور باستثنای مواد مربوطه به تسجیل تعهدات ومعاملات درباره حسابهای بلدیه ها نیزمجری و دیوان محاسبات در عایدات و مخارج و اموال بلدی هم نظارت و تفتیش مینماید.

تبصره ماده چهارم قانون مصوب پنجم اسفند ۱۳۱۸ (دوره دوازدهم) نیز مربوط بماده هفتم میباشد که عیناً درج میگردد:

تبصره ـ رسیدگی بحساب اموال دولتی وشهرداریها از وظائف دیوان محاسبات حذف و وزارت دارائی این وظیفه را انجام میدهد.

ماده هفتم بالا بموجب ماده اول‌قانون مصوب پنجم اسفند ۱۳۱۸ (دوره دوازدهم) بطریق زیر اصلاح شده است:

ماده ۷ ـ دیوان محاسبات حسابهای ماهیانه دولت و شهرداریها را که از لحاظ اداری مطابق آئین‌نامه مصوب هیئت وزیران رسیدگی آنها انجام شده است بتدریجی که با اسناد مربوطه از طرف وزارت دارائی ارسال میشود ازلحاظ تطبیق وصول درآمدها باقوانین موضوعه وانطباق مصارف با اعتبارات مصوب و پرداخت مصارف در حدود اعتبارات مربوطه و همچنین حساب ذی‌حسابها وصاحب جمعان را ازلحاظ اختلافات حاصله برحسب گزارش‌هائی که درحین رسیدگی‌های اداری تهیه و ضمیمه حساب شده است رسیدگی مینماید.

و ادارات مستقله دولتی و صاحبان جمع را رسیدگی کرده در صورت صحت حساب تصدیقنامه مطابقت و مفاصا میدهد .

ماده۸ ـ دیوان محاسبات میتواند از وزارتخانه ها و ادارات درحدود مقررات هر نوع اطلاع و مدارك و اسنادی که متعلق بعایدات و مخارج دولت است خواسته و مستقیماً باآنها مکاتبه نماید .

فصل دوم ـ تفتیش درمخارج

ماده ۹ ـ در حدود نظامنامه های مربوطه کلیه اسناد راجع بمعاملات و تعهدات وتصویب مخارج باید در دیوان محاسبات ثبت و تسجیل گردد .

ماده ۱۰ ـ در صورتی که اسناد مذکوره درماده فوق در دیوان محاسبات تسجیل نشده باشد دیوان مزبور در موقع دادن راپرت سالیانه صورتی ازآن اسناد واحکام ومیزانی که برخزانه دولت از آن راه تحمیل میشود جداگانه تنظیم کرده و بلایحه تفریغ بودجه ضمیمه میکند .

❁ **ماده ۱۱** ـ هرگاه دیوان محاسبات در سندی که برای تسجیل فرستاده شده تخلفی از نظامات و قوانین مشاهده کند از ثبت آن امتناع نموده و دلایل خود را بتوسط رئیس کل بوزارتخانه یا اداره مستقل مربوطه ووزارتمالیه ارسال میدارد ـ هرگاه وزارتخانه یااداره مربوطه

---

* ماده ۱۱ برحسب ماده اصلاحیه ۱۲مهرماه ۱۳۱۳ کمیسیون قوانین مالیه مجلس بشرح ذیل اصلاح شده است :

اصلاح ماده ۱۱ قانون دیوان محاسبات

هرگاه سندیکه برای تسجیل بدیوان محاسبات فرستاده شد بنظر دیوان مزبورمطابقت با قوانین و نظامات نداشته باشد مراتب را بوزارت مالیه اطلاع خواهد داد .

وزارت مالیه درصورتیکه با عقیده دیوان محاسبات موافقت نکند دیوان مزبور مکلف است آنرا تسجیل نموده و در ضمن راپرت سالیانه بمجلس شورای ملی راپرت دهد .

وهرگاه وزارتمالیه عقیده دیوان محاسبات را تایید نماید دیوان مذکور ازثبت سند موضوع بحثامتناع نموده ودلائل خودرا بتوسط رئیس کل بوزارتخانه یا اداره مستقلمربوطه ارسال میدارد اگر وزارتخانه یا اداره مستقله مربوطه بدلائلدیوان محاسبات متقاعد نگردید موضوع بهیئت وزراء رجوع شده وهیئت وزراء درصورتیکه نظروزارتخانه یااداره مربوطه را تصدیق کرد دیوان محاسبات مکلف به تسجیل بوده ودرضمنراپرت سالیانه خود بمجلسشورایملی درج خواهد نمود .

* اصلاح ماده ۱۱ و مواد ۱۲ و ۱۳ و۱۵ بموجب ماده چهارم قانون مصوب پنجم اسفند ۱۳۱۸ (دوره دوازدهم) ملغی شدهاست .

بدلائل دیوان محاسبات متقاعد نشد باید موضوع را بهیئت وزراء رجوع کند - هیئت وزراء در صورتیکه نظروزارت خانه یا اداره مربوطه را تصدیق کرد بدیوان محاسبات تکلیف تجدید نظر خواهد نمود .

اگردیوان محاسبات پس از تجدید نظر نیزبعقیده اول خودباقی ماند سند مورد بحث را باقید نظر خود تسجیل نموده و در موقع رایرت سالیانه و لایحه تفریغ بودجه رایرت آنرا بمجلس شورای ملی خواهد داد .

ماده ۱۲ - مسئولیت وزراء با تسجیل دیوان محاسبات مرتفع نمیشود .

ماده ۱۳ - دیوان محاسبات مراقبت خواهد کرد که مخارج از بودجه واعتبارات مصوبه تجاوز ننماید .

فصل سوم - در نظارت در وصول عایدات و اموال نقدی و جنسی دولت

ماده ۱۴ - وزراء و رؤسای ادارات مستقله همه ساله صورت عواید و مخارجی را که در دوره عمل توسط ادارات تابعه آنها بعمل آمده بدیوان محاسبات میفرستند .

ماده ۱۵ - حساب صندوق تحویلداران دولتی در حدود نظامنامه های مربوطه باتعیین کلیه موجودی صندوق اعم از نقود و اسناد در آخر هرسال تقدیم دیوان محاسبات میشود .

فصل چهارم - در معاینه بحساب وزراء

ماده ۱۶ - صورت حسابی که هریك از وزراء و رؤسای ادارات مستقله طبق ماده ۱٤ در آخر هر دوره عمل باید بدهند با محاسبات کـل مالیّه قبل از پیشنهاد بمجلس شورای ملی بتوسط وزیر مالیه بدیوان محاسبات داده خواهد شد .

✲ **ماده ۱۷** - دیوان محاسبات حساب وزارتخانه ها و ادارات مستقله را با محاسبات کل

* ماده ۱۷ بالا بموجب ماده دوم قانون مصوب پنجم اسفند ۱۳۱۸ (دوره دوازدهم) بطریق زیر اصلاح شده است :

ماده ۱۷ - دیوان محاسبات حساب وزارتخانه ها وادارات مستقله را بامحاسبات کل مالیه تطبیق کرده و مطابقت آنها را باقوانین بودجه وسایرقوانین مربوطه می‌سنجد نتیجه حسابهای مزبور را با حسابهای صاحبان‌جمع مقایسه کرده و درمواقعی که لازم بداند ریزحساب و اصل صورت حسابها را رسیدگی نموده‌وهرگونه سندی برای اینکار لازم داشته باشد ازمقامات لازمه میخواهد پس از رسیدگی تصدیقنامه مطابقت میدهد .

مالیه تطبیق کرده و مطابقت آنها را با قوانین بودجه و سایر قوانین مربوطه میسنجد نتیجه حسابهای مزبوره را باحسابهای صاحبان جمع که موافق ماده ۱۰ بدیوان محاسبات تسلیم میشود مقایسه کرده و درمواقعیکه لازم بداند ریز حساب و اصل صورت حسابها را رسیدگی نموده هرگونه سندی برای این کار لازم داشته باشد از مقامات لازمه میخواهد و پس از رسیدگی تصدیقنامه مطابقت که در ماده ۷ قید شده است میدهد.

ماده ۱۸ ــ دیوان محاسبات حسابهائی راکه رسیدگی کرده بانضمام صورت جلسه خود بوزارت مالیه می‌فرستد.

ماده ۱۹ ــ راپرتـی کـه در خصوص فقرات ذیل نوشته خواهد شد بصورت جلسه ماده فوق ضمیمه شده با لایحه قانونی تفریغ بودجه بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود:

۱ــ ملاحظات دیوان‌محاسبات درباب اینکه ادارات مختلفه دولتی‌چگونه‌قواعد اداری راجعه بامور مالی را مجری داشته‌اند.

۲ ــ تغییرات واصلاحاتی که برای تکمیل قوانین ونظامنامه‌های مالیه وقواعد محاسبه وجوه دولتی مقتضی میداند.

ماده ۲۰ ــ رسیدگی و تصدیق حسابهای وزارتخانه ها و محاسبات کل مالیه و مذاکرات راجع بلایحه قانونی تفریغ بودجه و راپرت مذکور در ماده ۱۹ باید در هیئت عمومی دیوان محاسبات بعمل آید.

فصل پنجم ــ درمحاکمه محاسبات

ماده ۲۱ ــ دیوان محاسبات درباره حسابهای مأمورینی که مأمور و یا متصدی دریافت و پرداخت و محافظه وجوه دولتی ویا اجناسی که در حکم نقود است هستند رسیدگی کرده و حکم میدهد ــ دیوان محاسبات نسبت بحساب صاحبان جمع اموال دولت رسیدگی کرده وتصدیق میدهد.

ماده ۲۲ ــ احکام دیوان محاسبات در مورد حسابهای مذکوره بدون استیناف خواهد بود .

ماده ۲۳ ــ در موارد ذیل دیوان محاسبات رأساً حکم بتسلیم صورت حساب خواهد کرد :

۱ ــ در صورتی که در مواعد مقرر صاحب جمع صورت حساب را تسلیم نکرده باشد .

۲ ــ در موقع انفصال صاحب جمعی از مأموریت خود .

۳ ــ وقتیکه در یکی از ادارات تشخیص داده شود صندوق صاحبجمعی کسر پیدا کرده است .

در هریك ازاین سه موقع مدتی که باید در ظرف آن صورت حساب تسلیم شود در حکم دیوان محاسبات معین خواهد شد و حکم مزبور باهتمام مدعی‌العموم و بتوسط اداره متبوعه صاحبجمع بمشارالیه ابلاغ میشود .

ماده ۲۴ ــ هرگاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود وصاحبجمع مزبورصورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات میتواند بجرم این امر حکم کند تا مبلغی که از نصف حقوق و مدد معاش سالیانه او متجاوز نباشد از مقرری آن صاحب جمع کسر شود و نیز میتوانـد نسبت باهمیت مورد و پس از رسیدگی بدرجه قصور یاتقصیر حکم انفصال موقت یا دائم اورا صادر نماید. این اقدام مانع نخواهد بودکه اگرصاحب جمع مرتکب عملی که مشمول یکی ازقوانین جزائی است شده باشد برای آن عمل در دیوان جزای عمال دولت تعقیب شود .

اگر صاحب جمعی که محکوم بکسر حقوق شده بازهم از ارائه حساب امتناع نماید بحکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمع باهتمام مدعی‌العموم مرتب و بدیوان

محاسبات تسلیم میشود کـه پس از رسیدگی در باره آن حکم صـادر کند هر نوع مخارجی که از این بابت حاصل شود بعهده صاحب جمع است .

ماده ۳۵ ـ دیوان محاسبات پس از رسیدگی بحساب در باب نتیجه آن حکم صادر میکند این حکم قابل اعتراض است .

ماده ۳٦ ـ مدعی العموم حق دارد از هر حسابی کـه مشمول این قانون باشد اطلاع بهمرساند .

ماده ۳۷ ـ هر گاه دیوان محاسبات در ضمن رسیدگی حساب عملی مشاهده کند که مشمول یکی از قوانین جزائی است موضوع را بتوسط مدعی‌العموم دیوان محاسبات برای تعقیب بوزارت‌عدلیه اطلاع خواهد داد .

ماده ۳۸ ـ محاکمات راجع بحساب در دیوان محاسبات علنی است .

ماده ۳۹ ـ احکام دیوان محاسبات بطریق فوق العاده در تحت دو عنوان ممکن است طرف ایراد واقع شود :

۱ ـ بعنوان نقض حکم .

۲ ـ بعنوان تجدید نظر ـ اقدام بدووسیله فوق ممکن‌است هم ازطرف صاحب جمع و هم از طرف مدعی العموم بعمل آید اعتراض یا تقاضای نقض موجب توقیف احکام اصلی‌نمیشود مهلت تقاضای نقض‌ازتاریخ ابلاغ حکم بصاحب جمع یکماه است .

ماده ۳۰ ـ تقاضای نقض حکم فقط در مواردی است که ادعا شود بر این که دیوان محاسبات از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و یا مرجعیت‌آن کار را نداشته و یا آنکه قانون را از روی صحت تفسیر نکرده است و یا از اصول محاکمات تخلف نموده و این تخلف بدرجه‌ای‌اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادر را حکم قانونی دیوان محاسبات دانست ـ لایحه این تقـاضا بشورای دولتی پیشنهاد میشود و حکم

شورای دولتی بتوسط وزارتمالیه بدیوان محاسبات ابلاغ میگردد مادام که شورای دولتی تشکیل نشده لایحه تقاضای نقض به هیئتی مرکب از سه نفر از مستشاران یا رؤسای شعب دیوان تمیز و دو نفر از اعضاء قائم مقام مذکور درمواد ۱ و ۳ رجوع خواهد شد - طرز تشکیل هیئت بموجب نظامنامه معین میگردد .

ماده ۳۱ - در صورتیکه حکم دیوان محاسبات نقض شود موضوع در هیئت عمومی دیوان مزبور مورد رسیدگی شده وحکم نهائی صادر میشود .

ماده ۳۲ - تقاضای تجدید نظر در مواقع ذیل قبول میشود :

۱ - اگر سهوی در نوشتن فقرات حساب یا در عمل حساب شده است .

۲ - اگر بواسطه معاینه سایر حسابها و یا بنحو دیگر ثابت شود که چیزی از قلم افتاده یا دو دفعه بحساب آمده است .

۳ - اگر پس از صدور حکم اسناد تازه بدست آمده باشد بشرط آنکه ثابت شود اسناد مزبور در موقع تصفیه حساب موجود بوده و صاحب جمع نتوانسته است بدست بیاورد .

۴ - اگرآن حکم از روی اسناد جعلی صادرشده باشد در سه شق اخیر بعداز انقضای مدت سه سال ازتاریخ صدور حکم تقاضای تجدید نظر وقتی قبول خواهد شد که صاحب جمع ثابت نماید که فقط دو ماه است فقرات ازقلم افتاده یا فقرات مکرر شده را ملتفت شده است یا اسناد جدیدی بدست آورده ویا تصدیقی که در مقامات رسمی از بابت جعلیت سند داده شده است باستحضار او رسیده است .

ماده ۳۳ - تجدید نظرممکن است بنابرتقاضای دیوان محاسبات یامدعی‌العموم وقوع یابد دراین صورت درموقع مذاکرات صاحب جمع یاوکیلش باید حضورداشته باشد - مدت تقاضای تجدید نظر همان است که در ماده ۳۲ ذکر شده است .

ماده ۳۴ ـ تجدید نظر فقط نسبت بقسمت هائی که ازحساب موافق ماده ۳۲ مورد ایراد واقع شده وتصحیحاتی که نتیجه این عمل است مؤثر خواهد بود .

ماده ۳۵ ـ احکام دیوان محاسبات باید برای اجراء بتوسط مدعی العموم بوزارتخانه متبوعه صاحب جمع ابلاغ شود .

ماده ۳٦ ـ تأویل و تفسیر احکام دیوان محاسبات باخود دیوان محاسبات است.

ماده ۳۷ ـ طرز احتساب مدت مهلت های مقرره دراین قانون برطبق قواعدی است که درقانون تسریع محاکمات واصول محاکمات حقوقی اصلاح شده مقرراست.

ماده ۳۸ ـ طرز رسیدگی دیوان محاسبات وسایر امور مربوط بدیوان مزبور بموجب نظامنامه‌های وزارت مالیه معین خواهدشد .

ماده ۳۹ ـ حساب ومخارج واموال وهمچنین اسنادراجع بمعلامات وتعهدات و تصویب مخارجی که افشاء ومداخله درآن برخلاف مصالح مملکتی باشد مشمول مقررات این قانون نخواهد بود این نوع مخارج واموال واسناد بموجب نظامنامه‌ای که بتصویب هیئت وزراء خواهدرسید معین میگردد.

ماده ۴۰ ـ دیوان محاسبات در درجه اول باید بحسابهای سالی که تشکیل میشود رسیدگی نماید . رسیدگی بحسابهای سنوات قبل موکول بختم رسیدگی حساب سال جاری است .

ماده ۴۱ ـ قانون دیوان محاسبات مصوبه صفر۱۳۲۹ قمری نسخ واین قانون ازتاریخ تصویب قابل اجرا است .

این قانون که مشتمل برچهل و یك ماده است در جلسه بیست و چهارم دیماه یکهزار وسیصدو دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

محاسبات عمومی

مصوب ۱۰ اسفند ماه ۱۳۱۲

کلیات

ماده۱ ـ بودجه لایحه پیش‌بینی کلیه عواید و مخارج مملکتی است برای مدت یکسال شمسی (سنه‌مالی) که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد .

ماده۲ ـ دوره عمل عبارت از مدتی است که قانون برای جریان عملیات بودجه یك سنه مالی معین مینماید . مدت مزبور برای تشخیص مطالبات دائنین‌دولت وبستن حساب عایدات وپرداخت مخارج تاروز آخرماه سوم سال بعداست .

ماده۳ ـ هیچگونه مالیات‌مملکتی وعایدات دولتی دریافت نمیشودمگربوسیله مباشرین و تحصیلداران و یا سایر اشخاصی که وصول عواید از طرف وزارت مالیه بآنها واگذارشده باشد .

ماده۴ ـ جزعوارض ومالیات های مقرر بموجب قانون اخذ هرگونه عوارض ومالیات دیگر بهر اسم و رسم که باشد ممنوع است . عمالی که امر باخذ مالیات های غیرقانونی بدهند و اشخاصی که فهرست وتعرفه و اسناد آن را تهیه نمایند و کسانی که متصدی وصول آن بشوند مشمول مقررات ماده ١٥٤ قانون مجازات عمومی خواهند بود .

ماده۵ ـ هیچگونه مخارج‌مملکتی تأدیه نخواهدشد مگربموجب حوالجاتیکه صحت خرج درآن تصدیق ودرحدود اعتبار قانونی صادرشده باشد .

تبصره ـ مراد ازاعتبار وجوهی است که قبلاً برای خرج معینی پیش بینی و بتصویب مقامات قانونی رسیده باشد .

ماده۶ ـ اعتباری که برای مخارج یك سنه مالی معین شده است نباید بمصرف مخارج سنه مالی دیگر برسد .

ماده۷ ـ اعتباراتی را که در مواد بودجه معین شده از یك ماده بماده دیگر نمیتوان انتقال داد .

ماده۸ ـ هرگاه علاوه برمخارج سالیانه مملکتی که اعتبارات لازمه دربودجه برای آنها منظور شده است در عرض سال خرج فوق‌العاده پیش آید و یا اعتبار منظور تکافوی خرجی را ننماید دولت لایحه مخصوصی جهت تحصیل اعتبار جدید بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد .

ماده ۹ ـ اعتبارات جدید بر دوقسم است : فوق‌العاده واضافی

اعتبارات فوق‌العاده اعتباراتی است که برای احتیاجات جدیده لازم میشود .

اعتبارات اضافی اعتباراتی است که برای تکمیل اعتبارات پیش بینی شده در بودجه لازم میگردد .

ماده ۱۰ ـ لایحه‌ای که اعتبارات فوق‌العاده واضافی‌را معین میکند بایدمحل مخارج آنرا نیز از منابع مخصوص تعیین نماید .

ماده ۱۱ ـ در موقع تعطیل مجلس شورای ملی که موافق اصل هشتم قانون اساسی معین میشود اعتبارات اضافی و یا فوق‌العاده موکول بتصویب هیئت وزراء و تأیید دیوان محاسبات است .

در ظرف ماه اول افتتاح مجلس شورای ملی اعتبارات مزبوره باید بمجلس پیشنهاد شود .

تهیه و تصویب بودجه

ماده ۱۲ ـ در اوائل نیمه دوم هر سال وزیر مالیه باید عایدات مملکتی را از

هر منبع برای سال بعد پیش بینی نموده و همچنین مخارجی را که برای وصول این عواید لازم است در نظر گرفته رقم هر دو را بهیئت وزراء تقدیم نماید.

ماده ۱۳ ـ هیئت وزراء با رعایت عایدات پیش بینی شده ومخارج وصول آن مبلغی در حدود عایدات برای مخارج هریك از وزارتخانه‌ها معین نموده و ارقام آنرا توسط وزارت مالیه بوزارتخانه‌ها ابلاغ خواهد نمود.

ماده ۱۴ ـ هر وزیری باید بودجه مخارج وزارتخانه خود را برای سنه آتیه در حدود مبلغی که طبق ماده ۱۳ برای آنوزارتخانه تعیین شده‌است حاضر نموده منتها تاآخرماه نهم سال بوزارت مالیه بدهد.

ماده ۱۵ ـ وزیر مالیه باید تمام این بودجه هارا دریك صورت تنظیم وبودجه عایدات را نیز بآنها ضمیمه کرده لایحه بودجه کل را تهیه نماید.

ماده ۱۶ ـ لایحه بودجه کل در اول ماه دهم هر سال به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد.

ماده ۱۷ ـ مجلس شورای ملی لایحه بودجه کل را منتها تا ۱۵ روز قبل از عید نوروز تصویب و پس از آن بودجه حکم قانون سالیانه مالیه را پیدامینماید.

ماده ۱۸ ـ بودجه مخارج با رعایت تقسیم بفصول و مواد پیشنهاد مجلس شورای ملی خواهد شد.

ماده ۱۹ ـ بودجه هروزارتخانه ماده بماده ازطرف مجلس شورای ملی تصویب میشود مگر در مواردی که بموجب قوانین مخصوص تصویب بودجه ای بهیئت وزراء واگذار شده باشد.

ماده ۲۰ ـ درلایحه بودجه مخارج پرسنلی هر وزارتخانه از سایر مخارج باید تفکیك شده باشد

ماده ۲۱ ـ اعتبارات بر دو قسم است:

۱ ـ اعتبارات مربوط بمخارج مستمر که برای جریان امور ادارات ومؤسسات دولتی درظرف یك سنه مالی لازم است ازقبیل حقوق پرسنلی ـ لوازم‌التحریر ـ سوخت و روشنائی وامثالهم.

۲ ـ اعتبارات مربوط بمخارج غیر مستمر که برای انجام عملی از قبیل خرید کارخانه یا بنای عمارت ـ ساختمان کشتی و غیره لازم خواهد بود و زمان خرج آن محدود بمدت معین نبوده و منوط بانجام عمل است .

اعتبارات مستمر که دربودجه وزارتخانه‌ها پیش‌بینی میشود فقط برای یك سنه مالی قابل مصرف خواهد بود ـ ولی اعتبارات غیر مستمر را ممکن است برای یکسال یا بیشتر پیش بینی نمود و رقم خرج آن ممکن است بالسویه یا هر ترتیبی که ازنظر احتیاج لازم باشد دربودجه های سنوات مربوطه بدون اینکه تصویب آن درهرمرتبه لازم گردد پیش بینی شود .

ماده ۲۲ ـ وزارتخانه ها در موقع پیش بینی اعتباری برای مخارج غیر مستمر باید برآورد فنی عملی را که خرج برای آن در نظر گرفته شده ببودجه پیشنهادی ضمیمه نمایند . برآورد مزبور باید با نهایت دقت بوسیله متخصص مطمئن با قید مسئولیت تهیه گردد و پس از آنکه اعتبار مزبور باین ترتیب بتصویب رسید وزارت خانه ها مجاز نخواهند بود در طرح پیشنهادی هیچگونه تغییری که مستلزم اضافه خرج باشد بدهند مگر اینکه قبل ازوقت بموجب لایحه مخصوص اعتبار اضافی برای این مقصود پیشنهاد وبتصویب مجلس رسیده باشد .

ماده ۲۳ ـ اعتبارات غیرمستمر دربودجه هرسال درفصل‌مخصوصی درج میشود .

اجرای بودجه

ماده ۲۴ ـ کلیه عوائد دولت باید بوسیله متصدیان مربوطه مستقیماً بخزانه

دولت تحویل شود . و کلیه مخارج در حدود قوانین و نظامنامه های مربوطه ومقررات راجعه بهر نوع خرجی بموجب حواله و نظارت مستقیم وزارت مالیه بوسیله عمال خزانه دولت پرداخته میشود .

ماده ۳۵ ــ وزراء نمیتوانند علاوه برمأخذ اعتباراتی که درجزو بودجه برای آنها منظور شده است خرجی کرده ویا عملی رامتصدی شوند که موجب خرج خارج از اعتبارات معینه باشد مگر اینکه قبلا از طرف مجلس شورای ملی برای ادای آن خرج اعتبار جدید داده شود .

ماده ۳۶ ــ درمواقع لزوم وزارتخانه‌ها مجازخواهند بود که نسبت بمخارج غیر مستمر که اعتبار کل آن بتصویب رسیده ایجاد تعهداتی نمایند ولی ایجاد تعهدات باید طوری باشد که پرداختهای مربوط به آن درسنوات معینه در قانون انجام گیرد.

ماده ۳۷ ــ وزیر مالیه نمیتواند علاوه برمأخذ اعتبارات هر وزارتخانه تأدیه وجهی را اجازه دهد .

ماده ۳۸ ــ تشخیص خرجی که برخزانه دولت تحمیل میشود فقط راجع به وزراء یا اشخاصی است که ازطرف وزراء مخصوصاً مجازباین امرهستند مراد ازتشخیص آن است که میزان بدهی دولت پس ازرسیدگی باسناد دربرابر هریك ازدائنین معین شوداسنادتشخیص قرض باید حاوی دلائل حقوق دائنین دولت بوده وبترتیبی که قواعد مخصوصه هراداره معین میکند نوشته شده باشد .

ماده ۳۹ ــ حواله سندیست که بموجب آن دائن باید طلب تشخیص شده خود را دریافت نماید . حواله وزراء بردو قسم است (حواله مستقیم) و (حواله اعتباری) حواله مستقیم آن است که خود وزراء بلا واسطه در وجه یك یا چند طلبکار دولت صادرمیکنند . حواله اعتباری سندی است که بموجب آن وزراء باشخاصی که حواله

کنندگان درجه دویم نامیده میشوند از قبیل رؤسای ادارات یا مأمورین ولایات اجازه میدهند تا مبلغ معینی در حق طلبکار دولت حواله صادر نمایند ـ حوالجات حواله کنندگان درجه دوم را حوالجات ابلاغی مینامند.

ماده ۳۰ ـ هیچ خرج دولتی تأدیه نخواهد شد مگر اینکه قبلا یکی ازوزراء مستقیماً آنراحواله کرده باشد یا اینکه حواله کنندگان درجه دویم بموجب حواله اعتباری وزراء حواله ابلاغی داده باشند.

* **ماده ۳۱** ـ حوالجات وزراء باید قبل از پرداخت بر طبق قانون دیوان محاسبات مصوب ۲۴ دی۱۳۱۲ در دیوان مزبور ثبت و تسجیل شود.

ماده ۳۲ ـ هر حواله مستقیم و هر حواله ابلاغی برای اینکه در یکی از صندوقهای دولتی وجه آن پرداخته شود باید مستند باسنادی باشد که از آن اسناد بطور صحیح و واضح معلوم شود که وجه معینی برعهده دولت بوده و پرداخت آن حواله ذمه دولت را کلا یاجزءاً ازدین مزبور بری خواهد ساخت.

تبصره ـ مخارجی که تهیه اسناد خرج مثبته آن قبل از پرداخت وجه میسر نخواهد گردید از قبیل خرج سفر و غیره ممکن است علی‌الحساب پرداخت و اسناد خرج آن پس ازانجام عمل بدون فوت وقت مطالبه وتسویه گردد نوع اینگونه مخارج بموجب نظامنامه مخصوص ازطرف وزارت مالیه تعیین خواهد گردید.

ماده ۳۳ ـ تعیین اسناد مذکور درماده فوق بسته بقرارداد وزیرمالیه باهر یك ازوزراء استکه نسبت بانواع شعبات امور اسناد لازمه را دریك فهرست معین میکنند باملاحظه شرایط ذیل:

---

* بموجب ماده چهارم قانون مصوب پنجم اسفند ماه ۱۳۱۸ (دوره دوازدهم) ماده سی و یکم بالا ملغی شده است.

اولا ــ ازبابت مخارج اجزاء ازقبیل مواجب ومزد وحق‌الزحمه صورتی ازاسامی آنها که مطالب ذیل را دارا باشد :

الف ــ رتبه یا شغل. **ب** ــ خدمتی که کرده‌است. **ج** ــ مدت خدمت. **د** ــ حقوقی که بموجب قوانین یا نظامنامه یااحکام برقراراست. **هـ** ــ کسوراتی که بموجب قانون یا نظامنامه یااحکام باید موضوع شود.

ثانیاً ــ ازبابت مخارج اداری از قبیل خرید واجاره اموال منقوله و غیرمنقوله وخرید مواد ضروریه معیشت ومخارج بنائی و نگاهداری ومرمت عمارات واستحکامات نظامی (قلعه، برج و بارو) و طرق و شوارع ومخارج ساخت ومرمت ومواظبت اموال منقوله وغیرمنقوله :

الف ــ سواد یا خلاصه مصدق از احکام وزراء و قبالجات فروش و اجاره نامه و قراردادها .

ب ــ شرح اشیائی که تحویل شده وحسابهائی که قطع شده و شرح تشخیص طلب در این مشروحه بایــد کاری کــه انجام شده و وجهی کــه بر ذمه دولت است معین گردد .

* **ماده ۳۴** ــ وزیر مالیه بایــد مراقبت نماید کلیه حوالجات مطابق قانــون دیوان محاسبات دردیوان مزبور ثبت وتسجیل شود وهمچنین هرحواله درهمان موعد ومحلی که ازجانب حواله کننده معین شده است کارسازی گردد .

ماده ۳۵ ــ ادارات پــرداخت کننده نمی توانند وجهی را که بصندوق آنها

---

* بموجب ماده سوم قانون مصوب پنجم اسفند ۱۳۱۸ (دوره دوازدهم) ماده ۳۴ بالابطریق زیر اصلاح شده است :

ماده ۳۴ ـ وزیردارائی باید مراقبت نماید کلیه حوالجات در همان موعد و محلی که از جانب حواله کننده معین شده کارسازی شود .

حواله شده نپردازند مگر وقتی که برخود آنها محقق شود دراسناد عیب و نقصی بوده و یا صحت قبوض مشکوك باشد و یا اینکه کار و خدمتی که وجه درازاء آن داده میشود هنوز محقق نشده است و یااینکه از حدود اعتبارات معینه تجاوز نموده و یا مقررات قانونی رعایت نشده باشد .

ماده ٣٦ ـ ادارات پرداخت کننده درصورت عدم پرداخت حواله مکلف هستند ملاحظات خود را کتباً برای وزیر مالیه بفرستند تا بلافاصله با وزیری که حواله راجع باداره اوست مذاکره شود .

ماده ٣٧ ـ الف ـ هرمقدار ازاعتباری که تاروز آخرسال مالی تعهد نشده باشد بطورقطع از محاسبه بودجه سنه مربوطه بر گشت خواهد نمود .

ب ـ هر مقدار از اعتباری که تا روز آخر سنه مالی تعهد شده ولـی تا آخر ماه سوم سال بعد تأدیه نشده باشد تاآخر همان سال از محل اعتباری که برای مخارج پرداخت نشده سنوات ماضی در بودجه هرسال پیش بینی میشود بحساب سال جاری قابل پرداخت است و چنانچه در انقضای آن سال بازهـم بعلل و جهاتـی تأدیـه نشده باشد پرداخت آن منوط به پیش بینی اعتبار مخصوص در بودجه سنوات بعد خواهد بود .

تبصره ـ مقصود از اینکه اعتباری تعهد شده این است که کار و خدمتی انجام و یا اموالی بتصرف دولت در آمده و بدین وسایل دینی برای دولت ایجاد شده باشد .

ماده ٣٨ ـ حوالجاتی که تا آخر ماه سوم سال بعد پرداخت نشده باطل می شود بدون اینکه بحقوق دائنین دولت خللی برسد یعنی آن حوالجات در سنه مالی بعد طبق ماده ٣٧ همین قانون تجدید خواهد شد .

* **ماده ۳۹** ـ قراردادها ومعاملات دولتی اعم از خرید یافروش یا اجرت کار یااجاره ویا استیجار ومقاطعه باید پس ازمزایده ویامناقصه صورت پذیرد . وزارتمالیه مجاز است که بوسیله تدوین نظامنامه مخصوص ترتیب متحدالشکلی برای اینگونه معاملات مقرر دارد ـ اصول این نظامنامه منتها تاشش ماه ازتاریخ اجرای این‌قانون بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید . همچنین وزارتمالیه مجاز است نسبت به بعضی موارد که دلایل موجهی برای ضرورت ترك مناقصه ومزایده موجود باشد و مبلغ معامله از پنجاه هزار ریال تجاوز نکند بدون رعایت اصول مزایده و مناقصه اجرای معامله را اجازه دهد ولی هر گاه موضوع معامله این موارد اخیر از پنجاه هزار ریال متجاوزباشد تاصد هزار ریال بعلاوه لزوم موافقت قبلی وزیر مالیه اجرای آن موکول بتصویب هیئت وزراء است .

** **تبصره** ـ اعلان مناقصه ومزایده بطور کلی درمحل خرید و فروش بعمل خواهد آمدولی درصورتیکه درمحل معامله شیئی‌مورد حاجت باندازه ای که‌متناسب

---

* ماده سوم قانون مورخ ۱۹ اسفند ۱۳۱٤ مصوب کمیسیون قوانین مالیه (دوره دهم) با تبصره آن عیناً نقل میشود :

ماده سوم ـ مواد ۳۹ و ٤۰ و٤۱ قانون محاسبات عمومی مصوب دهم اسفند ماه۱۳۱۲ درمورد معاملات بلدیه ها نیز مجری خواهد بود .

تبصره ـ اختیاراتیکه در ماده (۳۹) قانون محاسبات عمومی بوزارت مالیه و وزیر مالیه داده شده نسبت بمعاملات بلدیه ها بوزارت داخله و وزیرداخله اعطاء میگردد .

** ماده ۱۷قانون متمم بودجه سال۱۳۱۸ کشور (دوره یازدهم) چون مربوط به تبصره بالا میباشد عیناً درج میگردد :

ماده ۱۷ ـ لزوم یا عدم لزوم انتشار آگهی مناقصه درخارجه موضوع قسمت اخیر تبصره ماده (۳۹) قانون محاسبات عمومی به تشخیص و صوابدید وزارتخانه های مربوطه باموافقت وزارت مالیه واگذار میشود .

با مناقصه یا مزایده باشد موجود نبوده و یا مصرف نداشته باشد باید در محل یا محلهای مجاور بنابر اهمیت موضوع اعلان مزایده و مناقصه منتشر گردد و نیز درصورتیکه اشیاء مورد حاجت در مراکز مهم و یا درخارج از ایران بهتر و مناسبتر یافت شود اعلان مناقصه درآنجا هم باید منتشر گردد. اقدام اخیر درصورتی لازم است که معامله برای مبلغ مهمی درنظر باشد.

ماده ۴۰ ــ در موارد ذیل معاملات دولتی ممکن است بدون ترتیب مزایده یا مناقصه صورت بگیرد:

۱ ــ معاملاتیکه بملاحظه صرفه وصلاح دولت باید مستور بماند.

۲ ــ نسبت بخرید اشیائیکه منحصر بفرد باشد.

۳ ــ در مورد صنایع مستظرفه و امثال آن که انجام پذیر نخواهد بود مگر بدست صنعتگران مخصوص.

۴ ــ برای اقداماتی که بعنوان امتحان از طرف دولت بعمل میآید.

۵ ــ درصورتیکه طرفین معامله مؤسسات دولتی باشد.

۶ ــ اشیائیکه جزء ضروریات یومیه محسوب و درمحل خرید قیمت ثابتی داشته باشند از قبیل نان وغیره نوع اینگونه اشیاء را وزارتمالیه بموجب نظامنامه مخصوص تعیین خواهد نمود.

ماده ۴۱ ــ هر گاه معاملاتیکه بمزایده و مناقصه گذاشته شده در مدت مقرر داوطلب پیدا نکند و یا داوطلبان شرایطی پیشنهاد کنند که خارج از حدود اعتدال باشد در آن صورت دولت میتواند معامله را مطابق مقتضیات بصرفه و صلاح دولت انجام دهد.

تهیه محاسبات کل مالیه و تفریغ بودجه

محاسبات وزارتخانه‌ها

ماده ۴۲ ـ پس از انقضای هر دوره عمل وزراء حساب سنه مالی گذشته وزارتخانه خودرا منتها تاآخرماه پنجم سال بعد بطرز متحدالشکلی مطابق تقسیمات فصول و مواد بودجه بترتیب ذیل تهیه و تنظیم نموده و برای ارسال بدیوان محاسبات بوزارت مالیه تسلیم مینمایند .

حساب مخارج

ماده ۴۳ ـ حساب مخارج سنه مالی شامل کلیه عملیاتی خواهد بود که دریك دوره عمل انجام شده و باید حاوی اطلاعات مفصله ذیل بوده باشد :

الف ـ اعتبارات مصوبه :

۱ ـ اعتبارات بودجه .

۲ ـ اعتبارات فوق العاده واضافی .

ب ـ حقوق ثابته دائنین دولت که تعهد و یا حواله شده است :

۱ ـ مخارج حقیقی که بموجب حواله تاآخردوره عمل تأدیه شده است.

۲ ـ بقیه مخارجی که بموجب بندب ماده ۳۷ از محل اعتبار معوقه درسنه بعد پرداخته میشود .

ج ـ صرفه جوئی قطعی سنه مالی .

تبصره ـ وزارت مالیه علاوه بر صورت مخارج وزارت مالیه باید صورت مخارج قطعی بابت اعتبارات عمومی مملکتی را که دربودجه وزارتخانه ها منظور نیست بشرح فوق تهیه وتنظیم نماید .

حساب عایدات

ماده ۴۴ ـ وزارت مالیه علاوه برصورت مخارج که بدستور مواد۴۲ و۴۳ تنظیم مینماید صورت کل عایدات مملکتی را که اطلاعات مفصله ذیل را حاوی باشد بایــد درآخرماه ششم سال بعد تهیه نموده برای دیوان محاسبات بفرستد :

الف ـ عایدات پیش‌بینی شده دربودجه مملکتی باتفکیك منابع .

ب ـ وجوهی‌که ازبابت هریك ازمنابع تاآخر دوره عمل وصول شده است.

ج ـ تفاوت اعم ازاضافه و نقصان .

محاسبات کل مالیه

ماده ۴۵ ـ وزارت مالیه در آخر هردوره عمل مکلف است صورت محاسبه کل مالیه را تهیه نموده و منتها تا آخر ماه هفتم سال بعد به دیوان محاسبات بدهد صورت مزبور باید شامل تمام عملیات راجعه بوصول ومصرف وجوه دولتی و حاکی ازکیفیت امور عایدات ومخارج دوره عمل سنه مالی بوده وبترتیب ذیل تهیه وتنظیم گردد :

۱ ـ موجودی اول سال تمام صندوق های عمومی مملکت.

۲ ـ عایدات وصولی در دوره عمل بتفکیك فصول و مواد بـودجـه و ادارات دریافت کننده .

۳ ـ صورت مخارج پرداختی در دوره عمل به تفکیك فصول و مواد بودجه و ادارات پردازنده .

۴ ـ موجودی آخرسال تمام صندوقهای عمومی مملکت .

تفریغ بودجه

ماده ۴۶ ـ تفریغ بودجه بوسیله تصویب لایحه قانونی که وزیرمالیه بمجلس

شورای ملی پیشنهاد میکند بعمل میآید .

ماده ۴۷ ـ موقع پیشنهاد کردن لایحه قانونی تفریغ بودجه از روز ختم سنه مالی منتها تا دوازده ماه بعد خواهد بود .

ماده ۴۸ ـ لایحه مزبور باید حاوی گزارش امور مالی دوره عمل گذشته و متضمن صورت ارقام قطعی تمام اعتبارات وعایدات وصولی ومخارج سنه مالی قبل بوده و نتیجه قطعی معاملات کل بودجه مصوب را بطور روشن نشان دهد .

ماده ۴۹ ـ صورت حسابهای ضمیمه لایحه تفریغ بودجه باید با رعایت تقسیمات به فصول ومواد بودجه عایدات ومخارج تنظیم و بمجلس شورای ملی پیشنهاد گردد.

ماده ۵۰ ـ صورتیکه در تحت عنوان عایدات و مخارج بلایحه قانونی تفریغ بودجه منضم خواهد شد باید اطلاعات ذیل را حاکی باشد :

الف ـ صورت حساب بودجه عایدات :

۱ ـ عواید پیش بینی شده سنه مالی گذشته .

۲ ـ وجوهی که در دوره عمل گذشته وصول شده است .

۳ ـ اضافه یا کسر.

ب ـ صورت حساب بودجه مخارج :

۱ ـ اعتبار مصوبه .

۲ ـ مخارج تأدیه شده تاآخر دوره عمل بتفکیك فصول ومواد بودجه .

۳ ـ مخارجی که بدوره عمل بعد منتقل و تأدیه میشود بـه تفکیك فصول و مواد بودجه .

٤ ـ جمع مخارج بتفکیك فصول و مواد بودجه .

۵ ـ صرفه جوئی قطعی سنه مالی بتفکیك فصول ومواد بودجه .

ماده ۵۱ ـ علاوه بر صورت محاسبه بودجه عایدات و مخارج که بشرح ماده فوق باید تهیه وضمیمه لایحه تفریغ بودجه گردد مدارك ومستندات مفصله ذیل را نیز باید بانضمام آن بمجلس شورایملی تقدیم نمود :

۱ ـ صورت حساب وزارتخانه‌ها.

۲ ـ صورت محاسبات کل مالیه .

۳ ـ راپرت سالیانه دیوان محاسبات.

ماده ۵۲ ـ کلیه مقررات این قانون راجع بوزارتخانه‌ها شامل ادارات مستقله نیز خواهد بود .

ماده ۵۳ ـ این قانون از اول فروردین ۱۳۱۳ اجرا وازهمان تاریخ قانون محاسبات عمومی مصوب ۲۱ صفر ۱۳۲۹ نسخ میشود.

این قانون که مشتمل برپنجاه وسه ماده است درجلسه دهم اسفند ماه یکهزار وسیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه اجرای مواد اصلاح قانون دیوان محاسبات و قانون محاسبات عمومی پس از تصویب کمیسیون قوانین مالیه

مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ بوزیر مالیه اختیار داده میشود از تاریخ تصویب این قانون هریك ازمواد قانون دیوان محاسبات وقانون محاسبات عمومی را که محتاج باصلاح بداند تغییر داده و مواد لازمه را تهیه نموده پس از تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس

شورای ملی بجای قوانین فعلی بموقع اجرا بگذارد این مواد پس از آزمایش یکسال درعمل بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد ولی مادام که تکلیف آن ازطرف مجلس معین نشود بقوت خود باقی خواهد بود .

این قانون کــه مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و هفتم شهریور ماه یکهزار وسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه

مصوب ٤ تیرماه ١٣١٢ شمسی

ماده‌واحده ـ وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورایملی پیشنهاد کرده و مینمایــد پس‌از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده وپس‌از آزمایش آنها درعمل نواقصی‌را که درضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بـه مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایــد لوایح مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع بکمیسیون بدهند و شور دوم بعدازانقضاء هشت روز بعمل آید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه چهارم تیر ماه یکهزار وسیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه

مصوب ۲۳ مهرماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها درعمل نواقصی‌را که درضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید لوایح مزبوره در کمیسیون مطرح و پس‌از شور اول طبع وتوزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع بکمیسیون بدهند وشور دوم بعداز انقضاء هشت روز بعمل آید .

این قانون که مشتمل بریك ماده‌است درجلسه بیست وسوم مهرماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس‌از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه

مصوب ۲۹ فروردین ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی‌را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد می‌نماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده

و پس از آزمایش آنها درعمل نواقصی را که درضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. لوایح مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع بکمیسیون بدهند و شور دوم بعد از انقضاء هشت روز بعمل آید.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و نهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملّی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه

مصوب ۱۲ دیماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید ـ لوایح مز بوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را درموضوع لایحه درظرف هشت روز از تاریخ توزیع بکمیسیون بدهند و شور درم بعد از انقضای هشت روز بعمل آید.

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه دوازدهم دیماه یکهزار و

سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قــانون

راجع بامور قضائی و اداری لرستان

مصوب ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ دولت مجاز است برای امور قضائی و اداری لرستان بجای قوانین عادی ـ باستثنای قوانین مجازاتی و قوانین ثبت در آن قسمتی که مربوط بترتیب ثبت املاك و رسمیت اسناد است ـ نظامنامه هائی تدوین کرده و بموقع اجرا گذارد سه سال پس از تاریخ اجرای این قانون قوانین عادی به قوت خود برخواهد گشت .

ماده دوم ـ برای رسیدگی بدعاوی بین افراد ایلات ساکن لرستان با یکدیگر و یا دعاوی آنها درلرستان با سایر اشخاص هیئت حاکمه مرکب خواهد بود ازسه نفر مگر درمواردی که مطابق نظامنامه هیئت وزراء محاکم عادی مرجع رسیدگی باشند .

احکام هیئت حاکمه فوق در دعاوی که مدعی به آن از پنجهزار ریال تجاوز نکند قطعی و غیر قابل شکایت خواهد بود رسیدگی استینافی بدعاوی که مدعی به آن ازمبلغ مزبور تجاوزکند بعهده محکمه مرکب ازسه نفرخواهد بودکه درطهران تشکیل میشود حکم این محکمه قابل تمیز نیست .

هیئت مذکوردرقسمت اول این ماده بامور جزائی نیز که مطابق قانون جنحه تشخیص شده رسیدگی خواهد کرد وحکم آن در صورتی که بدو ماه حبس یا کمتر و یا بجزای نقدی صادر شده باشد قطعی و غیرقابل شکایت است و در غیر این صورت

در یکی از شعب جزائی محکمه استیناف غرب بآن رسیدگی خواهد شد.

ماده سوم ـ این قانون از ۲۰ تیرماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

این قانون که مشتمل برسه ماده است در جلسه هیجدهم تیر ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع باختیارات وزیرعدلیه نسبت بتشکیلات و صلاحیت و اصول محاکمات دیوان جزای عمال دولت

مصوب ١٦ اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده‌واحده ـ بوزیر فعلی عدلیه اختیار داده میشود از تاریخ تصویب این قانون تا ششماه هریك ازمواد مربوطه بتشکیلات وصلاحیت واصول محاکمات دیوان جزای عمال دولت را که محتاج باصلاح بداند تغییر داده و مواد لازمه را تهیه نموده بموقع اجرا گذارد و پس از مدت ششماه آزمایش آن مواد رابمجلس شورای ملی پیشنهاد کند.

مادام که تکلیف آن مواد از طرف مجلس شورای ملی معین نشده بقوت خود باقی خواهد بود.

این قانون‌که مشتمل بریك ماده‌است درجلسه شانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار وسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه درمحاکم

مصوب ۳۱ تیرماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده‌واحده ـ نسبت باحوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم بایدقواعد وعادات مسلمه‌متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع بانتظامات عمومی باشد بطریق ذیل رعایت نمایند:

۱ ـ درمسائل مربوطه به نکاح وطلاق عادات وقواعد مسلمه متداوله درمذهبی که شوهر پیروآن است.

۲ ـ درمسائل مربوطه به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهب متوفی.

۳ ـ درمسائل مربوطه به فرزند خواند گی عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیروآن است.

چون بموجب قانون ٤ تیر ماه ۱۳۱۲ (وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده وپس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس‌شورای‌ملی پیشنهاد نماید)علیهذا (قانون اجازه رعایت احوال شخصیه‌ایرانیان غیر شیعه در محاکم) مشتمل بر یك ماده که در تاریخ سی ویکم تیر ماه یکهزار و

سیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجراست .

رئیس مجلس شورای ملّی ـ دادگر

قانون

اصلاح مواد ۱۳ و ٤۱ و ٤۳ و ۷۰ و ۱۱۱ و ۱۱۷

قانون ثبت اسناد و املاك

مصوب ۷ مردادماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده اول ـ۱ـ ماده ۱۳ قانون ثبت اسناد واملاك بطریق ذیل اصلاح میشود :

ماده ۱۳ ـ کسانیکه تقاضای ثبت ملکی را کـه مجهول المالك اعـلان شده بنمایند باید صدی ۲۵ علاوه برحق الثبت معمولی بپردازند مگر در موارد ذیل :

الف ـ اگرملك یا املاك مورد تقاضای ثبت دوهزار ریال یا کمتر قیمت داشته باشد حق الثبت معمولی پرداخته خواهد شد .

ب ـ اگرملك یا املاك موردتقاضای ثبت بیش‌از دوهزار ریال و منتها بیست هزار ریال قیمت داشته باشد تا دوهزار ریال حق‌الثبت معمولی ونسبت بمازاد دوهزار ریال تا بیست هزار ریـال صدی ده عـلاوه بر حق الثبت معمولی حق الثبت بایـد تأدیه بشود .

درمورد املاکی که مطابق ماده ۱۲ بنام دولت ثبت میشود حق الثبت معمولی اخذ خواهد شد و حق‌الثبت مزبور در صورتی کـه ملك عایدی داشته باشد از عوائد والا موافق نظامنامه وزارت عدلیه از قیمت آن اخذ میشود .

۲ ـ ماده ٤۱ بطریق ذیل تغییر میبابد :

ماده ۴۱ ـ درصورتیکه درانثناء مدت عملیات مقدماتی تقاضا کننده ثبت ملك مورد تقاضا راکلاً یا بعضاً بدیگری منتقل کند انتقال دهنده مکلف است تا ده روز ازتاریخ انتقال شخصاً یابتوسط وکیل ثابت الوکاله دراداره ثبت اسناد حاضر ومعامله خودراکتباً اطلاع دهد.

۳ ـ ماده ٤۳ بطریق ذیل اصلاح میشود:

ماده ۴۳ ـ هرگاه انتقال بموجب سند عادی بوده و انتقال دهنده معامله خودرا باداره ثبت اطلاع نداد چنانچه مدت اعتراض باقی است منتقل الیه مطابق مقررات عرضحال اعتراض میدهد و چنانچه مدت منقضی شده منتقل‌الیه میتواند بوسیله اظهارنامه بانتقال دهنده اخطار نماید هرگاه مشارالیه معامله را درظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه تصدیق نمود ملك بنام انتقال گیرنده ثبت والا ملك بنام انتقال دهنده ثبت وانتقال گیرنده بموجب ماده ۱۰۵و۱۱٤ میتواند انتقال‌دهنده را تعقیب نماید.

هرگاه انتقال بموجب سند عادی بوده و انتقال دهنده مطابق ماده ٤۱ عمل نماید ویا انتقال بموجب سند رسمی باشد بترتیب ذیل عمل خواهد شد:

اگر اعلانات نوبتی منتشر نشده ملك باسم انتقال گیرنده اعلان میشود واگر اعلانات درجریان باشد بقیه اعلانات بنام انتقال گیرنده با قید انتقال اصلاح میشود و اگر رجوع باداره ثبت بعداز اتمام اعلانات باشد ملك باسم انتقال گیرنده بثبت خواهد رسید.

اگر معلوم شود سند رسمی انتقال مجعول بوده مرتکب به پنج تا پانزده سال حبس با اعمال شاقه محکوم و بعلاوه مفاد ماده (۱۱٤) درباره اومجری خواهد شد.

٤ ـ ماده ۷۰ بطریق ذیل اصلاح میشود:

ماده ۷۰ ـ سندی که مطابق قوانین بثبت رسیده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه درآن معتبر خواهد بود مگرآنکه مجعولیت آن ثابت شود.

انکار مندرجات اسناد رسمی راجع باخذ تمام یا قسمتی از وجه یامال ویاتعهد بتأدیه وجه یا تسلیم مال مسموع نیست.

مأمورین قضائی یا اداری که ازراه حقوقی یا جزائی انکارفوق را مورد رسیدگی قرار داده و یا بنحوی از انحاء مندرجات سند رسمی را در خصوص رسید وجه یا مال یا تعهد بتأدیه وجه یا تسلیم مال معتبر ندانند بششماه تایکسال انفصال موقت محکوم خواهند شد.

تبصره ـ هرگاه کسی که بموجب سند رسمی اقرار باخذ وجه یامالی کرده یا تأدیه وجه یا تسلیم مالی را تعهد نموده مدعی شود که اقرار یا تعهد او در مقابل سند رسمی یا عادی یاحواله یا برات یاچك یافته طلبی بوده است که طرف‌معامله باو داده وآن تعهد انجام نشده ویا حواله ویا برات یاچك یافته طلب پرداخت نگردیده است این دعوی قابل رسیدگی خواهد بود.

٥ ـ ماده ذیل بعنوان ماده ۱۱۱ مکرر بقانون ثبت اضافه میشود:

ماده ۱۱۱ مکرر ـ اگر در مورد مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ متهم کسی باشد که املاك موقوفه عام المنفعه را بعنوان متولی یا متصدی و یا املاك مولی علیه را بعنوان ولایت یا قیمومیت در تصرف دارد تعقیب جزائی موکول به شکایت مدعی خصوصی نیست.

٦ ـ ماده ۱۱۷ بطریق ذیل تغییر میبابد:

ماده ۱۱۷ ـ هرکس بموجب سند رسمی یا عادی نسبت بعین یا منفعت مالی (اعم ازمنقول یاغیرمنقول) حقی بشخص یا اشخاص دادهوبعد نسبت بهمان‌عین‌یامنفعت

بموجب سند رسمی معامله یاتعهدی معارض باحق مزبور بنماید بحبس با اعمال شاقه از سه تاده سال محکوم خواهد شد.

ماده دوم ـ مقصود از مواد قبل مذکور در ماده (۱۱۱) قانون ثبت اسناد واملاك مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۰ مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ قانون مزبوراست.

ماده سوم ـ این قانون از ۱۵ امرداد ماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

چون بموجب قانون ٤ تیر ماه ۱۳۱۲ (وزیرعدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده وپس از آزمایش آنها درعمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره راتکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذاقانون اصلاح مواد۱۳و٤۱و٤۳و۷۰و۱۱۱و۱۱۷قانون ثبت اسناد و املاك (مصوب ۲۶اسفند ماه ۱۳۱۰) مشتمل برسه ماده که درتاریخ هفتم مردادماه یکهزارو سیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح قانون ثبت اسناد و املاك

مصوب ۲۸ دیماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده اول ـ فقره ۳ ماده ۳۳ قانون ثبت اسناد و املاك مصوب ۲۶ اسفند ماه

۱۳۱۰ بطريق ذيل اصلاح ميشود :

فقره ۳ـ در صورتيكه درتاريخ اجراى قانون مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۸ملك موردمعامله درتصرف انتقال گيرنده بوده ولااقل پنج سال‌از انقضاءِ موعدحق استرداد تا تاريخ مزبور گذشته باشد مشروط بدو شرط ذيل :

الف ـ از انقضاءِ موعد حق استرداد تا تاريخ اجـراى قانـون بهمن ۱۳۰۸ از طرف انتقال دهنده ياقائم مقام قانونى اوبوسيله عرضحال يا اظهارنامه رسمى اعتراض بمالكيت انتقال گيرنده نشده باشد.

ب ـ در صورتيكه تا تاريخ تصويب اين قانون (۲۸ ديماه ۱۳۱۲) حكم قطعى بربى حقى انتقال گيرنده يا قائم مقام قانونى او صادر نشده باشد .

ماده‌دوم ـ الف ـ مقصود از حكم مقرر در قسمت اول ماده ۳۸ قانـون ثبت اسناد و املاك مصوب ۲٦ اسفند۱۳۱۰ راجع بمعاملات مذكور درماده ۳۳ اين قانون اين است كه اگرچه انتقال گيرنده يا قائم مقام قانونى او عين مورد معامله را مطالبه كرده باشد محاكم مكلفند بـر طبق مفاد ماده ۳٤ و دو تبصره آن و ماده ۳۸ قانـون مزبور برد اصل وجه و متفرعات مذكور در ماده ۳٤ حـكم صادر نمايند مـگرآنكه انتقال دهنده قبل از صدور حـكم بتسليم عين مـال در مقابل اصل حاضـر شود كـه در اين صورت بتسليم عين و متفرعات حـكم صادر خواهد شد .

ب ـ درصورتيكه مدعى‌اصل وجه و متفرعات را مطالبه كند محكمه نميتواند حكم به تسليم عين بدهد ولو اينكه انتقال دهنده بتسليم عين مال حاضرشود .

ماده‌سومـ درصورتيكه‌مال‌مورد معامله‌باحق‌استرداد درتصرف‌شخص‌ديگرى غير از انتقال دهنده ياوارث او باشد انتقال گيرنده يا قائم مقام قانونى او براى وصول طلب خود بابت اصل وجه و متفرعات ميتواند بهريك از انتقال دهنده يا وارث او و

یا کسی کــه مورد معامله را متصرف است اقامــه دعوی نمایـد و رجوع بهریك مانع مراجعه بدیگری نخواهد بود .

هر گــاه بمتصرف رجوع شد و حاصل از فروش ملك کفایت اصل و متفرعات را نکرد مدعی میتواند برای بقیه بانتقال دهنده رجوع کند وانتقال گیرنده میتواند در صورتیکه متصرف عالم به معامله اولیه بوده برای بقیه طلب خود درحدود مدتی که موردمعامله درتصرف‌متصرف بوده بمشارالیه نیزمراجعه کند اعم ازاینکه متصرف استیفای منفعت کرده یا نکرده باشد .

ماده چهارم ــ هر گــاه انتقال گیرنده عین مال مورد معامله باحـق استرداد را ادعا کرده و باستناد مقررات قانون ثبت راجع باین نوع معاملات در مطالبه عـین محکوم شده باشد طرف دعوای او حق مطالبه خسارات محاکمه ازاو نخواهد داشت .

ماده‌پنجم ــ این قانون ازدهم بهمن ماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذاشته میشود.

چون بموجب قانون ۲۳ مهرماه ۱۳۱۲ « وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی راکه بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عـدلیه بموقع اجرا گذارده و پس ازآزمایش آنها در عمل نواقصی راکه در ضمن جریـان ممکن‌است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل‌کرده ثانیاً برای‌تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید » علیهذا (قانـون اصـلاح قانون ثبت اسناد و املاك) مشتمل برپنج ماده که در تاریخ بیست و هشتم دیماه یکهزاروسیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجراست .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قــانون

اصلاح مواد ۳٤ و ۳۵ قانون ثبت اسناد و املاك

مصوب ۱۰ اسفند ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ مـواد ۳٤ و ۳۵ قـانـون ثبت اسناد و امـلاك مصوب ۲٦ اسفند ماه ۱۳۱۰ نسخ ودوماده ذیل به جای آن تصویب وازتاریخ تصویب قابل اجرا خواهد بود .

ماده ۳۴ ـ در مورد معاملات مذکوره در ماده ۳۳ هر گـاه انتقال دهنده در ظرف مدت از حق خود استفاده نکرد انتقال گیرنده میتواند فروش مال موردمعامله را از اداره ثبت تقاضا نماید در ایـن صورت اداره ثبت بـانتقال دهنده اخطار میکند که هر گاه در ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریـه اصل وجـه معامله را با اجرت المسمی عقب افتاده وخسارت تأخیرتأدیه نسبت باصل ازروزانقضاءِ مدت حق استرداد بانتقال گیرنده تأدیه ننماید مورد معامله بمزایده گذارده میشود و برای تعیین قیمتی که مزایده از آن قیمت شروع میشود باید ملك بقیمت عادله تقویم شود ودرصورتی که تعیین قیمت عادله محتاج باهل خبره باشد یك یاچند نفر خبره بتراضیطرفین و در صورت عدم تراضی سه نفر اهل خبره بقرعه معین شده و بعد از تقویم مـال مورد معـامله یك خمس از قیمتی که خبره معین نمود کسر و مزایده از آن قیمت شروع میشود و بعد از فروش وجه آن بمیزان طلب به انتقال گیرنده داده میشود اگر چـه مدیون طلبکار دیگری هم داشته باشد و اگردر روزمزایده خریداری نبود یامبلغی که مزایده از آن شروع شده بفروش نـرسید ازمال مزبور بهمان قیمت یعنی قیمت عادله بـا کسر خمس آن بمقدار طلب بانتقال گیرنـده داده میشود و اداره ثبت سند قطعی بانتقال گیرنده خواهد داد ولی مؤسسات بانکی از این قاعده مستثنی بـوده و

باید ملك مورد معامله بطریق مزایده بفروش برسد .

تبصره ۱ ـ املاکی که مورد تقاضای مزایده بوده و هنوز بفروش نرسیده وسند قطعی بخریدار داده‌نشده از حیث مزایده و تقویم و واگذاری بمنتقل الیه مشمول این قانون خواهد بود .

تبصره ۲ ـ درصورت تعیین قیمت بتوسط اهل خبره که بقرعه معین شده باشند هر گاه یك طرف اعتراض قابل توجهی بـر تقویم اهل خبره بنماید در ظرف ده روز بعد از ابلاغ تصدیق اهل خبره به او حق دارد برای یك نوبت تجدید نظر بخواهـد دراینصورت خبره های دیگری برای تعیین قیمت انتخاب خواهد شد .

تبصره ۳ ـ محل تقویم مال مورد مزایـده و انتخاب خبره بتراضی یا بقرعه و ترتیب قرعه و تجدید نظر درتصدیق خبره و حق‌الزحمه آنان و سایر ترتیبات بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد .

تبصره ۴ ـ در مورد معاملات مذکوره در ماده ۳٤ خسارت تأخیر تأدیه باصل وجه مورد معامله از تاریخ انقضاءِ مـدت حق استرداد تعلق خواهد گرفت ـ درمورد سایر معاملات استقراضی تعلق خسارت تأخیراداء مشروط بتقدیم اظهار نامه یاعرضحال است و از تـاریخ ابلاغ اظهار نامه یـا تقدیم عرضحال محسوب میشود ولی بطور کلی تعلق خسارت تأخیر اداء در صورتی است که وجه الزامی بین طرفین در ضمن معامله اصلی یا ضمن هر نوع قرار داد و معامله دیگری که التزام مزبور راجع بمعامله اصلی باشد ومدیون در صورت تأخیر اداء بطور مستقیم یا غیر مستقیم بتأدیه آن ملزم نشده باشد .

تبصره ۵ ـ مقررات این ماده بمعاملاتی که موافق ماده ۳۳ نسبت بعین‌منقول واقع شده مجری خواهد بود ولی درهر موردی که عین منقول قابل تجزیه نباشد باید

مال مزبور بمزایده بفروش رسیده وطلب دائن تأدیه گردد .

معاملات شرطی که موضوع آن مال‌ذمه باشد (از قبیل بیع شرط روغن وامثال آن) دائن فقط حق دارد اصل‌طلب‌خود را باوجه التزام (درصورتیکه معین شده باشد) یا خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ انقضاء مدت مطالبه نماید .

تبصره ٦ ـ درصورتیکه پس از اخطار اداره ثبت اسناد بانتقال دهنده درظرف مدت دو ماه انتقال دهنده با انتقال گیرنده معامله خود راختم نماید اداره ثبت اسناد حق مطالبه حق الاجرا را نخواهد داشت .

ماده ۳۵ ـ محاکم عـدلیه در هیچ مورد نسبت بوجه التزام مقرر درمعاملات مذکـوره در ماده ۳۳ و معاملات استقراضی بیش از صدی ۱۵ در سال بنسبت مدت تأخیر حـکم نداده و ادارات ثبت بیش از صدی دوازده درسال ورقه لازم الاجرا صادر نخواهند کرد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه پانزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصدو دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆ قانون

الحاق ماده ۱۳ مکرر بقانون ثبت اسناد و املاك

مصوب ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ ماده ذیل تحت نمره ۱۳ مکرر بقانون ثبت اسناد واملاك مصوب ۲٦ اسفند ماه ۱۳۱۰ افزوده میشود :

ماده ۱۳ مکرر ـ در مورد اعیانی که زارعین دراملاك مزروعی متعلق بغیر دارند وبتبع اصل ملك یا مستقلا مجهول المالك اعلان شده است تقاضای ثبت از طرف زارعین نسبت به اعیانی

---

* این قانون بموجب قانون مصوب دهم خرداد ۱۳۲۲ (دوره سیزدهم) نسخ شده است .

مزبور باهمان حق الثبت معمولی و بدون تأدیه وجه علاوه مقرر درماده ۱۳ اصلاحی مصوب ۷ مرداد ۱۳۱۲ قبول خواهد شد اگرچه قیمت آن بیش از دو هزار ریال باشد .

تبصره ۱ ـ در مورد این ماده مقصود اززارعین کلیه ساکنین املاك مزروعی است اگرچه شغل آنها زراعت نباشد باستثنای مالك اصل رقبه .

تبصره ۲ ـ کلیه املاکی که مجهول المالك اعلان شده یا درسال ۱۳۱۳ مجهول المالك اعلان شود چنانچه تا آخر اسفند ماه ۱۳۱۳ تقاضای ثبت آن بشود از پرداخت وجه علاوه مقرر در ماده ۱۳ اصلاحی معاف بوده و همان حق‌الثبت معمولی اخذ خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه پانزدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه ثبت معاملات کمتر ازدوهزار ریال بصاحبان دفاتر ازدواج وطلاق

مصوب ۲۲ دی ماه ۱۳۱۴ شمسی

ماده واحده ـ در هریك ازقراء وقصباتی که دفتر اسناد رسمی تأسیس نشده وزارت عدلیه درصورتی که مقتضی بداند میتواند اجازه بدهد که صاحبان دفاتر ازدواج و طلاق اسناد راجعه بمعاملات و تعهداتی را که بیش از دو هزار ریال نباشد ثبت کنند . اعتبار اسنادی که برطبق این ماده بثبت میرسد همان اعتباری خواهد بود که بموجب قوانین جاریه برای اسناد ثبت شده در دفاتر اسناد رسمی مقرر است و همچنین مسئولیت صاحبان دفاتر ازدواج از حیث ثبت اسناد همان مسئولیتی خواهد بود که برای صاحبان دفاتر اسناد رسمی مقرر است .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه بیست و دوم دی ماه یکهزار وسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆ قانون

راجع باختلاف صلاحیت بین محاکم عدلیه و دیوان محاکمات مالیه

مصوب اول بهمن ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ مرجع حل اختلاف راجع بصلاحیت بین محاکم عـدلیه و دیوان محاکمات مالیه دیوان عالی تمیز است.

ماده دوم ـ مفاد ماده ۱۷۰ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب رمضان وذی قعده ۱۳۲۹ قمری شامل اختلاف بین محاکم عدلیه ومحاکمات مالیه نخواهد بود.

این قانون که مشتمل بر دو ماده است درجلسه اول بهمن ماه یکهزار وسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆☆ قانون

اصلاح ماده چهارم قانون مرور زمان

مصوب ۲۲ بهمن ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده ۱ ـ ماده ٤ قانون ۲۱ بهمن‌ماه۱۳۰٦ راجع به ثبت عمومی املاك ومرور زمان نسخ و بجای آن ماده ذیل تصویب میشود:

ماده ۴ ـ بایراد مرورزمان خواه قبل‌ازرسیدگی بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید و این قرار در صورتی که مبنی برقبول ایراد باشد مستقلا قابل استیناف و تمیز است و مادام که تکلیف قرار در مراحل استیناف و تمیز معین نشود محکمه ابتدائی رسیدگی را بتأخیر خواهد انداخت.

---

* ترتیب حل اختلاف بموجب مواد ٥٤ و٥٥ و٥٦ و ٥٧ آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ (دوره یازدهم) تعیین گردیده.

** این قانون بموجب بند ١٤ ماده ۷۸۹ آئین دادرسی مدنی نسخ شده است.

هر گاه قرار محکمه مبنی بر رد ایراد باشد استیناف یا تمیز آن فقط با حکم در ماهیت دعوی ممکن خواهد بود - طلبکاران و ضامن مدعی علیه می توانند در صورتی که عدم استناد مدعی علیه بمرور زمان موجب ضرر آنها باشد وارد دعوی شده بمرور زمان استناد نمایند .

در صورتی که مدعی علیه اقرار بمالکیت و یا حق مدعی نماید مرور زمان منقطع میشود .

وهمچنین اگر مدعی علیه صدورسندی‌راکه مشتمل براقراراو بمالکیت مدعی یا کسی که مدعی ازاو تلقی کرده است ازخود تصدیق کند مرورزمان از تاریخ همان سند قطع شده تلقی میگردد .

ماده ۳ - از فقره ٦ ماده هشتم قانون تسریع محاکمات مصوب ۳ تیر ماه ۱۳۰۹ عبارت (یارد) حذف میشود .

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه بیست و دوم بهمن ماه یکهزار و سیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

☆قانون

اصلاح عبارتی ماده ٤١ قانون تأمین مدعی به

مصوب ١٦ اسفند ماه ۱۳۱۲ شمسی(کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده - عبارت (نهم خردادماه ۱۳۰۸) در ماده ٤١ قانون تأمین مدعی‌به مصوب ٢٦ اسفند ماه ۱۳۰۸ بعبارت (سی و یکم اردی بهشت ماه ۱۳۰۸) تبدیل میشود .

چون بموجب قانون ۲۳ مهرماه ۱۳۱۲ (وزیرعدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها درعمل نواقصی‌را که درضمن‌جریان‌ممکن‌است معلوم شود رفع وقوانین‌مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا « قانون اصلاح عبارتی ماده ٤١ قانون تأمین مدعی به » مشتمل بریك ماده که در تاریخ شانزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب‌کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجراست .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

---

* چون قانون تأمین مدعی‌به مصوب نهم خرداد ۱۳۰۸ بموجب بند ۱۱ ماده ۷۸۹ آئین دادرسی مدنی نسخ شده است این قانون هم بالتبع منسوخ است .

☆ قانون

راجع باموال بلاصاحب

مصوب ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ نسبت باموال متوفائی که وراث او معلوم نیست و اموالی که صاحبان آنها غیر معلوم است مطابق مواد ذیل رفتار میشود .

ماده دوم ـ در مورد متوفائی که وارث آنها معلوم نیست پارکه بدایت محل باید فوت آنها را بطوری که شناخته شوند در جراید کثیرالانتشار اعلان نماید .

ماده سوم ـ پارکه بدایت هر محل باید آن قسمت ازاموال مذکور در ماده فوق را که نگاهداشتن آن موجب فساد یا کسر قیمت و یا مستلزم مخارج غیرمتناسب میشود فوراً بعداز تصرف بطریق مزایده بفروش برساند ولی نسبت باموال مسروقه که صاحبان آنهامعلوم نشده بعدازششماه باید بطریق مزبور بفروش برسدمگر اموالی که نگاهداری آنها موجب فساد باشد .

قیمت فروش باید بعداز وضع مخارجی که برای حفظ و یا فروش اموال شده است بطریقی که در نظامنامه های مربوطه باین موضوع مقرر شده یا میشود حفظ گردد .

ماده چهارم ـ هر گاه تا سه سال از تاریخ تصرف پارکه بدایت نسبت باموال منقوله و تا ده سال برای اموال غیر منقوله و بعداز اعلان مذکور درماده ۲ صاحبی برای مال ویا وارثی برای متوفی پیدا نشود آن مال بلاصاحب محسوب شده وبمصارف مقرر در ماده ۲۸ قانون مدنی خواهد رسید .

---

* در فصل هشتم قانون امور حسبی مصوب دوم تیر ۱۳۱۹ (دوره دوازدهم) ده ماده راجع به ترکه متوفای بلاوارث است که مکمل قانون بالا میباشد .

ماده پنجم - سایر مسائل مربوطه بطرز نگاهداری و فروش اموال مذکور در ماده اول بموجب نظامنامه مقرر خواهد شد .

ماده ششم - درتمام مواردی که بموجب این قانون یا بموجب مقررات دیگر بمدعی‌العموم بدایت یا نماینده او حق دخالت در امـوالی داده شده است کـه هنوز صـاحب آن معلوم نیست مشارالیه میتواند هر اقدامـی را که برای اداره کـردن اموال مزبور لازم است از قبیل وصول مطالبات واقامه دعوی برعلیه بدهکاران و غیره بعمل آورد مخارج اقدامات مزبور از خودآن اموال برداشته خواهد شد .

ماده هفتم - نظامنامه‌های مذکور در ایـن قـانون باید بـه تصویب هیئت وزراء برسد .

این قانون که مشتمل بر هفت ماده است در جلسه شانـزدهم اردیبهشت مـاه یکهزارو سیصدو سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح ماده پنجم قانون راجع بدعاوی بین اشخاص و دولت

مصوب ٢٧ اردیبهشت ماه ١٣١٣ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده ـ ماده‌پنجم قانون١٣ آبان‌ماه ١٣٠٩راجع بدعاوی بین‌اشخاص ودولت نسخ و بجای آن ماده ذیل تصویب میشود :

ماده پنجم ـ درصورتیکه املاکی از طرف دولت باشخاص بملکیت واگذار وبتصرف آنان داده شده باشد وموردادعای شخص ثالثی بشود ومدرك بدوی مالکیت و تصرف فقط تلقی‌ازدولت باشدمرجع رسیدگی بمالکیت‌دولت‌محاکمات‌مالیه‌خواهد بود.

چون بموجب قانون ۲۹ فروردین ماه ۱۳۱۳ (وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجراء گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا «قانون اصلاح ماده پنجم قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت» مشتمل بر یکماده که در تاریخ بیست و هفتم اردیبهشت ماه یکهزارو سیصدو سیزده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح ماده سوم قانون تصدیق انحصار وراثت

مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۳ شمسی(کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده ـ ماده سوم قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱٤ مهر ماه ۱۳۰۹ بطریق ذیل اصلاح میشود :

ماده سوم ـ امین صلح یاحاکم بدایتی که وظیفه صلحیه‌را انجام میدهد باید تمام ادله واسناد مستدعی ویامستدعیان تصدیق را از ورقه سجل احوال وشهادت‌شهود وغیره تحت نظر گرفته شرحی در مجله رسمی و یکی از جراید محل بخرج مستدعی یا مستدعیان سه دفعه متوالیاً ماهی یکدفعه اعلان کرده و پس از انقضای سه ماه از تاریخ نشر اولین اعلان در صورتیکـه معترضی نبود تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراث بمستدعی یا مستدعیان میدهد و در صورت اعتراض امین صلح و یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام میدهد مطابق اصول رسیدگی کرده حکم خواهد داد واین حکم قابل استیناف وتمیز خواهد بود .درصورتیکه معترض ادعای خود را

تا دو ماه تعقیب نکرد بتقاضای مستدعی یامستدعیان حق اعتراض او ساقط و محکوم بادای خسارت میشود. هر گاه مال منقول متعلق بمتوفی که مورد مطالبه واقع شده بیش از پانصد ریال قیمت نداشته باشد انتشار اعلان مذکور فوق بعمل نخواهد آمد و امین صلح یا حاکم بدایت باید خارج از نوبت بتمام ادله و اسناد مستدعی تصدیق رسیدگی کرده وشهود را درصورتیکه باشد استماع نموده رأی مقتضی راجع بدادن تصدیق یا رد تقاضا بدهد و در هرحال دراین مورد مخارج مذکور در ماده (۸) اخذ نخواهد شد ـ رأی محکمه دائر برد تقاضای تصدیق قابل استیناف وتمیز است .

درکلیه مواردکه مدعی‌العموم تشخیص بدهدکه متوفی بلاوارث بوده وتقاضای شخص یا اشخاص برای صدور تصدیق بی اساس است مثل مدعی خصوصی میتواند بر تقاضای مذکور اعتراض کند و در موردی هم که مال منقول متعلق بمتوفی بیش از پانصد ریال قیمت نداشته و بر اثر تقاضای شخص یا اشخاص تصدیق انحصار وراثت صادر شده باشد درصورتیکه مدعی‌العموم متوفی را بلاوارث بداند میتواند برتصدیق مذکور اعتراض کند ودرهرحال مدعی‌العموم حق دارد از رأی محکمه که برعلیه او صادر شده استیناف و تمیز بخواهد ـ در مواردی که اشخاص باستناد تصدیق انحصار وراثت که قبل از اجرای این قانون صادر شده مطالبه مال یاحقی از دولت بنمایند مدعی العموم تا سه ماه از تاریخ اجرای این قانون حق اعتراض بر تصدیق مذکورخواهد داشت .

چون بموجب قانون ۲۹ فروردین ماه ۱۳۱۳ (وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای

تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا ۵ قانون اصلاح ماده سوم قانون تصدیق انحصار وراثت) مشتمل بر یکماده که درتاریخ بیست وهفتم تیرماه ۱۳۱۳ شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده است قابل اجراست .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تکمیل قانون تصدیق انحصار وراثت

مصوب اول آذرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده‌واحده ـ دوماده ذیل بعنوان ماده۱۳و۱۴ به قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۴ مهرماه ۱۳۰۹ اضافه میشود :

ماده سیزدهم ـ امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه‌را انجام میدهد درصورتی‌که مدرك استشهادنامه بوده وهویت شهود یا انتساب امضاء یامهر به‌منتسب‌الیه در نزد محکمه معلوم نبوده ویا مفاد شهادت مجمل و مبهم باشد میتواند شهودرا احضار کرده و شهادت آنانرا استماع کند .

چنانچه شاهد در خارج از مقر محکمه ساکن باشد تحقیق از شاهد بوسیله محکمه محل اقامت شاهد یا نزدیك ترین محکمه محل اقامت شاهد بعمل خواهد آمد.

درتصدیق انحصار وراثت امین صلح یا حاکم بدایت باید نسبتی را که مستدعی یامستدعیان تصدیق با مورث خود دارند وهمچنین نسبت سهم الارث آنهارا ازمتروکات بنحو اشاعه معین نماید .

ماده چهاردهم ـ هرگاه تقاضای تصدیق انحصار وراثت برای تقدیم اظهارنامه ثبت املاك و یا بطورکلی مربوط به امور مذکور در ماده ۷ بعمل آید تقاضا کننده

باید تصدیقی از اداره ثبت مشعر برلزوم اثبات انحصار وراثت تحصیل‌کرده وبتقاضانامه خود ضمیمه نماید .

دراین صورت امین صلح یا حاکم بدایت اعلان مذکور در ماده ۳ را به اداره ثبت محل ارسال میدارد تا جزءِ اعلانات ثبت منتشر شده و مخارج اعلان نیز مثل اعلانات ثبت محسوب گردد . در مورد این ماده فقط نصف مخارج مذکور در ماده ۸ اخذ خواهد شد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه اول آذرماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

راجع برشد متعاملین

مصوب ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده‌واحده ــ از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات باستثناءِ نکاح و طلاق محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی راکه بسن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده‌اند اعم از ذکور و اناث غیررشید بشناسند مگرآنکه رشد آنها قبل از اقدام بانجام معامله یاعقد و یا ایقاع بطرفیت مدعی‌العموم درمحاکم ثابت شده باشد اشخاصی‌که بسن ۱۸سال شمسی تمام رسیده‌اند درمحاکم عدلیه وادارات دولتی ودفاتراسناد رسمی رشید محسوب میشوند مگراینکه عدم رشد آنها بطرفیت مدعی‌العموم در محاکم ثابت گردد .

مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنها است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سیزدهم شهریور ماه یکهزار وسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون

تکمیل قانون قنوات

مصوب ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ ماده ذیل در تحت نمره ۱۰ تصویب و بقانون راجع به قنوات مصوب ٦ شهریور ماه ۱۳۰۹ اضافه میشود :

ماده ۱۰ ـ هر گاه اشخاص متعدد در رودخانه و یا نهر و یا چشمه و یا قناتی برای مشروب ساختن اراضی معینی حقابه داشته باشند ویك یاچندنفرازآنها بخواهند از حق مزبور برای مشروب نمودن زمین دیگری با تغییر مجرای اختصاصی استفاده کنند شرکاء دیگر آب یا مجرا حق ممانعت نخواهند داشت مشروط براینکه از این اقدام ضرری متوجه اشخاص ذیحق نشود در مورد این ماده اهل خبره معین میکنند که چه مقدارآب و یاچه مقدار از زمان استفاده کردن ازآب درنقطه پائین تر کاسته شود مگر اینکه در تعیین مقدار مزبور بین شرکاء اختلافی موجود نباشد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه سیزدهم شهریورماه یکهزار و سیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون
اعسار

مصوب ۲۰ آذرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ معسر کسی است که بواسطه عدم کفایت دارائی یا عدم دسترسی بمال خود قادر بتأدیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد.

☆ فصل اول ـ اعسار در مورد مخارج محاکمه

ماده دوم ـ همین که اعسار کسی ثابت شد از نتایج ذیل استفاده خواهد کرد:

۱ ـ معافیت موقتی از تأدیه تمام یاقسمتی ازمخارج محاکمه در مورد دعوائی که برای معافیت از مخارج آن ادعای اعسارشده.

۲ ـ حق داشتن وکیل مجانی مطابق ماده ۱۸ این قانون.

۳ـ معافیت ازدادن تأمینی که باید اتباع خارجه بدهند درصورتیکه مدعی ازاتباع خارجه باشد.

تبصره ـ در رسیدگی بدعوی اعسار مدعی موقتاً از کلیه مخارج محاکمه مربوط بدعوی اعسار معاف خواهدبود.

ماده سوم ـ معافیت ازمخارج محاکمه باید برای هر دعوائی علیحده تحصیل شود ولی معسر میتواند درتمام مراحل مربوطه بهمان دعوی از حکم اعسار استفاده کند.

درمورد دعاوی متعدده که مدعی اعسار بریکنفر دفعتاً اقامه نماید حکم اعسار که نسبت بیکی ازدعاوی صادرشود نسبت بسایردعاوی هم سندیت خواهد داشت.

ماده چهارم ـ مرجع رسیدگی بدعوی اعسار محکمه ایست که صلاحیت رسیدگی بدوی بدعوی اصلی رادارد دعوی اعسار برای معافیت ازمخارج مرحله استیناف یاتمیز نیز به محکمه‌ای راجع است که بدایتاً بدعوی اصلی رسیدگی کرده است.

ماده پنجم ـ دعوی اعسار بطرفیت مدعی العموم و مدعی علیه دعوی اصلی اقامه خواهد

☆ فصل اول قانون اعسار که شامل هیجده ماده میباشد بموجب بند ۱۲ ماده ۷۵۹ آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ شهریور ۱۳۱۷ (دوره یازدهم) نسخ شده است.

شد هر گاه محکمه صلاحیتدار صلحیه باشد مدیر دفتر صلحیه سمت نمایندگی مدعی العموم را خواهد داشت.

ماده ششم - دعوی اعسار در صورتیکه برای معافیت از پرداخت مخارج مرحله بدوی باشد باید ضمن عرضحال راجع بدعوی اصلی اقامه گردد درصورتیکه برای معافیت ازمخارج مرحله استینافی یا تمیزی باشد بوسیله عرضحال جداگانه در محکمه مذکور درماده ٤ اقامه خواهد شد.

ماده هفتم - مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی را که از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند بعرضحال خود ضمیمه نماید.

در شهادتنامه مذکور باید اسم و شغل و وسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت مخارج دعوائی که میخواهد اقامه کند باتعیین مبلغ آن تصریح گردد.

ماده هشتم - هویت شهود را باید نظمیه و یا نایب الحکومه محل یاکدخدا تصدیق نماید مگر اینکه شهود درنزد محکمه معروف باشند.

ماده نهم - محاکمه اعسار اختصاریست.

ماده دهم - مدیر دفتر مکلف است در ظرف دو روز از تاریخ وصول عرضحال اعسار دوسیه را بنظر حاکم محکمه برساند. تا چنانکه حاکم حضور شهود را درجلسه محاکمه لازم بداند بمدعی اعسار اخطار شود که در روز مقررشهود خود را حاضر نماید مدیردفتر یك نسخه ازعرضحال اعسار و مدارك اعسار و ضمائم آنرا برای مدعی العموم و نسخه دیگر را برای طرف دعوی اصلی ارسال وضمناً روزجلسه محاکمه را تعیین وابلاغ مینماید طرف دعوی اصلی میتواند درموقع رسیدگی بدعوی اعسار حاضر شده واگر دلایلی بررد اعسار داردبیان کند ولی عدم حضور او مانع رسیدگی وصدور حکم نخواهد بود.

ماده یازدهم - هر گاه درجلسه رسیدگی یکی از طرفین دعوی اصلی تقاضای رسیدگی نمایدوطرف دیگر غایب باشدمحکمه برحسب تقاضای مزبور بدعوی اعسار رسیدگی نموده حکم صادر خواهد کرد واین حکم حضوری محسوب است.

و درصورتی هم که رسیدگی بدعوی از نوبت خارج شد یامحاکمه توقیف شده باشد تقاضای یکی از اشخاص مذکور برای تعقیب در رسیدگی کافی است.

ماده دوازدهم - محکمه در روز جلسه باسناد وشهادت شهود وامارات مستنده هریك از طرفین دعوی رسیدگی خواهد کرد وهر گاه محکمه نسبت به قسمتی ازمدعی به عرضحال اعسار دعوی را ثابت و نسبت بقسمتی غیر ثابت دانست حکم بمعافیت مدعی نسبت بهمان قسمت که ثابت شده خواهد داد. محکمه میتواند بمدعی العموم وطرف دعوای اصلی درصورتیکه شهودی بررد اعسار داشته باشند

اخطار کند که شهودخود را برای تحقیقات درمحکمه حاضر نمایند .

ماده سیزدهم - حکم قبول اعسار قابل استیناف و تمیز نیست و از حکم رد اعسار فقط میتوان استیناف داد .

ماده چهاردهم - هر گاه حکم برد اعسار صادر شد بطریق ذیل رفتار می‌شود :

اگر حکم بدایتاً صادر ودرظرف مدت قانونی استیناف داده نشده باشد مدعی اعسار مکلف است تا ده روز پس از انقضاء مدت استیناف و اگرحکم استینافاً صادر شده باشد تا ده روز پس از ابلاغ آن مخارج عرضحال دعوای اصلی را تأدیه نماید و الا قرار رد عرضحال دعوی اصلی صادر خواهد شد .

ماده پانزدهم - درصورتیکه دعوی اعساربرای معافیت از مخارج استینافی یاتمیزی باشد مدعی اعسار باید تصدیقی از دفتر محکمه که باعسار رسیدگی میکند حاکی از تقدیم عرضحال اعسار گرفته درظرف مدت قانونی بعرضحال استینافی یا تمیزی ضمیمه نماید ولی بجریان افتادن عرضحال استینافی یا تمیزی موقوف به تعیین نتیجه عرضحال اعسار است .

ماده شانزدهم - درمورد ماده قبل هر گاه مدعی اعسار عرضحال خودرا تایکماه تعقیب نکرد ویا در ظرف مدت یکماه بلاتعقیب گذاشت عرضحال مزبور بتقاضای طرف دعوی اصلی رد و مطابق ماده ۱٤ رفتار می‌شود .

ماده هفدهم - اگر معسر فوت نماید وراث او حق نخواهند داشت از حکم دائر باعسار مورث خود استفاده کنند .

ماده هیجدهم - وکلای رسمی عدلیه مکلفند وکالت اشخاص معسر را موقتاً بطور مجانی قبول کنند تعیین وکیل مجانی در این موارد مطابق نظامنامه وزارت عدلیه بعمل خواهدآمد .

ماده نوزدهم - اگر تاده سال از تاریخ قبول اعسار معسر متمکن نگردید مخارجی که از پرداخت آن موقتاً معاف بوده است از او مطالبه نخواهد شد .

فصل دوم - اعسار در مورد محکوم به

ماده بیستم - مرجع رسیدگی بدعوای اعسار در مورد محکوم به محکمه ایست که بدایتاً بدعوای اصلی رسیدگی کرده است .

دعوای اعسار درمقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد در محکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد.

ماده بیست ویکم ـ دعوای اعسار در مورد محکوم به بطرفیت محکوم له دعوی اصلی و در مورد ورقه لازم الاجرای ثبت اسناد بطرفیت متعهد له اقامه خواهد شد .

ماده بیست ودوم ـ در رسیدگی بدعوای اعسار در مورد محکوم به هرگاه محکوم علیه برای معافیت موقتی ازپرداخت مخارج عدلیه نیزادعای اعسار کندموقتاً و بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه به دعوی اعسار معاف است .

ماده بیست وسوم ـ مدعی اعساربایدشهادت کتبی لااقل‌چهار نفرازاشخاصی که ازوضع‌معیشت وزندگانی‌او مطلع‌باشند بعرضحال‌خود ضمیمه نمایددرشهادتنامه مذکور باید اسم و شغل و وسائل گذران مدعی اعسار وعدم تمکن اوبرای پرداخت محکوم به یادین با تعیین مبلغ آن تصریح شود .

ماده بیست وچهارم ـ مقررات مواد ۸ و ۹ و قسمت اول ماده ۱۰ وماده ۱۱ وماده ۱۲ (جز اخطار به مدعی‌العموم) درمورد اعسار نسبت بمحکوم به یا دین نیز رعایت خواهد شد .

ماده بیست و پنجم ـ درصورت غیبت مدعی اعسار در جلسه محاکمه یا عدم تعقیب او تقاضای مدعی علیه برای رسیدگی بدعوی مزبور کافی است .

ماده بیست وششم ـ حکم رد یاقبول اعسار در مورد محکوم به قابل استیناف و تمیز است .

فصل سوم ـ مقررات جزائی

ماده بیست و هفتم ـ در مورد رد عرضحال اعسار بطریق ذیل رفتار میشود :

۱ ـ درصورتیکه ادعای اعسار برای معافیت از مخارج عدلیه باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را به پرداخت وجوه ذیل محکوم خواهد کرد :

الف ـ دو برابر مخارج دعوای اصلی درمرحله‌ای که برای معافیت ازمخارج آن عرضحال اعسار داده شده در صورت تعقیب دعوای اصلی و در غیر این صورت معادل آن مخارج .

ب ـ حق‌الوکاله وکیل از بابت محاکمه اعسار در صورتیکه وکیلی مطابق ماده ۱۸ برای او معین شده باشد و بشرط تقاضای وکیل .

۲ ـ درصورتیکه ادعای اعسار در مورد محکوم به باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را بپرداخت وجوه ذیل محکوم مینماید :

الف ـ مخارج محاکمه اعسار معادل دو برابر مخارج معمولی .

ب ـ حق‌الوکاله وکیل از بابت محکمه اعسار بشرح مذکور در قسمت (ب) فقره اول همین ماده .

ماده بیست وهشتم ـ مفاد قسمت ۲ از ماده ۲۷ در مورد رد اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد نیز لازم‌الرعایه است .

ماده بیست ونهم ـ اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود که مدعی اعسار برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده بحبس تأدیبی از یکماه تا ششماه محکوم خواهد شد .

ماده سی‌ام ـ اگر پس ازقبول اعسار ثابت شود که شهودقضیه عامداً شهادت دروغ کتبی یاشفاهی داده بمجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۱۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد .

ماده سی ویکم ـ هرگاه معلوم شود پس از صدور حکم اعسار ازمعسر رفع عسرت شده و معهذا از حکم اعسار استفاده کرده است بتقاضای محکوم‌له یامتعهدله جزائاً تعقیب و بحبس تأدیبی تادوماه محکوم خواهد شد .

ماده سی و دوم ـ هر کس که بنحوی از انحاء برای معسر قلمداد کردن کسی که معسر نیست با او تبانی کرده و یابرخلاف حقیقت خود را طلبکار معسر قلمداد و در این موضوع بامعسر تبانی کند شریك جرم مذکور درماده فوق محسوب خواهد شد .

فصل چهارم ـ مقررات مختلفه

ماده سی وسوم ـ از تاجر عرضحال اعسارپذیرفته نمی‌شود تاجریکه مدعی اعسار باشد باید مطابق مقررات قانون‌تجارت عرضحال توقف دهد کسبه جزء مشمول این ماده نخواهند بود.

ماده سی‌وچهارم ـ در هر موقع که معسر بتأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم بتأدیه‌آن است نسبت بورقه اجرائیه که برعلیه معسرصادر شده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری میشود ومدت آن ده سال است .

ماده سی و پنجم ـ اگر کسی که معافیت از مخارج محاکمه را تحصیل کرده است در دعوای اصلی خود محکوم به بی‌حقی گردد محکوم له نیز از پرداخت بقیه مخارج محاکمه که بمحکومیت معسر منتهی شده معاف خواهد بود .

ماده سی‌وششم ـ در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار که استفاده ازآن مؤثر در تأدیه دیون او باشد طلبکاران از قائم مقام قانونی مدعی اعسار بوده و حق دارند بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کنند .

ماده سی و هفتم ـ اشخاصی که دارائی نداشته یادارائی آنها کافی برای تأدیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغل و حرفه خود بتوانند تمام یاقسمتی از بدهی خودرا بپردازند محکمه (در مورد محکوم به) و اداره ثبت (در مورد اوراق لازم‌الاجراء) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او

میزان و مدت و عده اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد .

ماده سی و هشتم ــ کسی که طلب خودرا بغیر مدیون انتقال داده و بعد از انتقال آنرا از مدیون سابق خود دریافت کرده ویا بدیگری انتقال دهد کلاهبردار محسوب میشود .

هرگاه مدیون بدهی خودرا بعداز انتقال بداین سابق تأدیه نماید منتقل الیه حق رجوع باو نخواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید کــه قبل از تأدیه دین انتقال را باطــلاع مدیون رسانیــده و یا اینکه مدیون بوسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است .

ماده سی و نهم ــ از تاریخ اجراءِ این قــانون دیگر دعوائی بعنوان دعوای افلاس پذیرفته نخواهد شد و نسبت بدعاوی افلاسی که قبل از تاریخ اجراءِ این قانون اقامه شده برطبق نظامنامه مخصوص که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود اقدام میشود .

ماده چهلم ــ قانون اعسار و افلاس مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ نسخ و مواد ٦٢٤ و ٦٢٥ و ٦٢٦ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰٤ قــانون اصول محاکماتی که بموجب قانون مزبور نسخ شده بحال منسوخی باقی میماند .

این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجراء گذارده میشود .

این قانون کــه مشتمل بر چهل ماده است در جلسه بیستم آذر ماه یکهزار وسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

☆ قانون حکمیت

مصوب ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده ۱ - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند میتوانند بتراضی اختلافات و منازعه خود را درحقوق واموال اعم از اینکه درمحاکم عدلیه طرح شده یانشده باشد درصورت طرح درهر مرحله که باشد می‌توانند بتراضی بحکمیت یك یاچند نفر رجوع کنند.

ماده ۲ - متعاملین میتوانند درضمن‌معامله یابموجب قرارداد علیحده‌ملتزم شوندکه درصورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف بطریق حکمیت بعمل آید و نیز میتوانند حکم یا حکم های خود را قبل از تولید اختلاف معین کنند معذلك درمورد معاملات واقع بین‌اتباع ایران واتباع خارجه طرف ایرانی نمیتواند مادام که اختلاف تولید نشده است بنحوی از انحاء ملزم شود که در صورت بروز اختلاف حل‌آنرا بحکمیت یك یاچندنفر ویابحکمیت هیئتی رجوع نمایدکه آن شخص یااشخاص ویا آن هیئت دارای همان تابعیت باشد که طرف معامله دارد.

هر قرار دادی‌که مخالف این حکم باشد باطل وبلااثر است.

ماده ۳ - درقرار داد حکمیت باید نکات ذیل ذکر شود:

۱ - مشخصات طرفین‌وحکم ها ازقبیل‌اسم واسم‌خانوادگی‌وغیره بطوری‌که رافع‌اشتباه باشد.
۲ - موضوع اختلاف که باید بحکمیت قطع شود.

ماده ۴ - در مورد ماده ۲ هرگاه طرفین حکم یاحکمهای خود را درضمن معامله یاقرارداد معین‌نکرده باشند ودرموقع بروز اختلاف یك‌طرف حکم خود را معین ننماید طرف دیگر میتواند حکم خود را معین کرده بوسیله اظهارنامه رسمی اورا بطرف مقابل معرفی و از طرف مزبور تقاضا نماید که حکم خود را معین و معرفی‌کند در این صورت طرف مذکور مکلف است که درظرف ده روز ازتاریخ ابلاغ اظهارنامه وبا رعایت مدت مسافت حکم خود را معین واعلام‌کند وهرگاه تا انقضاء مدت مذکور اقدام‌ننمودمحکمه‌ای که صلاحیت رسیدگی بموضوع اختلاف‌را دارد بتقاضای طرفی که حکم خود را معین کرده است حکم طرف دیگر رامعین خواهد نمود درصورتیکه نسبت باصل معامله

---

* این قانون بموجب بند ۱۵ ماده ۷۸۹ آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ (دوره یازدهم) نسخ شده است.

یا قرارداد راجعه بحکمیت بین طرفین اختلافی باشد محکمه قبلا بـآن رسیدگی کرده پس از احراز مبادرت به تعیین حکم ممتنع مینماید ولی‌مادام‌که حکم معین ازطرف محکمه بحکم طرف ابلاغ نشده است طرف ممتنع میتواند حکم خود را معین و معرفی کند ترتیب فوق در موارد ذیل نیز رعایت خواهد شد :

۱ ـ هرگاه بموجب قرارداد بین طرفین حل اختلاف باید بحکم واحد رجوع شود وطرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب حکم مزبور تراضی کنند.

۲ ـ درصورتیکه حکم یکی ازطرفین فوت کند یااستعفا دهد وطرف مزبور نخواهد جانشین او را معین کند .

۳ ـ درصورتیکه طرفین‌نخواهند یانتوانند درانتخاب‌حکم‌ثالث تراضی‌نمایند محکمه صلاحیتدار برای تعیین حکم محکمه ایست که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد .

ماده ۵ ـ هرگاه درقرارداد حکمیت عده حکم هامعین نشده باشد وطرفین نتوانند درتعیین عده حکمها توافق کنند هریك ازطرفین باید یکنفر حکم اختصاصی وهر دومتفقاً یکنفر حکم ثالث معین کنند .

ماده ٦ ـ اگر درقرار داد حکمیت مدت اختیار حکم هامعین نشده باشد مدت دوماه خواهد بود وابتداء آن از روزی است که تمام حکم ها کتباً قبول حکمیت را کرده اند .

ماده ۷ ـ درهر موردی که محکمه بجای طرفین یایکی ازآنها تعیین حکم میکند باید لااقل اسم دوبرابر عده ای را که باید معین شود وواجد شرایط مقرره هستند نوشته وحکم‌یاحکمهای لازم را ازبین آنها بطریق قرعه معین میکند .

ماده ۸ ـ اشخاص ذیل را مطلقاً نمیتوان‌بحکمیت معین کرد:

۱ ـ محکومین بجنایت وکسانیکه باتهام ارتکاب جنایتی تحت تعقیب هستند .

۲ ـ محکومین بجنحه که محکمه درحکم خود آنها را ازحق حکم شدن محروم کرده باشد .

ماده ۹ ـ اشخاص ذیل بوسیله قرعه بحکمیت انتخاب نمیشوند :

۱ ـ کسانیکه سن آنها کمتر ازسی سال باشد .

۲ ـ کسانیکه درمقر محکمه‌ای که حکم را معین میکند مقیم یاساکن نیستند .

ماده ۱۰ ـ اشخاص ذیل‌را نمیتوان‌بقید قرعه‌بسمت حکم‌مشترك‌معین‌کرد مگر بتراضی‌طرفین:

۱ ـ کسیکه در دعوی ذینفع باشد .

۲ ـ اشخاصی که بایکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند .

۳ ـ کسیکه قیم یاکفیل یاوکیل یامباشر امور یکی از متداعیین یا یکی از متداعیین مباشر امور او است .

٤ ـ کسیکه خود یا زوجه اش وارث یکی ازمتداعیین است .

٥ ـ کسیکه بایکی از متداعیین یا با اشخاصی که بایکی ازآنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند محاکمه جنائی یاجنحه سابقاً یافعلا داشته باشد .

٦ ـ کسیکه شخصا یا زوجه او ویا یکی از اقربای نسبی ویاسببی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از متداعیین یا زوجه ویا یکی از اقربای نسبی یاسببی تا درجه دوم از طبقه سوم او محاکمه حقوقی دارد .

۷ ـ قضات وصاحبمنصبان بدایت واستیناف وحکام‌وسایرمأمورین دولت درحوزه مأموریت‌خود.

ماده ۱۱ـ بعد از کشیدن قرعه وتعیین حکم‌هریك از طرفین حق دارد از تاریخ اعلام در جلسه درصورت حضور وابلاغ باو درصورت غیبت تاده روز حکم معین‌را رد کند مگرآنکه موجبات رد بعداً حادث شده باشدکه دراینصورت ابتداء مدت از روزی است که علت حادث شده ـ محکمه پس ازوصول اعتراض رسیدگی‌کرده هرگاه‌آنرا واردید حکم‌دیگری‌را بجای‌حکم مردود معین‌میکند.

ماده ۱۲ ـ بعد از تعیین حکم یاحکم ها طرفین حق عزل آنها را ندارند مگر بتراضی یکدیگر .

ماده ۱۳ ـ پس‌از قبول حکمیت حکمها حق استعفا ندارند مگردرصورت داشتن عذر موجه از قبیل مسافرت یا ناخوشی و امثال آن ـ حکمی که بدون داشتن عذر موجه استعفا دهد تاپنج سال بطریق قرعه بحکمیت معین نخواهد شد و درصورتیکه در دوجلسه بدون عذرموجه حاضر نشود حکم هائیکه درجلسات حاضر شده اند مراتب را بمحکمه مربوطه اطلاع میدهند ومحکمه دیگری را بجای او معین میکند مگر آنکه طرفین بحکمیت خود آن حکم تراضی‌کنند .

ماده ۱۴ ـ هرگاه حکم‌ها درمدت معین درقرارداد حکمیت یامدتی راکه قانون معین‌کرده است رأی ندهند حکمیت آنان کان‌لم یکن خواهد بود مگرآنکه طرفین‌مدت جدیدی قرار بدهند.

ماده ۱۵ ـ شخص ثالثی که مطابق قانون جلب‌شده ویاقبل ویابعد از ارجاع اختلاف بحکمیت وارد دعوی‌میشود میتواند باطرفین اصلی درارجاع امر بحکمیت وتعیین حکم یاحکمهای تعیین‌شده تراضی کند واگر موافقت حاصل نکرد بدعوی مشار الیه مطابق مقررات‌مستقلا رسیدگی‌خواهد شد.

ماده ۱٦ ـ طرفین باید اسناد ومدارك خود را بحکم بدهند وحکمها نیزمیتوانند توضیحات لازمه را از آنها بخواهند . هرگاه درضمن رسیدگی کشف اوضاع واحوالی شود که مربوط بجنحه یاجنایت ودر رأی حکم مؤثربوده وتفکیك جهت حقوقی ازجزائی ممکن‌نباشد وهم چنین درصورتیکه

دعوی مربوط بامر نکاح یا طلاق یانسب بوده ورفع اختلاف در امریکه راجع بحکمیت شده متوقف برسیدگی باصل نکاح یاطلاق یانسب بشود حکم ها باید دعوی را بمحکمه ارجاع کننده یا محکمه‌ای که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد رجوع کنند وپس از صدور حکم قطعی درموضوع امر جزائی یا اصل نکاح یاطلاق یانسب حکم مزبور بحکمها ابلاغ میشود ومدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید میگردد .

حکمها نمیتوانند برخلاف مفاد حکم مربوط بامر جزائی یانکاح یاطلاق یانسب رأی دهند .

دعوی جعل و تزویر درسند بدون تعیین جاعل و مزور ویا درصورتی که تعقیب جاعل و مزور بجهتی از جهات قانونی ممکن نباشد از قبیل امور جنحه یاجنایت نیست .

ماده ۱۷ ـ درموارد ذیل حکمیت از بین میرود :

۱ ـ درصورت تراضی کتبی طرفین.

۲ ـ درصورت فوت یاحجر یکی ازطرفین.

ماده ۱۸ ـ حکمها در رسیدگی ورأی تابع قواعد اصول محاکمه نیستند ولی باید شرایط قرار داد حکمیت را رعایت کنند .

رأی حکم باید موجه بوده ومخالف با قوانین معنوی (قوانین موجد حق) نباشد .

ماده ۱۹ ـ درصورتیکه حکمها اختیارصلح داشته باشند میتوانند دعوی را بصلح خاتمه دهند .

ماده ۲۰ ـ اگر یکی از حکمها در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر بوده ولی برای دادن رأی بدون عذر موجه حاضر نشود یا از دادن رأی امتناع نماید رأیی که باکثریت صادر میشود مناط اعتبار است عدم حضور ویا امتناع حکم از دادن رأی یااز امضاء آن باید در ورقه حکم قید شود .

ماده ۲۱ ـ پس از وصول رأی حکم مدیر دفتر با اطلاع رئیس محکمه آنرا عیناً در دوسیه عمل ثبت کرده و مطابقت ثبت را بااصل بتصدیق وامضاء رئیس محکمه میرساند واصل حکم را برای ابلاغ باصحاب دعوی میفرستد .

ماده ۲۲ ـ هرگاه محکوم علیه تا ده روزبعد ازابلاغ باو طوعاً حکم را اجرا نکرد محکمه ارجاع کننده دعوی بحکمیت ویامحکمه‌ای که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی رادارد مکلف است بتقاضای طرف ذینفع برطبق رأی حکم ورقه اجرائیه صادر کند .

ماده ۲۳ ـ هرگاه طرفین رأی حکم را باتفاق رد کنند حکم بلا اثر خواهد شد .

ماده ۲۴ ـ حکمها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند و درصورتیکه رأی حکم پس از انقضاء مدت حکمیت صادر شده باشد هریك از طرفین میتوانند در ظرف ده روز از

تاریخ ابلاغ بارعایت مسافت قانونی فسخ آنرا ازمحکمه ارجاع کننده ویامحکمه‌ای که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بخواهد .

ماده ۳۵ ـ هر گاه حکمها در حسابی اشتباه کرده که این اشتباه در رأی مؤثر باشد و یا قسمتی از مدعی به راکه مورد رسیدگی بوده اشتباهاً در رأی خود ذکر نکرده باشند طرف ذینفع میتواند در صورتیکه مدت حکمیت باقی باشد تصحیح آنرا از خود حکمها و الا در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی حکمها از محکمه ارجاع کننده دعوی بحکمیت یا از محکمه صالحه بخواهد .

ماده ۳۶ ـ درموارد ذیل رأی حکم اساساً باطل و از درجه اعتبار ساقط است :

۱ ـ در صورتیکه رأی مخالف با قانون باشد .

۲ ـ وقتیکه حکمها خارج از حدود اختیارات خود و یا نسبت بمطلبی که موضوع حکمیت نبوده است رأی داده باشند .

۳ ـ در موردیکه برخلاف سند رسمی که بجهتی از جهات قانونی از اعتبار نیفتاده است رأی داده باشند .

ماده ۳۷ ـ در مورد ماده فوق هریك ازطرفین میتوانند ازمحکمه‌ای که دعوی را ارجاع بحکمیت کرده یا محکمه‌ای که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بطلان رأی‌حکم را بخواهد در اینصورت محکمه مکلف‌است بتقاضای مزبور رسیدگی کرده هرگاه رأی برطبق ماده فوق باطل باشد حکم به بطلان آن بدهد . رد تقاضای ابطال رأی حکم و حکم به بطلان آن فقط قابل استیناف است در صورتی که رد تقاضا یا حکم به بطلان از محکمه استیناف صادر شده باشد قابل تمیز است .

در مورد این ماده هرگاه ورقه اجرائیه صادر شده باشد محکمه باید فوراً و قبل از تعیین جلسه بدلائل تقاضا کننده توجه کرده هرگاه دلائلرا قوی یافت قراری دائر بتوقیف ورقه اجرائیه صادر نماید .

ماده ۳۸ ـ در صورتیکه دعوی در مرحله تمیزی رجوع بحکمیت شده باشد تقاضای ابطال باید ازمحکمه ای بعمل آیدکه حکم مورد استدعاء تمیزرا داده بوده است .

رد تقاضای‌ابطال ویا حکم به بطلان رأی حکم صادر ازاین محکمه فقط قابل تمیزخواهد بود.

ماده ۳۹ ـ عرضحال استینافی و تمیزی از حیث مخارج و مدت و طرز تنظیم و همچنین رسیدگی بدعوی تابع مقررات اصول محاکمات حقوقی است .

ماده ۴۰ ـ رأی حکم فقط در باره طرفین دعوی و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین حکم داشته و قائم مقام آنان نافذ است و نسبت باشخاص خارج بهیچوجه تأثیری نخواهد داشت .

ماده ۳۱ ـ حق الزحمه حکم اختصاصی هریك ازطرفین بعهده خود آنطرف و حق الزحمه حکم مشترك بعهده طرفین است که باید بالمناصفه بپردازند مع ذلك حکمها میتوانند در ضمن حکم خود ترتیب تقسیم مزبور را بترتیب دیگری مقرر کنندمگر اینکه بین طرفین قرارداد خاصی درترتیب پرداخت حق الحکمیه حکمها مقرر شده باشد.

ماده ۳۲ ـ هرگاه بین حکم وطرف یاطرفین دعوی ترتیب خاصی معین نشده باشد حق الزحمه حکمها بطریق ذیل خواهد بود :

تا صد هزار ریال مدعی به	۵ در صد (پنج در صد) برای کلیه حکمها
از صد هزار و یك ریال تا دویست هزار ریال	٤ « (چهاردرصد) « «
از دویست هزار و یکریال تا پانصد هزار ریال	۳ « (سه در صد) « «
از پانصد هزارر یال ببالا	۲ « (دو در صد) « «

حق الزحمه حکمها اعم از اینکه قرارداد خاصی بین حکمها و اصحاب دعوی شده باشد و یا بترتیب فوق وصول و مطابق قرار داد در صورتیکه قرار داد خاصی باشد و الا بالسویه بین حکمها تقسیم میشود.

ماده ۳۳ ـ در مورد دعاوی که بموجب قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰٦ و اصلاح آن رجوع بحکمیت شده است هرگاه در موقع اجراء این قانون مـدت حکمیت مطابق قوانین مزبوره منقضی گشته وحکمها رأی خود را نداده باشند وطرفین دعوی بتجدید یاتمدید مدت حکمیت تراضی نکنند بر طبق این قانون عمل خواهد شد.

ماده ۳۴ ـ نسبت بدعاوی که سابقاً یکی ازطرفین دعوی از محکمه تقاضای ارجاع بحکمیت کرده ولی از تاریخ تصویب این قانون هنوز قراری ازمحکمه صادر نشده ویا آنکه هنوز تمام حکمها بترتیب مقرر در قانون ۲۹ اسفند ۱۳۰٦ تعیین نشده اند یا آنکه هنوز بحکمها ابـلاغ نشده باشد تقاضای مزبورکان لم یکن بوده و مطابق این قانون باید عمل بشود.

ماده ۳۵ ـ نسبت بدعاوی که حکم های بدوی طبق قانـون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰٦ رأی خـود را داده و برحسب تقاضای طرفین یا یك طرف رجـوع بحکمیت تجدید نظر شده ولـی حکم هائیکه برای تجدید نظر تعیین شده‌اند هنوز درموضوع قضیه اظهارنظر نکرده‌اند حکم های مزبور مکلفند که در ظرف دوماه از تاریخ تصویب این قانون رأی خود را صادر و اعلام دارند و الا هریك از طرفین می توانند درظرف ده روز ازتاریخ انقضاء مدت مذکور در فوق از رأی حکم‌های بدوی استیناف بخواهد.

در این صورت حق‌الزحمه حکمهای بدوی پس از صدور حکم استیناف طبق ماده۱۲ قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ وصول و ایصال خواهد شد .

ماده ۳۶ ـ دعاوی ذیل قابل ارجاع بحکمیت نیست :

۱ ـ دعاوی راجع بتوقف و ورشکستگی .

۲ ـ دعاوی راجعه باصل نکاح وطلاق در فسخ نکاح و بذل مدت و نسب .

ماده ۳۷ ـ در مورد اختلافات مابین زن و شوهر راجع بسوء رفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوه و سکنی و نیز مخارج طفلی‌که بر عهده شوهر ودرحضانت زن باشد ازطرف هریك اززوجین طرح شودمحاکم میتوانند بتقاضای هریك ازطرفین دعوی را ارجاع به حکمیت نموده و در صورت عدم تراضی آنها در تعیین حکم لااقل دونفر را ازبین اقرباء طرفین ودرصورتی‌که درمحل سکونت خود اقرباء نداشته باشند از اشخاصی‌که با آنها معاشرت و دوستی دارند تعیین‌کنند .

حکمها مکلفند حتی‌الامکان سعی دراصلاح بین‌زوجین نموده ودرصورتیکه قادر باصلاح نشوند رأی خود را درتشخیص ذیحق بودن یکی ازطرفین و تعیین میزان مخارج زن یا طفل در صورتیکه موضوع دعوی مخارج باشد به محکمه تقدیم دارند ومحکمه پس‌از وصول برطبق رأی حکم ها حکم خواهد داد .

اگر بین حکمها (در صورتیکه عده آنها زوج باشد) توافق نظر حاصل نشود خود آنها میتوانند یکنفر را بعنوان حکم ثالث بتراضی وچنانچه درتعیین ثالث تراضی نشود بقرعه تعیین کنند و در این صورت اکثریت آراء آنها مناط اعتبار است .

محکمه در انتخاب حکم ها باید بیطرفی و اتصاف آنها را بحسن اخلاق رعایت نماید .

هریك از طرفین میتوانند در صورتیکه از رأی حکمها شکایت داشته باشد اعتراضات خودرا در ظرف یك ماه بعد از ابلاغ رأی بمحکمه بدهد و محکمه در صورتیکه اعتراضات را وارد بداند خود بموضوع رسیدگی‌کرده حکم میدهد این حکم فقط قابل استیناف است .

مرجع دعاوی فوق الذکر محکمه بدایت است و در نقاطی‌که محکمه بدایت نباشد بـه محکمه صلحیه و در جاهائی‌که محکمه صلح هم نباشد به مأمورین صلح رجوع میشود .

ماده ۳۸ ـ این قانون پس از تصویب اجراء و قانون حکمیت مصوبه ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ وقانون اصلاح قانون حکمیت مصوبه ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۸ نسخ میشود و مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی کـه به موجب قانون اسفند ۱۳۰۶ نسخ شده بـود کماکان بحال منسوخـی باقـی میماند .

این قانون که مشتمل بر سی و هشت ماده است در جلسه بیستم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است .   رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

☆ قانون مدني

مصوب ٦ بهمن و ۲۷ و ۲۱ اسفند ۱۳۱۳ و ۱۷ و۱۹ و ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱٤ شمسی

جلد دوم ـ دراشخاص

کتاب اول ـ درکلیات

ماده ۹۵٦ ـ اهلیت برای دارا بودن حقوق بازنده متولد شدن انسان شروع وبا مرك او تمام میشود .

تذکر ـ چون قانون مدنی درسه دورهٔ قانونگذاری تصویب شده (ادوار ٦ ـ ۹ ـ ۱۰) و درمجلدات قوانین مجلس یك جا دردست رس مطالعه کنندگان نیست اینك که دوره نهم تجدید چاپ میشودآنچه در دوره نهم چاپ شده (ازماده ۹۵٦ تا ماده ۱۲۰٦) درمتن و ۹۵۵ ماده که دردوره ششم بموجب ماده واحده اجازه اجرا داده شده و از ماده ۱۲۰۷ تا ماده ۱۳۳۵ کـه در دوره دهـم بتصویب مجلس شورای ملی رسیده درحاشیه چاپ شده تا مطالعه کنندگان ازمراجعه به کتابهای متعدد بی نیاز شوند .

« **ماده واحده** ـ دولت مجازاست ازروز ۲۰ اردیبهشت۱۳۰۷ که کاپیتولاسیون ملغی است لایحه قانون مدنیرا که بمجلس شورایملی تقدیم داشته تا وقتی که رأی قطعی کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی اتخاذ واعلام شود بموقع اجراء گذارد . »

مقدمه

در انتشار و آثار واجراء قوانین بطور عموم

ماده ۱ ـ قوانین باید در ظرف سه روز از تاریخ توشیح بصحه ملوکانه منتشر شود .

ماده ۲ ـ قوانین در طهران ده روز پس از انتشار و در ولایات بعد از انقضاء مدت مزبور باضافه یکروز برای هرشش فرسخ مسافت تاطهران لازم‌الاجراء است مگر اینکه خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر کرده باشد .

ماده ۳ ـ انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی بعمل آید .

ماده ۴ ـ اثر قـانون نسبت بآتیه است و قانون نسبت بماقبل خود اثر ندارد مگر اینکـه در خود قانون مقررات خاصی نسبت باین موضوع اتخاذ شده باشد .

ماده ۵ ـ کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد .

ماده ٦ ـ قوانین مربوطه باحوال شخصیه از قبیل نکاح وطلاق و اهلیت اشخاص وارث درمورد کلیه

ماده ۹۵۷ ـ حمل از حقوق مدنی متمتع میگردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

ماده ۹۵۸ ـ هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچکس نمیتواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود.

ماده ۷ ـ اتباع خارجه مقیم در خاك ایران از حیث مسائل مربوطه باحوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین ازحیث حقوق ارثیه درحدود معاهدات مطیع قوانین ومقررات دولت متبوع خود خواهندبود.

ماده ۸ ـ اموال غیرمنقول که اتباع خارجه درایران برطبق عهود تملك کرده یا میکنند از هرجهت تابع قوانین ایران خواهد بود.

ماده ۹ ـ مقررات عهودی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

ماده ۱۰ ـ قراردادهای خصوصی نسبت بکسانی که آنرا منعقد نموده‌اند درصورتیکه مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.

جلد اول ـ در اموال

کتاب اول ـ دربیان اموال ومالکیت بطورکلی

باب اول ـ در بیان انواع اموال

ماده ۱۱ ـ اموال بر دوقسم است منقول وغیر منقول.

فصل اول ـ در اموال غیرمنقول

ماده ۱۲ ـ مال غیرمنقول آنست که ازمحلی بمحل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه استقرارآن ذاتی باشد یا بواسطه عمل انسان بنحویکه نقل آن مستلزم خرابی یانقص خود مال یا محل آن‌شود.

ماده ۱۳ ـ اراضی و ابنیه وآسیا و هرچه که دربنا منصوب وعرفاً جزء بنا محسوب میشود غیر منقول است و همچنین است لوله‌ها که برای جریان آب یا مقاصد دیگر در زمین یا بنا کشیده شده باشد.

ماده ۱۴ ـ آینه و پرده نقاشی و مجسمه و امثال آنها درصورتیکه در بنا یا زمین بکار رفته باشد بطوریکه نقل آن موجب نقص یا خرابی خود آن یا محل آن بشود غیرمنقول است.

ماده ۱۵ ـ ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده است غیرمنقول است اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد تنها آن قسمت منقول است.

ماده ۱۶ ـ مطلق اشجار وشاخه های آن ونهال وقلمه مادام که بریده یا کنده نشده است غیرمنقول است.

ماده ۱۷ ـ حیوانات و اشیائیکه مالك آن‌را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد از قبیل گاو و گاومیش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم وغیره و بطور کلی هرمال منقول که برای استفاده

ماده ۹۵۹ ـ هیچکس نمیتواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یاقسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

ماده ۹۶۰ ـ هیچکس نمیتواند از خود سلب حرّیت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر نماید.

از عمل زراعت لازم و مالك آنرا باین امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزو ملك محسوب و درحکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است.

ماده ۱۸ ـ حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملك غیر از قبیل حق‌العبور و حق‌المجری و دعاوی راجعه باموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است.

فصل دوم ـ در اموال منقوله

ماده ۱۹ ـ اشیائی که نقل آن از محلی بمحل دیگر ممکن باشد بدون اینکه بخود یا محل آن خرابی وارد آید منقول است.

ماده ۲۰ ـ کلیه دیون از قبیل قرض وثمن مبیع ومال‌الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقوله باشد.

ماده ۲۱ ـ انواع کشتیهای کوچك و بزرگ و قایقها و آسیاها وحمامهائیکه در روی رودخانه و دریاها ساخته میشود و میتوان آنها را حرکت داد و کلیه کارخانه هائیکه نظر بطرز ساختمان جزو بنای عمارتی نباشد داخل در منقولات است ولی توقیف بعضی از اشیاء مزبوره ممکن است نظر به اهمیت آنها موافق ترتیبات خاصه بعمل آید.

ماده ۲۲ ـ مصالح بنائی از قبیل سنگ و آجر و غیره که برای بنائی تهیه شده یا بواسطه خرابی از بنا جدا شده باشد مادامی که در بنا بکار نرفته داخل منقول است.

فصل سوم ـ در اموالیکه مالك خاص ندارد

ماده ۲۳ ـ استفاده از اموالیکه مالك خاص ندارد مطابق قوانین مربوطه بآنها خواهد بود.

ماده ۲۴ ـ هیچکس نمیتواند طرق وشوارع عامه و کوچه هائی‌را که آخر آنهامسدودنیست تملك نماید.

ماده ۲۵ ـ هیچکس نمیتواند اموالی‌را که مورد استفاده عموم است ومالك خاص ندارد ازقبیل پلها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان گاههای عمومی تملك کند. و همچنین است قنوات و چاههائیکه مورد استفاده عموم است.

ماده ۲۶ ـ اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه

ماده ۹۶۱ ـ جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود :

۱ ـ در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر باتباع ایران نموده ویا آنرا صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است .

۲ ـ در مورد حقوق مربوط باحوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آنرا قبول نکرده .

۳ ـ در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد .

سلطنتی و عمارات دولتی و سیمهای تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی وآثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه که از اموال منقوله وغیر منقوله دولت بعنوان مصالح عمومی و منافع ملی درتحت تصرف دارد قابل تملك خصوصی نیست وهمچنین است اموالیکه موافق مصالح عمومی بایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد .

ماده ۲۷ ـ اموالیکه ملك اشخاص نمیباشد و افراد مردم میتوانند آنهارا مطابق مقررات مندرجه در این قانون وقوانین مخصوصه مربوطه بهریك از اقسام مختلفه آنها تملك کرده ویا از آنها استفاده کنند مباحات نامیده میشود مثل اراضی موات یعنی زمینهائیکه معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد .

ماده ۲۸ ـ اموال مجهول‌المالك با اذن حاکم یا مأذون از قبل او بمصارف فقرا میرسد .

باب دوم ـ در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت باموال حاصل میشود

ماده ۲۹ ـ ممکن است اشخاص نسبت باموال علاقه‌های ذیل‌را دارا باشند :

۱ ـ مالکیت (اعم ازعین یا منفعت).

۲ ـ حق انتفاق .

۳ ـ حق ارتفاق بملك غیر .

فصل اول ـ در مالکیت

ماده ۳۰ـ هرمالکی‌نسبت بمایملك خود حق‌همه گونه تصرف وانتفاع دارد مگر درمواردی که قانون استثناء کرده باشد .

ماده۹٦۲ ـ تشخیص اهلیّت هر کس برای معامله کردن برحسب قانون‌دولت متبوع او خواهد بود معذلك اگر یك نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتیکه مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیّت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجـد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتیکه قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد .

ماده ۳۱ ـ هیچ مالی‌را از تصرف صاحب آن نمیتوان بیرون کرد مگر بحکم قانون .

ماده ۳۲ ـ تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیرمنقوله که طبعاً یا در نتیجه عملی حاصل شده باشد بالتبع مال مالك اموال مزبوره است .

ماده ۳۳ ـ نما و محصولی که از زمین حاصل میشود مال مالك زمین است چه بخودی خود روئیده باشد یا بواسطه عملیات مالك مگـر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر حاصل شده باشد که دراینصورت درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود اگـرچه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد .

ماده ۳۴ ـ نتایج حیوانات در ملکیت تابع مادر است و هر کس مالك مادر شد مالك نتایج آنهـم خواهد شد .

ماده ۳۵ ـ تصرف بعنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود .

ماده ۳٦ ـ تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملك یا ناقل قانونی نبوده معتبر نخواهد بود .

ماده ۳۷ ـ اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملك سابقاً مال مدعی او بوده است در اینصورت مشارالیه نمیتواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور بتصرف خود استناد کند مگـر اینکه ثابت نماید که ملك بناقل صحیح باو منتقل شده است .

ماده ۳۸ ـ مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای محاذی آن است تاهر کجا بالا رود وهمچنین است نسبت بزیر زمین بالجمله مالك حق همه گونه تصرف در هوا و فرازگرفتن دارد مگر آنچه را کـه قانون استثناء کرده باشد .

ماده ۳۹ ـ هربنا و درخت کـه در روی زمین است و همچنین هربنا و حفریکه در زیر زمین است ملك مالك آن زمین محسوب میشود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود .

فصل دوم ـ درحق انتفاع

ماده ۴۰ ـ حق انتفاع عبارت از حقی است که بموجب آن شخص میتواند از مالی‌که عین‌آن ملك دیگری است یا مالك خاصی ندارد استفاده کند .

حکم اخیر نسبت باعمال حقوقی که مربوط بحقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران میباشد شامل نخواهد بود .

ماده ۹۶۳ ـ اگر زوجین تبعه یك دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود .

مبحث اول ـ در عمری ورقبی وسکنی

ماده ۴۱ ـ عمری حق انتفاعی است که بموجب عقدی از طرف مالك برای شخص بمدت عمر خود یا عمر منتفع ویا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد .

ماده ۴۲ ـ رقبی حق انتفاعی است که از طرف مالك برای مدت معینی برقرار میگردد .

ماده ۴۳ ـ اگر حق انتفاع عبارت ازسکونت در مسکنی باشد سکنی یاحق سکنی نامیده میشود واین حق ممکن است بطریق عمری یا بطریق رقبی برقرار شود .

ماده ۴۴ ـ در صورتیکه مالك برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد حبس مطلق بوده وحق مزبور تا فوت مالك خواهد بود مگر اینکه مالك قبل از فوت خود رجوع کند .

ماده ۴۵ ـ در موارد فوق حق انتفاع را فقط درباره شخص یا اشخاصی میتوان برقرار کرد که در حین ایجاد حق مزبور وجود داشته باشند ولی ممکن است حق انتفاع تبعاً برای کسانی هم که در حین عقد بوجود نیامده‌اند برقرارشود ومادامیکه صاحبان حق انتفاع موجود هستند حق مزبور باقی وبعد از انقراض آنها حق زائل میگردد .

ماده ۴۶ ـ حق انتفاع ممکن است فقط نسبت بمالی برقرار شود که استفاده ازآن بابقاء عین‌ممکن باشد اعم از اینکه مال مزبور منقول باشد یا غیر منقول ومشاع باشد یا مفروز .

ماده ۴۷ ـ در حبس اعم از عمری وغیره قبض شرط صحت است .

ماده ۴۸ ـ منتفع باید از مالیکه موضوع حق انتفاع است سوء استفاده نکرده و در حفاظت آن تعدی یا تفریط ننماید .

ماده ۴۹ ـ مخارج لازمه برای نگاهداری مالی که موضوع انتفاع است برعهده منتفع نیست مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد .

ماده ۵۰ ـ اگر مالی که موضوع حق انتفاع است بدون تعدی یاتفریط منتفع تلف شود مشارالیه مسئول آن نخواهد بود .

ماده۹٦۴ ـ روابط بین ابوین واولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط بمادر مسلّم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود .

ماده۹٦۵ ـ ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود .

ماده ۵۱ ـ حق انتفاع در موارد ذیل زایل میشود :

۱) درصورت انقضاء مدت .

۲) در صورت تلف شدن مالی که موضوع انتفاع است .

ماده ۵۲ ـ در موارد ذیل منتفع ضامن تضررات مالك است :

۱) در صورتیکه منتفع از مال موضوع انتفاع سوء استفاده کند .

۲) در صورتیکه شرایط مقرره از طـرف مالك را رعایت ننمایـد واین عدم رعایت موجب خسارتی برموضوع حق انتفاع باشد .

ماده ۵۳ ـ انتقال عین از طرف مالك بغیر موجب بطلان حق انتفاع نمیشود ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق بدیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت .

ماده ۵۴ ـ سایر کیفیات انتفاع از مال دیگری بنحوی خواهـد بود که مالك قرار داده یا عرف و عادت اقتضاء بنماید .

مبحث دوم ـ در وقف

ماده ۵۵ ـ وقف عبارتست از اینکه عین مال حبس ومنافع آن تسبیل شود .

ماده ۵٦ ـ وقف واقع میشود بایجاب ازطرف واقف بهرلفظی که صراحةً دلالت برمعنی آن کند وقبول طبقهٔ اولی از موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند مثل وقف براولاد واگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف برمصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم شرط است .

ماده ۵۷ ـ واقف باید مالك مالی باشد که وقف میکند وبعلاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است .

ماده ۵۸ ـ فقط وقف مالی جائز است که بابقاء عین بتوان از آن منتفع شد اعم از اینکه منقول باشد یا غیر منقول مشاع باشد یا مفروز .

ماده ۹۶۶ ـ تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاءِ منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می باشند معذلك حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی بمملکت دیگر نمیتواند بحقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت بآن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

ماده ۵۹ ـ اگر واقف عین موقوفه را بتصرف وقف ندهد وقف محقق نمیشود و هروقت بقبض داد وقف تحقق پیدا می‌کند.

ماده ۶۰ ـ در قبض فوریت شرط نیست بلکه مادامیکه واقف رجوع ازوقف نکرده است هروقت قبض بدهد وقف تمام میشود.

ماده ۶۱ ـ وقف بعد از وقوع آن بنحو صحت وحصول قبض لازم است و واقف نمیتواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید یا با آنها شریك کند یا اگر درضمن عقد متولی معین نکرده بعد ازآن‌متولی قرار دهد یا خود بعنوان تولیت دخالت کند.

ماده ۶۲ ـ درصورتیکه موقوف علیهم محصور باشند خودآنها قبض میکنند وقبض طبقه‌ـاولی کافی است واگرموقوف علیهم غیرمحصور یاوقف برمصالح عامه باشد متولی وقف والاحاکم قبض میکند.

ماده ۶۳ ـ ولی ووصی محجورین از جانب آنها موقوفه را قبض میکنند واگر خود واقف تولیت را برای خود قرار داده باشد قبض خود او کفایت میکند.

ماده ۶۴ ـ مالی راکه منافع آن موقتاً متعلق بدیگری است میتوان وقف نمود و همچنین وقف ملکی‌که در آن حق ارتفاق موجود است جائز است بدون اینکه بحق مزبور خللی وارد آید.

ماده ۶۵ ـ صحت وقفی‌که بعلت اضرار دیان واقف واقع شده باشد منوط باجازه دیان است.

ماده ۶۶ ـ وقف برمقاصد غیر مشروع باطل است.

ماده ۶۷ ـ مالی‌که قبض واقباض آن ممکن نیست وقف آن باطل است لیکن اگر واقف تنها قادر براخذ واقباض آن نباشد وموقوف علیه قادر باخذ آن باشد صحیح است.

ماده ۶۸ ـ هرچیزیکه طبعاً یا برحسب عرف وعادت جزء یا ازتوابع ومتعلقات عین موقوفه محسوب میشود داخل در وقف است مگر اینکه واقف آنرا استثناء کند بنحوی‌که درفصل بیع مذکوراست.

ماده ۶۹ ـ وقف برمعدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود.

ماده۹۶۷ ـ ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراث و مقدار سهم‌الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی میتوانسته است بموجب وصیت تملیک نماید تـابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود .

ماده۷۰ ـ اگروقف برموجود ومعدوم معاً واقع شودنسبت بسهم موجود صحیح ونسبت بسهم معدوم باطل است .

ماده۷۱ ـ وقف برمجهول صحیح نیست .

ماده۷۲ ـ وقف بر نفس باینمعنی که واقف خود را موقوف علیه یـا جزء موقوف علیهم نماید یـا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را ازمنافع موقوفه قرار دهد باطل است اعم ازاینکه راجع بحال حیات باشد یا بعداز فوت .

ماده ۷۳ ـ وقف براولاد واقوام وخدمه وواردین وامثال آنها صحیح است .

ماده ۷۴ ـ در وقف برمصالح عامه اگر خود واقف نیز مصداق موقوف علیهم واقع شود میتواند منتفع گردد .

ماده ۷۵ ـ واقف میتواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام‌الحیوة یا در مدت معینی برای خود قراردهد و نیز میتواند متولی دیگری معین کند که مستقلاً یا مجتمعاً با خود واقف اداره کند . تولیت اموال موقوفه ممکنست بیك یاچند نفر دیگر غیراز خود واقف واگذار شود که هریك مستقلاً یا منضماً اداره کنند وهمچنین واقف میتواند شرط کند که خود او یا متولی‌که معین شده است نصب متولی کند ویا دراینموضوع هرترتیبی راکه مقتضی بداند قرار دهد .

ماده۷۶ ـ کسیکه واقف اورا متولی قرار داده میتواند بدواً تولیت را قبول یا رد کند و اگرقبول کرد دیگرنمیتواند رد نماید واگر رد کرد مثل صورتیست‌که از اصل متولی‌قرار داده نشده باشد .

ماده۷۷ ـ هرگاه واقف برای دونفر یا بیشتر بطور استقلال تولیت قرارداده باشد هریك ازآنها فوت کند دیگری یا دیگران مستقلاً تصرف میکنند و اگـر بنحو اجتماع قرار داده باشد تصرف هریك بدون تصویب دیگری یـا دیگران نافذ نیست و بعد از فوت یکی از آنها حاکم شخصی را ضمیمه آنکه باقیمانده است مینماید که مجتمعاً تصرف کنند .

ماده ۷۸ ـ واقف میتواند برمتولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی بتصویب یااطلاع او باشد .

ماده ۹۶۸ ـ تعهدات ناشی ازعقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدین آنرا صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرارداده باشند .

ماده ۹۶۹ ـ اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود میباشند .

ماده ۹۷۰ ـ مأمورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه درایران وقتی میتوانند باجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده

ماده ۷۹ ـ واقف یا حاکم نمیتواند کسیرا که در ضمن عقد وقف متولی قرار داده شده است عزل کنند مگر در صورتیکه حق عزل شرط شده باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود حاکم ضم امین میکند .

ماده ۸۰ ـ اگر واقف وضع مخصوصی‌را درشخص متولی شرط کرده باشد ومتولی فاقدآن وصف گردد منعزل میشود .

ماده ۸۱ ـ در اوقاف عامه اگر واقف متولی معین نکرده باشد اداره کردن امور موقوفه برطبق مادهٔ ٦ قانون۲۸ شعبان ۱۳۲۸ خواهد بود ولی دراوقاف خاصه اگر متولی مخصوص نباشد تصدی با خود موقوف علیهم است .

ماده ۸۲ ـ هر گاه واقف برای اداره کردن موقوفه ترتیب خاصی معین کرده باشد متولی باید بهمان ترتیب رفتار کند واگر ترتیبی قرار نداده باشد متولی باید راجع بتعمیر واجاره و جمع آوری منافع وتقسیم آن بر مستحقین و حفظ موقوفه وغیره مثل وکیل امینی عمل نماید .

ماده ۸۳ ـ متولی نمیتواند تولیت را بدیگری تفویض کند مگر آنکه واقف درضمن وقف باواذن داده باشد ولی اگر درضمن وقف شرط مباشرت نشده باشد میتواند وکیل بگیرد .

ماده ۸۴ ـ جائز است واقف ازمنافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد واگر حق‌التولیه معین نشده باشد متولی مستحق اجرت‌المثل عمل است .

ماده ۸۵ ـ بعدازآنکه منافع موقوفه حاصل وحصه هریك از موقوف علیهم معین شد موقوف علیه میتواند حصه خود را تصرف کند اگرچه متولی اذن نداده باشد مگراینکه واقف اذن درتصرف را شرط کرده باشد .

ماده ۸٦ ـ درصورتیکه واقف ترتیبی قرار نداده باشد مخارج تعمیر و اصلاح موقوفه و اموری که برای تحصیل منفعت لازم است برحق موقوف علیهم مقدم خواهد بود .

ماده ۸۷ ـ واقف میتواند شرط کند که منافع موقوفه مابین موقوف علیهم بتساوی تقسیم شود یا

و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را بآنها داده باشد ـ در هرحال نکاح بایــد در دفاتر سجل احوال ثبت شود .

ماده۹۷۱ ـ دعاوی ازحیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه باصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بودکه درآنجا اقامه میشود مطرح بودن همان دعوی درمحکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود .

بتفاوت ویااینکه اختیار بمتولی یا شخص دیگری بدهد که هرنحو مصلحت داند تقسیم کند .

ماده ۸۸ ـ بیع وقف درصورتیکه خراب شود یا خوف آن باشد که منجر بخرابی گردد بطوری که انتفاع از آن ممکن نباشد درصورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود ،

ماده ۸۹ـ هرگاه بعض موقوفه خراب یا مشرف بخرابی گردد بطوریکه انتفاع ازآن ممکن نباشد همان بعض فروخته میشود مگراینکه خرابی بعض سبب سلب انتفاع قسمتی که باقیمانـده است بشود دراینصورت تمام فروخته میشود .

ماده ۹۰ ـ عین موقوفه درمورد جواز بیع یا قرب بغرض واقف تبدیل میشود .

ماده ۹۱ ـ درموارد ذیل منافع موقوفات عامه صرف بریات عمومیه خواهد شد :

۱) درصورتیکه منافع موقوفه مجهول‌المصرف باشد مگراینکه قدرمتیقنی دربین باشد .

۲) درصورتیکه صرف منافع موقوفه درمورد خاصی که واقف معین کرده است متعذر باشد .

مبحث سوم ـ در حق انتفاع از مباحات

ماده ۹۲ ـ هـر کس میتواند با رعایت قـوانین و نظامات راجعه بهریك از مباحات از آنهـا استفاده نماید .

فصل سوم

درحق ارتفاق نسبت بملك غیرودراحکام و آثار املاك نسبت به‌املاك مجاور

مبحث اول ـ در حق ارتفاق نسبت بملك غیر

ماده ۹۳ ـ ارتفاق حقی است برای شخص درملك دیگری .

ماده ۹۴ ـ صاحبان املاك میتوانند درملك خود هرحقی راکه بخواهند نسبت بدیگری قرار دهند دراین صورت کیفیت استحقاق تابع قرارداد وعقدیست که مطابق آن حق داده شده است .

ماده۹۷۲ ـ احکام صادره از محاکم خارجه وهمچنین اسناد رسمی لازم الاجراء تنظیم شده درخارجه را نمیتوان درایران اجرا نمود مگراینکه مطابق قوانین ایران امر باجرای آنها صادر شده باشد .

ماده۹۷۳ ـ اگر قانون خارجهٔ که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا برطبق مواد فوق رعایت گردد بقانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف برعایت این احاله نیست مگراینکه احاله بقانون ایران شده باشد .

ماده۹۷۴ ـ مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷٤ این قانون تا حدی بموقع

ماده ۹۵ ـ هرگاه زمین یا خانه کسی مجرای فاضل آب یا آب باران زمین یا خانه دیگری بوده است صاحب آن خانه یا زمین نمیتواند جلوگیری از آن کند مگر در صورتیکه عدم استحقاق او معلوم شود .

ماده ۹٦ ـ چشمه واقعه در زمین کسی محکوم بملکیت صاحب زمین است مگراینکه دیگری نسبت بآن چشمه عیناً یا انتفاعاً حقی داشته باشد .

ماده ۹۷ ـ هرگاه کسی از قدیم در خانه یا ملك دیگری مجرای آب بملك خود یا حق مرورداشته صاحب خانه یا ملك نمیتواند مانع آب بردن یا عبور او ازملك خود شود وهمچنین است سایرحقوق از قبیل حق داشتن در و شبکه وناودان وحق شرب وغیره .

ماده ۹۸ ـ اگر کسی حق عبور در ملك غیر ندارد ولی صاحب ملك اذن داده باشد که از ملك‌او عبور کنند هروقت بخواهد میتواند از اذن خود رجوع کرده و مانع عبور او بشود و همچنین است سایر ارتفاقات .

ماده ۹۹ ـ هیچکس حق ندارد ناودان خود را بطرف ملك دیگری بگذارد یا آب باران از بام خود ببام یا ملك همسایه جاری کند ویا برف بریزد مگر باذن او .

ماده ۱۰۰ ـ اگر مجرای آب شخصی در خانه دیگری باشد ودرمجری خرابی بهمرسد بنحویکه عبور آب موجب خسارت خانه شود مالك خانه حق ندارد صاحب مجری را بتعمیر مجری اجبار کند بلکه خود او باید دفع ضرر از خود نماید چنانچه اگرخرابی مجری مانع عبور آب شود مالك‌خانه ملزم نیست که مجری را تعمیر کند بلکه صاحب حق باید خود رفع مانع کند دراینصورت برای‌تعمیر مجری میتواند داخل‌خانه یا زمین شود ولیکن‌بدون ضرورت حق ورود ندارد مگر باذن صاحب ملك.

اجرا گذارده میشود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آنرا امضاء کرده ویا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد .

ماده۹۷۵ ـ محکمه نمیتواند قوانین خارجی و یا قرارداد های خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعلت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب میشود بموقع اجرا گذارد اگرچه اجراءِ قوانین مزبور اصولا مجازباشد .

ماده ۱۰۱ ـ هرگاه کسی از آبی که ملك دیگری است بنحوی از انحاء حق انتفاع داشته باشد از قبیل دایر کردن آسیا وامثال آن صاحب آن نمیتواند مجری راتغییر دهد بنحویکه مانع‌ازاستفاده حق دیگری باشد .

ماده ۱۰۲ ـ هرگاه ملکی کلاً یا جزءاً بکسی منتقل شود وبرای آن ملك حق‌الارتفاقی در ملك دیگر یا درجزء دیگر همان ملك موجود باشدآن حق بحال خود باقی میماند مگر اینکه خلاف‌آن تصریح شده باشد .

ماده ۱۰۳ ـ هرگاه شرکاء ملکی دارای حقوق ومنافعی باشند وآن ملك مابین شرکاء تقسیم شود هرکدام از آنها بقدر حصه مالك آن حقوق ومنافع خواهد بود مثل اینکه اگر ملکی دارای حق عبور در ملك غیر بوده و آن ملك که دارای حق است بین چند نفر تقسیم شود هریك از آنها حق عبور از همان محلی که سابقاً حق داشته است خواهدداشت .

ماده ۱۰۴ ـ حق‌الارتفاق مستلزم وسایل انتفاع از آن حق نیز خواهد بود مثل اینکه اگر کسی حق شرب‌از چشمه یا حوض یاآب انبار غیر دارد حق عبور تا آن‌چشمه یا حوض وآب انبار هم‌برای برداشتن آب دارد .

ماده ۱۰۵ ـ کسی که حق‌الارتفاق در ملك غیر دارد مخارجی‌که برای تمتع ازآن حق لازم‌شود بعهده صاحب حق میباشد مگر اینکه بین او وصاحب ملك برخلاف آن قراری داده شده باشد .

ماده ۱۰۶ ـ مالك ملکی که مورد حق الارتفاق غیراست نمیتواند در ملك خود تصرفاتی نماید که باعث تضییع یا تعطیل حق مزبور باشد مگر با اجازه صاحب حق .

ماده ۱۰۷ ـ تصرفات صاحب‌حق‌درملك غیر که متعلق‌حق اوست‌باید باندازه‌ای باشد که قراردادند ویا بمقدار متعارف وآنچه ضرورت انتفاع اقتضا میکند .

ماده ۱۰۸ ـ در تمام مواردی‌که انتفاع کسی از ملك دیگری‌بموجب اذن محض باشد مالك‌میتواند هروقت بخواهد از اذن خود رجوع کند مگر اینکه مانع قانونی موجود باشد .

کتاب دوم - در تابعیت

☆ **ماده۹۷۶** ـ اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند :

۱ ـ کلیه ساکنین ایران باستثنای اشخاصی که تبعیّت خارجی آنها مسلّم باشد . تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارك تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد .

مبحث دوم ـ در احکام و آثار املاك نسبت باملاك مجاور

ماده ۱۰۹ ـ دیواری که مابین دو ملك واقع است مشترك مابین صاحب آن دوملك محسوب میشود مگراینکه قرینه یادلیلی برخلاف آن موجود باشد .

ماده ۱۱۰ ـ بنابطورترصیف ووضع سرتیرازجمله‌قرائن‌است که دلالت برتصرف واختصاص می کنند .

ماده ۱۱۱ ـ هرگاه از دو طرف بنا متصل بدیوار بطور ترصیف باشد و یا ازهردو طرف بروی دیوار سرتیرگذاشته شده باشد آن دیوار محکوم باشتراك است مگراینکه خلاف‌آن ثابت شود .

ماده ۱۱۲ ـ هرگاه قرائن‌اختصاصی فقط از یکطرف باشد تمام دیوار محکوم بملکیت صاحب‌آن طرف خواهد بود مگر اینکه خلافش ثابت شود .

ماده ۱۱۳ ـ مخارج دیوار مشترك برعهده کسانی است که درآن شرکت دارند .

ماده ۱۱۴ ـ هیچیك از شرکاء نمیتواند دیگری را اجبار بربنا و تعمیر دیوار مشترك نماید مگر اینکه دفع ضرر بنحو دیگر ممکن نباشد .

ماده ۱۱۵ ـ درصورتیکه دیوارمشترك خراب شود و احد شریکین ازتجدید بناء واجازه تصرف در مبنای مشترك امتناع نماید شریك دیگر میتواند درحصه خاص خود تجدید بنای دیوار را کند .

ماده ۱۱۶ ـ هرگاه احد شرکاء راضی بتصرف دیگری در مبنا باشد ولی از تحمل مخارج مضایقه نماید شریك دیگرمیتواند بنای دیوار را تجدید کند ودراینصورت اگربنای جدید بامصالح مشترك ساخته شود دیوار مشترك خواهد بود والا مختص بشریکی است که بنا را تجدید کرده است .

ماده ۱۱۷ ـ اگر یکی از دوشریك دیوار مشترك را خراب کند درصورتیکه خراب کردن آن لازم نبوده باید آنکه خراب کرده مجدداً آنرا بنا کند .

---

* مواد ۹۷۶ـ۱۰۳۰ ـ در جلسه ۳۷ بهمن ماه ۱۳۱۳ تصویب شده است.

۲ ـ کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳ ـ کسانیکه در ایران متولد شده و پدر ومادر آنان غیر معلوم باشد.

٤ ـ کسانیکه در ایران از پدر ومادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده‌اند.

ماده ۱۱۸ ـ هیچیك از دوشریك حق ندارد دیوار مشترك را بالا ببرد یاروی آن بناسرتیربگذارد یادریچه و رف باز کند یاهرنوع تصرفی نماید مگر به اذن شریك دیگر.

ماده ۱۱۹ ـ هریك ازشرکاء برروی دیوار مشترك سرتیرداشته باشد نمیتواند بدون رضای شریك دیگر تیرها را از جای خود تغییر دهد و بجای دیگر از دیوار بگذارد.

ماده ۱۲۰ ـ اگرصاحب دیوار بهمسایه اذن دهد که بروی دیوار او سرتیر بگذارد یاروی آن بنا کند هروقت بخواهد میتواند از اذن خود رجوع کند مگراینکه بوجه ملزمی این حق را از خود سلب کرده باشد.

ماده ۱۲۱ـ هرگاه کسی به اذن صاحب دیوار برروی‌دیوارسرتیری گذارده باشد وبعدآنرا بردارد نمیتواند مجدداً بگذارد مگر باذن جدید از صاحب دیوار وهمچنین است سایر تصرفات.

ماده ۱۲۲ ـ اگردیواری متمایل بملك غیر یاشارع ونحو آن شود که مشرف بخرابی گرددصاحب آن اجبار میشود که آنرا خراب کند.

ماده ۱۲۳ ـ اگر خانه یازمینی بین دونفر تقسیم شود یکی ازآنها نمیتواند دیگری را مجبور کند که باهم دیواری مابین دو قسمت بکشند.

ماده ۱۲۴ ـ اگر ازقدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختصی همسایه بوده وسابقه این تصرف معلوم نباشد باید بحال سابق باقی بماند و اگر بسبب خرابی عمارت و نحو آن سرتیر برداشته شود صاحب عمارت میتواند آنرا تجدید کند و همسایه حق ممانعت ندارد مگر اینکه ثابت نماید وضعیت سابق بصرف اجازه او ایجاد شده بوده است.

ماده ۱۲۵ ـ هرگاه طبقه تحتانی مال کسی باشد وطبقه فوقانی‌مال دیگری هریك ازآنها میتواند بطور متعارف در حصه اختصاصی خود تصرف بکند لیکن نسبت بسقف بین دو طبقه هریك‌ازمالکین طبقه فوقانی و تحتانی میتواند درکف یاسقف طبقه اختصاصی خود بطور متعارف آن اندازه تصرف نماید که مزاحم حق دیگری نباشد.

۵ ـ کسانیکه در ایران از پدریکه تبعه خارجه است بوجود آمده وبلافاصله پس ازرسیدن بسن هیجده سال تمام لااقل یکسال دیگر درایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است .

ماده ۱۳۶ ـ صاحب اطاق تحتانی نسبت بدیوارهای اطاق و صاحب فوقانی نسبت بدیوارهای غرفه بالاختصاص و هردو نسبت بسقف مابین اطاق و غرفه بالاشتراك متصرف شناخته میشوند .

ماده ۱۳۷ ـ پله فوقانی ملك صاحب طبقه فوقانی محسوب است مگراینکه خلاف آن ثابت شود .

ماده ۱۳۸ ـ هیچیك از صاحبان طبقه تحتانی و غرفه فوقانی نمیتواند دیگری را اجبار به تعمیر یامساعدت در تعمیر دیوارها و سقف آن بنماید .

ماده ۱۳۹ ـ هر گاه سقف واقع مابین عمارت تحتانی و فوقانی خراب شود درصورتیکه بین مالك فوقانی و مالك تحتانی موافقت در تجدید بنا حاصل نشود و قرار داد ملزمی سابقاً بین آنها موجود نباشد هریك از مالکین اگر تبرعاً سقف را تجدید نموده چنانچه بامصالح مشترک ساخته شده باشد سقف مشترك است و اگر بامصالح مختصه ساخته شده متعلق به بانی خواهد بود .

ماده ۱۳۰ ـ کسی حق ندارد خانه خود را بفضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم برفع آن خواهد بود .

ماده ۱۳۱ ـ اگرشاخه درخت کسی‌داخل در فضای خانه یازمین همسایه شود باید ازآنجا عطف کند و اگر نکرد همسایه میتواند آنرا عطف کند و اگر نشد از حد خانه خود قطع کند وهمچنین است حکم ریشه‌های درخت که داخل ملك غیر میشود .

ماده ۱۳۲ ـ کسی نمیتواند در ملك خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت یارفع ضرر از خود باشد .

ماده ۱۳۳ ـ کسی نمیتواند از دیوار خانه خود بخانه همسایه درباز کند اگرچه دیوارملك مختصی او باشد لیکن میتواند از دیوار مختصی خود روزنه یاشبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد ولی همسایه هم میتواند جلو روزنه و شبکه دیوار بکشد یاپرده بیاویزد که مانع رؤیت شود .

ماده ۱۳۴ ـ هیچیك از اشخاصیکه در یك معبر یا یك مجری شریکند نمیتوانند شرکاء دیگر را مانع از عبور یا بردن آب شوند .

۶ ـ هرزن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند .

۷ ـ هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد .

تبصره ـ اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنسولی خارجه مشمول فقره ٤ و ٥ نخواهند بود .

ماده ۹۷۷ ـ اشخاص مـذکور در فقره ٤ و ٥ حق دارند پس از رسیدن بسن

ماده ۱۳۵ ـ درخت و حفیره و نحو آنهـا که فاصل مابین املاك باشد در حکم دیوار مـابین خواهد بود .

مبحث سوم ـ در حریم املاك

ماده ۱۳۶ ـ حریم مقداری از اراضی اطراف ملك و قنات و نهر وامثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد .

ماده ۱۳۷ ـ حریم چاه برای آب خوردن (۲۰) گز و برای زراعت (۳۰) گز است .

ماده ۱۳۸ ـ حریم چشمه وقنات از هرطرف در زمین رخوه (۵۰۰) گز و در زمین سخت (۲۵۰) گز است لیکن اگر مقادیر مذکوره در این ماده و مـاده قبل برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد باندازه ای که برای دفع ضرر کافی باشد بآن افزوده میشود .

ماده ۱۳۹ ـ حریم در حکم ملك صاحب حریم است وتملك و تصرف درآن که منافی باشد باآنچه مقصود از حریم است بدون اذن از طرف مالك صحیح نیست و بنابراین کسی نمیتواند درحریم چشمه و یاقنات دیگری چاه یاقنات بکند ولی تصرفاتیکه موجب تضرر نشود جائز است .

کتاب دوم ـ دراسباب تملك

ماده ۱۴۰ ـ تملك حاصل میشود :

۱) باحیاء اراضی موات وحیازت اشیاء مباحه .

۲) بوسیله عقود وتعهدات .

۳) بوسیله اخذ بشفعه .

٤) بارث .

هیجده سال تمام تا یکسال تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط براینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه نمایند وتصدیق دولت متبوع پدرشان دایر باینکه آنهارا تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد .

ماده ۹۷۸ ـ نسبت باطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را بموجب مقررات تبعه خود

در احیاء اراضی موات وحیازت اشیاء مباحه

باب اول ـ دراحیاء اراضی موات ومباحه

ماده ۱۴۱ ـ مراد از احیای زمین آنستکه اراضی موات و مباحه را بوسیله عملیاتی که درعرف آباد کردن محسوب است از قبیل زراعت ، درخت کاری . بناساختن و غیره قابل استفاده نمایند .

ماده ۱۴۲ ـ شروع در احیاء از قبیل سنگ چیدن اطراف زمین یا کندن چاه و غیره تحجیر است و موجب مالکیت نمیشود ولی برای تحجیر کننده ایجاد حق اولویت در احیاء مینماید .

ماده ۱۴۳ ـ هرکس‌ازاراضی موات ومباحه قسمتی‌را بقصد تملك احیاءکند مالك‌آن قسمت میشود .

ماده ۱۴۴ ـ احیاء اطراف زمین موجب تملك وسط آن نیز میباشد .

ماده ۱۴۵ ـ احیاءکننده باید قوانین دیگر مربوطه باین موضوع را از هرحیث رعایت نماید .

باب دوم در حیازت مباحات

ماده ۱۴۶ ـ مقصود از حیازت تصرف و وضع یداست یا مهیا کردن وسایل تصرف واستیلا .

ماده ۱۴۷ ـ هر کس مال مباحی را با رعایت قوانین مربوطه بآن حیازت کند مالك آن میشود .

ماده ۱۴۸ ـ هرکس در زمین مباح نهری بکند ومتصل کند برودخانه آن نهر را احیاء کرده و مالك آن نهر میشود ولی مادامیکه متصل برودخانه نشده است تحجیر محسوب است .

ماده ۱۴۹ ـ هرگاه‌کسی بقصد حیازت میاه مباحه نهر یا مجری احداث کندآب مباحی که درنهر یا مجرای مزبور وارد شود ملك صاحب مجری است وبدون اذن مالك نمیتوان از آن نهری جدا کرد یا زمینی مشروب نمود .

ماده ۱۵۰ ـ هرگاه چند نفر درکندن مجری یا چاه شریك شوند بنسبت عمل ومخارجی که موجب تفاوت عمل باشد مالك‌آب‌آن میشوند وبهمان نسبت بین‌آنها تقسیم میشود.

ماده ۱۵۱ ـ یکی از شرکاء نمیتواند از مجرای مشترك مجرائی جدا کند یا دهنه نهر را وسیع

محسوب داشته ورجوع آنها را به تبعیت ایران منوط باجازه میکنند معامله متقابله خواهد شد.

ماده ۹۷۹ ـ اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند میتوانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱ ـ بسن هیجده سال تمام رسیده باشند.

یا تنگ کند یا روی آن پل یاآسیاب بسازد یا اطراف آن درخت بکارد یا هر نحو تصرفی کندمگر باذن سایر شرکاء.

ماده ۱۵۲ ـ اگر نصیب مفروض یکی از شرکاء از آب نهر مشترك داخل مجرای مختصی آن شخص شود آن آب ملك مخصوص آن میشود و هرنحو تصرفی درآن میتواند بکند.

ماده ۱۵۳ ـ هرگاه نهری مشترك مابین جماعتی باشد و در مقدار نصیب هریك از آنها اختلاف شود حکم بتساوی نصیب آنها میشود مگر اینکه دلیلی برزیادتی نصیب بعضی ازآنها موجود باشد.

ماده ۱۵۴ ـ کسی نمیتواند از ملك غیر آب بملك خود ببرد بدون اذن مالك اگرچه راه دیگری نداشته باشد.

ماده ۱۵۵ ـ هرکس حق دارد از نهرهای مباحه اراضی خود را مشروب کند یا برای زمین و آسیاب وسایر حوائج خود از آن نهر جدا کند.

ماده ۱۵۶ ـ هرگاه آب نهر کافی نباشد که تمام اراضی اطراف آن مشروب شود ومابین‌صاحبان اراضی در تقدم وتأخر اختلاف شود وهیچیك نتواند حق تقدم خود را ثابت کند با رعایت ترتیب هر زمینی که بمنبع آب نزدیکتر است بقدر حاجت حق تقدم برزمین پائین‌تر خواهد داشت.

ماده ۱۵۷ ـ هرگاه دو زمین در دوطرف نهر محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد وهردو دریکزمان بخواهندآب ببرند وآب‌کافی برای هردو نباشد باید برای تقدم وتأخر در بردن آب بنسبت حصه قرعه زده واگر آب کافی برای هردو باشد بنسبت حصه تقسیم میکنند.

ماده ۱۵۸ ـ هرگاه تاریخ احیاء اراضی اطراف رودخانه مختلف باشد زمینی که احیاء آن مقدم بوده است در آب نیز مقدم میشود برزمین متأخر در احیاء اگرچه پائین‌تر از آن باشد.

ماده ۱۵۹ ـ هرگاه کسی بخواهد جدیداً زمینی در اطراف رودخانه احیاء کند اگر آب رودخانه زیاد باشد وبرای صاحبان اراضی سابقه تضییقی نباشد میتواند از آب رودخانه زمین جدیدرا مشروب

۲ ـ پنجسال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند .

۳ ـ فراری از خدمت نظامی نباشند .

٤ ـ درهیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند .

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاك ایران است .

کند والاحق بردن آب ندارد اگرچه زمین او بالاتر از سایر اراضی باشد .

ماده ۱٦۰ ـ هر کس در زمین خود یا اراضی مباحه بقصد تملك قنات یاچاهی بکند تا بآب برسد یا چشمه جاری کند مالك آب آن میشود ودراراضی مباحهمادامیکه بآب نرسیده تحجیر محسوب است.

باب سوم ـ در معادن

ماده ۱٦۱ ـ معدنی که درزمین کسی واقع شده باشد ملك صاحبزمین است واستخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود .

باب چهارم ـ در اشیاء پیدا شده وحیوانات ضاله

فصل اول ـ در اشیاء پیدا شده

ماده ۱٦۲ ـ هر کسی مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از دهشاهی باشد میتواند آنرا تملك کند .

ماده ۱٦۳ ـ اگر قیمت مال پیدا شده دهشاهی یا بیشتر باشد پیدا کننده باید یکسال تعریف کند اگر در مدت مزبوره صاحب مال پیدا نشد مشار الیه مختار است که آن را بطور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند درصورتیکه آنرا بطور امانت نگاهدارد وبدون تقصیراو تلف شود ضامن نخواهد بود .

ماده ۱٦۴ ـ تعریف اشیاء پیدا شده عبارتست از نشر واعلان برحسب مقتضیات وقت ومحل بنحویکه عادةً باطلاع اهالی محل برسد .

ماده ۱٦۵ ـ هر کس در بیابان یاخرابه که خالی از سکنه بوده و مالك خاصی ندارد مالی پیدا کند میتواند آنرا تملك کند و محتاج بتعریف نیست مگر اینکه معلوم باشد که مال عهد زمان حاضر است دراینصورت درحکم سایر اشیاء پیدا شده در آبادی خواهد بود .

ماده ۹۸۰ ـ کسانیکه بامور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصیکه دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و یادارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه هستند و تقاضای ورود به تابعیت دولت شاهنشاهی را مینمایند درصورتی که دولت ورود آنها را بتابعیت دولت شاهنشاهی صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزراء بتبعیت ایران قبول شوند.

ماده ۱۶۶ ـ اگر کسی در ملك غیر یا ملکی که از غیر خریده مالی پیدا کند یا احتمال بدهد که مال مالك فعلی یا مالکین سابق است باید بآنها اطلاع بدهد اگر آنها مدعی مالکیت شدند و بقرائن مالکیت آنها معلوم شد باید به آنها بدهد و الا بطریقی که فوقا مقرر است رفتار نماید.

ماده ۱۶۷ ـ اگر مالی که پیدا شده است ممکن نیست باقی بماند وفاسد میشود بایدبقیمت عادله فروخته شود وقیمت آن درحکم خود مال پیدا شده خواهد بود.

ماده ۱۶۸ ـ اگر مال‌پیدا شده در زمان تعریف بدون تقصیر پیدا کننده‌تلف شودمشارالیه ضامن نخواهد بود.

ماده ۱۶۹ ـ منافعی که از مال پیدا شده حاصل میشود قبل از تملك متعلق بصاحب آنست و بعد از تملك مال پیدا کننده است.

فصل‌دوم ـ درحیوانات ضاله

ماده ۱۷۰ ـ حیوان گم شده (ضاله) عبارت از هر حیوان مملوکی‌است که بدون متصرف یافت شود ولی اگر حیوان مزبور در چراگاه یانزدیك آبی یافت شود یامتمکن از دفاع خود در مقابل حیوانات درنده باشد ضاله محسوب نمیگردد.

ماده۱۷۱ ـ هرکس حیوانات ضاله پیدا نماید بایدآنرا بمالك آن رد کند واگر مالك را نشناسد باید بحاکم یاقائم مقام‌او تسلیم کند والا ضامن خواهد بود اگرچه آنرا بعد از تصرف رها کرده باشد.

ماده ۱۷۲ ـ اگر حیوان گمشده در نقاط مسکونه یافت شود و پیدا کننده با دست رسی بحاکم یا قائم مقام او آنرا تسلیم نکند حق مطالبه مخارج نگاهداری آنرا از مالك نخواهد داشت.
هرگاه حیوان ضاله در نقاط غیر مسکونه یافت شود پیدا کننده میتواند مخارج نگاهداری

ماده ۹۸۱ ـ اگر در ظرف مدت پنجسال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری ازخدمت نظام بوده وهمچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت بجرم یامجازات مرور زمان حاصل میشود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم بجنحه مهم یاجنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج اورا از تابعیت ایران صادر خواهد کرد .

آنرا از مالك مطالبه کند مشروط براینکه از حیوان انتفاعی نبرده باشد والا مخارج نگاهداری با منافع حاصله احتساب و پیدا کننده یامالك فقط برای بقیه حق رجوع بیکدیگر را خواهد داشت .

باب پنجم ـ در دفینه

ماده ۱۷۳ ـ دفینه مالی است که در زمین یا بنائی دفن شده و بر حسب اتفاق و تصادف پیدا میشود .

ماده ۱۷۴ ـ دفینه که مالك آن معلوم نباشد ملك کسی است که آنرا پیدا کرده است .

ماده ۱۷۵ ـ اگر کسی در ملك غیر دفینه پیدا نماید باید بمالك اطلاع دهد اگر مالك زمین مدعی مالکیت دفینه شد و آنرا ثابت کرد دفینه بمدعی مالکیت تعلق میگیرد .

ماده ۱۷۶ ـ دفینه که در اراضی مباحه کشف شود متعلق بمستخرج آنست .

ماده ۱۷۷ ـ جواهریکه از دریا استخراج میشود ملك کسی است که آنرا استخراج کرده است وآنچه که آب بساحل میاندازد ملك کسی است که آن را حیازت نماید .

ماده ۱۷۸ ـ مالی کهدر دریا غرق شده ومالك ازآن اعراض کرده است مال کسی است که آنرا بیرون بیاورد .

باب ششم ـ در شکار

ماده ۱۷۹ ـ شکار کردن موجب تملك است .

ماده ۱۸۰ ـ شکار حیوانات اهلی وحیوانات دیگری که علامت مالکیت درآن باشد موجب تملك نمیشود .

ماده ۱۸۱ ـ اگر کسی کندو یا محلی برای زنبور عسل تهیه کند زنبور عسلی که در آن جمع میشوند ملك آن شخص است همینطور است حکم کبوتر که در برج کبوتر جمع شود .

ماده ۱۸۲ ـ مقررات دیگر راجع بشکار بموجب نظامات مخصوصه معین خواهد شد .

تبصره ـ اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول میشوند درصورتیکه درممالك خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازات های مقرره با اجازه هیئت وزراء تابعیت ایران از آنها سلب خواهد شد.

الف ـ کسانی که مرتکب عملیاتی برضد امنیت داخلی وخارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.

قسمت دوم
در عقود و معاملات والزامات
باب اول ـ درعقود و تعهدات بطور کلی

ماده ۱۸۳ ـ عقد عبارت است از اینکه یك یاچند نفر در مقابل یك یاچند نفر دیگر تعهد برامری نمایند ومورد قبول آنها باشد.

فصل اول ـ دراقسام عقود و معاملات

ماده ۱۸۴ ـ عقود و معاملات باقسام ذیل منقسم میشوند:
لازم، جائز، خیاری، منجز ومعلق.

ماده ۱۸۵ ـ عقد لازم آنست که هیچیك ازطرفین معامله حق‌فسخ آنرا نداشته باشد مگر در موارد معینه.

ماده ۱۸۶ ـ عقد جائز آنست که هریك از طرفین بتواند هروقتی بخواهد فسخ کند.

ماده ۱۸۷ ـ عقد ممکن است بیکطرف لازم باشد و نسبت بطرف دیگر جائز.

ماده ۱۸۸ ـ عقد خیاری آنست که برای‌طرفین یایکی‌ازآنها یابرای ثالثی‌اختیارفسخ باشد.

ماده ۱۸۹ ـ عقد منجز آنست که تأثیرآن برحسب‌انشاء موقوف بامردیگری نباشد والامعلق خواهد بود.

فصل دوم
در شرایط اساسی برای صحت معامله

ماده ۱۹۰ ـ برای صحت هرمعامله شرایط ذیل اساسی است.
۱) قصد طرفین و رضای آنها.
۲) اهلیت طرفین.

ب ـ کسانیکه خدمت نظام وظیفه را بطوری که قانون ایران مقرر میدارد ایفاء ننمایند .

ماده ۹۸۲ ـ اشخاصیکه تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقیکه برای ایرانیان مقرراست باستثناءِ حق رسیدن بمقام وزارت و کفالت وزارت ویاهر گونه مأموریت سیاسی خارجه بهره‌مند میشوند لیکن نمیتوانند بمقامات ذیل

---

۳) موضوع معین که مورد معامله باشد .

٤) مشروعیت جهة معامله .

مبحث اول ـ درقصد طرفین و رضای آنها

ماده ۱۹۱ ـ عقد محقق میشود بقصد انشاء بشرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند .

ماده ۱۹۲ ـ درمواردیکه برای طرفین یایکی از آنهاتلفظ ممکن نباشد اشاره که مبین‌قصد ورضا باشدکافی خواهد بود .

ماده ۱۹۳ ـ انشاء معامله ممکن است بوسیله عملی که مبین‌قصد ورضا باشد مثل قبض واقباض حاصل گردد مگر درمواردی که قانون استثناء کرده باشد .

ماده ۱۹۴ ـ الفاظ واشارات واعمال دیگر که متعاملین بوسیله‌آن انشاء معامله مینمایند باید موافق باشد بنحویکه احد طرفین همان‌عقدی را قبول کند که طرف‌دیگر قصدانشاء اورا داشته‌است والا معامله باطل خواهد بود .

ماده ۱۹۵ ـ اگر کسی درحال مستی یابیهوشی یا درخواب معامله نماید آن معامله بواسطه فقدان قصد باطل است .

ماده ۱۹۶ ـ کسی که معامله میکند آن معامله برای خودآنشخص محسوب است مگراینکه درموقع عقد خلاف آنرا تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود معذلك ممکن است درضمن‌معامله که شخص برای خود میکند تعهدی هم بنفع شخص ثالثی بنماید .

ماده ۱۹۷ ـ درصورتیکه ثمن یا مثمن معامله عین متعلق بغیر باشد آن معامله برای صاحب عین خواهد بود .

ماده ۱۹۸ ـ ممکن است طرفین یایکی ازآنها بوکالت از غیر اقدام بنماید ونیزممکن‌است که یکنفر بوکالت ازطرف متعاملین این اقدام را بعمل آورد .

نایل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت .

۱ ـ عضویت مجالس مقننه .

۲ ـ عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی .

۳ ـ استخدام وزارت امورخارجه :

ماده ۹۸ ـ درخواست تابعیت باید مستقیماً یا بتوسط حکام یاولات بوزارت

ماده ۱۹۹ ـ رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست .

ماده ۲۰۰ ـ اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط بخود موضوع معامله باشد .

ماده ۲۰۱ ـ اشتباه درشخص طرف بصحت معامله خللی وارد نمیآورد مگر در مواردیکه شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد .

ماده ۲۰۲ ـ اکراه باعمالی حاصل میشود که مؤثر در شخص باشعوری بوده و او را نسبت بجان یا مال یا آبروی خود تهدید کند بنحویکه عادتاً قابل تحمل نباشد . درمورد اعمال اکراه آمیز سن و شخصیت واخلاق و مرد یازن بودن شخص باید درنظر گرفته شود .

ماده ۲۰۳ـ اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگرچه ازطرف شخص خارجی غیرازمتعاملین واقع شود .

ماده ۲۰۴ـ تهدید طرف معامله درنفس یاجان یاآبروی اقوام نزدیك اوازقبیل زوج وزوجه و آباء واولاد موجب اکراه است . درمورد این ماده تشخیص نزدیکی درجه برای مؤثر بودن اکراه بسته بنظر عرف است .

ماده ۲۰۵ـ هرگاه شخصی که تهدید شده است بداند که تهدید کننده نمیتواند تهدیدخودرا بموقع اجرا گذارد ویاخود شخص مزبور قادر باشد براینکه بدون مشقت اکراه را از خود دفع کند و معامله را واقع نسازد آن شخص مکره محسوب نمیشود .

ماده ۲۰۶ ـ اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام بمعامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبرخواهد بود .

ماده ۲۰۷ـ ملزم شدن شخص به انشاء معامله بحکم مقامات صالحه قانونی اکراه محسوب نمیشود .

ماده ۲۰۸ ـ مجرد خوف ازکسی بدون آنکه از طرف آن کس تهدیدی شده باشد اکراه محسوب نمیشود .

امورخارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد .

۱ ـ سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده وعیال و اولاد او .

۲ ـ تصدیق نامه نظمیه دائــر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش وزارت امور خارجه درصورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضا کننده را تکمیل وآنرا بهیئت

ماده ۲۰۹ ـ امضاء معامله بعد از رفع اکراه موجب نفوذ معامله است .

مبحث دوم ـ در اهلیت طرفین

ماده ۲۱۰ ـ متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند .

ماده ۲۱۱ ـ برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل ورشید باشند .

ماده ۲۱۲ ـ معـامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند بـواسطهٔ عدم اهلیت باطل است .

ماده ۲۱۳ ـ معامله محجورین نافذ نیست .

مبحث سوم ـ در مورد معامله

ماده ۲۱۴ ـ مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هریك از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفاء آن را میکنند .

ماده ۲۱۵ ـ مورد معامله باید مالیت داشته ومتضمن منفعت عقلائی مشروع باشد .

ماده ۲۱۶ ـ مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه کـه علم اجمالی به آن کافی است .

مبحث چهارم در جهت معامله

ماده ۲۱۷ ـ در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد والا معامله باطل است .

ماده ۲۱۸ ـ هرگـاه معلوم شود که معامله بقصد فـرار از دین واقع شده آن معـامله نافذ نیست .

فصل سوم ـ در اثر معاملات

مبحث اول ـ در قواعد عمومی

ماده ۲۱۹ ـ عقودیکه برطبق قانون واقع شده باشد بین متعـاملین و قائم مقام آنها لازم

وزراء ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یارد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت بدرخواست کننده تسلیم خواهد شد .

ماده ۹۸۴ ـ زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران مینمایند تبعه دولت ایران شناخته میشوند ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن هیجده

الاتباع است مگر اینکه برضای طرفین اقاله یا بعلت قانونی فسخ شود .

ماده ۲۲۰ ـ عقود نه فقط متعاملین را باجرای چیزیکه در آن تصریح شده است ملزم مینماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که بموجب عرف وعادت یابموجب قانون ازعقد حاصل میشود ملزم میباشند .

ماده ۲۲۱ ـ اگر کسی تعهداقدام بامری را بکند یاتعهد نمایدکهاز انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده ویا تعهد عرفاً بمنزله تصریح باشد ویا برحسب قانون موجب ضمان باشد .

ماده ۲۲۲ ـ در صورت عدم ایفاء تعهد بارعایت ماده فوق حاکم میتواند بکسیکه تعهد به نفع اوشده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهدو متخلف را بتادیه مخارج آنمحکومنماید .

ماده ۲۲۳ ـ هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود .

ماده ۲۲۴ ـ الفاظ عقود محمول است برمعانی عرفیه .

ماده ۲۲۵ ـ متعارف بودنامری درعرف وعادت بطوریکه عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد بمنزله ذکر در عقد است .

مبحث دوم
در خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات

ماده ۲۲۶ ـ در مورد عدم ایفاء تعهدات ازطرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمیتواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد واگر برای ایفاء تعهد مدتی مقررنبودهطرف وقتیمیتواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده وثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است .

سال تمام میتوانند اظهاریه کتبی بوزارت امور خارجـه داده و تابعیت مملکت سابـق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن باظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود .

ماده ۹۸۵ ـ تحصیل تابعیت ایرانی پدربهیچوجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه بسن هیجده سال تمام رسیده اند مؤثر نمیباشد .

ماده ۲۲۷ ـ متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم بتأدیهخسارت میشود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام بواسطه علت خارجی بوده است که نمیتوان مربوط باو نمود .

ماده ۲۲۸ ـ درصورتیکه موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد حاکم میتواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را بجبران خسارت حاصله از تأخیر درتأدیه دین محکوم نماید .

ماده ۲۲۹ ـ اگر متعهد بواسطه حادثه که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم بتأدیه خسارت نخواهد بود .

ماده ۲۳۰ ـ اگر درضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی بعنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمیتواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند

مبحث سوم ـ در اثر عقود نسبت باشخاص ثالث

ماده ۲۳۱ ـ معاملات وعقود فقط درباره طرفین متعاملین وقائممقام قانونی آنها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶

فصل چهارم
در بیان شرایطی که در ضمن عقد میشود
مبحث اول ـ در اقسام شرط

ماده ۲۳۲ ـ شروط مفصلهذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست :

۱ ـ شرطی که انجام آن غیر مقدور باشد .

۲ ـ شرطی که در آن نفع وفایده نباشد .

۳ ـ شرطی که نامشروع باشد .

ماده ۲۳۳ ـ شروط مفصله ذیل باطل وموجب بطلان عقد است .

۱ ـ شرط خلاف مقتضای عقد .

ماده ۹۸۶ ـ زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی میشود میتواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط براینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ولی هرزن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمیتواند مادام که اولاد او بسن هیجده سال تمام نرسیده ازاین حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه میشود حق داشتن

---

۲ ـ شرط مجهولی که جهل بآن موجب جهل بعوضین شود .

ماده ۲۳۴ ـ شرط برسه قسم است :

۱ ـ شرط صفت .

۲ ـ شرط نتیجه

۳ ـ شرط فعل اثباتاً یانفیاً .

شرط صفت عبارت است از شرط راجعه بکیفیت یا کمیت مورد معامله

شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود .

شرط فعل آنستکه اقدام یاعدم اقدام بفعلی بریکی ازمتعاملین یابرشخص خارجی شرط شود .

مبحث دوم ـ در احکام شرط

ماده ۲۳۵ ـ هر گاه شرطی که درضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط بنفع او شده است خیار فسخ خواهد داشت .

ماده ۲۳۶ ـ شرط نتیجه در صورتیکه حصول آن نتیجه موقوف به سبب خاصی نباشد آن نتیجه بنفس اشتراط حاصل میشود.

ماده ۲۳۷ ـ هر گاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یانفیاً کسی که ملتزم بانجام شرط شده است باید آن را بجا بیاورد ودرصورت تخلف طرف معامله میتواند بحاکم رجوع نموده تقاضای اجبار بوفاء شرط بنماید .

ماده ۲۳۸ ـ هرگاه فعلی درضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم بانجام آن غیر مقدور ولی انجام آن بوسیله شخص دیگری مقدور باشد حاکم میتواند بخرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند .

ماده ۲۳۹ هر گاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت .

اموال غیرمنقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق باتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیرمنقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه‌داشتن آن جایز است بوده یا بعداً بارث امـوال غیرمنقولی بیش از آن حد باو برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملك در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت

ماده ۲۴۰ ـ اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یامعلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط برنفع اوشده است اختیار فسخ معامله‌را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند بفعل مشروط له باشد .

ماده ۲۴۱ ـ ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آنچه که بواسطه معامله مشغول الذمه میشود رهن یاضامن بدهد .

ماده ۲۴۲ ـ هرگاه درعقد شرط شده باشدکه مشروط علیه مال معین‌را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود مشروط له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارش عیب واگر بعد ازآنکه مال را مشروط له برهن‌گرفت آن‌مال‌تلف یا معیوب شوددیگراختیارفسخ ندارد .

ماده ۲۴۳ ـ هرگاه در عقد شرط شده باشد که ضامنی داده‌شود واین شرط انجام نگیرد مشروط‌له حق فسخ معامله را خواهد داشت .

ماده ۲۴۴ ـ طرف معامله که شرط بنفع او شده میتواند از عمل بآن شرط صرف نظر کند در اینصورت مثل آنست که این شرط در معامله قید نشده باشد لیکن شرط نتیجه قابل اسقاط نیست .

ماده ۲۴۵ ـ اسقاط حق حاصل از شرط ممکن است بلفظ باشد یا بفعل یعنی عملی کـه دلالت بر اسقاط شرط نماید .

ماده ۲۴۶ ـ در صورتیکه معامله بواسطه اقاله یا فسخ بهم بخورد شرطیکه درضمن‌آن شده‌است باطل میشود و اگر کسی که ملزم بانجام شرط بوده است عمل بشرط کرده باشد میتواند عوض او را از مشروط له بگیرد .

فصل پنجم ـ درمعاملاتیکه موضوع آن مال غیر است یا معاملات فضولی

ماده ۲۴۷ ـ معامله بمال غیر جز بعنوان ولایت یاوصایت یاوکالت نافذ نیست ولواینکه صاحب مال باطناً راضی باشد ولی اگر مالك یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آنرااجازه نمود در اینصورت معامله صحیح و نافذ میشود .

مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت بآنها داده خواهد شد.

ماده ۹۸۷ - زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاوجت مینماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و

ماده ۲۴۸ - اجازه مالك نسبت بمعامله فضولی حاصل میشود بلفظ یافعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید.

ماده ۲۴۹ - سکوت مالك ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمیشود.

ماده ۲۵۰ - اجازه در صورتی مؤثر است که مسبوق برد نباشد و الا اثری ندارد.

ماده ۲۵۱ - رد معامله فضولی حاصل میشود بهرلفظ یا فعلی که دلالت برعدم رضای بآن نماید.

ماده ۲۵۲ - لازم نیست اجازه یارد فوری باشد. اگرتأخیرموجب تضررطرف اصیل باشد مشارالیه میتواند معامله را بهم بزند.

ماده ۲۵۳ - درمعامله فضولی اگر مالك قبل ازاجازه یا رد فوت نماید اجازه یا رد باوارث است.

ماده ۲۵۴ - هرگاه کسی نسبت بمال غیر معامله نماید و بعد از آن بنحوی از انحاء بمعامله کننده فضولی منتقل شود صرف تملك موجب نفوذ معامله سابقه نخواهد بود.

ماده ۲۵۵ - هرگاه کسی نسبت بمالی معامله بعنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملك معامله کننده بوده است یاملك کسی بوده است که معامله کننده میتوانسته است ازقبل اوولایةً یا وکالةً معامله نماید دراینصورت نفوذ وصحت معامله موکول باجازه معامل است والامعامله باطل خواهد بود.

ماده ۲۵۶ - هرگاه کسی مال خود ومال غیر را بیك عقدی منتقل کند یاانتقال مالی را برای خود و دیگری قبول کند معامله نسبت بخود او نافذ و نسبت بغیر فضولی است.

ماده ۲۵۷ - اگر عین مالی که موضوع معامله فضولی بوده است قبل ازاینکه مالك معامله فضولی را اجازه یا رد کند مورد معامله دیگرنیز واقع شود مالك میتواند هریك از معاملات را که بخواهد اجازه کند دراینصورت هریك را اجازه کرد معاملات بعدازآن نافذ وسابق برآن باطل خواهد بود.

ماده ۲۵۸ - نسبت بمنافع مالی که مورد معامله فضولی بوده است و همچنین نسبت بمنافع حاصله از عوض آن اجازه یا رد از روز عقد مؤثر خواهد بود.

ماده ۲۵۹ - هرگاه معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده‌است بتصرف متعامل داده باشد و مالك آن معامله را اجازه نکند متصرف ضامن عین و منافع است.

یاتفریق بصرف تقدیم درخواست بوزارت امور خارجه بانضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه بآن مجدداً باو تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱ - هر گاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا

ماده ۲۶۰ - در صورتیکه معامل فضولی عوض مالی را که موضوع معامله بوده است گرفته ودرنزد خود داشته باشد و مالك بااجازه معامله قبض عوض را نیز اجازه کند دیگر حق رجوع بطرف دیگر نخواهد داشت.

ماده ۲۶۱ - در صورتیکه مبیع فضولی بتصرف مشتری داده شود هر گاه مالك معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت باصل مال ومنافع مدتیکه در تصرف او بوده ضامن است اگرچه منافع را استیفاء نکرده باشد و همچنین است نسبت بهرعیبی که در مدت تصرف مشتری حادث شده باشد.

ماده ۲۶۲ - در مورد ماده قبل مشتری حق دارد که برای استرداد ثمن عینا یامثلاً یا قیمةً ببایع فضولی رجوع کند.

ماده ۲۶۳ - هرگاه مالك معامله را اجازه نکند ومشتری هم برفضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن وکلیه غرامات ببایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.

فصل ششم - درسقوط تعهدات

ماده ۲۶۴ - تعهدات بیکی از طرق ذیل ساقط میشود:

۱ - بوسیله وفاء بعهد.

۲ - بوسیله اقاله.

۳ - بوسیله ابراء.

٤ - بوسیله تبدیل تعهد.

۵ - بوسیله تهاتر.

٦ - بوسیله مالکیت مافی‌الذمه.

مبحث اول - در وفاء بعهد

ماده ۲۶۵ - هر کس مالی بدیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی

شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود دردست داشته باشد بشرط تقدیم تقاضانامه کتبی بوزارت امور خارجه ممکن است باتقاضای او موافقت گردد .

تبصره۲- زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل میکنند حق داشتن اموال غیرمنقول جز آنچه که در موقع ازدواج دارا بوده اند ندارند این حق هم به ورّاث خارجی آنها منتقل نمیشود .

بدیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد میتواند استرداد کند .

ماده ۲۶۶ - در مورد تعهداتیکه برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمیباشد اگر متعهد بمیل خود آنرا ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود .

ماده ۲۶۷ - ایفاء دین از جانب غیر مدیون هم جائز است اگرچه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسیکه دین دیگری را ادا میکند اگر با اذن باشد حق مراجعه باو دارد و الا حق رجوع ندارد .

ماده ۲۶۸ - انجام فعلی درصورتیکه مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد بوسیله دیگری ممکن نیست مگر با رضایت متعهدله .

ماده ۲۶۹ - وفاء بعهد وقتی محقق میشود که متعهد چیزی راکه میدهد مالك و یا مأذون از طرف مالك باشد و شخصاً هم اهلیت داشته باشد .

ماده ۲۷۰ - اگر متعهد در مقام وفاء بعهد مالی تأدیه نماید دیگر نمیتواند بعنوان اینکه در حین تأدیه مالك آن مال نبوده استردادآنرا از متعهدله بخواهد مگر اینکه ثابت کند که مال غیر ویا مجوز قانونی در ید او بوده بدون اینکه اذن درتأدیه داشته باشد .

ماده ۲۷۱ - دین باید بشخص داین یا بکسی که از طرف او وکالت دارد تأدیه گردد یا بکسی که قانوناً حق قبض را دارد .

ماده۲۷۲ - تأدیه بغیر اشخاص مذکور در ماده فوق وقتی صحیح است که داین راضی شود .

ماده۲۷۳ - اگرصاحب حق ازقبول آن امتناع کند متعهد بوسیله تصرف دادن آن بحاکم یاقائم‌مقام اوبری میشود وازتاریخ این اقدام مسئول خسارتی که ممکن‌است بموضوع حق واردآید نخواهد بود .

ماده ۲۷۴ - اگر متعهدله اهلیت قبض نداشته باشد تأدیه در وجه او معتبر نخواهد بود .

ماده ۲۷۵ - متعهدله را نمیتوان مجبور نمود که چیز دیگری بغیرآنچه‌که موضوع تعهد است قبول نماید اگرچه آن شیئی قیمةً معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد .

مندرجات ماده ۹۸۸ در قسمت خروج از ایران مشمـول زنان ایران نخواهد بود .

ماده ۹۸۸ ـ اتباع ایران نمیتوانند تبعیت خودراترك كنند مگر بشرایطذیل:

۱ ـ بسن ۲۵ سال تمام رسیده باشند .

۲ ـ هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.

ماده ۲۷۶ ـ مدیون نمیتواند مالی راکه از طرف حاکم ممنوع از تصرف در آن شده است در مقام وفاء بعهد تأدیه نماید .

ماده ۲۷۷ ـ متعهد نمیتواند متعهدله را مجبور بقبول قسمتی از موضـوع تعهد نمایـد ولی حاکم میتواند نظر بوضعیت مدیون مهلت عادله یا قرار اقساط دهد .

ماده ۲۷۸ ـ اگرموضوع تعهد عین معینی باشد تسلیم آن بصاحبش دروضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد میشود اگرچه کسر و نقصان از تعدی یا تفریط متعهد ناشی نشده باشد مگردر مواردیکه در این قانون تصریح شده است ولی اگر متعهد با انقضاء اجل و مطالبه تأخیر در تسلیم نموده باشد مسئول هرکسرونقصان خواهد بود اگرچه کسرونقصان مربوط بتقصیرشخص متعهدنباشد .

ماده ۲۷۹ ـ اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد متعهد مجبور نیست که ازفرداعلای آن ایفاء کند لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمیتواند بدهد .

ماده ۲۸۰ ـ انجام تعهد باید درمحلی که عقد واقع شده بعمل آید مگراینکه بین متعاملین قرارداد مخصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید .

ماده ۲۸۱ ـ مخارج تأدیه بعهده مدیون است مگراینکه شرط خلاف شده باشد .

ماده ۲۸۲ ـ اگرکسی بیك نفر دیون متعدده داشته باشد تشخیص اینکه تأدیه از بابت کدام دین است با مدیون میباشد .

مبحث دوم ـ در اقاله

ماده ۲۸۳ ـ بعد از معامله طرفین میتوانند بتراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند .

ماده ۲۸۴ ـ اقاله بهرلفظ یا فعلی واقع میشود که دلالت بربهم زدن معامله کند .

ماده ۲۸۵ ـ موضوع اقاله ممکن است تمام معامله واقع شود یا فقط مقداری از مورد آن .

ماده ۲۸۶ ـ تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست در این صورت بجای آن چیزی که تلف شده است مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمتی بودن داده میشود .

۳ ـ قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یکسال از تاریخ ترك تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا میباشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند و لو قوانین ایران اجازه تملك آنرا به اتباع خارجه بدهد بنحوی از انحاء باتباع ایرانی منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که برطبق این ماده ترك تابعیت مینمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج

ماده ۲۸۷ ـ نماآت و منافع منفصله که از زمان عقد تازمان اقاله در مورد معامله حادث میشود مال کسی است که بواسطه عقد مالك شده است ولی نماآت متصله مال کسی است که در نتیجه اقاله مالك میشود .

ماده ۲۸۸ ـ اگر مالك بعد از عقد در مورد معامله تصرفاتی کند که موجب ازدیاد قیمت آن شود در حین اقاله بمقدار قیمتی که بسبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود .

مبحث سوم ـ در ابراء

ماده ۲۸۹ ـ ابراء عبارت از این است که داین از حق خود باختیار صرفنظر نماید .

ماده ۲۹۰ ـ ابراء وقتی موجب سقوط تعهد میشود که متعهد برای ابراء اهلیت داشته باشد .

ماده ۲۹۱ ـ ابراء ذمه میت از دین صحیح است .

مبحث چهارم ـ در تبدیل تعهد

ماده ۲۹۲ ـ تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل میشود :

۱) وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی بتعهد جدیدی که قائم مقام آن میشود بسببی از اسباب تراضی نمایند در اینصورت متعهد نسبت بتعهد اصلی بری میشود .

۲) وقتی که شخص ثالث بارضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید .

۳) وقتیکه متعهدله مافی الذمه متعهد را بکسی دیگر منتقل نماید .

ماده ۲۹۳ ـ در تبدیل تعهد تضمینات تعهدسابق بتعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت مگر اینکه طرفین معامله آنرا صراحةً شرط کرده باشند .

مبحث پنجم ـ در تهاتر

ماده ۲۹۴ ـ وقتی دونفر در مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آنها بیکدیگر بطریقی که درمواد ذیل مقرر است تهاتر حاصل میشود .

ماده ۲۹۵ ـ تهاتر قهری است وبدون اینکه طرفین دراین موضوع تراضی نمایند حاصل میگردد

نمیگردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آنهاهم باشد .

۴ ـ خدمت تحت السلاح خود را انجام داده باشند .

تبصره ۵ ـ کسانیکه بر طبق این ماده مبادرت بتقاضای ترك تابعیت ایران و قبول تبعیت خارجی مینمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره ۳ از این ماده درباره آنان مقرر است باید در مدت یکسال از ایران خارج شوند چنانچه در ظرف

بنا بر این بمحض اینکه دونفر درمقابل یکدیگر درآن واحد مدیون شدند هردو دین تا اندازه‌ای که باهم معادله مینماید بطور تهاتر برطرف شده وطرفین بمقدار آن‌در مقابل یکدیگر بری میشوند.

ماده ۲۹۶ ـ تهاتر فقط در مورد دو دینی حاصل میشود که موضوع آنها ازیك جنس باشد بااتحاد زمان ومکان تأدیه ولو باختلاف سبب .

ماده ۲۹۷ ـ اگر بعد از ضمان مضمون له بمضمون عنه مدیون شود موجب فراغ ذمه ضامن نخواهد شد .

ماده ۲۹۸ ـ اگر فقط محل تأدیه دینین مختلف باشد تهاتر وقتی حاصل میشود که با تأدیه مخارج مربوطه به نقل موضوع قرض ازمحلی بمحل دیگری یا بنحوی از انحاء طرفین حق تأدیه درمحل‌معین را ساقط نمایند .

ماده ۲۹۹ ـ در مقابل حقوق ثابته اشخاص ثالث تهاتر مؤثر نخواهد بود وبنا براین اگر موضوع دین بنفع شخص ثالثی در نزد مدیون مطابق قانون توقیف شده باشد و مدیون بعد از این توقیف از داین خود طلبکار گردد دیگر نمی تواند باستناد تهاتر ازتأدیه مال توقیف شده امتناع کند .

مبحث ششم ـ مالکیت مافی الذمه

ماده ۳۰۰ ـ اگر مدیون مالك مافی الذمه خود گردد ذمه او بری میشود مثل اینکه اگر کسی بمورث خود مدیون باشد پس از فوت مورث دین او نسبت بسهم الارث ساقط میشود.

باب دوم ـ در الزاماتیکه بدون قرار داد حاصل میشود

فصل اول ـ درکلیات

ماده ۳۰۱ ـ کسی که عمداً یا اشتباهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را بمالك تسلیم کند .

ماده ۳۰۲ ـ اگر کسیکه اشتباهاً خود را مدیون میدانست آن‌دین را تأدیه کند حق دارد ازکسی که آنرا بدون حق اخذکرده است استرداد نماید .

مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر باخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود وچنین اشخاصی هر گاه درآتیه بخواهند بایران بیایند اجازه مخصوص هیئت وزراء آنهم برای یکدفعه و مدت معین لازم است .

ماده ۹۸۹ ـ هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده

ماده ۳۰۳ ـ کسی که مالی رامن غیر حق دریافت کرده‌است ضامن عین‌ومنافع آنست اعم‌ازاینکه بعدم استحقاق خود عالم باشد یاجاهل .

ماده ۳۰۴ ـ اگر کسی که چیزی را بدون حق دریافت کرده است خود را محق میدانسته لیکن در واقع محق نبوده وآن چیز را فروخته باشد معامله فضولی وتابع احکام مربوطه بآن خواهد بود .

ماده ۳۰۵ ـ در مورد مواد فوق صاحب مال باید از عهده مخارج لازمه که برای نگاهداری آن شده است برآید مگر درصورت علم متصرف بعدم استحقاق خود .

ماده ۳۰٦ ـ اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالك یاکسی که حق اجازه دارد اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد در صورتیکه تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یاتأخیر دردخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است .

فصل دوم ـ در ضمان قهری

ماده ۳۰۷ ـ امور ذیل موجب ضمان قهری است :

۱) غصب وآنچه که درحکم غصب است .

۲) اتلاف .

۳) تسبیب .

٤) استیفاء .

مبحث اول ـ درغصب

ماده ۳۰۸ ـ غصب استیلا بر حق غیر است بنحو عدوان اثبات ید برمال غیربدون مجوز هم درحکم غصب است .

ماده ۳۰۹ ـ هر گاه شخصی مالك را از تصرف درمال خود مانع شود بدون آنکه خود او تسلط برآن مال پیدا کند غاصب محسوب نمیشود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب ضامن خواهد بود .

و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن باو داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال بوزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و هر گونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود .

ماده ۹۹۰ - از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل

ماده ۳۱۰ - اگر کسی که مالی بعاریه یا بودیعه وامثال آنها در دست اوست منکر گردد ازتاریخ انکار در حکم غاصب است .

ماده ۳۱۱ - غاصب باید مال مغصوب را عیناً بصاحب آن رد نماید و اگرعین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگربعلت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آنرا بدهد .

ماده ۳۱۲ - هرگاه مال مغصوب بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین‌الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آنرا بدهد .

ماده ۳۱۳ - هرگاه کسی درزمین خود بامصالح متعلقه بدیگری بنائی سازد یادرخت غیر را بدون اذن مالك در آن زمین غرس کند صاحب مصالح یادرخت میتواند قلع یانزع آنرا بخواهد مگراینکه باخذ قیمت تراضی نمایند .

ماده ۳۱۴ - اگردرنتیجه عمل غاصب قیمت مال مغصوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی رانخواهد داشت مگراینکه آن زیادتی‌عین باشدکه دراینصورت عین زاید متعلق بخود غاصب است .

ماده ۳۱۵ - غاصب مسئول هرنقص و عیبی است که درزمان تصرف اوبمال مغصوب وارد شده باشد هرچند مستند بفعل او نباشد .

ماده ۳۱۶ - اگرکسی مال مغصوب را از غاصب غصب کند آن شخص نیزمثل غاصب سابق ضامن است اگرچه بغاصبیت غاصب اولی جاهل باشد .

ماده ۳۱۷ - مالك میتواند عین ودرصورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یاقسمتی‌ازمال مغصوب را از غاصب اولی یا ازهریك از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند .

ماده ۳۱۸ - هرگاه مالك رجوع کند بغاصبی که مال مغصوب در ید او تلف شده است آنشخص حق رجوع بغاصب دیگرندارد ولی اگر بغاصب دیگری بغیر آنکسیکه مال در ید اوتلف شده است رجوع نماید مشارالیه نیز میتواند بکسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا بیکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود بکسی که مال در ید او تلف شده است و بطور کلی ضمان برعهده کسی مستقر است که مال مغصوب در نزد او تلف شده است .

تابعیت کرده باشند و بخواهند بتبعیت اصلیه خود رجوع نمایند بمجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آنکه دولت تابعیت آنها را صلاح نداند.

ماده ۹۹۱ - تکالیف مربوطه باجراء قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری (حقوق شانسلری) در مورد کسانی که تقاضای ورود و خروج از تابعیت دولت شاهنشاهی و تقاضای بقاء به تابعیت اصلی را دارند بموجب نظامنامه که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید معین خواهد شد.

ماده ۳۱۹ - اگر مالك تمام یا قسمتی از مال مغصوب را از یکی ازغاصبین بگیرد حق رجوع بقدر مأخوذ بغاصبین دیگر ندارد.

ماده ۳۲۰ - نسبت بمنافع مال مغصوب هریك از غاصبین باندازه منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود ضامن است اگرچه استیفاء منفعت نکرده باشد لیکن غاصبی که ازعهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است میتواند بهریك نسبت بزمان تصرف او رجوع کند.

ماده ۳۲۱ - هرگاه مالك ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یاقیمت مال مغصوب ابراء کند حق رجوع بغاصبین دیگر نخواهد داشت. ولی اگرحق خود را بیکی از آنان بنحوی از انحاء انتقال دهد آنکس قائم مقام مالك میشود و دارای همان حقی خواهد بود که مالك دارا بوده است.

ماده ۳۲۲ - ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت بمنافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود لیکن اگریکی ازغاصبین را نسبت بمنافع عین ابراء کند حق رجوع بلاحقین نخواهد داشت.

ماده ۳۲۳ - اگر کسی ملك مغصوب را از غاصب بخرد آنکس نیز ضامن است ومالك میتواند بر طبق مقررات مواد فوق بهریك از بایع و مشتری رجوع کرده عین ودرصورت تلف شدن آن مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آنرا در هرحال مطالبه نماید.

ماده ۳۲۴ - در صورتی که مشتری عالم بغصب باشد حکم رجوع هریك ازبایع ومشتری بیکدیگر در آنچه که مالك از آنها گرفته است حکم غاصب از غاصب بوده تابع مقررات فوق خواهد بود.

ماده ۳۲۵ - اگرمشتری جاهل بغصب بوده و مالك باو رجوع نموده باشد او نیز میتواند نسبت به ثمن وخسارات به بایع رجوع کند اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالك نسبت بمثل یاقیمت رجوع به بایع کند بایع حق رجوع بمشتری را نخواهد داشت.

کتاب سوم - در اسناد سجل‌احوال

ماده ۹۹۲ - سجل احوال هرکس بموجب دفاتری‌که برای این امر مقرراست معین میشود .

ماده ۹۹۳ - امور ذیل باید در ظـرف مدت و بطریقیکه بموجب قـوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است بدائره سجل احوال اطلاع داده شود :

ماده ۳۲۶ - اگر عوضی که مشتری عالم بر غصب در صورت تلف مبیع بمالك داده است زیاد برمقدار ثمن باشد بمقدار زیاده نمیتواند رجوع به بایع کند ولی نسبت بمقدار ثمن حق رجوع دارد .

ماده ۳۲۷ - اگر ترتیب ایادی برمال مغصوب بمعامله دیگری غیر از بیع باشد احکام راجعه به بیع مال غصب که فوقاً ذکر شده مجری خواهد بود .

مبحث دوم - دراتلاف

ماده ۳۲۸ - هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آنست وباید مثل یاقیمت آنرا بدهد اعم ازاینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است .

ماده ۳۲۹ - اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آنرا بمثل صورت اول بنا نمایـد و اگرممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید .

ماده ۳۳۰ - اگر کسی حیوان متعلق بغیر را بدون اذن صاحب آن بکشد باید تفاوت قیمت زنده و کشته آنرا بدهد ولیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند ضامن نیست .

مبحث سوم - در تسبیب

ماده ۳۳۱ - هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگرسبب نقص یا عیب آن شده باشد باید ازعهده نقص قیمت آن برآید .

ماده ۳۳۲ - هرگاه یکنفر سبب تلف مالی را ایجاد کـند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشرمسئول است نه مسبب مگراینکه سبب اقوی باشد بنحویکه عرفاً اتلاف مستند باو باشد .

ماده ۳۳۳ - صاحب دیوار یاعمارت یاکارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد میشود مشروط براینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالك مطلع برآن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است .

۱ ـ ولادت هر طفل و همچنین سقـط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود .

۲ ـ ازدواج اعم از دائم و منقطع .

۳ ـ طلاق اعم از بائن ورجعی وهمچنین بذل مدت .

٤ ـ وفات هر شخص .

ماده ۳۳٤ ـ مالك یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست کـه از ناحیه آن حیوان وارد میشود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان بواسطه عمل کسی منشاء ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود .

ماده ۳۳۵ ـ در صورت تصادم بین دو کشتی یا دوقطار راه‌آهن یادواتومبیل وامثال آنها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد واگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دومسئول خواهند بود .

مبحث چهارم ـ در استیفاء

ماده ۳۳٦ ـ هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام بعملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آنشخص عادتاً مهیای آنعمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بـود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است .

ماده ۳۳۷ ـ هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یاضمنی از مال غیر استیفاء منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است .

باب سوم ـ درعقود معینه مختلفه

فصل اول ـ در بیع

مبحث اول ـ در احکام بیع

ماده ۳۳۸ ـ بیع عبارت است از تملیك عین بعوض معلوم .

ماده ۳۳۹ ـ پس از تـوافق بـایع و مشتری در مبیع و قیمت آن عقد بیع بـه ایجـاب و قبول واقع میشود .

ممکن است بیع بداد وستد نیز واقع گردد .

ماده ۳٤۰ ـ در ایجاب وقبول الفاظ وعبارات باید صریح درمعنی بیع باشد .

ماده ۳٤۱ ـ بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط ونیز ممکن است که برای تسلیم تمام یا قسمتی

ماده ۹۹۴ ـ حکم فوت فرضی غـایب که بر طبق مقررات کتاب پنجم از جلد دوم این قانون صادر میشود باید دردفتر سجل احوال ثبت شود .

ماده ۹۹۵ ـ تغییر مطالبی که دردفاتر سجل‌احوال ثبت شده‌است ممکن نیست مگر بموجب حکم محکمه .

ماده ۹۹۶ ـ اگر عدم‌صحت مطالبی که بدایره سجل احوال اظهار شده‌است

از مبیع یا برای تأدیه تمام یاقسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود .

ماده ۳۴۲ ـ مقدار وجنس و وصف ومبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن بوزن یا کیل یاعدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است .

ماده ۳۴۳ ـ اگر مبیع بشرط مقدار معین فروخته شود بیع‌واقع میشود اگرچه هنوز مبیع شمرده نشده یا کیل یاذرع نشده باشد .

ماده ۳۴۴ ـ اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا تأدیه قیمت موعدی معین نگشته باشد بیع قطعی وثمن حال محسوب است مگر اینکه بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارتی وجود شرطی یاموعدی معهود باشد اگرچه در قرارداد بیع‌ذکری نشده باشد .

مبحث دوم ـ درطرفین معامله

ماده ۳۴۵ ـ هریك از بایع ومشتری باید علاوه بر اهلیت قانونی برای معامله اهلیت برای تصرف در مبیع یاثمن را نیز داشته باشد .

ماده ۳۴۶ ـ عقد بیع باید مقرون برضای طرفین باشد وعقد مکره نافذ نیست .

ماده ۳۴۷ ـ شخص کور میتواند خرید وفروش نماید مشروط براینکه شخصاً بطریقی غیراز معاینه یابوسیله کس دیگر ولو خود بایع جهل او مرتفع شود .

مبحث سوم ـ در مبیع

ماده ۳۴۸ ـ بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزیکه مالیت و یا منفعت عقلائی ندارد یا چیزیکه بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است مگر اینکه مشتری خود قادربر تسلیم باشد .

ماده ۳۴۹ ـ بیع مال وقف صحیح نیست مگر در موردی که بین موقوف علیهم تولید اختلاف شود بنحوی که بیم سفك دماء رود یامنجر بخرابی مال موقوفه گردد وهمچنین در مواردی که درمبحث

در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال بعنوان مجهول الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود .

ماده ۹۹۷ ـ هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد .

اتخاذ نام های مخصوصی که بموجب نظامنامه اداره سجل احوال معین میشود ممنوع است .

راجع بوقف مقرر است .

ماده ۳۵۰ ـ مبیع ممکن است مفروز باشد یامشاع یامقدار معین بطور کلی از شیئی متساوی الاجزاء وهمچنین ممکن است کلی فی الذمه باشد .

ماده ۳۵۱ ـ درصورتیکه مبیع کلی یعنی صادق برافراد عدیده باشد بیع وقتی صحیح است کهمقدار و جنس و وصف مبیع ذکر بشود .

ماده ۳۵۲ ـ بیع فضولی نافذ نیست مگر بعد از اجازه مالك بطوریکه در معاملات فضولی مذکور است .

ماده ۳۵۳ ـ هر گاه چیز معین بعنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع باطل است واگر بعضی از آن از غیر جنس باشد نسبت بآن بعض باطل است و نسبت به مابقی مشتری حق فسخ دارد .

ماده ۳۵۴ ـ ممکن است بیع از روی نمونه بعمل آید دراینصورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود والا مشتری خیار فسخ خواهد داشت .

ماده ۳۵۵ ـ اگر ملکی بشرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است ومشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت واگر معلوم شود که بیشتر است بایع میتواند آنرا فسخ کند مگر اینکه در هر دوصورت طرفین به محاسبه زیاده یا نقیصه تراضی نمایند .

ماده ۳۵۶ ـ هر چیزی که برحسب عرف و عادت جزء یا تابع مبیع شمرده شود یا قرائن دلالت بر دخول آن در مبیع نماید داخل دربیع ومتعلق بمشتری است اگرچه درعقد صریحاً ذکر نشده باشد واگر چه متعاملین جاهل برعرف باشند .

ماده ۳۵۷ ـ هر چیزی که برحسب عرف وعادت جزء یا از تابع مبیع شمرده نشود داخل در بیع نمیشود مگر اینکه صریحاً در عقد ذکر شده باشد .

ماده ۹۹۸ - هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق انتخاب کرده باشد میتواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد.

اگر کسی نام خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه باین امر تغییر دهد هر ذی نفع میتواند در ظرف مدت و بطریقیکه درقوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است اعتراض کند.

ماده ۳۵۸ - نظر به دوماده فوق در بیع باغ اشجار ودربیع خانه ممر ومجری و هر چه ملصق به بنا باشد بطوریکه نتوان آنرا بدون‌خرابی نقل نمود متعلق بمشتری میشود وبرعکس زراعت دربیع‌زمین ومیوه‌دربیع درخت وحمل دربیع‌حیوان متعلق بمشتری نمیشود مگر اینکه تصریح شده باشد یابرحسب عرف از توابع شمرده شود.

درهر حال طرفین عقد میتوانند بعکس ترتیب فوق تراضی کنند.

ماده ۳۵۹ - هر گاه دخول شیئی در مبیع عرفاً مشکوك باشد آن شیئی داخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه تصریح شده باشد.

ماده ۳۶۰ - هر چیزی که فروش آن مستقلاً جایز است استثناء آن از مبیع نیز جائز است.

ماده ۳۶۱ - اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته بیع باطل است.

مبحث چهارم - درآثار بیع

ماده ۳۶۲ - آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد از قرار ذیل است:

۱) بمجرد وقوع بیع مشتری مالك مبیع وبایع مالك ثمن میشود.

۲) عقد بیع بایع را ضامن درك مبیع ومشتری را ضامن درك ثمن قرار میدهد.

۳) عقد بیع بایع را بتسلیم مبیع ملزم مینماید.

٤) عقد بیع مشتری را بتأدیه ثمن ملزم میکند.

فقره اول - در ملکیت مبیع و ثمن

ماده ۳۶۳ - در عقد بیع وجود خیار فسخ برای متبایعین با وجود اجلی برای تسلیم مبیع یا تأدیه ثمن مانع انتقال نمیشود بنا براین اگر ثمن یا مبیع عین معین بوده وقبل از تسلیم آن احد متعاملین مفلس شود طرف دیگر حق مطالبه آن عین را خواهد داشت.

ماده ۳۶۴ - در بیع خیاری مالکیت از حین عقد بیع است نه از تاریخ انقضاء خیار و در بیعی که قبض شرط صحت است مثل بیع صرف انتقال از حین حصول شرط است نه از حین وقوع بیع.

ماده ۳۶۵ - بیع فاسد اثری در تملك ندارد.

ماده ۹۹۹ ـ سند ولادت اشخاصیکه ولادت آنها درمدت قانونی بدایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.

ماده ۱۰۰۰ ـ سایر مطالب راجع بسجل احوال بموجب قوانین و نظامنامه‌های مخصوصه مقرر است.

ماده ۱۰۰۱ ـ مأمورین قونسولی ایران در خارجه باید نسبت بایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظائفی را که بموجب قوانین و نظامات جاریه بعهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند.

ماده ۳۶۶ ـ هرگاه کسی به بیع فاسد مالی راقبض کند باید آنرا بصاحبش رد نماید واگر تلف یا ناقص شود ضامن عین ومنافع آن خواهد بود.

فقره دوم ـ در تسلیم

ماده ۳۶۷ ـ تسلیم عبارتست از دادن مبیع بتصرف مشتری بنحوی که متمکن از انحاء تصرفات وانتفاعات باشد وقبض عبارت است ازاستیلاء مشتری برمبیع.

ماده ۳۶۸ ـ تسلیم وقتی حاصل میشود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته شده باشد اگرچه مشتری آنرا هنوز عملاً تصرف نکرده باشد.

ماده ۳۶۹ ـ تسلیم باختلاف مبیع بکیفیات مختلفه است وبایدبنحوی باشد که عرفاً آنراتسلیم گویند.

ماده ۳۷۰ ـ اگر طرفین معامله برای تسلیم مبیع موعدی قرار داده باشند قدرت برتسلیم در آن موعد شرط است نه در زمان عقد.

ماده ۳۷۱ ـ در بیعی که موقوف به اجازه مالك است قدرت بر تسلیم در زمان اجازه معتبر است.

ماده ۳۷۲ ـ اگر نسبت به بعض مبیع بایع قدرت بر تسلیم داشته و نسبت ببعض دیگر نداشته باشد بیع نسبت ببعض که قدرت برتسلیم داشته صحیح است ونسبت ببعض دیگر باطل است.

ماده ۳۷۳ ـ اگر مبیع قبلا در تصرف مشتری بوده باشد محتاج بقبض جدید نیست و همچنین است در ثمن.

ماده ۳۷۴ ـ درحصول قبض اذن بایع شرط نیست ومشتری میتواند مبیع را بدون اذن قبض کند.

ماده ۳۷۵ ـ مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آنجا واقع شده است مگر اینکه عرف وعادت مقتضی تسلیم درمحل دیگرباشد ویادرضمن بیع محل مخصوصی برای تسلیم معین شده باشد.

ماده ۳۷۶ ـ درصورت تأخیر در تسلیم مبیع یاثمن ممتنع اجبار بتسلیم‌میشود.

ماده ۳۷۷ ـ هریك از بایع ومشتری حق دارد ازتسلیم مبیع یاثمن خود داری کند تاطرف دیگر

کتاب چهارم ـ در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۲ ـ اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود .

حاضر بتسلیم شود مگر اینکه مبیع یا ثمن مؤجل باشد در این صورت هر کدام ازمبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود .

ماده ۳۷۸ ـ اگر بایع قبل از اخذ ثمن مبیع را بمیل خود تسلیم مشتری نماید حق استرداد آنرا نخواهد داشت مگر بموجب فسخ در مورد خیار .

ماده ۳۷۹ ـ اگر مشتری ملتزم شده باشد که برای ثمن ضامن یا رهن بدهد و عمل بشرط نکند بایع حق فسخ خواهد داشت . و اگر بایع ملتزم شده باشد که برای درك مبیع ضامن بدهد و عمل بشرط نکند مشتری حق فسخ دارد .

ماده ۳۸۰ ـ در صورتیکه مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد میتواند از تسلیم آن امتناع کند .

ماده ۳۸۱ ـ مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت نقل آن بمحل تسلیم ، اجرت شمردن ووزن کردن و غیره بعهده بایع است مخارج تسلیم ثمن برعهده مشتری است .

ماده ۳۸۲ ـ هر گاه عرف عادت از بابت مخارج معامله یامحل تسلیم برخلاف ترتیبی باشد که ذکر شده و یا درعقد برخلاف آن شرط شده باشد باید برطبق متعارف یا مشروط در عقد رفتار شود و همچنین متبایعین میتوانند آن را بتراضی تغییردهند .

ماده ۳۸۳ ـ تسلیم باید شامل آن چیزی هم باشد که اجزاء و توابع مبیع شمرده میشود .

ماده ۳۸۴ ـ هر گاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر ازآنمقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یاقیمت موجود را باتأدیه حصه‌ای ازثمن بنسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع است .

ماده ۳۸۵ ـ اگر مبیع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضرر ممکن نمیشود وبشرط بودن مقدار معین فروخته شده ولی در حین تسلیم کمتر یا بیشتر در آید درصورت اولی مشتری ودر صورت دوم بایع حق فسخ خواهد داشت .

ماده ۱۰۰۳ ـ هیچکس نمیتواند بیش از یك اقامتگاه داشته باشد .

ماده ۱۰۰۴ ـ تغییر اقامتگاه بوسیله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل میآید مشروط براینکه مرکز مهم امور او نیز بهمان محل انتقال یافته باشد .

ماده ۱۰۰۵ ـ اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذلك زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنیکه با رضایت شوهر خود

ماده ۳۸۶ ـ اگردرمورد دوماده قبل معامله فسخ شود بایع باید علاوه بر ثمن مخارج معامله ومصارف متعارف راکه مشتری نموده است بدهد .

ماده ۳۸۷ ـ اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال ازطرف بایع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید بمشتری مسترد گردد مگراینکه بایع برای تسلیم بحاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در اینصورت تلف از مال مشتری خواهد بود .

ماده ۳۸۸ ـ اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود مشتری حق خواهد داشت که معامله را فسخ نماید .

ماده ۳۸۹ ـ اگر در مورد دو ماده فوق تلف شدن مبیع یا نقص آن ناشی از عمل مشتری باشد مشتری حقی بربایع ندارد و باید ثمن را تأدیه کند .

فقره سوم ـ در ضمان درك

ماده ۳۹۰ ـ اگر بعد ازقبض ثمن مبیع کلاً یا جزءاً مستحق للغیر درآید بایع ضامن است اگرچه تصریح به ضمان نشده باشد .

ماده ۳۹۱ ـ درصورت مستحق للغیر برآمدن کل یابعض از مبیع بایع باید ثمن مبیع را مسترددارد و در صورت جهل مشتری بوجود فساد بایع باید ازعهده غرامات وارده برمشتری نیز برآید .

ماده ۳۹۲ ـ درمورد ماده قبل بایع باید از عهده تمام ثمنی که اخذ نموده است نسبت بکل یا بعض برآید اگرچه بعد ازعقد بیع بعلتی ازعلل در مبیع کسر قیمتی حاصل شده باشد .

ماده ۳۹۳ ـ راجع بزیادتی که ازعمل مشتری در مبیع حاصل شده‌باشد مقررات ماده ۳۱۴ مجری خواهد بود .

فقره چهارم ـ درتأدیه ثمن

ماده ۳۹۴ ـ مشتری باید ثمن را در موعد و در محل و برطبق شرائطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید .

و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده میتواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد .

ماده ۱۰۰٦ ـ اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنهااست.

ماده ۱۰۰۷ ـ اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند .

ماده ۳۹۵ ـ اگر مشتری ثمن را در موعد مقرر تأدیه نکند بایع حق خواهد داشت که بر طبق مقررات راجعه بخیار تأخیر ثمن معامله را فسخ یا از حاکم اجبار مشتری را بتأدیه ثمن بخواهد .

مبحث پنجم
در خیارات و احکام راجعه بان
فقره اول ـ درخیارات

ماده ۳۹٦ ـ خیارات از قرار ذیلند:

۱ ـ خیار مجلس .
۲ ـ خیار حیوان .
۳ ـ خیار شرط .
٤ ـ خیار تأخیر ثمن .
۵ ـ خیار رؤیت و تخلف وصف .
٦ ـ خیار غبن .
۷ ـ خیارعیب .
۸ ـ خیار تدلیس .
۹ ـ خیار تبعض صفقه .
۱۰ ـ خیار تخلف شرط .

اول ـ در خیار مجلس

ماده ۳۹۷ ـ هر یك از متبایعین بعد از عقد فی المجلس و مادام که متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله را دارند .

دوم ـ در خیار حیوان

ماده ۳۹۸ ـ اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد .

سوم ـ درخیار شرط

ماده ۳۹۹ ـ در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هردو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد .

ماده ٤۰۰ ـ اگر ابتداء مدت خیار ذکر نشده باشد ابتداء آن از تاریخ عقد محسوب است والا تابع قرارداد متعاملین است .

ماده ۱۰۰۸ ـ اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنها است .

ماده ۱۰۰۹ ـ اگر اشخاص کبیر که معمولا نزد دیگری کار یا خدمت میکنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود .

ماده ۴۰۱ ـ اگر برای خیار شرط مدت نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است .

چهارم ـ در خیار تأخیر ثمن

ماده ۴۰۲ ـ هر گاه مبیع عین خارجی و یا در حکم آن بوده و برای تأدیه ثمن یاتسلیم مبیع بین متبایعین اجلی معین نشده باشد اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد و در این مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد بایع مختار درفسخ معامله میشود .

ماده ۴۰۳ ـ اگربایع بنحوی از انحاء مطالبه ثمن نماید و بقرائن معلوم گردد که مقصود التزام به بیع بوده است خیار او ساقط خواهد شد .

ماده ۴۰۴ ـ هر گاه بایع در ظرف سه روز از تاریخ بیع تمام مبیع را تسلیم مشتری کند یامشتری تمام ثمن را ببایع بدهد دیگر برای بایع اختیار فسخ نخواهد بود اگرچه ثانیاً بنحوی از انحاء مبیع به بایع و ثمن به مشتری برگشته باشد .

ماده ۴۰۵ ـ اگر مشتری ثمن را حاضر کرد که بدهد و بایع از اخذ آن امتناع نمود خیار فسخ نخواهد داشت .

ماده ۴۰۶ ـ خیار تأخیر مخصوص بایع است و برای مشتری از جهت تأخیر در تسلیم مبیع این اختیار نمیباشد .

ماده ۴۰۷ ـ تسلیم بعض ثمن یا دادن آن بکسی که حق قبض ندارد خیار بایع را ساقط نمیکند .

ماده ۴۰۸ ـ اگرمشتری برای ثمن ضامن بدهد یابایع ثمن را حواله دهد بعدازتحقیق حواله خیار تأخیر ساقط میشود .

ماده ۴۰۹ ـ هر گاه مبیع از چیزهائی باشد که درکمتر از سه روز فاسد ویا کم قیمت میشود ابتداء خیار از زمانی است که مبیع مشرف بفساد یا کسر قیمت میگردد .

پنجم ـ در خیار رؤیت و تخلف وصف

ماده ۴۱۰ ـ هر گاه کسی مالی را ندیده وآنرا فقط بوصف بخرد بعدازدیدن اگردارای اوصافیکه

ماده ۱۰۱۰ ـ اگر ضمن معامله یا قرار دادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر ازاقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده‌باشد نسبت بدعاوی راجعه بآن معامله همان‌محلی که انتخاب شده است‌اقامتگاه او محسوب خواهد شد وهمچنین است در صورتیکه برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.

ذکر شده است نباشد مختار میشود که بیع را فسخ کند یا بهمان نحو که هست قبول نماید.

ماده ۴۱۱ ـ اگر بایع مبیع را ندیده ولی مشتری آنرا دیده باشد و مبیع غیراوصافیکه ذکرشده است دارا باشد فقط بایع خیار فسخ خواهد داشت

ماده ۴۱۲ ـ هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده وبعض دیگر را بوصف یا از روی نمونه‌خریده باشد وآن بعض مطابق وصف یا نمونه نباشد میتواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آنرا قبول نماید.

ماده ۴۱۳ ـ هرگاه یکی از متبایعین مالی را سابقاً دیده وباعتماد رؤیت سابق معامله کند و بعد از رؤیت معلوم شود که مال مزبور اوصاف سابقه را ندارد اختیار فسخ خواهد داشت.

ماده ۴۱۴ ـ در بیع کلی خیار رؤیت نیست و بایع باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف مقرره بین طرفین باشد.

ماده ۴۱۵ ـ خیار رؤیت وتخلف وصف بعد از رؤیت فوری است.

ششم ـ درخیار غبن

ماده ۴۱۶ ـ هریك از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته‌باشد بعد از علم بغبن میتواند معامله را فسخ کند.

ماده ۴۱۷ ـ اگر غبن بمقدار خمس قیمت یا بیشتر باشد فاحش است ودر کمتر از مقدار مزبور در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد.

ماده ۴۱۸ ـ اگر مغبون در حین معامله عالم بقیمت عادله بوده است خیار فسخ نخواهد داشت.

ماده ۴۱۹ ـ در تعیین مقدار غبن شرایط معامله نیز باید منظور گردد.

ماده ۴۲۰ ـ خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است.

ماده ۴۲۱ ـ اگر کسی که طرف خود را مغبون کرده است تفاوت قیمت را بدهد خیار غبن ساقط نمیشود مگر اینکه مغبون به اخذ تفاوت قیمت راضی گردد.

کتاب پنجم - در غایب مفقود الاثر

ماده ۱۰۱۱ - غـایب مفقود الاثر کسی است کـه از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او بهیچوجه خبری نباشد.

ماده ۱۰۱۲ - اگر غـایب مفقود الاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور اورا داشته باشد محکمه برای

هفتم - در خیار عیب

ماده ۴۲۲ - اگر بعد از معامله ظاهر شود کـه مبیع معیوب بوده مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب یا اخذ ارش یافسخ معامله.

ماده ۴۲۳ - خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت میشود که عیب مخفی وموجود درحین عقد باشد.

ماده ۴۲۴ - عیب وقتی مخفی محسوب است که مشتری در زمان بیع عالم بآن نبوده است اعم از اینکه این عدم علم ناشی ازآن باشد که عیب واقعاًمستور بوده است یااینکه ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت آن نشده است.

ماده ۴۲۵ - عیبی که بعد از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود درحکم عیب سابق است.

ماده ۴۲۶ - تشخیص‌عیب برحسب عرف وعادت میشود وبنابراین ممکن است برحسب ازمنه‌وامکنه مختلف شود.

ماده ۴۲۷ - اگر درمورد ظهورعیب مشتری اختیار ارش کند تفاوتی که بایدباو داده شود بطریق ذیل معین میگردد:

قیمت حقیقی مبیع در حال بی‌عیبی و قیمت حقیقی آن درحال معیوبی بتوسط اهل خبره معین شود. اگر قیمت آن در حال بی عیبی مساوی با قیمتی باشد که در زمان بیع بین طرفین مقرر شده است تفاوت بین این قیمت وقیمت مبیع درحال معیوبی مقدار ارش خواهد بود.

واگر قیمت مبیع درحال بی‌عیبی کمتر یازیادتر از ثمن معامله باشد نسبت بین قیمت مبیع درحال‌معیوبی وقیمت آن درحال بی‌عیبی معین شده وبایع باید از ثمن مقرر بهمان نسبت نگاهداشته وبقیه رابعنوان ارش بمشتری رد کند.

ماده ۴۲۸ - درصورت اختلاف بین اهل خبره حد وسط قیمتها معتبر است.

ماده ۴۲۹ - در موارد ذیل مشتری نمیتواند بیع را فسخ کند و فقط میتواند ارش بگیرد:

اداره اموال او یکنفر امین معین میکنند تقاضای تعیین امین فقط ازطرف مدعی العموم و اشخاص ذی نفع در این امر قبول میشود .

ماده ۱۰۱۳ ـ محکمه میتواند از امینی که معین میکنند تقاضای ضامن یـ تضمینات دیگر نماید .

ماده ۱۰۱۴ ـ اگر یکی ازوراث غایب تضمینات کافیه بدهد محکمه نمیتواند

---

۱) درصورت تلف شدن مبیع نزد مشتری یا منتقل کردن آن بغیر .
۲) در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود اعم از اینکه تغییر بفعل مشتری باشد یا نه .
۳) در صورتیکه بعد از قبض مبیع عیب دیگری در آن حادث شود مگر اینکه در زمان خیار مختص بمشتری حادث شده باشد که دراینصورت مانع از فسخ و رد نیست .

ماده ۴۳۰ ـ اگر عیب حادث بعداز قبض درنتیجه عیب قدیم باشد مشتری حق رد رانیزخواهدداشت.

ماده ۴۳۱ ـ درصورتیکه دریك عقد چند چیز فروخته شود بدون اینکه قیمت هریك علیحده معین شده باشد وبعضی از آنها معیوب در آید مشتری باید تمام آنرا رد کند وثمن را مسترد دارد یاتمام را نگاهدارد وارش بگیرد وتبعیض نمیتواند بکند مگر برضای بایع .

ماده ۴۳۲ ـ درصورتیکه دریك عقد بایع یك نفر و مشتری متعدد باشد ودر مبیع عیبی ظاهر شود یکی از مشتریها نمیتواند سهم خود را بتنهائی رد کند و دیگری سهم خود را نگاه دارد مگر با رضای بایع و بنا براین اگر در رد مبیع اتفاق نکردند فقط هریك ازآنها حق ارش خواهد داشت .

ماده ۴۳۳ ـ اگر دریك عقدبایع متعدد باشد مشتری میتواند سهم یکی را رد ودیگری را بااخذ ارش قبول کند .

ماده ۴۳۴ ـ اگر ظاهر شودکه مبیع معیوب اصلاً مالیت وقیمت نداشته بیع باطل است واگر بعض مبیع قیمت نداشته باشد بیع نسبت بآن بعض باطل است و مشتری نسبت به باقی ازجهت تبعض صفقه اختیار فسخ دارد .

ماده ۴۳۵ ـ خیار عیب بعد از علم بآن فوری است .

ماده ۴۳۶ ـ اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد باینکه عهده عیوب را از خود سلب کرده یا باتمام عیوب بفروشد مشتری درصورت ظهور عیب حق رجوع بهبایع نخواهد داشت واگر بایع‌از عیب خاصی تبری کرده باشد فقط نسبت بهمان عیب حق مراجعه ندارد .

ماده ۴۳۷ ـ از حیث احکام عیب ثمن شخصی مثل مبیع شخصی است .

امین دیگری معین نماید و وارث مزبور باین سمت معین خواهد شد .

ماده ۱۰۱۵ ـ وظایف و مسئولیت های امینی که بموجب مواد قبل معین میگردد . همان است که برای قیم مقرر است .

ماده ۱۰۱۶ ـ هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالاثر مسلّم شود اموال او بین وراث موجود حین الموت تقسیم میگردد اگر چه یك یا چند نفر آنها

هشتم ـ درخیار تدلیس

ماده ۴۳۸ ـ تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود .

ماده ۴۳۹ ـ اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت وهمچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری .

ماده ۴۴۰ ـ خیار تدلیس بعد از علم بآن فوری است .

نهم ـ در خیار تبعض صفقه

ماده ۴۴۱ ـ خیار تبعض صفقه وقتی حاصل میشود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع بجهتی ازجهات باطل باشد در اینصورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا بنسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند ونسبت بقسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند .

ماده ۴۴۲ ـ درمورد تبعض‌صفقه قسمتی‌ازثمن که باید بمشتری بر گردد بطریق ذیل‌حساب‌میشود : آن‌قسمت از مبیع که‌بملکیت مشتری قرار گرفته منفرداً قیمت میشود وهر نسبتی که بین قیمت مزبور وقیمتی که مجموع مبیع درحال اجتماع دارد پیدا شود بهمان نسبت از ثمن‌را بایع نگاهداشته وبقیه‌را باید بمشتری رد نماید .

ماده ۴۴۳ ـ تبعض صفقه وقتی موجب خیار است که مشتری درحین معامله عالم بآن نباشد ولی‌درهر حال ثمن تقسیط میشود .

دهم ـ در خیار تخلف شرط

ماده ۴۴۴ ـ احکام خیار تخلف شرط بطوری است که درمواد ۲۳٤ الی ۲٤٥ ذکر شده است .

فقره دوم ـ در احکام خیارات بطور کلی

ماده ۴۴۵ ـ هریك از خیارات بعد از فوت منتقل بوراث میشود .

ماده ۴۴۶ ـ خیارشرط ممکن‌است بقید مباشرت واختصاص بشخص مشروطله قرار داده‌شود دراین صورت منتقل بوراث نخواهد شد .

از تاریخ فوت غایب ببعد فوت کرده باشد .

ماده ۱۰۱۷ ـ اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غائب بین وراثی که در تاریخ مزبور موجود بوده اند تقسیم میشود .

ماده ۱۰۱۸ ـ مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت میگردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود .

ماده ۴۴۷ ـ هرگاه شرط خیار برای شخصی غیراز متعاملین شده باشد منتقل بورثه نخواهد شد .

ماده ۴۴۸ ـ سقوط تمام یا بعضی از خیارات را میتوان در ضمن عقد شرط نمود .

ماده ۴۴۹ ـ فسخ بهر لفظ یا فعلی که دلالت برآن نماید حاصل میشود .

ماده ۴۵۰ ـ تصرفاتی که نوعاً کاشف از رضای معامله باشد امضای فعلی است مثل آنکه مشتری که خیار دارد با علم بخیار مبیع را بفروشد یا رهن بگذارد .

ماده ۴۵۱ ـ تصرفاتی که نوعاً کاشف از بهم زدن معامله باشد فسخ فعلی است .

ماده ۴۵۲ ـ اگر متعاملین هردو خیار داشته باشند ویکی از آنها امضاکند و دیگری فسخ نماید معامله منفسخ میشود .

ماده ۴۵۳ ـ در خیار مجلس و حیوان و شرط اگر مبیع بعد از تسلیم و در زمان خیار بایع یا متعاملین تلف یا ناقص شود برعهده مشتری است و اگرخیار مختص مشتری باشد تلف یا نقص بعهده بایع است .

ماده ۴۵۴ ـ هرگاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود اجاره باطل نمیشود مگر اینکه عدم تصرفات ناقله درعین و منفعت برمشتری صریحاً یاضمناً شرط شده که در این صورت اجاره باطل است .

ماده ۴۵۵ ـ اگر پس از عقد بیع مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را متعلق حق غیر قرار دهد مثل اینکه نزد کسی رهن گذارد فسخ معامله موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد مگر اینکه شرط خلاف شده باشد .

ماده ۴۵۶ ـ تمام انواع خیار در جمیع معاملات لازمه ممکن است موجود باشد مگر خیار مجلس و حیوان وتأخیر ثمن که مخصوص بیع است .

ماده ۴۵۷ ـ هر بیع لازم است مگر اینکه یکی از خیارات در آن ثابت شود .

ماده ۱۰۱۹ ـ حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمیماند.

ماده ۱۰۲۰ ـ موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمیشود:

فصل دوم ـ دربیع وشرط

ماده ۴۵۸ ـ در عقد بیع متعاملین میتوانند شرط نمایند که هرگاه بایع در مدت معینی تمام مثل ثمن را بمشتری رد کند خیار فسخ معامله را نسبت بتمام مبیع داشته باشد و همچنین میتوانند شرط کنند که هرگاه بعض مثل ثمن را رد کرد خیار فسخ معامله را نسبت بتمام یا بعض مبیع داشته باشد در هر حال حق خیار تابع قرار داد متعاملین خواهد بود وهرگاه نسبت بثمن قید تمام یا بعض نشده باشد خیار ثابت نخواهد بود مگر بارد تمام ثمن.

ماده ۴۵۹ ـ در بیع شرط بمجرد عقد مبیع ملك مشتری میشود باقید خیار برای بایع بنابراین اگر بایع بشرایطی که بین او و مشتری برای استرداد مبیع مقرر شده است عمل ننماید بیع قطعی شده ومشتری مالك قطعی مبیع میگردد واگر بالعکس بایع بشرایط مزبوره عمل ننماید ومبیع را استرداد کند از حین فسخ مبیع مال بایع خواهد شد ولی نماآت و منافع حاصله از حین عقد تاحین فسخ مال مشتری است.

ماده ۴۶۰ ـ دربیع شرط مشتری نمیتواند در مبیع تصرفی که منافی خیار باشد ازقبیل نقل وانتقال وغیره بنماید.

ماده ۴۶۱ ـ اگر مشتری در زمان خیار از اخذ ثمن امتناع کند بایع میتواند با تسلیم ثمن بحاکم یا قائم مقام او معامله را فسخ کند.

ماده ۴۶۲ ـ اگر مبیع بشرط بواسطه فوت مشتری بورثه اومنتقل شود حق فسخ بیع درمقابل ورثه بهمان ترتیبی که بوده است باقی خواهد بود.

ماده ۴۶۳ ـ اگر دربیع شرط معلوم شود که قصد بایع حقیقت بیع نبوده است احکام بیع درآن مجری نخواهد بود.

فصل سوم ـ در معاوضه

ماده ۴۶۴ ـ معاوضه عقدی است که بموجب آن یکی ازطرفین مالی میدهد بعوض مال دیگر که از

۱ ـ وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضاء مدت مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته باشد.

۲ ـ وقتی که یکنفر بعنوانی از عناوین جزء قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی بانعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنجسال از تاریخ ختم جنگ محسوب میشود.

طرف دیگر اخذ میکند بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد.

ماده ۴۶۵ ـ در معاوضه احکام خاصه بیع جاری نیست.

فصل چهارم ـ در اجاره

ماده ۴۶۶ ـ اجاره عقدی است که بموجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره میشود. اجاره دهنده را موجر و اجاره کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند.

ماده ۴۶۷ ـ مورد اجاره ممکن است اشیاء یا حیوان یا انسان باشد.

مبحث اول ـ در اجاره اشیاء

ماده ۴۶۸ ـ دراجاره اشیاء مدت اجاره باید معین شود والا اجاره باطل است.

ماده ۴۶۹ ـ مدت اجاره از روزی شروع میشود که بین طرفین مقرر شده است واگر درعقد اجاره ابتدای مدت ذکر نشده باشد از وقت عقد محسوب است.

ماده ۴۷۰ ـ در صحت اجاره قدرت بر تسلیم عین مستأجره شرط است.

ماده ۴۷۱ ـ برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستأجره بابقاء اصل آن ممکن باشد.

ماده ۴۷۲ ـ عین مستأجره باید معین باشد و اجاره عین مجهول یا مردد باطل است.

ماده ۴۷۳ ـ لازم نیست که موجرمالک عین مستأجره باشد ولی باید مالک منافع آن باشد.

ماده ۴۷۴ ـ مستأجر میتواند عین‌مستأجره را بدیگری اجاره بدهد مگراینکه درعقد اجاره خلاف آن شرط شده باشد.

ماده ۴۷۵ ـ اجاره مال مشاع جائز است لیکن تسلیم عین مستأجره موقوف است باذن شریک.

ماده ۴۷۶ ـ موجر باید عین مستأجره‌را تسلیم مستأجر کند و درصورت امتناع موجر اجبارمیشود و در صورت تعذر اجبار مستأجر خیار فسخ دارد.

ماده ۴۷۷ ـ موجر باید عین مستأجره‌را درحالتی تسلیم نمایدکه مستأجر بتواند استفاده مطلوبه از آنرا بکند.

۳ ـ وقتی که یکنفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.

ماده ۱۰۲۱ ـ در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضاء مدتهای ذیل که مبداء آن از روز حرکت کشتی محسوب میشود کشتی بمقصد نرسیده باشد و در صورت

ماده ۴۷۸ ـ هرگاه معلوم شود عین مستأجره در حال اجاره معیوب بوده مستأجر میتواند اجاره را فسخ کند یا بهمان نحوی که بوده است اجاره را باتمام اجرت قبول کند ولی اگر موجر رفع عیب کند بنحوی که بمستأجر ضرری نرسد مستأجر حق فسخ ندارد.

ماده ۴۷۹ ـ عیبی که موجب فسخ اجاره میشود عیبی است که موجب نقصان منفعت یا صعوبت در انتفاع باشد.

ماده ۴۸۰ ـ عیبی که بعد ازعقد وقبل ازقبض منفعت در عین مستأجره حادث شود موجب خیاراست و اگر عیب در اثناء مدت اجاره حادث شود نسبت ببقیه مدت خیار ثابت است.

ماده ۴۸۱ ـ هرگاه عین مستأجره بواسطه عیب از قابلیت انتفاع خارج شده و نتوان رفع عیب نمود اجاره باطل میشود.

ماده ۴۸۲ ـ اگر مورد اجاره عین کلی باشد و فردی که موجر داده معیوب در آید مستأجر حق فسخ ندارد و میتواند موجر را مجبوربتبدیل آن نماید و اگر تبدیل آن ممکن نباشد حق فسخ خواهد داشت.

ماده ۴۸۳ ـ اگردرمدت اجاره عین مستأجره بواسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود اززمان تلف نسبت بمقدار تلف شده منفسخ میشود و درصورت تلف بعض آن مستأجر حق دارد اجاره را نسبت ببقیه فسخ کند یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال‌الاجاره نماید.

ماده ۴۸۴ ـ موجر نمیتواند در مدت اجاره در عین مستأجره تغییری دهد که منافی مقصود مستأجر از استیجار باشد.

ماده ۴۸۵ ـ اگر در مدت اجاره درعین مستأجره تعمیراتی لازم آید که تأخیر در آن موجب ضرر موجر باشد مستأجر نمیتواند مانع تعمیرات مزبوره گردد اگرچه درمدت تمام یا قسمتی از زمان تعمیر نتواند از عین مستأجره کلاً یا بعضاً استفاده نماید دراینصورت حق فسخ اجاره را خواهد داشت.

ماده ۴۸۶ ـ تعمیرات و کلیه مخارجی که درعین مستأجره برای امکان انتفاع ازآن لازم است بعهده

حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده بر نگشته و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب میشود:

الف – برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس یکسال .

ب – برای مسافرت در بحر عمان – اقیانوس هند – بحر احمر – بحر سفید (مدیترانه) – بحر سیاه و بحر آزوف دوسال .

مالك است مگر آنکه شرط خلاف شده یاعرف بلد برخلاف آن جاری باشد وهمچنین است آلات وادواتی که برای امکان انتفاع از عین مستأجره لازم میباشد .

ماده ۴۸۷ – هرگاه مستأجر نسبت بعین مستأجره تعدی یا تفریط نماید و موجر قادر برمنع آن نباشد موجر حق فسخ دارد .

ماده ۴۸۸ – اگر شخص ثالثی بدون ادعاء حقی درعین مستأجره یا منافع آن مزاحم مستأجرگردد در صورتیکه قبل از قبض باشد مستأجر حق فسخ دارد واگرفسخ ننمود میتواند برای رفع مزاحمت و مطالبه اجرت المثل بخود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعدازقبض واقع شود حق فسخ ندارد و فقط میتواند بمزاحم رجوع کند .

ماده ۴۸۹ – اگر شخصی که مزاحمت مینماید مدعی حق نسبت بعین مستأجره یا منافع آن باشد مزاحم نمیتواند عین مزبور را از ید مستأجر انتزاع نماید مگر بعد از اثبات حق با طرفیت مالك و مستأجر هردو .

ماده ۴۹۰ – مستأجر باید : اولا – در استعمال عین مستأجره بنحو متعارف رفتار کرده و تعدی یا تفریط نکند .

ثانیاً – عین مستأجره برای همان مصرفی که دراجاره مقررشده ودرصورت عدم تعیین درمنافع مقصوده که از اوضاع و احوال استنباط میشود استعمال نماید .

ثالثاً – مال الاجاره را در مواعدی که بین طرفین مقرر است تأدیه کند و در صورت عدم تعیین موعد نقداً باید بپردازد .

ماده ۴۹۱ – اگر منفعتی که در اجاره تعیین شده‌است بخصوصیت آن منظور نبوده مستأجرمیتواند استفاده منفعتی کند که از حیث ضرر مساوی یا کمتر ازمنفعت معینه باشد .

ماده ۴۹۲ – اگر مستأجر عین مستأجره را در غیر موردی که دراجاره ذکرشده باشد یا ازاوضاع و احوال استنباط میشود استعمال کند و منع آن ممکن نباشد موجرحق فسخ اجاره را خواهد داشت.

ج - برای مسافرت در سایر بحار سه سال .

ماده ۱۰۲۲ - اگر کسی در نتیجـه واقعه ای بغیر آنچه در فقـره ۲ و ۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرك گشته و مفقود شده و یا در طیاره بوده وطیاره مفقود شده باشد وقتی میتوان حکم موت فرضی اورا صادر نمود که پنجسال از تاریخ دچار شدن بخطر مرك بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد .

ماده ۴۹۳ - مستأجر نسبت بعین مستأجره ضامن نیست باین معنی که اگرعین مستأجره بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود مسئول نخواهد بود ولی اگر مستأجر تفریط یاتعدی نماید ضامن است اگرچه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد .

ماده ۴۹۴ - عقد اجاره بمحض انقضاء مدت برطرف میشود و اگر پس از انقضاء آن مستأجر عین مستأجره را بدون اذن مالك مدتی درتصرف خود نگاه داردموجر برای مدت مزبورمستحق اجرت‌المثل خواهد بود اگرچه مستأجر استیفاء منفعت نکرده باشد و اگر با اجازه مالك در تصرف نگاه دارد وقتی باید اجرت المثل بدهد که استیفاء منفعت کرده باشد مگر اینکه مالك اجازه داده باشد که مجاناً استفاده نماید .

ماده ۴۹۵ - اگر برای تأدیه مال الاجاره ضامنی داده شده‌باشد ضامن مسئول اجرت‌المثل مذکور در ماده فوق نخواهد بود .

ماده ۴۹۶ - عقداجاره بواسطه تلف شدن عین مستأجره ازتاریخ تلف باطل میشود ونسبت بتخلف از شرایطی که بین موجر و مستأجر مقرر است خیار فسخ از تاریخ تخلف ثابت میگردد .

ماده ۴۹۷ - عقد اجاره بواسطه فوت موجر یا مستأجر باطل نمیشود ولیکن اگرموجر فقط برای مدت عمر خود مالك منافع عین‌مستأجره بوده است اجاره بفوت موجر باطل میشود اگرشرط مباشرت مستأجر شده باشد بفوت مستأجر باطل میگردد .

ماده ۴۹۸ - اگرعین مستأجره بدیگری منتقل شوداجاره بحال خودباقی‌است مگراینکه موجرحق فسخ در صورت نقل را برای خود شرط کرده باشد .

ماده ۴۹۹ - هرگاه متولی باملاحظه صرفه وقت مال‌موقوفه‌را اجاره‌دهد اجاره بفوت‌او باطل‌نمیگردد.

ماده ۵۰۰ - در بیع شرط مشتری میتواند مبیع را برای مدتی که بایع حق خیار ندارد اجاره دهد و اگر اجاره منافی باخیار بایع باشد بوسیله جعل خیار یا نحو آن حـق بایع را محفوظ دارد و الا اجاره تاحدی که منافی با حق بایع باشد باطل خواهد بود .

ماده ۱۰۲۳ - در مورد مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ محکمه وقتی میتواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در یکی از جراید محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار طهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام بفاصله یکماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است ازغایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند باطلاع محکمه برسانند. هر گاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات

ماده ۵۰۱ - اگر در عقد اجاره مدت بطور صریح ذکر نشده و مال الاجاره هم ازقرار روز یاماه یاسالی فلان مبلغ معین شده باشد اجاره برای یکروز یا یکماه یا یکسال صحیح خواهد بود و اگر مستأجر عین مستأجره را بیش از مدتهای مزبوره در تصرف خود نگاه دارد وموجر هم تخلیه ید او را نخواهد موجر بموجب مراضات حاصله برای بقیه مدت و بنسبت زمان تصرف مستحق اجرت مقرر بین طرفین خواهد بود.

ماده ۵۰۲ - اگرمستأجر در عین مستأجره بدون اذن موجر تعمیراتی نماید حق مطالبه قیمت آنرا نخواهد داشت.

ماده ۵۰۳ - هر گاه مستأجر بدون اجازه موجر در خانه یازمینی که اجاره کرده وضع بنا یاغرس اشجار کند هریك از موجر و مستأجر حق دارد هروقت بخواهد بنا را خراب یادرخت را قطع نماید در اینصورت اگر در عین مستأجره نقصی حاصل شود برعهده مستأجر است.

ماده ۵۰۴ - هر گاه مستأجر بموجب عقد اجاره مجاز در بنا یا غرس بوده موجر نمیتواند مستأجر را بخراب کردن یا کندن آن اجبار کند و بعد از انقضاء مدت اگر بنا یا درخت در تصرف مستأجر باقی بماند موجر حق مطالبه اجرت المثل زمین را خواهد داشت واگر درتصرف موجر باشد مستأجر حق مطالبه اجرت‌المثل بنا یا درخت را خواهد داشت.

ماده ۵۰۵ - اقساط مال‌الاجاره که بعلت نرسیدن موعد پرداخت آن برذمه مستأجرمستقر نشده‌است بموت او حاصل نمیشود.

ماده ۵۰۶ - در اجاره عقار آفت زراعت از هرقبیل که باشد بعهده مستأجر است مگر اینکه درعقد اجاره طور دیگر شرط شده باشد.

مبحث دوم - در اجاره حیوانات

ماده ۵۰۷ - در اجاره حیوان تعیین منفعت یا بتعیین مدت اجاره است یا به بیان مسافت و محلی که راکب یا محمول باید بآنجا حمل شود.

ماده ۵۰۸ - در موردی که منفعت به بیان مدت اجاره معلوم شود تعیین راکب یا محمول‌لازم نیست

غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده میشود .

ماده ۱۰۲۴ - اگر اشخاص متعدد دریك حادثه تلف شوند فرض براین میشود که همه آنها در آن واحد مرده اند .

مفاد این ماده مانع از اجراءِ مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷٤ جلد اول این قانون نخواهد بود .

ولی مستأجر نمیتواند زیاده برمقدار متعارف حمل کند و اگرمنفعت به بیان مسافت و محل معین شده باشد تعیین راکب یامحمول لازم است .

ماده ۵۰۹ - در اجاره حیوان ممکن است شرط شود که اگرموجر در وقت معین محمول را بمقصد نرساند مقدار معینی ازمال‌الاجاره کم شود .

ماده ۵۱۰ - دراجاره حیوان لازم نیست که عین مستأجره حیوان معینی باشد بلکه تعیین آن بنوع معینی کافی خواهد بود .

ماده ۵۱۱ - حیوانی که مورد اجاره است بایـد برای همان مقصودی استعمال شود که قصد طرفین بوده است بنابراین حیوانی که برای سواری اجاره شده است نمیتوان برای بارکشی استعمال نمود .

مبحث سوم - در اجاره اشخاص

ماده ۵۱۲ - در اجاره اشخاص کسی که اجاره میکند مستأجرو کسی که مورداجاره واقع میشود اجیر و مال الاجاره اجرت نامیده میشود .

ماده ۵۱۳ - اقسام عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است :

۱ - اجاره خدمه وکارگران از هرقبیل .

۲ - اجاره متصدیان حمل ونقل اشخاص یا مال التجاره اعم از راه خشکی یا آب یا هوا .

فقره اول - در اجاره خدمه و کارگر

ماده ۵۱٤ - خادم یاکارگر نمیتواند اجیر شود مگر برای مدت معینی یا برای انجام امر معینی .

ماده ۵۱۵ - اگر کسی بدون تعیین انتهاء مدت اجیر شود مدت اجاره محدود خواهد بود بمدتی که مزد از قرار آن معین شده است بنا بر این اگر مزد اجیر از قرار روز یا هفته یا ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد مدت اجاره محدود بیك روز یا یکهفته یا یکماه یـا یکسال خواهد بود و پس ازانقضاء مدت مزبوراجاره برطرف میشود ولی اگر پس‌ازانقضاء مدت اجیر بخدمت خـود دوام دهد وموجر اورا نگاه دارد اجیر نظر بمراضات حاصله بهمانطوریکه در زمان اجاره بین او و موجر مقرر بود مستحق اجرت خواهد شد .

ماده ۱۰۲۵ ـ وراث غایب مفقودالاثر میتوانند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را بتصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولا غائب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او

فقره دوم ـ دراجاره متصدی حمل ونقل

ماده ۵۱۶ ـ تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از اینکه از راه خشکی یا آب یا هوا باشد برای حفاظت و نگاهداری اشیائیکه بآنها سپرده میشود همان است که برای امانت داران مقرراست بنابر این درصورت تفریط یاتعدی مسئول تلف یاضایع شدن اشیائی خواهند بودکه برای حمل بآنهاداده میشود و این مسئولیت از تاریخ تحویل اشیاء به آنان خواهد بود .

ماده ۵۱۷ ـ مفاد ماده ۵۰۹ درمورد متصدیان حمل ونقل نیزمجری خواهد بود .

فصل پنجم ـ در مزارعه و مساقات

مبحث اول ـ در مزارعه

ماده ۵۱۸ ـ مزارعه عقدی است که بموجب آن احد طرفین زمینی را برای مدت معینی بطرف دیگرمیدهد که آنرا زراعت کرده و حاصل را تقسیم کنند .

ماده ۵۱۹ ـ درعقد مزارعه حصه هریك از مزارع و عامل باید بنحو اشاعه ازقبیل ربع یا ثلث یا نصف وغیره معین گردد و اگر بنحو دیگر باشد احکام مزارعه جاری نخواهد شد .

ماده ۵۲۰ ـ درمزارعه جائزاست شرط شودکه یکی از دوطرف علاوه برحصه ازحاصل مال‌دیگری نیزبطرف مقابل بدهد .

ماده ۵۲۱ ـ در عقد مزارعه ممکن است هر یك ازبذر و عوامل مال مزارع باشد یا عامل در این صورت نیزحصه مشاع هریك ازطرفین برطبق قرارداد یاعرف بلد خواهد بود .

ماده ۵۲۲ ـ درعقد مزارعه لازم نیست که متصرف زمین مالك آنهم باشد ولی لازم است که مالك منافع بوده باشد یا بعنوانی ازعناوین ازقبیل ولایت و غیره حق تصرف درآنرا داشته باشد .

ماده ۵۲۳ ـ زمینی که مورد مزارعه است بایدبرای زرع مقصود قابل باشد اگرچه محتاج به‌اصلاح یا تحصیل آب باشد و اگر زرع محتاج بعملیاتی باشد از قبیل حفر نهر یا چاه و غیره و در حین عقد جاهل بآن بوده باشد حق فسخ معامله را خواهد داشت .

ماده ۵۲۴ ـ نوع زرع باید درعقد مزارعه معین باشد مگراینکه برحسب عرف بلد معلوم ویا عقد

معلوم باشد . در مورد این ماده رعایت ماده **۱۰۲۳** راجع باعلان مدت یکسال حتمی است .

ماده ۱۰۲۶ ــ در مورد ماده قبل وراث باید ضامن و یا تضمیمات کافیه دیگر بدهند تا درصورت مراجعت غایب و یا درصورتیکه اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته باشند ازعهده اموال و یا حق اشخاص ثالث بر آیند تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غائب باقی خواهد بود .

برای مطلق زراعت بوده باشد درصورت اخیرعامل دراختیار نوع زراعت مختارخواهد بود .

ماده ۵۲۵ ـ عقد مزارعه عقدی است لازم .

ماده ۵۲۶ ـ هریك ازمالك عامل و مزارع میتواند درصورت غبن معامله رافسخ کند .

ماده ۵۲۷ ـ هر گاه زمین بواسطه فقدان آب یا علل دیگر از این قبیل از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد عقد مزارعه منفسخ میشود .

ماده ۵۲۸ ـ اگرشخص ثالثی قبل از اینکه زمین مورد مزارعه تسلیم عامل شود آنرا غصب کند عامل مختار برفسخ میشود ولی اگرغصب بعد ازتسلیم واقع شود حق فسخ ندارد .

ماده ۵۲۹ ـ عقد مزارعه بفوت متعاملین یا احد آنها باطل نمیشود مگراینکه مباشرت عامل شرط شده باشد دراینصورت بفوت اومنفسخ میشود .

ماده ۵۳۰ ـ هر گاه کسی بمدت عمر خود مالك منافع زمینی بوده و آنرا بمزارعه داده باشد عقد مزارعه بفوت او منفسخ میشود .

ماده ۵۳۱ ـ بعد ازظهور ثمره زرع عامل مالك حصه خود از آن میشود .

ماده ۵۳۲ ـ درعقد مزارعه اگرشرط شود که تمام ثمره مال مزارع یاعامل تنهاباشد عقد باطل‌است .

ماده ۵۳۳ ـ اگرعقد مزارعه بعلتی باطل شود تمام حاصل مال صاحب بذر است و طرف دیگر که مالك زمین یا آب یاصاحب عمل بوده است بنسبت آنچه که مالك بوده مستحق اجرت‌المثل خواهد بود . اگربذر مشترك بین مزارع و عامل باشد حاصل و اجرت‌المثل نیز بنسبت بذربین آنها تقسیم میشود .

ماده ۵۳۴ ـ هر گاه عامل دراثناء یا درابتداء عمل آنرا ترك کند و کسی نباشد که عمل را بجای او انجام دهد حاکم بتقاضای مزارع عامل را اجبار بانجام میکند ویا عمل رابخرج عامل ادامه میدهد و درصورت عدم امکان مزارع حق فسخ دارد .

ماده ۱۰۲۷ ــ بعد ازصدور حکم فوت فرضی نیز اگرغایب پیدا شودکسانیکه اموال او را بعنوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که از اعیان یاعوض ویا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود میباشد مسترد دارند .

ماده ۱۰۲۸ ــ امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالاثرمعین میشود باید نفقــه زوجه دائم یا منقطعه که مدت او نگذشته و نفقه او را زوج تعهد کرده

ماده ۵۳۵ - اگرعامل زراعت نکند و مدت منقضی شود مزارع مستحق اجرت‌المثل است .

ماده ۵۳۶ هرگاه عامل بطورمتعارف مواظبت در زراعت ننماید و از این حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگرمتوجه مزارع گردد عامل ضامن تفاوت خواهد بود .

ماده ۵۳۷ - هرگاه در عقد مزارعه زرع معینی قید شده باشد وعامل غیر آنرا زرع نماید مزارعه باطل و برطبق ماده ۵۳۳ رفتارمیشود .

ماده ۵۳۸ - هرگاه مزارعه دراثناء مدت قبل از ظهور ثمره فسخ شود حاصل مال مالك بذر است وطرف دیگرمستحق اجرت‌المثل خواهد بود .

ماده ۵۳۹ - هرگاه مزارعه بعد ازظهور ثمره فسخ شود هریك از مزارع و عامل بنسبتی که بین آنها مقرر بوده شریك درثمره هستند لیکن ازتاریخ فسخ تا برداشت حاصل هریك بأخذ اجرت‌المثل زمین وعمل وسایرمصالح الاملاك خود که بحصه مقرربطرف دیگرتعلق میگیرد مستحق خواهد بود .

ماده ۵۴۰ - هرگاه مدت مزارعه منقضی شود واتفاقاً زرع نرسیده باشد مزارع حق داردکه زراعت را ازاله کند یا آنرا بأخذ اجرالمثل ابقاء نماید .

ماده ۵۴۱ - عامل میتواند برای زراعت اجیر بگیرد یا با دیگری شریك شود ولی برای انتقال معامله یا تسلیم زمین بدیگری رضای مزارع لازم است .

ماده ۵۴۲ - خراج زمین بعهده مالك است مگراینکه خلاف آن شرط شده باشد سایرمخارج زمین برحسب تعیین طرفین یا متعارف است .

مبحث دوم - درمساقات

ماده ۵۴۳ - مساقات معامله ایست که بین صاحب درخت و امثال آن با عامل درمقابل حصه مشاع معین ازثمره واقع میشود و ثمره اعم است ازمیوه و برگ وگل وغیر آن .

باشد و اولاد غایب را ازدارائی غایب تأدیه نماید درصورت اختلاف درمیزان نفقه تعیین آن بعهده محکمه است.

ماده ۱۰۲۹ ـ هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او میتواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق میدهد.

ماده ۵۴۴ - درهرمورد که مساقات باطل باشد یافسخ شود تمام ثمره مال مالك است وعامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود.

ماده ۵۴۵ - مقررات راجعه بمزارعه که درمبحث قبل ذکرشده است درمورد عقد مساقات نیزمرعی خواهد بود مگر اینکه عامل نمیتواند بدون اجازه مالك معامله را بدیگری واگذار یا با دیگری شرکت نماید.

فصل ششم ـ درمضاربه

ماده ۵۴٦ - مضاربه عقدی است که بموجب آن احد متعاملین سرمایه میدهد با قیداینکه طرف دیگر باآن تجارت کرده و درسود آن شریك باشندصاحب سرمایه مالك وعامل مضارب نامیده میشود.

ماده ۵۴۷ - سرمایه باید وجه نقد باشد.

ماده ۵۴۸ - حصه هریك از مالك و مضارب در منافع باید جزء مشاع از کل ازقبیل ربع یا ثلث و غیره باشد.

ماده ۵۴۹ - حصه‌های مزبوره درماده فوق باید درعقدمضاربه معین شود مگراینکه درعرف منجزاً معلوم بوده و سکوت درعقد منصرف بآن گردد.

ماده ۵۵۰ - مضاربه عقدی است جائز.

ماده ۵۵۱ - عقدمضاربه بیکی ازعلل ذیل منفسخ میشود:

۱) درصورت موت یا جنون یاسفه احدطرفین.

۲) درصورت مفلس شدن مالك.

۳) درصورت تلف شدن تمام سرمایه و ربح.

٤) درصورت عدم امکان تجارتیکه منظور طرفین بوده.

ماده ۵۵۲ - هرگاه درمضاربه برای تجارت مدت معین شده باشد تعیین مدت موجب‌لزوم عقد نمیشود

ماده ۱۰۳۰ ــ اگر شخص غائب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عده مراجعت نماید نسبت بطلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضاءِ مدت مزبور حق رجوع ندارد.

کتاب ششم

در قرابت

ماده ۱۰۳۱ ــ قرابت بردوقسم است قرابت نسبی و قرابت سببی.

ماده ۱۰۳۲ ــ قرابت نسبی بترتیب طبقات ذیل است:

لیکن پس از انقضاء مدت مضارب نمیتواند معامله بکند مگر باجازه جدید مالك.

ماده ۵۵۳ - در صورتیکه مضاربه مطلق باشد یعنی تجارت خاصی شرط نشده باشد عامل میتواند هرقسم تجارتی را که صلاح بداند بنماید ولی درطرز تجارت باید متعارف را رعایت کند.

ماده ۵۵۴ - مضارب نمیتواند نسبت بهمان سرمایه با دیگری مضاربه کند یا آن را بغیر واگذار نماید مگر با اجازه مالك.

ماده ۵۵۵ - مضاربه باید اعمالی را که برای نوع تجارت متعارف و معمول بلد و زمان است بجا آورد ولی اگر اعمالی را که برطبق عرف بایستی باجیر رجوع کند خود شخصاً انجام دهد مستحق اجرت آن نخواهد بود.

ماده ۵۵٦ - مضارب در حکم امین است وضامن مال مضاربه نمیشود مگر در صورت تفریط یا تعدی.

ماده ۵۵۷ - اگر کسی مالی برای تجارت بدهد و قرار گذارد که تمام منافع مال مالك باشد در اینصورت معامله مضاربه محسوب نمیشود وعامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود مگراینکه معلوم شود که عامل عمل را تبرعاً انجام داده است.

ماده ۵۵۸ - اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالك نخواهد شد عقد باطل است مگر اینکه بطور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود بمقدار خسارت یا تلف مجاناً بمالك تملیك کند.

طبقه اول ــ پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد .

طبقه دوم ــ اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها .

طبقه سوم ــ اعمام و عمات و اخوال و خالات و اولاد آنها .

در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی بعده نسلها در آن طبقه معین میگردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولاد

ماده ۵۵۹ ـ درحساب جاری یاحساب بمدت ممکن است بارعایت شرط قسمت اخیر ماده قبل احکام مضاربه جاری وحق‌المضاربه بآن تعلق بگیرد .

ماده ۵۶۰ ـ بغیر از آنکه فوقاً مذکور شد مضاربه تابع شرایط و مقرراتی است که بموجب عقد بین طرفین مقرر است .

فصل هفتم ـ درجعاله

ماده ۵۶۱ ـ جعاله عبارت است ازالتزام شخصی باداء اجرت معلوم درمقابل عملی اعم ازاینکه طرف معین باشد یاغیر معین .

ماده ۵۶۲ ـ درجعاله ملتزم را جاعل و طرف راعامل و اجرت را جعل میگویند .

ماده ۵۶۳ ـ درجعاله معلوم بودن اجرت من‌جمیع‌الجهات لازم نیست بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هرکس گم شده او را پیدا کند حصه مشاع معینی از آن مال او خواهد بود جعاله صحیح است .

ماده ۵۶۴ ـ در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن تاً معلوم باشد .

ماده ۵۶۵ ـ جعاله تعهدی است جائز و مادامی که عمل باتمام نرسیده است هر یک از طرفین میتوانند رجوع کنند ولی اگر جاعل دراثناء عمل رجوع نماید باید اجرت‌المثل عمل عامل را بدهد.

ماده ۵۶۶ ـ هرگاه در جعاله عمل دارای اجزاء متعدد بوده و هریک از اجزاء مقصود بالاصاله جاعل بوده باشد وجعاله فسخ گردد عامل از اجرت المسمی بنسبت عملی که کرده است مستحق خواهد بود اعم ازاینکه فسخ ازطرف جاعل باشد یا ازطرف خود عامل .

ماده ۵۶۷ ـ عامل وقتی مستحق جعل میگردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد .

اولاد در درجه دوم خواهد بود و هکذا درطبقه دوم قرابت برادر و خواهر وجدو جده در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود و درطبقه سوم قرابت عمو و دائی و عمه وخاله در درجه اول ازطبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است .

ماده ۱۰۳۳ ــ هر کس درهرخط و بهر درجه که با یك نفرقرابت نسبی داشته

ماده ۵۶۸ ـ اگرعاملین متعدد بشرکت هم عمل را انجام دهند هریك بنسبت مقدارعمل خود مستحق جعل میگردد .

ماده ۵۶۹ ـ مالی که جعاله برای آن واقع شده است از وقتی که بدست عامل میرسد تابجاعل رد کند در دست او امانت است .

ماده ۵۷۰ ـ جعاله برعمل نامشروع ویا برعمل غیرعقلائی باطل است .

فصل هشتم ـ درشرکت

مبحث اول ـ دراحکام شرکت

ماده ۵۷۱ ـ شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد درشیئی واحد بنحواشاعه .

ماده ۵۷۲ ـ شرکت اختیاری است یاقهری .

ماده ۵۷۳ ـ شرکت اختیاری یا درنتیجه عقدی ازعقود حاصل میشود یادرنتیجه عمل شرکاء ازقبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازاء عمل چندنفر ونحو اینها .

ماده ۵۷۴ ـ شرکت قهری اجتماع حقوق مالکین است که در نتیجه امتزاج یا ارث حاصل میشود .

ماده ۵۷۵ ـ هریك ازشرکاء بنسبت سهم خود درنفع و ضرر سهیم میباشد مگر اینکه برای یکی یا چندنفر ازآنها درمقابل عملی سهم زیادتری منظورشده باشد .

ماده ۵۷۶ ـ طرز اداره کردن اموال مشترك تابع شرایط مقرره بین شرکاء خواهد برد .

ماده ۵۷۷ ـ شریکی که درضمن عقد باداره کردن اموال مشترك مأذون شده است میتواند هرعملی راکه لازمه اداره کردن است انجام دهد و بهیچوجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهد بود مگردرصورت تفریط یاتعدی .

باشد درهمان خط و بهمان درجه قرابت سببی بازوج یازوجه اوخواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن یك مرد اقربای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یك زن از اقربای سببی درجه دوم آن زن خواهند بود .

کتاب هفتم ـ در نکاح و طلاق

باب اول ـ در نکاح

فصل اول

در خواستگاری

ماده ۱۰۳۴ ـ هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستگاری نمود .

ماده ۵۷۸ ـ شرکاء همه وقت میتوانند از اذن خود رجوع کنند مگر اینکه اذن درضمن عقد لازم داده شده باشد که دراینصورت مادام که شرکت باقی است حق رجوع ندارند .

ماده ۵۷۹ ـ اگر اداره کردن شرکت بعهده شرکاء متعدد باشد بنحوی که هر یک بطور استقلال مأذون دراقدام باشد هر یك از آنها میتواند منفرداً با عمالی که برای اداره کردن لازم است اقدام کند .

ماده ۵۸۰ ـ اگر بین شرکاء مقرر شده باشد که یکی از مدیران نمیتواند بدون دیگری اقدام کند مدیری که بتنهائی اقدام کرده باشد درصورت عدم امضاء شرکاء دیگر در مقابل شرکاء ضامن خواهد بود اگرچه برای مأذونین دیگرامکان فعلی برای مداخله در امر اداره کردن موجود نبوده باشد .

ماده ۵۸۱ ـ تصرفات هریك از شرکاء درصورتیکه بدون اذن یاخارج از حدود اذن باشد فضولی بوده و تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود .

ماده ۵۸۲ ـ شریکی که بدون اذن یا در خارج از حدود اذن تصرف در اموال شرکت نماید ضامن است .

ماده ۱۰۳۴ ـ وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمیکند اگرچه تمام یاقسمتی ازمهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنا براین هر یك از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده میتواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمیتواند بهیچوجه او را مجبور بازدواج کرده ویا ازجهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید .

ماده ۵۸۳ - هریك ازشرکاء میتواند بدون رضایت شرکاء دیگرسهم خود را جزءاً یا کلاً بشخص ثالثی منتقل کند .

ماده ۵۸۴ - شریکی که مال‌الشر که درید اوست در حکم امین است و ضامن تلف و نقص آن نمیشود مگر درصورت تفریط یا تعدی .

ماده ۵۸۵ - شریك غیر مأذون درمقابل اشخاصی که با آنها معامله کرده مسئول بوده و طلبکاران فقط حق رجوع باو دارند .

ماده ۵۸۶ - اگر برای شرکت درضمن عقدلازمی مدت معین نشده باشد هریك ازشرکاء هروقت بخواهد میتواند رجوع کند .

ماده ۵۸۷ - شرکت بیکی ازطرق ذیل مرتفع میشود :

۱) درصورت تقسیم .

۲) درصورت تلف شدن تمام مال شرکت .

ماده ۵۸۸ - درموارد ذیل شرکاء مأذون درتصرف اموال مشترکه نمیباشند :

۱) درصورت انقضاء مدت مأذونیت یا رجوع از آن درصورت امکان رجوع .

۲) درصورت فوت یا محجور شدن یکی ازشرکاء .

مبحث دوم - درتقسیم اموال شرکت

ماده ۵۸۹ - هرشریك المال میتواند هروقت بخواهد تقاضای تقسیم مال مشترك را بنماید مگر در مواردی که تقسیم بموجب این قانون ممنوع یاشرکاء بوجه ملزمی ملتزم برعدم تقسیم شده باشند .

ماده ۵۹۰ - درصورتیکه شرکاء بیش از دونفر باشند ممکن است تقسیم فقط به نسبت سهم یك یا چند نفراز آنهابعمل آید و سهام دیگران باشاعه باقی بماند .

ماده ۵۹۱ - هرگاه تمام شرکاء بتقسیم مال مشترك راضی باشند تقسیم بنحوی که شرکاء تراضی نمایند بعمل میآید و در صورت عدم توافق بین شرکاء حاکم اجبار به تقسیم میکند مشروط براینکه

ماده ۱۰۳۶ ـ اگر یکی از نامزد ها وصلت منظور را بدون علت موجهی بهم بزند درحالی که طرف مقابل یا ابوین او یا اشخاص دیگرباعتماد وقوع ازدواج مغرور شده ومخارجی کرده باشند طرفی که وصلت را بهم زده است باید ازعهده خسارات وارده برآید ولی خسارات مزبور فقط مربوط بمخارج متعارفه خواهد بود .

ماده ۱۰۳۷ ـ هر یك از نامزدها میتواند در صورت بهم خوردن وصلت منظور

تقسیم مشتمل برضررنباشد که دراینصورت اجبار جائز نیست وتقسیم باید بتراضی باشد .

ماده ۵۹۲ - هرگاه تقسیم برای بعضی ازشرکاء مضر و برای بعض دیگر بیضرر باشد درصورتیکه تقاضا از طرف متضرر باشد طرف دیگر اجبار میشود و اگر برعکس تقاضا از طرف غیر متضرر بشود شریك متضرر اجبار برتقسیم نمیشود .

ماده ۵۹۳ - ضرری که مانع از تقسیم میشود عبارت است ازنقصان فاحش قیمت بمقداری که عادة قابل مسامحه نباشد .

ماده ۵۹۴ - هرگاه قنات مشترك یا امثال آن خرابی پیدا کرده و محتاج به تنقیه یاتعمیرشود ویك یا چند نفر از شرکاء برضرر شریك یا شرکاء دیگر ازشرکت درتنقیه یاتعمیر امتناع نمایند شریك یا شرکاء متضرر میتوانند بحاکم رجوع نمایند در اینصورت اگر ملك قابل تقسیم نباشد حاکم میتواند برای قلع ماده نزاع و دفع ضرر شریك ممتنع را باقتضای موقع بشرکت درتنقیه یا تعمیر یا اجاره یابیع سهم خود اجبار کند .

ماده ۵۹۵ - هرگاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترك یا حصه یك یاچند نفر ازشرکاء از مالیت باشد تقسیم ممنوع است اگرچه شرکاء تراضی نمایند .

ماده ۵۹۶ - درصورتیکه اموال مشترك متعدد باشد قسمت اجباری دربعضی از آنها ملازم با تقسیم باقی اموال نیست .

ماده ۵۹۷ - تقسیم ملك از وقف جایزاست ولی تقسیم مال موقوفه بین موقوف علیهم جایزنیست .

ماده ۵۹۸ - ترتیب تقسیم آنست که اگر مال مشترك مثلی باشد بهنسبت سهام شرکاء افراز میشود و اگرقیمتی باشد برحسب قیمت تعدیل میشود وبعد ازافراز یاتعدیل درصورت عدم تراضی بین شرکاء حصص آنها بقرعه معین میگردد .

هدایائی را که بطرف دیگر یا ابوین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند.

اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته میشود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.

ماده ۱۰۳۸ ـ مفاد ماده قبل از حیث رجوع بقیمت درموردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزد ها بهم بخورد مجری نخواهد بود.

ماده ۵۹۹ - تقسیم بعد از آنکه صحیحاً واقع شد لازم است و هیچیک از شرکاء نمیتواند بدون رضای دیگران از آن رجوع کند.

ماده ۶۰۰ - هرگاه درحصه یك یاچند نفر ازشرکاء عیبی ظاهرشود که درحین تقسیم عالم بآن نبوده شریك یاشرکاء مزبورحق دارند تقسیم رابهم بزنند.

ماده ۶۰۱ - هرگاه بعد ازتقسیم معلوم شود که قسمت بغلط واقع شده است تقسیم باطل میشود.

ماده ۶۰۲ - هرگاه بعدازتقسیم معلوم شود که مقدار معینی ازاموال تقسیم شده مال غیر بوده است درصورتیکه مال غیر درتمام حصص مفروزاً بتساوی باشد تقسیم صحیح والا باطل است.

ماده ۶۰۳ - ممر ومجرای هرقسمتی که ازمتعلقات آنست بعد ازتقسیم مخصوص همان قسمت میشود.

ماده ۶۰۴ - کسی که درملك دیگری حق ارتفاق دارد نمیتواند مانع ازتقسیم آن ملك بشود ولی بعد ازتقسیم حق مزبوربحال خودباقی میماند.

ماده ۶۰۵ - هرگاه حصه بعضی ازشرکاء مجرای آب یا محل عبور حصه شریك دیگر باشد بعد از تقسیم حق مجری یا عبور ساقط نمیشود مگراینکه سقوط آن شرط شده باشد و همچنین است سایر حقوق ارتفاقی.

ماده ۶۰۶ - هرگاه ترکه میت قبل از اداء دیون تقسیم شود ویا بعد ازتقسیم معلوم شود که برمیت دینی بوده است طلبکار باید بهریك از وراث بنسبت سهم او رجوع کند واگریك یاچند نفر از وراث معسرشده باشد طلبکارمیتواند برای سهم معسر یامعسرین نیز بوارث دیگر رجوع نماید.

فصل نهم ـ در ودیعه

مبحث اول ـ درکلیات

ماده ۶۰۷ - ودیعه عقدی است که بموجب آن یك نفرمال خود را بدیگری میسپارد برای آنکه آنرا مجاناً نگاهدارد. ودیعه گذار مودع و ودیعه گیررا مستودع یا امین میگویند.

ماده ۱۰۳۹ ـ مدت مرور زمان دعاوی ناشی از بهم خوردن وصلت منظور دو سال است و ازتاریخ بهمخوردن آن محسوب میشود .

ماده ۱۰۴۰ ـ هریك ازطرفین میتواند برای انجام وصلت منظور ازطرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طبیب بصحت از امراض مسریه مهم ازقبیل سفلیس و سوزاك و سل ارائه دهد .

ماده ٦۰۸ - در و دیعه قبول امین لازم است اگرچه بفعل باشد .

ماده ٦۰۹ - کسی میتواند مالی را بودیعه گذارد که مالك یا قائم مقام مالك باشد ویا ازطرف مالك صراحةً یا ضمناً مجاز باشد .

ماده ٦۱۰ - در ودیعه طرفین باید اهلیت برای معامله داشته باشند و اگر کسی مالی را از کسی دیگر که برای معامله اهمیت ندارد بعنوان ودیعه قبول کند باید آنرا بهولی او ردنماید واگر دریدِ او ناقص یاتلف شود ضامن است .

ماده ٦۱۱ - ودیعه عقدی است جائز .

مبحث دوم ـ درتعهدات امین

ماده ٦۱۲ - امین باید مال ودیعه را بطوری که مالك مقرر نموده حفظ کند واگر ترتیبی تعیین نشده باشد آنرا بطوری که نسبت بآن مال متعارف است حفظ کند والا ضامن است .

ماده ٦۱۳ - هرگاه مالك برای حفاظت مال ودیعه ترتیبی مقرر نموده باشد و امین از برای حفظ مال تغییرآن ترتیب را لازم بداند میتواند تغییر دهد مگراینکه مالك صریحاً نهی از تغییر کرده باشد که دراین صورت ضامن است .

ماده ٦۱۴ - امین ضامن تلف یانقصان مالی که باو سپرده شده است نمیباشد مگر درصورت تعدی یا تفریط .

ماده ٦۱۵ - امین درمقام حفظ مسئول وقایعی نمیباشد که دفع آن از اقتدار اوخارج است .

ماده ٦۱٦ - هرگاه رد مال ودیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند ازتاریخ امتناع احکام امین باو مترتب نشده وضامن تلف وهرنقص یاعیبی است که درمال ودیعه حادث شود اگرچه آن عیب یانقص مستند بفعل او نباشد .

ماده ٦۱۷ - امین نمیتواند غیرازجهت حفاظت تصرفی در ودیعه کند یابنحوی از انحاء ازآن منتفع

فصل دوم – قابلیت صحی برای ازدواج

ماده ۱۰۴۱ ـ نکاح اناث قبل از رسیدن بسن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن بسن ۱۸ سال تمام ممنوع است . معذلك درمواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناءِ معافیت از شرط سن اعطاء شود ولی در هرحال این معافیت نمیتواند به اناثی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و بذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند .

گردد مگر با اجازه صریح یاضمنی امانت گذار والا ضامن است .

ماده ۶۱۸ ـ اگرمال ودیعه درجعبه سربسته یا پاکت مختوم به امین سپرده شده باشد حق ندارد آنرا باز کند والاضامن است .

ماده ۶۱۹ ـ امین باید عین مالی را که دریافت کرده است رد نماید .

ماده ۶۲۰ ـ امین باید مال ودیعه رابهمان حالی که موقع پس دادن موجود است مسترد دارد ونسبت به نواقصی که درآن حاصل شده و مربوط بعمل امین نباشد ضامن نیست .

ماده ۶۲۱ ـ اگرمال ودیعه قهراً از امین گرفته شود ومشارالیه قیمت یا چیزدیگری بجای آن اخذ کرده باشد باید آنچه راکه در عوض گرفته است بامانت گذار بدهد ولی امانت‌گذار مجبور بقبول آن نبوده وحق دارد مستقیماً به قاهر رجوع کند .

ماده ۶۲۲ ـ اگر وارث امین مال ودیعه را تلف کند باید از عهده مثل یاقیمت آن برآید اگرچه عالم بودیعه بودن مال نبوده باشد .

ماده ۶۲۳ ـ منافع حاصله از ودیعه مال مالك است .

ماده ۶۲۴ ـ امین باید مال ودیعه را فقط بکسی که آنرا از او دریافت کرده است یا قائم مقام قانونی او یا بکسی که مأذون در اخذ میباشد مسترد دارد و اگر بواسطه ضرورتی بخواهد آنرا رد کند وبکسی که حق اخذ دارد دسترس نداشته باشد باید بحاکم رد نماید .

ماده ۶۲۵ ـ هرگاه مستحق للغیربودن مال ودیعه محقق گردد باید امین آنرا بمالك حقیقی رد کند و اگرمالك معلوم نباشد تابع احکام اموال مجهول المالك است .

ماده ۶۲۶ ـ اگر کسی مال خود را بودیعه گذارد ودیعه بفوت امانت گذار باطل وامین ودیعه را نمیتواند رد کند مگر بوراث او .

ماده ۱۰۴۲ ـ بعد از رسیدن بسن ۱۵ سال تمام نیز اناث نمیتوانند مادام که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند بدون اجازه ولی خودشوهر کنند .

ماده ۱۰۴۳ ـ نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد متوقف باجازه پدر یا جدپدری او است هر گاه پدر یا جد پدری بدون علت موجـه از دادن اجازه مضایقه کند دختر میتواند با معرفی کامل مردی که

ماده ٦٢٧ - درصورت تعدد وراث و عدم توافق بین آنها مال ودیعه باید بحاکم رد شود .

ماده ٦٢٨ - اگردراحوال شخص امانت گذار تغییری حاصل گردد مثلا اگر امانت گذار محجور شود عقد ودیعه منفسخ و ودیعه را نمیتوان مسترد نمود مگر بکسی که حق اداره کردن اموال محجور را دارد .

ماده ٦٢٩ - اگر مال محجوری بودیعه گذارده شده باشد آن مال باید پس از رفع حجر بمالك مسترد شود .

ماده ٦٣٠ - اگرکسی مالی رابسمت قیمومت یا ولایت ودیعه گذارد آن مال باید پس از رفع سمت مزبور بمالك آن ردشود مگراینکه ازمالك رفع حجرنشده باشدکه دراین صورت به قیم یا ولی بعدی مسترد میگردد .

ماده ٦٣١ - هرگاه کسی مال غیر را بعنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت بآن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است بنا براین مستأجر نسبت بعین مستأجره قیم یا ولی نسبت بمال صغیر یامولی علیه و امثال آنها ضامن نمیباشد مگر درصورت تفریط یاتعدی و درصورت استحقاق مالك باسترداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد متصرف مسئول تلف وهرنقص یاعیبی خواهد بود اگرچه مستند بفعل اونباشد .

ماده ٦٣٢ - کاروانسرا دار و صاحب مهمانخانه و حمامی و امثال آنها نسبت باشیاء و اسباب یا البسه واردین وقتی مسئول میباشندکه اشیاء و اسباب یا البسه نزد آنها ایداع شده باشد و یا اینکه برطبق عرف بلد درحکم ایداع باشد.

مبحث سوم ـ درتعهدات امانت گذار

ماده ٦٣٣ - امانت گذار باید مخارجی راکه امانتدار برای حفظ مال ودیعه کرده است باو بدهد .

ماده ٦٣٤ - هرگاه ردمال مستلزم مخارجی باشد برعهده امانت گذار است .

میخواهد باو شوهر کند و شرایط نکاح و مهریه که بین آنها قرارداد شده بدفتر ازدواج مراجعه و بتوسط دفتر مزبور مراتب را بپدر یا جد پدری اطلاع میدهد و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع دفتر مزبور میتواند نکاح را واقع سازد ممکن است اطلاع مزبور بوسائل دیگری غیر از دفتر ازدواج بپدر و یا جد داده شود ولی باید اطلاع مزبور مسلّم شود .

فصل دهم ـ درعاریه

ماده ۶۳۵ ـ عاریه عقدی است که بموجب آن احد طرفین بطرف دیگر اجازه میدهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود .

عاریه دهنده را معیر وعاریه گیرنده را مستعیر گویند .

ماده ۶۳۶ ـ عاریه دهند علاوه براهلیت باید مالک منفعت مالی باشد که عاریه میدهد اگر چه مالک عین نباشد .

ماده ۶۳۷ ـ هرچیزیکه بتوان باتبقاء اصلش از آن منتفع شد میتواند موضوع عقد عاریه گردد .

منفعتی که مقصود از عاریه است منفعتی است که مشروع وعقلائی باشد .

ماده ۶۳۸ ـ عاریه عقدی است جائز و بموت هریک ازطرفین منفسخ میشود .

ماده ۶۳۹ ـ هرگاه مال عاریه دارای عیوبی باشدکه برای مستعیر تولید خسارتی کند معیر مسئول خسارت وارده نخواهد بود مگراینکه عرفاً مسبب محسوب شود .

همین حکم درمورد مودع و موجر و امثال آنها نیزجاری میشود .

ماده ۶۴۰ ـ مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمیباشد مگردرصورت تفریط یاتعدی .

ماده ۶۴۱ ـ مستعیر مسئول منقصت ناشی از استعمال مال عاریه نیست مگر اینکه در غیر مورد اذن استعمال نموده باشد و اگرعاریه مطلق بوده برخلاف متعارف استفاده کرده باشد .

ماده ۶۴۲ ـ اگر برمستعیر شرط ضمان شده باشد مسئول هرکس و نقصانی خواهد بود اگر چه مربوط بعمل او نباشد .

ماده ۶۴۳ ـ اگر بر مستعیر شرط ضمان منقصت ناشی از صرف استعمال نیز شده باشد ضامن این منقصت خواهد بود .

ماده ۱۰۴۴ ـ در مورد ماده قبل اجازه را باید شخص پدر یا جدپدری بدهد و اگرپدر یا جد پدری دختربعلتی تحت قیمومت باشد اجازه قیم اولازم نخواهد بود .

فصل سوم - درموانع نکاح

ماده ۱۰۴۵ ـ نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد :

۱ ـ نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هرقدر که بالا برود .

ماده ۶۴۴ - در عاریه طلا و نقره اعم از مسکوك و غیر مسکوك مستعیر ضامن است هرچند شرط ضمان نشده و تفریط یا تعدی هم نکرده باشد .

ماده ۶۴۵ - در رد عاریه باید مفاد مواد ٦٢٤ و ٦٢٦ تا ٦٣٠ رعایت شود .

ماده ۶۴۶ - مخارج لازمه برای انتفاع از مال عاریه بر عهده مستعیر است و مخارج نگاهداری آن تابع عرف و عادت است مگراینکه شرط خاصی شده باشد .

ماده ۶۴۷ - مستعیرنمیتواند مال عاریه را بهیچ نحوی بتصرف غیردهد مگرباذن معیر .

فصل یازدهم ـ درقرض

ماده ۶۴۸ - قرض عقدی است که بموجب آن احد طرفین مقدارمعینی ازمال خود را بطرف دیگر تملیك میکند که طرف مزبور مثل آنرا ازحیث مقدار وجنس و وصف رد نماید و درصورت تعذر رد مثل قیمت یوم الرد را بدهد .

ماده ۶۴۹ - اگر مالی که موضوع قرض است بعد ازتسلیم تلف یاناقص شود ازمال مقترض است .

ماده ۶۵۰ - مقترض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگر چه قیمة ترقی یا تنزل کرده باشد .

ماده ۶۵۱ - اگربرای اداء قرض بوجه ملزمی اجلی معین شده باشد مقترض نمیتواند قبل از انقضاء مدت طلب خود را مطالبه کند .

ماده ۶۵۲ - درموقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع واحوال برای مقترض مهلت یا اقساطی قرارمیدهد

ماده ۶۵۳ - مقترض میتواند بوجه ملزمی به مقرض وکالت دهد در مدتی که قرض برذمه او باقی است مقدار معینی از دارائی مدیون را درهرماه یا درهرسال مجاناً بخود منتقل نماید .

۲ ــ نکاح با اولاد هرقدر که پائین برود .

۳ ــ نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هرقدر که پائین برود .

٤ ــ نکاح با عمات و خالات خود وعمات وخالات پدر ومادر واجداد وجدّات .

ماده ۱۰۴٦ ــ قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط براینکه :

فصل دوازدهم ـ در قمار و گرو بندی

ماده ٦۵۴ ـ قمار و گروبندی باطل ودعاوی راجعه بآن مسموع نخواهد بود . همین حکم درمورد کلیه تعهداتی که ازمعاملات نا مشروع تولید شده باشد جاریست.

ماده ٦۵۵ ـ در دوانیدن حیوانات سواری وهمچنین در تیر اندازی وشمشیر بازی گروبندی جائز ومفاد ماده قبل در موردآنها رعایت نمیشود.

فصل سیزدهم ـ در وکالت

مبحث اول ـ در کلیات

ماده ٦۵٦ ـ وکالت عقدی است که بموجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود مینماید .

ماده ٦۵۷ ـ تحقق وکالت منوط بقبول وکیل است .

ماده ٦۵۸ ـ وکالت ایجاباً وقبولا بهر لفظ یا فعلیکه دلالت برآن کند واقع میشود .

ماده ٦۵۹ ـ وکالت ممکن‌است مجانی باشد یا با اجرت .

ماده ٦٦۰ ـ وکالت ممکن است بطور مطلق وبرای تمام امور موکل باشد یامقید و برای امر یا امورخاصی.

ماده ٦٦۱ ـ در صورتیکه وکالت مطلق باشد فقط مربوط باداره کردن اموال موکل خواهد بود.

ماده ٦٦۲ـ وکالت باید درامری داده شودکه خود موکل بتواندآنرا بجاآورد وکیل‌هم باید کسی باشد که برای انجام‌آن امر اهلیت داشته باشد .

ماده ٦٦۳ ـ وکیل نمیتواند عملی را که ازحدود وکالت او خارج است انجام دهد .

ماده ٦٦۴ ـ وکیل در محاکمه وکیل در قبض حق نیست مگر اینکه قرائن دلالت بر آن نماید وهمچنین وکیل در اخذ حق وکیل درمرافعه نخواهد بود .

اولا ــ شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد .

ثانیاً ــ شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد .

ثالثاً ــ طفل لااقل یك شبانه روز و یا پانزده دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد .

رابعاً ــ شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد .

ماده ٦٦٥ ـ وکالت در بیع وکالت در قبض ثمن نیست مگر اینکه قرینه قطعی دلالت بر آن کند.

مبحث دوم ـ در تعهدات وکیل

ماده ٦٦٦ ـ هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی بموکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب میگردد مسئول خواهد بود .

ماده ٦٦٧ ـ وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه کهموکل بالصراحة باواختیار داده یا برحسب قرائن وعرف وعادت داخل اختیاراواست تجاوزنکند.

ماده ٦٦٨ ـ وکیل باید حساب مدت وکالت خودرا بموکل بدهد وآنچه راکه بجای اودریافت کرده است باو رد کند .

ماده ٦٦٩ ـ هرگاه برای انجام امر دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچیك از آنها نمیتواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگراینکه هر یك مستقلا وکالت داشته باشد در اینصورت هر کدام میتواند بتنهائی آن امر را بجا آورد .

ماده ٦٧٠ ـ در صورتیکه دو نفر بنحو اجتماع وکیل باشند بموت یکی از آنها وکالت دیگری باطل میشود .

ماده ٦٧١ ـ وکالت در هر امر مستلزم وکالت در لوازم ومقدمات آن نیزهست مگر اینکه تصریح بعدم وکالت باشد

ماده ٦٧٢ ـ وکیل در امری نمیتواند برای آن امر بدیگری وکالت دهد مگر اینکه صریحاً یا بدلالت قرائن وکیل درتوکیل باشد .

ماده ٦٧٣ ـ اگر وکیل که وکالت درتوکیل نداشته انجام امری راکه درآن وکالت دارد بشخص ثالثی واگذار کند هریك از وکیل وشخص ثالث درمقابل موکل نسبت بخساراتی که مسبب محسوب میشود مسئول خواهد بود.

خامساً ـ مقدار شیری که طفل خورده است از یك زن و از یك شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری ازشیریك زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمیشود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد. وهمچنین اگر یك زن یك دختر و یك پسر رضاعی داشته باشد که هریك را از شیر متعلق بشوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر و یا آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها ازاین حیث ممنوع نمیباشد.

مبحث سوم ـ در تعهدات موکل

ماده ۶۷۴ ـ موکل باید تمام تعهداتی راکه وکیل در حدود وکالت خود کرده است انجام دهد. درمورد آنچه که درخارج ازحدود وکالت انجام داده شده‌است موکل هیچگونه تعهد نخواهدداشت مگراینکه اعمال فضولی وکیل را صراحةً یا ضمناً اجازه کند.

ماده ۶۷۵ ـ موکل باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام وکالت خود نموده است و همچنین اجرت وکیل را بدهد مگراینکه درعقد وکالت طور دیگر مقرر شده باشد.

ماده ۶۷۶ ـ حق‌الوکاله وکیل تابع قرار داد بین طرفین خواهد بود و اگر نسبت بحق‌الوکاله یا مقدار آن قرار داد نباشد تابع عرف و عادت است اگر عادت مسلمی نباشد وکیل مستحق اجرت المثل است.

ماده ۶۷۷ ـ اگر در وکالت مجانی یا با اجرت بودن آن تصریح نشده باشد محمول بر این است‌که با اجرت باشد.

مبحث چهارم ـ در طرق مختلفه انقضاء وکالت

ماده ۶۷۸ ـ وکالت بطریق ذیل مرتفع میشود:

۱ ـ بعزل موکل.

۲ ـ باستعفای وکیل.

۳ ـ بموت یابجنون وکیل یا موکل.

ماده ۶۷۹ ـ موکل میتواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه وکالت وکیل باعدم عزل درضمن عقد لازمی‌شرط شده باشد.

ماده ۶۸۰ ـ تمام اموریکه وکیل قبل از رسیدن خبر عزل باو در حدود وکالت خود بنماید نسبت

ماده ۱۰۴۷ ـ نکاح بین اشخاص ذیل بواسطه مصاهره ممنوع دائمی است :

۱ ـ بین مرد ومادر وجدّات زن او ازهردرجه که باشد اعم از نسبی ورضاعی.

۲ ـ بین مرد وزنی که سابقاً زن پدر ویا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد .

۳ ـ بین مرد با اناث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر

بمو کل نافذ است .

ماده ۶۸۱ ـ بعدازاینکه وکیل استعفاداد مادامیکه معلوم است موکل باذن خود باقی‌است میتواند در آنچه وکالت داشته اقدام کند .

ماده ۶۸۲ ـ محجوریت موکل موجب بطلان وکالت میشود مگر دراموریکه حجر مانع ازتوکیل درآنها نمیباشد و همچنین است محجوریت وکیل مگر در اموریکه حجر مانع ازاقدام درآن نباشد.

ماده ۶۸۳ ـ هرگاه متعلق وکالت از بین برود یاموکل عملی را که مورد وکالت است خود انجام دهد یابطورکلی عملی که منافی با وکالت وکیل باشد بجا آورده مثل اینکه مالی را که‌برای فروش آن وکالت داده بود خود بفروشد وکالت منفسخ میشود.

فصل چهاردهم ـ درضمان عقدی

مبحث اول ـ در کلیات

ماده ۶۸۴ ـ عقد ضمان عبارت است ازاینکه شخصی‌مالی راکه برذمه دیگری است بعهده بگیرد . متعهد را ضامن طرف دیگر را مضمون له وشخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی میگویند .

ماده ۶۸۵ ـ در ضمان رضای مدیون اصلی شرط نیست .

ماده ۶۸۶ـ ضامن باید برای معامله اهلیت داشته باشد .

ماده ۶۸۷ ـ ضامن شدن ازمحجور و میت صحیح است .

ماده ۶۸۸ـ ممکن است ازضامن ضمانت کرد .

ماده۶۸۹ـ هرگاه چندنفرضامن شخصی‌شوند ضمانت هرکدام‌که مضمون‌له قبول‌کند صحیح است .

ماده ۶۹۰ـ درضمان شرط نیست‌که ضامن مالدار باشد لیکن‌اگرمضمون له دروقت ضمان بعدم تمکن ضامن‌جاهل بوده باشد میتواند عقد ضمان را فسخ کند ولی‌اگرضامن بعد ازعقد غیرملی‌شود مضمون له خیاری نخواهد داشت .

اینکه بین زن و شوهر زناشوئی واقع شده باشد .

ماده ۱۰۴۸ ــ جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه بعقد منقطع باشد .

ماده ۱۰۴۹ ــ هیچکس نمیتواند دختر برادر زن ویا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود .

ماده ۱۰۵۰ ــ هر کس زن شوهر دار را با علم بوجود علقه زوجیت و حرمت

ماده ۶۹۱ ـ ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است .

ماده ۶۹۲ ـ در دین حال ممکن است ضامن برای تأدیه آن اجلی معین کند وهمچنین میتواند در دین مؤجل تعهد پرداخت فوری آنرا بنماید .

ماده ۶۹۳ـ مضمون له میتواند درعقد ضمان ازضامن مطالبه رهن کند اگرچه دین اصلی رهنی نباشد.

ماده ۶۹۴ ـ علم ضامن بمقدار واوصاف وشرایط دینی که ضمانت آن را مینماید شرط نیست بنا براین اگر کسی ضامن دین شخص بشود بدون اینکه بداند آن دین چه مقدار است ضمان صحیح است لیکن ضمانت یکی ازچند دین بنحو تردید باطل است .

ماده ۶۹۵ ـ معرفت تفصیلی ضامن بشخص مضمون له یامضمون عنه لازم نیست.

ماده ۶۹۶ـ هردینی را ممکن است ضمانت نمود اگر چه شرط فسخی درآن موجود باشد .

ماده ۶۹۷ ـ ضمان عهده از مشتری یا بایع نسبت بدرك مبیع یا ثمن درصورت مستحق للغیر در آمدن آن جایز است .

مبحث دوم
در اثر ضمان بین ضامن و مضمون له

ماده ۶۹۸ـ بعد ازاینکه ضمان بطورصحیح واقع شد ذمه مضمون عنه بری وذمه ضامن بمضمون له مشغول میشود .

ماده ۶۹۹ ـ تعلیق در ضمان مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون نداد من ضامنم باطل است ولی التزام بتأدیه ممکن است معلق باشد .

ماده ۷۰۰ ـ تعلیق ضمامن بشرایط صحت آن مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مضمون عنه مدیون باشد من ضامنم موجب بطلان آن نمیشود .

ماده ۷۰۱ ـ ضمان عقدی است لازم وضامن یا مضمون له نمیتوانند آن را فسخ کنند مگر

نکاح ویا زنی را که درعده طلاق یا درعده وفات است با علم بعده وحرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد میشود .

ماده ۱۰۵۱ ـ حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل بتمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمیشود .

درصورت اعسار ضامن بطوریکه درماده ۶۹۰ مقرر است یا در صورت بودن حق فسخ نسبت بدین مضمون له ویا درصورت تخلف ازمقررات عقد .

ماده ۷۰۲ ـ هرگاه ضمان مدت داشته باشد مضمون له نمیتواند قبل از انقضاء مدت مطالبه طلب خود را ازضامن کند اگرچه دین حال باشد .

ماده ۷۰۳ ـ درضمان حال مضمون له حق مطالبه طلب خود را دارد اگرچه دین مؤجل باشد .

ماده ۷۰۴ ـ ضمان مطلق محمول بحال است مگر آنکه بقرائن معلوم شود که مؤجل بوده است .

ماده ۷۰۵ ـ ضمان مؤجل بفوت ضامن حال میشود .

ماده ۷۰۶ ـ هرگاه دین مدت داشته ولی ضمان حال باشد بعد از ضمان مضمون له حق مطالبه ازضامن دارد .

ماده ۷۰۷ ـ اگر مضمون له ذمه مضمون عنه را بری کند ضامن بری نمیشود مگر اینکه مقصود ابراء ازاصل دین باشد .

ماده ۷۰۸ ـ کسیکه ضامن درك مبیع است در صورت فسخ بیع بسبب اقاله یا خیار از ضمان بری میشود .

مبحث سوم
در اثر ضمان بین ضامن ومضمون عنه

ماده ۷۰۹ ـ ضامن حق رجوع بمضمون عنه ندارد مگر بعد از اداء دین ولی میتواند درصورتیکه مضمون عنه ملتزم شده باشد که درمدت معینی برائت اورا تحصیل نماید ومدت مزبورهم منقضی شده باشد رجوع کند .

ماده ۷۱۰ ـ اگر ضامن با رضایت مضمون له حواله کند بکسی که دین را بدهد و آنشخص

ماده ۱۰۵۲ ـ تفریقی که بالعان حاصل میشود موجب حرمت ابدی است .

ماده ۱۰۵۳ ـ عقد در حال احرام باطل است و با علم بحرمت موجب حرمت ابدی است .

ماده ۱۰۵۴ ـ زنای با زن شوهر دار یا زنی کـه در عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است .

قبول نماید مثل آنست که دین را ادا کرده است وحق رجوع بمضمون عنه دارد وهمچنین است حواله مضمون له بعهده ضامن .

ماده ۷۱۱ ـ اگر ضامن دین را تأدیه کند و مضمون عنه آن را ثانیاً بپردازد ضامن حـق رجوع بمضمون له نخواهد داشت و باید بمضمون عنه مراجعه کند و مضمون عنه میتواند ازمضمون له آنچه را که گرفته است مسترد دارد .

ماده ۷۱۲ ـ هرگاه مضمون له فوت شود وضامن وارث اوباشد حق رجوع بمضمون عنه دارد.

ماده ۷۱۳ ـ اگرضامن بمضمون له کمتر ازدین داده باشد زیاده برآنچه داده نمی تواند ازمدیون مطالبه کند اگرچه دین راصلح بکمتر کرده باشد .

ماده ۷۱۴ ـ اگر ضامن زیاد تر از دین بداین بدهد حق رجوع بزیاده ندارد مگر در صورتیکه باذن مضمون عنه داده باشد .

ماده ۷۱۵ ـ هرگاه دین مدت داشته وضامن قبل ازموعدآنرا بدهد مادام که دین حال نشده است نمیتواند از مدیون مطالبه کند .

ماده ۷۱۶ ـ در صورتیکه دین حال باشد هر وقت ضامن ادا کند میتواند رجوع بمضمون عنه نماید هرچند ضمان مدت داشته وموعد آن نرسیده باشد مگر آنکه مضمون عنه اذن بضمان مؤجـل داده بـاشد .

ماده ۷۱۷ ـ هرگاه مضمون عنه دین را ادا کند ضامن بری میشود هرچند ضامن بمضمون عنه اذن در ادا نداده باشد .

ماده ۷۱۸ ـ هرگاه مضمون لـه ضامن را از دین ابراء کند ضامن و مضمون عنه هر دو بری میشوند .

ماده ۷۱۹ ـ هرگاه مضمون له ضامن را ابراء یا دیگری مجاناًدین را بدهد ضامن حق رجوع بمضمون عنه ندارد .

ماده ۱۰۵۵ ـ نزدیکی بشبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست .

ماده ۱۰۵٦ ـ اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمیتواند مادر یا خواهر یا دختر اورا تزویج کند .

ماده ۱۰۵۷ ـ زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یکنفر بوده و مطلقه شده بر

ماده ۷۲۰ ـ ضامنی که بقصد تبرع ضمانت کرده باشد حق رجوع بمضمون عنه ندارد .

مبحث چهارم
دراثر ضمان بین ضامنین

ماده ۷۲۱ ـ هرگاه اشخاص متعدد از یك شخص وبرای یك قرض بنحوتسهیم ضمانت کرده باشند مضمون له بهریك ازآنها فقط بقدرسهم اوحق رجوع دارد واگر یکی از ضامنین تمام قرض‌را تأدیه نماید بهریك از ضامنین دیگر که اذن تأدیه داده باشد میتواند بقدرسهم اورجوع کند .

ماده ۷۲۲ ـ ضامن ضامن حق رجوع بمدیون اصلی ندارد و باید بمضمون عنه خود رجوع کند و بهمین طریق هرضامنی بمضمون عنه خود رجوع میکند تا بمدیون اصلی برسد .

ماده ۷۲۳ ـ ممکن است کسی درضمن عقد لازمی بتأدیه دین دیگری ملتزم شود در این صورت تعلیق بالتزام مبطل نیست مثل اینکه کسی التزام خود را بتأدیه دین مدیون معلق بعدم تأدیه او نماید .

فصل پانزدهم ـ در حواله

ماده ۷۲٤ ـ حواله عقدی است که بموجب آن طلب شخصی از ذمه مدیون بذمه شخص ثالثی منتقل میگردد .

مدیون را محیل ، طلبکاررا محتال ، شخص ثالث را محال علیه میگویند .

ماده ۷۲۵ ـ حواله محقق نمیشود مگر بارضای محتال وقبول محال علیه .

ماده ۷۲٦ ـ اگر در مورد حواله محیل مدیون محتال نباشد احکام حواله در آن جاری نخواهد بود .

ماده ۷۲۷ ـ برای صحت حواله لازم‌نیست که محال علیه مدیون بمحیل باشد دراینصورت محال علیه پس ازقبولی درحکم ضامن است .

آن مرد حرام میشود مگر اینکه بعقد دائم بزوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او بواسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد .

ماده ۱۰۵۸ ـ زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تای آن عددی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد میشود .

ماده ۱۰۵۹ ـ نکاح مسلمه باغیر مسلم جایز نیست .

ماده ۱۰۶۰ ـ ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع

ماده ۷۲۸ ـ درصحت حوله ملائت محال علیه شرط نیست .

ماده ۷۲۹ ـ هر گاه دروقت حواله محال علیه معتبر بوده ومحتال جاهل باعسار اوباشد محتال میتواند حواله رافسخ وبمحیل رجوع کند .

ماده ۷۳۰ـ پس ازتحقیق حواله ذمه‌محیل ازدینی که حواله داده‌بری‌وذمه محال علیه مشغول میشود.

ماده ۷۳۱ـ درصورتیکه محال‌علیه مدیون محیل‌نبوده بعد ازاداء وجه حواله میتواند بهمان مقداری که پرداخته است رجوع بمحیل نماید .

ماده ۷۳۲ ـ حواله عقدی است لازم وهیچیك ازمحیل ومحتال ومحال علیه نمیتواند آنرافسخ کند مگر درمورد ماده ۷۲۹ ویا درصورتیکه خیارفسخ شرط شده باشد .

ماده ۷۳۳ ـ اگر دربیع بایع حواله داده باشد که مشتری ثمن را بشخصی بدهد یامشتری حواله داده باشد که بایع ثمن را از کسی بگیرد وبعد بطلان بیع معلوم گردد حواله باطل میشود واگر محتال ثمن را اخذ کرده باشد باید مسترد دارد ولی‌اگر بیع بواسطه فسخ یا اقاله منفسخ شود حواله باطل نبوده لیکن محال علیه بری وبایع یامشتری میتواند بیکدیگر رجوع کند .

مفاد این ماده در مورد سایر تعهدات نیز جاری خواهد بود .

فصل شانزدهم ـ در کفالت

ماده ۷۳۴ ـ کفالت عقدی است که بموجب آن احد طرفین درمقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد میکند .

متعهد را کفیل ، شخص ثالث را مکفول و طرف دیگر را مکفول له میگویند .

ماده ۷۳۵ ـ کفالت برضای کفیل و مکفول له واقع میشود .

قانونی ندارد موکول باجازه مخصوص از طرف دولت است .

ماده ۱۰۶۱ ـ دولت میتواند ازدواج بعضی از مستخدمین ومأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول باجازه مخصوص نماید .

فصل چهارم ـ شرایط صحت نکاح

☆ **ماده ۱۰۶۲** ـ نکاح واقع میشود بایجاب و قبول بالفاظیکه صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید .

ماده ۷۳۶ ـ در صحت کفالت علم کفیل بثبوت حقی بر عهده مکفول شرط نیست بلکه دعوی حق از طرف مکفول له کافی است اگر چه مکفول منکر آن باشد .

ماده ۷۳۷ ـ کفالت ممکن است مطلق باشد یاموقت ودرصورت موقت بودن باید مدت آن معلوم باشد .

ماده ۷۳۸ ـ ممکن است شخص دیگری کفیل کفیل شود .

ماده ۷۳۹ ـ در کفالت مطلق مکفول له هر وقت بخواهد میتواند احضار مکفول را تقاضا کند ولی در کفالت موقت قبل از رسیدن موعد حق مطالبه ندارد .

ماده ۷۴۰ ـ کفیل باید مکفول را در زمان و مکانی که تعهد کرده است حاضر نماید والا باید از عهده حقی که بر عهده مکفول ثابت میشود برآید .

ماده ۷۴۱ ـ اگر کفیل ملتزم شده باشد که مالی درصورت عدم احضار مکفول بدهد باید بنحویکه ملتزم شده است عمل کند .

ماده ۷۴۲ ـ اگر در کفالت محل تسلیم معین نشده باشدکفیل باید مکفول‌را درمحل عقد تسلیم کند مگر اینکه عقد منصرف بمحل دیگر باشد .

ماده ۷۴۳ ـ اگر مکفول غایب باشد بکفیل مهلتی که برای حاضرکردن مکفول کافی باشد داده میشود .

ماده ۷۴۴ ـ اگر کفیل مکفول را در غیر زمان و مکان مقرر یا برخلاف شرایطی که کرده‌اند تسلیم کند قبول آن بر مکفول له لازم نیست لیکن اگر قبول کرد کفیل بری میشود و همچنین اگر مکفول له برخلاف مقرر بین طرفین تقاضای تسلیم نماید کفیل ملزم بقبول نیست .

ماده ۷۴۵ ـ هر کس شخصی را از تحت اقتدار ذیحق یا قائم مقام او بدون رضای او خارج کند در حکم کفیل است وباید آن شخص‌را حاضر کند والا باید از عهده حقی که بر او ثابت شود برآید .

☆ مواد ۱۰۶۲-۱۱۱۹ در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ تصویب شده است .

ماده ۱۰۶۳ ـ ایجاب وقبول ممکنست از طرف خود مرد وزن صادر شود و یا از طرف اشخاصیکه قانوناً حق عقد دارند .

ماده ۱۰۶۴ ـ عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد .

ماده ۱۰۶۵ ـ توالی عرفی ایجاب وقبول شرط صحت عقد است .

ماده ۱۰۶۶ ـ هر گاه یکی ازمتعاقدین یاهردولال باشند عقد باشاره ازطرف

ماده ۷۴۶ ـ در موارد ذیل کفیل بری میشود .

۱) درصورت حاضر کردن مکفول بنحویکه متعهد شده است .

۲) در صورتیکه مکفول در موقع مقرر شخصاً حاضر شود .

۳) درصورتیکه ذمه مکفول بنحوی از انحاء از حقی که مکفول له براو دارد بری شود .

٤) درصورتیکه مکفول له کفیل را بری نماید .

٥) درصورتیکه حق مکفول له بنحوی از انحاء بدیگری منتقل شود .

٦) درصورت فوت مکفول .

ماده ۷۴۷ ـ هر گاه کفیل مکفول را مطابق شرایط مقرره حاضر کند ومکفول له ازتسلیم او امتناع نماید کفیل باشهاد یامراجعه بحاکم بری میشود .

ماده ۷۴۸ ـ فوت مکفول له موجب برائت کفیل نمیشود .

ماده ۷۴۹ ـ هر گاه یکنفر در مقابل چند نفر ازشخصی کفالت نماید بتسلیم او بیکی ازآنها درمقابل‌دیگران بری نمیشود .

ماده ۷۵۰ ـ در صورتیکه شخصی کفیل کفیل باشد و دیگری کفیل او وهکذا هرکفیل باید مکفول‌خودرا حاضر کند وهر کدام ازآنها که مکفول اصلی را حاضر کرد او وسایرین بری میشوند وهر کدام که بیکی از جهات مزبوره درماده ۷٤٦ بری شد کفیل های مابعد او هم بری میشوند .

ماده ۷۵۱ ـ هر گاه کفالت باذن مکفول بوده وکفیل با عدم تمکن از احضارحقی‌را که بعهده او است ادا نماید ویا باذن او ادای‌حق کند میتواند بمکفول‌رجوع کرده‌آنچه را که داده اخذ کند واگر هیچیك باذن مکفول نباشد حق رجوع نخواهد داشت .

فصل هفدهم ـ درصلح

ماده ۷۵۲ ـ صلح ممکن است یا درمورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی

لال نیز واقع میشود مشروط براینکه بطور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد .

ماده ۱۰۶۷ ـ تعیین زن وشوهر بنحوی که برای هیچیك از طرفین درشخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است .

ماده ۱۰۶۸ ـ تعلیق در عقد موجب بطلان است .

ماده ۱۰۶۹ ـ شرط خیار فسخ نسبت بعقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم

در مورد معامله و غیر آن واقع شود .

ماده ۷۵۳ ـ برای صحت صلح طرفین باید اهلیت معامله وتصرف در مورد صلح داشته باشند .

ماده ۷۵۴ ـ هرصلح نافذ است جز صلح بر امری که غیر مشروع باشد .

ماده ۷۵۵ ـ صلح با انکاردعوی نیز جائزاست بنابراین درخواست صلح اقرار محسوب نمیشود .

ماده ۷۵۶ ـ حقوق خصوصی که از جرم تولید میشود ممکن است مورد صلح واقع شود .

ماده ۷۵۷ ـ صلح بلاعوض نیز جائز است .

ماده ۷۵۸ ـ صلح درمقام معاملات هرچند نتیجه معامله را که بجای آن واقع شده است میدهد لیکن شرایط واحکام خاصه آن معامله را ندارد بنابراین اگرمورد صلح عین باشد درمقابل عوض نتیجه آن همان نتیجه بیع خواهد بود بدون اینکه شرایط واحکام خاصه بیع در آن مجری شود .

ماده ۷۵۹ ـ حق شفعه در صلح نیست هرچند درمقام بیع باشد .

ماده ۷۶۰ ـ صلح عقد لازمست اگر چه در مقام عقود جائزه واقع شده باشد وبر هم نمیخورد مگر در موارد فسخ بخیار یا اقاله .

ماده ۷۶۱ ـ صلحی که در مورد تنازع یا مبنی برتسامح باشد قاطع بین طرفین است و هیچیك نمی‌تواند آنرا فسخ کند اگرچه با ادعاء غبن باشد مگر درصورت تخلف شرط یا اشتراط خیار .

ماده ۷۶۲ ـ اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده‌باشد صلح باطل است .

ماده ۷۶۳ ـ صلح باکراه نافذ نیست .

ماده ۷۶۴ ـ تدلیس درصلح موجب خیارفسخ است .

ماده ۷۶۵ ـ صلح دعوی مبتنی بر معامله باطله باطل است ولی صلح دعوی ناشی از بطلان معامله صحیح است .

ماده ۷۶۶ ـ اگر طرفین بطور کلی تمام دعاوی واقعیه و فرضیه خود را بصلح خاتمه داده باشند

شرط خیار نسبت بصداق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آنست که اصلا مهر ذکر نشده باشد .

ماده ۱۰۷۰ ـ رضای زوجین شرط نفوذ عقد است وهر گاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کنند نافذ است مگر اینکه اکراه بدرجه بوده که عاقد فاقد قصد باشد .

کلیه دعاوی داخل درصلح محسوب است اگرچه منشاء دعوی در حین صلح معلوم نباشد مگر اینکه صلح بحسب قرائن شامل آن نگردد .

ماده ۷۶۷ ـ اگر بعد ازصلح معلوم گردد که موضوع صلح منتفی بوده است صلح باطل است .

ماده ۷۶۸ ـ درعقد صلح ممکن است احد طرفین درعوض مال الصلحی که میگیرد متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه تامدت معین تأدیه کند این تعهد ممکن است بنفع طرفین مصالحه یا بنفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود .

ماده ۷۶۹ ـ درتعهد مذکوره درماده قبل بنفع هر کس که واقع شده باشد ممکن است شرط نمود که بعدازفوت منتفع نفقه بوراث اوداده شود .

ماده ۷۷۰ ـ صلحی که برطبق دوماده فوق واقع میشود بورشکستگی یا افلاس متعهد نفقه فسخ نمیشود مگراینکه شرط شده باشد .

فصل هیجدهم ـ در رهن

ماده ۷۷۱ ـ رهن عقدی است که بموجب آن مدیون مالی رابرای وثیقه بداین میدهد .
رهن دهنده را راهن وطرف دیگر را مرتهن میگویند .

ماده ۷۷۲ ـ مال مرهون باید بقبض مرتهن یابتصرف کسیکه بین‌طرفین معین میگردد داده شود ولی استمرارقبض شرط صحت معامله نیست .

ماده ۷۷۳ ـ هرمالی که قابل نقل وانتقال قانونی نیست نمیتواند مورد رهن واقع شود .

ماده ۷۷۴ ـ مال مرهون باید عین معین باشد ورهن دین ومنفعت باطل است .

ماده ۷۷۵ ـ برای هرمالی که درذمه باشد ممکن است رهن داده شود ولوعقدی که موجب اشتغال ذمه است قابل فسخ باشد .

ماده ۷۷۶ ـ ممکن است یکنفرمالی را درمقابل دویا چند دین که بدو یاچند نفر دارد رهن بدهد

فصل پنجم - وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۱ ـ هریك ازمرد وزن میتواند برای عقد نکاح وکالت بغیر دهد.

ماده ۱۰۷۲ ـ در صورتیکه وکالت بطور اطلاق داده شود وکیل نمیتواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً باو داده شده باشد .

ماده ۱۰۷۳ ـ اگر وکیل ازآنچه‌که موکل راجع بشخص یا مهریاخصوصیات

در اینصورت مرتهنین باید بتراضی معین کنند که رهن درتصرف چه کسی باشد وهمچنین ممکن است دونفریك مال رابیکنفر درمقابل طلبی که ازآنها دارد رهن بدهند .

ماده ۷۷۷ - درضمن عقد رهن یا بموجب عقد علیحده ممکن است راهن مرتهن را وکیل کند که اگر در موعد مقرر راهن قرض خود را اداء ننموده مرتهن ازعین مرهونه یاقیمت آن طلب خودرا استیفاء کند ونیزممکن است قراردهد وکالت مزبور بعداز فوت مرتهن باورثه او باشد وبالاخره ممکن است که وکالت بشخص ثالث داده شود .

ماده ۷۷۸ - اگرشرط شده باشدکه مرتهن حق فروش عین مرهونه راندارد باطل است .

ماده ۷۷۹ - هرگاه مرتهن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشته باشد و راهن هم برای فروش آن واداء دین حاضرنگردد مرتهن بحاکم رجوع مینماید تااجبار ببیع یا اداء دین بنحو دیگر بکند .

ماده ۷۸۰ - برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن مرتهن برهر طلبکار دیگری رجحان خواهد داشت .

ماده ۷۸۱ - اگرمال مرهون بقیمتی بیش ازطلب مرتهن‌فروخته شود مازاد مال مالك آن است و اگر برعکس حاصل فروش کمتر باشد مرتهن باید برای نقیصه براهن رجوع کند .

ماده ۷۸۲ - درموردقسمت اخیر ماده قبل‌اگرراهن مفلس شده‌باشد مرتهن باغرماء شریك میشود .

ماده ۷۸۳ - اگر راهن مقداری ازدین‌را ادا کند حق ندارد مقداری از رهن را مطالبه نماید ومرتهن میتواند تمام آن را تا تأدیه کامل دین‌نگاهدارد مگر اینکه بین راهن ومرتهن‌ترتیب‌دیگری مقرر شده باشد .

ماده ۷۸۴ - تبدیل رهن بمال دیگر بتراضی طرفین جائز است .

دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود .

ماده ۱۰۷۴ ـ حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد .

فصل ششم ـ در نکاح منقطع

ماده ۱۰۷۵ ـ نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.

ماده ۱۰۷۶ ـ مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود .

ماده ۷۸۵ ـ هرچیزی که درعقد بیع بدون قید صریح بعنوان متعلقات جزء مبیع محسوب میشود در رهن نیز داخل خواهد بود .

ماده ۷۸۶ ـ ثمره رهن و زیادتی که ممکن است در آن حاصل شود درصورتیکه متصل باشد جزء رهن خواهد بود ودرصورتیکه منفصل باشد متعلق براهن است مگراینکه ضمن عقد بین طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

ماده ۷۸۷ ـ عقد رهن نسبت بمرتهن جایز ونسبت براهن لازم است وبنابراین مرتهن می تواند هروقت بخواهد آن را برهم زند ولی راهن نمیتواند قبل ازاینکه دین خودرا ادا نماید ویا بنحوی از انحاء قانونی از آن بری شود رهن را مسترد دارد .

ماده ۷۸۸ ـ بموت راهن یامرتهن رهن منفسخ نمی شود ولی درصورت فوت مرتهن راهن میتواند تقاضا نماید که رهن بتصرف شخص ثالثی که بتراضی او و ورثه معین میشود داده شود .

درصورت عدم تراضی شخص مزبور ازطرف حاکم معین میشود .

ماده ۷۸۹ ـ رهن درید مرتهن امانت محسوب است وبنا براین مرتهن مسئول تلف یا ناقص شدن آن نخواهد بود مگر در صورت تقصیر .

ماده ۷۹۰ ـ بعد ازبرائت ذمه مدیون رهن درید مرتهن امانت است لیکن اگر با وجود مطالبه آن را رد ننماید ضامن آن خواهد بود اگر چه تقصیر نکرده باشد .

ماده ۷۹۱ ـ اگرعین مرهونه بواسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد وبدل مزبور رهن خواهد بود .

ماده ۷۹۲ ـ وکالت مذکور درماده ۷۷۷ شامل بدل مزبور درماده فوق نخواهد بود

ماده ۱۰۷۷ ـ در نکاح منقطع احکام راجع بوراثت زن و به مهر او همانست که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است .

فصل هفتم ـ در مهر

ماده ۱۰۷۸ ـ هرچیزیرا که مالیت داشته وقابل تملک نیز باشد میتوان مهر قرار داد .

ماده ۷۹۳ ـ راهن نمیتواند دررهن تصرفی کندکه منافی حق مرتهن باشد مگر باذن مرتهن .

ماده ۷۹۴ ـ راهن می‌تواند در رهن تغییراتی بدهد یا تصرفات دیگری که برای رهن نافع باشد و منافی حقوق مرتهن هم نباشد بعمل آورد بدون اینکه مرتهن بتواند اورامنع کند ، درصورت منع اجازه باحاکم است .

فصل نوزدهم ـ در هبه

ماده ۷۹۵ ـ هبه عقدی است که بموجب آن یکنفر مالی را مجاناًبکس دیگری تملیک میکند تملیک کننده واهب طرف دیگر را متهب ، مالی را که مورد هبه است عین موهوبه میگویند .

ماده ۷۹۶ ـ واهب باید برای معامله وتصرف درمال خود اهلیت داشته باشد .

ماده ۷۹۷ ـ واهب باید مالک مالی باشد که هبه می کند .

ماده ۷۹۸ ـ هبه واقع نمیشود مگرباقبول وقبض متهب اعم ازاینکه مباشر قبض خود متهب باشد یا وکیل او وقبض بدون اذن واهب اثری ندارد .

ماده ۷۹۹ ـ درهبه بصغیریا مجنون یاسفیه قبض ولی معتبر است .

ماده ۸۰۰ ـ درصورتیکه عین موهوبه دریدِ متهب باشد محتاج بقبض نیست .

ماده ۸۰۱ ـ هبه ممکن است معوض باشد و بنا براین واهب میتواند شرط کند که متهب مالی را باوهبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً بجا آورد .

ماده ۸۰۲ ـ اگرقبل ازقبض واهب یا متهب فوت کند هبه باطل میشود .

ماده ۸۰۳ ـ بعد از قبض نیز واهب میتواند بـابقاء عین مـوهوبـه از هبه رجوع کند مگر در موارد ذیل :

۱) درصورتیکه متهب پدر یا مادر یا اولاد واهب باشد .

۲) درصورتی که هبه معوض بوده وعوض هم داده شده باشد .

ماده ۱۰۷۹ ـ مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

ماده ۱۰۸۰ ـ تعیین مقدار مهر منوط بتراضی طرفین است.

ماده ۱۰۸۱ ـ اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

---

۳) درصورتیکه عین موهوبه ازملکیت متهب خارج شده یا متعلق حق غیرواقع شود خواه قهراً مثل اینکه عین موهوبه برهن‌داده شود.

٤) درصورتیکه درعین موهوبه تغییری حاصل شود.

ماده ۸۰۴ ـ درصورت رجوع واهب نما آت عین موهوبه اگرمتصل باشد مال واهب واگرمنفصل باشد مال متهب خواهد بود.

ماده ۸۰۵ ـ بعد ازفوت واهب یا متهب رجوع ممکن نیست.

ماده ۸۰۶ ـ هرگاه داین طلب خودرا بمدیون ببخشد حق رجوع ندارد.

ماده ۸۰۷ ـ اگر کسی مالی را بعنوان صدقه بدیگری بدهد حق رجوع ندارد.

قسمت سوم ـ در اخذ بشفعه

ماده ۸۰۸ ـ هرگاه مال غیر منقول قابل تقسیمی بین دونفر مشترك باشد ویکی از دوشریك حصه خود را بقصد بیع بشخص ثالثی منتقل کند شریك دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است باو بدهد وحصه مبیعه را تملك کند.

این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع میگویند.

ماده ۸۰۹ ـ هرگاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود.

ماده ۸۱۰ ـ اگر ملك دو نفر در ممر یا مجری مشترك باشد ویکی ازآنها ملك خودرا با حق ممر یامجری بفروشد دیگری حق شفعه دارد اگر چه درخود ملك مشاعاً شریك نباشد ولی اگر ملك‌را بدون ممر یا مجری بفروشد دیگری حق شفعه ندارد.

ماده ۸۱۱ ـ اگر حصه یکی از دو شریك وقف باشد متولی یا موقوف علیهم حق شفعه ندارد.

ماده ۸۱۲ ـ اگر مبیع متعدد بوده وبعض‌آن قابل شفعه وبعض دیگر قابل شفعه نباشد حق شفعه را میتوان نسبت به بعضی که قابل شفعه است بقدر حصه آن بعض ازثمن اجرا نمود.

ماده ۸۱۳ ـ در بیع فاسد حق شفعه نیست.

ماده ۱۰۸۲ ـ بمجرد عقد زن مالك مهر میشود و میتواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

ماده ۱۰۸۳ ـ برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر میتوان مدت یا اقساطی قرارداد.

ماده ۱۰۸۴ ـ هر گاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده ویا بعد ازعقد وقبل از تسلیم معیوب ویا تلف شود شوهرضامن عیب و تلف است.

ماده ۸۱۴ - خیاری بودن بیع مانع از اخذ بشفعه نیست.

ماده ۸۱۵ - حق شفعه‌را نمیتوان فقط نسبت بیك قسمت ازمبیع اجرا نمود صاحب حق مزبور یا باید از آن صرف نظر کند یا نسبت بتمام مبیع اجرا نماید.

ماده ۸۱۶ - اخذ بشفعه هرمعامله را که مشتری قبل از آن وبعد ازعقد بیع نسبت بمورد شفعه نموده باشد باطل مینماید.

ماده ۸۱۷ - درمقابل شریکی که بحق شفعه تملك میکند مشتری ضامن درك است نه بایع لیکن اگر درموقع اخذ بشفعه مورد شفعه هنوز بتصرف مشتری‌داده نشده باشد شفیع حق رجوع بمشتری نخواهد داشت.

ماده ۸۱۸ - مشتری نسبت بعیب و خرابی وتلفی که قبل از اخذ بشفعه در ید او حادث شده باشد ضامن نیست وهمچنین است بعد از اخذ بشفعه و مطالبه درصورتی که تعدی یا تفریط نکرده باشد.

ماده ۸۱۹ - نما آتی که قبل از اخذ بشفعه درمبیع حاصل میشود درصورتیکه منفصل باشد مال مشتری و درصورتی که متصل باشد مال شفیع است ولی مشتری میتواند بنائی‌را که کرده یا درختی‌را که کاشته قلع کند.

ماده ۸۲۰- هر گاه معلوم شود که مبیع حین‌البیع معیوب بوده ومشتری ارش گرفته است شفیع در موقع اخذ بشفعه مقدار ارش را از ثمن کسر میگذارد.

حقوق مشتری در مقابل بایع راجع بدرك مبیع همان است که در ضمن عقد بیع مذکور شده است.

ماده ۸۲۱ - حق شفعه فوری است.

ماده ۸۲۲ - حق شفعه قابل اسقاط است اسقاط بهر چیزی که دلالت برصرف نظر کردن ازحق مزبور نماید واقع میشود.

ماده ۱۰۸۵ ـ زن میتواند تا مهر باو تسلیم نشده از ایفاءِ وظائفی که درمقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط براینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود .

ماده ۱۰۸۶ ـ اگر زن قبل از اخذ مهر باختیار خود بایفاءِ وظائفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمیتواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذلك حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد .

ماده ۸۲۳ ـ حق شفعه بعد از موت شفیع به وارث یا وراث او منتقل میشود .

ماده ۸۲۴ ـ هرگاه یك یا چند نفر از وراث حق خودرا اسقاط کنند باقی وراث نمی‌توانند آن را فقط نسبت بسهم خود اجرا نمایند و باید یا از آن صرف نظر کنند یا نسبت بتمام مبیع اجرا نمایند .

قسمت چهارم ـ در وصایا و ارث

باب اول ـ در وصایا

فصل اول ـ در کلیات

ماده ۸۲۵ ـ وصیت بردوقسم است : تملیکی وعهدی .

ماده ۸۲۶ ـ وصیت تملیکی عبارت است ازاینکه کسی عین یامنفعتی را ازمال خودبرای زمان بعد ازفوتش بدیگری مجاناً تملیك کند .

وصیت عهدی عبارت است از اینکه شخصی یك یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور مینماید .

وصیت کننده موصی، کسی که وصیت تملیکی بنفع اوشده است موصی‌له ، مورد وصیت موصی‌به وکسی که بموجب وصیت عهدی ولی برمورد ثلث یا برصغیر قرارداده میشود وصی نامیده میشود .

ماده ۸۲۷ ـ تملیك بموجب وصیت محقق نمیشود مگر باقبول موصی له پس ازفوت موصی .

ماده ۸۲۸ ـ هرگاه موصی‌له غیر محصور باشد مثل اینکه وصیت برای فقرا یا امور عام المنفعه شود قبول شرط نیست .

ماده ۸۲۹ ـ قبول موصی‌له قبل ازفوت موصی مؤثر نیست وموصی میتواند از وصیت خود رجوع کند حتی درصورتیکه موصی‌له موصی به را قبض کرده باشد .

ماده ۱۰۸۷ ـ اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است وطرفین میتوانند بعد از عقد مهر را بتراضی معین کنند واگر قبل ازتراضی برمهرمعین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهدبود.

ماده ۱۰۸۸ ـ درمورد ماده قبل اگر یکی اززوجین قبل از تعیین مهر وقبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست.

ماده ۸۳۰ـ نسبت به موصی‌له ردیاقبول وصیت بعد ازفوت موصی معتبراست بنابراین اگرموصی‌له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد بعد از فوت میتواند آن را قبول کند و اگر بعد ازفوت آن را قبول وموصی‌به را قبض کرد دیگر نمیتواند آن را رد کند لیکن اگرقبل ازفوت قبول کرده باشد بعد ازفوت قبول ثانوی لازم نیست.

ماده ۸۳۱ ـ اگر موصی له صغیر یا مجنون باشد رد یاقبول وصیت با ولی خواهد بود.

ماده ۸۳۲ـ موصی له میتواند وصیت را نسبت به قسمتی ازموصی‌به قبول کند دراین صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح ونسبت به قسمت دیگرباطل میشود.

ماده ۸۳۳ ـ ورثه موصی نمی‌تواند در موصی به تصرف کند مادام‌که موصی‌له ردیا قبول خودرا به آنها اعلام نکرده است.

اگر تأخیر این اعلام موجب تضرر ورثه باشد حاکم موصی له را مجبور میکند که تصمیم خود را معین نماید.

ماده ۸۳۴ ـ در وصیت عهدی قبول شرط نیست لیکن وصی می‌تواند مادام که موصی زنده‌است وصایت را رد کند و اگر قبل از فوت موصی رد نکرد بعد ازآن حق رد ندارد گرچه جاهل بر وصایت بوده باشد.

فصل دوم ـ درموصی

ماده ۸۳۵ ـ موصی باید نسبت به مورد وصیت جائز التصرف باشد.

ماده ۸۳۶ ـ هرگاه کسی بقصد خودکشی خودرا مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگرازاین قبیل که موجب هلاکت است مرتکب‌گردد وپس ازآن وصیت نماید آن وصیت درصورت هلاکت باطل است وهرگاه اتفاقاً منتهی بموت نشد وصیت نافذ خواهد بود.

ماده ۸۳۷ ـ اگرکسی بموجب وصیت یك یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت مزبور نافذ نیست.

ماده ۱۰۸۹ ـ ممکن است اختیار تعیین مهر بشوهر یاشخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث میتواند مهر را هرقدر بخواهد معین کند.

ماده ۱۰۹۰ ـ اگر اختیار تعیین مهر بزن داده شود زن نمیتوانند بیشتر از مهر المثل معین نماید.

ماده ۱۰۹۱ ـ برای تعیین مهر المثل بایدحال زن ازحیث شرافت خانوادگی

ماده ۸۳۸ ـ موصی میتواند از وصیت خود رجوع کند.

ماده ۸۳۹ ـ اگرموصی ثانیاً وصیتی برخلاف وصیت اول نماید وصیت دوم صحیح است.

فصل سوم ـ درموصی به

ماده ۸۴۰ ـ وصیت بصرف مال درامرغیر مشروع باطل است.

ماده ۸۴۱ ـ موصی به باید ملك موصی باشد ووصیت بمال غیر ولو با اجازه مالك باطل است.

ماده ۸۴۲ ـ ممکن است مالی راکه هنوز موجود نشده است وصیت نمود.

ماده ۸۴۳ ـ وصیت بزیاده برثلث ترکه نافذ نیست مگر باجازه وراث و اگر بعض از ورثه اجازه کند فقط نسبت بسهم اونافذ است.

ماده ۸۴۴ ـ هرگاه موصی به مال معینی باشد آن مال تقویم میشود اگر قیمت آن بیش از ثلث ترکه باشد مازاد مال ورثه است مگراینکه اجازه ازثلث کنند.

ماده ۸۴۵ ـ میزان ثلث بـه اعتبار دارائی موصی درحین وفات معین میشود نه به اعتبار دارائی او درحین وصیت.

ماده ۸۴۶ ـ هرگـاه موصی بـه منافع ملکی باشد دائماً یا در مـدت معین بطریق ذیـل از ثلث اخراج میشود:

بدواً عین ملك با منافع آن تقویم میشود سپس ملك مزبور با ملاحظه مسلوب المنفعه بودن درمـدت وصیت تقویم شده تفاوت بین دوقیمت ازثلث حساب میشود.

اگر موصی به منافع دائمی ملك بوده وبدین جهة عین ملك قیمتی نداشته باشد قیمت ملك با ملاحظه منافع ازثلث محسوب میشود.

ماده ۸۴۷ ـ اگر موصی به کلی باشد تعیین فرد با ورثه است مگر اینکه در وصیت طور دیگر مقرر شده باشد.

وسایر صفات و وضعیت او نسبت به امائل و اقران واقارب وهمچنین معمول محل وغیره در نظر گرفته شود .

ماده ۱۰۹۲ ـ هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خودرا طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمةً استرداد کند .

ماده ۸۴۸ ـ اگر موصی به جزء مشاع ترکه باشد مثل ربع یا ثلث موصی له باورثه در همان مقدار ازترکه مشاعاً شریك خواهد بود .

ماده ۸۴۹ ـ اگرموصی زیاده برثلث بترتیب معینی وصیت باموری کرده باشد ورثه زیاده برثلث را اجازه نکنند بهمان ترتیبی که وصیت کرده است از ترکه خارج میشود تامیزان ثلث وزاید برثلث باطل خواهد شد واگر وصیت به تمام یکدفعه باشد زیاده ازهمه کسر میشود .

فصل چهارم ـ درموصی له

ماده ۸۵۰ ـ موصی له باید موجود باشد وبتواند مالك چیزی بشود که برای او وصیت شده‌است .

ماده ۸۵۱ ـ وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملك او منوط است براینکه زنده متولد شود .

ماده ۸۵۲ـ اگرحمل‌درنتیجه جرمی‌سقط‌شودموصی‌به بورثه اومیرسد مگراینکه‌جرم مانع ارث باشد.

ماده ۸۵۳ ـ اگر موصی‌لهم متعدد ومحصور باشند موصی به بین آنها بالسویه تقسیم میشود مگر اینکه موصی طور دیگر مقرر داشته باشد .

فصل پنجم ـ در وصی

ماده ۸۵۴ ـ موصی میتواند یك یاچند نفر وصی معین نماید ـ درصورت تعداد اوصیاء باید مجتمعاً عمل بوصیت کنند مگر در صورت تصریح باستقلال هریك .

ماده ۸۵۵ ـ موصی میتواند چند نفررا بنحو ترتیب وصی معین کند باینطریق که اگر اولی فوت کرد دومی وصی باشد واگر دومی فوت کرد سومی باشد وهکذا .

ماده ۸۵۶ ـ صغیر را میتوان باتفاق یك نفر کبیر وصی قرار داد .

در این صورت اجراء وصایا باکبیر خواهد بود تاموقع بلوغ ورشد صغیر.

ماده ۸۵۷ ـ موصی میتواند یکنفر را برای نظارت در عملیات وصی معین نماید .

حدود اختیارات ناظر بطریقی خواهد بود که موصی مقرر داشته است یا از قرائن معلوم شود .

ماده ۱۰۹۳ ـ هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد وشوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خودرا طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه است واگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود .

ماده ۱۰۹۴ ـ برای تعیین مهرالمتعه حال مرد ازحیث غنا وفقر ملاحظه میشود.

ماده ۱۰۹۵ ـ در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است .

ماده ۸۵۸ ـ وصی نسبت به اموالی که برحسب وصیت در ید او میباشد حکم امین را دارد وضامن نمیشود مگر درصورت تعدی یا تفریط .

ماده ۸۵۹ ـ وصی باید برطبق وصایای موصی رفتار کند والا ضامن ومنعزل است .

ماده ۸۶۰ ـ غیر از پدر و جد پدری کس دیگر حق ندارد برصغیر وصی معین کند .

باب دوم ـ در ارث

فصل اول

در موجبات ارث و طبقات مختلفه وراث

ماده ۸۶۱ ـ موجب ارث دو امر است :

نسب و سبب .

ماده ۸۶۲ ـ اشخاصی که بموجب نسب ارث میبرند سه طبقه اند :

۱) پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد .

۲) اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها .

۳) اعمام وعمات و اخوال و خالات و اولاد آنها .

ماده ۸۶۳ ـ وارثین طبقه بعد وقتی ارث میبرند که ازوارثین طبقه قبل کسی نباشد .

ماده ۸۶۴ ـ از جمله اشخاصیکه بموجب سبب ارث میبرند هریك از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد .

ماده ۸۶۵ ـ اگردرشخص واحد موجبات متعدده ارث جمع شود بجهت تمام آن‌موجبات ارث میبرد مگر اینکه بعضی از آنها مانع دیگری باشدکه در این صورت فقط ازجهت عنوان مانع میبرد .

ماده ۸۶۶ ـ در صورت نبودن وارث امر ترکه متوفی راجع بحاکم است .

ماده ۱۰۹۶ ـ در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمیشود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند .

ماده ۱۰۹۷ ـ در نکاح منقطع هر گاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد .

ماده ۱۰۹۸ ـ در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و

فصل دوم ـ در حق ارث

ماده ۸۶۷ ـ ارث بموت حقیقی یا بموت فرضی مورث تحقق پیدا میکند .

ماده ۸۶۸ ـ مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمیشود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که بترکه میت تعلق گرفته .

ماده ۸۶۹ ـ حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق میگیرد و باید قبل از تقسیم آن اداء شود از قرار ذیل است :

۱) قیمت کفن میت وحقوقی که متعلق است باعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است .

۲) دیون و واجبات مالی متوفی .

۳) وصایای میت تاثلث ترکه بدون اجازه ورثه وزیاده بر ثلث بااجازه آنها .

ماده ۸۷۰ ـ حقوق مزبوره در ماده قبل باید بترتیبی که در ماده مزبوره مقرر است تأدیه شود و مابقی اگر باشد بین وراث تقسیم گردد .

ماده ۸۷۱ ـ هر گاه ورثه نسبت بهاعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تأدیه نشدهاست معاملات مزبوره نافذ نبوده ودیان میتوانند آنرا برهم زنند .

ماده ۸۷۲ ـ اموال غایب مفقود الاثر تقسیم نمیشود مگر بعد از ثبوت فوت او یا انقضاء مدتیکه عادتاً چنین شخصی زنده نمیماند .

ماده ۸۷۳ ـ اگر تاریخ فوت اشخاصیکه از یکدیگر ارث میبرند مجهول و تقدم و تأخر هیچیك معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمیبرند مگر آنکه موت بسبب غرق یاهدم واقع شود که دراینصورت ازیکدیگر ارث میبرند .

ماده ۸۷۴ ـ اگر اشخاصیکه بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث میبرد .

نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر میتواند آن را استرداد نماید.

ماده ۱۰۹۹ ـ در صورت جهل زن بفساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است.

ماده ۱۱۰۰ ـ در صورتیکه مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیّت نداشته باشد یا

فصل سوم ـ درشرایط وجمله از موانع ارث

ماده ۸۷۵ ـ شرط وراثت زنده بودن درحین فوت مورث است واگر حملی باشد درصورتی ارث میبرد که نطفه او حین الموت منعقد بوده وزنده هم متولد شود اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.

ماده ۸۷۶ ـ باشك درحیوة حین ولادت حکم وراثت نمیشود.

ماده ۸۷۷ ـ در صورت اختلاف در زمان انعقاد نطفه امارات قانونی که برای اثبات نسب مقرر است رعایت خواهد شد.

ماده ۸۷۸ ـ هرگاه درحین موت مورث حملی باشد که اگر قابل وراثت متولد شود مانع ازارث تمام یابعضی از وراث دیگر میگردد تقسیم ارث بعمل نمیآید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچیك از سایر وراث نباشد وآنها بخواهند ترکه‌را تقسیم کنند باید برای حمل حصه‌ای که مساوی حصه دو پسر از همان طبقه باشد کنار گذارند وحصه هریك از وارث مراعا است تاحال حمل معلوم شود.

ماده ۸۷۹ ـ اگر بین وارث غایب مفقود الاثری باشد سهم او کنار گذارده میشود تا حال او معلوم شود درصورتی که محقق گردد قبل از مورث مرده است حصه او بسایر وراث برمیگردد والا بخوداو یا بورثه او میرسد.

ماده ۸۸۰ ـ قتل‌از موانع‌ارث است بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث اوممنوع میشود اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب ومنفرداً باشد یابشرکت دیگری.

ماده ۸۸۱ ـ درصورتیکه قتل مورث غیر عمدی یا بحکم قانون یابرای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

ماده ۸۸۲ ـ بعد از لعان زن و شوهر از یکدیگر ارث نمیبرند و همچنین فرزندیکه بسبب انکار او لعان واقع شده از پدر وپدر از او ارث نمیبرد لیکن فرزند مزبور ازمادر وخویشان مادری‌خود و همچنین مادر وخویشان مادری از او ارث میبرند.

ملك غیر باشد درصورت اول ودوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود ودرصورت سوم مستحق مثل یاقیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

ماده ۱۱۰۱ ـ هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی بجهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر درصورتیکه موجب فسخ عنن باشد که دراینصورت باوجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است .

ماده ۸۸۳ ـ هرگاه پدر بعد ازلعان رجوع کند پسر از اوارث میبرد لیکن از ارحام پدروهمچنین پدر وارحام پدری از پسر ارث نمیبرند .

ماده ۸۸۴ ـ ولدالزنا ازپدر ومادر واقوام آنان ارث نمیبرد لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آنست نسبت بیکی ازابوین ثابت ونسبت بدیگری بواسطه اکراه یاشبهه زنا نباشد طفل فقط ازاین طرف واقوام او ارث میبرد وبالعکس .

ماده ۸۸۵ ـ اولاد واقوام کسانیکه بموجب ماده ۸۸۰ ازارث ممنوع میشوند محروم از ارث نمیباشند بنابر این اولاد کسی که پدر خود راکشته باشد ازجد مقتول خود ارث میبرد اگر وارث نزدیکتری باعث حرمان آنان نشود.

فصل چهارم ـ درحجب

ماده ۸۸۶ ـ حجب حالت وارثی است که بواسطه بودن وارث دیگر از بردن ارث کلاً یا جزئاً محروم میشود .

ماده ۸۸۷ ـ حجب بردوقسم است :

قسم اول آنست که وارث از اصل ارث محروم میگردد مثل برادر زاده که بواسطه بودن برادر یاخواهر متوفی از ارث محروم میشود یابرادرانی که بابودن برادر ابوینی از ارث محروم میگردند .

قسم دوم آنستکه فرض وارث از حداعلی بحد ادنی نازل میگردد مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع درصورتیکه برای زوجه اولاد باشد و همچنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن درصورتیکه برای زوج او اولاد باشد .

ماده ۸۸۸ ـ ضابطه حجب از اصل ارث رعایت اقربیت بمیت است بنابراین هرطبقه از وراث طبقه بعدرا از ارث محروم مینمایند مگر درمورد ماده ۹۳۶ وموردیکه وارث دورتر بتواند بسمت قائم‌مقامی ارث ببرد که دراینصورت هردو ارث میبرند .

فصل هشتم ـ در حقوق و تکالیف زوجین نسبت بیکدیگر

ماده ۱۱۰۲ ـ همینکه نکاح بطور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین درمقابل همدیگر برقرار میشود .

ماده ۱۱۰۳ ـ زن وشوهر مکلف بحسن معاشرت بایکدیگرند .

ماده ۱۱۰۴ ـ زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود بیکدیگر

ماده ۸۸۹ ـ دربین وراث طبقه اولی اگر برای میت اولادی نباشد اولاد اولاد او هرقدر که پائین بروند قائم‌مقام پدر یامادر خود بوده وباهریك از ابوین متوفی که زنده باشد ارث میبرند ولی دربین اولاد اقرب بمیت ابعد را از ارث محروم مینماید .

ماده ۸۹۰ ـ دربین وراث طبقه دوم اگر برای متوفی برادر یاخواهر نباشد اولاد اخوه هرقدر که پائین بروند قائم مقام پدر یامادر خود بوده باهریك از اجداد متوفی که زنده باشد ارث میبرند لیکن دربین اجداد یا اولاد اخوه اقرب بمتوفی ابعد را از ارث محروم میکند .

مفاد این ماده درمورد وارث طبقه سوم نیز مجری میباشد .

ماده ۸۹۱ ـ وراث ذیل حاجب از ارث ندارد :

پدر ـ مادر ـ پسر ـ دختر ـ زوج و زوجه .

ماده ۸۹۲ ـ حجب از بعض‌فرض در موارد ذیل است :

الف ـ وقتیکه برای میت اولاد یا اولاد اولاد باشد در اینصورت ابوین میت از بردن بیش از یك ثلث محروم میشوند مگر درمورد ماده ۹۰۸ و ۹۰۹ که ممکن است هر یك از ابوین بعنوان قرابت یارد بیش از یك سدس ببرد و همچنین زوج از بردن بیش از یك ربع وزوجه از بردن بیش از یك ثمن محروم میشود .

ب ـ وقتیکه برای میت چند برادر یاخواهر باشد در اینصورت مادر میت از بردن بیش از یکسدس محروم میشود مشروط براینکه:

اولا ـ لااقل دوبرادر یایك برادر یادوخواهر یاچهار خواهر باشند .

ثانیاً ـ پدر آنها زنده باشد .

ثالثاً ـ ازارث ممنوع نباشد مگر بسبب قتل .

معاضدت نمایند .

ماده ۱۱۰۵ ـ در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است .

ماده ۱۱۰۶ ـ درعقد دائم نفقه زن بعهده شوهراست .

ماده ۱۱۰۷ ـ نفقه عبارت است ازمسکن والبسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف باوضعیت زن متناسب باشد وخادم درصورت عادت زن بداشتن خادم یااحتیاج

رابعاً ـ ابوینی یا ابی‌تنها باشند .

فصل پنجم ـ درفرض وصاحبان فرض

ماده ۸۹۳ ـ وراث بعضی به فرض بعضی بـه قرابت و بعضی گـاه به فرض و گاهی بـه قرابت ارث میبرند .

ماده ۸۹۴ ـ صاحبان فرض‌اشخاصی هستند که سهم‌آنان ازترکه معین است وصاحبان قرابت کسانی هستند که سهم آنها معین نیست .

ماده ۸۹۵ ـ سهام معینه که فرض نامیده میشود عبارت است ازنصف ، ربع ، ثمن ، دوثلث ، ثلث‌و سدس ترکه .

ماده ۸۹۶ ـ اشخاصی که بفرض ارث میبرند عبارتند از مادر وزوج وزوجه .

ماده ۸۹۷ ـ اشخاصیکه گاهی بفرض و گاهی بقرابت ارث میبرندعبارتند ازپدر ، دختر ودخترها ، خواهر وخواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی .

ماده ۸۹۸ ـ وراث دیگر بغیر از مذکورین در دوماده فوق فقط بقرابت ارث میبرند .

ماده ۸۹۹ ـ فرض سه وارث نصف ترکه است ،

۱) شوهر درصورت نبودن اولاد برای متوفاة اگر چه ازشوهر دیگر باشد .

۲) دختر اگر فرزند منحصر باشد .

۳) خواهر ابوینی یاابی تنها درصورتیکه منحصر بفرد باشد .

ماده ۹۰۰ ـ فرض دو وارث ربع ترکه است :

۱) شوهر درصورت فوت زن باداشتن اولاد .

۲) زوجه یا زوجه ها درصورت فوت شوهر بدون اولاد .

او بواسطه مرض یا نقصان اعضاء .

ماده ۱۱۰۸ ـ هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود .

ماده ۱۱۰۹ ـ نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده برعهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده ازجهت فسخ نکاح یا طلاق بائن

ماده ۹۰۱ ـ ثمن فریضه زوجه یا زوجه ها است درصورت فوت شوهر باداشتن اولاد .

ماده ۹۰۲ ـ فرض دو وارث دوثلث ترکه است :

۱) دو دختر وبیشتر درصورت نبودن اولاد ذکور .

۲) دو خواهر وبیشتر ابوینی یا ابی تنها با نبودن برادر .

ماده ۹۰۳ ـ فرض دو وارث ثلث ترکه است :

۱) مادر متوفی درصورتیکه میت اولاد واخوه نداشته باشد .

۲) کلالهامی درصورتیکه بیش ازیکی باشد .

ماده ۹۰۴ ـ فرض سه وارث سدس ترکه است پدر و مادر وکلاله امی اگر تنها باشد .

ماده ۹۰۵ ـ ازترکه میت هر صاحب فرض حصه خود را میبرد وبقیه بصاحبان قرابت میرسد و اگر صاحب قرابتی در آن طبقه مساوی با صاحب فرض در درجه نباشد باقی بصاحب فرض رد میشود مگر درمورد زوج وزوجه که بآنها رد نمیشود لیکن اگر برای متوفی وارثی بغیر از زوج نباشد زائد از فریضه باو رد میشود .

فصل ششم ـ در سهم‌الارث طبقات مختلفه وراث

مبحث اول ـ درسهم الارث طبقه اولی

ماده ۹۰۶ ـ اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد ازهر درجه که باشند موجود نباشد هریك از ابوین درصورت انفراد تمام ارث را میبرد واگر پدر ومادرمیت هردو زنده باشند مادریك ثلث وپدر دو ثلث میبرد لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سدس ازترکه متعلق بمادر وبقیه مال پدر است .

ماده ۹۰۷ ـ اگر متوفی ابوین نداشته و یك یا چند نفر اولاد داشته باشد ترکه بطریق ذیل تقسیم میشود :

اگر فرزند منحصر بیکی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه باومیرسد .

اگر اولاد متعدد باشند ولی تمام پسر یا تمام دختر ترکه بین آنها بالسویه تقسیم میشود .

باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که دراینصورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت .

ماده ۱۱۱۰ ـ درعده وفات زن حق نفقه ندارد .

ماده ۱۱۱۱ ـ زن میتواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه بمحکمه

اگر اولاد متعدد باشند وبعضی ازآنها پسر وبعضی دختر پسر دوبرابر دختر میبرد .

ماده ۹۰۸ ـ هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هردو ابوین اوموجود باشند بایکدختر فرض هریك از پدر و مادر سدس ترکه وفرض دختر نصف آن خواهد بود و مابقی باید بین تمام وراث بـه نسبت فرض آنهاتقسیم شود مگراینکه مادرحاجب داشته باشدکه دراین صورت مادر ازمابقی چیزی نمیبرد.

ماده ۹۰۹ ـ هرگاه پدریامادر متوفی یاهردوابوین اوموجود باشند باچند دختر فرض تمام دخترها دوثلث ترکه خواهدبودکه بالسویه بین آنها تقسیم میشود وفرض هریك ازپدر ومادریك سدس ومابقی اگر باشد بین تمام ورثه به نسبت فرض آنها تقسیم میشود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد دراین صورت مادر ازباقی چیزی نمیبرد .

ماده ۹۱۰ ـ هرگاه میت اولاد داشته باشدگرچه یکنفر اولاد اولاد او ارث نمیبرند .

ماده ۹۱۱ ـ هرگاه میت اولاد بلاواسطه نداشته باشد اولاد اولاد اوقائم‌مقام اولاد بوده وبدینطریق جزو وارث طبقه اول محسوب وبا هریك از ابوین که زنده باشد ارث میبرد .

تقسیم ارث بین اولاد اولاد برحسب نسل بعمل میآید یعنی هرنسل حصه کسی را میبرد که بتوسط او بمیت میرسد بنابراین اولاد پسر دوبرابر اولاد دختر میبرند .

درتقسیم بین افراد یك نسل پسر دوبرابر دختر میبرد .

ماده ۹۱۲ ـ اولاد اولاد تاهرچه که پائین بروند بطریق مذکور درماده فوق ارث میبرند بارعایت اینکه اقرب بمیت ابعد را محروم میکند .

ماده ۹۱۳ ـ در تمام صور مذکوره در این مبحث هر یك از زوجین که زنده باشد فرض خود را میبرد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتیکه میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد واز ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه درصورتیکه میت اولاد یااولاد اولاد داشته باشد ومابقی ترکه برطبق مقررات مواد قبل مابین‌سایر وراث تقسیم‌میشود.

ماده ۹۱۴ ـ اگر بواسطه بودن چندین‌نفر صاحبان فرض ترکه میت کفایت نصیب تمام آنهارانکند

رجوع کند در اینصورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را بـدادن آن محکوم خواهد کرد .

ماده۱۱۱۲ـ اگر اجراءِ حکم مذکوردرماده‌قبل‌ممکن نباشد مطابق ماده۱۱۲۹ رفتار خواهد شد .

ماده۱۱۱۳ ـ در عقد انقطاع زن حق نفقه نـدارد مگر اینکـه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد .

نقص بر بنت وبنتین وارد میشود واگر پس‌ازموضوع کردن نصیب صاحبان فرض زیادتی باشد ووارثی نباشد که زیاده را بعنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض برطبق مقررات مواد فوق تقسیم میشود لیکن زوج وزوجه مطلقاً ومادر اگر حاجب داشته باشد از زیادی چیزی نمیبرد .

ماده ۹۱۵ ـ انگشتری که میت معمولا استعمال میکرده وهمچنین قرآن ورختهای شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او میرسد بدون اینکه از حصه او از این حیث چیزی کسر شود مشروط بر اینکه ترکه میت منحصر باین اموال نباشد .

مبحث دوم ـ درسهم الارث طبقه دوم

ماده ۹۱۶ ـ هرگاه برای میت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او بوارث طبقه ثانیه میرسد .

ماده ۹۱۷ ـ هریك از وراث طبقه دوم اگر تنها باشد تمام ارث را میبرد واگر متعدد باشند ترکه بین آنها برطبق مواد ذیل تقسیم میشود .

ماده ۹۱۸ ـ اگر میت اخوه ابوینی داشته باشد اخوه ابی ارث نمیبرند در صورت نبودن اخوه ابوینی اخوه ابی‌حصه ارث آنها را میبرند .

اخوه ابوینی واخوه ابی هیچکدام اخوه امی را از ارث محروم نمیکنند .

ماده ۹۱۹ ـ اگر وارث میت چند برادر ابوینی یا چند برادر ابی یـا چند خواهر ابوینی و چند خواهر ابی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم میشود .

ماده ۹۲۰ ـ اگر وارث میت چند برادر و خواهر ابوینی یاچند برادر و خواهر ابی باشند حصه ذکور دوبرابر اناث خواهد بود .

ماده ۹۲۱ ـ اگر وراث چند برادر امی‌یاچند خواهر امی یاچند برادر وخواهر امی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم میشود .

ماده ۱۱۱۴ ـ زن باید درمنزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل بزن داده شده باشد .

ماده ۱۱۱۵ ـ اگر بودن زن باشوهر دریك منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت

ماده ۹۲۲ ـ هرگاه اخوه ابوینی واخوه امی باهم باشند تقسیم بطریق ذیل میشود :
اگر برادریاخواهرامی یکی باشد سدس ترکه رامیبرد وبقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که بطریق مذکور درفوق تقسیم مینمایند .
اگر کلاله امی متعدد باشد ثلث ترکه بآنهاتعلق گرفته وبین خود بالسویه تقسیم میکنند وبقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که مطابق مقررات مذکور درفوق تقسیم مینمایند .

ماده ۹۲۳ ـ هرگاه ورثه اجداد یا جدات باشد ترکه بطریق ذیل تقسیم میشود :
اگر جد یا جده تنها باشد اعم از ابی یا امی تمام ترکه باوتعلق میگیرد .
اگراجداد وجدات متعدد باشند درصورتیکه ابی باشند ذکور دوبرابر اناث میبرد واگرهمه امی باشند بین آنها بالسویه تقسیم میگردد .
اگرجد یا جده ابی وجد یاجده امی باهم باشند ثلث ترکه بجد یا جده امی میرسد و در صورت تعداد اجداد امی آن ثلث بین آنها بالسویه تقسیم میشود و دوثلث دیگر بجد یاجده ابی میرسد و درصورت تعدد حصه ذکور ازآن دوثلث دوبرابر حصه اناث خواهد بود .

ماده ۹۲۴ ـ هرگاه میت اجداد و کلاله باهم داشته باشد دوثلث ترکه بوراثی میرسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن حصه ذکور دوبرابر اناث خواهد بود ویك ثلث بوراثی میرسد که ازطرف مادرقرابت دارند وبین خود بالسویه تقسیم مینمایند لیکن اگرخویش مادری فقط یك برادر یا یك خواهرامی باشد فقط سدس ترکه باوتعلق خواهدگرفت .

ماده ۹۲۵ ـ درتمام صور مذکوره درمواد فوق اگر برای میت نه برادر باشد و نه خواهر اولاد اخوه قائم‌مقام آنهاشده وبا اجداد ارث میبرند دراین صورت تقسیم ارث نسبت به اولاد اخوه برحسب نسل بعمل میآید یعنی هرنسل حصه کسی را میبرد که بواسطه او بمیت میرسد بنا بر این اولاد اخوه ابوینی یا ابی حصه اخوه ابوینی یا ابی تنها واولاد کلاله امی حصه کلاله امی را میبرند .
در تقسیم بین افراد یك نسل اگراولاد اخوه ابوینی یا ابی تنها باشند ذکور دوبرابر اناث میبرد و اگر از کلاله امی باشند بالسویه تقسیم میکنند .

ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است نفقه برعهده شوهر خواهد بود.

ماده ۱۱۱۶ ـ درمورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته‌محل سکنای زن بتراضی طرفین معین میشود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیك طرفین منزل زنرا معین خواهد نمود ودرصورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۷ ـ شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یازن باشد منع کند.

ماده ۱۱۱۸ ـ زن مستقلاً می تواند در دارائی خود هر تصرفی را که میخواهد بکند.

ماده ۱۱۱۹ ـ طرفین عقد ازدواج میتوانند هرشرطی که مخالف بامقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود

ماده ۹۲۶ ـ درصورت اجتماع کلاله ابوینی و ابی وامی کلاله ابی‌ارث نمیبرد.

ماده ۹۲۷ ـ درتمام مواد مذکوره در این مبحث هریك از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه میبرد واین فرض عبارت است ازنصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.
متقربین بمادر هم اعم از اجداد یاکلاله فرض خود را از اصل ترکه میبرند.
هرگاه بواسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود گردد نقص بسر کلاله ابوینی یا ابی یابراجداد ابی وارد میشود.

مبحث سوم ـ درسهم الارث وارث طبقه سوم

ماده ۹۲۸ ـ هرگاه برای میت وراث طبقه دوم نباشد ترکه او بوراث طبقه سوم میرسد.

ماده ۹۲۹ ـ هریك از وراث طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث رامیبرد واگر متعدد باشند ترکه بین آنها برطبق مواد ذیل تقسیم میشود.

ماده ۹۳۰ ـ اگر میت اعمام یااخوال ابوینی داشته باشد اعمام یااخوال ابی ارث نمیبرند درصورت نبودن اعمام یااخوال ابوینی اعمام یااخوال ابی حصه آنها را میبرند.

هر گاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترك انفاق نماید یا برعلیه حیات زن سوءِ قصد کند یاسوءِ رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل درتوکیل باشد که از اثبات تحقق شرط در محکمه وصدورحکم نهائی خودرا مطلقه سازد .

باب دوم ـ درانحلال عقد نکاح

☆ **ماده ۱۱۲۰** ـ عقد نکاح به فسخ یابه طلاق یا بـه بذل مدت در عقد انقطاع منحل میشود .

فصل اول

در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۱ ـ جنون هر یك از زوجین بشرط استقرار اعم ازاینکه مستمر یا

ماده ۹۳۱ ـ هر گاه وارث متوفی چند نفر عمو یاچند نفر عمه باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم میشود درصورتیکه همه آنها ابوینی یاهمه ابی یاهمه امی باشند .
هر گاه عمو وعمه باهم باشند درصورتیکه همه امی باشند ترکه‌را بالسویه تقسیم مینمایند ودرصورتیکه همه ابوینی یاابی حصه ذکور دوبرابر اناث خواهد بود .
ماده ۹۳۲ ـ درصورتیکه اعمام امی واعمام ابوینی یا ابی باهم باشند عم یاعمه امی اگر تنها باشند سدس ترکه باو تعلق میگیرد واگر متعدد باشند ثلث ترکه و این ثلث را مابین خود بالسویه تقسیم میکنند وباقی ترکه به اعمام ابوینی یا ابی میرسد که درتقسیم ذکور دوبرابر اناث میبرد .
ماده ۹۳۳ ـ هر گاه وراث متوفی چند نفر دائی یاچند نفر خاله یاچند نفر دائی وچندنفر خاله‌باهم باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم میشود خواه همه ابوینی خواه همه ابی وخواه همه امی باشند .
ماده ۹۳۴ ـ اگر وراث میت دائی وخاله ابی یا ابوینی یا دائی و خاله امی باشند طرف امی اگر یکی باشد سدس ترکه را میبرد واگر متعدد باشند ثلث آنرا میبرند وبین خود بالسویه تقسیم میکنند ومابقی مال دائی وخاله های ابوینی یاابی است که آنهاهم بین‌خود بالسویه تقسیم مینمایند .

(☆) مواد ۱۱۲۰-۱۱۵۷ درتاریخ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱٤ تصویب شده است .

ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.

ماده ۱۱۲۲ ــ عیوب ذیل درمرد که مانع از ایفاءِ وظیفه زناشوئی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱ ــ عنن بشرط اینکه بعداز گذشتن مدت یکسال از تاریخ رجوع زن بحاکم رفع نشود.

۲ ــ خصی.

۳ ــ مقطوع بودن آلت تناسلی.

ماده ۱۱۲۳ ــ عیوب ذیل درزن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:

۱ ــ قرن.

۲ ــ جذام.

۳ ــ برص.

٤ ــ افضاء.

ماده ۹۳۵ ــ اگر برای میت یك یاچند نفر اعمام بایك یاچند نفر اخوال باشد ثلث ترکه باخوال دوثلث آن باعمام تعلق میگیرد.
تقسیم ثلث بین اخوال بالسویه بعمل میآید لیکن اگر بین اخوال یکنفر امی باشد سدس حصه اخوال باو میرسد واگرچند نفر امی باشند ثلث آن حصه بآنها داده میشود ودرصورت اخیرتقسیم بین آنها بالسویه بعمل میآید.
درتقسیم دوثلث بین اعمام حصه ذکور دوبرابر اناث خواهد بود لیکن اگر بین اعمام یکنفر امی باشد سدس حصه اعمام باو میرسد واگر چندنفر امی باشند ثلث آن حصه بآنها میرسد ودرصورت اخیر آن ثلث را بالسویه تقسیم میکنند.
درتقسیم پنج سدس ویا دوثلث که ازحصه اعمام باقی‌میماند بین‌اعمام ابوینی یاابی حصه وذکوردوبرابر اناث خواهد بود.

ماده ۹۳۶ ــ باوجود اعمام یااخوال اولادآنها ارث نمیبرند مگر درصورت انحصار وارث بیك پسر عموی ابوینی بایك عموی ابی تنها که فقط دراین صورت پسرعمو عمورا از ارث محروم میکند لیکن اگر با پسر عموی ابوینی خال یا خاله باشد یا اعمام متعدد باشند ولو ابی تنها پسرعمو ارث نمیبرد.

۵ ـ زمین‌گیری.

۶ ـ نابینائی از هردو چشم.

ماده ۱۱۲۴ ـ عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور درحال عقد وجود داشته است.

ماده ۱۱۲۵ ـ جنون وعنن درمرد هرگاه بعداز عقدهم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.

ماده ۱۱۲۶ ـ هریك از زوجین که قبل ازعقد عالم بامراض مذکوره درطرف دیگر بوده بعد ازعقد فسخ نخواهد داشت.

ماده ۱۱۲۷ ـ هر گاه شوهر بعد ازعقد مبتلا بیکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که ازنزدیکی با او امتناع نمایدوامتناع بعلت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۱۲۸ ـ هر گاه دریکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد

یك پسر ویك دختر ازطبقه خود را خواهد برد.

ماده ۹۳۷ ـ هر گاه برای میت نه‌اعمام باشد ونه اخوال اولاد آنها بجای آنها ارث میبرند ونصیب هرنسل نصیب کسی خواهد بود که بواسطه او بمیت متصل میشود.

ماده ۹۳۸ ـ درتمام موارد مزبوره دراین مبحث هریك از زوجین که باشد فرض خود را ازاصل ترکه میبرد واین فرض عبارت است ازنصف اصل ترکه برای زوج وربع آن برای زوجه.

متقرب بمادرهم نصیب خود را از اصل ترکه میبرد باقی ترکه مال متقرب بپدر است واگر نقصی هم باشد برمتقربین بپدر وارد میشود.

ماده ۹۳۹ ـ درتمام موارد مذکوره دراین مبحث و دومبحث قبل اگر وارث خنثی بوده و از جمله وراثی باشد که از ذکورآنها دوبرابر اناث میبرند سهم‌الارث او بطریق ذیل معین میشود:

اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم‌الارث یك پسر ازطبقه خود واگر علائم اناثیت غلبه داشته باشد سهم‌الارث یکدختر ازطبقه خود رامیبرد واگر هیچیك از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم‌الارث

معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد.

ماده ۱۱۲۹ ـ درصورت استنکاف شوهر ازدادن نفقه وعدم امکان اجراءِ حکم محکمه والزام اوبدادن نفقه زن میتواند برای طلاق بحاکم رجوع کند وحاکم شوهر اورا اجبار بطلاق مینماید.

همچنین است درصورت عجز شوهر ازدادن نفقه.

ماده ۱۱۳۰ ـ حکم ماده قبل درموارد ذیل نیز جاری است:

۱ ـ در موردیکه شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد.

۲ ـ سوءِ معاشرت شوهر بحدی‌که ادامه زندگانی زن‌را با اوغیرقابل‌تحمل‌سازد.

۳ ـ درصورتیکه بواسطه امراض مسریه صعب‌العلاج دوام زناشوئی برای زن

مبحث چهارم ـ در میراث زوج وزوجه

ماده ۹۴۰ ـ زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده وممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث میبرند.

ماده ۹۴۱ ـ سهم‌الارث زوج وزوجه از ترکه یکدیگر بطوری است که در مواد ۹۱۳ ـ ۹۲۷ و ۹۳۸ ذکر شده است.

ماده ۹۴۲ ـ درصورت تعدد زوجات ربع یاثمن ترکه که تعلق بزوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم میشود.

ماده ۹۴۳ ـ اگر شوهر زن‌خود را بطلاق رجعی مطلقه کند هریك از آنها که قبل از انقضاءعده بمیرد دیگری ازاو ارث میبردلیکن اگر فوت یکی ازآنها بعداز انقضاء عده بوده ویاطلاق بائن باشد ازیکدیگر ارث نمیبرند.

ماده ۹۴۴ ـ اگر شوهر درحال مرض زن خود را طلاق دهد ودرظرف یکسال از تاریخ طلاق بهمان‌مرض بمیرد زوجه‌او ارث میبرداگرچه طلاق بائن باشد مشروط براینکه زن شوهر نکرده باشد.

موجب مخاطره باشد.

ماده ۱۱۳۱ ـ خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع بعلت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط میشود بشرط اینکه علم بحق فسخ وفوریت آن داشته باشد تشخیص مدتیکه برای امکان استفاده از خیار لازم بوده بنظر عرف وعادت است.

ماده ۱۱۳۲ ـ در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست.

فصل دوم ـ درطلاق

مبحث اول ـ در کلیات

ماده ۱۱۳۳ ـ مرد میتواند هروقت که بخواهد زن خود راطلاق دهد.

ماده ۱۱۳۴ ـ طلاق باید بصیغه طلاق ودرحضور لااقل دو نفرمرد عادل که طلاق

ماده ۹۴۵ ـ اگر مردی درحال مرض زنی را عقد کند ودرهمان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمیبرد لیکن اگربعد از دخول یابعد از صحت یافتن ازآن مرض بمیرد زن از او ارثمیبرد.

ماده ۹۴۶ ـ زوج از تمام اموال زوجه ارث میبرد لیکن زوجه از اموال ذیل:

۱) از اموال منقوله ازهرقبیل که باشد.

۲) از ابنیه واشجار.

ماده ۹۴۷ ـ زوجه ازقیمت ابنیه واشجار ارث میبرد ونه ازعین آنها وطریقه تقویم آنست که ابنیه و اشجار بافرض استحقاق بقاء درزمین بدون اجرت تقدیم میگردد.

ماده ۹۴۸ ـ هرگاه درمورد ماده قبل ورثه از اداء قیمت ابنیه واشجار امتناع کنند زن میتواند حق خود را ازعین آنها استیفاء نماید.

ماده ۹۴۹ ـ درصورت نبودن هیچوارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفاة خود را میبرد لیکن زن فقط نصیب خود را وبقیه ترکه شوهر درحکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.

را بشنوند واقع گردد.

ماده ۱۱۳۵ ـ طلاق باید منجز باشد وطلاق معلق بشرط باطل است .

ماده ۱۱۳۶ ـ طلاق دهنده باید بالغ وعاقل وقاصد ومختار باشد.

ماده ۱۱۳۷ ـ ولی مجنون دائمی میتواند درصورت مصلحت مولی علیه زن او را طلاق دهد.

ماده ۱۱۳۸ ـ ممکن است صیغه طلاق را بتوسط وکیل اجرا نمود.

ماده ۱۱۳۹ ـ طلاق مخصوص عقد دائم است وزن منقطعه بانقضاء مدت یابذل آن ازطرف شوهر اززوجیت خارج میشود.

ماده ۱۱۴۰ ـ طلاق زن درمدت عادت زنانگی یادرحال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یاطلاق قبل از نزدیکی بازن واقع شود یاشوهرغائب باشد بطوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند.

ماده ۱۱۴۱ ـ طلاق در طهر مواقعه صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد.

کتاب سوم ـ درمقررات مختلفه

ماده ۹۵۰ ـ مثلی که دراین قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظائر آن نوعاً زیاد وشایع باشد مانند حیوانات ونحوآن وقیمتی مقابل آن است معذالك تشخیص این معنی باعرف میباشد.

ماده ۹۵۱ ـ تعدی تجاوز نمودن ازحدود اذن یامتعارف است نسبت بمال یاحق دیگری .

ماده ۹۵۲ ـ تفریط عبارت است از ترك عملی که بموجب قرارداد یامتعارف برای حفظ مال غیر لازم است .

ماده ۹۵۳ ـ تقصیر اعم است ازتفریط وتعدی.

ماده ۹۵۴ ـ کلیه عقود جائزه بموت احدطرفین منفسخ میشود وهمچنین به سفه درمواردی که رشد معتبر است .

ماده ۹۵۵ ـ مقررات این قانون درمورد کلیه اموریکه قبل از این قانون واقع شده معتبر است .

ماده ۱۱۴۲ ـ طلاق زنی که باوجود اقتضای سن عادت زنانگی نمیشود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی بازن سه ماه گذشته باشد .

مبحث دوم ـ در اقسام طلاق

ماده ۱۱۴۳ ـ طلاق بردوقسم است : بائن ورجعی .

ماده ۱۱۴۴ ـ درطلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست.

ماده ۱۱۴۵ ـ درموارد ذیل طلاق بائن است :

۱ ـ طلاقیکه قبل از نزدیکی واقع شود.

۲ ـ طلاق یائسه .

۳ ـ طلاق خلع ومبارات مادام که زن رجوع بعوض نکرده باشد .

٤ ـ سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی بعمل آید اعم از اینکه وصلت درنتیجه رجوع باشد یادر نتیجه نکاح جدید.

ماده ۱۱۴۶ ـ طلاق خلع آنستکه زن بواسطه کراهتی که‌ازشوهر خود دارد درمقابل مالیکه بشوهر میدهد طلاق بگیرد اعم ازاینکه مال‌مزبور عین مهر یامعادل آن ویابیشتر ویا کمتر ازمهر باشد .

ماده ۱۱۴۷ ـ طلاق مبارات آنستکه کراهت ازطرفین باشد ولی‌دراین‌صورت عوض‌باید زائد برمیزان مهر نباشد .

ماده ۱۱۴۸ ـ درطلاق رجعی برای شوهر درمدت عده حق رجوع است .

ماده ۱۱۴۹ ـ رجوع درطلاق بهرلفظ یافعلی حاصل‌میشود که دلالت بررجوع کند مشروط براینکه مقرون بقصد رجوع باشد.

مبحث سوم ـ در عده

ماده ۱۱۵۰ ـ عده عبارت است از مدتیکه تاانقضای آن زنی که عقد نکاح او

منحل شده است نمیتواند شوهر دیگر اختیار کند.

ماده ۱۱۵۱ ـ عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که دراین صورت عده اوسه‌ماه است.

ماده ۱۱۵۲ ـ عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاءِ آن در مورد نکاح منقطع درغیرحامل دوطهراست مگراینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که دراینصورت چهل و پنج روز است.

ماده ۱۱۵۳ ـ عده‌طلاق وفسخ نکاح وبذل مدت‌وانقضاءِآن درمورد زن حامله تاوضع حمل است.

ماده ۱۱۵۴ ـ عده وفات چه در دائم وچه در منقطع درهرحال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تاموقع وضع حمل است‌مشروط براینکه فاصله بین فوت شوهروضع حمل ازچهارماه وده روزبیشترباشد والامدت عده همان چهارماه و ده روزخواهد بود.

ماده ۱۱۵۵ ـ زنی که بین اووشوهرخود نزدیکی واقع نشده وهمچنین‌زن یائسه نه عده طلاق دارد ونه عده فسخ نکاح ولی عده وفات درهر دومورد باید رعایت شود.

ماده ۱۱۵۶ ـ زنی که شوهراو غایب مفقودالاثر بوده وحاکم اورا طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاهدارد.

ماده ۱۱۵۷ ـ زنی‌که به شبهه با کسی‌نزدیکی‌کند باید عده طلاق نگاهدارد.

کتاب هشتم ـ در اولاد

باب اول ـ در نسب

☆ **ماده ۱۱۵۸** ـ طفل متولد درزمان زوجیت ملحق بشوهر است مشروط بر

☆ مواد ۱۱۵۸ - ۱۲۰۶ درجلسه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۱۴ تصویب شده است.

اینکه از تاریخ نزدیکی تازمان تولد کمتر ازششماه وبیشتر از ده ماه نگذشته‌باشد .

ماده ۱۱۵۹ ـ هرطفلی که بعداز انحلال نکاح متولد شود ملحق بشوهر است مشروط براینکه مادر هنوز شوهر نکرده وازتاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش ازدوماه نگذشته باشدمگر آنکه ثابت‌شود که از تاریخ نزدیکی تازمان‌ولادت کمتر ازششماه ویابیش‌از ده ماه گذشته باشد .

ماده ۱۱۶۰ ـ درصورتیکه عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل بشوهری ملحق میشود که مطابق مواد قبل الحاق‌او بآن شوهر ممکن‌است درصورتیکه مطابق موادقبل الحاق طفل بهر دوشوهر ممکن باشد طفل ملحق بشوهر دوم است مگر آنکه امارات قطعیه برخلاف آن دلالت کند .

ماده ۱۱۶۱ ـ درمورد مواد قبل هر گاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود .

ماده ۱۱۶۲ ـ درمورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید درمدتیکه عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر ازتولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی‌میباشد اقامه‌گردد ودرهرحال دعوی‌مزبور پس از انقضاءِ دوماه ازتاریخ اطلاع یافتن شوهر ازتولدطفل مسموع نخواهد بود .

ماده ۱۱۶۳ ـ درموردیکه شوهرمطلع از تاریخ حقیقی‌تولد طفل نبوده وتاریخ تولد را براومشتبه نموده باشند بنوعی‌که موجب الحاق طفل باو باشدوبعدها شوهراز تاریخ حقیقی تولدمطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دوماه ازتاریخ کشف‌خدعه خواهد بود .

ماده ۱۱۶۴ ـ احکام موادقبل درمورد طفل متولدازنزدیکی به شبهه نیزجاری

است اگرچه مادر طفل مشتبه نباشد .

ماده ۱۱۶۵ ــ طفل متولد از نزدیکی بشبهه فقط ملحق بطرفی میشود که در اشتباه بوده ودرصورتیکه هردو دراشتباه بوده اند ملحق بهردوخواهد بود.

ماده ۱۱۶۶ ــ هرگاه بواسطه وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل باشد نسبت طفل بهریك از ابوین که جاهل بروجود مانع بوده مشروع و نسبت بدیگری نامشروع خواهد بود .

درصورت جهل هردو نسب طفل نسبت بهردو مشروع است .

ماده ۱۱۶۷ ــ طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمیشود .

باب دوم

درنگاهداری وتربیت اطفال

ماده ۱۱۶۸ ــ نگاهداری اطفال هم حق وهم تکلیف ابوین است .

ماده ۱۱۶۹ ــ برای نگاهداری طفل مادر تا دوسال ازتاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضاءِ اینمدت حضانت با پدر است مگر نسبت باطفال اناث که تاسال هفتم حضانت آنها بامادر خواهد بود .

ماده ۱۱۷۰ ــ اگر مادر درمدتیکه حضانت‌طفل بااوست مبتلا بجنون شود یا بدیگری شوهر کند حق حضانت باپدرخواهد بود .

ماده ۱۱۷۱ ــ درصورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل باآنکه زنده است خواهد بود هرچند متوفی پدرطفل بوده وبرای اوقیم معین کرده باشد .

ماده ۱۱۷۲ ــ هیچیك از ابوین حق ندارند در مدتیکه حضانت طفل بعهده آنها است از نگاهداری او امتناع کند درصورت امتناع یکی ازابوین حاکم باید بتقاضای دیگری یابتقاضای قیم یایکی از اقربا ویا بتقاضای مدعی‌العموم نگاهداری

طفل را بهر یك از ابوین که حضانت بعهده اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را بخرج پدر و هر گاه پدر فوت شده باشد بخرج مادر تأمین کند.

ماده ۱۱۷۳ ـ هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه میتواند بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای قیم او یا بتقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی‌را را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.

ماده ۱۱۷۴ ـ درصورتیکه بعلت طلاق یا بهر جهت دیگر ابوین طفل در یك منزل سکونت نداشته باشند هر یك از ابوین که طفل تحت حضانت او نمیباشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان ومکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه بآن در صورت اختلاف بین ابوین با محکمه است.

ماده ۱۱۷۵ ـ طفل را نمیتوان از ابوین ویا ازپدر ویا ازمادری که حضانت با اوست گرفت مگر درصورت وجود علت قانونی.

ماده ۱۱۷۶ ـ مادر مجبور نیست که بطفل خود شیر بدهد مگر در صورتیکه تغذیه طفل بغیر شیرمادر ممکن نباشد.

ماده ۱۱۷۷ ـ طفل باید مطیع ابوین خودبوده ودرهرسنی که باشد بایدبآنها احترام‌کند.

ماده ۱۱۷۸ ـ ابوین مکلف هستند که در حدود توانائی خود بتربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نبایدآنها را مهمل بگذارند.

ماده ۱۱۷۹ ـ ابوین حق تنبیه طفل‌خودرا دارند ولی باستناد این حق نمیتوانند طفل خود را خارج ازحدود تأدیب تنبیه نمایند.

باب سوم

در ولایت قهری پدر وجد پدری

ماده ۱۱۸۰ ــ طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود میباشد و همچنین است طفل غیر رشید یامجنون در صورتیکه عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.

ماده ۱۱۸۱ ــ هریك ازپدر وجد پدری نسبت باولاد خود ولایت دارند.

ماده ۱۱۸۲ ــ هر گاه طفل هم پدر وهم جد پدری داشته باشد و یکی از آن ها محجور یا بعلتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد ولایت قانونی او ساقط میشود.

ماده ۱۱۸۳ ــ در کلیه امورمربوطه باموال وحقوقی‌مالی مولی‌علیه ولی نماینده قانونی او میباشد.

ماده ۱۱۸۴ ــ هر گاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی علیه را نداشته باشد ویادر مورد اموال اومرتکب حیف ومیل گردد بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای مدعی‌العموم بعداز ثبوت عدم لیاقت یاخیانت او دراموال مولی علیه بطرفیت مدعی‌العموم در محکمه حاکم یك نفرامین بولی منضم میکند همین‌حکم درموردی نیز جاری است که ولی طفل بواسطه کبر سن یامرض یاامثال آن‌قادر باداره کردن‌اموال مولی‌علیه نباشد.

ماده ۱۱۸۵ ــ هر گاه ولی قهری طفل محجور شود مدعی‌العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه بتعیین قیم قیمی برای طفل معین کند.

ماده ۱۱۸۶ ــ درمواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت بدارائی طفل امارات قویه موجود باشدمدعی‌العموم مکلف است ازمحکمه ابتدائی رسیدگی‌بعملیات

اورا بخواهد محکمه دراین مورد رسیدگی کرده درصورتیکه عدم امانت اومعلوم شد مطابق ماده ۱۱۸٤ رفتارمینماید .

ماده ۱۱۸۷ ـ هر گاه ولی قهری منحصر بواسطه غیبت یاحبس بهر علتی که نتواند بامور مولی علیه رسیدگی کند و کسی را هم ازطرف خود معین نکرده باشد حاکم یکنفرامین به پیشنهاد مدعی‌العموم برای‌تصدی واداره اموال مولی علیه وسایر امور راجعه باوموقتاً معین خواهد کرد .

ماده ۱۱۸۸ ـ هریك از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری میتواند برای اولاد خودکه تحت ولایت او میباشند وصی معین کند تابعدازفوت خود درنگاهداری وتربیت آنها مواظبت کرده واموال آنها را اداره نماید.

ماده ۱۱۸۹ ـ هیچیك‌از پدر وجد پدری‌نمیتواند باحیات دیگری برای‌مولی علیه خود وصی معین کند.

ماده ۱۱۹۰ ـ ممکن‌است پدر یاجدپدری بکسی که‌بسمت وصایت معین کرده اختیارتعیین وصی بعد فوت خود را برای مولی علیه بدهد .

ماده ۱۱۹۱ ـ اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی علیه ویا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع ازانجام وظایف خود نماید منعزل میشود .

ماده ۱۱۹۲ ـ ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه خود وصی‌غیرمسلم معین کند.

ماده ۱۱۹۳ ـ همینکه طفل کبیر ورشید شد ازتحت‌ولایت‌خارج میشودواگر بعداً سفیه یامجنون شود قیمی برای او معین میشود.

ماده ۱۱۹۴ ـ پدروجد پدری ووصی منصوب ازطرف یکی ازآنان ولی‌خاص طفل نامیده میشود .

کتاب نهم - در خانواده

فصل اول - در الزام به انفاق

ماده ۱۱۹۵ ـ احکام نفقه زوجه همانست که بموجب فصل هشتم از باب اول از کتاب هفتم مقرر شده و برطبق همین فصل مقرر میشود.

ماده ۱۱۹۶ ـ در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.

ماده ۱۱۹۷ ـ کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند بوسیله اشتغال بشغلی وسائل معیشت خود را فراهم سازد.

ماده ۱۱۹۸ ـ کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.

ماده ۱۱۹۹ ـ نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بانفاق بعهده اجداد پدری است بارعایت الاقرب فالاقرب درصورت نبودن پدرواجداد پدری و یاعدم قدرت آنها نفقه برعهده مادراست.

هر گاه مادرهم زنده و یا قادر بانفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد وجدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند نفقه را باید بحصه متساوی تأدیه کنند.

ماده ۱۲۰۰ ـ نفقه ابوین بارعایت الاقرب فالاقرب بعهده اولاد واولاداولاداست.

ماده ۱۲۰۱ ـ هر گاه یکنفر هم درخط عمودی صعودی وهم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که ازحیث الزام به انفاق در درجه مساوی هستند نفقه اورا باید اقارب مزبور بحصه متساوی تأدیه کنند بنابراین اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویاً تأدیه کنند بدون اینکه مادرسهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید مادر واولاد متساویاً بدهند.

ماده ۱۲۰۲ ـ اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند ومنفق نتواند نفقه همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهند بود.

ماده ۱۲۰۳ ـ درصورت بودن زوجه ویك یاچند نفرواجب‌النفقه دیگرزوجه مقدم برسایرین خواهد بود.

ماده۱۲۰۴ ـ نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت بقدر رفع حاجت با درنظر گرفتن درجه استطاعت منفق.

ماده ۱۲۰۵ ـ واجب‌النفقه اعم از زوجه و اقارب میتواند برای مطالبه نفقه خود بمحکمه رجوع کند.

ماده ۱۲۰٦ ـ زوجه در هرحال میتواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی‌شوهر زن مقدم برغرماخواهد بود ولی اقارب فقط نسبت بآتیه میتوانند مطالبه نفقه نمایند.

این قانون که مشتمل بر دویست و پنجاه و یك ماده است در جلسات‌بیست و هشتم بهمن ماه وبیست و یکم‌اسفند ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی‌وهفدهم

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

قانون مدنی

مصوب اول و۱۳ مهرماه و ۸ آبان ماه ۱۳۱٤ (*)

فصل اول ـ درکلیات

ماده ۱۲۰۷ ـ اشخاص ذیل محجور و ازتصرف دراموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند :

۱ ـ صغار .

۲ ـ اشخاص غیررشید .

۳ ـ مجانین.

ماده ۱۲۰۸ ـ غیررشید کسی‌است که تصرفات او دراموال وحقوق مالی‌خود عقلائی نباشد .

ماده ۱۲۰۹ ـ هر کس که دارای هیجده سال تمام نباشد در حکم غیررشید است معذلك درصورتیکه بعد از پانزده سال تمام رشد کسی درمحکمه ثابت شود ازتحت قیمومت خارج میشود.

ماده ۱۲۱۰ ـ هیچ کس را نمیتوان بعد از رسیدن بهیجده سال تمام بعنوان جنون یا عدم رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یاجنون اوثابت شده باشد .

ماده ۱۲۱۱ ـ جنون بهردرجه که باشد موجب حجراست .

ماده ۱۲۱۲ ـ اعمال و اقوال صغیر تاحدی که مربوط باموال و حقوق مالی او باشد باطل وبلااثراست معذلك صغیرممیزمیتواند تملك بلاعوض کند مثل‌قبول‌هبه وصلح بلاعوض وحیازت‌مباحات .

ماده ۱۲۱۳ ـ مجنون دائمی مطلقاً ومجنون ادواری درحال جنون نمیتواند هیچ تصرفی در اموال وحقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی‌یا قیم خود لکن اعمال حقوقی‌که مجنون ادواری در حال افاقه مینماید نافذ است مشروط برآنکه افاقه اومسلم باشد .

ماده ۱۲۱۴ ـ معاملات وتصرفات غیررشید دراموال خود نافذ نیست مگربا اجازه ولی‌یاقیم

(*) از ماده ۱۲۰۷ تا ماده ۱۲۵٦ درتاریخ اول مهرماه و ازماده ۱۲۵۷ تاماده ۱۲۸۳ درتاریخ ۱۳ مهرماه و از ماده ۱۲۸٤ تا ماده ۱۳۳۵ درتاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۱٤ (دوره دهم) بتصویب رسیده است .

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

او اعم از اینکه این اجازه قبلا داده شده باشد یابعد ازانجام عمل .

معذلك تملكات بلاعوض ازهر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است .

ماده ۱۲۱۵ ـ هر گاه کسی مالی را بتصرف صغیر غیرممیز و یا مجنون بدهد صغیر یامجنون مسئول ناقص یاتلف شدن آن مال نخواهد بود .

ماده ۱۲۱۶ ـ هر گاه صغیر یامجنون یا غیررشید باعث ضررغیرشود ضامن‌است .

ماده ۱۲۱۷ ـ اداره اموال صغار ومجانین و اشخاص غیررشید بعهده ولی یاقیم آنان است بطوری که در باب سوم از کتاب هشتم و موادبعد مقرراست .

فصل دوم ـ درموارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸ ـ برای اشخاص ذیل نصب قیم میشود :

۱ ـ برای صغاری که ولی خاص ندارند .

۲ ـ برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشدآنها متصل بزمان صغرآنها بوده و ولی خاص نداشته باشند .

۳ ـ برای مجانین واشخاص غیررشید که جنون یاعدم رشد آنها متصل بزمان صغرآنها نباشد .

ماده ۱۲۱۹ ـ هریك ازابوین مكلف است درمواردیكه بموجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را بمدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود ویا بنماینده او اطلاع داده و از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد .

ماده ۱۲۲۰ ـ درصورت نبودن هیچیك از ابوین یاعدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل بعهده اقربائی است که باشخص محتاج بقیم دریکجا زندگی‌مینمایند .

ماده ۱۲۲۱ ـ اگرکسی بموجب ماده ۱۲۱۸ باید برای اونصب قیم شود زن یاشوهرداشته باشد زوج یا زوجه نیزمکلف بانجام تکلیف مقرر درماده ۱۲۱۹ خواهند بود .

ماده ۱۲۲۲ ـ در هرموردی که مدعی‌العموم بنحوی ازانحاء بوجود شخصی که مطابق ماده

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید بمحکمه شرع رجوع و اشخاصی راکه برای قیمومت مناسب میداند بمحکمه مزبور معرفی کند .

محکمه شرع ازمیان اشخاص مزبور یك یاچند نفر را بسمت قیم معین و حکم نصب او را صادر میکند و نیزمحکمه مزبورمیتواند علاوه برقیم یك یاچند نفررا بعنوان ناظرمعین نماید . دراین صورت محکمه باید حدود اختیارات ناظررا نیزمعین کند اگرمحکمه شرع اشخاصی راکه معرفی شده‌اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از یارکه خواهد خواست .

ماده ۱۲۲۳ - در مورد مجانین مدعی‌العموم باید قبلا رجوع بخبره کرده نظریات خبره را بمحکمه ابتدائی ارسال دارد .

درصورت اثبات جنون مدعی‌العموم بمحکمه شرع رجوع میکند تانصب قیم‌شود درمورداشخاص غیررشید نیزمدعی‌العموم مکلف است که قبلا بوسیله مطلعین اطلاعات کافیه در باب سفاهت او بدست آورده درصورتیکه سفاهت را مسلم دید درمحکمه بدایت اقامه دعوی نماید وپس از صدورحکم عدم رشد برای نصب قیم بمحکمه شرع رجوع نماید .

ماده ۱۲۲۴ - حفظ و نظارت در اموال صغار ومجانین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده بعهده مدعی‌العموم خواهد بود طرز حفظ ونظارت مدعی‌العموم بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین‌خواهد شد .

ماده ۱۲۲۵ - همین که حکم جنون یاعدم رشد یکنفرصادر و بتوسط محکمه شرع برای‌او قیم معین گردید مدعی العموم میتواند حجرآنرا اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر بوضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده واقع گردد الزامی است .

ماده ۱۲۲۶ - اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد بعلّت جنون یا سفه محجور میگردند باید در دفترمخصوص ثبت شود . مراجعه بدفتر مزبور برای عموم‌آزاد است .

ماده ۱۲۲۷ - فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتراسناد رسمی بقیمومت خواهند شناخت

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا ازطرف محضری بعمل آمده باشد که قانوناً قائممقام محکمه شرع محسوب میشود .

ماده ۱۲۲۸ - در خارج ایران مأمورین قنسولی ایران حق دارند نسبت بایرانیان که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و درحوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارك عمل خود را بوسیله وزارت امور خارجه بوزارت عدلیه بفرستند نصب قیم مزبور وقتی قطعی میگردد که محکمه شرع طهران تصمیم مأمور قنسولی را تنفیذ کند .

ماده ۱۲۲۹ - وظایف و اختیاراتی که بموجب قوانین ونظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانین واشخاص غیررشید مقرر است درخارج ایران بعهده مأمورین قنسولی خواهد بود .

ماده ۱۲۳۰ - اگردرعهود وقراردادهای منعقده بیندولت ایران و دولتی که مأمورقنسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا میکنند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفادآن دو ماده را تاحدی که بامقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد .

ماده ۱۲۳۱ - اشخاص ذیل نباید بسمت قیمومت معین شوند :

۱ - کسانیکه خود تحت ولایت یا قیمومت هستند .

۲ - کسانیکه بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند :

سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتك ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت باطفال - ورشکستگی بتقصیر .

۳ - کسانیکه حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عملورشکستگی آنها تصفیه نشده است.

۴ - کسانیکه معروف بفساد اخلاق باشند .

۱۳۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

ه ـ کسیکه خود یا اقرباء طبقه اول‌او دعوائی برمحجور داشته باشد .

ماده ۱۲۳۲ ـ باداشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء محجورمقدم برسایرین‌خواهند بود.

ماده ۱۲۳۳ ـ زن‌نمیتواند بدون رضایت شوهرخود سمت قیمومت را قبول کند .

ماده ۱۲۳۴ ـ درصورتیکه محکمه بیش ازیکنفر را برای قیمومت معین کند میتواند وظایف آنها را تفکیك نماید .

فصل سوم ـ دراختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن

نظارت مدعی‌العموم در امور صغار ومجانین و اشخاص غیر رشید

ماده ۱۲۳۵ ـ مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او درکلیه امورمربوطه باموال وحقوق مالی او با قیم است .

ماده ۱۲۳۶ ـ قیم مکلف است قبل از مداخله درامور مالی‌مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده یك نسخه ازآن را بامضاء خود برای مدعی‌العموم بدایت که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد ومدعی‌العموم یانماینده‌او باید نسبت بمیزان دارائی مولی‌علیه تحقیقات‌لازمه بعمل آورد .

ماده ۱۲۳۷ ـ مدعی‌العموم یا نماینده او باید بعد ازملاحظه صورت دارائی مولی‌علیه مبلغی را که ممکن است مخارج سالیانه مولی علیه بالغ برآن گردد ومبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قیم نمیتواند بیش از مبالغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی‌العموم .

ماده ۱۲۳۸ ـ قیمی که تقصیر درحفظ مال مولی‌علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که ازنقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگرچه نقصان یا تلف مستند بتفریط یا تعدی قیم نباشد .

ماده ۱۲۳۹ ـ هرگاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق بمولی علیه بوده جزو صورت دارائی او قید نکرده ویا باعث شده است که آن مال درصورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر وخسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است بمولی‌علیه وارد شود بعلاوه در صورتیکه عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیم معزول خواهد شد .

ماده ۱۲۴۰ ـ قیم نمیتواند بسمت قیمومت از طرف مولی‌علیه با خود معامله کند اعم از

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

اینکه مال مولی‌علیه را بخود منتقل کند یا مال خود را باو انتقال دهد .

ماده ۱۲۴۱ - قیم نمیتواند اموال غیر منقول مولی‌علیه را بفروشد ویا رهن گذارد یا معامله کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی‌علیه شود مگر بالحاظ غبطه مولی‌علیه و تصویب مدعی‌العموم. در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی‌العموم ملائت قیم میباشد ونیز نمیتواند برای مولی‌علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر باتصویب مدعی‌العموم .

ماده ۱۲۴۲ - قیم نمیتواند دعوی مربوط بمولی‌علیه را بصلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی‌العموم .

ماده ۱۲۴۳ - درصورت وجود موجبات موجه مدعی‌العموم میتواند ازمحکمه ابتدائی تقاضا کند که ازقیم تضمیناتی راجع باداره اموال مولی‌علیه بخواهد .

تعیین نوع تضمین بنظر محکمه است هرگاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل میشود .

ماده ۱۲۴۴ - قیم باید لااقل سالی یك مرتبه حساب تصدی خود را بمدعی‌العموم یانماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یکماه از تاریخ مطالبه مدعی‌العموم حساب ندهد بتقاضای مدعی‌العموم معزول میشود .

ماده ۱۲۴۵ - قیم باید حساب زمان تصدی خودرا پس‌از کبرو رشد یا رفع‌حجر بمولی‌علیه سابق خود بدهد هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی بایـد بقیم‌بعدی داده شود .

ماده ۱۲۴۶ - قیم میتواند برای انجام امرقیمومت مطالبه اجرت کند میزان اجرت مزبور بارعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل میشود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد ومیزان عایدی مولی‌علیه تعیین میگردد .

ماده ۱۲۴۷ - مدعی‌العموم میتواند اعمال نظارت درامور مولی‌علیه را کلا یا بعضاًباشخاص موثق‌یاهیئت یامؤسسه واگذارنماید . شخص یاهیئت یامؤسسه که برای‌اعمال‌نظارت‌تعیین‌شده درصورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده بمولی‌علیه خواهند بود .

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

فصل چهارم ـ در موارد عزل قیم

ماده ۱۲۴۸ ـ درموارد ذیل قیم معزول میشود :

۱ ـ اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده ویا این صفت از اوسلب شود .

۲ ـ اگر قیم مرتکب جنایت و یامرتکب یکی از جنحه‌های ذیل شده و بموجب حکم قطعی محکوم گردد :

سرقت ـ خیانت درامانت ـ کلاهبرداری ـ اختلاس ـ هتك ناموس ـ منافیات‌عفت ـ جنحه نسبت باطفال ـ ورشکستگی بتقصیریا تقلب .

۳ ـ اگر قیم بعلتی غیر ازعلل فوق محکوم بحبس‌شود وبدینجهت نتواند امورمالی مولی‌علیه را اداره کند .

٤ ـ اگرقیم ورشکسته اعلان شود .

٥ ـ اگرعدم لیاقت یا توانائی قیم در اداره اموال مولی علیه معلوم شود .

٦ ـ درمورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲٤۳ و ۱۲٤٤ با تقاضای مدعی‌العموم .

ماده ۱۲۴۹ ـ اگرقیم مجنون یا فاقد رشد گردد منعزل میشود .

ماده ۱۲۵۰ ـ هرگاه قیم درامور مربوطه باموال مولی علیه یاجنحه یا جنایت نسبت بشخص اومورد تعقیب مدعی‌العموم واقع شود محکمه بتقاضای مدعی‌العموم موقتاً قیم دیگری برای‌اداره اموال مولی‌علیه معین خواهد کرد .

ماده ۱۲۵۱ ـ هرگاه زن بی شوهری ولو مادر مولی‌علیه که بسمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یك ماه از تاریخ انعقاد نکاح بمدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد در اینصورت مدعی‌العموم یا نماینده او میتواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید ویاضم ناظر کند .

ماده ۱۲۵۲ ـ درمورد ماده قبل اگرقیم ازدواج خود را درمدت مقرربمدعی‌العموم یانماینده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم میتواند تقاضای عزل او را بکند .

فصل پنجم – درخروج ازتحت قیمومت

ماده ۱۲۵۳ ـ پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع میشود .

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

ماده ۱۲۵۴ - خروج از تحت قیمومت را ممکن است خود مولی علیه یا هر شخص ذینفع دیگری تقاضا نماید تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی‌العموم حوزه‌ای که مولی‌علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او بمحکمه ابتدائی همان حوزه داده شود.

ماده ۱۲۵۵ - در مورد ماده قبل مدعی‌العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً نسبت برفع علت تحقیقات لازمه بعمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید.

درمورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان میشود رفع حجر نیز باید اعلان گردد.

ماده ۱۲۵٦ - رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲٦ و در مقابل اسم آن محجور قید شود.

جلد سوم

در ادله اثبات دعوی

ماده ۱۲۵۷ - هر کس مدعی حقی باشد باید آنرا اثبات کند و مدعی علیه هر گاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج بدلیل باشد اثبات امر برعهده او است.

ماده ۱۲۵۸ - دلائل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱ - اقرار.
۲ - اسناد کتبی.
۳ - شهادت.
٤ - امارات.
۵ - قسم.

کتاب اول - در اقرار

باب اول - در شرایط اقرار

ماده ۱۲۵۹ - اقرار عبارت از اخبار بحقی است برای غیر برضرر خود.

ماده ۱۲٦۰ - اقرار واقع میشود بهر لفظی که دلالت بر آن نماید.

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

ماده ۱۲۶۱ - اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است.

ماده ۱۲۶۲ - اقرارکننده باید بالغ وعاقل وقاصد ومختار باشد بنابراین اقرار صغیر ومجنون درحال دیوانگی وغیرقاصد و مکره مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۳ - اقرار سفیه درامورمالی مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۴ - اقرار مفلس و ورشکسته نسبت باموال خود برضرر دیان نافذنیست.

ماده ۱۲۶۵ - اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی درامور راجعه باموال خود بملاحظه حفظ حقوق دیگران منشاء اثرنمیشود تا افلاس یا عدم افلاس اومعین گردد.

ماده ۱۲۶۶ - در مقرله اهلیت شرط نیست لیکن برحسب قانون باید بتواند دارای آنچه که بنفع او اقرارشده است بشود.

ماده ۱۲۶۷ - اقرار بنفع متوفی درباره ورثه او مؤثر خواهد بود.

ماده ۱۲۶۸ - اقرار معلق مؤثرنیست.

ماده ۱۲۶۹ - اقرار بامریکه عقلا یا عادتاً ممکن نباشد و یا برحسب قانون صحیح نیست اثری ندارد.

ماده ۱۲۷۰ - اقرار برای حمل درصورتی مؤثراست که زنده متولد شود.

ماده ۱۲۷۱ - مقرله اگربکلی مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی‌الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دونفرمعین صحیح است.

ماده ۱۲۷۲ - درصحت اقرار تصدیق مقرله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرارمزبور درحق او اثری نخواهد داشت.

ماده ۱۲۷۳ - اقرار بنسبت در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسیکه بنسب او اقرار شده تصدیق کند مگردر مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده بشرط آنکه منازعی دربین نباشد.

ماده ۱۲۷۴ - اختلاف مقر ومقرله درسبب اقرار مانع صحت اقرارنیست.

باب دوم - درآثار اقرار

ماده ۱۲۷۵ - هر کس اقرار بحقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود.

ماده ۱۲۷۶ - اگر کذب اقرار نزدحاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت.

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

ماده ۱۲۷۷ - انکار بعد از اقرارمسموع نیست لیکن اگر مقرادعا کند که اقرار او فاسد یامبنی براشتباه یاغلط بوده شنیده میشود وهمچنین است درصورتیکه برای اقرارخود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار بگرفتن وجه درمقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر باقرار نیست .

ماده ۱۲۷۸ - اقرارهر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائممقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگردرموردیکه قانون آنرا ملزم قرارداده باشد .

ماده ۱۲۷۹ - اقرار شفاهی واقع در خارج ازمحکمه را در صورتی میتوان بشهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی بشهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد .

ماده ۱۲۸۰ - اقرار کتبی درحکم اقرار شفاهی است .

ماده ۱۲۸۱ - قیددین در دفتر تجار بمنزله اقرارکتبی است .

ماده ۱۲۸۲ - اگر موضوع اقرار در محکمه مقید بقید یا وصفی باشد مقرله نمیتواند آنرا تجزیه کرده ازقسمتی‌ازآن که بنفع‌او است بر ضرر مقراستفاده نماید و ازجزء دیگرآن صرفنظر کند.

ماده ۱۲۸۳ - اگراقرار دارای دوجزء مختلف الاثر باشدکه ارتباط تامی با یکدیگرداشته باشند مثل اینکه مدعی علیه اقرار باخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود مطابق ماده ۱۱۳٤ اقدام خواهد شد .

کتاب دوم ازجلد سوم ـ دراسناد

ماده ۱۲۸۴ - سند عبارت است ازهرنوشته که درمقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد .

ماده ۱۲۸۵ - شهادتنامه سند محسوب نمیشود وفقط اعتبار شهادت را خواهد داشت .

ماده ۱۲۸٦ - سند بردونوع است رسمی و عادی .

ماده ۱۲۸۷ - اسنادی که در اداره ثبت اسناد واملاك ویا دفاتر اسناد رسمی یا درنزد سایر مأمورین رسمی درحدود صلاحیت آنها وبرطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است .

ماده ۱۲۸۸ - مفادسند درصورتی معتبراست که مخالف قوانین نباشد .

ماده ۱۲۸۹ - غیر از اسناد مذکوره درماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است .

۱۳۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

ماده ۱۲۹۰ - اسناد رسمی درباره طرفین و وراث و قائممقام آنان معتبر است واعتبار آنها نسبت باشخاص ثالث درصورتی است که قانون تصریح کرده باشد .

ماده ۱۲۹۱ - اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قائممقام آنان معتبر است :

۱ - اگر طرفی که سند برعلیه او اقامه شده است صدور آنرا از منتسب‌الیه تصدیق نماید .

۲ - هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آنرا تکذیب یا تردید کرده فی‌الواقع امضاء یامهر کرده است .

ماده ۱۲۹۲ - درمقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار وتردید مسموع نیست و طرف میتواند ادعای جعلیت باسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور بجهتی ازجهات قانونی از اعتبار افتاده است .

ماده ۱۲۹۳ - هرگاه سند بوسیله یکی ازمأمورین رسمی تنظیم اسنادتهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرره قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور درصورتیکه دارای امضاء یامهرطرف باشد عادی است .

ماده ۱۲۹۴ - عدم رعایت مقررات راجعه بحق‌تمبر که باسناد تعلق میگیرد سند را از رسمیت خارج نمیکند .

ماده ۱۲۹۵ - محاکم ایران باسناد تنظیم شده در کشور های خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که درآنجا تنظیم شده دارا میباشد مشروط براینکه :

اولاً - اسناد مزبوره بعلتی ازعلل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد .

ثانیاً - مفاد آنها مخالف باقوانین مربوطه بنظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد .

ثالثاً - کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده بموجب قوانین خود یا عهود اسناد تنظیم شده درایران را نیزمعتبر بشناسد .

رابعاً - نماینده سیاسی یا قنسولی ایران درکشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی ویاقنسولی کشور مزبور درایران تصدیق کرده باشد که‌سند موافق‌قوانین‌محل تنظیم‌یافته‌است .

ماده ۱۲۹۶ - هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود بتوسط نماینده سیاسی یا قنسولی خارجه درایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند درمحاکم ایران متوقف

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

براین است که وزارت امورخارجه ویادرخارج طهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند .

ماده ۱۲۹۷ - دفاتر تجارتی درموارد دعوای تاجری برتاجر دیگر درصورتی که دعوی از محاسبات ومطالبات تجارتی حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود مشروط براینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند .

ماده ۱۲۹۸ - دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی بدفتر تاجر استناد کرد نمیتواند تفکیك کرده آنچه را که برنفع او است قبول و آنچه که برضرر او است رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که برضرر اوست ثابت کند .

ماده ۱۲۹۹ - دفتر تجارتی درموارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمیشود :

۱ - درصورتیکه مدلل شود اوراق جدیدی بدفتر داخل کرده‌اند یادفتر تراشیدگی دارد .

۲ - وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی واغتشاشی کشف شود که برنفع صاحب دفتر باشد .

۳ - وقتی که بی‌اعتباری دفترسابقاً بجهتی ازجهات درمحکمه مدلل شده باشد .

ماده ۱۳۰۰ - درمواردی که دفتر تجارتی برنفع صاحب آن دلیل نیست برضرر اوسندیت دارد .

ماده ۱۳۰۱ - امضائی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است .

ماده ۱۳۰۲ - هرگاه در ذیل یاحاشیه یاظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی‌اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبرمحسوب است اگرچه‌تاریخ وامضاء نداشته ویابوسیله خط کشیدن ویانحو دیگر باطل‌شده باشد .

ماده ۱۳۰۳ - درصورتیکه بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده ویا طرف بطلان آن را قبول کند ویا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلا اثرخواهد بود .

ماده ۱۳۰۴ - هرگاه امضای تعهدی در خود تعهدنامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تعهدنامه برعلیه امضاء کننده دلیل است درصورتیکه درنوشته مصرح باشد که بکدام تعهد یامعامله مربوط است .

ماده ۱۳۰۵ - در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبراست حتی برعلیه اشخاص ثالث ولی در

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت درتنظیم آنها داشته و ورثه آنان وکسی که بنفع او وصیت شده معتبر است .

کتاب سوم ـ درشهادت

باب اول ـ درموارد شهادت

ماده ۱۳۰۶ ـ جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچیک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یاقیمتاً بیش از پانصد ریال باشد نمیتوان فقط بوسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که حاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت باظهارات شهود رسیدگی کنند .

ماده ۱۳۰۷ ـ در مورد عقود وایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است بتعهد خود عمل کرده یابنحوی ازانحاء قانونی بری شده است نمیتواند ادعای خود را فقط بوسیله شهادت ثابت کند .

ماده ۱۳۰۸ ـ دعوی سقوط حق ازقبیل پرداخت دین ـ اقاله ـ فسخ ـ ابراء وامثال آنها در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن درمحکمه محرز شده ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد بشهادت قابل اثبات نیست .

ماده ۱۳۰۹ ـ در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد بشهادت اثبات نمیگردد .

ماده ۱۳۱۰ ـ اگرموضوع دعوی عقد یا ایقاع ویا تعهدی بیش ازپانصد ریال باشد نمیتوان آنرا فقط بوسیله شهود اثبات کرد اگرچه مدعی دعوی خود را بپانصد ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرفنظر کند .

ماده ۱۳۱۱ ـ قیمت پانصد ریال در زمان عقد یا ایقاع ویا تعهد مناط است نه موقع مطالبه ولی نسبت به آنچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده مناط قیمت روز مطالبه است .

ماده ۱۳۱۲ ـ احکام مذکور درفوق درموارد ذیل جاری نخواهد بود :

۱ ـ در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت برتعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد .

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

۲ - درمواردی که بواسطه حادثه گرفتن‌سند ممکن نیست ازقبیل حریق وسیل و زلزله وغرق کشتی که کسی مال خود را بدیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال‌درآنموقع ممکن نیست .

۳ - نسبت بکلیه تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمیباشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه خانه‌ها وکاروانسراها و نمایشگاه ها میسپارند ومثل حق‌الزحمه اطباء وقابله همچنین انجام تعهداتی که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهائی که بمقاطعه ونحو آن تعهد شده اگرچه اصل تعهد بموجب سند باشد .

٤ - درصورتی که سند بواسطه حوادث غیرمنتظره مفقود یا تلف شده باشد .

٥ - درموارد ضمان قهری و امور دیگری که داخل درعقود و ایقاعات نباشد .

ماده ۱۳۱۳ - شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمیشود :

۱ - محکومین بمجازات جنائی .

۲ - محکومین بامر جنحه که محکمه درحکم خود آنهارا ازحق شهادت دادن درمحاکم محروم کرده باشد .

۳ - اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قراردهند .

٤ - اشخاص معروف بفساد اخلاق .

٥ - کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد .

٦ - شهادت دیوانه درحال دیوانگی .

ماده ۱۳۱۴ - شهادت اطفالی راکه بسن پانزده سال‌تمام نرسیده‌اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استعمال نمود مگر درمواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد .

باب دوم - درشرایط شهادت

ماده ۱۳۱۵ - شهادت باید از روی قطع ویقین باشد نه بطور شك و تردید .

ماده ۱۳۱٦ - شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگردرلفظ مخالف و درمعنی موافق یاکمتراز ادعا باشد ضرری ندارد .

ماده ۱۳۱۷ - شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنابراین‌اگرشهود باختلاف شهادت دهند قابل اثرنخواهد بود مگر درصورتیکه ازمفاد اظهارات آنها قدرمتیقنی بدست آید .

ماده ۱۳۱۸ - اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد .

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

ماده ۱۳۱۹ - درصورتیکه شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است بشهادت او ترتیب اثرداده نمیشود .

ماده ۱۳۲۰ - شهادت برشهادت درصورتی مسموع است که شاهد اصل وفات‌یافته یابواسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفروحبس وغیره نتواند حاضرشود .

کتاب چهارم - دراماراتی

ماده ۱۳۲۱ - اماره عبارت از اوضاع واحوالی است که بحکم قانون یا درنظر قاضی دلیل بر امری شناخته میشود .

ماده ۱۳۲۲ - امارات قانونی اماراتی است که قانون آنرا دلیل بر امری قرار داده مثل امارات مذکوره دراین قانون ازقبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰۰ - ۱۱۰۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها وسایر امارات مصرحه درقوانین دیگر .

ماده ۱۳۲۳ - امارات قانونی درکلیه دعاوی اگرچه از دعاوی باشد که بشهادت شهود قابل اثبات نیست معتبراست مگرآنکه دلیل برخلاف آن موجود باشد .

ماده ۱۳۲۴ - اماراتی که بنظرقاضی واگذارشده عبارت است ازاوضاع واحوالی درخصوص مورد ودرصورتی قابل‌استناد است که دعوی بشهادت شهود قابل‌اثبات باشد یاادله دیگررا تکمیل کند .

کتاب پنجم - درقسم

ماده ۱۳۲۵ - در دعاوی که بشهادت شهود قابل اثبات است مدعی میتواند حکم بدعوی خود را که مورد انکار مدعی‌علیه است منوط بقسم او نماید .

ماده ۱۳۲۶ - در موارد ماده فوق مدعی‌علیه نیز میتواند درصورتیکه مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم بدعوی را منوط بقسم مدعی کند .

ماده ۱۳۲۷ - مدعی یا مدعی‌علیه درمورد دو ماده قبل در صورتی میتواند تقاضای قسم از طرف دیگرنماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب‌به‌شخص آن طرف باشد . بنابراین در دعاوی بر صغیر ومجنون نمیتوان قسم را بر ولی یا وصی یاقیم متوجه کرد مگرنسبت باعمال صادره ازشخص آنها آنهم مادامی که بولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند وهمچنین است درکلیه مواردی که امرمنتسب بیك طرف باشد .

۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

ماده ۱۳۲۸ - کسی که قسم متوجه او شده است درصورتیکه نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یاقسم را بطرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آنرا بطرف دیگر رد نماید نسبت بادعائی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم میگردد.

ماده ۱۳۲۹ - قسم بکسی متوجه میگردد که اگر اقرارکند اقرارش نافذ باشد.

ماده ۱۳۳۰ - تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی میتواند طرف راقسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمیتواند بجای موکل قسم یادکند.

ماده ۱۳۳۱ - قسم قاطع دعوی است و هیچگونه اظهاری که منافی باقسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۱۳۳۲ - قسم فقط نسبت باشخاصی که طرف دعوی بوده‌اند وقائممقام آنها مؤثر است.

ماده ۱۳۳۳ - در دعوی برمتوفی درصورتی که اصل حق ثابت شده وبقاء آن درنظرحاکم ثابت نباشد حاکم میتواند ازمدعی بخواهد که بربقاء حق خود قسم یادکند.

در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمیتواند قسم را بمدعی‌علیه رد کند.

حکم این ماده درموردیکه مدرك دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود.

ماده ۱۳۳٤ - درمورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرارکرده است میتواند نسبت بآنچه که مورد ادعای او است ازطرف مقابل تقاضای قسم کند.

مگراینکه مدرك دعوی مدعی سند رسمی یاسندی باشد که اعتبارآن درمحکمه محرزشده است.

ماده ۱۳۳۵ - در دعاوی ذیل قسم مورد ندارد:

۱ - دعاوی که یك طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکتها هستند.

۲ - دعاوی راجع بضرر و زیان ناشی ازجرم و خسارت ناشی ازمحاکمه.

۳ - دعاوی تصرف عدوانی.

٤ - دعوی مزاحمت درصورتی که منتهی باختلاف درحقی که موجب مزاحمت شده است نباشد.

٥ - دعوی راجع باصل امتیازاتی که ازطرف دولت داده میشود.

٦ - دعاوی راجعه بعلائم صنعتی واسم وعلائم تجارتی وحق‌التصنیف وحق‌اختراع وامثال‌اینها.

این قانون که مشتمل بریکصد وبیست ونه ماده است درجلسات اول و سیزدهم مهرماه و هشتم آبان ماه یکهزار و سیصد و چهارده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

و نوزدهم و بیستم فروردین ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی

مصوب ۲۳ اسفندماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده ـ ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی نسخ و ماده ذیل بجای آن تصویب میشود :

ماده ۱۹ ـ جزاهای تبعی از قرار ذیل است :

۱ ـ محرومیت از حقوق اجتماعی .

۲ ـ ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص .

۳ ـ اقامت اجباری در محل مخصوص .

کسی که بموجب حکم قطعی محکوم بمجازات جنائی گردد از کلیه حقوق اجتماعی محروم می‌شود اگرچه مجازات مزبور در اثر تکرار جرم معین شده باشد جز در مواردی که قانون صراحتاً ترتیب دیگری مقرر داشته است .

هر کس که بموجب حکم قطعی و بعلت ارتکاب یکی از جنحه های مذکور ذیل بیش از یکماه حبس تأدیبی محکوم شود در مدت پنجسال ازحق استخدام رسمی دولتی‌ومملکتی محروم میشود وهرگاه مدت حبس تأدیبی تا یکماه باشدمدت محرومیت از حق استخدام رسمی مملکتی ودولتی دو سال خواهد بود جنحه های مزبور از قرار ذیل است :

۱ ـ کلیه جنحه های مضر بمصالح عمومی که در باب دوم قانون مجازات یا

بموجب قوانین جزائی پیش‌بینی شده است .

۲ ــ سرقتهای جنحه .

۳ ــ کلاهبرداری .

٤ ــ خیانت در امانت .

محکمه جنحه میتواند مجرم را بعلاوه مجازات اصلی که بموجب قانون مقرر است بمحرومیت از بعضی حقوق مذکور در ماده ۱۵ نیز محکوم کند در این صورت محکمه باید مدت محرومیت را صریحاً معین نماید و مدت مزبور نمیتواند از مدتی که بموجب ماده ۵۷ برای اعاده حیثیت مقرر است تجاوز کند وهمچنین دیوان‌جنائی ومحکمه جنحه میتوانند‌در‌ضمن حکم خود‌مقرر دارند که محکوم علیه پس‌از‌اجرای مجازات اصلی در مدت معینی از اقامت در محل مخصوص ممنوع بوده ویا باقامت در‌محل مخصوص مجبور باشد مدت مزبور نمیتواند از مدتی کــه بموجب ماده ۱٦ مقرر است زیادتر باشد مگر اینکه قانون در موارد خاصی‌صریحاً مدت بیشتری معین‌کرده‌باشد .

تبصره ــ اشخاصی کــه قبل از تصویب این قانون بــه حکم قطعی محکوم شده اند از حیث استخدام در ادارات دولتی ومملکتی مشمول این‌قانون‌خواهند بود.

چون بموجب قانون ۲۳ مهرماه ۱۳۱۲ « وزیر عدلیه مجاز است لوایح‌قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده وپس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است‌معلوم شود رفع وقوانین‌مزبوره‌را تکمیل نموده‌ثانیاً برای تصویب‌بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید » علیهذا « قانون اصلاح ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی » مشتمل بریك ماده که درتاریخ بیست‌وسوم اسفند ماه یکهزارو سیصدو دوازده‌شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

الحاق ماده ٤٥ مکرر بقانون مجازات عمومی

مصوب ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده‌واحده ـ ماده ذیل تحت نمره ٤٥ مکرر بقانون مجازات عمومی افزوده میشود :

ماده ۴۵ مکرر ـ در موارد تکرار یا تعدّد جرم و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون مجرم باید بحد اکثر مجازات محکوم شود هر گاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند میتواند مرتکب را بکمتر از حد اکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را بکمتر از حد اقل تنزیل دهد و هر گاه مجازات مقرر بدون حد اقل و اکثر باشد محکمه میتواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یکدرجه و در سایر موارد فقط تا معادل یکربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه پانزدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

الحاق ماده ۱۷۵ مکرر بقانون مجازات عمومی

مصوب ۳ خرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده‌واحده ـ ماده ذیل تحت نمره ۱۷۵ مکرر بقانون مجازات عمومی افزوده می‌شود :

ماده ۱۷۵ مکرر ـ هر گاه در قتل یا ضرب یا جرح عمدی که در غیر مورد منازعه واقع شده دو یا چند نفر دخالت نمایند بدون اینکه معلوم گردد مرتکب اصلی کدام یك است هر یك از مداخله کنندگان در صورت وقوع قتل بسه الی ده سال حبس با اعمال شاقه ودرصورت وقوع جرح یاضرب برحسب مورد به‌مجازاتهای مقرر درماده ۱۷۲ ویا ماده ۱۷۳ محکوم میگردد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه سوم خرداد ماه یکهزارو سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح ماده ۲۰۵ قانون مجازات عمومی

مصوب ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ ماده ۲۰۵ قانون مجازات عمومی نسخ و ماده ذیل بجای آن تصویب میشود :

ماده۲۰۵ ـ هر کس جسد متوفائی‌را پنهان کند از یکماه از ششماه حبس خواهد شد . واگر جسد جسد شخص مقتولی باشد مرتکب برطبق ماده ۱۷۸مجازات میشود و هر گاه شرکت در جنایت نیز نموده باشد بمجازات شرکت در جنایت محکوم خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و دوم اسفند ماه یکهزارو سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون

اصلاح مواد ۲۰۷ الی ۲۱۴ قانون مجازات عمومی

مصوب ۲۹ شهریورماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده‌واحده ـ فصل پنجم از باب سوم قانون مجازات عمومی (از ماده ۲۰۷ تا ۲۱۴) و همچنین ماده واحده مصوب ۷ اردیبهشت ۱۳۱۰ در آن قسمتی که راجع باصلاح ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی است نسخ و مواد ذیل بجای آن تصویب می‌شود :

فصل پنجم

در جنحه و جنایات بر ضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی

ماده ۲۰۷ ـ الف ـ هر کس بعنف یا تهدید هتك ناموس زنی را بنماید بحبس با اعمال شاقه از سه سال تاده سال محکوم خواهدشد وهمین مجازات مقرر است درباره کسی که مرتکب لواط شود .

در صورت وجود یکی از علل مشدّده ذیل مرتکب بحد اکثر مجازات مزبور محکوم میشود .

۱ ـ هرگاه مرتکب معلم یا لله یا مستخدم مجنی علیه یا مستخدم کسی باشد که نسبت بمجنی علیه سمت صاحب اختیاری دارد یا کسی‌باشد که مجنی‌علیه درتحت اختیار یانفوذ او واقع شده .

۲ ـ اگر مجنی علیه کمتراز ۱۸ سال تمام داشته باشد .

۳ ـ اگر مجنی علیه زن شوهردار باشد .

٤ ــ اگر مجنی‌علیه دختر باکره بوده باشد .

٥ ــ اگر مجنی علیه بواسطه ضعف قوای دماغی یا بدنی قادر بمقاومت نبوده باشد .

٥ ــ اگر مرتکب مرد متأهل باشد .

٦ ــ در مورد لواط هرگاه بعنف یا تهدید باشد .

هرگاه مرتکب از اقرباءِ نسبی تا درجه سوم و یا از اقربای سببی درجه اول مجنی‌علیه (اعم از ذکور و یا اناث) ویاقیم او باشد ویا مأمور دولت باشد که‌مجنی‌علیه از طرف مقامات رسمی باو سپرده شده ویا از محارم مجنی علیه باشد مجازات او حبس مؤبد با اعمال شاقه خواهد بود .

ب ــ هرکس بدون عنف یا تهدید هتك ناموس زنی را بنماید که بیش از ۱٥ سال داشته ولی بسن ۱۸ سال تمام نرسیده است بحبس با اعمال شاقه ازسه تاهفت‌سال محکوم خواهد شد .

در صورت وجود یکی از علل مشدّده مذکور در قسمتهای ۱ و ۳ و ٤ و٥ و٦ بند الف مرتکب بحد اکثر مجازات مزبور محکوم میشود .

طرف ارتکاب که تمکین ازآن‌نموده نیز بمجازات حبس دردارالتأدیب ازیکسال الی پنجسال محکوم خواهد شد .

در صورتیکه مرتکب یکی ازاشخاص مذکور درقسمت اخیر بند الف‌اینماده باشد مجازات او حبس مؤبد با اعمال شاقه خواهد بود .

هرگاه مجنی علیه ۱٥ سال تمام یا کمتر داشته باشد مجازات مرتکب همان است که بموجب بند الف این ماده برای هتك ناموس بعنف یا تهدید مقرر شده است .

ج ـ در غیر موارد مذکور در دو بند فوق هرکس هتك ناموس یکی ازمحارم خود را بنماید به ۱۰ تا ۱۵ سال حبس با أعمال شاقه محکوم خواهد شد .

و همین مجازات مقرر است برای طرف مقابل که تمکین به ارتکاب نموده است .

ماده ۲۰۸ ـ الف ـ هر کس نسبت بدیگری بعنف یا تهدید مرتکب عمل منافی عفتی غیراز هتك ناموس گردد بحبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد . و هر گاه جرم بواسطه موانع خارجی که اراده مرتکب درآن مدخلیت نداشته است واقع نشود مجازات مرتکب از سه ماه تایکسال خواهد بود .

در صورت وجود یکی از علل مشدّده مذکور در قسمت های ۱ و ۲ و ۳ و ٤ و ٥ و ٦ بند الف ماده ۲۰۷ مرتکب بحد اکثر مجازات مذکور فوق محکوم میشود .

در صورتیکه مرتکب یکی ازاشخاص مذکور درقسمت اخیر بند الف ماده ۲۰۷ باشد بحبس مجرد از دو تا پنجسال محکوم میشود .

هر گاه نتیجه جرم مذکور در اینماده ازاله بکارت مجنی علیها باشد مجازات مرتکب همان است که بموجب بند الف ماده ۲۰۷ مقرر شده است .

نسبت باحکام مذکور در اینماده ورود مرد اجنبی بفراش زن بدون رضای او و بقصد ارتکاب عمل منافی عفت عنف محسوب میشود .

ب ـ هرکس بدون عنف یا تهدید نسبت بطفلی که بیش از ۱۵ سال داشته ولی بسن ۱۸ سال تمام نرسیده است مرتکب عمل منافی عفت غیر از هتك ناموس گردد بحبس تأدیبی از ششماه تا دو سال محکوم میشود .

هر گاه مجنی علیه پانزده سال تمام یا کمتر داشته باشد مجازات مرتکب همان است که دربند الف اینماده ذکر شده است .

در صورت وجود یکی از علل مشدّده مذکور در فقره ۱ و ۳ و ٤ و٥ و٦ بند الف ماده ۲۰۷ مرتکب بحد اکثر مجازات مذکور فوق محکوم خواهد شد .

ماده ۲۰۸ مکرر - هر کس ازاله بکارت دختری را بنماید و عمل او مشمول هیچیك از دوماده قبل نباشد بحبس تأدیبی از یك تا دوسال محکوم خواهد شد .

ماده ۲۰۹ - الف ـ هر کس بعنف یا تهدید و یاحیله کسی را برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن بعمل مزبور برباید یا مخفی کند بحبس مجرد از دو تا پنجسال محکوم خواهد شد . مگر اینکه بمیل خود وقبل ازصدور قرار مجرمیت و بدون اینکه نسبت به مجنیعلیه مرتکب عمل منافی عفتی شده باشد اورا بمنزلی که ازآنجا ربوده و یا بمنزل کسان او ویا بمحل مطمئنی که در دسترس کسان او باشد برساند که در این صورت مرتکب به یکماه الی ششماه حبس تأدیبی محکوممیشود .

در صورت وجود یکی از علل مشدّده مذکوره در فقره ۱ و ۲ و۳ و ٤ و ٥ و٦ بند الف ماده ۲۰۷ مرتکب بحد اکثر مجازات فوق محکوم میشود .

ب ـ هر کس بعنف یا تهدید یا حیله شخصاً یا بوسیله دیگری زنی را برای ازدواج با او برباید یا مخفی کند بحبس تأدیبی از یك تا سه سال محکوم خواهد شد مگر اینکه مرتکب بمیل خود و قبل از صدور قرار مجرمیت بدون اینکه نسبت بمجنی علیها مرتکب عمل منافی عفتیشدهباشد او را بمنزلی که از آنجا ربوده و یا بمنزل کسان او و یا بمحل مطمئنی که در دسترس کسان او باشد برساند که در این صورت بحبس تأدیبی از هشت روز تادوماه محکوم میشود .

درصورت وجود یکی از علل مشدّده مذکوره درفقره ۱ و ۲ و ۳ و ٤ و ٥ و ٦

بند الف ماده ۲۱۷ مرتکب بحد اکثر مجازات مقرر فوق محکوم می‌شود .

ج ـ اگر کسی شخصی را که بیش از ۱۵ سال داشته ولی بسن ۱۸ سال تمام نرسیده است با رضایت او برای عمل منافی عفت برباید یا مخفی کند بحبس تأدیبی از یك تا سه سال محکوم خواهد شد .

د ـ هر کس شخصاً یا بوسیله دیگری زنی را که بیش از ۱۵ سال داشته ولی بسن ۱۸ سال تمام نرسیده است با رضایت او برای ازدواج با او برباید یا مخفی کند بحبس تأدیبی از سه‌ماه تا یکسال محکوم خواهد شد .

هر گاه جرمهای مذکور در بند(ج) و (د) این ماده در مورد کسی واقع شود که ۱۵ سال یا کمتر دارد مجازات مرتکب همان مجازاتی است که برای ارتکاب بعنف مقرر است .

در مورد بند (ب) و (د) این ماده اگر مجنی‌علیها راضی بازدواج گشته و قبل ازصدور قرار مجرمیت ازدواج هم بعمل آمده باشد دیگر مرتکب تعقیب نخواهدشد مگر اینکه مطابق‌مقررات قانون ازدواج قابل‌تعقیب باشد که در اینصورت‌بمجازات مقرر درآن‌قانون محکوم میشود .

درموارد مذکور دراین‌ماده اگر عمل‌مرتکب مشمول یکی از موادديگراین فصل‌باشد که مستلزم مجازات سخت‌تراست مرتکب بمجازات اشد محکوم خواهدشد .

ماده۲۱۰ ـ هر کس علناً عملی مرتکب شود کـه منافی عفت است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار مینماید بحبس تأدیبی از یکماه تا یکسال یا بتأدیه ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال جزای نقدی‌محکوم خواهد شد .

ماده۲۱۱ ـ اشخاص ذیل بحبس تأدیبی از ششماه تا سه سال و بتأدیه غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال محکوم میشوند :

۱ ـ کسی که عادتاً جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور واناث بفساد اخلاق ویا شهوترانی تشویق کند ویافساداخلاق ویا شهوترانی آنها را تسهیل نماید.

۲ ـ کسیکه عادتاً دیگری‌را اعم ازذکور واناث‌بمنافیات‌عفت وادارد یاوسایل ارتکاب را برای او فراهم سازد.

۳ ـ قواد و یا کسیکه فاحشه‌خانه‌ای دایر ویا اداره کند و یا زنی را برای شهوترانی غیراجیر کند.

٤ ـ کسی که جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را برای شهوترانی غیر ببرد و یا او را وادار برفتن کند ویا او را برای این مقصود اجیر کند اگر مرتکب یکی از جرم‌های فوق شوهر یا پدر یا مادر یا قیم یا یکی از اشخاص دیگر مذکور در قسمت اخیر بند الف ماده ۲۰۷ باشد بدوسال تا چهار سال حبس مجرد محکوم خواهد شد. همین حکم در موردی نیز مقرر است که مرتکب متوسل بعنف یا تهدید شده باشد ویا شخصی که در مورد او جرم واقع شده است سابقه فحشاءِ اخلاقی نداشته باشد.

حکم بمجازاتهای مذکوره در این ماده در صورتی نیز صادر خواهد شد که شروع وارتکاب جرم در مملکت واحد بعمل نیامده باشد.

ماده ۲۱۱ مکرر ـ در تمام موارد مذکور در مواد این فصل هرگاه سن مجنی علیه مؤثر در مجازات مرتکب باشد مرتکب نمیتواند متوسل بجهل خود برسن او گردد.

ماده ۲۱۲ ـ کسانیکه عالماً مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند بحبس تأدیبی از ششماه تاسه سال محکوم خواهند شد:

۱ ـ هرزن شوهردار که بامردی رابطه نامشروع داشته باشد.

۲ ـ هرمرد زن دار که بازنی رابطه نامشروع داشته باشد .

۳ ـ هرمردی که با زن شوهردار رابطه نامشروع داشته‌باشد .

٤ ـ هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است مزاوجت نماید .

٥ ـ هرمردی که زن شوهردار یازنی را که درعده دیگری‌است ازدواج‌کند .

٦ ـ هر عاقدی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی تزویج کند .

در مورد فقره ۲ اینماده زوجه و در مورد فقره ۱ و ۳ زوج تنها سمت مدعی خصوصی داشته و تعقیب جزائی موکول بشکایت اوست .

در صورت استرداد شکایت تا صدورحکم نهائی ازطرف مدعی خصوصی تعقیب جزائی موقوف میشود .

در مورد سایرفقرات نیزشوهرسمت مدعی خصوصی داشته ولی تعقیب جزائی موکول بشکایت او نمیباشد .

ماده۲۱۲مکرر ـ هر کس مرتکب یکی از جرمهای مذکور در ماده ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۸ مکرر و ۲۰۹ گردد علاوه بر مجازاتهای مقرر بتأدیه خسارات معنوی مجنی‌علیه که درهرحال کمتراز۵۰۰ ریال نخواهدبودمحکوم میشود . بنفع مجنی‌علیهی که فحشاءِ اخلاقی او مسلم باشد حکم خسارات دادة نخواهد شد .

در مورد جنحه وجنایات مذکور در مواد ۲۰۷ و۲۰۸ و ۲۰۸ مکرر و فقره دوم مـاده ۲۱۲ اگر ازدواج بین مرتکب و مجنی علیها ممکن بوده و این ازدواج بعمل آید متهم و شرکاء یا معاونین او اگر باشند از تعقیب و مجازات معاف خواهند شد .

❀ **ماده۲۱۳ـالف** ـ اشخاص ذیل بحبس تأدیبی ازششماه تا دوسال محکوم خواهند شد :

❀ ـ این ماده بموجب قانون ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۳ اصلاح شده است .

۱ ـ هر کس که عایدات حاصله از فحشاء زنی را وسیله تمام یاقسمتی ازمعیشت خود قراردهد.

۲ ـ هر کس که فاحشه را درشغل فاحشه گی حمایت کند.

ب ـ هر کس زنی را برای رفتن بخارجه تشویق کند و یا مسافرت اورا بخارجه تسهیل نماید و عالم باشد باینکه آن زن در خارجه بشغل فاحشه گی مشغول خواهد شد بحبس تأدیبی ازیکسال تا سه سال محکوم میشود.

در موارد ذیل مرتکب بحبس تأدیبی از دوسال تا چهارسال محکوم خواهد شد:

۱ ـ در صورتیکه زن کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد.

۲ ـ درصورتیکه مرتکب برای انجام مقصود خود بعنف یا تهدید ویاحیله متوسل شده باشد.

ماده۲۱۳مکرر ـ اشخاص ذیل بحبس تـأدیبی از یکماه تا یکسال محکوم خواهند شد:

۱ ـ هر کس نوشته یا طرح یا گراور یا نقاشی یاتصاویریامطبوعات یااعلانات یا علائم یا فیلم سینما و بطور کلی هر شیئی دیگری را کـه عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع و یا معرض انظار عمومی گـذاردن بسازد نگاه بدارد.

۲ ـ هر کس اشیاءِ مذکور در فوق را شخصاً یا بوسیله دیگری وارد یا صادر کند و بنحوی از انحاء آنها را منتشر نماید.

۳ ـ هر کس ولو بطریق غیر علنی تجارت اشیاءِ فوق را بنماید و یا بنحوی از انحاء متصدی یا واسطه هرقسم معامله راجع بآنها گردد و یا آنها را منتشر کـرده و یا بمعرض انظار عمومی گذارد و یا معمولا از کرایه دادن اشیاءِ مذکـور تحصیل مال نماید.

٤ ـ هر کس برای تشویق بمعامله اشیاءِ مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء بنحوی از انحاء اعـلان یا اعلام نماید که فلان شخص فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق میباشد و همچنین هر کس اعلان یا اعلام نماید که چگونه یابوسیله چه اشخاص

یکی از اشیاءِ مذکور فوق را میتوان مستقیماً یابطور غیرمستقیم بدست آورد محکمه حاکمه باید حکم ضبط یا معدوم نمودن اشیاءِ مذکور را بدهد .

مفاداین ماده شامل اشیائی نخواهد بود که ازمحصولات صنایع مستظرفه محسوب و یا جنبه علمی داشته و برای مقاصد علمی باشخاصیکه سن آنها بیش از۱۸ سال است فروخته شده و یا در موزه ها بمعرض انظار عموم گذارده میشود .

ماده۲۱۴ ـ هر کس حاضر برای دادن مخارج ضروری زن خود درصورت تمکین زن نشود و طلاق هم ندهد بحبس تأدیبی ازسه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد .

هر کس باداشتن استطاعت نفقه سایر اشخاصی را که مطابق قانون واجب النفقه او میباشند ندهد بمجازات فوق محکوم خواهد شد .

درمورداین ماده تعقیب منوط بشکایت مدعی خصوصی است ودرصورت استرداد شکایت یا انجام یکی از دوشق مذکور در قسمت اول این ماده (دادن مخارج یا طلاق) تعقیب و یا اجرای حکم موقوف میشود .

ماده۲۱۴مکرر ـ الف ـ از نقطه نظرقوانین جزائی (خواه این قانون وخواه قوانین جزائی دیگر) مقصود از ارتکاب عمل بطور علنی ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است اعم از اینکه محل ارتکاب از امکنه عمومی باشد و یا ارتکاب آن در امکنه ایست که معدّ برای پذیرفتن عموم باشد از قبیل حمام های عمومی و قهوه خانه ها ونمایشگاه و مانند آن .

ب ـ هر کس یکی ازجرائم مذکوره دراین فصل را ازروی غرض بکسی نسبت بدهد در صورتیکه جرم مزبور درمحکمه ثابت نشود مفتری بنصف حداقل مجازاتیکه نسبت داده محکوم خواهد شد . ودرصورتیکه جرم مستلزم مجازات حبس مؤبد بااعمال شاقه باشد مفتری بحبس موقت با اعمال شاقه که کمتر از سه سال نباشد محکوم

خواهد شد .

در صورتیکه مفتری از مأمورین کشف جرائم باشد مجازات او ضعف مجازات فوق است .

ج ـ وزارتین عدلیه وداخله میتوانند مقرراتی را که برای جلوگیری ازانتشار فحشاء لازم بدانند تنظیم کنند مشروط براینکه مجازاتی که بموجب آن معین میشود از دو ماه حبس تأدیبی و از یکهزار ریال جزای نقدی تجاوز نکند .

چون بموجب قانون ٤ تیر ماه ۱۳۱۲ « وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که درضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید» علیهذا (قانون اصلاح مواد ۲۰۷الی ۲۱٤ قانون مجازات عمومی) مشتمل بریك ماده که در تاریخ بیست و نهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح ماده ۲۱۳ قانون مجازات عمومی

مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ ماده۲۱۳قانون مجازات عمومی که بموجب قانون ۲۹ شهریور ماه ۱۳۱۲ اصلاح شده است نسخ و بجای آن ماده ۲۱۳ ذیل تصویب میشود :

ماده ۲۱۳ ـ الف ـ اشخاص ذیل بحبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد:

۱ ـ هر کس عایدات حاصله از فحشاءِ زنی را وسیله تمام یا قسمتی ازمعیشت خود قرار دهد.

۲ ـ هر کس فاحشه را در شغل فاحشه گی حمایت کند.

ب ـ هر کس زنی را باعلم باینکه آن زن درخارجه بشغل فاحشه گی مشغول خواهد شد برای رفتن بخارجه تشویق کند و یا مسافرت او را بخارجه تسهیل نماید و یا او را ولو با رضایت خودش بخارجه ببرد و یا برای رفتن آنجا اجیر کند بحبس تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم میشود اگر چه اعمال مختلفه که مبانی جرم محسوب میشود درممالك مختلفه صورت گرفته باشد. درموارد ذیل مرتکب بحداکثر مجازات مزبور محکوم خواهد شد:

۱ ـ در صورتیکه زن کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد.

۲ ـ در صورتیکه مرتکب برای انجام مقصود خود بعنف یا تهدید متوسل شده باشد ـ هرگاه مرتکب یکی از اشخاص مذکور در قسمت اخیر بند الف ماده ۲۰۷ باشد مجازات او حبس باکار اجباری از دوتا پنجسال خواهد بود. درمورد بند ب این ماده شروع بارتکاب نیز قابل مجازات است.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و هشتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

الحاق ماده ۲۲۷ مکرر بقانون مجازات عمومی

مصوب ۱۸ شهریور ماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده ـ ماده ذیل در تحت نمره ۲۲۷ مکرر بعد از ماده ۲۲۷ قانون مجازات عمومی به قانون مزبور اضافه و از تاریخ اول مهر ماه ۱۳۱۲ بموقع اجـرا گذارده میشود :

ماده۲۲۷مکرر ـ در مـورد دو ماده فوق هر گاه مدعـی خصوصی بـا متهم بسرقت قرابت نسبی درجه اول دوم یا سوم و یا قرابت سببی درجه اول یا دوم داشته باشد تعقیب با گذشت مدعی خصوصی موقوف میشود اگر چه میزان مـال بیش از صد وپنجاه ریال بوده وعین یا قیمت آن نیز بصاحب یا صاحبانش مسترد نشده باشد .

چون بموجب قانون ٤ تیر ماه ۱۳۱۲ ، وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را کـه بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس ازآزمایش آنها درعمل نواقصی را که درضمن جریان ممکن‌است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید ، علیهذا (قانون الحاق ماده ۲۲۷ مکرر بقانون مجازات عمومی) مشتمل بر یك ماده که در تاریخ هیجدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای‌ملی رسیده قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

مجازات صادرکنندگان چك بدون محل

مصوب ۸ امرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ ماده ذیل در تحت نمره (۲۳۸) مکرر بقانون مجازات عمومی افزوده میشود :

ماده ۲۳۸ مکرر ـ الف ـ هر کس بدون داشتن محل اعم از وجه نقد یا اعتبار چك صادر نماید بجزای نقدی معادل عشر وجه چك محکوم میشود و اگر محل کمتر ازمبلغ چك باشد جزای نقدی به نسبت تفاوت بین محل موجود ومبلغ چك اخذخواهد شد و در هرصورت میزان جزای نقدی نباید کمتر از دویست ریال باشد .

ب ـ هر کس از روی سوءِ نیت بدون محل و یا بیشتر از محلی که دارد چك صادر کند و یا پس از صادر کردن چك تمام یا یك قسمت وجهی را که باعتبار آن چك صادر کرده بنحوی از انحاء از محال علیه پس بگیرد به حبس تأدیبی از ششماه تا دو سال و بتأدیه جزای نقدی که نباید ازدوبرابر وجه چك بیشتر و ربع آن کمتر باشد محکوم خواهد شد .

جرائم مذکور در فوق بدون شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب نیست استرداد شکایت در مورد الف این ماده در تمام مراحل مانع تعقیب و مجازات است .

هر گاه صادرکننده چك در ظرف پنجروز از تاریخ ابلاغ اظهاریه رسمی یا از تاریخ اعتراضنامه وجه چك را نپردازد سوءِ نیت او محرز است .

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه هشتم امرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

مجازات متصرفین عدوانی پس از محکومیت بخلع ید

مصوب ۱۵ اسفند ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ ماده ذیل بعنوان ماده ۲۶۵ مکرر بقانون مجازات عمومی اضافه میشود :

ماده ۲۶۵ مکرر ـ اگر کسی که بموجب حکم قطعی محکوم بخلع ید ازمال غیر منقولی و یا محکوم برفع مزاحمت شده است بعد از اجرای حکم مجدداً مورد حکم را عدواناً تصرف یا مزاحمت نماید بحبس تأدیبی از یکماه الی شش ماه وبجزای نقدی از ۳۰۰ الی ۵۰۰۰ ریال و یا بیکی از این دو مجازات محکوم خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه پانزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

الحاق ماده ۲۶۹ مکرر بقانون مجازات عمومی

مصوب ۳ خرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ ماده ذیل تحت نمره ۲۶۹ مکرر بقانون مجازات عمومی افزوده میشود :

ماده ۲۶۹ مکرر ـ الف ـ اگر کسی بقصد متهم نمودن غیر آلات و ادوات جرم و یا اشیاء حاصله از آن و یا اشیائی را که یافت شدن آن در تصرف یکنفر موجب اتهام او میگردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا دکان و یا مغازه و یا

جیب و یا اشیائی که متعلق باوست بگذارد یا مخفی کند ودر اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد پس از ثبوت برائت آن شخص مرتکب بطریق ذیل مجازات خواهد شد:

۱ ـ در صورتی که قصد او از آن عمل متهم ساختن غیر بارتکاب جنحه بوده بحبس تأدیبی از یکماه الی ششماه .

۲ ـ در صورتیکه قصد او از آن عمل متهم ساختن غیر بارتکاب جنایتی بوده بحبس تأدیبی از ششماه تا دو سال .

ب ـ هر کس بقصد اضرار بغیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی بوسیله مراسلات یاعرایض یا راپورتها یا نشر یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا بعنوان نقل قول بشخص یا اشخاص یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور بنحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی بغیر وارد شود یا نه بحبس تأدیبی از یکماه تا دوسال محکوم خواهد شد واگر راپرت ازشخص رسمی درحدود صلاحیت او مبنی بر یکی ازجهات مذکوره دربند الف باشد مجازات اودوبرابر مجرمین عادی خواهد بود .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه سوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع ببدهی واردین بمهمانخانه و پانسیون ها

مصوب اول شهریورماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده۱ ـ صاحبان میهمانخانه و پانسیون وجاهای مانندآن حق دارند مادام که

وارد یا مسافر بدهی خود را از بابت کرایه منزل و قیمت غذا و سایر چیزهائی که مصرف کرده نپردازد از خروج اشیاء و اثاثیه متعلق باو معادل بدهی او جلوگیری کرده ودر شهرها از مأمورین نظمیه ودر خارج از شهرها از مأمورین امنیه توقیف اشیاءِ مذکور را تقاضا کنند.

هرگاه معلوم شود که اشخاص فوق بدون حق مانع خروج اسباب یا اثاثیه شده ویا توقیف آن را تقاضا کرده اند علاوه برجبران خسارات مالی مسافر یا وارد بجزای نقدی از پنجاه تا هزار ریال محکوم خواهند شد.

تبصره ـ حق استفاده از این ماده مخصوص کسانی است که قبلاً کرایه منزل و قیمت غذا و غیره را اعلان و در محلی که هروارد بتواند آن را ببیند الصاق کرده باشند.

ماده۲ ـ هرکس درمیهمانخانه یا رستوران وجاهای مانند آن وارد شده وپس از بیتوته یاصرف غذا وغیره به استناد نداشتن مالیاز تأدیه کرایه منزل یاقیمت چیزهائی که مصرف کرده خودداری نماید علاوه برمحکومیت حقوقی بحبس تأدیبی از هشت روز تا پانزده روز محکوم خواهد شد.

این قانون که مشتمل بردوماده است درجلسه اول شهریور ماه یکهزاروسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ دادگر

قانون

مجازات مرتکبین قاچاق

مصوب ۲۹ اسفندماه ۱۳۱۲ شمسی

باب اول ـ قاچاق اموال موضوع عایدات دولت

فصل اول ـ مقررات عمومی

ماده۱ ـ هر کس درمورد مالی که موضوع عایدات دولت است یا مشتقات آن مرتکب قاچاق شود اعم از اینکه عایدات مزبوره بر طبق قانون مخصوصی تصویب و یا درضمن بودجه کل مملکتی صریحاً منظور وتصویب شده باشد علاوه بررد مال ودر صورت نبودن عین مال ردقیمت آن بتأدیه دوبرابر عایداتی که برای دولت مقرر بوده وبحبس تأدیبی از سه ماه تا دوسال محکوم خواهد شد .

ماده۲ ـ شروع بجرم قاچاق علاوه برضبطمال ونصف جزای نقدی فوق‌موجب محکومیت بدو ماه تا یکسال حبس تأدیبی خواهد بود .

ماده۳ ـ هرگاه دویا چندنفر مشترکاً مرتکب جرم قاچاق‌شوند علاوه‌برضبط عین‌مال هریك ازآنها بمجازات حبس‌مقرر درماده اول ومجموع آنهاتضامناً بجریمه‌ای که معادل دوبرابر عایدات مقرر برای دولت باشد محکوم خواهند شد ـ مجازات هریك ازمعاونین نصف جزای نقدی مرتکب اصلی وحبس ازسه ماه تا یکسال است .

ماده۴ ـ واحد موضوع قاچاق در مواردی که بموجب قوانین مربوطه معین نشده باشد طبق نظامنامه از طرف وزارت مالیه معین خواهد شد و جریمه مقرره در ماده یك عبارت از دوبرابر عایدی است که ازقاچاق هرواحد یا اجزاءِهر واحدبرای

دولت مقرر است ودر هر صورت میزان جریمه برای اولین واحد موضوع قاچاق یا اجزاءِ آن کمتر از پنجاه ریال نخواهد بود .

تبصره ـ در مشتقات ازمال موضوع قاچاق دوبرابر عایدی دولت متناسب با میزان واحد اصلی است که در آن مشتقات از مال موضوع قاچاق موجود میباشد و بموجب نظامنامه وزارت مالیه معین خواهد گردید .

ماده۵ ـ هرگاه مال موضوع عایدات دولت ویا أشیاءِ ممنوع الورود یا ممنوع ـ الصدور بتوسط مکاری یا اتومبیل ویا سایر وسائط نقلیه یا بوسائل دیگری نقل شود وحامل نتواند ارسال کننده یا کسی را که محمولات باید باو تسلیم شود تعیین و اثبات کند علاوه بر ضبط مال باید شخصاً از عهده جزای نقدی مقرر در ماده اول این قانون برآید .

ماده٦ ـ مأمورین وصول عایدات دولت میتوانند با تصویب رئیس ایالتی یا ولایتی با کسی که مرتکب قاچاق شده ارفاق نموده و از او قبول کنند که جریمه وعین مال موضوع قاچاق یا درصورت نبودن عین مال قیمت آنرا پرداخته و از تعقیب جزائی معاف شود مشروط براینکه اولا این ارفاق بیش از یکمرتبه نسبت بیکنفر بعمل نیاید وثانیاً مرتکب قاچاق سابقه محکومیت بعلت قاچاق نداشته باشد . باداره گمرك نیز اختیار ارفاق داده میشود وعمل بآن اختیار مشروط بدو شرط فوق الذکر نخواهد بود .

☆ **ماده۷** ـ در هر مورد که مرتکبین قاچاق یا مرتکبین اعمالی که در حکم قاچاق است جریمه مقرره دراین قانون را نپردازند بتقاضای ادارات ومأمورین وصول عایدات دولت توقیف میشوند ومادام که تأدیـه جریمه را با موافقت اداره مربوطه

* ـ بموجب ماده ۱۰ قانون متمم بودجه ۱۳۱٦ کشور (دوره دهم) دارندگان آلات وادوات تقطیر مشروبات ومواد اولیه تخمیر شده مشمول مقررات این ماده از حیث تعقیب واجراء خواهند بود .

تأمین ننموده و یا حکم قطعی بر برائت آنها صادر نشده است در توقیف خواهند بود لیکن مدت توقیف آنها نباید در مقابل هر ده ریال بدهی بیش از یکروز باشد و در هرحال از دوسال تجاوز نخواهد کرد افلاس مرتکب مانع از توقیف نخواهد شد ـ قرار توقیف اشخاص مذکوره فوق را مستنطق مربوطه بادارات و مؤسسات وصول عایدات که وزارت عدلیه از میان مستخدمین دولت معین میکند صادر مینماید در صورت نبودن مستنطق مزبور قرار توقیف از طرف مستنطق مأمور درنزد محکمه حوزه وقوع یاحوزه کشف ویا حوزه دستگیری متهم صادرمیشود ولی دراین صورت تحقیقات مستنطق خارج از نوبت بعمل خواهدآمد .

قرارهای مزبور قابل استیناف و تمیز نیست لیکن شخص توقیف شده میتواند مطابق ماده ۸ بمحکمه عدلیه مراجعه نماید حکام و مأمورین نظمیه و امنیه مکلف میباشند که بتقاضای ادارات ومأمورین وصول عایدات دولت قرارهای مذکور رافوراً بموقع اجرا گذارند .

مواردی را که اداره و یا مأمور وصول عایدات میتواند از قرارهای مستنطق شکایت نماید و همچنین موعد و مرجع شکایت مزبور و طرز رسیدگی بآنرا وزارتین مالیه وعدلیه باموافقت یکدیگر بموجب نظامنامه معین خواهند کرد .

تبصره ـ در مورد شروع بجرم قاچاق متهم حق دارد قبل از پرداخت جریمه بمحکمه رجوع کند ومادام که حکم بمجرمیت صادر نشده مال موضوع دعوی قاچاق توقیف خواهد بود .

ماده ۸ ـ کسی که جریمه ازاو گرفته شده یا برای وصول جریمه توقیف شده است میتواند در صورتیکه منکر ارتکاب قاچاق باشد تاده روز پس از پرداخت جریمه یا تاده روز پس ازتاریخ توقیف با رعایت مسافت قانونی بمحاکم عدلیه مراجعه نماید

دراین‌صورت اداره مأمور وصول عایدات دوسیه امر را بمحکمه فرستاده ودرصورتیکه بموجب حکم قطعی مجرم نبودن شاکی ثابت شد جریمه مأخوذه مسترد خواهد شد وهر گاه ارتکاب شاکی بجرم قاچاق ثابت شد محکمه او را بمجازات حبس مقرره برای مجرمین قاچاق وصدی‌سی علاوه از جریمه مقرره محکوم خواهد کرد .

تبصره ۱ ـ مرتکبینی که بتأدیه مال وجریمه نقدی قادر نباشند علاوه‌بر حبس مقرره در این قانون در مقابل هرده ریال جریمه یکروز حبس خواهند شد ولی‌مدت حبس بابت جریمه با احتساب مدت توقیف نباید از پنجسال تجاوز نماید .

تبصره ۲ ـ شاکی‌تا حکم استینافی در باره اوصادر نشده در توقیف‌خواهدماند .

تبصره ۳ ـ ادارات مأمور وصول عایدات مکلفند بکسی که برای اخذ جریمه توقیف‌میشود کتباً ابلاغ کنند که درصورت انکار ارتکاب تا ده روز با رعایت مسافت قانونی میتواند بمحاکم عدلیه مراجعه کند والا حق شکایت او ساقط خواهد شد .

ماده ۹ ـ در دعاوی راجع بقاچاق ادارات مربوطه وزارت‌مالیه و یا نمایندگان آنهاحق تقاضای استیناف‌وتمیز از کلیه‌قرارها واحکامی که مطابق قانون قابل‌استیناف ویا قابل تمیز است خواهند داشت .

ماده ۱۰ ـ جریمه‌ای را که مطابق قانون باید مرتکب بپردازد چه قبل از توقیف در صورت رضایت مرتکب بتأدیه آن‌وچه بعداز توقیف مرتکب‌ادارات مأمور وصول عایدات مستقیماً وصول خواهند کرد ودر غیر موارد ارفاق مذکوره در ماده ششم در صورتیکه میزان جریمه از هزار ریال تجاوز نماید دوسیه را برای تعیین مجازات حبس بپارکه بدایت محل میفرستند .

ماده ۱۱ ـ مقررات فوق شامل قاچاق رسومات ـ انحصارات دولتی ـ گمرك وسایراموال موضوع عایدات دولت خواهد بود .

فصل دوم
وظائف و اختیارات مأمورین کشف و تعقیب قاچاق و پاداش کاشفین وغیره

ماده ۱۲ ـ هر یك از مأمورین وصول عایدات دولت میتوانند برای کشف قاچاق وتوقیف جنس در امکنه مظنونه تفتیش نمایند ـ تفتیش در منازل اشخاص باید بوسیله مأمورین مخصوصی که از طرف وزارت ماليه برای این امر مجاز میباشند وباحضور نماینده پارکه ویا نماینده اویا کمیسر پلیس محل یا نماینده او ویا کدخدای محل بعمل آید ـ تفتیش در منازل اشخاص بعداز غروب تا طلوع آفتاب ممنوع است وتفتیش درامکنه مظنونه ومنازلی که طرف سوءِ ظن است باید باحضور صاحبان امکنه و منازل بعمل آید ودر صورت عدم حضور آنها با حضور لااقل دونفر شاهد .

ماده ۱۳ ـ درموقع کشف قاچاق مأمورین کشف مکلفند اشیاءِ قاچاقی را توقیف وصورت مجلس باحضور شهود و مطلعین اگر باشند تنظیم کرده امضاء نموده وبامضاءِ حاضرین برسانند .

ماده ۱۴ ـ هرگاه نسبت بعدل مال‌التجاره یابسته یاصندوقی ظن قاچاق حاصل شود مأمورین رسمی کشف میتوانند آنرا مهر نمایند تا در مقصد با حضور مأمورین مربوطه باز ومعاینه شود مگرآنکه صاحب یا حامل مال تفتیش آنرا در همان محل تقاضا کند ـ در صورتیکه بسته یا صندوق یا عدل مهر شد باید این نکته در صورت مجلس قید گردد .

تبصره ـ هرکس عمداً مهر فوق‌الذکر را بشکنند یا محو نماید و بطور کلی هرکس مهر مأمورین وصول عایدات راکه بر طبق نظامنامه‌های مصوب هیئت دولت

یا وزارت مالیه استعمال شده عمداً بشکنند یا محو نمایند بحبس از دو ماه تا یك سال وبجزای نقدی از صد ریال تا پنجهزار ریال محکوم خواهد شد .

ماده ۱۵ ـ مأمورین وصول موظفند در مقابل اخذ قیمت مال موضوع قاچاق و جزای نقدی قبض رسید که بمیزان وجوه مأخوذه تمبر بـه آن الصاق شده باشد تسلیم نمایند .

ماده ۱۶ ـ کسانی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم مأمور کشف قاچاق یا تعقیب یا مجازات مرتکبین آن بوده وخودمرتکب قاچاق شده یا شرکت یا معاونت درارتکاب نمایند و همچنین مأمورین ذی ربطی که با علم بارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبین خودداری نموده یا برخلاف شرایط مقرره در ماده ششم ارفاق نمایند با رعایت بند ٤ قانون متمم قانون دیوان جزای عمال دولت مصوب ۳۰ آبان‌ماه ۱۳۰۸ درحکم مختلس و بمجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم خواهند شد مگر آنکه عمل مرتکب بموجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که دراین صورت بمجازات اشد محکوم میگردند .

ماده ۱۷ ـ مأمورینی که برخلاف واقع کسی را متهم بارتکاب جرم قاچاق کرده وموجب مزاحمت شده باشند پس از ثبوت بجبران خسارتی که براشخاص وارد آورده‌اند و به انفصال موقت یا دائم ازخدمات دولتی محکوم خواهند شد مگر آنکه بموجب قانون دیگری عمل آن‌ها مستلزم مجازات شدیدتری باشد .

ماده ۱۸ ـ مأمورین وصول عایدات و کشف قاچاق حق دارند در مواردی که دوائر دولتی تعطیل و یا دسترسی بآنها نباشد برای جلوگیری از فرار اشخاصی که مال قاچاق نزد آنها کشف شده موقتاً آنها را توقیف وبمحض افتتاح دوائر مربوطه یادسترسی بمأمورین کشف جرائم اشخاص مزبور را به آنها تسلیم نمایند وهرگاه در

مدت بیست‌و چهار ساعت بعد از افتتاح دوائر مربوطه در توقیف نگاه دارند مطابق ماده (۱۹۳) قانون مجازات عمومی بمجازات می‌شوند .

ماده ۱۹ ـ وزارت مالیه مجاز است بکاشفین و مخبرین و همچنین به مأمورین انتظامی که در کشف قاچاق و ضبط جنس دخالت داشته اند تامیزان صدی پنجاه از حاصل غیر خالص جرائم وصولی و تا میزان صدی پنجاه از قیمت اجناس ضبط شده مطابق مقررات نظامنامه وزارت مالیه بپردازد .

تبصره ـ قیمت اجناس انحصاری قاچاق بعد از وضع حقوق انحصار گمرك و غیره تقسیم میشود . (*)

فصل سوم

قاچاق تریاك

ماده ۲۰ ـ هر گاه قبل از برداشت محصول کشف شود کسی بدون دادن اظهار نامه بمأمورینی که از طرف وزارت مالیه (مؤسسه انحصار دولتی تریاك) معین شده باشند مبادرت به زرع تریاك نموده آن زراعت معدوم و اگر زراعت مزبور در موقع برداشت محصول کشف شود تریاك حاصله بلاعوض ضبط خواهد شد و چنانچه بعداز برداشت محصول قضیه کشف و ثابت‌شود که تریاك را از بین برده بامرتکب همان معامله خواهد شد که بامرتکبین قاچاق اموال موضوع عایدات میشود ودرهرصورت باین نوع اشخاص دیگر اجازه زرع داده نخواهد شد .

تبصره ـ دادن تعهدنامه شیره تریاك ازطرف زارعین اختیاریست و کیفیت آن در نظامنامه ذکر خواهد شد .

(*) بموجب ماده ۷ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۶ کشور (دوره دهم) لغو شده است .

ماده ۲۱ ـ با اشخاصی که شیره تریاك خود را مطابق ماده سوم قانون انحصار دولتی تریاك مصوب ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ مستقیماً بانبار دولتی نیاورند برای هر یك مثقال ۲۵ دینار اخذ خواهد شد .

ماده ۲۲ ـ مسافرینی که درسرحدات وارد میشوند وحامل تریاك باشند هرگاه تریاك آنها زیادتر از یکمثقال باشد و بگمرك سرحدی اطلاع ندهند حکم قاچاق برآن تعلق میگیرد ومطابق مقررات فصل اول این قانون با صاحب آن رفتارخواهدشد.

ماده ۲۳ ـ اسباب وادوات مخصوص بهشیره جوشانی یا چراغ و آلات استعمال شیره وادوات مخصوص تریاك مالی نزد هر کس کشف شود ضبط و نسبت بهر دستگاه یا اجزاء آن پنجاه ریال جزای نقدی دریافت خواهد شد .

ماده ۲۴ ـ کسانیکه شیره کش‌خانه دایر و وسائل استعمال شیره مطبوخ را فراهم نمایند بحکم محکمه بتأدیه پانصد ریال تا یکهزار ریال جزای نقدی و بحبس تأدیبی از یك ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد .

ماده ۲۵ ـ حمل تریاك با باندرول‌از ولایتی‌که مورد تخفیف واقع شده‌بولایتی که مورد تخفیف نبوده یا از حیث میزان تخفیف مختلف است ممنوع و در صورت کشف در حکم قاچاق خواهد بود .

فصل چهارم ـ قاچاق اجناس دخانیه

ماده ۲۶ ـ خرید وفروش و نگاهداری اجناس دخانیه و ادوات و اشیائی که بموجب قانون انحصار دخانیات مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۰ و قانون اصلاح مواد ۳ و ٤ آن مصوب ۱۹ آبان ۱۳۱۱ خرید وفروش وتملك آنها انحصار بدولت یافته‌قاچاق محسوب ومرتکب بمجازات مقرره برای مرتکبین قاچاق اموال موضوع عایدات‌دولت محکوم میگردد .

ماده ۲۷ ـ هرگاه ادوات توتون‌سائی ودمار کوبی و ماشینهای سیگارپیچی در منازل اشخاص وغیرازمحل تمرکز ماشین‌خانه کشف شود وهمچنین هرگاه معلوم شود که اشخاصی هاون یا ماشین توتون بری دستی یا موتوری یا ماشینهای کاغذبری وصحافی و کاغذ سیگار وگلیزریزی ومتفرعات آنها را برای بکاربردن درکارتوتون بری وکاغذ سیگار وگلیز ونظایرآن نگاهداشته و یا برای این مقصود بکار میبرنـد عین ماشین وهاون وادوات مذکوره ضبط ومرتکب و شرکاء و معاونین او هریك محکوم به پرداخت جریمه نقدی از پانصد الی یك هزار ریال خواهند شد ودرصورت تکرار جرم بعلاوه جزای نقدی بحبس تأدیبی از یك ماه الی ششماه محکوم میشوند .

ماده ۲۸ ـ تخلف از مقررات‌ماده‌دوم قانون انحصاردخانیات مصوب ۲۶اسفند ۱۳۱۰ موجب الزام بتحویل دادن تمام جنس بدون دریافت قیمت از مؤسسه انحصار خواهد شد .

ماده ۲۹ ـ اختلاط چوب قلیانی‌کوبیده یاتنبا کوی‌کوبیده وسائیده یا توتون چپق‌سائیده وتوتون نیم کوب یا اجناس غیردخانیه درتوتون سیگار بریده یا درسیگار ممنوع و در حکم قاچاق است و متخلفین برطبق مقررات فصل اول این قانون تعقیب خواهند شد .

ماده ۳۰ ـ مجازات مرتکبین قاچاق گیلز سیگارت و گیلزجیگاره و کاغذآنها وانواع بوبین وهمچنین‌مجازات شرکاء مرتکبین مزبوره علاوه برضبط عین جنس بحبس تأدیبی از سه ماه تا سه سال وجریمه نقدی بترتیب ذیل خواهد بود :

الف ـ برای هرجعبه کاغذسیگارت محتوی صد دفترچه واجزای آن یکصد ریال.

ب ـ برای هزار عدد گیلز سیگارت و گیلزجیگاره و کمتراز هزار عددپنجاه ریال وعلاوه از هزار عدد اول برای هریك هزار عدد و کمتراز آن ۱۵ ریال .

ج ـ برای هر جعبه بوبین واجزای آن دویست و پنجاه (۲۵۰) ریال .

د ـ برای هر بند پانصد ورقی کاغذ سیگارت و اجزای آن ششصد و پنجاه (٦۵۰) ریال .

هـ ـ برای هربند پانصد ورقی کاغذ جیگاره واجزای آن هزار (۱۰۰۰) ریال .

ماده ۳۱ ـ انواع بوبین و کاغذ سیگار و کیلز سیگارت و گیلز جیگاره و کاغذبندی سیگارت وجیگاره موجودی تجار که دارای علامت مخصوص انحصاردولتی دخانیات نبوده و قبلا بموجب جواز مؤسسه انحصار دخانیات وارد یا اجازه استعمال آن داده شده باید در ظرف مدتی که وزارت مالیه تعیین واعلان خواهد کرد و از دوماه کمتر نخواهد بود به مؤسسه اداره دخانیات تحویل شود کاغذ های دفترچه را اداره مذکور مجاناً باندرول الصاق و بصاحبان آنها مسترد میدارد بوبین و کاغذهای بندی و گیلز را درتحت نظر مأمورین خود بریده و صاحبان مال در موقع احتیاج بمصرف میرسانند درصورت انقضاء مدت معینه ازطرف وزارت مالیه وعدم تسلیم اجناس مزبور ضبط وباصاحبان آنها مطابق ماده ۳۰ این قانون عمل خواهد شد .

ماده ۳۲ ـ مسافرینی که از خارجه وارد مملکت میشوند میتوانند تا میزان صد عدد سیگارت و پنج عدد سیگار برگی و یك دفترچه کاغذ سیگارت و شانزده مثقال توتون را که برای مصرف شخصی خود لازم دارند بدون ارائه جواز مخصوصی باپرداخت عوارض باخود وارد مملکت نمایند ومازاد مقدارهای مذکور ضبط خواهد شد.

ماده ۳۳ ـ مجازات معاونین جرائم مذکوره در مواد سی‌ام و سی و یکم این قانون نصف مجازات مقرره برای مرتکب جرم است .

فصل پنجم ـ قاچاق گمرکی

ماده ۳۴ ـ بجز درمورد قاچاق اجناس ممنوع‌الورود وممنوع الصدور که مجازات

خاصی در این قانون برای آنها وضع شده نسبت به قاچاق اجناسی که حقوق وعوارض آنها توسط اداره گمرکات در موقع ورود وخروج اخذ و وصول میشود اعم ازاینکه مقررات قوانین انحصار تجارت خارجی را رعایت نموده باشند یا نه مقررات فصل‌اول این قانون مجری خواهد شد .

تبصره ـ راجع بسایر تخلفات از مقررات و نظامات گمرکی کما فی‌السابق مطابق نظامنامه‌های گمرکی اقدام وعمل خواهد شد .

ماده ۳۵ ـ مال‌التجاره و وسائل نقلیه که بعنوان ترانزیت وارد مملکت شده هرگاه در ظرف مدت مقرره (بجز در موارد فرس ماژر) خارج نشود ضبط خواهد شد .

فصل ششم

قاچاق عوارض بلدی

ماده ۳۶ ـ هر کس نسبت بمالی که موضوع عوارض بلدی است (جز درمورد ماده ذیل) مرتکب قاچاق شود فقط از حیث مجازات مشمول مقررات فصل اول این قانون خواهد بود .

ماده ۳۷ ـ هر کس درمورد مالی که موضوع عوارض‌قپانداری است مرتکب قاچاق شود بتأدیه دوبرابر عوارضی که برای‌آن مال مقرره بوده محکوم میشود و در صورت تکرار جرم مرتکب بطریق ذیل محکوم میگردد :

پس از یکمرتبه محکومیت بچهار برابر و پس‌از دو مرتبه محکومیت به هشت برابر عوارض مقرر وبعلاوه در صورت اخیر ممکن است مرتکب بیك تا ششماه حبس تأدیبی نیز محکوم شود .

درهیچیك ازموارد مذکور دراین ماده مال موضوع قاچاق ضبط نخواهدشد.

فصل هفتم

اموال موضوع عایدات دولت که قوانین مخصوصی نسبت بآنهاوضع نشده

ماده ۳۸ ـ وزارت مالیه مجاز است در مورد اموال موضوع عایدات دولت که قوانین مخصوصی نسبت بآنها وضع نشده لکن در ضمن بودجه کل مملکتی صریحاً منظور وتصویب شده است ومشتقات اموال مذکور نظاماتی راجع بطرز وصول عایدات و جلوگیری ازقاچاق آن براساس مقررات موضوعه دراین قانون ومقررات موضوعه راجع بسایر اموال موضوع عایدات دولت و اجناس انحصاری وضع وپس از تصویب هیئت وزراء بموقع اجرا گذارد.

باب دوم

اشیاء ممنوع الصدور و ممنوع الورود

فصل اول

مقررات عمومی

ماده ۳۹ ـ در مورد قاچاق اشیائی که ورود یا صدور آن بموجب قوانین یا بموجب تصویبنامه هیئت دولت (در حدود قوانین موضوعه) ممنوع و یا بدولت اختصاص دارد علاوه بر ضبط مال مرتکبین به پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت آن وحبس تأدیبی از دو ماه الی دوسال محکوم خواهند شد.

تبصره ـ میزان جریمه برای هردفعه قاچاق کمتر ازپنجاه ریال نخواهد بود.

ماده ۴۰ ـ اشخاصی که شروع باجرای عملی نمایند کـه آن عمل بموجب قوانین مربوط بانحصار تجارت خارجی و اجناس ممنوع الورود و ممنوع الصدور جرم شناخته شده علاوه برضبط مال بجریمه نقدی از ۲۵۰ تا ۵۰۰ ریال وبحبس تأدیبی از ۱۵ روز الی ششماه محکوم خواهند شد مگر آنکه در قوانین دیگر مجازات شدیدتری برای آنها مقرر شده باشد .

ماده ۴۱ ـ مجازات معاونین جرائم قاچاق اموال ممنوع الصدور وممنوع الورود نصف مجازات مقرره برای مرتکب جرم است ومجازات شریك جرم همان مجازات مرتکب اصلی است .

ماده ۴۲ ـ مقررات فصل اول وفصل دوم ازباب اول این قانون باستثنای مواد اول ودوم وسوم وماده چهارم (باستثنای تبصره آن) شامل قاچاق اموال ممنوع الصدور و ممنوع الورود نیز خواهد بود .

فصل دوم ـ قاچاق اسلحه ومهمات جنگی

ماده ۴۳ ـ وارد وخارج کردن اسلحه ناریه و مهمات جنگی و فشنك ومواد محترقه و اسلحه شکاری واسلحه سرد جنگی ممنوع است مگر باجازه دولت ـ ساختن هرنوع اسلحه ناریه ومهمات جنگی وفشنك و اسلحه شکاری واسلحه سرد جنگی و مواد محترقه باستثنای باروت منوط باجازه قبلی وزارت جنك وساختن باروت واشتغال بکسب اسلحه فروشی و تعمیر اسلحه و فروش مهمات جنگی و مواد محترقه منوط باجازه نظمیه است جواز داشتن وحمل ونقل اسلحه ناریه ومهمات جنگی و فشنك و اسلحه شکاری و مواد محترقه در داخل شهرها از طرف نظمیه ودر خارج شهرها و همچنین شهرهائی که نظمیه درآنجا نباشد از طرف اداره امنیه داده خواهد شد .

متخلفین از مقررات فوق بسه ماه تاسه سال حبس تأدیبی یا بسیصد تا ده‌هزار

ریال جزای نقدی و یا بهر دو مجازات محکوم میشوند .

فصل سوم - قاچاق طلا و نقره

ماده ۴۴ - اعمال ذیل قاچاق محسوب و علاوه برضبط مال یا تأدیه قیمت آن مرتکبین و شرکاء و معاونین بطور تضامن بتأدیه جریمه معادل دو برابر قیمت مال و سه‌ماه تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهند شد :

۱ - صدور طلا بهر صورتی که باشد .

۲ - وارد کردن نقره خواه بشکل مسکوك و خواه باشکال دیگر باستثناء اشیاءِ نقره زرگری شده مگر برطبق اجازه دولت .

۳ - صدور نقره مسکوك یاشمش مگر با اجازه دولت .

تبصره - هرمسافر تا دویست ریال حق صادر کردن و وارد نمودن نقره مسکوك باخود خواهد داشت .

فصل چهارم - تعریف اشیاء ممنوع الورود وممنوع الصدور

ماده ۴۵ - مقصود از قاچاق اسلحه وارد کردن بمملکت و یا صادر کردن از آن یاخرید یافروش و یاحمل و نقل و یا مخفی کردن و یا نگاهداشتن آن است در داخل مملکت مقصود از قاچاق اشیاءِ ممنوع الورود یا ممنوع الصدور وارد کردن اشیاءِ ممنوع الورود است بخاك ایران درهر نقطه از مملکت که اشیاءِ مزبور کشف شود وخارج کردن اشیاءِ ممنوع الصدور و یا تسلیم آن است بمتصدی حمل و نقل و یا هرشخص دیگری برای خارج کردن و یا هرنوع اقدام دیگری برای خارج کردن از مملکت .

باب سوم ـ مقررات مختلفه

ماده ۴۶ ـ قاچاق اموال موضوع عایدات دولت اعم ازخالص یا مخلوطمشمول کلیه مقررات مربوطه به قاچاق اموال موضوع عایدات دولت بوده وجزاء آن همان جزائی است که برای قاچاق جنس خالص مقرر است .

ماده ۴۷ ـ اموال موضوع عایدات دولت دارای باندرول دوباره چسب درحکم اموال قاچاق بوده وجزای آن نسبت بدارنده یا الصاق کننده مثل قاچاق اموال بدون باندرول است .

ماده ۴۸ ـ هر گاه باندرل قلب نـزد کسی کشف شود دارنده و وارد کننده یا طبع کننده باندرول قلب در حکم مرتکبین جعل اسناد دولتی محسوب و بـرطبق قانون مجازات عمومی مجازات میشود .

ماده ۴۹ ـ وزارت مالیه در حدود مقررات این قانون نظامنامه‌های لازمه را دائر بطرز اجرای آن و ترتیب تفتیش و جلو گیری از قاچاق و غیره تنظیم و بموقع اجرا میگذارد .

ماده ۵۰ ـ این قانون از ۱۵ فرروردین ۱۳۱۳ بموقع اجرا گذارده شده و از همان تاریخ قوانین ذیل نسخ میشود :

قانون منع خروج طلا و نقره از سرحدات مصوب ۲۴ مهر ۱۳۰۵ ـ ماده ۱۲ از قانون انحصار دولتی تریاك مصوب ۲۶ تیر ماه ۱۳۰۷ ـ قانون مجـازات مرتکبین قاچاق تریاك مصوب ۱۶ مرداد ۱۳۰۷ ـ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۰۷ ـ قانون طرز جلو گیری از قاچاق تریاك مصوب ۳ آذر ۱۳۰۸ ـ ماده ۱۲ از قانون تعیین واحد ومقیاس پول قانونی ایـران مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ ـ قانون تفسیر قاچاق اسلحه و اشیاء ممنـوع الـورود و ممنوع الصدور مصوب ۲۴ تیر

۱۳۰۹ ـ قانون حق السهم کاشفین قاچاق مصوب ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۹ ـ تبصره ۱ ازماده واحده قانون راجع به تخفیف باندرول تریاك مصوب ۱٤ اردیبهشت ۱۳۱۰ ـ ماده ٤ از قانون مجازات متخلفین از قانون انحصار تجارت مصوب ۱۰ مهر ۱۳۱۰ ـ مواد ۳ و ٤ از قانون راجع بآزادی معامله و نرخ اسعار خارجی مصوب ۲٤ بهمن ۱۳۱۰ بضمیمه تبصره‌های آنها ـ ماده ۷ قانون انحصار دخانیات مصوب ۲٦ اسفند ۱۳۱۰ ـ قانون راجع باسلحه و مهمات جنگی مصوب ۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ ـ مواد ۱ و ۲ قانون راجع بقاچاق عوارض بلدی مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱ ـ قانون اصلاح قانون انحصار دولتی تریاك مصوب ٤ مرداد ۱۳۱۱ و جمله (یا بمقصد نرسد) از قسمت اخیر تبصره ماده ۹ قانون انحصار دخانیات مصوب ۲٦ اسفند ۱۳۱۰ .

چون بموجب قانون ۲٤ مهرماه ۱۳۱۲ (وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا (قانون مجازات مرتکبین قاچاق) مشتمل بر ۵۰ ماده که در تاریخ بیست و نهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع بتعقیب جزائی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران

مصوب ۱۷ مرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ مأمورین مربوطه سرحدی درحدود نظامنامه مصوبه هیئت دولت

مجاز هستند در مواردی که شخص یا اشخاصی در منطقه سرحدی مملکت مجاور ایران مرتکب جنحه یا جنایتی‌شده بخاك ایران فرار نمایند برطبق تقاضای مأمورسرحدی مملکت مجاور وبشرط معامله متقابله و درصورت وجود دلائل و قرائنی که اتهام آنها را بارتکاب جنحه و یا جنایت تأیید کند آنها را توقیف احتیاطی نمایند تا تقاضای استرداد آنها مطابق مقررات معموله بعمل آید واگر این تقاضا تا دوماه از تاریخ توقیف بمقامات مربوطه واصل نگردد و یا دلائل اتهام بنظر مقامات مربوطه موجه نباشد شخص یا اشخاص توقیف شده آزاد خواهند شد.

ماده‌دوم ـ مأمورین مربوطه سرحدی در حدود نظامنامه هیئت دولت مجاز هستند دعاوی واختلافات بین اتباع ایران واتباع مملکت مجاور راکه هردو در قراء سرحدی سکونت داشته باشند رسیدگی نموده قطع و فصل نمایند اصول رسیدگی مطابق نظامنامهٔ خواهد بود که بتصویب هیئت دولت برسد.

ماده سوم ـ حدود منطقه سرحدی را دولت معین خواهد کرد ولی درهیچ مورد نباید از ۷۵ کیلو متر تجاوز نماید.

اینقانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه هفدهم امرداد ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع بخیانت ولي قهری

مصوب اول آذر ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده‌واحده ـ ولی قهری (پدر یا جد) هرگاه در مقام اتلاف مال صغیر یا مجنون یا سفیه باشد بعدازثبوت خیانت او نسبت باموال مولی‌علیه بطرفیت مدعی‌العموم

در محکمه مثل مورد ماده ۷۹ قانون مدنی حاکم یکنفر امین بولی منضم میکند.
این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه اول آذرماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع بغیر قابل تمیز بودن بعضی از محکومیتهای جزائی

مصوب ۲۴ خرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ جز در امور جنحه های مضر بمصالح عمومی که بموجب باب دوم قانون مجازات یا بموجب قوانین جزائی دیگر پیش بینی شده است در سایر امور جنحه محکومیت های بجزای نقدی و همچنین محکومیتهای بدوماه یا کمتر ازدوماه حبس تأدیبی اعم از اینکه متضمن محکومیت بجزای نقدی نیز باشد یا نه غیر قابل تمیز خواهد بود ـ بمحکومیتهای مذکور فوق جز آنچه که بموجب ماده ۱۹ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۱۲ مقرر است هیچ قسم اثر جزائی ازقبیل محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی و تکرار جرم وغیره مترتب نمیگردد.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و چهارم خرداد ماه یکهزارو سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح تبصره ماده ۲۱۹ اصول محاکمات جزائی

مصوب ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده ـ تبصره ذیل ماده ۲۱۹ اصول محاکمات جزائی بطریق ذیل تغییر

داده میشود :

تبصره ــ قواعد تبلیغ احضار در امور جزائی و ابلاغ احکام در امور جنحه همان است که در قوانین محاکمات حقوقی مقرر است .

چون بموجب قانون ۲۹ فروردین ماه ۱۳۱۳ « وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید » علیهذا (قانون اصلاح تبصره ماده ۲۱۹ اصول محاکمات جزائی) مشتمل بر یك ماده که در تاریخ بیست و هفتم اردی بهشت ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

ماده الحاقیه بقانون اصول محاکمات جزائی

مصوب ۲۸ دیماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده ــ ماده ذیل تحت نمره (٤۳۰) مکرر بقانون اصول محاکمات جزائی اضافه میشود :

ماده ۴۳۰ مکرر ــ اگر مدعی‌العموم دیوان تمیز تشخیص دهد که دلائل وقرائن وشواهد موجود در دوسیه مخالف اصول و کیفیاتی است که محکمه مستند استنباط خود بر تقصیر یا برائت متهم قرارداده میتواند برای یکمرتبه نسبت بهر موضوعی از این حیث رسیدگی و نقض حکم را در دیوان تمیز تقاضا نماید ــ در این صورت

دیوان تمیز اگر در نتیجه رسیدگی نظریه مدعی العموم را موجه دید حکم ممیز عنه را نقض خواهد کرد .

تبصره ـ رسیدگی تمیزی نسبت به حکمی که پس از رجوع دیوان تمیز از محاکم صادر میشود مطابق مقررات جاریه بعمل خواهد آمد .

چون بموجب قانون ۲۳ مهرماه ۱۳۱۲ وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها درعمل نواقصی را که درضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا ماده الحاقیه بقانون اصول محاکمات جزائی) که در تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۱۲ بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح مواد ۴۳۵ ـ ۴۳۶ و ۴۶۴ قانون اصول محاکمات جزائی

مصوب ۱۸ شهریور ماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده ـ مواد ۴۳۵ ـ ۴۳۶ ـ ۴۶۴ اصول محاکمات جزائی بطریق ذیل اصلاح و از اول مهر ماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذارده میشود :

ماده ۴۳۵ ـ هرگاه وزیر عدلیه قرار یا حکمی را مخالف قانون دانست میتواند توسط مدعی العموم دیوان تمیز نسبت بآن تقاضای تمیز نماید اگرچه اصلاً آن قرار یا حکم قابل تمیز نباشد .

ماده ۴۳۶ ـ در تمیزی که وزیر عدلیه میخواهد هیچ شرطی ملحوظ نیست اعم از اینکه در مدت مقرر باشد یا خارج از آن ولی رأی دیوان تمیز اثری برای

طرفین دعوی نداشته وصرفاً برای حفظ قانون است.

ماده ۴۶۴ ـ هرگاه محکمهٔ که جزاء رسیدگی مینماید قرار یاحکمی صادر کند وهیچیك از طرفین در مدت مقرر نسبت بآن تقاضای تمیز نکنند مدعی العموم دیوان تمیز میتواند در صورتیکه آن قرار یا حکم را مخالف قانون بداند برای حفظ قانون نسبت بآن تمیز بخواهد اگرچه اصلاً آن قرار یاحکم قابل تمیز نباشد ـ رأی دیوان تمیز در اینمورد برای هیچیك از طرفین دعوی مؤثر نیست.

چون بموجب قانون ٤ تیر ماه ۱۳۱۲ (وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده وپس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا (قانون اصلاح مواد ٤۳٥ و ٤۳٦ و ٤٦٤ قانون اصول محاکمات جزائی) مشتمل بـر یك ماده که در تاریخ هیجدهـم شهریور ماه یکهزارو سیصدو دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تمدید مدت تحصیلی سی نفر محصلین فنون عملی راه آهن

مصوب ۲۱ خرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بوزارت طرق اجازه میدهد مدت تحصیلی سی نفر محصلین فنون عملی راه آهن مقرر در قانون بیست و ششم مهرماه ۱۳۰۹ را از تاریخ انقضای دوسال تا ششماه تمدید نماید ومخارج آنهارا از محل عایدات انحصار

قند وشکر از وزارت مالیه دریافت دارد .

این قانون که مشتمل بریك ماده‌است درجلسه بیست‌ویکم خردادماه یکهزارو سیصدو دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ داد گر

قانون

راجع باطبای خارجی

مصوب ۸ شهریور ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ دولت میتواند باطباء ودواسازان ودندان سازان وقابله های اتباع خارجه اجازه بدهد که بشغل خود در ایران اشتغال ورزند مشروط بر اینکه علاوه بردیپلم فراغ تحصیل از مدارسی که بموجب نظامنامه از طرف وزارت معارف معین خواهد شد مدارکی ارائه دهند که لااقل پنج سال اشتغال آنها را مستقلاً به شغل طبابت مدلل دارد .

ماده‌دوم ـ اداره کل صحیه برطبق نظامنامه که بتصویب وزارت داخله خواهد رسید جواز و محل اشتغال داوطلب را در هرنقطه که صلاح باشد صادر ومعین خواهد کرد .

ماده سوم ـ اطباء و دواسازان و دندان سازان و قابله های اتباع خارجه که قبل از این تاریخ درایران اشتغال بمشاغل خود داشته اند نیز مشمول این قانون ودو نظامنامه مزبور خواهند بود ولی مدت مذکور در ماده یك درموردآنها لازم الرعایه نخواهد بود .

ماده‌چهارم ـ هر وقت هیئت وزراء عده اطباء و دواسازان و دندانسازان و

قابله های اتباع خارجه را در ایران کافی بدانند وزارت معارف از رسیدگی بدیپلم یا شهادتنامه آنان خودداری کرده و وزارت داخله جواز اشتغال نخواهد داد.

ماده پنجم ـ علاوه بر مالیات جواز طبابت که کلیه اطباء و دندان سازها و قابله ها میدهند از اطباء و جراحان خارجی مبلغ دو هزار ریال و از دواساز ها و دندانساز ها و قابله های خارجی مبلغ یکهزار ریال در موقع صدور جواز مذکور در ماده دوم اخذ خواهد شد.

ماده ششم ـ وزارت معارف و وزارت داخله مأمور اجرای این قانون میباشند.

این قانون که مشتمل بر شش ماده است در جلسه هشتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی

مصوب ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ دولت مکلف است از اول فروردین ماه ۱۳۱۳ تا مدت پنج سال بیست و پنج باب دانشسرای مقدماتی و یکباب دانشسرای دخترانه در طهران و در ولایات بشرح ذیل تأسیس نماید ودانشسرای عالی پسرانه را که برطبق قانون مصوب ۱۳۰۸ تأسیس شده است تکمیل نماید:

در سال ۱۳۱۳ تکمیل دانشسرای عالی پسرانه در طهران و تأسیس پنج باب دانشسرای مقدماتی درطهران و در ولایات.

درسال ۱۳۱٤ تأسیس یك دانشسرای عالی دخترانه درطهران و پنج دانشسرای مقدماتی در طهران ودرولایات.

از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ سالی پنج باب دانشسرای مقدماتی در ولایات.

تبصره ـ از این ببعد مدرسه ابتدائی دبستان و معلم آن آموزگار ـ مدرسه متوسطه دبیرستان و معلم آن دبیر ـ مدرسه صنعتی هنرستان و معلم آن هنرآموز ـ هر شعبه از مدارس عالیه (فاکولته) دانشکده و مجموع شعب عالیه (اونیورسیته) دانشگاه ومعلم مدارس عالیه استاد نامیده خواهد شد.

ماده‌دوم ـ دانشسرا های مذکور در ماده فوق شبانه روزی ومجانی خواهند بود لیکن تازمانی که بنای کافی برای آنها ساخته نشده است وزارت معارف ممکن است آنها را موقتاً بصورت مدارس روزانه تأسیس نماید ولدی الاقتضاء بشاگردان آنها برطبق مقرراتی خاص خرج تحصیل بدهد.

ماده‌سوم ـ دولت مکلف است از سال ۱۳۱۳ تا ده سال اعتباری سالیانه که از پانصد هزار ریال کمتر نباشد در بودجه مملکتی برای بنای دانشسرا ها منظور نموده همه ساله بمصرف مزبور برساند.

ماده‌چهارم ـ دانشسرا های عالی برای دبیرستانها و دانشسرا های مقدماتی معلم و معلمه تربیت مینماید. شرط اصلی ورود باین مدارس عالیه داشتن تصدیق فراغ تحصیل از دانشسراهای مقدماتی یاتصدیق متوسطه کامل میباشد.

دوره تحصیلات آنها کمتر از سه سال نبوده دیپلم ختم تحصیلات آنها علاوه بر مزایای اختصاصی معادل بالیسانس ودارای تمام امتیازات قانونی آن خواهد بود.

تبصره ـ فارغ‌التحصیل های مدارس عالیه خارجه که در رشته معلمی تحصیل نموده و کمتر از دیپلم لیسانس نداشته باشند از مزایای این قانون نسبت بدبیران استفاده خواهند نمود (*).

(*) ـ بموجب قانون ۳ دیماه ۱۳۱۳ فارغ التحصیل‌های دبیرستانهای فلاحتی ولیسانسیه های دانشسرای عالی از سابق ولاحق نیز مشمول مقررات این قانون میباشند.

ماده پنجم ـ دانشسراهای مقدماتی برای دبستانها آموزگار تربیت مینمایند ـ شرط اصلی ورود باین مدارس تحصیلات سه ساله اول متوسطه و دوره تحصیلات آنها دو سال و شهادتنامه فراغ از تحصیلات آنها علاوه برمزایای اختصاصی دارای تمام امتیازات قانونی تصدیق متوسطه کامل خواهد بود .

تبصره ۱ ـ هریك از دانشسراها یك دبستان یا یك دبیرستان ضمیمه خواهد داشت که شاگردان سال دوم در آنجا تمرین وممارست نمایند .

تبصره ۲ ـ آموزگارانی که دارای تصدیقنامه فراغ تحصیل ازدانشسرا نیستند چنانچه باخذ تصدیقنامه مذکور نائل شوند یا امتحانات علمی وعملی معادل آن برطبق نظامنامه مخصوص بدهند مشمول این قانون خواهند بود .

ماده ششم ـ رؤسا واستادان دانشسراهای عالی باید علاوه برشرایط مقرره در فقرات یك و سه و چهار ماده دوم قانون استخدام کشوری کمتر از سی سال نداشته وبدرجه دکتری رسیده باشند لیکن برای رؤساء دانشسراهای مقدماتی حداقل سن بیست و پنج سال وحد اقل درجه علمی داشتن تصدیق فراغ تحصیل از دانشسرا های عالی یادیپلم لیسانس خواهد بود .

تبصره ـ مادامیکه وزارت معارف بعده کافی مستخدمینی که واجد تصدیقهای علمی مذکور در این ماده باشند در اختیار خود نداشته باشد میتواند کسانی را که اطلاعات ومقام علمی آنها راکافی میداند بریاست ومعلمی این مدارس بگمارد لیکن انتصاب اینگونه اشخاص بآن مشاغل آنها را مشمول مقررات مواد ۱۱و۱۲و۱۳و۱٤ این قانون نخواهد نمود .

ماده هفتم ـ محصلین دانشسراها باید درموقع ورود بمدرسه تعهدکتبی بسپارند که پس از فراغ از تحصیل مدت پنج سال بادریافت مقرری بخدمت معلمی اشتغال

ورزند والا از عهده مخارجی که دولت درباره آنها نموده است برآیند .

ماده هشتم ـ دولت مکلف است کسانی را که از دانشسرا هـا فارغ التحصیل میشوند بارعایت شرایط مقرره در فقرات ۱ـ۳ـ٤ ماده دوم قانون استخدام کشوری و ماده هفتم این قانون در سال تحصیلی بعد در مدارس باحقوق بخدمت بگمارد درسال اول خدمت آنها عنوان آزمایش را خواهد داشت چنانچه وزارت معارف آنهارا مستعد شغل معلمی تشخیص ندهد میتواند سال بعد آنها را از خدمت معلمی معاف نماید .

ماده نهم ـ مدیرها و ناظمها ومفتش های مدارس ازبین آموزگاران ودبیرانی که یکسال خدمت کرده باشند انتخاب میشوند ارتقاء و ترفیع آنها مانند معلمین و ومعلمات است .

ماده دهم ـ هریك از مشاغل دوگانه آموزگار ودبیر ازحیث حقوق و سابقه خدمت بده درجه تقسیم میشود مدت خدمت هریك از درجات اول ودوم وسوم کمتر از دو سال و در درجه های بعد کمتر از سه سال نخواهـد بود ارتقاء از درجه بدرجه دیگر منوط بلیاقت و حسن خدمت است که تشخیص آن برطبق نظامنامـه مخصوص خواهد بود وهمچنین تأهل در ارتقاء مستخدم از درجه بدرجه دیگر مؤثر است .

ماده یازدهم ـ میزان مقرری درجه اول آموزگاران بموجب قـانون بودجه همه ساله معین میشود ـ میزان مقرری درجـه اول دبیران دو برابر میزان مذکور خواهد بود ـ مقرری مدارج دیگر هریك از مشاغل دوگانه آموزگار ودبیرمساوی خواهد بود بامقرری درجه مادون باضافه خمس آن .

تبصره ۱ ـ رؤسا واستادان دانشسراهای عالی از حیث درجات ومقررات دیگر مانند سایر کارکنان دانشگاه مشمول قانون جداگانه خواهند بود .

تبصره ۲ ـ آموزگاران ودبیرانی که از محل اقامت اصلی خود بخارج فرستاده

میشوند مادامی که در آن محل باقی هستند ممکن است تا دو عشر مقرری خود را بعنوان مدد معاش اضافه دریافت دارند.

ماده دوازدهم ــ وزارت معارف مجاز است که لیسانسیه های فعلی دانشسراهای عالی را که مشمول قانون استخدام کشوری هستند و نیز اشخاصی را که دارای دیپلم کامل متوسطه یا بالاتر بوده و تا اول فروردین ماه ۱۳۱۳ سه سال در مدارس بشغل معلمی یا ناظمی یا مدیری مشغول بوده اند مشمول مقررات این قانون قرار داده و رتبه آنها را مطابق آخرین حقوق دریافتی تعیین نماید (*).

ماده سیزدهم ــ ازمیان دبیران ممکن است اشخاصی را بخدمات اداری انتقال داد مشروط براینکه این امر با تعهداتیکه قبلاً سپرده‌اند مخالفت نداشته باشد ورتبه آنها برطبق آخرین حقوق دریافتی تعیین میشود.

ماده چهاردهم ــ مواد و فصول ذیل از قانون استخدام کشوری در مورد آموزگاران ودبیران مجری خواهد بود مواد ۷ـ۸ـ۹ـ۱۹ـ۲۸ وفصل سوم.

ماده پانزدهم ــ آموزگاران و دبیران میتوانند با پنجاه سال عمر و هرقدر سابقه خدمت تقاضای تقاعد نمایند دولت نیز میتواند با واجد بودن شرط مذکور و حداقل بیست سال خدمت آنانرا متقاعد سازد مابقی شرایط آموزگاران و دبیران برطبق فصل چهارم قانون استخدام کشوری با رعایت اصلاحاتی که در آن بعمل آمده خواهد بود باستثناء جزء (د) از ماده واحده اصلاحیه ماده ۴۳ قانون مذکور.

ماده شانزدهم ــ از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین وموادیکه بامدلول آن مغایرت دارد درباره آموزگاران ودبیران بی تأثیر است.

(*) ــ حقوق مشمولین این ماده بموجب ماده ۱۸ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۳ تعیین شده است.

ماده هفدهم ـ وزارت معارف برای اجرای این قانون نظامنامه های مخصوصی تدوین و پس از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجرا میگذارد (*).

این قانون که مشتمل بر هفده ماده است در جلسه نوزدهم اسفند ماه یکهزار وسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

(*) ـ نظامنامه فوق بقرارذیل درتاریخ ۷ مردادماه ۱۳۱۴ بتصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی رسیده است.

نظامنامه قانون اجازه تأسیس دانشسراهای عالی و مقدماتی

ماده اول ـ بیست و پنج باب دانشسرای پسرانه و دخترانه بر طبق ماده اول قانون تربیت معلم در عرض پنج سال در شهرهای ذیل تأسیس خواهد شد: طهران ـ تبریز ـ اصفهان ـ شیراز ـ کرمان ـ مشهد ـ رشت ـ بیرجند ـ رضائیه ـ بروجرد ـ کرمانشاه ـ اهواز ـ یزد.

ماده دوم ـ برای تکمیل دانشسرای عالی پسرانه درسال ۱۳۱۴ باید اولا مدرسه مزبور از دانشکده های علوم و ادبیات مجزی و مستقل و دارای پرگرام مخصوصی گردد. ثانیاً وسایل تدریس علوم عالی تربیتی در آن مدرسه فراهم شود از قبیل استخدام متخصصین عالی مقام و تأسیس لابراتوار های علم النفس و تربیت. ثالثاً یکی از دانشسراهای مقدماتی یا دبیرستانهای طهران به دانشسرای مزبور منضم گردد.

ماده سوم ـ شرایط ورود بدانشسراهای مقدماتی دارا بودن تصدیق نامه رسمی سه ساله اول متوسطه و تصدیق صحت مزاج از کمیسیونی مرکب از سه نفر طبیب بانتخاب وزارت معارف و تصدیق حسن اخلاق و دارا بودن سنی که وزارت معارف معین مینماید و سپردن تعهد نامه لازم میباشد.

در صورتیکه عده داوطلبان حائز شرایط بیش ازحد لزوم باشد عده لازم ازبین آنها یابطریق مسابقه انتخاب خواهند شد یابوسیله مراجعه بمعدل نمراتیکه درامتحانات دوره اول متوسطه داشته‌اند.

ماده چهارم ـ در دانشسرا های شبانه روزی کلیه مخارج اعم از شام و نهار و روشنائی و سوخت و لباس شوئی وغیره برعهده دولت خواهد بود مگر مخارج لباس که برعهده خود شاگردان می باشد.

قانون

اجازه تأسیس دانشگاه در طهران

مصوب ۸ خرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ مجلس شورای ملی بوزارت معارف اجازه میدهد مؤسسه ای بنام دانشگاه برای تعلیم درجات عالیه علوم و فنون و ادبیات و فلسفه درطهران تأسیس نماید.

ماده دوم ـ دانشگاه دارای شعب ذیل است که هر یك از آنها موسوم بـه دانشکده خواهد بود :

ماده پنجم ـ در دانشسراهـای شبانه روزی محصلین باید بدون استثناء تمام اوقات را در مدرسه زندگی کنند وغیبت آنها از مدرسه تابع مقررات داخلی خواهد بود .

ماده ششم ـ دانشسرا های مقدماتـی همه روزه دائر خواهد بود و ساعات حضور و غیاب تابع مقررات داخلی است . محصلین درتمام این مدت در مدرسه حضور داشته غذای ظهر وچای عصر را بخرج دولت صرف مینمایند . بعلاوه بمحصلین مزبور کمك خرجی که میزان قطعی آن همـه ساله تعیین واعلام خواهد شد پرداخته میشود .

ماده هفتم ـ شاگردان دانشسرای عالی پسرانه تا زمانیکه این مدرسه شبانه روزی نشده است کمك خرجی مطابق مقررات قانون مصوب ۲۱ آذر ۱۳۰۸ شمسی دریافت خواهند داشت .

ماده هشتم ـ مشمولین تبصره مـاده ٤ قانون تربیت معلم برای ورود بخدمت بـاید حائز شرایط مندرجه در فقرات ۱ و ۲ و ٤ ماده دوم قـانون استخدام کشوری بوده و ارزش دیپلومهـای آنها را شورای عالی معارف تصدیق کرده باشد .

ماده نهم ـ امتحانات علمی وعملی مذکور درتبصره ۲ ماده ۵ قانون تربیت معلم درحدود نظامنامه مخصوصی خواهد بود که بتصویب شورای عالی معارف رسیده باشد .

ماده دهم ـ کسانیکه تصدیق فراغ تحصیل از دانسسراها دارند چنانچه برخلاف تعهدنامه مذکور در ماده ۷ قـانون مرتکب عملی شوند وهمچنین محصلینی کـه قبل از ختم دوره تحصیلات از دانشسرا خارج شوند بـاید علاوه بررد کلیه کمك خرجهائی که دریافت نموده‌اند از عهده مخارجی که میزان آن برای هرسال تحصیلی معادل نسبت مخارج آن سال دانشسرا بعده محصلین آن میباشد برآیند.

کسانیکه پس از فراغ از تحصیل کمتر از پنجسال خدمت نمایند برای هریك سال کسرخدمت باید خمس مخارج تحصیلی خود راکه بترتیب فوق معین میشود باضافه خمس خرجهای دریافتی ردنمایند مگر اینکه دولت آنها را از خدمت معلمی معاف کرده باشد .

۱ ــ علوم معقول ومنقول . ۲ ــ علوم طبیعی و ریاضی . ۳ ــ ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی . ٤ ــ طب و شعب و فروع آن . ٥ ــ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی . ٦ ــ فنّی .

دانشسراهای عالی ومدارس صنایع مستظرفه ممکن است از مؤسسات دانشگاه محسوب شوند و نیز ممکن است مدارس و مؤسسات دیگری لدی الاقتضاء بدانشگاه منضم گردد .

ماده یازدهم ـ تشخیص عدم استعداد ولیاقت آموزگاران ودبیران در سال اول خدمت که برطبق ماده هشتم قانون موجب معافیت از خدمت است منوط به نتیجه امتحانات محصلین ورایورتهای مدیر مربوط ومفتشین وزارت معارف میباشد ، اداره کل معارف پس از مداقه در راپورتهای واصل رأی قطعی خود را بمقام وزارت تقدیم و وزیر معارف حکم لازم را ابلاغ مینماید .

ماده دوازدهم ـ مشاغل دوگانه آموزگار و دبیر از حیث حقوق وسابقه خدمت بموجب ماده ۱۰ قانون تربیت معلم بده درجه تقسیم میشود ومدت خدمت در درجات ۱ و ۲ و ۳ لااقل دو سال ودردرجات بعد لااقل سه‌سال خواهدبود بعلاوه ارتقاءآموزگاران ودبیران ازدرجه بدرجه دیگر منوط بابراز لیاقت وحسن خدمت آنها بوده وبرطبق پیشنهاد مدیرمدرسه واداره معارف محل وتصویب کمیسیون ترفیعات وزارت‌معارف وبموجب ابلاغ وزیرصورت خواهدگرفت . پیشنهادهای مربوط بارتقاء باید حاوی کلیه اطلاعات لازمه بوده وادارات معارف‌آنرا تنظیم نموده تاآخر مهر ماه هرسال باداره استخدام وزارت‌معارف ارسال دارند . اداره پرسنل ازکلیه پیشنهادها فهرستی‌ترتیب داده وآنراتااول دیماه پس‌ازکسب اجازه ازمقام وزارت‌بکمیسیون‌ترفیعات تقدیم‌میدارد . کمیسیون ترفیعات فهرست‌مزبور را مورد مطالعه ودقت قرارداده تقدم وتأخر پیشنهاد شده‌گان را ازحیث استحقاق‌آنها بارعایت اینکه با تساوی شرایط مستخدمین متأهل بر مستخدمین مجرد و آنهائیکه دارای اولاد هستند بر کسانی که اولاد ندارند حق تقدم خواهند داشت تعیین وبا نمره ترتیب صورتی از آنها تهیه خواهند نمود .

پیشنهادشدگان در حدود اعتبارات موجوده وبترتیبی که نام آنها در صورت مزبورقید گردیده است ترفیع خواهند یافت وکسانی که بواسطه نبودن محل ترفیع نیافته‌اند درصورتیکه موجبات نقض پیشنهاد ترفیع آنها فراهم نشده باشد برکسانی که در سال بعد پیشنهاد میشوند مقدم خواهند بود .

ماده سیزدهم ـ کسانی که دارای دیپلم لیسانس یا صاحب تصدیق رسمی متوسطه کامل علمی یا ادبی هستند وتا اول فروردین ماه ۱۳۱۳ لااقل سه‌سال متوالی یا متناوب در مدارس دولتی خدمت کرده اند یا بموجب ابلاغ وزارتی یا کنترات رسمی وزارت معارف در مدارس غیر دولتی همان

ماده سوم - رئیس دانشگاه در آغاز افتتاح برحسب پیشنهاد وزیر معارف بموجب فرمان همایونی تعیین و بعدها برطبق ماده ۱۴ برحسب پیشنهاد شورای دانشگاه وموافقت وزیر معارف بموجب فرمان همایونی منصوب خواهد شد .

اداره کردن دانشگاه بعهده رئیس است معاون دانشگاه و رؤساء و معاونین و استادان دانشکده‌ها برحسب پیشنهاد رئیس دانشگاه از طرف وزیر معارف منصوب میشوند سایر مستخدمین برطبق مقررات این قانون از طرف رئیس دانشگاه تعیین میگردند .

تبصره ۱ ـ مدت خدمت رئیس دانشگاه و رؤسای دانشکده ها سه سال است بعداز انقضاءِ این مدت ممکن است مجدداً انتخاب شوند .

مدت را تدریس نموده اند مشمول مقررات این قانون بوده رتبه آنها از روی آخرین حقوق دریافتی ازوزارت معارف یا مدرسه‌ای که رسماً مأمورآنجا بوده اند تعیین خواهد گردید .

تبصره ۱ - چنانچه آخرین حقوقی که مدرك تعیین درجه میباشد از مقرری یکی از درجات ده گانه تجاوز نموده وبمقرری بالاتر نرسیده باشد بموجب ماده ۱۶ قانون دانشگاه صاحب آن‌مقرری درجه بالاتر را دارا خواهدشد وهمچنین‌معلمینی که درموقع اجراء قانون‌حقوق درجه اول‌رانگرفته‌اند دارای درجه اول خواهند گردید ـ کسر حقوق اینگونه اشخاص در موقع مقتضی ودر صورت پیدا شدن اعتبار ترمیم میشود .

تبصره ۲ - تعیین درجه کسانی که آخرین حقوق خود را درخارج ازمحل‌اقامت خود که جزء نقاط بدآب وهوا محسوب میشود دریافت نموده اند پس از کسر کردن اضافه خواهد بود که برطبق نظامنامه‌های مخصوص باین نوع از مأمورین بعنوان مدد معاش داده شده است .

ماده چهاردهم ـ آموزگاران ودبیران که مشمول اینقانون هستند علاوه برمقرری درجه خود نمی‌توانند وجه دیگری بعنوان حق‌التعلیم یا فوق‌العاده از بودجه دولت دریافت دارند مگر در مواردیکه مشمول تبصره ۲ از ماده ۱۱ قانون واقع شوند .

ماده پانزدهم ـ در صورت انتقال دبیران بکار اداری چنانچه مقرری مأخوذ که مدرك تعیین رتبه جدید میباشد از حداکثر مقرری رتبه تجاوز نموده بحد اقل مقرری رتبه بالاتر نرسیده باشد بهریك از این دو رتبه نزدیکتر باشد همان رتبه برای مستخدم منظور میگردد و جبران کسر حقوق کسانی که رتبه بالاتر را حائز میشوند در موقع مقتضی و در صورت پیدا شدن اعتبار ترمیم خواهد شد.

تبصره ۲ ـ رئیس دانشگاه مجاز است علماء و دانشمندان مملکتی و خارجی را بر حسب پیشنهاد شورای دانشگاه و تصویب وزیر معارف بعضویت افتخاری دانشگاه بپذیرد .

ماده‌چهارم ـ شورای دانشگاه از اشخاص ذیل تشکیل میشود :

رئیس دانشگاه که سمت ریاست شورارا خواهد داشت .

معاون .

رؤسای دانشکده‌ها .

لااقل یك نفر استاد از هریك از دانشکده ها .

ماده پنجم ـ وظائف شورای دانشگاه بقرار ذیل است .

تعیین شرایط ورود محصل بدانشگاه ـ تدوین دستور تحصیلات دانشکده ها

ماده شانزدهم ـ سنواة خدمت مشمولین ماده ۱۲ در صورتی جزء خدمت رسمی آنها محسوب میگردد که حقوق تقاعد گذشته را برطبق قوانین مربوطه نقداً یا اقساطاً تأدیه نمایند .

ماده هفدهم ـ مادامی که دانشسراها برای دبستانها و دبیرستانها بقدر کافی آموزگار ودبیرتهیه ننموده اند وزارت معارف میتواند کما فی‌السابق ازاشخاصی که صلاحیت داشته باشند برای مشاغل مزبور کنترات نماید یا حق‌التعلیم بدهد تا اینکه از مشمولین قانون استخدام کشوری بخدمت بگمارد .

ماده هیجدهم ـ رؤساء ومعلمین دانشسراهای مقدماتی وعالی به پیشنهاد اداره کل‌معارف وتصویب وزیر معارف تعیین ونصب خواهند شد .

ماده‌نوزدهم ـ دبستان ودبیرستان ضمیمه از حیث پرگرام دروس و نظامنامه امتحانات و امور دیگر تابع مقررات عمومی سایر دبستانها ودبیرستانها خواهند بود .

ماده بیستم ـ دستور تحصیلی ومقررات اساسی دانشسراها را وزارت معارف پس‌ازتصویب شورای عالی معارف بموقع اجرا میگذارد .

این نظامنامه که مشتمل بربیست ماده است در تاریخ هفتم مردادماه یکهزارو سیصد و سیزده شمسی بموجب اختیار حاصله از ماده ۱۷ قانون اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی بتصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی رسیده است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

تعیین شرایط گرفتن درجه و تصدیقنـامه و دیپلم ـ تهیه نظامنـامه های لازم جهت امتحانات وپیشرفت کار دانشکده ها ـ اظهار نظر در مورد اشخاصی که بسمت استاد و دانشیار از طرف شورای هر دانشکده پیشنهاد شده اند ـ پیشنهاد هـر اقدامی که موجب ترقی واصلاح کار دانشگاه باشد ـ معاونت و کمك فکری بارئیس دانشگاه .

ماده‌ششم ـ هریك ازدانشکده‌ها دارای شورائی‌خواهد بود مرکب ازمعاون واستادان درتحت ریاست رئیس دانشکده .

وظائف وتشکیلات شورای مزبور بموجب نظامنامه خواهد بود که ازتصویب شورای دانشگاه گذشته باشد .

ماده‌هفتم ـ دانشگاه دارای شخصیت حقوقی میباشد و نمایندگی‌آن بعهده رئیس است و از لحاظ اداری ومالی دانشگاه مستقل و تحت مسئولیت مستقیم وزیر معارف خواهد بود .

ماده‌هشتم ـ دانشگاه میتواند در مقابل امور علمی و فنّـی کـه اشخاص و مؤسسات غیررسمی رجوع مینمایند برطبق نظامنامه مخصوص‌حق‌الزحمه دریافت دارد ـ وجوهی که از این راه عاید میشود و همچنین اعانه‌هائـی که اشخاص مختلف میدهند و عایدات دیگر باستثناء حقوقی که از محصلین دریافت میشود به حساب جداگـانه در تحت نظر رئیس دانشگاه جمع آوری و باتصویب وزیـر معارف بمصارفی کـه در شورای دانشگاه پیشنهاد میشود خواهد رسید و وزارت معارف در حساب آن حق نظارت خواهد داشت .

تبصره ـ هدایائی که اشخاص یامؤسسات بعنوان وقف و امثال آن جهة امر خاص بدانشگاه تقدیم میکنند اداره آنها با دانشگاه است این قبیل عایدات بـاید مطابق میل هدیه کنندگان صرف شود وتبدیل‌آن بمصرف‌دیگر جائز نیست صورت

عایدات و مخارج همه ساله بوزارت اوقاف تقدیم خـواهد شد دانشگاه در رد و قبول هدایای مذکور آزاد است .

ماده نهم ـ فارغ‌التحصیل‌های دانشکده‌ها که برحسب مقرراتی که باموافقت نظر وزارت معارف وضع خواهد شد لااقل بدرجه اجازه معلمی (لیسانس) نائـل شوند از حقوق وامتیازات قـانون تربیت معلم مصوب ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۲ استفاده خواهند کرد .

ماده‌دهم ـ معلمین دانشگاه بطبقات سه گانه ذیل تقسیم میشوند :

اول ودوم استاد و دانشیار (معاون استاد) که باید علاوه بر داشتن شرایط مقرره در فقراة ۱ و ۳ و ٤ ماده دوم قانون استخدام کشوری استاد کمتر از سی سال ودانشیار کمتراز بیست‌وپنجسال نداشته باشند ودر رشته‌ای که تدریس‌مینمایند درجه علمی آنها را شورای عالی دانشگاه لااقل دکتری یا معادل آن تشخیص بدهد .

سوم ـ دبیر که باید لااقل دارای شرایط معلمین مدارس متوسطه باشد وبرطبق مقررات مربوط بمعلمین مذکور استخدام خواهد شد .

سایر مستخدمین ازقبیل متصدیان لابراتوارها وکارخانه‌ها واعضای کتابخانه‌ها وامثال آن واعضای دفتری تابع مقررات قوانین عمومی خواهند بود .

تبصره ـ رئیس کتابخانه باید از حیث درجه علمی کمتر از دبیر نباشد ولـی چنانچه درجه علمی او بالاتر باشد مانند دانشیار استخدام خواهد شد .

ماده‌یازدهم ـ از آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۳ و بعد دانشیاران و استادانی که طرف احتیاج دانشگاه میشوند در صورت تعدّد داوطلبان با مسابقه مطابق نظامنامه مخصوص تعیین خواهند شد .

ماده دوازدهم ـ درطول مدت خـدمت باستادان و دانشیاران ممکن است

ده مرتبه اضافه حقوق داده شود واعطای اضافات از مرتبه اول الی سوم هر دوسال ودر مراتب بعد هر سه سال یکمرتبه برطبق نظامنامه مخصوص با شرایط ذیل خواهد بود:
۱ــ ابراز لیاقت واستحقاق ۲ــ پیشنهاد رؤسای دانشکده‌ها ۳ــ تصویب شورای دانشگاه

ماده سیزدهم ــ میزان حقوق درجه اول دانشیار همه ساله برطبق قانون بودجه معین خواهد شد اضافه‌حقوقی که دردرجات اول تا هشتم دریافت خواهد نمود مساوی خواهد بود باهشت یك حقوق ماقبل ودر درجه نهم ودهم باخمس حقوق ماقبل ــ در مواقع ترفیع برتبه استادی ویا ریاست دانشکده ویا ریاست دانشگاه عشر حقوق مقام مادون اضافه خواهد شد و پس از آن نیز اضافه حقوق که در باقی درجات دریافت خواهد کرد تا درجه هشت مساوی خواهد بود باهشت یك ودر درجات نهم و دهم با خمس حقوق ماقبل.

تبصره ــ حقوق ماهانه درجه‌اول دانشیاردر سال تحصیلی ۱۴ ــ ۱۳۱۳ بمیزان یك هزار ریال است.

ماده چهاردهم ــ ریاست هر رشته از دروس برعهده استاد همان رشته است برای ترفیع برتبه استادی علاوه برپیدا شدن محل تدریس باید لااقل پنجسال دانشیار بوده در رشته خود قابلیتی ابراز کرده باشد که مورد قدرشناسی و تصویب شورای دانشگاه واقع شود.

رؤسای دانشکده‌ها و دانشسراهای عالی پس از کسب نظر شورای دانشکده مربوط از بین استادان و رئیس دانشگاه ازبین رؤسای دانشکده ها انتخاب میشوند انتخاب معاون دانشگاه ومعاونین دانشکده‌ها از بین استادان بعمل خواهد آمد.

ماده پانزدهم ــ مادامی که معلم دارای شرایط مذکور درماده ۱۰ بعده کافی برای استخدام یافت نشود ممکن است ازاشخاصی که دررشته‌ای‌ازعلوم ویا ادبیات بمقامی

شامخ رسیده وشورای دانشگاه لیاقت آنها را تصدیق کرده بطور کنترات استخدام شود ونیز ممکن است از متخصصینی که در خدمت ادارات دولتی هستند در برابر حق‌الزحمه استفاده شود.

ماده‌شانزدهم ـ اشخاصی که در سال تحصیلی ۱۳۱۲ ـ ۱۳۱۳ در مدارس عالیه مشغول‌خدمت بوده‌اند چنانچه دارای شرایط مندرجه درماده ۱۰ اینقانون باشند معلم رسمی دانشگاه خواهندبود درجه وحقوق آنها راوزارت معارف‌بموجب نظامنامه مخصوص و برطبق آخرین حقوق تدریس درسال تحصیلی ۱۲ و۱۳ با رعایت ماده ۱۳ این قانون تعیین خواهد نمود اشخاصی که مشمول قانون استخدام کشوری باشند نیز میتوانند از مقررات اینقانون بهره‌مند گردید.

تبصره ۱ ـ اشخاصیکه در سال تحصیلی ۱۲ ـ ۱۳۱۳ در مدارس‌عالیه مشغول تدریس بوده لیکن تصدیق دکتری دردست ندارند معلم رسمی دانشگاه خواهند بود ولی باید قبل از انقضاءِ خرداد۱۳۱٤ دررشته خود رساله تازه تألیف نمایند که مورد قبول شورای دانشگاه واقع شود وباخذ تصدیق استادی در همان رشته نائل میشوند و این تصدیق بمنزله درجه دکتری‌آنها درآن رشته خواهد بود.

تبصره ۲ ـ دبیران که بموجب ماده ۱۲ قانون تربیت معلم مصوب ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۲ وهمچنین دانشیاران که بموجب این قانون آخرین حقوقشان مدرك‌تعیین رتبه‌آنها میشود هرگاه از درجه تجاوز نموده وبدرجه بالاتر نرسیده باشند درجه بالاتر را دارا خواهند شد وهمچنین معلمینی که در موقع اجراءِ این قانون و قانون تربیت معلم حقوق درجه اول را نگرفته اند دارای درجه اول بوده وزارت معارف میتواند درموقع مقتضی باداشتن اعتبار کسرحقوق اینگونه اشخاص را ترمیم نماید.

تبصره ۳ ـ تشخیص رتبه وحقوق استخدامی (اعم از رسمی و کنتراتی وغیره)

واستحقاق دریافت اضافه حقوق و ترفیع رتبه برطبق این قانون وسایر قوانین موضوعه نسبت بکلیه اعضاء وزارتخانه‌ها وادارات مستقله با وزارتخانه یا اداره مستقل مربوطه وتصدیق اداره تقاعد کشوری خواهد بود وچنانچه مستخدمین شکایتی داشته باشند که راجع بتشخیص رتبه یا اضافه حقوق یا ترفیع آنها باشدمرجع کلیه شکایات استخدامی دیوان عالی تمیز خواهد بود .

ماده هفدهم ـ ترتیب محاکمه اداری اعضای دانشگاه بموجب نظامنامه خاصی است که از طرف شورای دانشگاه تنظیم وبتصویب هیئت وزراء رسیده باشد .

ماده هیجدهم ـ مواد ذیل از قانون استخدام کشوری در مورد رؤساء و معاونین دانشگاه واستادان ودانشیاران مجری خواهد بود مواد ٦ ـ ٧ ـ ٨ ـ ٩ ـ ١١ ـ ١٤ ـ ١٩ ـ ٢٨ ـ ٦٩ .

ماده نوزدهم ـ رؤساء و معاونین دانشگاه و استادان و دانشیاران میتوانند بابیست و پنج سال خدمت و یا باشصت سال عمر و هرقدر سابقه خدمت تقاضای تقاعد نمایند دولت نیز میتواند بادارا بودن شصت سال عمر ولااقل بیست سال خدمت آنان را متقاعد سازد ـ مابقی شرایط تقاعدآنها برطبق فصل چهارم قانون استخدام کشوری با رعایت اصلاحاتی که در آن بعمل آمده خواهد بود وباستثنای جزء (د) از ماده واحده اصلاحیه ماده ٤٣ قانون مذکور .

ماده بیستم ـ دانشگاه باشخاصی که دررشته‌ای ازعلوم یا ادبیات بمقامی شامخ رسیده و یا خدمات بزرگی بعالم انسانیت کرده باشند شورای عالی دانشگاه پس از مداقه کامل احراز لیاقت آنها را تصدیق نماید با تصویب وزیر معارف درجه دکتری افتخاری اعطا خواهد نمود .

ماده بیست و یکم ـ وزارت معارف نظامنامه ای که برطبق ماده ۱۶ برای اجرای این قانون ضرورت دارد بعد از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجراء خواهد گذارد (*).

این قانون که مشتمل بر بیست و یك ماده است درجلسه هشتم خردادماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

(*) ـ نظامنامه فوق الذکر بقرار ذیل درتاریخ اول اسفندماه ۱۳۱۳ بتصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی رسیده است:

نظامنامه اجراء ماده شانزدهم قانون تأسیس دانشگاه

ماده اول ـ اشخاصی که در طی سال تحصیلی ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۲ در مدارس عالیه مشغول خدمت بوده اند و دارای شرایط ماده ۱۰ قانون تأسیس دانشگاه میباشند اعضای رسمی دانشگاه شناخته شده درجه آنها از روی آخرین حقوقی که در سال تحصیلی مذکور از وزارت معارف یا از مؤسسات رسمی معارفی دیگر که از طرف وزارت معارف در آنجا ماموریت داشته اند دریافت داشته تعیین خواهد گردید.

ماده دوم ـ کسانی که مشمول قانون استخدام کشوری یا قضائی هستند ودرطی سال تحصیلی ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۲ مشغول خدمت در مدارس عالیه بوده دارای شرایط مندرجه در ماده ۱۰ نیز باشند میتوانند از مقررات قانون دانشگاه بهره مند گردند در اینصورت باید منتها تا آخر خرداد ۱۳۱۴ کتباً تقاضای خودرا بوزارت معارف تقدیم نمایند.

تبصره ـ اشخاصی که مشمول مقررات قانون دانشگاه میشوند نمیتوانند در ادارات دولتی و مؤسسات داخلی یا خارجی بدون اجازه کتبی وزارت معارف اشتغالی داشته باشند.

ماده سوم ـ کسانی که مشمول قانون استخدام کشوری یا قضائی باشند و بموجب تبصره اول ماده ۱۶ باخذ تصدیق استادی نائل میگردند میتوانند از مقررات این قانون بهرهمند شوند یا اینکه با حفظ رتبه اداری در مقابل اخذ حق الزحمه در دانشگاه مشغول تدریس باشند.

تبصره ـ درجه دانشیاری یا استادی اینگونه معلمین درهرموقع که تقاضا نمایند ازروی آخرین حقوقی که در سال تحصیلی ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۲ دریافت داشته‌اند معین میشود.

ماده چهارم ـ مشمولین مقررات ماده ۱۶ قانون دانشگاه در صورتی که تا خرداد ۱۳۱۳ سابقه خدمت آنها در مدارس کمتر از پنج سال باشد رتبه دانشیار و چنانچه بیش از پنج سال باشد رتبه استاد خواهند یافت بعداً ارتقاء از رتبه دانشیاری باستادی بر طبق ماده ۱۴ قانون

قانون اوقاف

مصوب ۳ دیماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ اداره کردن موقوفاتیکه متولی ندارد یا مجهول التولیه است باوزارت معارف و اوقاف است و در صورتیکه متصدی داشته باشد ممکن است وزارت مزبوره در دست او ابقاء نماید .

دانشگاه صورت خواهد گرفت .

ماده پنجم ـ قبل از انقضاء سال تحصیلی ۱۳۱۳ وزارت معارف کمیسیونی تحت نظروزیر یا مدیر کل وزارتخانه تشکیل داده بدوسیه استخدامی معلمین و اعضاء مدارس عالیه رسیدگی نموده رتبه و درجه آنها را برطبق مقررات قانون دانشگاه و این نظامنامه تعیین و ابلاغ خواهند نمود .

ماده ششم ـ اشخاصی که در طی سال تحصیلی ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۲ در مدارس عالیه مشغول خدمت بوده لیکن تصدیق دکتری ندارند باید قبل از انقضاء خرداد ۱۳۱٤ در رشته خود رساله تألیف نموده بتصویب شورای دانشگاه برسانند و باخذ تصدیق استادی در همان رشته نائل شوند .

این تصدیق بمنزله درجه دکتری آنها در آن رشته خواهد بود . کسانیکه باین امر توفیق نیابند یا بارتبه وحقوق اداری خود مشغول خدمت خواهند بود یا اینکه برطبق ماده ۱۵ قانون دانشگاه با آنها رفتار میشود .

تبصره ـ برای اجرای تبصره اول ماده ۱٦ قانون دانشگاه شورای دانشگاه مرکب از رؤسای دانشکده‌ها ولااقل یکنفر استاد ازهر دانشکده تحت ریاست وزیر معارف تشکیل خواهد گردید.

ماده هفتم ـ ازلحاظ تقاعد وسابقه خدمت سنوات خدمت مشمولین قانون دانشگاه درصورتی جزء خدمت رسمی آنها محسوب میگردد که کسور تقاعد گذشته‌را چنانچه برطبق قوانین مربوطه نپرداخته باشند نقداً یا اقساطاً تأدیه نمایند .

ماده هشتم ـ دبیرانی که درمدارس عالیه تاکنون مشغول خدمت بوده‌اند یا من بعد باین سمت استخدام خواهند شد مشمول مقررات قانون تربیت معلم مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۱۲ و نظامنامه آن خواهند بود .

ماده نهم ـ دولت میتواند با موافقت رئیس دانشگاه از دانشیاران یا استادان اشخاصی‌را که مقتضی بداند باحفظ درجه آنها بخدمات اداری منتقل نماید .

نظامنامه اجراء ماده ۱٦ قانون دانشگاه که مشتمل بر نه ماده است درتاریخ اول اسفندماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب کمیسیون معارف مجلس شورای‌ملی رسیده وبموجب ماده ۲۱ قانون مصوب ۸ خردادماه ۱۳۱۳ قابل اجراست .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

تبصره ـ مقصود از مجهول التولیه آن است که متولی شخص معین یا اشخاص معین و یا بر حسب اوصاف که بالاخره منطبق با شخص معینی میشود معلوم نباشد .

ماده دوم ـ نسبت بموقوفات عامه کـه متولی مخصوص دارد وزارت معارف و اوقاف نظارت کامل داشته و بر طبق مواد ٦ و ۷ قانون اداری وزارت معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ و ضمیمه آن رفتار خواهد نمود .

تبصره ۱ ـ عمران و آبادی رقبات موقوفات بر هر مصرفی مقدّم است .

تبصره ۲ ـ موقوفاتیکه تولیت آن با سلطان عصر است مشمول این قـانون نخواهد بود .

ماده سوم ـ اموال غیر منقول که بر حسب نذر و یا وصیت و یا حبس منافع آن بطوردائم یا در مدتیکه کمتر از ۱۸ سال نباشد برای مصارف عامه تخصیص داده شده مشمول مواد ۱ و ۲ این قانون خواهد بود .

تبصره ـ نظارت وزارت اوقاف در جمع و خروج مؤسسات خیریه و همچنین نظارت در آبهائی که وقف بر شهر ها است مجانی خواهد بود .

ماده چهارم ـ وزارت معارف و اوقاف در موقوفات خاصه باستثناءِ موارد ماده ۷ مداخله ندارد.

ماده پنجم ـ در موقوفات عامه که اداره آن مستقیماً با وزارت معارف‌واوقاف است از حیث تقاضای ثبت و اعتراض بر ثبت و اقامه دعوی و طرفیت در دعوی وغیره وزارت مزبوره مانند متولی منصوص خواهد بود و در موقوفات عامه که نظارت آن با اداره اوقاف است حق تقاضای ثبت و اعتراض بر آن و اقامه دعوی دارد و اگر متولی طرف دعوی واقع شده باشد میتواند بعنوان ثالث داخل در محاکمه شده و در صورت محکوم شدن متولی بر حکم اعتراض نماید.

تبصره ـ در موقوفات خاصه هر گاه تقاضای ثبت بعنوان ملکیت شد وزارت اوقاف مکلف است اعتراض دهد .

ماده‌ششم ـ در موارد مذکور در ماده قبل وزارت معارف‌واوقاف از پرداخت مخارج محاکمه معاف خواهدبود چنانچه ملك عایدی داشته باشد و در تصرف وزارت اوقاف باشد یا بموجب حکم قطعی بتصرف وزارت مزبور درآید باید بعداً مخارج محاکمه را بپردازد .

ماده هفتم ـ بیع وقف و تبدیل آن درموردی که مطابق مواد ۸۸و۸۹ قانون مدنی جایز است باید باطلاع و تصویب وزارت معارف و اوقاف و با رعایت ماده ۹۰ قانون مزبور واقع شود وهمچنین‌است اجاره موقوفات خاصه که بیش‌از ده سال باشد.

ماده هشتم ـ در مواردی که اداره تحقیق اوقاف خائن بودن متولی را احراز نمود موقتاً ناظری بر او خواهد گماشت و اداره اوقاف درمحاکم صالحه اقامه دعوی نموده پس‌ازاثبات خیانت متولی برای ضم امین باداره مدعی عمومی مراجعه مینماید که مطابق مقررات برای ضم امین اقدام شود و ممکن است دراینصورت خود اداره اوقاف بعنوان امین منضم معین گردد .

ماده نهم ـ حق‌التولیه موقوفاتیکه مستقلات وزارت اوقاف اداره مینماید مطابق وقفنامه خواهد بود ودرصورت عدم وقفنامه یك عشرازعایدات خالص دریافت میدارد و برای نظارت درسایر موقوفات عامه وزارت اوقاف نیم عشر از عواید خالص دریافت میدارد .

تبصره ۱ ـ نسبت بموقوفات مریضخانه‌ها و مدارس وزارت اوقاف صدی سه حق‌التولیه و صدی دو حق‌النظارت دریافت خواهد نمود .

تبصره ۲ ـ وزارت معارف‌واوقاف عواید حاصله‌از حق‌النظاره را بعدازمخارج

وصول که نباید ازصدی ده کل عایدات مزبور تجاوز کند بمصرف ساختمان وتعمیرات ابنیه تاریخی و مرمّت مدارس قدیمه و اماکن و آثار مقدسه ملی خواهد رسانید در صورتی که موارد مصرف در حوزه وقف باشد حق تقدّم خواهد داشت .

ماده دهم ـ نظامنامه راجع بطرز اداره موقوفاتی که اداره آن با وزارت معارف و اوقاف است و طرز اجرای نظارت در موقوفاتی که وزارت مزبوره نظارت دارد و نظامنامه تعیین مصارف موقوفاتی که مجهول المصرف و یا مصرف آن مطلق مبرات و یاصرف منافع آن درمصرفیکه واقف قرار داده متعذراست وهمچنین نظامنامه اجرای مواد اینقانون را باید وزارت اوقاف تنظیم کرده وپس ازتصویب هیئت دولت بموقع اجرا گذارد .

اینقانون که مشتمل برده ماده است درجلسه‌سوم دیماه یکهزاروسیصدوسیزده شمسی بتصویب مجلس‌شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح قانون تذکره

مصوب ۱۵ شهریورماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ نسبت بمواد قانون تذکره مورخه ۲۰ دیماه ۱۳۱۱ اصلاحات ذیل بعمل میآید :

۱ ـ عبارت تذکره مخصوص مبدل بتذکره خدمت میشود .

۲ ـ قسمت ۲ از ماده ۱۷ باین عبارت (اعضاء رئیسه دربارسلطنت) تبدیل میشود .

۳ ـ قسمت ۱ از ماده ۱۹ نسخ میشود .

٤ ـ در ماده ۲٤ یك جمله بشرح ذیل اضافه میشود : مأمورین وزارت امور

خارجه میتوانند به تذاکر طیاره‌چی ومعاون‌او وشوفر وشاگرد او ومکاری وهمچنین به تذکره عادی انفرادی وجمعی ملاحین در ازاءِ مبالغ ذیل :

برای مدت سه ماه	۲۰ ریال
برای مدت ششماه	۳۰ »
برای‌مدت یکسال	٤۰ »

ویزای کثیرالمسافره صادر نمایند .

ماده دوم ـ قانون تذکره مصوب ۲۰ دی ماه ۱۳۱۱ نسبت بـه اتباع ایـران مقیمین خارجه از اول آذر ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

اینقانون که مشتمل بر دوماده است در جلسه پانزدهم شهریور ماه یکهزارو سیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع باحداث و توسعه معابر و خیابانها (※)

مصوب ۲۲ آبان ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ هروقت بلدیه توسعه یا احداث معبر یا خیابان یا میدانی را برای تسهیل عبور و مرور یا زیبائی شهر لازم دانست برطبق مواد ذیل رفتار خواهد نمود .

ماده‌دوم ـ اداره بلدیه مکلف است نقشه مشروح معبر یا خیابان و یا میدان منظور را با مقدار ذرعی که از هرخانه یا مستغل ویازمین مشجر ویا مزروع ویابیاض جزوشارع یا میدان خواهد شد ترسیم نموده پس ازتصویب انجمن بلدیه و حکومت

(※) ـ این قانون بموجب ماده ۱۷ قانون اصلاح قانون توسعه و معابر مصوب اول تیر ماه ۱۳۲۰ (دوره دوازدهم) لغو شده است .

محل و وزارت داخله با تعیین موقع اجرای نقشه که لااقل سه ماه پس از انتشار اعلان یا اخطار کتبی خواهد بود بوسیله اعلان یا اخطار به مالکین ویا متولیان ومتصدیان در موقوفات اطلاع دهد ـ در مواردی که ضرورت و فوریت اقتضا کند انجمن بلدیه میتواند با تصویب وزارت داخله مدت مزبور را باقتضای موقع و محل تقلیل دهد. از تاریخ انتشار اعلان مزبور در ظرف یکماه مالکین خط توسعه خیابان یا احداث میدان میتوانند بر نقشه بلدیه چه از حیث لزوم وچه ازحیث ترتیب نقشه اعتراض و دلائل اعتراض را بانجمن بلدیه محل تسلیم نمایند.

انجمن بلدیه مکلف است بدلائل اعتراض رسیدگی کرده نظر خود را در رد یا قبول اعتراض ضمیمه نقشه نموده دوسیه را بوزارت داخله ارسالدارد ورأی وزارت داخله قطعی است.

مادهسوم ـ بلدیه مکلف است هرمقدار از ملکی را که بموجب نقشه برای توسعه یا احداث شارع یا میدان لازم است بقیمت عادله از مالك خریداری نماید و مالك نیز باید آن را واگذار نماید ودرصورتیکه بلدیه قیمت را نقداً نپردازدمکلف است قرار موعد یا اقساط داده ولی درهرحال موعد یا اقساط نباید ازسال مالی بلدیه تجاوز کند.

هر گاه در تعیین قیمت عادله بین طرفین اختلاف حاصل شود طرفین هر یك یکنفر خبره یا بیشتر متساویاً معین مینمایند و هر گاه بین خبره های طرفین توافق حاصل نشود یك نفرخبره بتراضی طرفین یا بقرعه معین وضمیمه شده ورأی اکثریت آنها مناط اعتبارخواهد بود وتا رفع اختلاف وتعیین قیمت نشده است هیچگونه اقدامی از طرف بلدیه برای خرابی ملك نباید بشود.

تبصره ۱ ـ مقصود از قیمت عادله قیمت زمین بیاض یا بانضمام بناءِ و اشجار قبل از اعلان توسیع است.

تبصره ۲ ـ درمورد موقوفات خریداری از متولی با موافقت نظرمدعی‌العموم محل وحاکم محکمه شرع و نظارت اداره اوقاف خواهد شد .

تبصره ۳ ـ درصورت احتیاج بقرعه برای تعیین خبره مشترك قرعه در محکمه بدایت یا صلحیه محل ودرصورت نبودن محکمه در محضرحاکم محل بعمل خواهدآمد ودر صورت استنکاف یکطرف‌ازتعیین خبره مختص یامشترك محکمه یاحاکم‌اشخاصی راکه خبرویت داشته باشند خود در نظر گرفته و خبره‌ای که باید معین شود از بین آنها انتخاب مینمایند .

تبصره ۴ ـ عمارات مسکونی کـه صاحبان آن بواسطه احتمال خرابی برای توسعه اجازه ساختمان از بلدیه گرفته و ساخته اند هرگاه در نتیجه تصمیم بلدیـه بتوسعه یا احداث شارع یا میدان تا دهسال از تاریخ صدور اجازه خراب کـردن آن لازم شود قیمت آن باید نقداً داده شود مگر آنکه مالك باقساط رضایت دهد .

ماده‌چهارم ـ درصورتیکه از ملك یا موقوفه علاوه برآنچه جزو شارع یـا میدان‌می‌شود مقداری بماند که باوضعیت‌حاضره قابل انتفاع نباشد وقابلیت ساختمان جدید یا انتفاعی هم نداشته باشد بتکلیف مالك یا متولی بلدیه باید باقیمانده را نیز بقیمت متناسب با قیمت مقداری که برای توسعه یا احـداث شارع یا خیابان خریده است خریداری نماید در صورتیکه باقیمانده زمینیکه بلدیه عـلاوه برخط توسعه خریداری کرده اگر مالك مجاور خیابان نخرد وبرای زیبائی خیابان لازم باشد که جلوی‌آن دیوار یا صندوقه کشیده شود مالك‌مجاور نمیتواند ممانعت از کشیدن‌دیوار بکند اگرچه بزمین یا دیوار او برای بنای دیوار صندوقه تجاوز بشود .

ماده پنجم ـ هرگاه ملك عقبی‌که بواسطه ازبین رفتن ملك جلومشرف بمعبر میشود بیش از صدی ده ازدیاد قیمت حاصل کند زیادتی مزبور بوسیله خبره مطابق

ماده سوم تقویم خواهد شد ومالك ملك عقبی مکلف است ثلث اضافه حاصله را ببلدیه نقداً یا بموعد یابترتیب اقساط بپردازد ولی موعد پرداخت تمام یا اقساط نباید از سال مالی بلدیه تجاوز کند.

تبصره ـ در صورتیکه بعد از توسعه یا احداث خیابان یا میدان مالك ملك مجاور خیابان یامیدان نخواهد بنائی بکند یادیواری بکشد که متناسب با دیوارهای سایر نقاط خیابان یا میدان مزبور باشد بلدیه دیواری متناسب بخرج مالك مجاور خواهد ساخت ومالك مزبور باید مخارج آنرا بدهد.

ماده ششم ـ هر گاه در نتیجه تغییر یا اصلاح در معابر قسمتی ازشارع عام از شارع بودن خارج شود آن قسمت متعلق ببلدیه خواهد بود وهر گاه بلدیه بخواهد آن قسمت را بفروشد مالك متضرر مجاور در درجه اول ومالکین مجاور در درجه دوم با تساوی قیمت برسایرین حق تقدّم خواهند داشت.

ماده هفتم ـ باختلافاتی که ممکن است در مورد مواد ۳ و ٤ و ٥ و ٦ بین بلدیه ومالکین تولید شود محکمه ابتدائی محل و در صورت نبودن محکمه ابتدائی محکمه صلحیه محل بفوریت و خارج از نوبت رسیدگی کرده حکم خواهد داد عدم حضور یکی از طرفین مانع رسیدگی نخواهد بود حکم محکمه قطعی است.

ماده هشتم ـ مفاد مواد ۳ و ٤ و ٥ و ٦ و ۷ در مورد املاکی که قبل از تاریخ اجرای این قانون ودرائر عملیات بلدیه راجع بتوسیع وتغییر معابر ویااحداث معابر عمومی جدید اختلاف بوده و تا تاریخ اجرای این قانون ترتیب قطعی در رفع اختلاف اتخاذ نشده است مجری خواهد بود.

ماده نهم ـ اراضی یا بناءِ خرابیکه در داخل شهر واقع ودیوار بطرف خیابان یا شارع یا میدان نداشته و منافی با نظافت و زیبائی شهر باشد بعد از اخطار بلدیه

بمالك یا متولی تا سه ماه از تاریخ ابلاغ یا اخطار باو باید بنا یا دیوار بسازد وهرگاه حاضر برای ساختمان یــا دیوار نشود بلدیه بخرج مــالك یا عوائد موقوفه دیواری متناسب با دیوارهای سایر نقاط آن خیابان یا میدان خواهد ساخت .

ماده دهم ـ وزارت داخله و وزارت عدلیه مأمور اجرای این قانون میباشند.

این قانون که مشتمل برده ماده است در جلسه بیست وسوم آبان ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح ماده نهم قانون سجل احوال

مصوب اول بهمن ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده‌واحده ـ ماده نهم قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب ۱۱ آذر ماه ۱۳۱۰ نسخ وماده ذیل بجای آن تصویب میشود :

ماده نهم ـ اگر اوراق هویتی از لحاظ مشمولیت نظام وظیفه نظر باختلاف فاحش قیافه مورد اعتراض کمیسیونی مرکب از نمایندگان نظام وظیفه و احصائیه وسجل احوال وامنیه ونظمیه در هرحوزه اعم از مرکز و ولایات واقع شود رسیدگی باعتراض مزبور در هیئتی مرکب از حــاکم محل یا نماینده او ونمایندگان عدلیه و ادارات فوق الذکر و یك نفر طبیب بانتخاب نظام وظیفه و دو نفر از معتمدین محلی بانتخاب هیئت مزبور بعمل خواهد آمد ـ تشکیل هیئت مزبور و تسلیم اعتراض به هیئت درصورت عدم تصادف باایام تعطیل باید در ظرف چهل وهشت ساعت بعمل‌آید.

هیئت مذکوره باحضور معترض علیه باعتراض مذکور رسیدگی کرده ونظریه

خود را بمعترض علیه ابلاغ و راپرت امر را بضمیمه دوسیه تحقیقات بمرکز ارسال خواهد داشت .

در مرکز هیئتی از نمایندگان ارشد اداره نظام وظیفه و اداره احصائیه و یك نفر طبیب بانتخاب اداره صحیه کل قشون و یك نفر طبیب بانتخاب اداره صحیه کل مملکتی ومدعی العموم ابتدائی یا نماینده او به راپورت مذکور ومحتویات دوسیه امر دقیقاً رسیدگی و رأی خواهند داد .

رأی هیئت مذکور در صورت وصول تقاضا و اظهار دلائل و مدارك لازمه از طرف معترض علیه الی مدت یك ماه (از تاریخ ابلاغ باو) با رعایت حق مسافت قانونی فقط با اجازه وزارت جنگ قابل تجدید نظر و پس از انقضاءِ یك ماه قطعی خواهد بود .

در صورت صدور اجازه تجدید نظر با حضور هیئتی که یك نفر آن طبیب نظامی خواهد بود بعمل آمده و رأی هیئت مذکور قطعی خواهد بود .

هیئت تجدید نظر بانتخاب وزارت جنگ تعیین خواهد شد رأی هیئت تجدید نظر وهمچنین پس از انقضاءِ یکماه مدت معیّنه جهت تقاضای تجدید نظر رأی هیئت نهائی بمعترض علیه ابلاغ و مدلول آن در روی ورقه هویت و در ستون ملاحظات دفاتر مربوطه قید میشود لیکن این رأی فقط از نقطه نظر مقررات راجع بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود .

نسبت باوراق هویتی که قبل‌از تاریخ تصویب این‌قانون بموجب حکم قطعی‌عدلیه یا بموجب تجدید نظر مطابق ماده ۸ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ امردادماه ۱۳۰۷ تصحیح شده مورد اعتراض اداره نظام وظیفه ازحیث مشمولیّت نظام‌وظیفه واقع شود نماینده اداره‌مزبوره از تاریخ تصویب اینقانون تامدت ۵ سال درمورد اوراقیکه برطبق

حکم محاکم عدلیه تصحیح شده میتواند بتوسط مدعی‌العموم محکمه‌ای که حکم داده برحکم مزبور اعتراض نماید ـ محکمه باعتراض مزبور که بطرفیت نماینده اداره نظام وظیفه و مدعی‌العموم طرح میشود با حضور معترض علیه یا وکیل او رسیدگی کرده درصورتی که اعتراض را وارد دید حکم سابق را فسخ کرده و حکم مجدد خواهد داد وحکم مزبورقابل‌استیناف و تمیز نیست واداره سجل‌احوال نیزمکلف است ورقه هویت شخص معترض علیه را مطابق حکم محکمه تصحیح نماید ودر مورد اوراقی که‌برطبق تجدید نظر بموجب قانون سابق الذکر تصحیح شده از تاریخ تصویب این قانون تامدت پنج سال بتقاضای نماینده نظام وظیفه کمیسیونی مرکب از وزیر عدلیه ـ وزیر داخله ـ رئیس اداره نظام وظیفه عمومی ـ رئیس اداره احصائیه و سجل احوال ویکنفر نماینده ارشد از طرف وزارت جنگ تعیین و باوراق مذکوره رسیدگی‌کرده رأی خواهد داد ـ رأی مذکور قطعی وغیرقابل اعتراض است . ولی این رأی‌منحصراً از حیث مقررات راجع بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود .

تبصره ۱ ـ محل اعتراض نسبت باوراق هویت سکنه قراء وبلوك مراکزحوزه های مربوطه آن محل خواهد بود .

تبصره ۲ ـ حضور هریك از نمایندگان معیّنه منوط بوجود ادارات مربوطه در محل خواهد بود .

تبصره ۳ ـ معترض علیه چنانچه مدارك واسنادی برای تأیید مندرجات ورقه هویت خود داشته ودر دسترس نباشد میتواند بمدت متناسبی کتباً از هیئت های محلی ونهائی استمهال نماید .

تبصره ۴ ـ طرز اجرای این قانون مطابق نظامنامه مخصوص بعمل خواهد آمد که بطورکلی جریان رسیدگی ومراحل مختلفه آن بیش از چهار ماه نبایستی به

طول انجامد مگر در صورت استمهال از طرف معترض علیه .

تبصره ٥ ــ آراءِ صادره سابق کمیسیون نهائی (متشکله بموجب قانون آذرماه ۱۳۱۰) در صورتیکه تاکنون اجرا نشده و معترض علیهم با ابراز مدارك مثبته شکایت داشته باشند بااجازه وزارت جنگ مطابق مقررات فوق قابل تجدید رسیدگی خواهد بود .

تبصره ٦ ــ ماده ٤ و ٥ قانون مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه مصوب ۲۳ امردادماه ۱۳۱۰ شامل کلیه اشخاصی خواهد بودکه مأمور اجرای این ماده میباشند مجازات متخلّف ازمقررات نظامنامه هائی کــه بموجب این ماده تنظیم میشود مطابق مقررات انظباتی قشونی معین خواهد شد .

تبصره ۷ ــ بطور کلی این ماده تااجرای سرشماری وتجدید نظر در اوراق هویت قابل اجرا خواهد بود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه اول بهمن ماه یکهزار وسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

راجع به سواد اسناد سجلی

مصوب ۲۳ اردی بهشت ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ــ از تاریخ اجرای این قانون سواد مصدق کلیه اسناد سجلی و آن قسمت از دفاتر سجلی کــه مربوط باشخاص ذینفع است فقط در صورتی معتبر و در محاکم ــ محاضر رسمی ــ ادارات دولتی ــ بلدیه ها ومؤسسات ملّی پذیرفته میشود

که از احصائیه کل یا شعبات آن صادر شده باشد . باوراق ذیل باین ترتیب تمبر الصاق میشود :

۱ ــ المثنی هائی که برای اوراق هویت صادر میشود ـ یك ریال .

۲ ــ هر گونه تصدیقی که از طرف سجل احوال از روی مندرجات اسناد سجلی برطبق تقاضا به اشخاص باید داده شود وسواد مصدق اسناد سجلی ــ سه ریال .

۳ ــ کلیه اعلامیه های ازدواج ــ یك ریال .

٤ ــ کلیه اعلامیه های طلاق ـ ده ریال .

صدور اوراق هویت مجانی خواهد بود .

* تبصره ۱ ــ وزارت مالیه مکلف است عوائد حاصله ازمحل فوق را (بعد از وضع چهل هزار ریال منظور درجزء پنج ازقسمت چهار بودجه سال ۱۳۱۳ مملکتی) برای طبع اوراق و مخارج مربوطه باین امر و تکمیل تشکیلات اداره احصائیه کل باختیار اداره مزبور بگذارد .

تبصره ۲ ـ کسانیکه تا این تاریخ تکالیف مقرره در مواد ۱ ـ ٤ ـ ٥ ـ ٦ قانون مصوبه ۲۰ مرداد ماه ۱۳۰۷ احصائیه وسجل احوال کل مملکت را انجام نداده اند از تعقیب معاف و نیز اشخاصی که بموجب قانون مزبور محکوم بحکم قطعی شده ولی هنوز حکم‌اجرا نشده است ازمجازات معاف خواهند بود . واجازه‌داده میشود درمدت یکسال از تاریخ تصویب این قانون باخذ ورقه و ثبت وقایع مبادرت نمایند ـ پس از انقضای یکسال متخلفین برطبق ماده ۷ قانون مصوب ۱۱ آذرماه ۱۳۱۰ مورد تعقیب قرار خواهند گرفت .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه بیست و سوم اردی بهشت ماه

(*) این‌تبصره بموجب‌ماده ۱۳ قانون‌متمم بودجه سال ۱۳۱۸ کل کشور (دوره یازدهم) لغوشده است .

یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تعیین حدود آبهای ساحلی ومنطقه نظارت دولت در دریاها

مصوب ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۳ شمسی

فصل اول ـ حد آبهای ساحلی و منطقه نظارت

ماده اول ـ قسمتی ازدریا که بفاصله شش میل بحری از سواحل ایران ازحد پست‌ترین جزر وموازی باآن درطول سواحل ممتد میباشد آب ساحلی ایران محسوب ودر این منطقه قسمتهای واقعه در زیر کف دریا وسطح و بالای آن متعلق بمملکت ایران میباشد بعلاوه از لحاظ اجرای بعضی قوانین و قرارداد های مربوطه بامنیت و دفاع ومنافع مملکت و یا تأمین عبور و مرور بحری منطقه دیگری که منطقه نظارت بحری نامیده میشود و نسبت بآن دولت شاهنشاهی دارای حق نظارت است تا مسافت دوازده میل بحری ازحد پست ترین جزر وموازی باساحل‌امتداد می‌یابد .

تبصره : میل بحری مساوی با ۱۸۵۲ متر است .

ماده‌دوم ـ راجع بخورها (خلیج‌های‌کوچك) حدآب ساحلی ازخط مستقیمی شروع میشود که از منتها نقطه یك طرف دهانه آن به منتها نقطه طرف دیگر دهانه خلیج ممتد میشود و چنانچه عرض دهانــه خلیج از ده میل بحری متجاوز باشد خط آبهای ساحلی درنزدیکترین قسمت اتصال خلیج بدریا که عرض آن از ده میل‌بحری تجاوز ننماید واقع خواهد بود .

درمورد بنا در حد آبهای ساحلی از خطی شروع میشود که بین جلوترین

ساختمانهای ثابت بندر در دریا واقع شده باشد.

ماده‌سوم ـ هرجزیره متعلق بایران دارای آبهای ساحلی مخصوص بخود خواهد بود که حدود آن مطابق ترتیب مذکور در ماده (۱) قسمت اول تعیین‌میشود. در مورد مجمع‌الجزایر جزایری‌که‌آنرا تشکیل میدهند درحکم جزیره واحد محسوب میشود ومساحت آبهای ساحلی مجمع الجزایر از جزائری محسوب میگردد که ازهمه دورتر از مرکز مجمع الجزایر واقع باشند.

فصل دوم ـ شرایط دخول وتوقف کشتیهای جنگی خارجی در آبهای ایران وترتیبی که برای آنها مقرر است

ماده‌چهارم ـ کشتیهای جنگی خارجی و تحت البحری ها بشرط آنکه در سطح دریا سیر کنند حق عبور بی ضرر از آبهای ساحلی ایران را دارند مگر اینکه کشتیهای مزبور متعلق بدول متحارب باشد.

در این صورت مقررات مملکتی و بین المللی که برای ایام جنگ و احترام بی‌طرفی منظور است بموقع اجرا گذاشته میشود.

شرایط عبور کشتیهای جنگی‌که منظور قسمت اول این ماده است مخصوصاً از لحاظ تعیین عده آنها بوسیله نظامنامه مخصوص معین خواهد شد.

ماده پنجم ـ شرایط توقف کشتی‌های جنگی خارجی درآبهای ساحلی‌ایران نیز بوسیله نظامنامه مخصوصی معین خواهد شد کشتیهای مزبوره بایـد در آبهائی که منظور این قانون است قوانین ونظامات ایران را رعایت نمایند.

ماده‌ششم ـ دولت میتواند عبور و یـا توقف کشتیهای جنگی خارجی را بنا بمصالح دفاع مملکت ویا علل مهمّه دیگر در بعضی از بنادر و یا قسمتهائی از آبهای ساحلی ممنوع بدارد. بنادر وقسمتهای مزبوره باسم مناطق ممنوعه نامیده میشود.

ماده هفتم ـ کشتیهای جنگی خارجی بشرط معامله متقابله از معاینه گمرکی معاف بوده وفقط برای مال‌التجاره هائی که از کشتیهای مزبوره برای مصارف بساحل وارد میشود حقوق گمرکی دریافت خواهد شد کشتیهای مزبوره بشرط معامله‌متقابله از عوارض بندری وعوارض نظیر آن معافیت دارند .

ماده هشتم ـ رسیدگی و تعقیب جنحه و جنایاتی که در کشتی های جنگی خارجی واقع میشود از صلاحیت مقامات ایرانی خارج است ـ حکم اعدام اشخاص که بوسیله مقامات خارجی صادر شده باشد نمیتواند درآبهای ساحلی ومنطقه نظارت بحری ایران بموقع اجرا گذاشته شود .

این قانون که مشتمل بر هشت ماده است در جلسه بیست و چهارم تیر ماه یکهزار وسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح مواد ٤١ـ٤٢ـ٤٥ قانون انتخابات

مصوب ۱۰ مهرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده‌اول ـ مواد ٤١ و ٤٢ قانون انتخابات از تاریخ تصویب این قانون نسخ ومواد ذیل بجای آن تصویب میشود :

ماده ۴۱ ـ انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا یکهفته شکایات راجعه بانتخابات را می پذیرد پس از آن بپذیرفتن شکایات خاتمه داده درصورتیکه شکایتی رسیده باشد در ظرف یکهفته دیگر بشکایات واصله رسیدگی مینماید والااعتبارنامه را صادر نموده انحلال خود را اعلان مینماید .

ماده ۴۲ ـ متشکیان ازانتخابات یا از انجمن نظارت میتوانند پس از افتتاح مجلس‌شورای ملی شکایت خود را درظرف هفته اول بمجلس شورای ملی اظهار نمایند وحکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود ـ شکایات راجعه به انتخاباتی که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل میآید درظرف هفته اول بعد ازانحلال انجمن نظارت بمجلس شورای ملی باید اظهارشود .

ماده‌دوم ـ ماده ۴۵ قانون انتخابات و قسمت مربوط بتعیین حوزه انتخابیه ایلات که درجدول منضم بقانون مزبورذکرشده از تاریخ تصویب اینقانون ملغی است و ماده ذیل بجای آن تصویب میشود :

ماده ۴۵ ـ کسانیکه سابقاً بحالت عشایری زندگانی‌میکردند ازاین ببعد مثل سایر افراد ملت در جزء سکنه محلی که آنجا اقامت دارند در انتخاب نماینده خود شرکت خواهند نمود .

جدول حوزه‌های انتخابیه ضمیمه قانون‌انتخابات بطریقی که درصورت منضمه باین قانون ترتیب داده شده اصلاح میشود .

ماده‌سوم ـ وزارت داخله مأمور اجرای اینقانون میباشد .

این قانون که مشتمل برسه ماده و جدول ضمیمه است در جلسه دهم مهر ماه یکهزار و سیصدو سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

صورت اصلاح جدول منضم بقانون انتخابات ضمیمه قانون اصلاح ماده ۴۵

نمره ترتیب	شرح	نمره نمایندگان	مرکز انتخابیه
۱	درایالت آذربایجان حوزه واحده اردبیل ومشکین مبدل بسه حوزه میشود بطریق ذیل :		
	اسامی نقاط جزء :		
	اردبیل ـ اجارود ـ ولکج ـ آستارا	۱	اردبیل
	مشکین ـ مغان ـ پیله سوار	۱	خیاو
	خلخال ـ کاغذ کنان ـ خورشید کان و توابع آن	۱	هرآباد
۲	درایالت فارس :		
	اول ـ حوزه واحده جهرم و فراشبند و فیروز آباد مبدل بدو حوزه میشود بطریق ذیل :		
	اسامی نقاط جزء :		
	جهرم ـ بلوك جلکه ـ بلوك کردیان	۱	جهرم
	فیروزآباد ـ فراشبند ـ خنج ـ محال اربعه ـ اخرز ـ قیر ـ کازرین	۱	فیروزآباد
	دوم ـ بحوزه فسا و داراب که یك نفر نماینده داده شده یکنفر نماینده افزوده میشود ودارای دو نماینده خواهد بود .		
	نیریز ـ اصطهبانات ازحوزه شیرازخارج وبحوزه فسا افزوده میشود بطریق ذیل :		

نمره ترتیب	شرح	نمره نمایندگان	مرکز انتخابیه
	اسامی نقاط جزء :		
	فسا ـ داراب ـ اصطهبانات ـ نیریز	۲	فسا
۳	دو حوزه انتخابیه جدید تأسیس میشود بشرح ذیل :		
	اول : دشت گرگان ـ گنبدقابوس ـ گمش تپه	۱	گنبد قابوس
	دوم : چهار محال از حوزه انتخابیه نجف آباد موضوع و حوزه مستقل خواهد شد :		
	اسامی نقاط جزء :		
	چهار محال ـ پشتکوه ـ میانکوه ـ حلو سعد ـ چغاخور ـ جانکی ـ سردسیر ـ شوراب ـ زرین ـ بازفت ـ خانه میرزا	۱	شهر کرد
٤	در جدول حوزه انتخابیه سیرجان لفظ ایلات سته وایل افشار ولك حذف میشود		

صورت فوق ضمیمه قانون اصلاح مواد ٤۱ و٤۲ و ٤٥ قانون انتخابات بوده و صحیح است . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون راجع بسند خدمت آقای حاج مهدیقلی خان هدایت

مصوب ۱۹ آذرماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است خدمات آقای حاج مهدیقلی خان

هدایت را از تاریخ اول سال ۱۲۹۸ قمری الی ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۲ شمسی متوالیاً احتساب نموده سند خدمت صادر نماید و آخرین شغل ایشان ریاست دیوان عالی تمیز را اساس رتبه ۱۱ قضائی قرار بدهد.

این قانون که مشتمل بریك ماده‌است درجلسه نوزدهم آذرماه یکهزاروسیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون اصلاح قسمتی از مواد قانون استخدام قضات

مصوب ۱۳ مهرماه ۱۳۱۲ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده - مواد ۱۱/۱۲/۱۳/۱٤/۱٥/۱٦/۱۷/۱۸و۱۹ قانون استخدام قضات مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۰٦ نسخ وبجای آن مواد ذیل برقرارو ازتاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود:

ماده ۱۱ - هیچیك ازقضات وصاحبمنصبان پارکه ومفتشین قضائی نمیتوانند از رتبه مادون برتبه مافوق ارتقاء یابند مگر باشرایط و برطبق مقررات ذیل:

۱ - لا اقل سه سال خدمت در رتبه مادون و مشغول بخدمت بودن در مدتی که لااقل دو ثلث مدت مزبور باشد با رعایت قانون مصوب ۲٦ امرداد ۱۳۱۰ راجع به تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی.

۲ - ترقی علمی و عملی که از دوسیه های عملیات استنباط میشود.

۳ - یکمرتبه مأموریت در خارج از حوزه اقامت در مدت ترفیع بشرط تقاضای وزارت عدلیه تکرار سهو و خطا و نقض آراءِ مستخدم در مرحله تمیزی و مماطله‌ومسامحه در کاررا کمیسیون مقدماتی ترفیع وکمیسیون ترفیع رتبه در نظرخواهند گرفت محکومیت بکسر حقوق موجب یکسال تأخیرترفیع خواهد شد ولی خدمات قبل ازمحکومیت محکومین بانفصال موقت‌وتنزل رتبه برای‌ترفیع منظور نخواهد بود.

ماده ۱۲ - کمیسیون مقدماتی ترفیع تحت ریاست وزیرعدلیه تشکیل میشود

کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود از مدعی العموم دیوان تمیزومدیر کل وزارت عدلیه و رئیس اداره کل تهیه قوانین و سه نفر از رؤساء و مستشاران دیوان تمیز به انتخاب وزیر عدلیه کمیسیون ترفیع رتبه همان محکمه انتظامی است.

رئیس پرسنل وزارت‌عدلیه سمت منشی‌گری هردو کمیسیون‌را خواهدداشت.

ماده ۱۳ ـ درخواستهای ترفیع باید بترتیب ودرمدتهائی که ازطرف وزارت عدلیه طبق نظامنامه ای که بتصویب هیئت دولت میرسد معین میشود بکمیسیون مقدماتی ترفیع ارسال گردد. کمیسیون مزبور پس‌ازرسیدگی بدرخواستها اشخاصی را که استحقاق ترفیع دارند معین مینماید.

ماده ۱۴ ـ وزیر عدلیه از بین آن اشخاص بارعایت احتیاجات وزارتخانه که ممکن‌است نسبت بهریك ازرتبه های قضائی باختلاف سنوات متفاوت باشد و با رعایت تقدّم و تأخری که از طرف کمیسیون مقدماتی معین میگردد صورتی تهیه نموده وتا اول بهمن ماه هرسال بمحکمه انتظامی ارسال میدارد.

ماده ۱۵ ـ کمیسیون ترفیع (محکمه انتظامی) لااقل سه دوسیه اخیراشخاصی را که برای ترفیع پیشنهاد شده اند خواسته و مراجعه نموده ودرصورتی که پیشنهاد موافق مقررات قانونی باشداسامی اشخاصی را که ترفیع آنها تصویب میشود درجدول مخصوصی که موسوم به جدول ترفیع رتبه است ثبت خواهد کرد.

کمیسیون مزبور باید در مورد اشخاصی که از یك رتبه برتبه مافوق آن حق ترفیع پیدا میکنند تقدّم و تأخر آنها را نیز قید کنند. دفتر ترفیع باید تا آخر هرسال برای سال بعد ترتیب داده شود.

ماده ۱۶ ـ در صورتی که در ظرف سال یکی‌ازمشاغل قضائی بلامتصدی‌گردد شغل مزبور از بین اشخاصی‌که اسم‌آنها درجدول ترفیع ثبت شده بکسی داده میشود که لیاقت آن شغل را دارا باشد.

ماده ۱۷ ـ مستخدمین قضائی که دروزارت عدلیه بکارهای اداری اشتغال داشته یا پیدا میکنند و مدت ترفیع آنها منقضی شده باشد درصورتی که اقلاً یکسال و نیم اخیر را در خدمات اداری مانده باشند مطابق اصول مربوط به ترفیعات مستخدمین اداری ممکن است ترفیع رتبه اداری حاصل نمایند و هرگاه مجدداً بخدمت قضائی عود کنند رتبه های ترفیعی اداری آنها بقضائی تبدیل خواهد شد ولی درموقع تقاعد مطابق مادتین ٥٤ و ٥١ قانون استخدام کشوری حدمتوسط مقرری سه ساله اخیرخدمت و یا مقرری مقامات سه ساله اخیر دوره خدمت آنها ملحوظ خواهد بود .

ماده ۱۸ ـ وزارت عدلیه مجازاست رؤساءِ محاکم شرع حوزه های قضائی را که دارای شرائط لازمه میباشند بطور کنترات با حقوقی که حداکثر آن از میزان حقوق رتبه قضائی رئیس عالی ترین محکمه آن حوزه تجاوز ننماید استخدام نماید .

ماده ۱۹ ـ وزارت عدلیه مجاز است نسبت بترفیعات سنه ۱۳۱۱ قضات که بتأخیر افتاده تا آخر آبان ماه ۱۳۱۲ بر طبق مواد این قانون وبارعایت اصول مقرره در نظامنامه ترفیعات مذکور درماده ۱۳ اقدام و بموقع اجرا بگذارد .

چون بموجب قانون ٤ تیرماه ۱۳۱۲ « وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس‌ازتصویب‌کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبور را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید » علیهذا (قانون اصلاح قسمتی از مواد قانون استخدام قضات) مشتمل بر یك ماده که در تاریخ سیزدهم مهر ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع باجرای ماده ٤۰ قانون استخدام کشوری

مصوب اول بهمن ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ در مورد قسمت اول از مـاده ٤۰ قانون استخدام کشوری هر گـاه مجلس تحقیق و محاکمه اداری اشتباهاً قبل از اجراءِ امر بمحکمه عمومی حکمی صادر نماید این حکم مانع از تعقیب مستخدم متهم بارتکاب جنحه یاجنایت در محکمه عمومی نخواهد بود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه اول بهمن ماه یکهزار وسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح ماده اول قانون استخدام افراد نظمیه

مصوب ۱۰ اسفند ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ ماده‌اول قانون اصلاح قسمتی‌ازقانون استخدام افراد ورديف افراد تشکیلات نظمیه مصوب ۱۲ بهمن ماه ۱۳۱۰ بطریق ذیل اصلاح میشود :

ماده‌اول ـ نواب سوم و دوم و اول فعلی تشکیلات نظیمه که مشمول مـاده ٦٦ و یا ۷۱ قانون استخدام کشوری نبوده و دارای رتبه نمیباشند ویامشمول یکی از دو ماده مزبور بوده و رتبه کشوری آنها یك تشخیص گردیده و همچنین و کلاء و سایر مستخدمین تشکیلات نظمیه در صورتیکه باشرط لیاقت و استعداد و بـا رعایت شرایط ۱ و ۲ و ۳ و ٤ از ماده ۲ قانون استخدام کشوری بمدرسه صاحبمنصبی نظمیه

پذیرفته شوند پس از طی دوره آن مدرسه دارای رتبه ۲ از قانون استخدام کشوری خواهند شد ودوره تحصیل درمدرسه جزومدت خدمت رسمی آنها محسوب خواهد گردید.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه دهم اسفند ماه یکهزاروسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون

راجع بمحصلین کلاس قضائي و ثبت اسناد

مصوب ۲ مهر ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ وزارت عدلیه دارای کلیه اختیاراتی است که بموجب قانون تعیین رتبه محصلین کلاس قضائی و ثبت اسناد مصوب ۱۱ خرداد ماه ۱۳۰۸ بوزیر عدلیه وقت داده شده است .

تبصره ـ مدت اختیاریکه در ماده دوم قانون مزبور نسبت بتعیین رتبه فارغ التحصیلهای کلاس قضائی داده شده استثناءاً در هذه‌السنه تا ۱۵ مهر ۱۳۱۲ تمدید و شش ماه مذکور در قسمت اخیر ماده مزبور به یك سال تبدیل میشود .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه دوم مهر ماه یکهزار و سیصد ودوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون

راجع برتبه محصلین کلاس امور مالی و حق الکفاله مستخدمین وزارت مالیه

مصوب ۳۰ مهر ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ وزارت مالیه مجاز است مطابق ترتیب ذیل برای کسانیکه مشمول

قانون استخدام نبوده و در یکی از کلاسهای امور مالی که برطبق پروگرام مخصوص تأسیس خواهد کرد تحصیل کرده و از عهده امتحان نهائی برآیند رتبه اداری معین نماید.

برای کسانیکه نمره امتحانی آنها از حد وسط تجاوز نکند رتبه یك اداری و برای کسانیکه نمره آنها از حد وسط تجاوز کند رتبه ۲ اداری.

ماده دوم ـ مدت اختیاری که بموجب ماده قبل بوزارت مالیه داده میشود در هرموقع از تاریخ اعلان رسمی نتیجه امتحانات تا بیست روز خواهد بود ـ دراینصورت اشخاصی که برای آنها رتبه معین شده مستخدم رسمی خواهند بود مشروط براینکه تا شش ماه پس از تاریخ حکمی که تعیین رتبه کرده شغل معیّنی بآنها رجوع شود.

ماده سوم ـ بهریك از مستخدمین وزارت مالیه که بعنوان کفالت شغل بالاتری را اشغال نماید میتوان نصف حقوق رتبه و نصف حقوق بودجه مقامی را که متکفل شده داد مشروط براینکه شغل بالاتر مربوط بامور عایداتی ویا محاسباتی باشد ـ اینگونه مشاغل را وزارت مالیه بموجب نظامنامه معین خواهد کرد.

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسهٔ سی‌ام مهرماه یکهزارو سیصدو دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع باستخدام فارغ‌التحصیلهای کلاس قضائی در وزارتداخله

مصوب ۳ مهر ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ وزارتداخله مجاز است فارغ التحصیلهای کلاس قضائی را با حد اکثر حقوق رتبه دو استخدام کشوری برای نیابت حکومت نقاطی که محکمه

صلحیه یا بدایت ندارد استخدام نماید و در صورتیکه مطابق قانون فارغ‌التحصیلهای کلاس قضائی بعد از دو سال خدمت رتبه قضائی آنان تثبیت گردید مادام که در وزارت داخله مشغول خدمت هستند ترفیع آنان مطابق قانون استخدام کشوری از رتبه اداری شروع میشود که حقوق دریافتی اول خدمت متناسب آن باشد و بتخلفات آنان از قوانین قضائی در وزارت عدلیه بترتیب قانون استخدام قضات و در امور اداری در وزارت داخله رسیدگی خواهد شد .

تبصره ـ فارغ التحصیلهای کلاس قضائی که یك الی دو سال در وزارتعدلیه سابقه خدمت داشته باشند حق تقدم خواهند داشت .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه سوم مهر ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع بفارغ التحصیلهای دبیرستانهای فلاحتی

مصوب ۳ دیماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ محصلین دبیرستانهای فلاحتی که داوطلب آموزگاری بوده و تحصیلات خود را در آن دبیرستان برطبق پروگرام مصوب شورای عالی معارف در رشته مزبور تعقیب نمایند پس از فراغ از تحصیل در زمره فارغ‌التحصیلهای دانش‌سراهای مقدماتی محسوب و مشمول مقررات مربوطه قانون تربیت معلم مصوب ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۲ خواهند بود .

تبصره ـ لیسانسیه های دانشسرای عالی ازسابق ولاحق مشمول قانون تربیت معلم خواهند بود .

این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه سوم دیماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع باستخدام فارغ التحصیلهای مدارس متوسطه و مدارس عالیه حقوق وفلاحتی در وزارت داخله و پرداخت حق الکفاله (*)

مصوب ۱۶ فروردین ماه ۱۳۱۴ شمسی

ماده اول - وزارت داخله مجاز است از فارغ التحصیلهای مدارس متوسطه با رتبه دو و مدارس عالیه حقوق و فلاحتی با رتبه سه بخدمت وزارت داخله قبول نماید.

ماده دوم - وزارت داخله مجاز است برای مشاغلی که بتواند در حدود رتبه آن شغل مأموری معین نماید باشخاصی که رتبه کمتری دارند کفالت داده و حق الکفاله بدهد.

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه شانزدهم فروردینماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

(*) بموجب ماده ۱۰ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۸ کل کشور (دوره یازدهم) اختیاریکه در این قانون بوزارت کشور برای استخدام فارغ التحصیلهای دبیرستانها با پایه دو اداری داده شده لغو شده است.

فهرست

قسمت دوم - امتیازات



قسمت دوم

امتیازات

قانون

اعطای امتیاز نفط بشرکت نفط انگلیس و ایران محدود

مصوب ۷ خرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

قرارداد امتیازی که از طرف دولت شاهنشاهی ایران بشرکت نفت انگلیس وایران محدود در ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ اعطا گردیده است :

مقدمه

بقصد بر قرار کردن امتیاز جدیدی بجای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ به ویلیام نکس دارسی داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اعطـاء و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود آنرا قبول مینماید .

روابط طرفین مذکور درفوق درآتیه برطبق این قرارداد خواهد بود .

تعریفات

بعضی اصطلاحات مستعمله در این قرار داد قطع نظر از هرمعنی دیگری که ممکن است درحال یا درآتیه درموارد دیگرداشته باشد دراین قرارداد مطابق تعریفات ذیل معنی خواهد شد :

دولت

یعنی دولت شاهنشاهی ایران.

کمپانی

یعنی شرکت نفط انگلیس و ایران محدود و تمام شرکتهای تابعه آن.

شرکت نفط انگلیس و ایران محدود

یعنی شرکت نفط انگلیس و ایران محدود یا هرشخص حقوقی دیگری که با تصویب دولت ایران مطابق ماده ۲۶ این امتیاز بدو منتقل شود .

شرکت تابعه

یعنی هرشرکتی که در آن کمپانی حق تعیین بیش از نصف مدیران را مستقیماً یا غیرمستقیم داشته باشد و یا آنکه کمپانی در آن شرکت بطور مستقیم یا غیر مستقیم مالك يك مقداری سهام باشد که بیش از صدی پنجاه ۵۰٪ حق رأی در مجمع عمومی شرکت مزبور را برای کمپانی تضمین نماید .

نفط

یعنی روغن نفط خام و گاز های طبیعی وقیرها (اسفالت ها) ومومهای طبیعی و تمام مشتقات دیگری که یا ازمواد مذکوره حاصل میشود یا بوسیله اختلاط وامتزاج این مواد بمواد دیگری بدست میآید.

عملیات کمپانی در ایران

یعنی تمام عملیات صنعتی و تجاری وفنی که کمپانی منحصراً برای اجرای این امتیاز انجام میدهد .

ماده اول

دولت برطبق مقررات این امتیاز حق مانع للغیر تفحص و استخراج نفت را در حدود حوزه امتیاز به کمپانی اعطاء میکند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هرنوع عملی را در نفتی که خود تحصیل کرده و تهیه آن برای تجارت خواهد داشت

و همچنین دولت در تمام وسعت خاك ایران به کمپانی حق غیرانحصاری حمل و نقل نفط و تصفیه وهر نوع عملی در آن و تهیه آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آنرا اعطا مینماید.

ماده دوم

الف ـ حدود حوزه امتیاز تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ عبارت خواهد بود از حوزه‌ای‌که واقع است درجنوب خط بنفشی‌که در روی نقشه‌ای‌که طرفین امضاء کرده و منضم بقرارداد است رسم شده است.

ب ـ کمپانی باید منتها تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ در حوزه مذکور در فوق یك یا چندین قطعه زمین را بهر شکل و وسعتی و در هر نقطه که مقتضی می داند انتخاب نماید.

مجموع سطح یك یا چند قطعه که انتخاب شده باشد نباید از یکصد هزار میل مربع انگلیسی (۱۰۰۰۰۰ میل مربع) تجاوز نماید هر میل ساده مطابق است با یکهزار و ششصد و نه متر.

کمپانی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ یا قبل از آن یك قطعه یا قطعاتی را که بطریق فوق انتخاب کرده کتباً بدولت اطلاع خواهد داد.

بهر اطلاعنامه نقشه ها و اطلاعات لازمه برای تشخیص و تحدید قطعه یا قطعات منتخبه ازطرف کمپانی ضمیمه خواهد شد.

ج ـ بعد از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ کمپانی دیگر حق تفحص و استخراج نفت را جز در قطعه یا قطعاتی که مطابق بند Paragraphe (ب) فوق انتخاب کرده است نخواهد داشت وحوزه امتیاز بعد از این تاریخ عبارت خواهد بود از قطعه یا قطعاتی که بدین طریق انتخاب گردیده و از انتخاب آنها نیز بترتیب مذکور در فوق بدولت اطلاع داده شده باشد.

ماده سوم

کمپانی حق غیر انحصاری ساختن وداشتن لوله های حمل نفت را خواهد داشت .
کمپانی در تعیین محل سیر لوله های نفت خود و بکار انداختن آنها مختار است .

ماده چهارم

الف ـ هر زمین بایر متعلق بدولت که کمپانی برای عملیات خود در ایران لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً به کمپانی واگذار خواهد شد .

طریقه تحصیل اراضی مذکور بترتیب ذیل خواهد بود :

هر وقت قطعه‌ای ازاراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع میشود باید کمپانی یك یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنك آمیزی مشخص گردیده باشد بوزارت مالیه ارسال بدارد، دولت درصورتیکه اعتراضی نداشته باشد متعهد میشود که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد .

ب ـ اراضی دائر متعلّق بدولت را که کمپانی احتیاج پیدا میکند بطریقی که درجزء قبل مذکور است ازدولت تقاضا خواهد کرد و دولت درظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دایر بفروش آن اراضی اشعار خواهد داشت . در صورتیکه دولت اعتراض و احتیاجی باراضی مزبوره نداشته باشد . قیمت این اراضی را کمپانی تأدیه خواهد کرد ـ قیمت مزبور باید عادلانه باشد و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده وهمان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید .

ج ـ در صورتیکه دولت در مقابل تقاضا های پیش بینی شده در جزو های (Alinéa) (الف و ب) مذکور در فوق جوابی ندهد پس از انقضای دو ماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور کمپانی تذکرنامه جدیدی بدولت خواهد فرستاد چنانچه به

تذکرنامه مزبور نیز درظرف یکماه ازتاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزله تصویب تلقی خواهد گردید .

د - اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق با صاحبان اراضی مزبور و با توسط دولت کمپانی تحصیل خواهد کرد در صورت عدم حصول موافقت درقیمت دولت بصاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند . برای تقویم اراضی مذکور منظوری که کمپانی ازمصرف آنها دارد مأخذ قرار داده نمیشود .

هـ - اماکن مقدسه وابنیه تاریخی ومحلهائی که جنبه تاریخی دارند و همچنین توابع آنها تا دویست متر مسافت ازمقررات مذکوره مستثنی هستند .

و - کمپانی حق غیرانحصاری خواهد داشت که فقط درحوزه امتیازی نه جای دیگر و از هر زمین بایر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاك و شن وآهك وسنك وگچ وسنك ومصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید .

مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی باشد باید کمپانی جبران خسارت ذویالحقوق را بنماید .

ماده پنجم

عملیات کمپانی در ایران بطریق ذیل محدود میشود :

۱ ـ ساختمان هرخط آهن و هر بندر جدیدی موکول بحصول موافقت قبلی بین دولت و کمپانی خواهد بود .

۲ـ اگرکمپانی توسعه ارتباط تلفونی وتلگرافی وتلگراف بیسیم وهواپیمائی فعلی خود را درنظر داشته باشد قبل از تحصیل اجازه دولت در این خصوص اقدامی نمیتواند بکند .

اگردولت برای دفاع ملی یادرموقع پیشآمدهای فوقالعاده دیگری احتیاج

بوسایط نقلیه و وسائل ارتباطیه کمپانی پیدا کنند تعهد مینماید حتی الامکان کمتر موجب تضییق عملیات کمپانی بشود و نیز خساراتی را که از این حیث متوجه کمپانی میگردد بطور حقانیت جبران نماید .

ماده ششم

الف ـ کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که منحصراً برای مصرف اعضا ومستخدمین خود لازم دارد واردنموده وحقوق گمرکی و مالیاتهای معموله حین ورود را بپردازد .

کمپانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخاصی غیر مستخدمین خودش فروخته یا واگذار نگردد .

ب ـ کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوصی حق خواهدداشت که لوازم و مصالح وآلات طبی‌وجراحی وادویه‌ای را که برای مریضخانه‌ها ومطبهای خود درایران لازم دارد وارد نماید و اشیاء واجناس مذکوره درموقع ورود از تأدیه حقوق گمرکی و هرنوع مالیات وعوارض بدولت وادارات محلی معاف خواهد بود .

ج ـ بدون تحصیل هیچگونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی ومالیات وعوارض بدولت وادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصراً برای عملیات خود درایران لازم دارد وارد نماید .

د ـ صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی وهرنوع مالیات وعوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود .

ماده هفتم

الف ـ کمپانی ومستخدمینش ازحمایت قانونی دولت بهره مند خواهند بود .

ب ـ دولت درحدود قوانین ومقررات مملکتی همه نوع تسهیلات ممکنه را برای عملیات کمپانی مبذول خواهد داشت .

ج ـ هر گـاه دولت در حوزه امتیازیه باشخاص دیگری امتیازاتی برای بکار انداختن سایر معادن اعطا کند باید وادار نماید کـه احتیاطات لازمه را بعمل آورند که عملیات آنها بمؤسسات وعملیات کمپانی خسارتی وارد نسازد .

د ـ کمپانی مکلف است منطقه‌ای را که برای ساختن خانه و دکاکین و سایر بناهای دیگر خطرناك است تعیین کند تا دولت بتواند اهالی را مسبوق و ازسکونت درآن محل منع نماید .

ماده هشتم

کمپانی ملزم نخواهد شدکه هیچ قسمتی از وجوه خود ومخصوصاً عواید حاصله ازفروش صادرات خودرا بپول ایرانی تبدیل نماید .

ماده نهم

کمپانی فوراً تدارکات خودرا خواهد دیدکه بوسیله یك‌کمپانی فرعی استخراج نفت ایالت کرمانشاه را شروع و درمحل تصفیه نماید .

ماده دهم

I ـ مبالغی که برحسب این قرار داد از طرف کمپانی باید بدولت تأدیه شود (علاوه برمبالغی که درمواد دیگر پیش‌بینی شده) بشرح ذیل تعیین میگردد :

الف ـ حق الامتیاز سالیانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع میشود بمبلغ چهارشلینك برای هرتن نفتی که برای مصرف داخلی درایران بفروش برسد و یا از ایران صادر شود .

ب ـ پرداخت مبلغی معادل با بیست در صد ۲۰٪ آنچه اضافه بر ۶۷۱۲۵۰ لیره بصاحبان سهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع میگردد خواه این توزیع بعنوان سهم منافع (Dividende) یکی از سنوات بوده یا ازوجوه ذخیره

همان کمپانی که اضافه بر ذخایری که در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ به موجب دفاتر خود موجود داشته باشد .

ج ـ مجموع مبالغی که برای هرسال مسیحی برحسب جزء های (الف) و (ب) از طرف کمپانی بدولت ایران تأدیه میشود نباید هرگز از هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینك (۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینك) کمتر باشد .

II ـ تأدیه وجوه مذکور در این ماده از طرف کمپانی بطریق ذیل بعمل خواهد آمد :

الف ـ ۳۱ مارس و ۳۰ ژوئن و ۳۰ سپتامبر و ۳۱ دسامبر هرسال هردفعه مبلغ یکصدو هشتاد و هفت هزار و پانصد لیره استرلینك (تأدیه مربوط به ۳۱ مارس ۱۹۳۳ فوراً پس از تصویب این قرارداد بعمل‌خواهدآمد) .

ب ـ در تاریخ بیست و هشتم فوریه ۱۹۳٤ و منبعد در همین تاریخ در هرسال حق الامتیاز مربوط بسال قبل بابت هر تن نفت بر حسب جزء (I الف) پس از وضع مبلغ هفتصدو پنجاه هزار لیره استرلینك (۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینك) که مطابق جزء (II الف) قبلا تأدیه گردیده است .

ج ـ مبالغ لازم‌التأدیه بدولت برحسب جزء (I ب) این ماده درموقع تقسیم منافع بسهام عادی پرداخته خواهد شد .

III ـ درموقع انقضای این‌امتیاز وهمچنین در صورت ترك آن از طرف کمپانی مطابق ماده (۲۵) کمپانی مبلغی مساوی بیست در صد (۲۰٪) از بابت های ذیل را بدولت ایران تأدیه خواهد کرد :

الف ـ از تفاضل بین مبالغ کل ذخائری (Générale reserve) که کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود درتاریخ انقضاء و یا ترك امتیاز موجود خواهد

داشت و مبالغ ذخایری که کمپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است .

ب ـ از تفاضل بین مبالغ موجودی که از طرف کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز بحساب منقول میشود وموجودیهائی که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ ازطرف کمپانی مزبور بحساب منقول گردیده است .

پرداخت وجوه لازم التأدیه بدولت بر حسب این جزو یکماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که پس از انقضاء یا ترك امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت .

IV ـ دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوط بجزو (I الف) را که منتها تا ۲۸ فوریه هرسال بابت سال گذشته فرستاده میشود تفتیش ورسیدگی نماید .

V ـ برای جلوگیری از امکان توجه ضرر بدولت درموقع ترقی وتنزّل قیمت پول انگلیس طرفین بشرح ذیل توافق حاصل نمودند :

الف ـ هرگاه موقعی قیمت طلا درلندن ازشش لیره استرلینك (٦لیره استرلینك) درمقابل یك اونس تروی Ouncetroy تجاوز نماید برای هرپنی Penny که علاوه بر شش لیره استرلینك در مقابل یك اونس تروی Ouncetroy در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التأدیه بدولت ازطرف کمپانی بموجب این قرارداد (باستثنای مبالغی که برحسب جزوهای (I ـ ب) و III (الف و ب) این ماده وجزو (I ـ الف) ازماده ۲۳ باید بدولت برسد) بمیزان یك یکهزار وچهارصدوچهلم ($\frac{1}{1440}$) مبالغ مزبوره افزوده خواهد گردید .

ب ـ هرگاه موقعی دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمتها ومعاملات نیست وطریق تأدیه های مذکور درفوق تضمینی را که منظور طرفین است

برای دولت فراهم نمینماید طرفین موافقت مینمایندکه وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند ودرصورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق (ماده ۲۲) بحکمیت ارجاع خواهد شد و شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهد نمود.

VI ـ هر گاه درپرداخت مبالغ لازم‌التأدیه بدولت مطابق تاریخ های مقرر در این قرارداد اتفاقاً از ناحیه‌کمپانی تأخیر بعمل آید برای مدت تأخیر ازقرار پنج درصد ۵./. درسال فرع وجوه مزبوره را کمپانی خواهد پرداخت .

ماده یازدهم

I ـ کمپانی برای مدت سی‌سال اول عملیات خود درایران از پرداخت هر گونه مالیاتی که بنفع دولت وادارات محلی فعلاً برقرار ویا درآتیه وضع‌شود معاف خواهد بود و درعوض مبالغ ذیل را بدولت تأدیه خواهد نمود :

الف ـ در مدت پانزده سال اول این قرارداد تاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در۲۸ فوریه ۱۹۳٤ نه پنس بابت هرتن‌ازشش‌میلیون تن (۶۰۰۰۰۰۰تن) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو(I الف) از ماده (۱۰) میگردد وشش پنس بابت هرتن نفت اضافه بر رقم شش‌میلیون تن مذکور درفوق تأدیه خواهد نمود.

ب ـ کمپانی تأمین میکند مبالغی را کـه برطبق جزوهای فوق‌الذکر تأدیه مینماید هیچوقت ازمبلغ دویست و بیست و پنجهزارلیره استرلینك (۲۲۵ هزار لیره استرلینك)کمتر نباشد .

ج ـ در مدت پانزده سال بعـد یك شلینك بابت هرتن از شش میلیون تن (۶۰۰۰۰۰۰ تن) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در

جزو (I الف) ازماده ۱۰ میگردد و نه پنس بابت هرتن نفت اضافه بررقم شش میلیون تن مذکور درفوق تأدیه خواهد نمود .

د ــ کمپانی تضمین میکند مبالغی‌را که برطبق جزو (ج) ماقبل تأدیه مینماید هیچوقت ازسیصد هزار لیره استرلینك (۳۰۰۰۰۰ لیره استرلینك) کمتر نباشد .

II ــ قبل ازسنه ۱۹۶۳ راجع بمیزان مبالغی‌که کمپانی در ازای معافیت کامل عملیات خود درایران از پرداخت هر گونه مالیاتی بنفع دولت و یا ادارات محلی در مدت سی سال دوم که منتهی بسنه ۱۹۹۳ میشود بایدبپردازد طرفین توافق‌نظر حاصل خواهند نمود .

ماده دوازدهم

الف ــ کمپانی راجع بعملیاتی که مطابق این قرارداد در ایران مینماید جمیع وسایل معمول ومناسب را برای تأمین صرفه‌جوئی و استفاده کامل از عملیات خود و برای حفظ مخازن تحت‌الارضی نفت وبرای استفاده از امتیاز خود بطرزی کــه مطابق آخرین ترقیات علمی وقت باشد بکار خواهد برد .

ب ــ هرگاه درحوزه امتیاز غیراز نفت سایرمواد معدنی وبیشه‌ها وجنگل‌های متعلق بدولت موجود باشد کمپانی نمیتواند آنها را بکار انداخته واستفاده نماید و یا مانع عملیات واستفاده دیگران بشود (مشروط براینکه مقررات جزو (ج) از ماده ۷ رعایت شود).

ولی در صورتی کـه مواد معدنی بیشه و جنگل های مذکور برای تجسس و استخراج نفت لازم باشد کمپانی حق استفاده ازآنها را خواهدداشت .

ج ــ کلیه حفریاتی که منجر بکشف نفت نگشته وآب یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا میشود باید برای دولت حفظ شود و فوراً کمپانــی دولت را از کشفیات مزبور مطلع سازد و دولت هرچه زود تر ممکن باشد بکمپانی تمایل خود را نسبت

بتصرف حفریات مزبوراعلام خواهد داشت ودرصورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهد کرد که مانع عملیات کمپانی نشود .

ماده سیزدهم

کمپانی تعهد مینماید که بخرج خود و در یك مدت مناسبی هر موقعی که نماینده دولت تقاضا میکند سوادهای صحیح از تمام طرحها و نقشه ها و رسم ها وسایر مدارك و اسناد راجع بوضعیت سطح الارضی و طبقات الارضی و حفر چاهها مربوط به حوزه امتیازیه که موجود دارد بوزارت مالیه بدهد .

بعلاوه درتمام مدت امتیاز کمپانی تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از نتیجه عملیات خود در ایران بدست آورده بدولت ارسال خواهد داشت .

تمام اسناد ومدارك مزبوره را دولت بعنوان محرمانه تلقی خواهد نمود .

ماده چهاردهم

الف ــ دولت بمیل خود در هر موقع مناسبی حق خواهد داشت امر بتفتیش عملیات فنی کمپانی درایران نموده وبرای اجرای این مقصود از اهل خبره ومتخصصین فنی مأمورین بگمارد .

ب ــ کمپانی تمام مدارك واسناد مربوط باطلاعات علمی وفنی وتمام مؤسسات و وسایل وآلات اندازه گرفتن استخراج نفت را دردسترس مأمورین خبره ومتخصصین دولت خواهد گذارد و بعلاوه مأمورین مزبور در تمام ادارات کمپانی و در تمام خاك ایران حق تحصیل هر گونه اطلاعی را خواهند داشت .

ماده پانزدهم

دولت حق تعیین یکنفر نماینده را خواهدداشت ونماینده مزبور (مأمور دولت شاهنشاهی) نامیده شده واختیارات ذیل را خواهد داشت :

۱ ــ اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپانی است از کمپانی تحصیل نماید.

۲ ـ در تمام جلسات هیئت مدیره و کمیته های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره درمسائل راجع بروابط دولت و کمپانی تشکیل شده باشد حضور بهمرساند .

۳ ـ کمیته را که کمپانی بقصد توزیع اعتبار مذکور در ماده ۱۶ و برای نظارت درتحصیل ایرانیان در لندن تشکیل میدهد بعنوان رسمی و باحق رأی قاطع ریاست نماید .

تقاضا نمایدکه جلسات مخصوص هیئت مدیره هروقت که لازم بداند برای مذاکره در مسائلی که دولت پیشنهاد مینماید تشکیل گردد جلسات مزبوره در مدت پانزده روز بعداز وصول تقاضای کتبی بمنشی کمپانی تشکیل خواهد شد .

کمپانی بابت حقوق وسایرمخارج نماینده مزبور سالیانه دوهزارلیره استرلینگ بدولت خواهد پرداخت دولت کتباً کمپانی را ازتعیین نماینده مزبور ویا جانشین او مطلع خواهدساخت .

ماده شانزدهم

I ـ طرفین تصدیق دارند وقبول مینمایند که اصلی که مدار اجرای این قرارداد میباشد آنست که درمنافع طرفین حفظ حداعلای منتج بودن و صرفه جوئی در اداره وعملیات کمپانی درایران ضرورت عالی دارد .

II ـ مسلم است که کمپانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجاری خود را باندازه‌ای‌که اشخاص ذیصلاحیت وبا تجربه درایران یافت شود ازاتباع ایران انتخاب خواهد کرد و این نیزمسلم است که مستخدمین غیر فنی کمپانی منحصراً از اتباع ایران خواهند بود .

III ـ طرفین موافقت مینمایند دراینکه طرح عمومی مطالعه وتهیه نمایند که

بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعدی در کوتاهترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند .

IV ـ کمپانی سالیانه مبلغ ده هزارلیره استرلینك برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علوم وفنون مربوط بصناعت نفت را فرا گیرند تخصیص خواهد داد .

اعتبار مذکور بوسیله یك کمیته که مطابق ماده ۱۵ تشکیل میشود بمصرف خواهد رسید .

ماده هفدهم

کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تفتیش و اداره وسائل صحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریقه حفظ‌الصحه معموله درایران درتمام اراضی وابنیه ومساکن اعضاء وعملجات خود که درحوزه امتیازیه کارمیکنند بعهده میگیرد .

ماده هیجدهم

هروقت کمپانی اسهام جدیدی برای عامه اشاعه میدهد باید دفاتر ثبت تقاضای اشتراك آنرا درهمانموقع که درسایر نقاط شروع میشود درتهران نیز برقرار نماید .

ماده نوزدهم

کمپانی برای احتیاجات داخلی ایران وازآنجمله احتیاجات دولت بنزین Motor Spiritونفت‌لامپ Kerosene ومازوت Fuel oil که‌ازنفت‌ایران‌حاصل‌میشود براساس ذیل خواهد فروخت :

الف ـ در اول ژوئن هر سال کمپانی معدل قیمت‌های (فوب) رومانی را راجع به بنزین و نفت لامپ و مازوت و معدل قیمت های (فوب) خلیج مکزیك را راجع بهر یك از مواد مذکوره نسبت بمدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ ۳۰ آوریل معین خواهد کرد ـ نازلترین معدل های مذکور اختیار و (اساس قیمتها) برای سالیکه از اول ژوئن شروع میگردد قرار داده میشود .

قیمت های اساسی بمنزله قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد .

ب ـ کمپانی بنزین و نفت لامپ ومازوت را بترتیب ذیل خواهد فروخت :

۱ ـ بدولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش بدیگران مطابق (قیمت های اساسی) مذکور در جزو (الف) فوق بـا تخفیف بیست و پنج درصد (٪۲۵) .

۲ ـ بسایر مصرف کنندگان مطابق همان (قیمت های اساسی) با تخفیف ده درصد (٪۱۰) .

ج ـ کمپانی حق دارد که بقیمت های اساسی مذکور در جزو (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه برمحصولات مزبور را بیفزاید .

د ـ دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است قدغن خواهد کرد .

ماده بیستم

۱ ـ **الف** ـ درمدت ده سال آخر امتیاز ویا درفاصله دو سال پس از اطلاع قبلی که راجع بترك امتیاز مطابق ماده ۲۵ داده میشود کمپانی جز بشرکت های تابع خود حق فروش یا انتقال یك یا چندین قسمت از اموال غیر منقول خود را کـه در ایران موجود است ندارد ـ در مدتهای مذکور نیز کمپانی حق انتقال و خارج کردن هیچ قسمتی از اموال منقول خود را ندارد ـ مگر آنکه اشیاء مزبوره از حیز انتفاع افتاده باشد .

ب ـ در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز هیچ قطعه ازاراضی را که کمپانی مجاناً ازدولت تحصیل کرده است نمیتواند انتقال دهدوهمچنین هیچیك ازاموال منقول

خود را نیز باستثنای آنچه غیر مفید و یا اینکه دیگر مورد احتیاج عملیات کمپانی در ایران نیست نمیتواند خارج نماید .

II – درموقع ختم امتیازخواه این‌ختم بواسطه انقضای عادی مدت و یابهر نحو دیگری پیش‌آمد کرده باشد تمام دارائی کمپانی در ایران بطورسالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق بدولت ایران میگردد .

III – جمله (تمام دارائی) مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کارخانه ها و ساختمان‌ها وچاهها وسدهای دریائی وراهها ولوله‌های حمل نفت وپل‌ها ورشته نقب‌های فاضل‌آب و وسائل توزیع‌آب وماشینها ومؤسسات و تجهیزات (از آن جمله آلات و ادوات) از هرقبیل وتمام وسائط نقلیه (مثلاً ازقبیل اتومبیل و گاری و آئروپلان) وتمام اجناس انبارشده وسایر اشیائی که کمپانی درایران برای اجرای این امتیاز از آن استفاده مینماید .

ماده بیست و یکم

طرفین متعاهدین اعلام میدارند که اجرای این قرارداد مبنی براصول متقابل حسن نیت وصداقت وتفسیر معقول ومتناسب این قرارداد باشد .

کمپانی صریحاً تعهد مینماید که درهروقت ودر هرموقع حقوق و امتیازات و منافع دولت‌را درنظرداشته واقدام بهیچ عملی ویا خود داری ازعملی که موجب زیان دولت باشد ننماید . این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد ومفاد مقررات آن در آتیه بوسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچیك از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود .

ماده بیست و دوم

الف – هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین و مخصوصاً اختلافات ناشی از تعبیرمدلول این‌امتیازنامه وحقوق ومسئولیتهای مقرره درآن وهمچنین هراختلاف‌نظر

در مواردیکه بموجب این امتیازنامه محتاج بتوافق نظر طرفین است بطریق حکمیت قطع وفصل خواهد شد .

ب ـ طرفی‌که تقاضای حکمیت میکند باید تقاضای خودرا بطرف دیگر کتباً ابلاغ نماید طرفین هریك یك حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع بحکمیت یك حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد ـ هرگاه حکمین نتوانند درظرف دوماه نسبت بتعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند حکم مزبور را بتقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داوری دائمی بین‌المللی تعیین خواهد نمود چنانچه رئیس دیوان داوری دائمی بین‌المللی ازحیث ملیت و تابعیت مطابق جزو (ج) حائزشرایط لازمه برای تعیین حکم ثالث نباشد حکم ثالث بوسیله نایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

ج ـ حکم ثالث باید ازملت ایران ویا انگلیس نباشد و بعلاوه ارتباط نزدیك نیز نه با ایران ونه با انگلیس ازحیث تعلق بیکی ازمستملکات یا ممالك تحت‌الحمایه ویا مستعمرات و ممالك تحت قیمومیت و ممالکی که بوسیله یکی از مملکتین مذکور درفوق اداره ویا اشغال شده ویامثل این که درخدمت یکی ازممالك مزبوره بوده و یا میباشد نداشته باشد .

د ـ اگریکی ازطرفین شصت روز بعدازوصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خودرا معین نکرده و یا تعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داوری دائمی بین‌المللی (یا ازنایب رئیس در موردیکه مطابق قسمت اخیر جزو (ب) پیش بینی گردیده) تقاضا نماید که یك حکم منفرد ذیصلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در اینصورت اختلاف موجود بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید .

هـ ـ اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که درموقع

حکمیت در دیوان داوری دائمی بین‌المللی معمول ومجری است .

وقت و محل حکمیت را برحسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزو (د) معین خواهد کرد .

و ــ حکم حکمیت مستند براصول قضائــی مذکور در ماده (۳۸) اساسنامه دیوان داوری دائمی بین‌المللی بوده وقابل تجدیدنظر نخواهد بود .

ز ــ مخارج حکمیت بنحویکه دررأی حکمیت معین میشود تأدیه خواهدگردید.

ماده بیست و سوم

I ــ از برای تصفیه کلی تمام دعاوی گذشته دولت از هرقبیل تا تاریخ اجرای این قرارداد (باستثنای آنچه مربوط بمالیاتهای ایران است) کمپانــی بشرح ذیل اقدام میکند:

الف ــ بفاصله سی روز از تاریخ مذکور مبلغ یك میلیون لیره استرلینك (۱۰۰۰۰۰۰ لیره استرلینك) خواهد پرداخت . وبعلاوه :

ب ــ مبالغ لازم التأدیه بدولت را بابت عملکرد سنوات ۱۹۳۱و۱۹۳۲ برمبنای مذکور در ماده ده این قرارداد نه مطابق اساس امتیاز دارسی پس از وضع دویست هزار لیره استرلینك (۲۰۰۰۰۰ لیره استرلینك) که برسم مساعده درظرف سنه۱۹۳۲ بابت حق الامتیاز پرداخته و یکصدو سیزده هزار وچهار صد و سه لیره وسه شلینك و ده پنس (۱۰ــ۳ــ۱۱۳٤۰۳ لیره) که باختیار دولت قبلاً ودیعه گذارده شده تصفیه وتأدیه خواهد کرد .

II ــ درهمان مدت مذکور در فوق درمقابل دعاوی دولت بابت مالیات گذشته ازتاریخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ کمپانی مبلغی برحسب مبنای مذکور درجزو (الف) ازبند (۱) ماده ۱۱ محاسبه وبدون رعایت تضمین مذکور درجزو (ب) ازبند مزبور بدولت تأدیه خواهد نمود.

ماده بیست و چهارم

هر گاه بمناسبت الغای امتیازدارسی نسبت بقرار دادهای اجاره که قبل از اول دسامبر ۱۹۲۲ تا اندازه‌ای که امتیازمزبور اجازه میداده است منعقدگردیده اختلافاتی بین کمپانی و افراد تولید گردد اختلافات مزبوره مطابق قواعد تفسیریه ذیل فیصله خواهد یافت:

الف ـ اگر قرارداد برحسب مدلول خود در آخر امتیاز دارسی باید خاتمه بیابد تا تاریخ ۲۸ مه ۱۹۶۱ با وجود الغای امتیازمزبور باعتبارخود باقی‌خواهد ماند.

ب ـ هر گاه در قرارداد پیش بینی شده باشد که علاوه بر اعتبار آن در مدت امتیاز دارسی درصورت تجدید امتیاز قرارداد مزبور نیز تجدید میشود اعتبار آن تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ باقی خواهد ماند.

ماده بیست و پنجم

درآخر هرسال مسیحی کمپانی حق خواهد داشت که این امتیاز را ترك نماید مشروط براینکه دوسال قبل‌ازآن دولت را از نیت خود کتباً مطلع ساخته باشد.

درخاتمه مدت فوق‌الذکر کلیه دارائی کمپانی در ایران (بطوریکه در قسمت III ماده ۲۰ تصریح شده) مجاناً وبدون هیچ قیدی بطورسالم وقابل استفاده ملك دولت خواهد شد و کمپانی درآتیه ازهر گونه تعهدی بری خواهد بود.

چنانچه نسبت بتعهدات طرفین مربوط به قبل از انقضای مدت مذکور درفوق اختلافاتی حاصل شود بطریق حکمیت مذکور درماده ۲۲ قطع وفصل خواهد شد.

ماده بیست و ششم

این امتیاز برای مدتی که ابتدای آن ازتاریخ اجراء وانتهای آن در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ خواهد بود بکمپانی اعطا میگردد.

قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمیتواند خاتمه پیدا کند مگر در

صورتیکه کمپانی مطابق ماده ۲۵ آنرا ترك کند و یا آنکه محکمه حکمیت بر اثر ارتکاب تخلفی از طرف کمپانی نسبت باجرای مقررات این قرار داد ابطال آنرا اعلام بدارد .

تخلف بمعنی مذکور درفوق منحصراً بموارد ذیل است :

الف ـ هرگاه مبلغی که برحسب رأی محکمه حکمیت باید بدولت پرداخته شود تایکماه بعد از تاریخ صدور رأی تأدیه نگردد .

ب ـ هرگاه تصمیم برانحلال اختیاری ویا اجباری کمپانی گرفته شود .

درموردسایر تخلفاتیکه نسبت بمقررات این قرارداد از هریك از طرفین ناشی شود محکمه حکمیت درجه مسئولیتها و اثرات مترتبه بر آنرا تعیین خواهد نمود .

هرنوع انتقال امتیاز مشروط بتصویب دولت خواهد بود .

ماده بیست وهفتم

این قرارداد پس از تصویب مجلس و توشیح آن ازطرف اعلیحضرت همایونی قابل اجرا میگردد .

درتاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ این قرارداد درطهران منعقد گردید .

این امتیازکه مشتمل بر بیست و هفت ماده است در جلسه هفتم خرداد ماه یکهزارو سیصدو دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون واگذاری خریدوفروش شوره محل احتیاج دولت باداره کل صناعت وفلاحت

مصوب ۱۸ خرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون خرید و فروش شوره ای که

محل احتیاج دولت است در نقاطی که دولت مقتضی بداند باداره کل صناعت و فلاحت واگذار میشود .

شوره‌ای که برای احتیاجات زراعتی است کمافی‌السابق آزاد خواهد بود .

نظنامنامه اجرای این قانون به تصویب هیئت وزراء رسیده و بموقع اجراء گذارده میشود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه هیجدهم خردادماه یکهزارو سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

فهرست

قسمت سوم - عهد نامه ها و مقاوله نامه ها



از صفحه ۳۳۳ تا صفحه ۳٦۰

قسمت سوم
عهدنامه‌ها و مقاوله نامه‌ها

قانون

اجازه مبادله عهد نامه مودت واقامت و تجارت

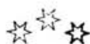
منعقده بین دولتین ایران ودانمارك

مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی عهد نامه مودت و اقامت و تجارت مشتمل بر هفده مـاده و یك پرتکل اختتامیه را کـه بین دولتین ایران و دانمارك در طهران در تاریخ اول اسفند ۱۳۱۲ مطابق بیستم فوریه ۱۹۳٤ منعقدشده است تصویب مینماید.

این قانون که مشتمل بر یك ماده ومتن عهد نامه ضمیمه‌است درجلسه بیستم دیماه یکهزاروسیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر



عهد نامه مودت واقامت و تجارت بین دولتین ایران ودانمارك

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

و

اعلیحضرت پادشاه دانمارك

نظر باینکه مایلند روابط مودت را بین ایران و دانمارك تحکیم و روابط

اقتصادی بین مملکتین را بسط و توسعه دهند تصمیم به انعقاد عهد نامه مودت واقامت وتجارت نموده و برای این مقصود اختیار داران خود را بقرار ذیل تعیین نمودند :

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی وزیر امورخارجه .

اعلیحضرت پادشاه دانمارك

جناب آقای اوه آنکل وزیر مختار دانمارك درطهران .

مشارالیهما بعداز مبادله اختیار نامه‌های خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مواد ذیل موافقت حاصل نمودند :

ماده ۱ ــ بین دولتین ایران ودانمارك همچنین بین اتباع مملکتین صلح خلل ناپذیر ودوستی صمیمانه ودائمی برقرار خواهد بود .

ماده ۲ ــ نمایندگان سیاسی و قنسولی هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر بشرط معامله متقابله از امتیازات و مصونیتهائیکه بموجب حقوق عمومی بین‌المللی مقرروبهیچوجه مادون رفتارمعموله نسبت بنمایندگان سیاسی وقنسولی دولت کاملة‌الوداد نخواهدبود بهره‌مند خواهند گردید .

ماده ۳ ــ هریك از طرفین متعاهدین حق دارد که نمایندگان قنسولی خودرا در خاك طرف متعاهد دیگر منصوب نماید و محل توقف مأمورین مزبور در پایتخت و یا در شهر های عمده خواهد بود که معمولاً این قبیل مأمورین خارجه پذیرفته میشوند .

ماده ۴ ــ بااتباع هریك ازطرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگرراجع بشخص واموالشان بر طبق اصول و معمول حقوق عمومی بین‌المللی رفتار خواهد شد اتباع مزبوره ازحمایت قوانین ومصادرامورمملکتی نسبت بخود واموال‌وحقوق ومنافعشان

بهره مند خواهند گردید . مشارالیهم میتوانند درخاك طرف متعاهد دیگر داخل شده واز آن خارج ودرآن مسافرت و توقف و اقامت نمایند مشروط باینکه از قوانین و نظامات جاریه در آن مملکت متابعت نمایند معهذا مقررات مذکوره فوق به نظاماتی که راجع بتذکره مجرا است ویا درآتیه مجرا خواهد بود وهمچنین به حق هیچیك از طرفین متعاهدین لطمه وارد نمیآورد که در هر موقع تصمیماتی برای تنظیم یا منع مهاجرت در خاك خود با تعیین شرایطی که بموجب آن کارگران خارجی حالا یا در آتیه بتوانند بحرفه اشتغال ورزند اتخاذ نماید مشروط براینکه تصمیمات مزبور در حکم تبعیضی نباشد که مخصوصاً متوجه اتباع طرف متعاهد دیگر باشد همین مقررات مذکوره فوق خللی بحق هیچیك از طرفین متعاهدین وارد نمیآورد که اقامت اتباع طرف متعاهد دیگر را در موارد مخصوص خواه از لحاظ تصمیم قضائی و خواه به علل امنیت داخلی و خارجی و یا به جهات تعاون عمومی و صحی یا اخلاقی قدغن نماید .

ماده ۵ ــ در تمام مسائل راجع باقامت اتباع هریك از طرفین متعاهدین در خاك طرف‌متعاهد دیگر ازمعامله‌ای‌که نسبت‌باتباع دولت کاملةالوداد میشود بهره‌مند خواهند بود بنا براین‌مشارالیهم بشرط رعایت نظامات مملکتی ازحق اشتغال بهر گونه تجارت وصنعت وحرفه ویا شغلی بهره مند خواهند شد باستثناءِ آنچه بموجب قوانین ونظامات فقط باتباع داخله منحصر ویا در آتیه انحصار خواهدیافت و باستثناءِ آنچه مشمول انحصار دولتی ویا امتیاز اعطائی ازطرف دولت بوده ویاخواهد بود و باستثناءِ طوافی وهرقسم تجارت دوره‌گردی .

مشار الیهم مشمول عوارض وحقوق یا مالیات بهر عنوانی‌که باشد زیادتر یاغیر ازآنچه درموارد مشابه از اتباع دولت کاملةالوداد مطالبه میشود نخواهند بود .

اتباع هریك ازطرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگر چه درموقع صلح وچه درموقع جنگ ازهرگونه قرضه اجباری وهدایای ملی همچنین از کلیه مالیاتهائی که ممکن است مخصوصاً برای حوائج جنگ برقرارشود معاف خواهند بودو نیزمشارالیهم ازهرگونه خدمت نظامی شخصی واجباری وهرقسم عوارض ومالیاتهائی که بجای خدمت نظامی مزبور وضع شده باشد معاف خواهند بود .

راجع بمصادره وهر گونه قرضه ای متشابه که برای احتیاجات قوای لشکری مقرر میگردد از هیچ لحاظ نسبت بمشار الیهم رفتاری نامساعد تر از رفتاری که در باره اتباع دولت کاملة الوداد میشود معمول نخواهد گردید . اتباع هر یك از طرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگر باهمان شرایطیکه برای اتباع دولت کاملة الوداد مقرر است حق خواهند داشت اموال منقول و غیر منقول تحصیل و تصرف نموده و اختیار اموال مزبور رابرای فروش ونقل وانتقال وقباله ازدواج وماترك ویابهروسائل دیگری داشته باشند .

و نیز مشارالیهم آزاد خواهند بود اموالی را که باین ترتیب تحصیل شده است به خارج حمل نمایند و بنا بمراتب فوق تابع تأدیه مالیات و حقوق وعوارض و یا تحدیداتی زیاد تر یا غیر از آنچه به اتباع دولت کاملة الوداد تعلق می گیرد نخواهند بود .

مشارالیهم رانمیتوان از استفاده اموال مذکوره در بند فوق الذکر محروم نمود مگر بهمان شرایط و در مقابل ادای غراماتی که در قوانین محلی برای اتباع دولت کاملة الوداد مقرر است .

درمنازل و کلیه اموال غیر منقوله دیگر که اتباع هر یك از طرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگر بر طبق مقررات این قرارداد تحصیل یاتملیك و یا اجاره نمایند نمیتوان داخل شده ویا بتفتیشات مبادرت نمود مگر بهمان ترتیبات ومراسمی

که بموجب قوانین و نظامات برای اتباع داخله مقرر است اتباع هر یك از طرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگر راجع بحمایت قانونی وقضائی خود و اموال و حقوق ومنافعشان ازهمان رفتاریکه نسبت باتباع داخله میشود بهره مند خواهند شد ومشارالیهم آزادانه وبسهولت بمحاکم دسترس داشته ومیتوانندمثل اتباع داخله ترافع نمایند معهذا تا انعقاد قرارداد مخصوصی بین طرفین متعاهدین ترتیبات راجع بوجه الضمانه مخصوص خارجیها وارفاق قضائی نسبت باشخاص بی بضاعت بموجب قوانین محلی حل وتسویه میگردد .

ماده ٦ ـ شرکت های آنونیم وشرکت های دیگری که جنبه تجارتی و انتفاعی داشته باشند همچنین شرکت های تجارتی و صنعتی و مالی و حمل و نقل و کمپانی های بیمه که مرکز اصلی آنها درخاك یکی از طرفین متعاهدین بوده ودر آنجا حسب القاعده تأسیس شده و تابعیت آنها قانوناً در آنجا شناخته شده باشد هویت حقوقی واهلیت آنها در خاك طرف متعاهد دیگر نیز شناخته خواهد شد .

شرکتهای هریك ازطرفین متعاهدین که پذیرفته شدنشان درخاك طرف متعاهد دیگر برطبق معامله متقابله و قوانین ونظامات جاریه در خاك مزبور صورت خواهد گرفت راجع بحق اشتغال به عملیات وحق تملك وتصرف اموال منقوله وغیر منقوله وتصرفات مالکانه در آنها و ترافع قضائی بعنوان مدعی و مدعی علیه و همچنین راجع بمالیات ازرفتاریکه نسبت بهمان نوع شرکتهای دولت کاملةالوداد میشوددرخاك طرف متعاهدیکه پذیرفته میشوندبهره مند خواهند شد ولی مسلم است مقررات این قرارداد بشرکتهای مزبوره حق نمیدهد مزایای مخصوصی را درحق خود دعوی نمایند که در ایران بشرکتهائیکه ترتیب عملیاتشان بموجب امتیاز نامه های مخصوص معین شده اعطاء گردیده است .

ازطرف دیگر شرکتهای هریك ازطرفین متعاهدین که شرایط عملیاتشان در خاك طرف متعاهددیگر بموجب امتیازنامه های مخصوص تعیین گردیده حق نخواهند داشت راجع بموادیکه در امتیازنامه آنها پیش بینی شده است مزایائی که بموجب عهود و قرارداد های جاریه یا ناشیه از ترتیب معامله دولت کاملة الوداد اعطاء میشود دعوی نمایند .

ماده ۷ ـ محصولات طبیعی یاصنعتی هریك ازطرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهددیگر مشمول حقوق و کوئیفیسیان وعوارض ومالیاتها ازهرقبیل که باشدزیادتر یاغیر از آنچه از امتعه متشابه مملکت ثالثی دریافت شده و یا در آتیه دریافت خواهد گردید نخواهد بود .

محصولات طبیعی یاصنعتی هریك از طرفین متعاهدین صادره از خاك آن بقصد خاك طرف متعاهد دیگر مشمول حقوق گمرکی وعوارض صدوری ازهر قبیل که باشد زیادتر یاغیر از آنچه از محصولات متشابه صادره بقصد خاك دولت کاملةالوداد دریافت میشود نخواهد بود . معامله دولت کاملة الوداد مذکوره در فوق بترتیب اخذ حقوق واردات وصادرات وبه رژیم انبارهای گمرکی وبعوارض ومراسم گمرکی ومعامله و حمل مال‌التجاره بگمرك اعم ازاینکه مال‌التجاره های مزبوره وارد و صادر و یا بطور ترانزیت حمل شده باشد شامل میگردد .

ماده ۸ ـ محصولات طبیعی وصنعتی هریك ازطرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر راجع بعوارض داخلی از هر قبیل که باشد از همان معامله که نسبت به امتعه متشابه دولت کاملة الوداد مرعی گردیده و یا خواهد گردید بهره مند خواهند بود .

ماده ۹ ـ طرفین متعاهدین موافقت دارند که در باب تجارت فیمابین آنچه

راجع به تصدیقنامه مبداء است ترتیبات و مقررات قرار داد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی امضاء شده در ژنو مورخه ۳ نوامبر ۱۹۲۳ را مجری و معمول بدارند (اعم از اینکه در قرارداد مزبور شرکت کرده ویا نکرده باشند) .

تصدیق صحت تصدیقنامه های مبداء را ازطرف نماینده سیاسی وقنسولی مملکت مقصد چنانچه تصدیقنامه های مزبوره از طرف یك اداره و یا مقاماتی غیر از مقامات گمرکی و یا یك اطاق تجارت صلاحیتدار صادر شده باشد میتوان مطالبه نمود تصدیق مزبور مجانی خواهد بود مقامات مملکت مقصد میتوانند ترجمه فرانسه تصدیقنامه‌های مبداء را بخواهند.

ماده ۱۰ ــ طرفین متعاهدین نسبت بواردات و صادرات مال التجاره طرفین هیچ قسم ممنوعیت ها یا تحدیداتی که در تحت همان شرایط نسبت بواردات و صادرات مال التجاره متشابه سایر ممالك معمول و مجری نباشد وضع ننموده و بر قرار نخواهد گذاشت معهذا ممنوعیتها یا تحدیدات ذیل در حکم انحراف از اصول معامله دولت کاملة الوداد تلقی نخواهدشد :

الف ــ ممنوعیتها یا تحدیدات برای انتظامات عمومی و امنیت داخلی و خارجی مملکت .

ب ــ ممنوعیتها یا تحدیداتیکه برای حفظ‌الصحه عمومی ویا بملاحظه حفاظت حیوانات و نباتات مفیده درمقابل امراض وحشرات‌مضره ویاطفیلی ویابرای جلوگیری ازفساد نسل و از بین رفتن جنس نباتات مفیده وضع شده باشد .

ج ــ ممنوعیتها یاتحدیدات راجع بصادرات اسلحه وذخائر ومهمات جنگی .

د ــ ممنوعیتها یا تحدیداتیکه شامل محصولاتی باشد که درتحت انحصار دولت بوده ویا درتحت انحصار اعطائی از طرف دولت باشد .

ماده ۱۱ ـ دولتین متعاهدین متقابلةً در قسمت ترانزیت اشخاص و اسباب و هرقبیل مال‌التجاره مرسولات و وسائط حمل و نقل ازهرقبیل معامله دولت کاملةالوداد را نسبت بیکدیگر در خاك خود تضمین خواهند نمود معهذا ممنوعیتها و تحدیدات ذیل که برطبق اصول عمومی وضع و یا برقرار شده باشد در حکم انحراف از اصول معامله دولت کاملةالوداد نخواهد بود :

۱ ـ ممنوعیتها یا تحدیداتی که بملاحظه امنیت عمومی یا امنیت داخلی و یا خارجی مملکت وضع شده باشد .

۲ ـ ممنوعیتها یا تحدیداتی که بملاحظه حفظ الصحه عمومی یا حفظ حیوانات یا نباتات مفیده درمقابل امراض وهوام موذیه وحشرات طفیلی یا برای جلوگیری از فساد نسل یا ازبین رفتن نباتات مفیده وضع شده باشد .

ماده ۱۲ ـ تجار و صاحبان کارخانجات و سایر ارباب صنایع یکی از طرفین متعاهدین همچنین مسافرین تجارتی درخاك طرف متعاهد دیگر راجع بعملیات خود ومخصوصاً راجع بمالیات وتسهیلات گمرکی که نسبت بمستورمجات بعمل می‌آید از همان رفتاریکه درموردتجار وصاحبان کارخانجات ومسافرین تجارتی دولت کاملةالوداد معمول میشود بهره مند خواهند شد .

چنانچه ارائه تعرفه هویتی ازمسافرین تجارتی درخاك یکی ازطرفین متعاهدین لازم گردد مقررات قرارداد بین‌المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقده در ژنو مورخ سوم نوامبر ۱۹۲۷ باید در این قسمت اعمال گردد معذلك ویزای مقامات قنسولی و یا مقامات دیگر مطالبه نخواهد شد .

ماده ۱۳ ـ کشتیهای ایران و محمولات آن در دانمارك و کشتیهای دانمارك ومحمولات‌آن در ایران ازهرجا که حرکت نموده باشد و مقصد آنها هرجا باشد و همچنین مبداء ومقصد محمولات آنها هرجا باشد از همان رفتاری که نسبت به کشتیها و

محمولات دولت کاملة الوداد ملحوظ میگــردد بهره مند خواهند شد . کشتی رانی مابین بنادر مختلفه داخلی (کابوتاژ) ومساعدتی که دریکی ازمملکتین راجع بصید در آبهای مملکتی ومحصول آن اعطاء شده و یا ممکن است درآتیه اعطاء گردد ازمقررات این ماده مستثنی می‌باشد .

از پذیرفته شدن سفاین جنگی یکـی از طرفین متعاهدین در آبهـای طرف متعاهددیگر دراین قرارداد بحثی نشده وتابع مقررات موضوعه مملکت طرف متعاهد مزبور خواهد بود .

ماده ۱۴ ــ هر گاه پس از فوت یکی از اتباع ایران اموالی درخاك دانمارك باقی گذاشته و یـا یکی از اتباع دانمارك اموالــی در ایران باقی گذاشته و اشخاص ذوی‌الحقوق غیرمعلوم یاغائب بودهو نماینده نداشته باشند نمایندگان قنسولی مربوطه حق خواهندداشت تقاضای مهروموم کلیه اثاثیه واشیاء و کاغذهای متوفی وهمچنین برداشتن مهروموم را بنمایند. نمایندگان قنسولی میتوانند به تصفیه ماترك مبادرت نموده ویا کسی‌را تعیین نمایند که مبادرت باین امر بکنند . مداخله قنسولها همینکه معلوم‌شد ذوی‌الحقوقی که دارای تابعیت متوفی باشد وجود ندارد پذیرفته نیست .

معذلك مندرجات این ماده سبب سلب صلاحیت محاکم مملکتی که درآن اموال وجود دارد نسبت باموری که داخل صلاحیت محاکم مزبوره میباشد نخواهد بود .

ماده ۱۵ ــ مقررات این‌قرارداد تاحدی که راجع بمعامله دولت کاملة الوداد است شامل موارد ذیل نخواهد بود :

۱ ــ بمزایای مخصوصی که هریك ازطرفین متعاهدین بممالك مجاور خود برای تسهیل معاملات سرحدی اعطاء کرده ویا میتواند اعطا نماید .

۲ ــ به تعهداتیکه یکــی از طرفین متعاهدین بموجب اتحاد گمرکی منعقد ساخته ویا خواهد ساخت .

۳ ـ بمزایائیکه دولت دانمارك بدولت نروژ ویاسوئد و یا بهردو دولت مزبوره اعطاء کرده ویا درآتیه اعطاء خواهد کرد تا وقتیکه مزایای مزبوره بدولت دیگری اعطاء نگردیده است .

قطع نظر ازمواد راجعه بحقوق گمرکی ومعامله گمرکی مقررات این قرار ـ داد شامل گروئنلند که تجارت و بحر پیمائی درآنجا بدولت دانمارك اختصاص دارد نخواهد گردید .

ماده ۱۶ ـ طرفین متعاهدین موافقت مینمایند کلیه اختلافاتی را که بین آنها درموضوع اجراء یا تفسیر مقررات کلیه عهود و قرار دادهای منعقده یا عهود و قرار ـ دادهائیکه منعقد گردد ومنجمله راجع بههمین عهدنامه بظهور برسد وتسویه دوستانه اختلافات مزبوره بوسایل سیاسی عادی در مدت متناسبی ممکن نگردد به حکمیت رجوع نمایند .

این ترتیب در صورت لزوم اساساً برای تشخیص این مسئله که آیا اختلاف مربوط به تفسیر یا راجع باجرای عهود وقراردادهای مزبور میباشد نیز اعمال خواهد گردید . حکم محکمه حکمیت برای طرفین الزام‌آور است .

برای هر قضیه متنازع فیها محکمه حکمیت بر حسب تقاضای یکی از دولتین متعاهدین بترتیب ذیل تشکیل خواهد یافت :

هر یك از دولتین متعاهدین در ظرف مدت سه ماه از تاریخ تسلیم تقاضانامه حکم‌خودرا که ممکن است ازاتباع مملکت ثالثی‌هم انتخاب‌گرددتعیین خواهندنمود .

هر گاه از تاریخ تسلیم تقاضا نامه تا مدت سه ماه بین دولتین راجع بمدتی که درظرف آن حکمین باید حکم خود را صادر نمایند موافقت حاصل نگردد یا اینکه حکمین موفق نشوند قضیه متنازع فیها را درمدتیکه برای آنها تعیین شده تسویه نمایند

دولتین یك نفر از اتباع دولت ثالثی را بعنوان حکم ثالث انتخاب خواهند کرد.

چنانچه دولتین در ظرف دو ماه از تاریخ تقاضای تعیین حکم ثالث راجع به انتخاب او موافقت حاصل ننمایند دولتین مذکورتین مشترکاً یا درصورتیکه درظرف دوماه بعد از آنهم تقاضای مشترکی از طرف آنها بعمل نیاید هر کدام از آنها که زودتر اقدام کنند ازرئیس دیوان داوری بین‌المللی لاهه تقاضا خواهد نمود که حکم ثالث را از اتباع دولت ثالثی معین نماید. با موافقت طرفین ممکن است صورتی از ممالك ثالثی کـه رئیس دیوان داوری بین‌المللی باید حکم ثالث را منحصراً از آنها انتخاب نماید بمشارالیه تسلیم گردد طرفین میتوانند راجع بشخص حکم ثالث برای مدت معینی قبلاً قراری بین خود بدهند در صورتیکه طرز عمل حکمین بموجب قرارداد مخصوصی بین دولتین مشخص نگردیده و قرارداد مزبور لااقل درموقع تعیین حکمین منعقد نشده باشد برطبق ماده ۵۷ و ۵۹ الـی ۸۵ قرارداد لاهه مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ که مربوط بتسویه اختلافات بین‌المللی است تکلیف این موضوع معین میشود بشرط اینکه مقرراتی مخالف این ترتیب بین‌طرفین موجود نباشد. هرگاه تعیین یکنفرحکم ثالث لازم گردد و بین‌دولتین متعاهدین‌راجع برویه‌ای که باید بعدازتعیین حکم‌مزبور تعقیب شود قراری داده نشده باشد حکم ثالث بادو حکم اولی تشکیل محکمه حکمیت داده وطرز عمل خودشان را معلوم نموده اختلاف را تسویه خواهند نمود و کلیه تصمیمات محکمه حکمیت به‌اکثریت آراء اتخاذ خواهد گردید.

در باب اختلافات دیگری غیراز آنچه مشمول مقررات مذکوره فوق می باشد وبطور رضایت بخشی ازمجرای سیاسی حل وتسویه نمیگردد طرفین متعاهدین باحترام تعهداتی که ازعضویت خود درجامعه ملل دارند موافقت مینمایند که درهرحال برای رفع اختلاف جز بوسائل مسالمت‌آمیز توسل ننمایند و در هر مورد بوسیله قرارداد

مخصوصی طرزعملی را که در این قسمت بنظرشان مناسب میرسد معین خواهند نمود.

و نیز طرفین متعاهدین موافقت دارند که چون هردو بماده اختیاری اساسنامه دیوان دائمی داوری بین‌المللی لاهه ملحق شده‌اند مدلول ماده مزبور را باوجود مراتب مذکوره فوق برای تسویه کلیه اختلافاتی که مشمول آن ماده باشد مجرا بدارند.

ماده ۱۷ ـ این عهدنامه بتصویب رسیده ومبادله نسخ مصوبه آن در طهران در اسرع اوقات ممکنه صورت گرفته وپانزده روز بعد از مبادله نسخ مصوبه بموقع اجرا گذارده خواهد شد. این عهدنامه برای مدت یك سال منعقد گردیده است وچنانچه سه ماه قبل از انقضای مدت مزبور فسخ نشود بطور ضمنی برای مدت غیرمعینی ادامه یافته و در هرموقع ممکن است فسخ گردد.

درصورت فسخ عهدنامه مزبور مدت سه ماه بعد از تاریخی که یکی از طرفین قصد خودرا برای فسخ آن بطرف متعاهد دیگر اعلام نماید دارای اعتبار خواهدبود.

بناءاً علیهذا اختیار داران طرفین این عهدنامه را امضاء وبمهرخود ممهور نمودند.

درطهران بتاریخ اول اسفند ۱۳۱۲ مطابق ۲۰ فوریه ۱۹۳٤ بدو نسخه تحریر شد.

کاظمی ـ آنگل

پرتکل اختتامیه

درموقع امضای این عهدنامه که امروز منعقد گردیده است اختیارداران امضاء کننده درباب مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند:

راجع بماده ۳ نمایندگان قنسولی که از طرف یکی از دولتین متعاهدین در خاك دولت دیگر تعیین میشوند نمیتوانند قبل ازآنکه اگزکواتور خود را ازطرف دولت دیگر وترتیبی که درمملکت مشارالیها مقرر است دریافت نموده باشند بانجام مأموریت خود اشتغال ورزند.

برطبق قواعد بین‌المللی هریك ازطرفین متعاهدین حق دارد که پس از آنکه قبلاً از مجرای سیاسی دلائل خود را بطرف متعاهد دیگر اعلام نمود اگزکواتور صادره را مسترد دارند بدون اینکه درهیچ موردی ملزم باثبات دلائل مزبوره بوده و یا اینکه مجبور باشد تصمیم خود را موکول بموافقت طرف دیگر نماید.

راجع بماده ۱۵ نظر بروابطی که بموجب مندرجات قانون اتحادیه مورخه ۳۰ نوامبر ۱۹۱۸ بین دانمارك و ایسلاند وجود دارد موافقت حاصل است که مقررات عهدنامه مزبوره را دولت ایران نمیتواند مستند قرار داده و مزایای مخصوصی را که ازطرف دانمارك به ایسلاند اعطاء شده ویا درآتیه اعطاء خواهد شد دعوی نماید.

در طهران بتاریخ اول اسفند ۱۳۱۲ مطابق ۲۰ فوریه ۱۹۳۴ بدونسخه تحریر شد.
کاظمی ـ آنگل

قانون

اجازه مبادله عهدنامه مودت وقرارداد اقامت وقرار وجه‌الضمانه قضائی منعقده بین دولتین ایران وسوئیس

مصوب ٤ اسفند ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی عهدنامه مودت مشتمل بر پنج ماده و یك پروتکل اختتامیه و قرار داد اقامت مشتمل بر ده ماده و قرار وجه الضمانه قضائی و ارفاق قضائی مشتمل بر ۵ ماده که در ۵ اردی بهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳۴ بین دولت شاهنشاهی ودولت سوئیس در برن امضاء شده تصویب مینماید.

این قانون که مشتمل بر یك ماده و متن عهد نامه های ضمیمه است در جلسه

چهارم اسفندماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر



عهد نامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت سوئیس

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

و

دولت سویس

نظر باینکه مایلند روابط ودادیه قدیمی را بین دولتین تحکیم نمایند تصمیم بانعقاد عهدنامه مودت نموده وبرای این‌مقصود اختیارداران خودرا معین نمودند .

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

آقای میرزا ابوالحسن‌خان فروغی وزیرمختار دولت شاهنشاهی ایران دربرن.

و

دولت سویس

آقای کیسپ موتا وزیر امور خارجه دولت سویس

مشارالیهما بعد از مبادله اختیارنامه‌های خود که در کمال صحت و اعتبار بود درمقررات ذیل موافقت حاصل نمودند :

ماده ۱ ـ بین دولتین ایران وسویس واتباع مملکتی صلح خلل‌ناپذیر ودوستی صمیمانه دائمی برقرار خواهد بود.

ماده ۲ ـ طرفین متعاهدین موافقت دارند کـه روابط سیاسی و قنسولی خود را برطبق اصول ومعمول حقوق عمومی بین‌المللی ادامه دهند و نیز موافقت حاصـل است کـه نسبت بنمایندگان سیاسی و قنسولی هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر مطابق اصول ومعمول حقوق عمومی بین‌المللی رفتارشود . رفتار

مزبور بشرط معامله متقابله نباید مادون رفتاری باشدکه درباره نمایندگان سیاسی و قنسولی دولت کاملةالوداد بعمل میآید .

ماده ۳ ـ طرفین متعاهدین موافقت دارندکه روابطقنسولی وتجارتیو گمرکی بین مملکتین و نیز شرایط اقامت و توقف اتباع خود را درخاك یکدیگر بموجب یك قرارداد اقامت ویك قرارداد تجارتی و گمرکی و یك قرارداد قنسولی برطبق اصول ومعمول حقوق عمومی بین المللی و برروی اساس تساوی کامل ومعامله متقابله تنظیم نمایند.

ماده ۴ ـ طرفین متعاهدین موافقت دارند کلیه اختلافاتی را که بین آنها در موضوع اجرا یاتفسیر مقررات کلیه عهود وقراردادهای منعقده یاعهود و قرارداد هائی که منعقد گردد و منجمله راجع بهمین عهدنامه بظهور برسد و بطریق دوستانه بوسایل سیاسی عادی درمدت متناسبی تسویه نگردد بحکمیت رجوع نمایند. این ترتیب درصورت لزوم برای تشخیص اینمسئله که آیا اختلاف مربوط بتفسیر یا راجع باجرای عهود وقرارداد های مذکوره میباشد نیزاعمال خواهد گردید . حکم محکمه حکمیت برای طرفین متعاهدین الزام آور است .

برای هرقضیه متنازع فیها محکمه حکمیت بنابتقاضای یکی ازطرفین متعاهدین وبترتیب ذیل تشکیل خواهد یافت :

هریك ازطرفین متعاهدین درظرف سهماه ازتاریخ تسلیم تقاضا نامه حکم خود را که ممکن است از اتباع مملکت خود یا از اتباع مملکت ثالثی انتخاب گردد تعیین خواهدنمود. چنانچه درانقضاء مدت سه ماه مزبوردولت مدعی علیها حکم خودراتعیین ننماید رئیس دیوان دائمیداوری بین المللی بنابتقاضای دولت مدعی از بین اتباع دولت مدعی علیها انتخاب حکم خواهد نمود ودرظرف دوماه بعد ازآن طرفین درباب شرایط قرارنامه حکمیت که عبارت از ارجاع اختلاف بمحکمه حکمیت و تعیین صلاحیت آن واقامه مسائل مختلف فیها و تعیین طرز عمل محکمه برای نیل بحل اختلاف باشد

توافق نظر خواهند نمود وچنانچه مدت دوماه مذکور منقضی وطرفین در باب قرار نامه حکمیت موافقت حاصل نکردند تهیه آن بنا بتقاضای دولت مدعی بخود محکمه حکمیت رجوع خواهد گردید .

چنانچه حکمین درظرف مدت دوماه از تاریخی که این کار بعهده محکمه حکمیت رجوع شده موفق بتنظیم قرارنامه حکمیت نشوند و یا حکمین در مدت متناسبی که باید در نظامنامه طرزعمل حکمین معین شده باشد بتسویه اختلاف نایل نگردند طرفین متعاهدین یکنفر از اتباع دولت ثالثی را بعنوان حکم ثالث انتخاب خواهند نمود چنانچه طرفین درظرف مدت دوماه از تاریخ تقاضای تعیین حکم ثالث راجع بانتخاب او موافقت حاصل ننمایند مشترکاً یا درصورتیکه در ظرف دو ماه بعد از آن تقاضای مشترکی ازطرف آنها بعمل نیاید هریك از آنها که زودتر اقدام کند ازرئیس دیوان داوری بین‌المللی تقاضا خواهد نمودحکم ثالث را ازاتباع دولت ثالثی انتخاب نماید باموافقت طرفین ممکن است صورتی از ممالك ثالثی که رئیس دیوان داوری بین‌المللی باید حکم ثالث را منحصراً از آنها انتخاب نماید بمشارالیه تسلیم گردد .

طرفین میتوانند راجع بتعیین شخص حکم ثالث قبلاً برای مدت معینی قراری بین خود بدهند .

هرگاه تعیین یکنفرحکم ثالث لازم گردد وبین طرفین متعاهدین راجع برویه‌ای که باید بعد از تعیین حکم مزبور تعقیب شود قراری داده نشده باشد حکم ثالث با دوحکم اولی تشکیل محکمه حکمیت داده ومحکمه‌ای که باین ترتیب تشکیل میشود طرز عمل خود را معلوم نموده واختلاف راتسویه خواهد نمود .

کلیه تصمیمات محکمه با کثریت آراء اتخاذ میشود .

راجع باختلافات دیگر غیر از آنچه مربوط باجرا یاتفسیر عهود ویاقراردادها

بوده و بطور رضایت بخشی ازطریق عادی سیاسی تسویه نشود طرفین متعاهدین نظر به تعهداتیکه بصفت عضویت خود در جامعه ملل‌دارند موافقت مینمایند که جز بوسایل مسالمت آمیزمتوسل نگردیده ودرهر مورد به وسیله قرارداد مخصوصی طریقی را که مناسب میدانند اتخاذ نمایند .

بعلاوه طرفین موافقت دارند که مقررات این ماده بهیچوجه مانع اجرای مندرجات پرتکل مربوطه بصلاحیت اجباری دیوان دائمی داوری بین‌المللی مورخ۱۶ دسامبر ۱۹۲۰ که ازطرف آنها امضاء گردیده است نمیباشند .

ماده ۵ ــ پس از اینکه این عهدنامه بتصویب رسید مبادله نسخ مصوبه آن‌در اسرع اوقات ممکنه دربرن بعمل خواهد آمد و بمحض مبادله نسخ‌مصوبه بموقع اجرا گذاره‌خواهد شد . بناءاً علیهذا اختیارداران مذکوره فوق‌این عهدنامه را امضاء و بمهر خود ممهور نمودند .

در برن در دو نسخه تحریر یافت بتاریخ پنجم اردیبهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳٤.

محل امضاء ــ ابوالحسن فروغی		محل امضاء ــ موتا

پرتکل اختتامیه

درموقع امضای عهدنامه مودت منعقده امروزبین دولتین ایران وسویس اختیار داران طرفین اظهارذیل را که‌جزءِ لایتجزای این عهدنامه میباشد نمودند :

طرفین‌متعاهدین این‌حق‌را برای‌خودمحفوظ میدارندکه مقررات ماده ٤ عهدنامه مودت‌را بعد ازانقضای‌مدت ده‌سال‌از تاریخ اجرای عهدنامه‌مزبوره مجدداً تحت‌رسیدگی قرار داده وحتی فسخ نمایند .

دربرن بتاریخ پنجم اردیبهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳٤.

محل امضاء ــ ابوالحسن فروغی		محل امضاء ــ موتا

قرارداد اقامت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت سوئیس

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

و

دولت سویس

که مایلند شرایط اقامت اتباع سویس را در ایران واتباع ایران را درسویس بر طبق عهدنامه مودت منعقده امروز تنظیم نمایند تصمیم بعقد قرارداد اقامت نموده و برای این مقصود اختیارداران خود را تعیین نمودند.

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

آقای ابوالحسن خان فروغی وزیر مختار دولت شاهنشاهی در برن.

و

دولت سویس

آقای کیسپ موتا وزیر امور خارجه دولت سویس.

مشارالیهما پس ازمبادله اختیار نامه های خود که در کمال صحت و اعتباربود در مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده ۱ ـ اتباع هریك ازطرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگر نسبت بشخص واموالشان موافق اصول ومعمول حقوق عمومی بین المللی پذیرفته شده وازاین حیث باآنها مطابق اصول ومعمول مزبور رفتار خواهد شد.

مشارالیهم از حمایت دائم قوانین ومصادر امور مملکتی نسبت بخود واموال وحقوق ومنافعشان بهره مند خواهند شد و میتوانند بخاك طرف متعاهد دیگر وارد وازآنجا خارج شده ودرآن مسافرت وتوقف واقامت نمایند بااین شرط وتاوقتیکه موافق قوانین ونظامات جاریه درخاك مزبور عمل نمایند.

اتباع مزبوره درتمام این مسائل از رفتاریکه مادون رفتار معموله نسبت باتباع

دولت کاملةالوداد نباشد بهره‌مند خواهند شد معذلك هیچیك از مراتب فوق مانع از آن نیست که هریك ازطرفین‌درهر موقع مقرراتی‌برای‌تنظیم ویامنع مهاجرت درخاك خودوضع نمایند مشروط براینکه‌آن‌مقررات درحکم تبعیضی نباشد که‌مخصوصاً متوجه کلیه اتباع طرف دیگر باشد.

بدیهی‌است‌که مقررات ماده‌فوق بقواعد راجعه بتذکره و بمقررات عمومی که هریك‌ازطرفین متعاهدین راجع‌بشرایط‌پذیرفتن کارگران خارجه درخاك‌خودو اشتغال آنها بمشاغل وضع نموده‌اند لطمه وارد نمیآورد.

ماده ۲ ــ مقررات این قرارداد بحق هیچیك ازطرفین متعاهدین لطمه وارد نمیآورد که توقف اتباع طرف متعاهد دیگر را در موارد مخصوصه خواه در اثر تصمیم قضائی یا ازلحاظ امنیت داخلی یاخارجی مملکت ویابموجب مقررات مربوطه بنظمیه ممنوع بدارد.

اخراج بترتیباتی صورت خواهد گرفت که موافق شرایط حفظ الصحه و انسانیت باشد.

ماده ۳ ــ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین حق دارند درخاك طرف متعاهد دیگر بشرط رعایت قوانین و نظامات مملکتی مثل‌اتباع داخله‌بهرقسم صنعت‌وتجارت پرداخته و بهر شغل و حرفه اشتغال ورزند جز آنچه مربوط به انحصارات دولتی یا انحصارات اعطائی از طرف دولت میباشد و یا طوافی و هرقسم تجارت دوره گردی.

و نیز حق مذکور فوق شامل مواردی نخواهد بود که برطبق قوانین و نظامات مزبوره اشتغال یك حرفه منحصراً باتباع داخلی اختصاص داشته باشد.

ماده ۴ ــ شرکتهای تجارتی از هر قبیل منجمله شرکتهای صنعتی و مالی و بیمه وارتباطات وحمل ونقل که برطبق قوانین یکی ازطرفین متعاهدین تأسیس ومقر شرکتی‌آنها درخاك مملکت مشارالیها بوده ودرآنجا قانوناً بتابعیت آن مملکت‌شناخته

شده باشند هویت حقوقی واهلیت وحق تدافع قضائی برای آنها درخاك طرف متعاهد دیگر شناخته میشود و مبادرت آنها بعملیات تجارتی در مملکت متوقف فیها مطابق قوانین ومقرراتی خواهد بود که درمملکت مزبور مجری است .

راجع بشرایط پذیرفته‌شدن شرکتهای مزبوره واجرای‌عملیات آنها وهمچنین راجع بکلیه مسائل‌دیگر شرکتهای مزبوره میتوانندبشرط متابعت ازقوانین ومقررات مملکت متوقف فیها بکلیه عملیات تجارتی و صنعتی بپردازند که مطابق ماده ۳ این قرارداد برای اتباع مملکتی که شرکتهای مذکوره در آنجا تأسیس شده مجاز است . باشرکتهای مزبوره از هر حیث باید همان رفتاری شود که با مؤسسات متشابه دولت کاملةالوداد بعمل میآید ولی مسلم است مقررات این قرار داد بشرکتهای مزبوره حق نمیدهد مزایای مخصوصی را در حق خود دعوی نمایند که در ایران بشرکتهائی که ترتیب عملیاتشان بموجب امتیازنامه‌های مخصوصی معین شده اعطاء گردیده است .

ازطرف دیگر شرکتهای هریك ازطرفین متعاهدین که شرایط عملیاتشان در خاك طرف متعاهد دیگربموجب امتیازنامه‌های مخصوص معین‌شده است حق نخواهند داشت راجع بموادی که در امتیاز نامه آنها پیش بینی شده است مزایائی که بموجب عهود و قرارداد های جاریه یاناشیه از ترتیب معامله دولت کاملة الوداد اعطاء میشود دعوی نمایند .

ماده ۵ ـ اتباع هر یك از دولتین و شرکتهای هریك از طرفین متعاهدین که درماده ٤ به آنها اشاره شده است در خاك طرف متعاهد دیگر راجع بهرقسم مالیات وعوارض و همچنین کلیه تحمیلات دیگری که جنبه مالی داشته باشد نسبت بشخص و اموال‌وحقوق ومنافعشان ازهمان رفتاروحمایتی که نسبت باتباع‌دولت کاملةالوداد‌میشود بهره‌مند خواهند شد .

ماده ۶ ــ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین حق دارند با متابعت از قوانین و نظامات جاریه درخاك طرف متعاهد دیگر هر قسم حقوق واموال منقوله تحصیل وتصرف و نقل و انتقال نموده و یا بمعرض فروش برسانند و از این حیث باآنها رفتار اتباع کاملةالوداد میشود .

راجع بحقوق واموال غیر منقوله با اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر درهرحال معامله اتباع دولت کاملةالودادمیشود وتا انعقاد قرارداد مخصوصی موافقت حاصل است که اتباع سویس درخاك ایران مجاز نیستند اموال غیر- منقوله غیر ازآنچه برای سکونت وشغل ویا صنعت آنها لازم است تحصیل یاتصرف و یا تملیك نمایند .

ماده ۷ ــ در منازل و کلیه اموال غیر منقوله دیگر که اتباع هر یك از طرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگر برطبق مقررات این قرارداد تحصیل یا تملیك ویا اجاره نمایند نمیتوان داخل‌شده ویا بتفتیشات مبادرت نمود مگر بهمان ترتیبات و مراسمی که درقوانین جاریه برای اتباع داخله مقرر است .

وهمچنین دفاتر تجارتی یاصورتحساب ویاهرقبیل اسنادی را که در منازل یادر ادارات اتباع هریك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر باشد نمیتوان مورد تفتیش یاتوقیف قرارداد مگردرتحت شرایط ومراسمی که بموجب‌قوانین جاریه برای اتباع داخله مقرر است .

ماده ۸ ــ اتباع هریك از طرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگر راجع بحمایت خود و اموالشان در پیشگاه محاکم و مصادر امور از همان رفتاری که نسبت باتباع کاملةالوداد میشود بهره‌مند خواهند شد .

مشارالیهم مخصوصاً بدون هیچگونه مانعی بمحاکم دسترس داشته و میتوانند

تحت همان شرایطی که برای اتباع دولت کاملةالوداد مقرر است ترافع نمایند .

تکلیف مسائل راجعه بارفاق قضائی نسبت باشخاص بی بضاعت وجه الضمانه مخصوص خارجی هابموجب قرار متقابل مخصوص منضم باین قرارداد معین میگردد در مسائل راجعه بحقوق شخصی وخانوادگی و ارثی اتباع هریك ازطرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر تابع مقررات قوانین مملکت متبوعه خود میباشند وطرف متعاهد دیگر نمیتواند از اعمال قوانین مزبوره منحرف بشود جز بطریق استثناء وتاحدیکه یك چنین رویه علی العموم نسبت بکلیه ممالك خارجه دیگر اعمال گردد طرفین متعاهدین موافقت دارند که حقوق شخصی و خانوادگی و ارثی و بعبارة اخری حقوق مربوطه باحوال شخصیه مشتمل برمسائل ذیل باشد :

ازدواج ــ ترتیب اموال بین زوجین ــ طلاق ــ افتراق ــ جهیز ــ ابوت ــ نسب ــ قبولی بفرزندی ــ اهلیت حقوقی ــ بلوغ ــ ولایت و قیمومیت ــ حجر ــ حق وراثت بموجب وصیت نامه یابدون وصیت نامه ــ تصفیه وتقسیم ماترك ویا اموال وبطورعموم کلیه مسائل مربوطه بحقوق خانوادگی و کلیه امور مربوطه باحوال شخصیه .

ماده ۹ ــ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در موقع صلح و جنگ در خاك طرف متعاهد دیگرازهر گونه الزام کار کردن برای دولت متوقف فیها معاف میباشند مگر برای جلوگیری از بلایای طبیعی مشارالیهم از هر نوع خدمت نظامی اجباری چه درقشون بری وقوای بحری وهواپیمائی وچه در گارد ملی ویا چریك و همچنین از کلیه مالیاتهائی که بجای خدمت شخصی وضع شده باشد معافیت دارند واتباع هر یك از طرفین متعاهدین درخاك طرف متعاهد دیگر از کلیه قرضه‌های اجباری معاف میباشند ونمیتوان مالیاتهای نظامی یاهرقسم مصادراتی اعم از نظامی یاغیرنظامی و یا انتزاع مالکیت برای مصالح عمومی جزبهمان شرایط و به همان ترتیب که نسبت باتباع

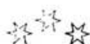
دولت کاملة‌الودادمعمول میگردد وبهمان اندازه غراماتی که باتباع‌دولت کاملة‌الوداد تعلق میگیرد بآنها تحمیل نمود.

مقررات این ماده شامل شرکتهای مذکوره درماده ٤ نیز خواهد بود.

ماده ۱۰ ـ پس از تصویب این قرار داد نسخ مصوبه‌آن دراسرع اوقات ممکنه دربرن مبادله خواهد شد.

این قرارداد یك ماه بعدازمبادله نسخ مصوبه بموقع اجرا گذارده شده ومدت پنج سال معتبر خواهد بود و چنانچه ششماه قبل از انقضای مدت مزبور فسخ نشود بطور ضمنی برای مدت غیر معینی تمدید خواهد یافت در آن صورت هرموقع بفسخ آن میتوان مبادرت نمود بشرط آنکه ششماه قبل از وقت بطرف متعاهد دیگر اخطار شود بناءاً علیهذا نمایندگان طرفین متعاهدین این قرار داد را امضاء و بمهر خود ممهور نمودند. دردو نسخه در برن نوشته شد بتاریخ ٥ اردی‌بهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳٤.

امضاء ـ ابوالحسن فروغی امضاء ـ موتا



قرار وجه الضمانه قضائی وارفاق قضائی مجانی

برای تکمیل قسمت ۲ ماده ۸ قرار داد اقامت که امروز بین دولتین ایران و سویس منعقد و امضاء شده است امضاء کنندگان ذیل که از طرف دول متبوعه خود مجاز بودند درمواد ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده اول ـ هیچگونه حق‌الضمانه و ودیعه بهر اسم و رسمی که باشد نمیتوان باتباع یکی از طرفین متعاهدین که محل سکونتشان در ایران ویا سویس میباشد اعم از اینکه در پیشگاه محاکم طرف متعاهد دیگر سمت مدعی و یا شخص ثالث داشته

باشند بعنوان اینکه مشارالیهم تبعه خارجه بوده و یا اقامتگاه و محل سکونتشان در مملکت نیست تحمیل نمود .

همین قاعده در مورد وجهی که از مدعی و یا شخص ثالث بابت تضمین مخارج محاکمه ممکن است مطالبه شود اعمال میگردد .

ماده دوم ـ احکام محکومیت بمصارف ومخارج محاکمه صادره دریکی از مملکتین متعاهدین برعلیه مدعی یا شخص ثالث که بموجب ماده یك ویا برطبق قوانین مملکتی که در آن اقامه دعوی شده از دادن حق الضمانه و ودیعه یا تأدیه وجه تضمین مخارج محاکماتی معاف گردیده اند از طرف مقامات صالحه مملکت دیگر مجاناً بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

تقاضای اجرای حکم یا از مجرای سیاسی و یا مستقیماً بوسیله طرف ذی نفع بعمل خواهد آمد .

همین قاعده به تصمیمات قضائی که موجب آن میزان مصارف محاکمه بعداً تعیین میگردد شامل میشود .

ماده سوم ـ برای اتخاذ رأی درمورد تقاضای اجراء مقامات صالحه فقط مراتب ذیل را رسیدگی خواهند نمود :

۱ ـ آیا برطبق قوانین مملکتی که حکم محکومیت درآنجا صادر گردیده حکم مزبور اعتبار قضیه محکوم بها را حاصل نموده یا نه .

۲ ـ آیا آن قسمت حکم که متضمن رأی محکمه است مصحوب ترجمه بزبان مملکتی که ازآن تقاضای اجرای حکم شده میباشد یا خیروآیا صحت ترجمه از طرف نمایندگی سیاسی یا قنسولی مملکت تقاضا کننده یا ازطرف مترجم قسم خورده یکی از مملکتین تصدیق شده است یا خیر .

برای ایفاء بشرطی که در قسمت اول این ماده تحت نمره ۱ مقرر است اعلام صادر ازطرف مقامات صلاحیتدار مملکت تقاضا کننده مشعر بر اینکه حکم اعتبار قضیه محکوم بها را حاصل نموده است کافی خواهد بود صلاحیت مقامات مزبوره از طرف عالیترین مأموری که در رأس عدلیه مملکت تقاضا کننده میباشد تصدیق خواهد شد این تصدیق و همچنین اعلامیه مذکور فوق باید برطبق ترتیبی که در قسمت اول همین ماده تحت نمره ۲ قید شده ترجمه شود.

مقامی که برای اظهار رأی در مورد تقاضای اجراءِ حکم صلاحیتدار میباشد میزان مصارف ترجمه و مصارف تصدیق صحت آنرا که در نمره ۲ قسمت اول مذکور شده است معین خواهدنمود مشروط براینکه طرف این تقاضا را توأم بانقاضای اجراءِ حکم بعمل آورده باشد ـ این مخارج بمنزله مخارج ومصارف محاکمه محسوب است.

ماده چهارم ـ بدیهی است که مواد یك تاسه این قرارداد شامل شرکت‌های مذکوره درماده چهار قرارداد اقامت بین ایران وسویس نیز خواهد بود.

ماده پنجم ـ اتباع هریك ازطرفین متعاهدین درمملکت متعاهد دیگر بارعایت نظامات مملکتی از ارفاق قضائی مجانی مثل اتباع داخله بهره مند خواهند شد.

در دو نسخه در برن نوشته شد بتاریخ پنجم اردی بهشت ۱۳۱۳ مطابق ۲۵ آوریل ۱۹۳۴.

امضاء ـ ابوالحسن فروغی   امضاء ـ موتا

قانون

تصویب قرارداد تعریف تجاوز

مصوب ۲۶ شهریور ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی قرار داد تعریف تجاوز را کـه مشتمل بر

پنج ماده میباشد بانضمام ضمیمه ماده ۲ و پروتکل امضاء که در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۳۳ مطابق ۱۲ تیرماه ۱۳۱۲ در لندن بین دولت شاهنشاهی و دول افغانستان و استونی و ترکیه و رومانی و اتحاد جماهیر شوروی اجتماعی و لهستان و لتونی منعقد گردیده تصویب و بدولت اجازه میدهد سند تصویب آن را بدولت اتحاد جماهیر شوروی اجتماعی تسلیم نماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و ششم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون تصویب قرارداد بین المللی مرابطات بعیده منعقده در مادرید

مصوب ۸ اسفندماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی قرارداد بین المللی مرابطات بعیده (تله کمونیکاسیون) Télécommunication مشتمل بر ٤۰ ماده منعقده در مادرید مورخه ۹ دسامبر ۱۹۳۲ را که نماینده دولت شاهنشاهی آنرا امضاء نموده تصویب مینماید.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه هشتم اسفند ماه یکهزاروسیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه الحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی اتومبیلرانی

مصوب ۳ دیماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی الحاق دولت ایران را بقرارداد بین‌المللی اتومبیلرانی که مشتمل بر ۱۷ ماده است و در تاریخ ۲٤ آوریل ۱۹۲٦ در پاریس از طرف نمایندگان دولت شاهنشاهی بامضاء رسیده تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سوم دیماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه الحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی راجع بجلوگیری از معامله واغواءِ نسوان کبیره

مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی تصویب مینمایدکه دولت شاهنشاهی بقرارداد بین‌المللی راجع بجلوگیری ازمعامله و اغواءِ نسوان کبیره مشتمل بر ۱۰ ماده که در ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ در ژنو منعقد شده است ملحق شود.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه بیستم دیماه یکهزار وسیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه الحاق دولت ایران بقرارداد تسهیل دوران بین‌المللی فیلمهای تربیتی

مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی تصویب‌مینمایدکه دولت شاهنشاهی بقرارداد تسهیل دوران بین‌المللی فیلم های تربیتی مشتمل بر۲۰ ماده که در ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ منعقد شده است ملحق شود.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه بیستم دیماه یکهزار وسیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای‌ملی ـ دادگر

قانون

تصویب قرار داد های پستی منعقده در کنگره پستی قاهره

مصوب ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱۴ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی قرارداد پستی عمومی و مقاوله‌نامه مراسلات وجعبه های با قیمت اظهارشده و مقاوله نامه امانات پستی و مقاوله نامه بروات پستی را که در تاریخ بیستم مارس ۱۹۳۴ مطابق سی ام اسفند ماه ۱۳۱۲ در کنگره پستی قاهره منعقد وبشرح ذیل تنظیم یافته تصویب مینماید :

اول ـ قرار داد پستی عمومی دارای ۸۲ ماده وپرتکل نهائی آن شامل چهارده ماده و نظامنامه اجرای قرارداد مزبور مشتمل بر ۹۲ ماده و مقررات مربوط بحمل و نقل مراسلات هوائی متضمن ۳۰ ماده وپرتکل نهائی آن شامل ۳ ماده .

دوم ـ مقاوله‌نامه راجع بمراسلات وجعبه‌های باقیمت اظهارشده دارای ۳۴ماده وپرتکل نهائی آن مشتمل بریك ماده و نظامنامه اجراء مقاوله‌نامه مذکورمتضمن ۱۶ ماده.

سوم ـ مقاوله‌نامه راجع بامانات پستی شامل ۵٤ ماده وپرتکل نهائی آن دارای ۱۰ ماده و نظامنامه اجرای مقاوله‌نامه مذکور متضمن ۵٤ ماده ومقررات راجع بحمل امانات پستی از راه هوا مشتمل بر۲۲ ماده با پرتکل نهائی آن دارای یك ماده .

چهارم ـ مقاوله نامه بروات پستی شامل ۳۹ ماده و نظامنامه اجرای مقاوله‌نامه مذکور دارای ۲۰ ماده .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه بیستم فروردین‌ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

فهرست

قسمت چهارم - کنتراتها

از صفحه ۳۶۱ تا صفحه ۳۸۷

فهرست قسمت چهارم ـ کنتراتها

فهرست قسمت چهارم ـ کنتراتها

قسمت چهارم
کنتراتها

قانون

اجازه استخدام دونفر مهندس دانمارکی و یك نفر مهندس نروژی برای ساختمان بنادر و بهره برداری خطوط راه آهن

مصوب ۱۸ خرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ وزارت طرق مجاز است دو نفر مهندس دانمارکی و یکنفر مهندس نروژی برای تشکیلات و ساختمان بنادر و اداره امور بهره برداری خطوط راه‌آهن جنوب وشمال باشرایط ذیل استخدام نماید :

۱ ـ حقوق هریك از قرار معادل سیصد و پنجاه دلار طلای اتازونی درماه که نصف باسمار و نصف بریال پرداخته خواهد شد .

۲ ـ مدت استخدام آنها یکسال و درصورت توافق طرفین برای دوسال دیگر قابل تمدید خواهد بود .

۳ ـ برای هر یك سال خدمت یك ماه مرخصی بـا استفاده حقـوق اعطاء خواهد شد .

٤ ـ بهر یك از مهندسین مزبور معادل سیصد و پنجاه دولار طلا برای خرج مسافرت از اروپا بایران تأدیه و معادل همین مبلغ نیز در موقـع خاتمه خدمت برای معاودت کارسازی خواهد گردید .

۵ ـ وزارت مالیه مجاز است حقوق و خرج سفر مهندسین مذکور را از محل اعتبار عایدات انحصار قند و شکر و چای بپردازد .

۶ـ سایر شرایط استخدام آنها برطبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهدشد.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه هیجدهم خردادماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استخدام دو نفر مهندس سوئدی برای اداره مرکزی راه آهن

مصوب ۸ شهریور ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ وزارت طرق مجاز است هانری ها گلین و اتومانوسترال مهندسین تبعه سوئد را برای خدمت در شعبه فنی اداره مرکزی راه آهن با شرایط ذیل استخدام نماید :

۱ـ حقوق هریك ازقرار چهارصد دولار طلای اتازونی در ماه که نصف باسعار ونصف بریال پرداخته خواهد شد .

۲ ـ مدت استخدام آنها یکسال است که ازتاریخ ۲۴ مرداد ماه ۱۳۱۲ شروع میشود و درصورت توافق طرفین برای دوسال دیگر قابل تمدید خواهد بود .

۳ ـ برای هر یك سال خدمت یك ماه مرخصی با استفاده حقوق اعطاء خواهد شد و در صورتیکه در همان سال استفاده نشود ممکن است در سالهای بعد جمعاً اعطاء شود .

۴ ـ بهریك از دونفر مهندسین مزبور سیصدو پنجاه دولار طلا درموقع خاتمه خدمت برای خرج معاودت ازایران باروپا تأدیه خواهد گردید .

۵ ـ وزارت مالیه مجاز است حقوق وخرج سفر معاودت مهندسین مزبور را از محل اعتبار عایدات انحصار قند و شکر و چای بپردازد .

۶ـ سایرشرایط استخدام آنها برطبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهدشد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه هشتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استخدام دو نفر مهندس برای تصدی کارخانجات تعمیر راه آهن

مصوب ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ بوزارت طرق اجازه داده میشود دو نفر مهندس سوئدی برای تصدی قسمت جریه و کارخانجات تعمیر راه‌آهن شمال وجنوب باشرایط ذیل استخدام نماید :

۱ ـ حقوق هریك ازمهندسین مزبور ازقرار ماهی پنجهزار ریال استکه نصف باسعار و نصف بریال پرداخته میشود .

۲ ـ مدت استخدام آنها از تاریخ ورود بطهران دو سال لکن برای هریك از طرفین حق فسخ قرارداد درانقضای سال اول میباشد .

۳ ـ برای هریکسال خدمت یکماه مرخصی بااستفاده حقوق‌اعطاء خواهدشد.

٤ ـ بهر یك از مهندسین مزبور معادل سه هزار و پانصد ریال برای خرج مسافرت از اروپا بایران ومعادل همین مبلغ نیز درموقع خاتمه خدمت برای معاودت پرداخته خواهد شد .

۵ ـ سایر شرایط کنترات مستخدمین مزبور بر طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ خواهد بود .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه بیست‌وچهارم تیرماه یکهزارو سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استخدام زترهلم مهندس و متخصص پل سازی

مصوب ۱۲ دیماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ وزارت طرق مجاز است آقای زترهلم مهندس ومتخصص پل‌سازی تبعه دولت سوئد را با شرایط ذیل استخدام نماید :

۱ ـ حقوق آقای زترهلم ماهیانه چهارصد دلار طلای اتازونی خواهد بود که نصف آن باسعار و نصف دیگر بریال پرداخته خواهد شد . مدت استخدام از تاریخ ورود مشارالیه بطهران دوسال است ودرصورت توافق طرفین برای مدت یکسال دیگر نیز قابل تمدید میباشد .

۲ ـ در ظرف هرسال یکماه مرخصی با استفاده حقوق داده میشود و اگر در موقع ازآن استفاده نشود ممکن‌است جمعاً استفاده نماید چنانچه درمدت خدمت مبتلا بکسالت مزاجی‌شود که بیش‌ازیکماه بطول‌انجامد فقط حقوق یکماه ازمدت کسالت بمشارالیه تأدیه خواهد شد .

۳ ـ برای مخارج مسافرت از سوئد بطهران سیصد و پنجاه دولار و همین مبلغ نیز درموقع مراجعت پرداخت خواهد شد درمواقعیکه برای انجام مأموریت درداخله

مسافرت نماید فوق‌العاده اعاشه روزی چهل ریال خواهد داشت .

۴ ـ وزارت مالیه مجاز است حقوق و خرج سفر ایاب و ذهاب مهندس مزبور را ازمحل اعتبار عایدات انحصار قند و شکر وچای بپردازد .

۵ ـ سایر شرایط استخدام زترهلم بر طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه دوازدهم دیماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تمدید کنترات مسیو فونتانا معلم مدرسه عالی حقوق

مصوب ۸ مردادماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ وزارت معارف مجاز است استخدام مسیوفونتانا تبعه دولت‌فرانسه معلم مدرسه عالیه حقوق را که بموجب قانون مصوب دوازدهم مرداد ماه ۱۳۰۹ بتصویب رسیده برای مدت سه‌سال دیگر ازتاریخ اول تیرماه ۱۳۱۲ تمدید نماید .

ماده دوم ـ حقوق مسیو فونتانا در هر ماه ۳۲۵۰ ریال بعلاوه ۴۲ پهلوی خواهد بود .

ماده سوم ـ مستخدم مزبور در موقع تعطیل تابستانی مدارس سالی یکماه حق مرخصی با استفاده ازحقوق خواهد داشت .

ماده چهارم ـ درصورتیکه قرارداد استخدام مسیوفونتانا پس‌ازختم کنترات تجدید نشود مبلغ پنجاه پهلوی برای مخارج مسافرت بمشارالیه تأدیه خواهد شد .

ماده پنجم ـ وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام مسیو فونتانا را مطابق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرارداد او را امضاء نماید.

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه هشتم امرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استخدام یکنفر معلم آهنگری از اتباع دولت آلمان

برای مدرسه صنعتی دولتی

مصوب ۱۲ آذرماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ وزارت معارف مجازاست یکنفر معلم آهنگری تبعه دولت آلمان برای مدرسه صنعتی دولتی از تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۱۲ لغایت مدت سه‌سال استخدام نماید.

ماده دوم ـ حقوق معلم مذکور سالیانه مبلغ ۱۲۹۰۰ ریال بعلاوه ۲۱۵ پهلوی خواهد بود که باقساط ماهیانه بمشارالیه تأدیه خواهد شد.

ماده سوم ـ در موقع عزیمت بایران مبلغ ۵۰ پهلوی برای مخارج مسافرت بمشارالیه تأدیه خواهد شد ودرموقع ختم این قرارداد چنانچه کنترات ایشان تجدید نشود معادل مبلغ مذکور برای مخارج معاودت بآلمان تأدیه خواهد شد.

ماده چهارم ـ وزارت معارف مجازاست سایر شرایط استخدام معلم مزبور را مطابق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرارداد مشارالیه را امضاء نماید.

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه دوازدهم آذرماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی دادگر

قانون

اجازه تمدید قرارداد استخدام مسیو آندره گدار مدیر عتیقات و موزه و کتابخانه

مصوب ۱۲ آذرماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ وزارت معارف مجاز است که قرارداد مسیو آندره گدار را از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۱۳ برای مدت پنج سال دیگر بسمت مدیری عتیقات و موزه و کتابخانه تمدید نماید.

ماده دوم ـ حقوق مسیو گدار درسال شصت هزار ریال بعلاوه یکهزار پهلوی خواهد بود که باقساط ماهیانه دریافت خواهد داشت.

ماده سوم ـ در موقع ختم قرارداد چنانکه کنترات مسیو آندره گدار تجدید نشود مبلغ چهارهزار ریال بعنوان مخارج مسافرت برای معاودت بفرانسه بمشارالیه تأدیه خواهد شد.

ماده چهارم ـ چنانچه مسیو گدار شخصاً کنترات خود را فسخ نماید حق اخذ مخارج مسافرت مصرح درماده سوم را نخواهد داشت.

ماده پنجم ـ مسیو گدار سالی یك ماه حق مرخصی بااستفاده ازحقوق خواهد داشت لیکن ترتیب اعطاءِ آن با وزارت معارف خواهد بود.

ماده ششم ـ وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام مسیو گدار را طبق

ماده ۲ قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین وقرارداد مشارالیه را امضاء نماید.

این قانون که مشتمل بر شش ماده است درجلسه دوازدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه تمدید کنترات معلمین ریاضیات وفلزکاری مدرسه صنعتی دولتی

مصوب ۱۲ آذر ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده اول ـ وزارت معارف مجاز است کنترات آقای فردریکسن و تئودرهنل معلمین ریاضیات و فنون فلزکاری مدرسه صنعتی دولتی را ازاول تیرماه ۱۳۱۲ تاآخر خرداد ۱۳۱۵ برای معلمی مدرسه صنعتی دولتی تمدید نماید.

ماده دوم ـ حقوق مسیوفردریکسن معلم ریاضیات درسال مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال بعلاوه ۳ ـ ۳۳۳ پهلوی وحقوق مسیوتئودرهنل معلم فنون فلزکاری درسال ۱۰۸۰۰ ریال بعلاوه ۱۸۰ پهلوی خواهد بود که باقساط ماهیانه پرداخت خواهد شد.

ماده سوم ـ در موقع ختم قرارداد چنانچه کنترات معلمین فوق تجدید نشود مبلغ ۵۰ پهلوی بعنوان خرج سفر برای معاودت بآلمان بهر یك از آنها پرداخت خواهد شد.

ماده چهارم ـ هر یك از مشارالیهما که شخصاً کنترات خود را فسخ نماید حق اخذ مخارج سفر برای معاودت بآلمان را نخواهد داشت.

ماده پنجم ـ وزارت معارف اختیاردارد سایر شرایط استخدام معلمین مذکوره

را طبق مقررات ماده ۲ قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرارداد مشارالیهما را امضاء نماید .

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه دوازدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه تمدید کنترات آقای دکتر هانری اشترونك آلمانی مدیر هنرستان دولتی

مصوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ وزارت معارف مجاز است کنترات آقای دکتر هانری اشترونك مدیر وهنرآموز هنرستان دولتی را برای مدت سه سال دیگر از تاریخ اول‌فروردین ماه ۱۳۱۳ تجدید وتمدید نماید ونیز دروس شیمی دانشکده طب ودواسازی درهفته هشت ساعت بعهده مشارالیه واگذار خواهد بود .

ماده دوم ـ حقوق آقای دکتر هانری اشترونك بابت مدیری و هنرآموزی هنرستان دولتی درسال مبلغ چهل و هشت هزار ریال (۴۸۰۰۰ ریال) و بابت تدریس در دانشکده طب و دواسازی ششهزار ریال خواهد بود که باقساط ماهیانه بمشارالیه تأدیه خواهد شد .

ماده سوم ـ در انقضاء مدت قرارداد چنانچه کنترات آقای دکتر هانری اشترونك تجدید نشود مبلغ شصت پهلوی بعنوان مخارج معاودت بمشارالیه کارسازی خواهد شد .

ماده چهارم ـ وزارت معارف و آقای دکتر هانری اشترونك میتوانند بااخطار قبلی سه ماه درآخر سال تحصیلی هرسال کنترات را لغو نمایند درصورتیکه این عمل ازطرف وزارت معارف بشود مخارج معاودت پرداخت خواهد شد .

ماده پنجم ـ وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام آقای دکتر هانری اشترونك مدیر و هنرآموز هنرستان دولتی را مطابق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرارداد مشارالیه را امضاء نماید .

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است درجلسه سی و یکم تیر ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استخدام یکنفر متخصص نجاری از اتباع آلمان جهت هنرستان فارس

مصوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی باداره کل فلاحت و صناعت اجازه میدهد که یکنفر متخصص وهنرآموز نجاری از اتباع آلمان از اول فروردین ۱۳۱۳ برای مدت سه سال با حقوق سالیانه ۱۸۰۰۰ ریال جهت هنرستان دولتی فارس استخدام نموده وحقوق مشارالیه را ازمحل اعتباربودجه هنرستان بپردازد سایر شرایط استخدام مطابق مقررات قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ خواهد بود .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه سی و یکم تیرماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه تمدید کنترات آقای ویلهلم مایر هنرآموز آلمانی هنرستان دولتی

مصوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ وزارت معارف مجاز است کنترات آقای ویلهلم مایر هنرآموز آلمانی هنرستان دولتی را برای مدت سه سال دیگر از تاریخ ۱۶ شهریورماه ۱۳۱۳ تجدید و تمدید نماید.

ماده دوم ـ حقوق آقای ویلهلم‌مایر درسال شانزده هزارودویست ریال بعلاوه دویست وسی پهلوی خواهد بود که باقساط ماهیانه بمشارالیه تأدیه خواهد شد.

ماده سوم ـ در انقضاء مدت قراردادچنانچه کنترات آقای ویلهلم‌مایر تجدید نشود مبلغ پنجاه پهلوی بعنوان مخارج معاودت بمشارالیه کارسازی خواهد شد.

ماده چهارم ـ وزارت معارف یاهنرآموز مذکور میتوانند با اخطارقبلی سه ماه در آخر سال تحصیلی هر سال کنترات را لغو نمایند ـ در صورتیکه‌این عمل از طرف وزارت معارف بشود مخارج معاودت پرداخت خواهد شد.

ماده پنجم ـ وزارت معارف مجاز است سایرشرایط استخدام آقای ویلهلم مایر هنرآموز هنرستان دولتی را مطابق قانون استخدام اتباع خارجـه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین وقرارداد مشارالیه را امضاء نماید.

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است درجلسه سی‌ویکم تیرماه یکهزار و سیصد وسیزده‌شمسی بتصویب مجلس‌شورای ملی رسید.　　رئیس مجلس شورای‌ملی ـ دادگر

قانون اجازه تمدید کنترات سه نفر معلمین فرانسوی دانشسرای عالی

مصوب ۱۷ مردادماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ وزارت معارف مجاز است کنترات سه نفرآقایان آزماوریویروهی

بقیه معلمین فرانسوی دانشسرای عالی را برای مدت سه سال از تاریخ اول شهریور ماه ۱۳۱۳ تجدید و تمدید نماید .

ماده دوم ـ حقوق هر یك از استادان مزبور بقرار ماهی دوهزار و هفتصد و پنجاه ریال بعلاوه چهل و پنج پهلوی خواهد بود .

ماده سوم ـ در انقضاء مدت قرارداد چنانچه کنترات استادان مذکور تجدید نگردد بهریك مبلغ شصت پهلوی بعنوان مخارج معاودت پرداخت خواهد شد .

ماده چهارم ـ وزارت معارف یا هریك ازاستادان مذکورمیتوانند با اخطار قبلی سه ماه در آخر سال تحصیلی هر سال کنترات را لغو نمایند در صورتیکه این عمل ازطرف وزارت معارف بشود مخارج معاودت پرداخت خواهد شد .

ماده پنجم ـ وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام استادان مذکور را مطابق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرار داد مشارالیهم را امضاء نماید .

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است درجلسه هفدهم مردادماه یکهزاروسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استخدام دونفر معلم از فرانسه یا آلمان

مصوب ۱۷ مردادماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده اول ـ وزارت معارف مجاز است دو نفر معلم برای ریاست لابراتوار و تعلیم طبیعیات و گیاه شناسی وحیوان شناسی ازمملکت فرانسه یا آلمان برای مدت سه سال استخدام نماید .

ماده دوم ـ حقوق رئیس لابراتوار ومعلم طبیعیات سالیانه تا بیست ویکهزار ریال و سیصد و پنجاه پهلوی خواهد بود و حقوق معلم بوتانیك و ژئولوژی سالیانه تا پنجاه و چهار هزار ریال و پانصد و چهل پهلوی خواهد بود .

ماده سوم ـ برای خرج آمدن هر یك از این دو نفر شصت پهلوی و برای مخارج مراجعت هریك ازآنها شصت پهلوی پرداخته میشود .

ماده چهارم ـ وزارت معارف یا هریك ازمعلمین مذکور میتوانند با اخطار قبلی سه ماه درآخر سال تحصیلی هرسال کنترات را لغو نمایند درصورتیکه اینعمل ازطرف وزارت معارف بشود مخارج معاودت پرداخت خواهد شد .

ماده پنجم ـ وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام معلمین مذکور را مطابق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرارداد مشارالیهمارا امضاء نماید .

ماده ششم ـ وزارت معارف میتواند درصورت لزوم ازمحل اعتبار حقوق معلمین اروپائی معلم ایرانی استخدام نماید .

این قانون که مشتمل بر شش‌ماده است در جلسه هفدهم امرداد ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس‌شورای ملی ـ دادگر

قانون اجازه استخدام دکتر هاز و دکتر ادوارد بلر و اصلاح حقوق دکتر هانری اشترونك

مصوب ۸ آذرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ الف ـ وزارت معارف واوقاف مجاز است آقای دکتر هاز تبعه

دولت آلمان را از تاریـخ ورود بطهران بمدت سه سال برای تدریس علـوم تربیتی ولدی الاقتضاء اشتغال بامور فنی واداری در دانشسرای عالی ودانشکده ادبیات و آقای دکتر ادوارد بلر تبعه ممالك متحده امریکای شمالی مقیم طهران را از تاریخ دهم آبان ۱۳۱۳ بمدت دوسال و ده ماه برای تدریس تشریح عملی استخدام نماید .

ب ـ حقوق سالیانه آقای دکترهاز تا پنجاه و چهار هزار ریال بعلاوه پانصد و چهل پهلوی و حقوق سالیانه آقای دکتر ادوارد بلر سی هزار ریال خواهد بود کـه باقساط ماهیانه بمشارالیهما تأدیه خواهدگردید .

ج ـ برای مسافرت آقای دکترهاز ازپاریس بطهران مبلغ شصت پهلوی خرج سفر داده میشود و درموقع انقضاء این قرارداد درصورت عدم تجدید آن معادل مبلغ مذکور برای مراجعت ایشان بپاریس داده خواهد شد .

د ـ وزارت معارف وآقای دکترهاز وآقای دکتر ادوارد بلر در آخر هرسال تحصیلی با اخطار قبلی سه ماه میتوانند کنترات را لغو نمایند و درصورتیکه وزارت معارف این عمل را بنماید نسبت بآقای دکتر هاز خرج معاودت مندرج درفقره (ج) پرداخت خواهد شد .

هـ ـ آقای دکتر هاز و آقای دکتر ادوارد بلر سالی یکماه در موقـع تعطیل تابستان حق مرخصی با استفاده ازحقوق خواهند داشت لیکن ترتیب اعطای آن بـا وزارت معارف بوده و میتوانند پس از چند سال یکمرتبه از جمع مرخصیهای قانونی خود فقط درموقع تعطیل تابستان استفاده نمایند .

و ـ وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام آقای دکترهاز و آقای دکتر ادواردبلر را طبق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرارداد را امضاء نماید .

ز ـ حقوق سالیانه آقای دکتر هانری اشترونك بابت مدیری و هنرآموزی هنرستان دولتی و هشت ساعت تدریس دروس شیمی دانشکده طب ودواسازی سالیانه مبلغ سی هزار ریال بعلاوه چهار صد پهلوی خواهد بود که باقساط ماهیانه از اول فروردین ۱۳۱۳ بمشارالیه پرداخته میشود.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه هشتم آذرماه یکهزار وسیصدو سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه استخدام آنطن گریش مهندس چك اسلوا کی برای تدریس علوم جنگلبانی

مصوب ۱۷ مرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ اداره کل صناعت و فلاحت مجاز است آقای آنطن گریش مهندس تبعه چك اسلواك را بعنوان استاد برای تعلیم و تدریس علوم مربوطه بجنگلبانی و فلاحت برای مدت سه سال از اول مرداد ماه ۱۳۱۳ استخدام و معادل شانزده پهلوی حقوق ماهیانه او را ازمحل اعتباراتی که در بودجه اداره کل فلاحت و صناعت برای پرداخت حقوق متخصصین خارجی منظورشده بپردازد (☆).

تبصره ـ سایرشرایط استخدامی متخصص مزبور مطابق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ راجع باتباع خارجه تنظیم خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه هفدهم امرداد ماه یکهزار و

(☆) مقررات قسمت اخیر قانون ۱۹ فروردین ۱۳۱٤ بموجب قانون مزبور شامل این قانون نیز میباشد.

سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - داد گر

قانون

اجازه استخدام چهار نفر متخصص برای تدریس در دانشکده های بیطاری و فلاحتی

مصوب ۱۹ فروردین ماه ۱۳۱٤ شمسی

ماده واحده - اداره کل فلاحت مجاز است سه نفر متخصص بیطاری و یك نفر معلم فلاحت از اتباع ممالك فرانسه - آلمان - اطریش - ایطالیا - بلژیك بتشخیص هیئت وزراء برای مدت سه سال استخدام نماید .

میزان حقوق سالیانه وخرج سفر درداخله متخصصین مزبور ازسه هزاروپانصد پهلوی طلا وخرج ایاب و ذهاب ازششصد پهلوی طلا نبایستی تجاوز نماید .

سایر شرایط استخدامی مستخدمین مزبوره ازحیث مرخصی با استفاده حقوق و تأدیه فوق‌العاده اعاشه و خرج مسافرت در داخله و تعهد و پرداخت حقوق آنها به پولهای مختلف و تهیه منزل برای هر یك از متخصصین علاوه بر حقوق و خرج سفر مذکور در فوق در حدود اعتبار منظوره برطبق پیشنهاد اداره کل فلاحت و تصویب هیئت وزراء خواهد بود .

تبصره - اختیاراتی که درقسمت اخیر ماده واحده فوق تصریح شده و همچنین نوع پول راجع بحقوق وخرج سفر شامل قانون مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۱۳ نیز ازتاریخ تصویب قانون مزبور خواهد بود .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه نوزدهم فروردین ماه یکهزار

و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه استخدام شش نفر متخصصین خارجي براى امور فلاحتي وقسمت معادن

مصوب ۱۱ خرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی باداره کل صناعت و فلاحت اجازه میدهد که شش نفر متخصص خارجی را بشرح ذیل برای مدت سه سال استخدام نموده :

۱ـ یکنفر متخصص فلاحت گیاه‌شناسی تبعه دولت جمهوری اطریش جهة مدرسه عالی فلاحت کرج از تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۱۲ لغایت سه سال با حقوق ماهیانه سیصد دلار که نصف وجه مزبور به دلار امریکائی ونصف دیگر به نرخ روز بریال تسعیر وپرداخت میشود وبرای حرکت بایران بعنوان مخارج سفر دویست دلار و پس از خاتمه خدمت ومراجعت بوطن خود دویست دلار .

۲ ـ یکنفر متخصص معدن تبعه دولت آلمان برای قسمت معادن از تاریخ ۷ فروردین ۱۳۱۲ لغایت سه سال با حقوق ماهیانه هفتصد و پنجاه دلار که نصف وجه مزبور به‌دلار ونصف دیگر به نرخ روز بریال تسعیروتأدیه شود وبرای حرکت بایران دویست و پنجاه دلار و پس از خاتمه خدمت و مراجعت بوطن خود بابت خرج سفر دویست و پنجاه دلار .

۳ـ یکنفر شیمیست و متخصص فلزات تبعه دولت آلمان برای دارالتجزیه قسمت معادن از تاریخ ۷ فروردین‌ماه ۱۳۱۲ لغایت سه‌سال با حقوق ماهیانه چهارصدوپنجاه

دلار که نصف وجـه مزبور به دلار امریکائی و نصف دیگر بنرخ روز بریال تسعیر و تأدیه میشود و برای حرکت بایران معادل دویست دلار و پس از خاتمه خدمت برای مراجعت بوطن خود بابت خرج سفر دویست دلار .

۴ـ یکنفر مهندس جنگل تبعه دولت جمهوری اطریش بسمت متخصص جنگل از تاریخ ۷ فروردین ماه ۱۳۱۲ برای مدت سه سال با حقوق ماهیانه دویست دلارکه نصف وجه مزبور به دلار و نصف دیگر به نرخ روز بریال تسعیر میشود و برای مخارج سفر به طهران مبلغ دویست دلار و پس از خاتمـه خدمت برای مخارج معاودت دویست دلار .

۵ـ دو نفر متخصص جنگلبانی تبعه دولت جمهوری اطریش از تاریخ ۷فروردین ماه ۱۳۱۲ لغایت سه سال با حقوق ماهیانه هر یك هفتاد و پنج دلار کـه نصف وجه مزبور به دلار و نصف دیگر بهٔ نرخ روز به ریال تسعیر میشود و برای مخارج هر یك بطهران مبلـغ یکصد دولار و پس از خاتمـه خدمت برای مخارج مراجعت هر یك یکصد دلار .

وحقوق ومخارج مشارالیهم را ازمحل اعتباریکه در بودجه سال ۱۳۱۲ اداره کل فلاحت وصناعت پیش بینی ومنظور شده است بپردازد .

تبصره ـ سایر شرایط استخـدام متخصصین مزبور بر طبق قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ ازطرف هیئت دولت در کنترات آنها درج خواهد گردید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه یازدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استخدام اپ موچون تبعه دولت چین برای چای‌سازی

مصوب ۱۱ خرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ باداره کل صناعت وفلاحت اجازه داده میشود که (اپ‌موچون) تبعه دولت چین را برای مدت یکسال وشش ماه از تاریخ اول فروردین ۱۳۱۲ لغایت شهریورماه ۱۳۱۳ استخدام نموده و اجرت مشارالیه را از قرار ماهیانه ۷۵۰ ریال در بودجه ۱۳۱۲ منظور وتأدیه نماید وهمچنین اجازه داده میشود در صورتیکه کنترات (اپ موچون) پس ازانقضاءِ مدت یکسال ونیم تجدید نشود ۲۵۰۰ ریال برای‌معاودت بچین بمشارالیه تأدیه نماید.

سایر شرایط استخدام اپ موچون طبق قانون مصوبه ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ راجع باتباع خارجه بوده و اداره کل صناعت و فلاحت اجازه دارد کنترات او را امضاء و مبادله نماید.

این‌قانون‌که مشتمل بریك‌ماده است درجلسه یازدهم‌خردادماه یکهزاروسیصدو دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه تمدید کنترات دو نفر متخصص چای ساز چینی

مصوب ۱۹ آذر ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ مجلس‌شورای ملی باداره کل‌صناعت وفلاحت اجازه میدهد که کنترات دونفر متخصص چای‌ساز چینی را ازاول فروردین ۱۳۱۲ بمدت یکسال‌برای

مؤسسات چایکاری لاهیجان بشرح ذیل تمدید نماید :

اولا ـ تنگ هایچو تبعه دولت چین برای امتحان کردن محصول چایهائی که بدست میآید ومترجمی باحقوق ماهیانه ۱۱۰۰ ریال بعلاوه پس ازخاتمه مدت خدمت مشارالیه برای مراجعت بوطن خود بعنوان مخارج سفر ۲۵۰۰ ریال .

ثانیاً ـ سی‌فونچی تبعه دولت‌چین برای عمل آوردن وتهیه چای از قبیل‌مالش و بودادن بر گهای‌چای باحقوق ماهیانه ۹۰۰ ریال همچنین پس از خاتمه مدت‌خدمت برای‌معاودت‌بوطن خود برای‌مخارج‌سفر ۲۵۰۰ ریال‌حقوق مشارالیهما ازمحل‌اعتباراتی که دربودجه هذه‌السنه ۱۳۱۲ اداره کل‌صناعت وفلاحت منظور وبتصویب رسیده‌است پرداخت خواهد گردید .

تبصره ـ درصورتیکه لازم شود متخصصین مزبور برای پیشرفت کار چایکاری درساعات غیر اداری لااقل دوساعت اضافه بر ساعات کار اداری مشغول کار بشوند اداره کل صناعت و فلاحت اجازه داد به تنگ هایچو روزی ده‌ریال وبه سی‌فونچی روزی پنج ریـال از محل اعتبارات مربوطه بمؤسسات لاهیجان بعنوان فوق‌العاده اضافه کار پرداخت نماید .

سایر شرایط استخدام متخصصین چینی بر طبق قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ راجع باتباع خارجه بوده وباداره کل‌صناعت وفلاحت اجازه داده میشود کنترات آنها را صادر ومبادله کند .

این قانون کـه مشتمل بر یك ماده است در جلسه نوزدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه تجدید قرارداد استخدام چهار نفر متخصصین چای ساز اتباع چین

مصوب ۲۰ آذرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی باداره کل صناعت وفلاحت اجازه میدهد قرارداد استخدام چهار نفر متخصصین چای ساز اتباع چین را از تاریخ انقضاءِ مدت قرارداد سابق برای مدت سه سال دیگر تجدید نمایند حقوق ماهیانه متخصصین مزبور جمعاً ازمبلغ چهارهزار ریال (۴۰۰۰) وحداکثر مخارج مراجعت هریك ازمبلغ ۲۵۰۰ ریال نباید تجاوز کند .

تبصره ۱ ـ در صورتی که متخصصین فوق‌الذکر بر حسب لزوم برای پیشرفت امور مربوطه بچایکاری وچای سازی در بعضی روزها لااقل دوساعت اضافه برساعات کار اداری بانجام‌خدمت مشغول باشنداداره کل‌صناعت و فلاحت مجاز است بهریك تامیزان روزی ده ریال از محل اعتبارات مربوطه بمؤسسات چایکاری بعنوان فوق‌العاده اضافه کار بپردازد .

تبصره ۲ ـ اداره صناعت و فلاحت سایر مواد قرارداد اشخاص‌فوق‌را با رعایت قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهد نمود .

این قانون که مشتمل‌بریك ماده است درجلسه بیستم‌آذرماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید . رئیس‌مجلس‌شورای‌ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استخدام سه نفر مهندس از اتباع آلمان برای کارخانه گودرن سازی

مصوب ۱۱ خرداد ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ باداره کل‌صناعت و فلاحت اجازه داده‌میشود سه نفرمهندس‌از

اتباع دولت آلمان برای مدت سه سال هریك باحقوق ماهیانه ۲۷۵ دلار ازمحل اعتبار بهره برداری کارخانه گودرن سازی استخدام نماید.

مخارج ایاب و ذهاب مستخدمین مزبوره جمعاً از دو هزار دو لار تجاوز نخواهد کرد.

سایر شرایط استخدام متخصصین مذکور طبق قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ راجع باتباع خارجه بوده واداره کل صناعت وفلاحت اجازه دارد کنترات آنهارا امضاء ومبادله نماید.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه یازدهم خردادماه یکهزاروسیصدو دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه تجدید قرارداد استخدام مسیو کونمان مهندس نقشه کش تبعه آلمان

مصوب ۲ تیرماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ اداره کل صناعت و فلاحت مجاز است قرارداد استخدام مسیو کونمان مهندس نقشه کش تبعه آلمان را ازتاریخ ۶ اسفند ماه ۱۳۱۲ برای مدت سه سال باشرایط مقرره درقانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تحدید نماید حقوق ماهیانه نقشه کش مزبور ازدوهزار ریال ویکصد دولار طلا و خرج مراجعت مشارالیه بمملکت خود از دویست دلار طلا نباید تجاوز کند.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سوم تیرماه یکهزاروسیصد وسیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون اجازه استخدام یکنفر متخصص بیطار از اتباع فرانسه

مصوب ۱۷ امرداد ماه ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده ـ اداره کل فلاحت وصناعت مجاز است یکنفر متخصص بیطار از اتباع فرانسه برای مدت سه سال از تاریخ ورود بطهران استخدام نماید ـ میزان حقوق سالیانه متخصص مزبور از هشتصد و پنجاه پهلوی وخرج ایاب وذهاب او از یکصد و شصت پهلوی نباید تجاوز کند .

سایر شرایط استخدام متخصص مزبور بر طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ خواهد بود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه هفدهم امردادماه یکهزاروسیصدو سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تجدید کنترات ربرت مرتس و ویلهلم بوخنر مستخدمین فنی ضرابخانه

مصوب ۲۳ مهر ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده واحده ـ الف ـ وزارت مالیه مجاز است مدت خدمت آقای ربرت مرتس را از تاریخ هشتم مهرماه ۱۳۱۲ وآقای ویلهلم بوخنر را ازتاریخ ۲۵ آبانماه ۱۳۱۲ برای مدت دوسال بسمت استادکار فنی ضرابخانه تمدید نماید .

ب ـ مقرری آقایان ربرت مرتس وویلهلم بوخنر هریك سالی دوهزار وششصد و چهل دولار طلا خواهد بودکه باقساط دوازده گانه در آخر هرماه شمسی ایرانی نصف به اسعار خارجی و نصف مطابق نرخ روز بریال تأدیه خواهدشد .

ج ـ درانقضای مدت دو سال مذکور در قسمت (الف) در صورتیکه بموجب قانـون جدیدی ادامه خدمت آنهـا تصویب نشود و مشارالیهما بطور قطع از ایران خارج شوند مبلغ دویست و پنجاه دولار طلا بهر یك بعنوان خـرج مراجعت بآلمان تأدیه خواهدشد وچنانچه آقایان مزبور مأموریت پیدا کنندکه درداخله مملکت ایران مسافرت نمایند خرج سفر آنهامطابق نظامنامه‌های مربوطه بمخارج مسافرت پرداخت خواهد شد .

د ـ آقایان ربرت مرتس و ویلهلم بوخنر هریك سالی یکماه حق مرخصی با استفاده حقوق خواهند داشت ونیز مدت سه ماه آقای بوخنر ودوماه وبیست روز آقای مرتس که بابت مرخصی های سه‌ساله گذشته ذیحق هستند میتوانند درضمن مدت مذکوره درقسمت (الف) استفاده نمایند .

هـ ـ درصورتیکه دولت ایران کنترات آنهارا قبل از انقضای مدت فسخ نماید علاوه برخرج سفر معاودت مذکوره درقسمت (ج)معادل سه‌ماه حقوق بآنها میپردازد ولی هرگاه الغاءِ کنترات درنتیجه دخالت آنها در امور سیاسی ویا عدم رعایت قوانین مملکت و نظامـات اداری باشد خرج سفر معاودت و حقوق سه ماهـه مزبور داده نخواهد شد .

و ـ چنانچه آقایان ربرت مرتس و ویلهلم بوخنر درضمن مدت استخدام‌خود مریض شوند و مطابق تصدیق طبیبی که وزارت مالیه تعیین خواهد نمود قـادر بادامه خدمت نباشند دولت میتواند رأساً یا بتقاضای خود آنها بخدمتشان خاتمه دهد ـ در اینصورت حقوق تاروز الغاءِ قرارداد بانضمام مخارج معاودت مذکوره در قسمت (ج) به آنها داده میشود .

ز ـ سایر شرایط کنترات مستخدمین مزبور مطـابق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱

بوده و وزارت مالیه مأمور اجرای اینقانون میباشد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست وسوم مهر ماه یکهزارو سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه تمدید کنترات چهار نفر مستخدمین بلژیکی وزارت مالیه

مصوب ۷ امرداد ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد قرارداد استخدام آقایان شارل کلاویه ورنه هانری ماری لفبور و داریوس دریس را برای مدت دو سال دیگر از تاریخ های معینه ذیل با حقوقی که در مقابل هر یك معین شده است تجدید نماید :

آقای شارل کلاویه از تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۳۱۳ با سالی ۲۷۰۰ پهلوی طلا
آقای هانری ماری لفبور » ۲۲ « « « « ۱۳۵۰ « «
آقای داریوس دریس » ۲۰ « « « « ۱۰۴۰ « «

نصف حقوق مستخدمین مذکور به اسعار خارجی و نصف دیگر آن بریال بنرخ روز پرداخت آن تأدیه خواهد شد کرایه خانه وسایر شرایط قرارداد استخدام آنها بر طبق قانون استخدام چهار نفر بلژیکی مصوب ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ و قانون ۲۳ خرداد ۱۳۱۰ خواهد بود .

نیز بوزارت مالیه اجازه داده میشود قرارداد استخدام آقای رائول ولکرد را با سی و چهار هزار و پانصد ریال و پانصد و هفتاد و پنج پهلوی طلا حقوق سالیانه برای مدت دوسال دیگر از تاریخ چهارم شهریور ۱۳۱۳ تجدید نماید وسایر شرایط قرارداد استخدام

مشارالیه برطبق قانون ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ خواهد بود .

وزارت‌مالیه مجاز است تمام‌حقوق مستخدمین مذکور درفوق را از قسمت‌اسعاری اعتبار حقوق ومخارج مستخدمین خارجی مالیه و گمرك تأدیه نماید .

تبصره ـ وزارت مالیه میتواند بمستخدمین مذکور اجازه دهد ازمرخصی‌هائی که بموجب قرارداد سابق‌ذیحق شده واستفاده نکرده‌اند درظرف مدت قراردادی که بموجب این قانون منعقد خواهد شد استفاده نمایند .

این قانون که‌مشتمل بریك ماده‌است درجلسه هفتم مردادماه یکهزاروسیصدو سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تجدید کنترات آقای دکتر گراندل تبعه دولت فرانسه برای مدت سه سال

مصوب ۱۰ اسفند ماه ۱۳۱۲

ماده اول ـ مجلس شورای‌ملی بوزارت داخله اجازه میدهد که کنترات آقای دکتر گراندل تبعه دولت فرانسه متخصص درکارهای میکروب شناسی رابرای‌ریاست قسمت فنی‌واداری مؤسسه پاستور ایران وتربیت مستخدمین فنی برای‌مؤسسه‌مزبور ومعلمی مدرسه طب باسالی هفتادودو هزار ریال که نصف آن بریال ودر عوض نصف دیگرمعادل ششصدپهلوی اسعار خارجی‌پرداخته شودازتاریخ بیست‌وششم فروردین‌ماه ۱۳۱۲ برای مدت‌سه سال تجدید نماید متخصص‌مزبور تحت تعلیمات رئیس‌صحیه‌کل مملکتی انجام خدمات مرجوعه را خواهد نمود .

ماده دوم ـ برای مخارج مراجعت‌متخصص مزبور تا میزان پنجهزار ریال به دولت اعتبار داده میشود .

مادهسوم ـ سایر شرایط کنترات مشارالیه تـابع مقررات قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ خواهد بود .

این قانون که مشتمل برسه ماده است در جلسه دهم اسفند ماه یکهزارو سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون اجازه استخدام اتوبل تبعه آلمان جهت مدیریت فنی مطبعه مجلس

مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۳

ماده اول ـ مباشرت مجلس شورای ملی مجاز است آقای اتوبل تبعه آلمان را از ۱۱ اسفند ماه ۱۳۱۳ که برابر دوم مارس ۱۹۳۵ است بمدت سه سال شمسی برای مدیریت فنی مطبعه مجلس استخدام نماید .

مادهدوم ـ حقوق سه ساله مشارالیه ۱۸۰۰ پهلوی خواهد بود کـه در آخر هرماه شمسی پنجاه پهلوی تأدیه شود .

مادهسوم ـ برای آمدن او بطهران ششصد مارك وبعد از انقضاء مدت استخدام او مبلغ ششصد مارك مخارج باز گشت مشارالیه منظور خواهد شد .

مادهچهارم ـ در صورتیکه آقـای اتوبل بابقای این کنترات قبل از انقضاء مدت خدمت وفات یابد حقوق ماهی را که فوت نموده بعلاوه معادل یکماه حقوق که پنجاه پهلویست بورثه او پرداخته خواهد شد .

ماده پنجم ـ مباشرت مجلس مجازاست برطبق مادهدوم قانون کنترات مستخدمین خارجه مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ سایر شرایط را تعیین و کنترات را امضاء نماید .

این قانون که مشتمل بر پنج مـاده است در جلسه بیست و هشتم اسفند ماه یکهزار وسیصد وسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

فهرست

قسمت پنجم - مصوبات مالی

از صفحه ۳۸۹ تا صفحه ۵۷۰

قسمت پنجم
مصوبات مالی

الف ـ بودجه‌ها :

قانون

اصلاح بودجه سال ۱۳۱۱ احصائیه و سجل احوال

مصوب ۲۵ تیر ماه ۱۳۱۲

ماده‌واحده ـ وزارت مالیه مجاز است مبلغ شصت هزار ریال از محل اعتبار ماده ۹ بودجه ۱۳۱۱ احصائیه وسجل احوال برای کسر اعتبارات مواد ۱۱ـ۱۴ـ۱۷ـ ۲۱ همان بودجه بشرح ذیل تخصیص :

اضافه میشود باعتبار ماده ۱۱	۲۰۰۰ ریال
اضافه میشود باعتبار ماده ۱۴	۶۰۰۰ ریال
اضافه میشود باعتبار ماده ۱۷	۵۰۰۰۰ ریال
اضافه میشود باعتبار ماده ۲۱	۲۰۰۰ ریال

وبا رعایت قانون ۲۶ آبان ماه ۱۳۱۱ بمصرف برساند .

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه بیست و پنجم تیر ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه پرداخت تعهدات سال ۱۳۱۱ اداره کل تجارت

مصوب ۲۹ آبان ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است تعهدات علاوه بر بودجه سال ۱۳۱۱ اداره کل تجارت را که اعتبار آن ضمن ماده ۲ فقره ۲ بودجه ۱۳۱۲ اداره مزبور یادار شده است بشرح ذیل پرداخت نماید:

۱ ـ بقیه فوق العاده ومخارج مسافرت مأمورین اداره کل تجارت اعزامی بولایات در سال ۱۳۱۱	۳۰۰۰۰ ریال
۲ ـ حق الشرا که دولت در مؤسسه بین المللی تجارتی در بروکسل در ۱۹۳۲	٤۲۷۱ ریال
۳ ـ کمك دولت باطاق تجارت ایران وفرانسه درپاریس در ۱۹۳۲	۱۰۰۰۰ ریال
٤ ـ بابت قیمت مخابرات تلگرافی بخارجه	۷۰۰ ریال
٥ ـ بابت تعمیر اتومبیل اداره کل تجارت	۳۰۰۰ ریال
٦ ـ مخارج انتخابات اطاق تجارت ساوجبلاغ	۲۰۰ ریال
۷ ـ برای تأدیه قیمت کتب ومجلاتیکه از خارجه برای اداره کل تجارت ارسال شده	۲۰۰۰ ریال
جمع	٥۰۱۷۱ ریال

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه بیست ونهم آبان ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون بودجه سال ۱۳۱۲ مملکتی

مصوب ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بودجه سال ۱۳۱۲ مملکتی را (باستثنای عایداتی که ازمنابع نفتی ایران یاآنچه مربوط بآن‌است ازمعوّقه وجاری‌وصول وپس از وضع چهار میلیون و پانصد هزار | ۴۵۰۰۰۰۰ | ریال که در قسمت عایدات بودجه ۱۳۱۲ مملکتی منظور شده بقیه آن بحساب‌ذخیره مملکتی‌منظور خواهدشد) مطابق صورت ضمیمه که ازحیث عایدات بمبلغ پانصد وشش میلیون و نهصدو دوازده هزار و دویست و بیست و هفت (۵۰۶۹۱۲۲۲۷) ریال و ازحیث مخارج بمبلغ پانصد وشش میلیون ونهصد وچهار هزاروچهارصد وشصت (۵۰۶۹۰۴۴۶۰) ریال بالغ میباشد تصویب وبوزارت مالیه اجازه می‌دهد که مخارج ثابت ماهیانه مملکتی‌را اعم ازحقوق ومصارف درسال ۱۳۱۲ درحدود اعتبارات مصوب درصورت ضمیمه ومطابق‌بودجه های تفصیلی ۱۳۱۱ تاحدی که اعتبارات مصوبه در بودجه مزبور ضمن بودجه های ۱۳۱۲ نیز منظور شده باشد بپردازد تاوقتی که بودجه های تفصیلی ۱۳۱۲ (که باید تاآخر اردی بهشت‌سال مذکور بمجلس تقدیم گردد) بکمیسیون بودجه مجلس ارجاع شود و مادامی که بودجه های تفصیلی از تصویب کمیسیون بودجه نگذشته مخارج مزبوره را مطابق بودجه های پیشنهادی و پس‌از تصویب کمیسیون برطبق آنچه تصویب شده بپردازد ـ پرداخت مخارج مزبوره ازاول خرداد سال ۱۳۱۲ موکول بتقدیم بودجه‌های تفصیلی بمجلس شورای ملی خواهد بود پرداخت وجهی بابت اعتبارات مخارج ثابت سالیانه ومخارج غیرثابته منظوره در بودجه وزارتخانه ها وادارات مطلقاً موکول بتصویب بودجه ها از طرف کمیسیون بودجه خواهد بود .

اینقانون که مشتمل بریکماده وصورت ضمیمه‌است درجلسه‌دوم اردیبهشت‌ماه‌یکهزار وسیصد ودوازده بتصویب مجلس شورای‌ملی‌رسید . رئیس‌مجلس‌شورای ملی ـ دادگر

صورت ضمیمه قانون بودجه سال ۱۳۱۲ مملکتی

باب اول ـ عایدات

فقره	قسمت	جزء	شـــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
	۱		مالیات مستقیم		
۱		۱	الف ـ مالیات املاك مزروعی	۳۵۰۰۰۰۰۰	
			ب ـ بقایای مالیات فوق	۳۵۰۰۰۰۰	
			ج ـ بازخرید منال خالصجات انتقالی	۳۰۰۰۰۰	
۲		۲	مالیات بر شرکتها و تجارت وغیره	۳۰۰۰۰۰۰۰	
۳		۳	عواید قانونی متفرقه مستقیم	۱۰۰۰۰۰۰	
	۲		مالیات غیرمستقیم		
٤		۱	ذبایح	٦۰۰۰۰۰۰	
٥		۲	رسومات	۱۱۰۰۰۰۰۰	
٦		۳	مالیات حق الثبت وعوارض وسایط نقلیه از مستقیم و غیرمستقیم	۸٥۰۰۰۰۰	
۷		٤	متفرقه غیرمستقیم مطابق صورتیکه بکمیسیون بودجه داده شده	۳٥۰۰۰۰	
	۳		گمرکات		
۸		۱	حقوق واردات وصادرات گمرکی	۱٤۲۰۰۰۰۰۰	

نمره	قسمت	ماده	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
	٤		عواید انحصاری		
۹		۱	عواید تجارتی قند و شکر	۷۰۰۰۰۰۰۰	
۱۰		۲	« « کبریت	۲۵۰۰۰۰۰	
۱۱		۳	انحصار تریاك	٤۲۰۰۰۰۰۰	
۱۲		٤	« دخانیات	٥۰۰۰۰۰۰۰	
	٥		عواید امتیازات		
۱۳		۱	حق‌الامتیاز تلفن	۱٥۰۰۰۰	
۱٤		۲	« « خاك سرخ	٥۰۰۰۰۰	
۱٥		۳	« «وعایدات‌دولت‌ازکمپانی‌شیلات	۹۰۰۰۰۰۰	
۱٦		٤	منافع سهام دولتی از نفت جنوب	۱٥۰۰۰۰۰	
۱۷		٥	انتقال ازوجوه موجودی یاوصولی از منابع نفت جنوب	۳۰۰۰۰۰۰۰	جمعاً وخرجاً پیش بینی ومنظور گردیده است
۱۸		٦	عواید متفرقه امتیازات	٥۰۰۰۰۰	
	٦		سهام و منافع دولتی		
۱۹		۱	منافع سهام دولتی از بانك ملی	٤۸۰۰۰۰	جمعاً وخرجاً پیش بینی ومنظور گردیده است
۲۰		۲	« « « از بانك فلاحتی	۱۰۰۰۰	

نمره	قسمت	جزء	شـــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
۲۱		۳	منافع وجوه دولتی در بانکها	٦۰۰۰۰۰	
۲۲		٤	« مسکوك نیکل	٥۰۰۰۰	
۲۳		٥	عایدات قند کرج	۳۰۰۰۰۰۰	
	۷		خالصجات و معادن و غیره		
۲٤		۱	خالصجات	۱۹٥۰۰۰۰۰	
۲٥		۲	معادن	۲۰۰۰۰۰۰	
۲٦		۳	جنگلها	۱۱۰۰۰۰۰	
۲۷		٤	شیلات داخلی	۳۰۰۰۰۰	
۲۸		٥	بقایای متفرقه معادن ـ جنگلها ـ شیلات داخلی ـ مالیات برشرکتها و غیره	۱۰۰۰۰۰	
	۸		عواید انتقالی از وجوه مخصوصه		
۲۹		۱	صدی سه مخارج وصول مالیات راه وانحصار قند وچای	٤۲۰۰۰۰۰	
۳۰		۲	سهم معارف از مالیات راه	۲٦۰٦٦۰۷	
۳۱		۳	« صحیه از مالیات راه	۷۲٤۱۳۰	
۳۲		٤	« « از عایدات بندری	۳٥۰۰۰۰	

فصل	قسمت	جزء	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
۳۳		۵	عایدات پوست بره	۱۲۵۰۰۰۰	
۳۴		۶	بقیه سهم تا آخر ۱۳۱۰ معارفی و خیریه از محل مالیات راه	۸۸٤٦۷۰	جمعا وخرجا منظور است
۳۵		۷	بقیه سهم تا آخر ۱۳۱۰ صحیه از محل مالیات راه	۱۳۹٤۱۹	
۳۶		۸	صدی دو عایدات خالص کارخانه کبریت سازی آذربایجان تا آخر سال ۱۳۱۲ که بموجب ماده (۵) قانون ایجاد امتیاز کارخانه مذکور از صاحبان امتیاز وصول شده ومیشود	۱۱۷۹۱۸	جمعاً وخرجا منظور است
	۹		مطالبات دولت		
۳۷		۱	کارخانه پارچه بافی اصفهان	۳۷۸۵۳۳	
۳۸		۲	« نخریسی مرحوم صنیع الدوله	۳۰۰۰۰	
۳۹		۳	مطالبات متفرقه دولت	۳۰۰۰۰۰	
	۱۰		مجلس شورای ملی		
٤۰		۱	عواید مطبعه وباغ بهارستان	٦۰۰۰۰۰	

نمره	قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
	۱۱		**وزارت عدلیه**		
٤۱		۱	عواید محاکم	۳٦۰۰۰۰۰	
٤۲		۲	عواید مأمورین صلح و نمایندگی پارکه ها	۱۰۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً پیش بینی و منظور گردیده
٤۳		۳	عواید ثبت اسناد واملاك	۱۱٥۰۰۰۰۰	
٤٤		٤	عواید صدی ۲٥ ثبت اسناد و املاك بموجب ماده ۱۳٥ قانون ثبت اسناد واملاك مصوبه ۲٦ اسفندماه ۱۳۱۰	۱٦٥۰۰۰۰	» »
٤٥		٥	عواید حق نسبی ازحق الاجراء ثبت اسناد بموجب ماده ۱۳۱ قانون ثبت اسناد واملاك مصوبه ۲٦ اسفندماه ۱۳۱۰	۱۰۰۰۰۰	» »
٤٦		٦	عواید اجرای قانون تحریر ترکه که تقدیم آن درنظر است	۳۰۰۰۰	» »
٤۷		۷	عواید متفرقه	۱۰۰۰	
	۱۲		**وزارت مالیه**		
٤۸		۱	عواید شانسلری گمرك	۱۸۰۰۰۰۰	

نمره	قسمت	جزء	شـــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
٤٩		۲	عواید سرب ومهر گمرك	۱۰۰۰۰۰۰	
٥٠		۳	« انبارداری گمرك	٤۰۰۰۰۰۰	
٥١		٤	« متفرقه گمرك	۲۰۰۰۰۰۰	
٥۲		٥	« بسته چای	۳۰۰۰۰۰	
٥۳		٦	« متفرقه وزارت مالیه	۱۰۰۰۰	
	۱۳		**وزارت داخله**		
٥٤		۱	عواید نظمیه	۸۰۰۰	
٥٥		۲	« تذکره اقامت اتباع خارجه	٦۰۰۰۰	
٥٦		۳	« صحیه	۳۰۰۰۰	
٥۷		٤	« سجل احوال	٤۰۰۰۰	
٥۸		٥	« متفرقه وزارت داخله	٥۰۰	
	۱٤		**وزارت امور خارجه**		
٥۹		۱	عواید شانسلری	۸۰۰۰	
٦۰		۲	« متفرقه	۱۰۰۰	
	۱٥		**وزارت پست و تلگراف**		
٦۱		۱	عواید پست	٦۳۰۰۰۰۰	
٦۲		۲	« تلگراف و تلگراف بی سیم	۱۱٤۰۰۰۰۰	

نمره	قسمت	جزء	شـــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
٦٣		٣	اجرت مخابرات دولتی (*)	١٦١٥٠٠٠	
٦٤		٤	عواید متفرقه	١٠٠٠	
	١٦		**وزارت معارف**		
٦٥		١	عواید مدارس غیر از مدارس ابتدائی	١١٨٠٠٠	
٦٦		٢	« متفرقه	١٠٠٠٠	
	١٧		**وزارت طرق**		
٦٧		١	عواید متفرقه	٢٥٠	
	١٨		**اداره کل تجارت**		
٦٨		١	عواید تمبر	١٠٠٠٠	
٦٩		٢	« متفرقه	٥٠٦٢٠٠	
٧٠		٣	« حاصله از اجرای قانون اوزان ومقادیر	١٠٠٠٠٠٠	جمعاً وخرجاً پیش‌بینی ومنظور شده است

(*) بموجب قانون ۱۹ آذر ۱۳۱۲ مبلغ ۳۱٦٥٠٠ ریال باعتبار عایدات اجرت مخابرات دولتی افزوده‌شده و بمبلغ ۱۹۳۱۵۰۰ ریال بالغ شده است .

نمره	قسمت	جزء	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
	۱۹		اداره کل صناعت و فلاحت		
۷۱		۱	عایدات مؤسسات ومدارس صنعتی	۱۲۸۵۰۰	
۷۲		۲	عایدات متفرقه	۵۰۰	
	۲۰		تذکره		
۷۳		۱	عایدات تذکره	۱۸۰۰۰۰۰	
	۲۱		عوائد متفرقه و غیر مترقبه		
۷۴		۱	عواید متفرقه مملکتی که در سایر مواد منظور نشده	۲۲۷۲۰۰۰	
			جمع کل عواید	۵۰۶۹۱۲۲۲۷	

باب دوم ـ مخارج :

نمره	قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
۱	۱		وزارت دربار و دفتر مخصوص شاهنشاهی	۵۱۴۶۶۴۰	
۲	۲		مجلس شورای ملی	۶۷۶۵۴۰۰	
۳	۳		ریاست وزراء	۶۴۴۵۰۰	مبلغ ۷۵۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است
	۴		**وزارت جنگ و تشکیلات امنیه**		
۴		۱	وزارت جنگ بانضمام خرج سفر و خرج تحصیل محصلین وزارت جنگ و بحریه و حقوق و مخارج مستخدمین خارجی لشگری و بحریه	۱۸۳۷۲۹۹۸۰	استفاده از مبلغ ۱۰۶۵۰۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۷۱۰۰۰ پهلوی
۵		۲	**تشکیلات امنیه** الف ـ اعتبار بودجه اختصاصی ۲۲۶۷۸۴۰۰ ب ـ اعتبار بودجه ۱۹۵۰ نفر اجرائیات مالیه ۳۵۲۲۶۰۰	۲۶۲۰۵۰۰۰	
	۵		**وزارت داخله**		
۶		۱	وزارت داخله(*)	۶۳۴۵۵۰۰	مبلغ ۳۳۵۰۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است
۷		۲	تشکیلات نظمیه مملکتی(*)	۲۳۲۴۶۱۳۰	مبلغ ۱۱۵۰۰۰ منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است

(*) بموجب قانون ۱۹ آذر ۱۳۱۲ مبلغ ۸۰۰۰۰ ریال باعتبار بودجه وزارت داخله و ۱۵۰۰۰۰ ریال باعتبار بودجه نظمیه علاوه شده است

نمره	قسمت	جزء	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
۸		۳	صحیه کل (*)	۱۰۴۱۳۵۲۰	استفاده از مبلغ ۳۷۲۳۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۲۴۸۲ پهلوی. مبلغ ۱۰۵۰۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است
۹		٤	احصائیه وسجل احوال	۵۹۱۷۳۴۰	مبلغ ۳۷۵۰۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است
۱۰		۵	نظام وظیفه	۳۵۰۰۰۰	
۱۱		٦	ساختمان و تعمیر محبسها	۳۰۰۰۰۰	
۱۲		۷	اعتبار برای تکمیل ساختمان عمارت نظمیه مرکزی	۱۰۰۰۰۰۰	
	٦		**وزارت عدلیه**		
۱۳		۱	وزارت عدلیه (*)	۱۲۵۵۱۲۸۰	(۱) استفاده از مبلغ ۲۴۴۸۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۶۳۲ پهلوی (۲) مبلغ ۴۲۵۰۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است (۳) ۹۰۰۰۰۰ ریال از محل صدی ۲۵ اضافه عایدات ثبت اسناد و املاك است
۱٤		۲	ثبت اسناد و املاك	۸۹۹۷۹۶۰	مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله ـ مبلغ ۷۵۰۰۰۰ ریال از محل صدی ۲۵ اضافه عایدات ثبت اسناد واملاك است
۱۵		۳	اعتبار تکمیل عمارت وزارت عدلیه	۱۰۰۰۰۰	
۱٦		٤	اعتبار تکمیل بنای توقیفگاههادرمرکز	۲۰۰۰۰۰	
۱۷		۵	حق مأمورین صلح ونمایندگی پارکه‌ها (در حدود عایدات مربوطه تأدیه خواهد شد)	۱۰۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است

(*) بموجب قانون ۹ آذر ۱۳۱۲ مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال باعتبار بودجه صحیه کل و ۳۸۰۰۰ ریال باعتبار بودجه وزارت عدلیه علاوه شده است.

نمره	قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ (ریال)	توضیحات
	۷		**وزارت امور خارجه**		
۱۸		۱	وزارت امور خارجه	۱۸۷۳۱۱۳۰	(۱) استفاده از مبلغ ۱۴۱۸۵۰۵۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۹۴۰۶۷ پهلوی (۲) مبلغ ۷۲۰۰۰ ریال برای قیمت مخابرات تلگرافی درداخله است
۱۹		۲	کمیسیونهای سرحدی	۴۰۰۰۰۰	
	۸		**وزارت پست وتلگراف**		
۲۰		۱	وزارت پست وتلگراف	۲۵۸۹۴۰۷۴	استفاده ازمبلغ ۳۹۵۲۲۰۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۲۶۳۴۸ پهلوی
	۹		**وزارت معارف**		
۲۱		۱	وزارت معارف	۲۶۳۴۵۱۵۰	(۱) استفاده ازمبلغ ۱۹۱۶۷۰۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۱۲۷۷۸ پهلوی (۲) مبلغ ۲۲۵۰۰ ریال برای قیمت مخابرات تلگرافی درداخله است
۲۲		۲	اعتبارمخارج مربوط باجرای قانون اعزام محصلین بخارجه : الف ـ اعتبار مطابق قانون ۶۰۰۰۰۰۰ ب ـ اعتبار برای تفاوت تسعیر ۸۹۲۵۰۰۰	۱۴۹۲۵۰۰۰	استفاده از مبلغ ۱۴۸۷۵۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل مبلغ ۹۹۱۶۷ پهلوی
	۱۰		**وزارت طرق**		
۲۳		۱	وزارت طرق	۸۶۵۸۴۰	مبلغ ۱۲۰۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است

فقره	قسمت	ماده	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
	۱۱		اداره کل تجارت		
۲۴		۱	اداره کل تجارت (*)	۲۳۳۸۹۴۰	مبلغ ۱۶۵۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است
۲۵		۲	اعتبار اجرای قانون اوزان و مقادیر (**)	۱۰۰۰۰۰۰	جمعاً وخرجاً پیش بینی شده است
	۱۲		اداره کل صناعت وفلاحت		
۲۶		۱	اداره کل صناعت وفلاحت	۱۰۳۹۵۳۱۰	(۱) استفاده ازمبلغ ۲۰۱۲۲۰۲ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۶۸ـ۱۳۴۱۴ پهلوی (۲) مبلغ ۵۶۵۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است
	۱۳		وزارت مالیه		
۲۷		۱	وزارت مالیه بانضمام گمرکات و محصلین مالیه و مخارج مربوط باجرای قانون انحصار تجارت	۳۸۲۶۸۱۲۰	(۱) استفاده ازمبلغ ۱۳۰۶۵۰۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۸۷۱۰ پهلوی (۲) مبلغ ۶۱۷۵۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است

(*) بموجب قانون ۱۹ آذر ۱۳۱۲ مبلغ ۲۸۵۰۰ ریال باعتبار بودجه اداره کل تجارت علاوه شده است.

(**) بموجب قانون ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۲ همین اعتبار درسال ۱۳۱۳ نیز قابل تعهد ومصرف میباشد.

فقره	قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
۲۸		۲	حقوق و مخارج مستخدمین خارجی مالیه و گمرکات و سایر مؤسسات تابعه وزارت مالیه	۳۰۴۱۳۵۰	استفادهٔ از مبلغ ۲۴۰۰۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۶۰۰۰ پهلوی
۲۹		۳	اعتبار خرید و ساختمان ابنیه گمرکی ودوائر تابعه وزارت مالیه و تجهیزات آنها و تأدیه اضافه مخارج ساختمان ۱۳۱۰	۲۶۴۷۹۵۰	
۳۰		۴	انحصار دولتی تریاك	۴۷۰۰۰۰۰	مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است
۳۱		۵	انحصار دولتی دخانیات { الف ـ ششماهه اول ۲۰۰۰۰۰۰ ب ـ ششماهه دوم ۱۶۵۰۰۰	۲۱۶۵۰۰۰	مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال منحصراً برای قیمت مخابرات تلگرافی در داخله است
۳۲		۶	اعتبار مخارج تحصیل عواید تجارت قند و کبریت	۷۹۰۰۸۰	
۳۳		۷	اعتبار اداری ضرابخانه	۳۰۰۰۰۰	
۳۴	۱۴		**اعتبارات دولت**		
			ا ـ مخارج متفرقه وغیرمترقبه ۱۵۰۰۰۰۰ ب ـ مخارج سرّی ۲۰۰۰۰۰ ج ـ انعام ۱۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	

نمره	قسمت	ماده	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
	١٥		**اعتبارات ثابته عمومی**		
٣٥		١	دیون خارجی دولت	١٠٣٠٥٠٠٠	بابت تهیه و خرید اسعار خارجی معادل ١٠٣٠٥٠ لیره است
٣٦		٢	اعتبار شهریه و مستمریات و عوض بهره و مصارف بقاع متبرکه و بازخرید مستمریات وردقسط قرض دریافتی از بانک ملی برای بازخرید مستمریات وفرع آن	٥٢٤٢٨٦٥	استفاده ازمبلغ ١٣٦٢٠٠ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ٩٠٨ پهلوی
٣٧		٣	اعتبار حقوق انتظار خدمت مستخدمین دولتی	٢٤٠٠٠٠٠	
٣٨		٤	منافع صندوق تقاعد کشوری	٤٧٢٣٠٠	
٣٩		٥	مخارج نگاهداری وساختمان مسلخها ومخارج مربوطه بتفتیش صحی روده	١٤٥٠٠٠٠	
٤٠		٦	فرع و حق العمل بانکها و مخارج انتقال وجوه دولتی	١٥٠٠٠٠٠	
٤١		٧	هیئت تفتیشیه مملکتی	٣٥٠٠٠٠	
٤٢		٨	سرمایه بانک ملی ازمحل سهام دولتی	٤٨٠٠٠٠	
٤٣		٩	سرمایه بانک فلاحتی ازمحل سهام دولتی	١٠٠٠٠	
٤٤		١٠	سهم شیروخورشید سرخ مشهد مقدس و تبریز ازمحل عایدات ذبایح	٥١٩٠٥٠	

نمره	قسمت	ماده	شـــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
۴۵		۱۱	مخارج مربوطه بمحاکمات دولتی و کلیه اعتراضات ثبتی و مخارج ثبتی و قضائی و محکومیتهای ناشیه از اعمال دایر بتصدی دولت و حق الحکمیه و تصفیه محکومیتهائیکه دولت دارد یا ممکن است پیش بیاید وسایر مخارج مربوطه باین قبیل امور	۷۰۰۰۰۰	
۴۶		۱۲	اعتبار نگاهداری قرق و باغات سلطنتی	۱۲۷۹۲۰	
۴۷		۱۳	حقوق مفتش بانك ملی و مخارج تفتیش	۶۰۰۰۰	
۴۸		۱۴	کمك بمخارج عمومی بانك فلاحتی که تأسیس آن در نظر است	۲۴۰۰۰۰	
۴۹		۱۵	مخارج انتفاعی مملکتی (*)	۶۵۰۰۰۰۰	
۵۰		۱۶	اعتبار برای تفاوت تسعیر تعهدات و مخارج مملکتی که باسعار خارجی بعمل میآید	۱۰۰۰۰۰۰	
۵۱		۱۷	تشکیلات مستحفظین سرحدی	۴۵۰۰۰۰۰	

(*) بموجب قانون ۲۶ اسفند ۱۳۱۲ این اعتبار درسال ۱۳۱۳ نیز قابل تعهد و مصرف میباشد .

نمره	قسمت	ماده	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
	١٦		**مخارج غیرثابته عمومی**		
٥٢		١	اعتبار عمران و تخته‌قاپو کردن عشایر و تبدیل املاك : الف ـ اعتبار عمران و تخته قاپو کردن عشایر ۸۲۰۰۰۰ ب ـ اعتبار مصارف مربوطه بتبدیل املاك وعلاقه اشخاص باملاك دولتی ۱۸۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	
٥٣		٢	اعتبار دفع آفات از محصولات زراعتی: الف ـ دفع ملخ ۱۰۰۰۰۰۰ ب ـ دفع سن ٥٠٠٠٠٠	۱٥٠٠٠٠٠	
٥٤		٣	اعتبار تکمیل ممیزی	٧٠٠٠٠٠	
٥٥		٤	دیون داخلی وتعهدات دولت	٦٠٠٠٠٠	
٥٦		٥	سرمایه بانك ملی	٥٠٠٠٠٠٠	
٥٧		٦	اعتبار مربوط بکارهای نفت	٣٠٠٠٠٠٠	معادل ۳۰۰۰۰ لیره است
٥٨		٧	تعمیرات ابنیه دولتی وخرید زمین یا بنا برای دولت	٣٠٠٠٠٠	
٥٩		٨	مخارج مربوطه بآبهای سرحدی	٦٠٠٠٠	
٦٠		٩	اعتبار برای خرید دو دستگاه قایق جهت جلوگیری از قاچاق در بحر خزر	٨١٧٢٠٠	
٦١		١٠	اعتبار پذیرائی های رسمی که ممکن است پیش بیاید	٣٠٠٠٠٠	

نمره	قسمت	ماده	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
٦٢		١١	مخارج مربوطه باعزام مأمورین و کمیسیونها و تقسیم اراضی و تعویض املاك واجرای قوانین راجع بتقسیم اراضی بین رعایا و سایر مخارج پیش بینی نشده مملکتی	٥٠٠٠٠٠	
٦٣		١٢	حق الزحمه رؤسای محلی بعضی از نقاطی که در امر وصول کمك میکنند	٥٠٠٠٠٠	
٦٤		١٣	اعتبار برای مستمری ۱۳۱۲ و مستمری های معوقه آقایان هنسنس وموليتر	٧٥١٩٢٤	
٦٥		١٤	اعتبار برای تصفیه دعاوی آقای کلاپ	١٥٥٠٠٠	این اعتبار برای پرداخت اسعار خارجی معادل ۷۸ ـ ۵۰۱۲ پهلوی است (*)
٦٦		١٥	خرید مخزن برای حفظ قوه برق جهت مصرف وزارتخانه ها	١٠٠٠٠٠	این اعتبار برای پرداخت اسعار خارجی معادل ۱۰۳۳ پهلوی است
٦٧		١٦	اعتبار جهت ردّ طلب صندوق تقاعد بابت سرمایه بانك ملی	٨٠٠٠٠٠٠	نظر باینکه این وجه درماههای اول سال ۱۳۱۲ باید پرداخت گردد اگر وضع عایدات وصولی ماههای اول سال اقتضا نکند وزارت مالیه مجاز است از محل مازاد موجودی های سنواتی بودجه‌های سالهای گذشته این وجه را تأدیه نماید.

(*) بموجب ماده ۳۹ قانون ٤ خرداد ۱۳۱۲ این اعتبار غیر قابل پرداخت میباشد

نمره	قسمت	فصل	شـــــرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۲ ریال	توضیحات
۶۸		۱۷	اعتبار مصارف مقدماتی تأسیس یك موزه	۸۸۴۶۷۰	جمعاً وخرجاً پیش بینی شده است
۶۹		۱۸	اعتبار تأسیس پست صحی در خوزستان جهت معالجه چشم	۱۳۹۴۱۹	» » »
۷۰		۱۹	اعتبار خرید کتاب برای کتابخانه تبریز	۱۱۷۹۱۸	جمعاً وخرجاً پیش بینی شده است در صورتیکه بابت عایدات مربوطه بیش از میزان مندرج در بودجه عایدات وصول شود معادل آن بر این اعتبار اضافه خواهد شد
			جمع کل مخارج	۵۰۶۹۰۴۴۶۰	

خلاصه

جمع عایدات پیش بینی شده ۵۰۶ ۹۱۲ ۲۲۷ ریال

جمع مخارج پیش بینی شده ۵۰۶ ۹۰۴ ۴۶۰ ریال

تفاضل عایدات نسبت بمخارج ۷ ۷۶۷ ریال

صورت فوق ضمیمه بودجه سال هزار و سیصد و دوازده مملکتی بوده و صحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

متمم بودجه سال ۱۳۱۲ مملکتی (*)

مصوب ۴ خرداد ماه ۱۳۱۲

ماده اول ـ کلیه اعتبارات مصوب برای ساختمانها که در بودجه ۱۳۱۲ منظور است وهمچنین اعتبار مخارج انتفاعی مملکتی ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ تاآخر دوره عمل سالهای مذکور نیز قابل تعهد وفقط تاآخر دوره عمل مزبور قابل مصرف است .

ماده دوم ـ وزارت مالیه مکلف است آنچه را از عایدات و وجوهی که تا آخر سال ۱۳۱۰ وصول وبجمع عایدات مملکتی وارد شده است درصورتیکه تشخیص داده شود که اخذ آن برخلاف قانون بوده علاوه بر تعقیب مأمور مسئول از عایدات جاری رد نماید .

ماده سوم ـ وزارت مالیه مجاز است طلب مسلم ورسیدگی و تصدیق شده اشخاص را ازدولت که درحدود اعتبارات مصوب سنه مربوطه باشد درمقابل بدهی همان اشخاص احتساب ودربودجه عایدات ومخارج ۱۳۱۲ جمع وخرج نماید ونیز مجاز است :

اولاً ـ دیون قطعی و مسلم تا آخر ۱۳۰۵ دولت را که در حدود اعتبارات سنوات مربوطه یا بواسطه پیش آمد های غیر اختیاری و غیر قابل احتراز علاوه

(*) مفادمواد ۴ ـ ۶ ـ ۸ ـ ۱۵ ـ ۱۶ ـ ۱۹ ـ ۲۰ ـ ۲۴ ـ ۲۶ ـ ۲۷ ـ ۲۸ ـ ۳۲ این قانون درسال ۱۳۱۳ نیز مجری است (قانون ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۲) .

مفاد مواد ۳ ـ ۴ ـ ۱۶ این قانون نسبت بسال ۱۳۱۴ و در سال ۱۳۱۴ نیز مجری خواهد بود (قانون ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۳) .

مفادمواد ۶ ـ ۱۵ ـ ۱۹ ـ ۲۰ ـ ۲۴ ـ ۲۷ ـ ۲۸ ـ ۳۴ این قانون مادام که بوسیله قانون دیگری ملغی نشده بقوت خود باقی است ومحدود بدوره عمل یکسال نخواهد بود (قانون ۲۲ اسفند ۱۳۱۳).

بر بودجه ایجاد شده است و همچنین مستمریات و شهریه های معوقه بعد از ۱۳۰۵ را از محل ۶۰۰۰۰۰ ریال اعتبار تعهدات و دیون داخلی منظوره در بودجه مملکتی بپردازد.

ثانیاً ـ صدی شصت از اصل طلب اشخاصی را که صدی چهل از اصل طلب آنها در دو سال ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ و یا فقط در سال ۱۳۱۱ اجازه پرداخت داده شده و صدی چهل از اصل طلب اشخاصی را که درهریك از سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ صدی سی از اصل طلب آنها برطبق قوانین مزبوره اجازه پرداخت داده شده ازاعتبار مذکوره در فوق تأدیه نماید.

ثالثاً ـ کلیه طلب های مسلم و تصدیق شده را که بیش از پنجهزار ریال نباشد بپردازد.

رابعاً ـ از مطالبات اشخاصیکه طلب مسلم آنها بیش از پنجهزار ریال بوده و مشمول مقررات فوق نبوده باشد بتشخیص خود وزارت مالیه قسمتی متساوی یعنی (صدی چند اصل طلب) تأدیه نماید و یا لدی الاقتضا مبلغ مخصوصی باتصویب هیئت وزراء بصاحبان طلب پرداخت نماید.

خامساً ـ مطالبات ودعاوی را که حقانیت آنها رسیدگی و تصدیق شده ولی در میزان طلب موافقت حاصل نشده یا اعتبار کافی در هذه السنه برای پرداخت کلیه آن موجود نیست بطور مصالحه وبتوافق بین طلبکار و وزارت مالیه بمبلغی قطع وازاعتبار مذکور درفوق تأدیه نماید.

سادساً ـ مبلغ ده هزار ریال طلب حاج غلامعلی شاکریان را بابت ساختمان قلاع بساتین و چهارده هزار ریال طلب حاج ابراهیم و استاد جعفر را بابت ساختمان قلاع در دوبرج که هر دو مربوط بسال ۱۳۰۷ است و همچنین طلب اشخاص دیگری

که بابت سال ۱۳۰۷ در مقابل ساختمانهای قلاع لرستان از دولت طلب دارند و طلب آنهامورد تصدیق است ازاعتباری که برای دیون و تعهدات معوقه درضمن بودجه ۱۳۱۲ منظور شده بپردازد.

ماده چهارم ـ حد اقل مقرری رتبه یك مستخدمین کشوری ۳۲۰ ریال و حداقل رتبه یك قضائی ۵۰۰ ریال میباشد ولی در ۱۳۱۲ بحقوق عموم مستخدمین دفتری دون رتبه ورتبه یك ودو وردیف افراد نظمیه (باستثنای مستخدمین کنتراتی) بیست ریال در ماه اضافه میشود و این اضافه از اعتباریکه ضمن بودجه های تفصیلی وزارتخانه ها وادارات تحت ماده مربوطه منظور شده تأدیه خواهد شد وهر گاه اصل حقوق مستخدم مزبور ازاعتباریکه یك‌قلم تصویب شده پرداخت گردد اضافه بیست ریال مستخدم مزبور نیز ازهمان اعتبار باید داده شود.

ماده پنجم ـ وزارت‌عدلیه مجازاست که مقررات‌ماده ۱۱ قانون‌استخدام قضات مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۰۶ را که دوماه آخرسال ۱۳۱۱ موقوف‌الاجرا مانده تاآخر تیرماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذارد.

ماده ششم ـ وزارتخانه‌ها وادارات دولتی درمواقعی که به بیطاران قشون یا امنیه علاوه برخدمت‌قشونی خدمت بیطاری دردوائر یامؤسسات کشوری رجوع کنند وهمچنین درصورتیکه اداره صحیه به دواساز قشون احتیاج پیدا کند میتوانندعلاوه برحقوقی که به بیطاران و دارو سازان مذکور از بودجه وزارت جنگ داده میشود برای‌خدمت‌کشوری نیزحق‌الزحمه بدهند مشروط براینکه‌ارجاع‌خدمات‌کشوری بآنها باموافقت‌وزارت‌جنگ باشدچنانچه شغل‌کشوری‌دیگری بسایربصاحبمنصبان‌لشکری رجوع شود درصورتیکه صاحبمنصب مزبور حقوق رتبه خود را از وزارتخانه متبوعه دریافت نماید از حقوق شغل کشوری که باورجوع شده معادل مبلغی‌که ازوزارتخانه

متبوعه خود میگیرد کسر خواهد شد .

ماده هفتم ــ وزارت مالیه مجاز است آنچه از عایدات ریالی سنه ۱۳۱۱ اسعار خارجی خریده شده و بعلت کافی نبودن عایدات پهلوی ۱۳۱۱ بمصرف مخارج اسعاری سال مذکور رسیده است بخرج قطعی منظور داردو نیز قیمت اسعاری را که ازموجودی سال ۱۳۱۰ بعلت مذکور درفوق بمصرف مخارج اسعاری ۱۳۱۱ رسیده است ازعایدات ریالی سال ۱۳۱۱ بموجودی سال ۱۳۱۰ ردّ نماید .

ماده هشتم ــ عایدات معدن شمشك تااستهلاك وجوهی که برای ساختمان راه شمشك از عایدات انحصار قند و چای داده شده جهت استهلاك وجوه مزبوره بحساب عایدات انحصار قند وچای برده خواهد شد .

ماده نهم ــ وزارت مالیه مجاز است اولاً ـ اضافه مخارج وزارت امور خارجه را مربوط بمخارج مسافرت مأمورین وقیمت تلگراف بابت سال ۱۳۱۱ که بعلت پیش آمد های فوق العاده ازمیزان اعتبار بودجه ۱۳۱۱ آنوزارتخانه تجاوز کرده ازصرفه جوئی سایر اعتبارات بودجه مذکور تأدیه نماید .

ثانیاً ــ ۹٤۳۲۰ ریال برای ردیف افراد نظمیه بابت ماهی بیست ریال اضافه سال ۱۳۱۱ و همچنین ۱۲۷٤۸٥ ریال اضافه مخارج ملزوماتی سال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ تشکیلات نظمیه را از صرفه جوئی های سال ۱۳۱۱ اداره مزبور به ادارات طلبکار بپردازد .

ثالثاً ــ از محل صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی اضافه مخارج ساختمانی مجلس شورای ملی را که درسال ۱۳۱۱ علاوه بر اعتبار مربوطه بعمل آمده است تأدیه نماید .

رابعاً ــ تا میزان هفتاد هزار ریال بقیه بودجه ۱۳۱۱ حکومت بختیاری را

که از اعتبار تصویبی بموجب ماده ۲۵ متمم قانون بودجه ۱۳۱۰ به حکم اضطرار تجاوز کرده است از محل صرفه جوئی های بودجه ۱۳۱۱ تأدیه و به خرج منظور دارد .

ماده‌دهم ـ **الف** ـ ۳۵۰۰۰ لیره از محل ذخیره لیره مملکتی بوزارت مالیه اعتبار داده میشود تامصارفی را که مربوط بموضوع تأمین حقوق ایران در نفط جنوب بعمل آمده‌است‌از قبیل اعزام‌هیئتی بژنو برای مدافعه‌حقوق مذکور واستشاره ازمتخصصین وکلیه مخارج دیگر ازهرقبیل پرداخته وبخرج منظور دارد .

ب ـ وزارت مالیه مجاز است اثاثیه و سایر اشیائی را که برای احتیاجات مربوطه به کار های نفط از محل اعتبار فوق خریده شده است پس از رفع احتیاج تحویل گرفته و بمصرف حوائجی که برای وزارتخانه ها و ادارات دولتی پیش‌میآید برساند .

ماده یازدهم ـ وزارتخانه ها و ادارات دولتی (باستثنای وزارت جنگ و امنیه و دربار پهلوی و کابینه سلطنتی) مکلف هستند قیمت مخابرات تلگرافی خودشان را در داخله مملکت از اعتباری که در ضمن بودجه منظور شده است تأدیه نمایند .

ماده دوازدهم ـ مبلغ ۸۸٤٦۷۰/۳۰ ریال که پس از تصفیه نهائی حساب مالیات راه تا آخر سال ۱۳۱۰ از سهم معوق معارفی و خیریه باقی مانده است برای مصاف مقدماتی تأسیس یك موزه از حیث خرید زمین و ساختمان بنا وسایر متعلقات آن تخصیص داده میشودوهمچنین مبلغ ۱۳۹٤۱۹/٤۰ ریال بقیه سهم تاآخرسال ۱۳۱۰ صحیه ازمحل مالیات راه برای اقدامات مخصوص صحی برای مبارزه باامراض چشم در خوزستان اختصاص میبابد ونیز وزارت مالیه مجاز است مبلغ ۹٦۳۲۳۲/۳۵ ریال بقیه

وجهی را که بلدیه تهران در نتیجه رسیدگی نهائی بحساب مالیات راه تاآخر ۱۳۱۰ بحساب عایدات راه (سهم‌طرق) مقروض بوده است بخرج قطعی منظور نماید.

ماده سیزدهم ـ وزارت مالیه مجاز است آنچه را که ازبابت صدی دو عایدات خالص کارخانه‌کبریت‌سازی آذربایجان بموجب ماده ٥ امتیازنامه تاآخر اسفند ۱۳۱۱ وصول‌شده وآنچه تاآخرسال ۱۳۱۲ وصول‌بشودبااطلاع ونظارت‌وزارت معارف بمصرف خرید کتاب برای کتابخانه تبریز برساند. (*)

ماده چهاردهم ـ وزارت‌مالیه مجاز است‌مبلغ ۱۲۱۸٥ ریال نقد وچهل‌خروار گندم وبیست‌خروار جو وده خروار کاه که بمهاجرین سمرقندی درخراسان برای بذر وتقاوی ومصالح املاک‌ومخارج نگاهداری احشام بطور مساعده داده شده وبعلت عسرت مهاجرین مذکور استرداد آن میسر نگردیده بخرج قطعی منظور دارد.

ماده پانزدهم ـ قسمتهائی‌از رقم بودجه کل هریك از وزارتخانه‌ها وادارات ویا اقلام دیگر بودجه که بموجب قیدخصوصی درمتن بودجه درستون توضیحات‌برای مصارف اسعاری منظور شده فقط برای مصارفی که منحصراً باسعار خارجی باید بعمل آید و تعهد آن هم باسعار خارجی شده تا حدود میزان پهلوی یا لیره که در همان ستون قید شده قابل استفاده است و بس و در صورت عدم کفایت برای تهیه میزان پهلوی یا لیره که در آن ستون مندرج است تفاوت از اعتبار تفاوت تسعیر جبران خواهد شد.

تبصره ـ رقمی که از اعتبار بودجه وزارت مالیه واداره کل گمرکات ومخارج مربوطه باجرای قانون انحصار تجارت برای تهیه وخرید اسعارخارجی تخصیص داده شده بمبلغ ٥۱۹۳۰۰ ریال معادل ۳٤٦۲ پهلوی تنزل‌داده میشود.

(*) بموجب قانون ۱٥ شهریور ۱۳۱۲ مبلغ بیست هزار ریال از اعتبار این ماده جهت مصرف تهیه قفسه وسایر اثاثیه کتابخانه تبریز تصویب شده است.

ماده شانزدهم ـ وزارت مالیه مجاز است مبلغ ۱٦٥۰۰۰۰ ریال از عایدات صدی بیست و پنج ثبت اسناد را برای تأمین یك قسمت از بودجه وزارت عدلیه و ثبت اسناد که از محل عایدات مذکور برقرار شده است بعایدات مملکتی انتقال دهد و اگر در ظرف سال جاری علاوه برمبلغ مذکور بازهم ازهمین محل وجهی برای مصارف وزارت عدلیه تخصیص داده شد وزارت مالیه مجاز است وجه مزبور را نیز بهمین ترتیب به عایدات مملکتی انتقال دهد .

ماده هفدهم ـ آنچه از اعتبار ۱۳۱۱ عمران (فصل ۱۸ ماده ۱) درسال مذکور موقع خرج پیدا نکرده به اعتبار سال ۱۳۱۲ عمران اضافه میشود و بودجه جزء اعتبار عمران و اصلاح بودجه آن که در ظرف سال ممکن است لازم شود باید بتصویب هیئت وزراء برسد .

ماده هیجدهم ـ وزارتخانه ها مجازند در موقع لزوم با موافقت وزارت مالیه اثاثیه وماشین آلات مستعمل خود رابکمك اعتبارات مربوطه خوددرصورت لزوم تبدیل بهاحسن ازهمان نوع نمایند ـ موقع لزوم راباید مأمورین مربوطه باتوجه بمدلول ماده ۹ متمم قانون بودجه ۱۳۱۰ تصدیق نمایند .

ماده نوزدهم ـ حق الکفاله فقط شامل حقوق و مدد معاش های ثابت میشود و فقط در مواردی دادن حق الکفاله جایز است که اعتبار شغل کفالت شده آزاد باشد .

ماده بیستم ـ وزارت مالیه مجازاست وجه بروات پستی را ازمحل عایدات جاری پرداخته ومبالغی را که ازمحل بروات پستی عاید میشود درعوض وجوهی که قبلاپرداخته شده است بعایدات جاری تحویل نماید وچنانچه درآخر سال معلوم شود که بعلت ترقی وتنزل اسعار خارجی کسری حاصل شده وزارت پست وتلگراف مکلف است که تفاوت

مذکور رادربودجه سال بعد خود تأمین و تأدیه نماید.

(*) **ماده بیست ویکم** ـ وزارت مالیه مجاز است تامبلغ ٤۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی ازموجودی فعلی ذخیره مملکتی وازآنچه درسال ۱۳۱۲ از عایدات معوّقه یاجاری دولت از منابع نفتی ایران وصول شودجهت تأسیس دو کارخانه قند سازی در دونقطه مختلف ایران بتشخیص دولت ومخارج مربوطه بآن درهذه السنه و همچنین برای تأدیه قرض کارخانه قندکرج بابت سرمایه اصلاً و فرعاً وباقی قسط آن سرمایه و همچنین مخارج مربوطه بتکمیل وتأسیس آن تأدیه واحتساب نماید.

و نیز وزارت مالیه مجاز است مبلغ ۲۱ ـ ۹۸ ـ ٤٥۹٥٦٥ پهلوی که مطابق قانونهای مورخ ۲٥ مهر ۱۳۱۰ و ۲۸ بهمن ۱۳۱۰ از ذخیره مملکتی برای خرید کشتیها و سایر مصارف مربوطه بآنها بطور استقراض اخذ شده بخرج قطعی ببرد بقیه اعتباراتی که برای این منظور (خرید کشتی و مصارف مربوطه بآن) بموجب قوانین مذکوره تحصیل شده اند بمنزله اعتبار قطعی محسوب وبرای مصارفی که درقانون‌های ۲٥مهر ۱۳۱۰ و۲۸ بهمن ۱۳۱۰ و۱۲ مهرماه ۱۳۱۱ وهمچنین مخارج متفرقه مربوطه بکشتی های خریداری وقیمت کشتی وقایقهای دیگری که مورداحتیاج باشدو تکمیل لوازم وتهیه احتیاجات مربوطه بآنها قابل استفاده خواهد بود.

ماده بیست و دوم ـ وزارت مالیه مجاز است مخارج مربرطه بوجوه ذخیره مملکتی را از اول سال ۱۳۱۰ ببعد از محل خود وجوه ذخیره مذکور تأدیه واحتساب نماید.

(**) **ماده بیست و سوم** ـ مبلغ پانصدهزار ریال که درماههای آخر سال ۱۳۱۱

(*) ماده ۲۱ بموجب قانون ۱۸ تیرماه وقانون ۸ مرداد و همچنین ماده ۲۸ قانون ۲٦ اسفند ماه ۱۳۱۲ تکمیل شده است.

(**) قسمت اول ماده ۲۳ بموجب قانون ۱۸ تیرماه وماده ۲۸ قانون ۲٦ اسفند ۱۳۱۲ تکمیل شده است.

برای بهره برداری مؤسسات صنعتی و مخصوصاً جهت تهیه چغندر برای کارخانجات قند سازی بر حسب ضرورت استقراض شده است تصویب و اجازه داده میشود که وزارت مالیه مستقیماً اصل وفرع آنرا از عایدات مؤسسات مذکوره اخذ و رد نماید ونیز اداره کل صناعت وفلاحت مجازاست درهذهالسنه باموافقت وزارت مالیه وضمانت خزانه مملکتی تا میزان ده میلیون ریال برای مخارج بهره برداری مؤسسات صنعتی و فلاحتی از بانك ملی یا بانك دیگری استقراض و اصل وفرع آنرا از عایداتهمان مؤسسات رد نموده وبقیه عایدات را بخزانه دولت تحول نماید. استفاده از این اعتبار در هر مورد با اطلاع وزارت مالیه و خرج آنهم با نظارت وزارتخانه مذکورخواهد بود.

(*) ونیز مبلغ ۳۰۳۲۰۰ ریال که بر حسب ضرورت درماههای آخر سال ۱۳۱۱ ازمحل مالیات راه (سهم‌طرق) باداره راه آهن آذربایجان جهت خرید الوار قرض دادهشده است تصویب و اجازه داده میشود که معادل آنرا وزارت مالیه مستقیماً درصورت امکان ازمحل بودجه ۱۳۱۲ اداره مذکور والا درسال ۱۳۱۲ و۱۳۱۳ بعایدات مالیات راه (سهم طرق) مسترد نماید.

و همچنین وزارت مالیه مبلغ هفت میلیون و چهارصد هزار ریال که برحسب ضرورت در ماه های آخر سال ۱۳۱۱ برای بقیه احتیاجات راه آهن جنوب جهت بهره برداری و ساختمان از عایدات انحصار قند و چای اعتبار داده شده است تصویب و اجازه داده میشود که از محل عایدات انحصار قند و چای احتساب شود و نیز اجازه داده میشود قیمت اشیائی که در دوماهه اول سال ۱۳۱۲ جهت راه آهن جنوب و شمال خریداری شده و میشود از اعتباری که بموجب قانون پنجم اردیبهشت ۱۳۱۲ برای مخارج فروردین واردیبهشت قسمتهای مختلفه راه آهن تصویب شده است محسوب گردد.

(*) این قسمت که با حروف زیر چیده شده بموجب قانون ۱۸ آبان ماه ۱۳۱۲ ملغی شده است.

ماده بیست وچهارم ـ وزارت مالیه مجاز است قیمت ومصارف مربوطه بتدارک آن قسمت از لوازم دفتری وزارتخانه‌ها وادارات دولتی را (باستثنای وزارتین دربار پهلوی وجنگ واداره امنیه) که باید برای اول سال ۱۳۱۳ حاضر باشد ازمحل‌عایدات جاری ۱۳۱۲ پرداخته و پس از تصویب بودجه مملکتی ۱۳۱۳ مستقیماً از محل اعتبار وزارتخانه‌ها وادارات مربوطه‌بحساب عایدات ۱۳۱۲رد نماید و نیزمخارج مربوطه بسال ۱۳۱۳ را که‌تأخیر تأدیه آنها منجر بضرروخسارت دولت ویا فوتی ویاغیرقابل جبران است بطور مساعده از عایدات ۱۳۱۲ بپردازد مشروط براینکه اطمینان کامل حاصل شود که اعتبار آن جزو اعتبارات ثابته باشد که احتمال عدم تصویب آن در بودجه سال بعد عادتاً معدوم یا بغایت مستبعد باشد . کلیه پرداختهائی که برطبق این ماده میشود و همچنین پرداختهائی که برطبق ماده ۱۰ متمم قانون بودجه ۱۳۱۱ بعنوان مساعده بابت سال ۱۳۱۲ بعمل آمده است خود وزارت مالیه مستقیماً بمحض تصویب بودجه سنوات مربوطه از اعتبارات وزارتخانه یا اداره مربوطه مسترد خواهد نمود .

ماده بیست وپنجم ـ وزارت مالیه مجاز است مستمری آقای هنسنس رئیس سابق گمرك را از سال ۱۳۰۵ تا روز وفات از قرار سالی ده هزار فرانك فرانسه از اعتباری که در بودجه مملکتی سال جاری ضمن جزء ۱۳ قسمت ۱۷ منظور شده تأدیه نماید .

ماده بیست و ششم ـ مستمریات مستخدمین خارجی که قبل از تأسیس مجلس شورای ملی یابعداز آن بموجب کنترات مصوب مجلس درباره آنها برقرار شده ازاول سال ۱۳۱۱ ببعدکماکان قابل‌پرداخت‌خواهد بودمگر اینکه خود مستخدمین‌مذکور تقاضای بازخرید آنرا بنمایند که دراینصورت برطبق قانون باز خرید مستمریات مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۱ خریداری خواهد شد .

ماده بیست و هفتم ـ مستخدمینی که برای رسیدگی باتهامات وارده بآنها از خدمت موقتاً منفصل و یا از محل مأموریت بدون صدور حکم انتظار خدمت احضار میشوند و بعد درمحاکم اداری تبرئه شده‌یا موجباتی برای ارجاع آنها بمحاکم‌عمومی مشاهده نمیشود حقوق مدت انفصال موقت آنها یا مدتیکه بحکم وزارتخانه یا اداره مربوطه بدون صدور حکم انتظار خدمت در محل مأموریت خود نبوده اند در صورت وجود اعتبار داده خواهد شد . درصورتیکه اعتبار آن در بودجه سال مربوطه موجود نباشد وزارتخانه یااداره مربوطه باید دربودجه سال بعد منظور نماید .

(*) **ماده بیست‌وهشتم** ـ وزارت مالیه‌مجازاست‌مسکوکات معیوب‌را ولواینکه دارای‌کسروزن وعیار باشد باکسر یك‌عشر ازقیمت اسمی آنهاتوسط بانك یابلاواسطه جمع آوری نموده و پس از موضوع کردن مخارج جمع آوری و فرع پول واسطه عمل بقیه عایدات را در حساب خاصی نگاهداری نموده و حاصل آن را بمخارج انتفاعی ضرابخانه تخصیص نماید ونیز مجاز است سایر مخارج تجدید ضرب وتعدیل عیار و وزن و مخارج حمل پولهائی را که تجدید ضرب میشود از عایدات حاصله از فرع وجوه اختصاصی‌دولتی (باستثنای وجوه ذخیره مملکتی‌ووجوه تقاعد ووجوه‌صندوقهای‌تعاونی وامدادی) تأدیه نمایند .

(**) **ماده بیست‌ونهم** ـ ازتاریخ تصویب این‌قانون‌مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ قانون‌محاسبات عمومی نسخ وبجای آن مواد ذیل برقرار میشود :

ماده ۲۳ ـ قراردادها ومعاملات دولتی اعم از خرید یافروش یا اجرت کار یااجاره واستیجار ومقاطعه باید پس ازمزایده ویامناقصه صورت پذیرد وزارت مالیه مجاز است که‌بوسیله تدوین نظامنامه مخصوص اصول وترتیبات متحدالشکلی برای اینگونه معاملات مقرر دارد ونیز درهمان نظامنامه موارد

(*) بموجب ماده ۱۰ قانون ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۲ این ماده شامل مخارج تجدید ضرب و وتعدیل عیار ووزن و مخارج حمل پولهائی که قبل از سال ۱۳۱۲ تجدید ضرب شده نیز خواهدبود .

(**) بموجب قانون ۱۰ اسفند ماه ۱۳۱۲ این ماده نسخ شده است .

خاصی را از ترتیب عمومی مزایده و مناقصه مستثنی سازد و همچنین مجاز است که بعضی موارد مخصوص استثنائی که دلائل موجهی برای ضرورت ترك مناقصه ومزایده موجود باشد ومبلغ معامله از پنجاه هزار ریال تجاوز نکند بدون رعایت اصول مزایده و مناقصه اجرای معامله را اجازه دهد ولی هرگاه موضوع معامله این موارد اخیره از پنجاه هزار ریال متجاوز باشد تاصد هزار ریال بعلاوه لزوم تصویب قبلی وزیر مالیه اجرای آن موکول بموافقت هیئت وزراء خواهد بود .

ماده ۲۴ ـ درموارد مشروحه ذیل بطورکلی اعلان عمومی واجرای مزایده و مناقصه لازم نخواهد بود :

۱ ـ معاملاتی که مستور بودن آنها بملاحظه صرفه وصلاح دولت ضرور باشد .

۲ ـ تهیه اشیائی که منحصر بنوع خود محسوب وبدست صنعتگران مخصوص ویا درکارخانه‌های مخصوص تدارك میشود .

۳ ـ اموریکه انجام آنها منوط بداشتن اطلاعات علمی یاصنعتی یاتخصصی باشد .

۴ ـ کارهائیکه بعنوان آزمایش وامتحان میشود .

۵ ـ معاملاتیکه بغتتاً پیش بیاید و فوریت زیاد داشته باشد بطوریکه بامزایده یا مناقصه موقع فوت شود .

ولی این مورد اخیر مخصوص اموری خواهد بود که اعلان مناقصه ومزایده قبلا نسبت به آنها ممکن نبوده است و شامل مواردی نخواهد بود که متصدیان دراجرای مناقصه ومزایده در موقع خود تأخیر کرده و نزدیك به فوت شدن موقع بخواهند عنوان فوت بـه آنهـا داده واز مزایـده و مناقصه معاف نمایند .

ماده ۲۵ ـ هرگاه معاملاتی که بمزایده ومناقصه گذاشته شده درمدت مقررداوطلب پیدانکند ویـا داوطلبان شرایطی پیشنهادکنند که خارج از حدود اعتدال باشد و یا اینکه معامله محتاج و یا قـابل مزایده ومناقصه نباشد در این صورت دولت میتواند معامله را مطابق مقتضیات بصرفه و صلاح دولت انجام دهد .

(*) **ماده سی‌ام** ـ عایدات راه آهن و کشتیرانی آذربایجان در هذه‌السنه کماکان برای مصارف مربوطه بخود راه‌آهن و کشتیرانی مزبور اختصاص داده میشود و دولت مکلف‌است بارعایت ماده (۲۳) همین‌قانون اقلاصدی‌سی از عایدات مزبور را برای اصلاحات اساسی راه‌آهن و کشتیرانی مزبور ذخیره نموده ودرحین اقتضا فقط بهمان مصرف برساند .

ماده سی‌ویکم ـ وزارت مالیه مجاز است در مواردی که بجای یکی از مستخدمین خارجی گمرك مستخدم ایرانی انتخاب یا شغل او را متکفل شود حقوق

(*) ماده ۳۰ بموجب قانون ۱۸ آبان ۱۳۱۲ نسخ شده است .

مستخدم ایرانی را بعلاوه مبلغی فوق العاده بتشخیص وزارت مالیه از اعتبار حقوق و فوق‌العاده مستخدم خارجی سلف او که موقتاً یا دائماً محل او خالی شده است تأدیه نماید.

ماده سی‌ودوم ـ وزارت مالیه مجاز است بقیه مخارج طبع و نشر اسکناس و تکمیل ضرابخانه راوهمچنین کلیه مخارج دیگر مذکوره درقانون مصوب ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۰۹ وقانون مصوب ۲۵ مرداد ماه ۱۳۱۱ وماده ٤ متمم قانون بودجه ۱۳۱۱ را از محل اعتباریکه دردوقانون مذکور درفوق منظور است تأدیه و آنچه را که تابحال از آن‌محل بمصرف رسیده بخرج قطعی منظور دارد.

ماده سی‌وسوم ـ ازاول‌سال۱۳۱۲پرداخت حق‌التدریس درمدارس‌ابتدائی‌موقوف خواهد شددرباره معلمین مدارس‌متوسطه که دارای رتبه‌رسمی هستند وعلاوه‌بر حقوق رتبه حق‌التدریس میگرفته اند ازابتدای سال۱۳۱۲ بجای حقوق رتبه وحق‌التدریس فقط یك حقوق بعنوان حق‌التعلیم بر قرارخواهد شد. حق‌التعلیم مذکور شامل تمام معلمین مدارس متوسطه ازمستخدمین رسمی و کنتراتی‌میباشد ودارای حداقل واکثر بترتیب ذیل خواهد بود:

	حداقل بریال	حداکثر بریال
کلاس‌اول ودوم مدارس متوسطه	٤٥٠	٦٨٠
کلاس‌سوم وچهارم « «	٦٨٠	۹۲۰
کلاس‌پنجم وششم « «	۹۲۰	۱۸۰۰

معلمینی که حق‌التعلیم اخذ میکنند مکلف خواهند بود درتمام ساعات‌روزانه مدارس در مدارس متوسطه تدریس نموده ویاحاضر خدمت باشند.

پرداخت حقوق زیاده بر حد اقل بتشخیص وزارت معارف به معلمینی داده

میشود که ابراز لیاقت نموده و یا ساعات فوق‌العاده بتدریس اشتغال داشته یا خدمات اضافی معتدبهی از قبیل امتحانات و امثال آن و خدمات دیگر مربوط به مدارس که به آنها رجوع شود انجام داده و یا بالخاصه سابقه خدمت در امر تعلیم داشته باشند.

تبصره ۱ ـ ترتیب فوق بهیچوجه خللی باصول و شرایط و سابقه استخدامی مستخدمین مذکور واردنیاورده و کلیه‌مقررات قانون استخدام‌کشوری باستثناء میزان حقوق برآنها منطبق خواهد گردید ودرصورتیکه حقوق رتبه آنها کمتر از حقوقی باشد که از بابت حق‌التعلیم دریافت میکنند میتوانند مطابق مقررات قانون استخدام کشوری و نظامنامه های مربوطه مادام‌که درمدارس متوسطه تدریس میکنندفقط تاآن حد ترفیع حاصل نمایند.

تبصره ۲ ـ معلمین‌باررتبه‌ای که‌فعلاً درمدارس متوسطه تدریس‌میکنندویامأمور تدریس درمدرسه نظام هستند و حقوق رتبه آنها از میزان فوق تجاوز میکند حقوق رتبه خود را دریافت خواهند داشت.

ماده سی‌وچهارم ـ وزارت مالیه مجاز است : اولا حق‌التدریس۱۳۱۱معلمین مدارس ولایات راتا میزان ۱۱۰۰۰۰ ریال از محل اعتبار حقوق‌آنها که ضمن بودجه ۱۳۱۱ وزارت معارف منظور وتعهد شده است تأدیه واحتساب نماید.

ثانیاً ـ ۴۸۰۰ریال اضافه‌اعانه ششماهه دوم ۱۳۱۱ لیسه‌ایران وفرانسه‌ومدرسه ژاندارک‌را از اعتبار ۱۳۱۱ تکمیل وتأسیس مدارس‌که در بودجه ۱۳۱۱ وزارت‌معارف منظور است تأدیه نماید.

ونیز سیصد ریال مصرف ماهیانه مقبره مرحوم آقا سیدمحمد طباطبائی را بابت ۱۳۱۱ (درصورت بودن اعتبار) واز فروردین ۱۳۱۲ بپردازد.

و نیز وزارت مالیه مجاز است صرف روشنائی کلیه مقابر واقعه در اعتاب مقدسه را که بموجب قانون باز خرید مستمریات مصوب ۱۸ اردی بهشت ماه ۱۳۱۱ باقی و برقرار مانده است تحت نظارت مستقیم مأمورین دولت بمصرف لازمه برساند .

و نیز مجاز است اعتباری را که برای صرف روشنائی و مخارج مساجد و مدارس و قبور منظور است در صورت ضرورت بمصرف تعمیرات آن بقاع و اماکن برساند .

ماده سی و پنجم ـ مفاد مواد (۱) و (۲) و (۸) و (۱۴) و (۱۶) و (۲۰) و (۲۱) و (۲۶) متمم قانون بودجه ۱۳۱۱ و مفاد مواد (۵) و (۶) و (۸) و (۹) و (۱۴) و (۱۵) و (۱۶) و (۲۰) و (۲۱) متمم قانون بودجه ۱۳۱۰ مملکتی در سال ۱۳۱۲ نیز مجری خواهد بود .

ماده سی و ششم ـ موجودی عایدات سنواتی بودجه های عمومی مملکتی تا آخر دوره عمل ۱۳۱۲ باضافه آنچه از بقایای عایدات پیش بینی شده اسعاری بودجه‌های سالهای گذشته که بموقع خود وصول نشده و بعدها وصول شود و همچنین منافعی که از خرید طلا بحساب دولت حاصل شده از قید هرگونه تعهدی آزاد و از مجموع وجوه مزبور بانضمام مبلغ یک میلیون ریال از آنچه از ذخیره اسکناس بانک شاهنشاهی باقی است پس از تأدیه وجوه ذیل دو ذخیره تشکیل خواهد یافت :

۱ ـ وجه استقراضی دولت از صندوق تقاعد برای سرمایه بانک ملی در سال ۱۳۰۷ بموجب قانون مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ (طبق جزء «۱۶» قسمت «۱۷») بودجه مملکتی		۸۰۰۰۰۰۰ ریال

۲ ـ بابت ردسرمایه مصرف شده شعبه فلاحتی بانک ملی		۳۰۰۰۰۰۰ ریال

۳ ـ بابت طلب بانك ملی ازبابت قیمت بقیه سهام دولت در کارخانه قند کهریزك اصلا وفرعاً ۱۵۵۰۹۷۹/۹۰ ریال

جمع ۱۲۵۵۰۹۷۹/۹۰ ریال

دو ذخیره‌ای که فوقاً ذکر شد با رعایت ترتیب تقدّم از اینقرار است:

الف ـ مبلغ سی میلیون ریال (۳۰۰۰۰۰۰۰) و معادل ۱۵۰۰۰۰۰ پهلوی بعنوان وجه متحرك خزانه دولت بدون فرع جهت انتظام پرداخت مخارج عمومی مملکتی در اثنای دوره های عمل هریك ازسالهای مالی ومهیا داشتن اسعار خارجی برای قسمتی از مصارف بودجه های عمومی که در خود بودجه عمومی مملکتی اجازه تأدیه آن باسعار خارجی قید شده‌است تخصیص میبابد وهرمبلغ ازآن مصرف شود باید ازعایدات همان سال مالی وقبل ازخاتمه دوره عمل آن درصورت امکان ردشود والا معادل رقم مصرف شده ضمن بودجه مخارج سال بعد از دوره عمل منظور ورد خواهد شد.

ب ـ از باقی وجوه مذکور در فوق برای تهیه و خرید اسعار خارجی جهت احتیاجات دولتی و فروش بوزارتخانه‌ها و ادارات ودر صورت اقتضاء جهت حفظ نرخ اسعار خارجی ازتأثیرات ترقی وتنزل مصنوعی ونیز درصورت امکان برای خریداضافه اسعار صادرات تجارتی که در آخر هر سال اقتصادی بانکهای عامل دولت ممکن است بدولت واگذار نمایند تخصیص خواهد شد وچنانچه دراین معامله اتفاقاً زیانی نسبت باصل سرمایه متوجه شود و تا یکسال از منافع خود عمل جبران نشود معادل زیان مذکور ازبقیه موجودی عایدات سالی که درآن سال زیان مزبور دست داده است پس ازختم دوره‌عمل آن ودرصورتیکه وافی نباشد ازاولین بقیه موجودی که ازعایدات سالهای بعد پیدا میشود پس از انقضای دوره‌عمل آنها و بعد از تأمین ذخیره مشروحه در بند (الف) مذکور در فوق مسترد خواهد شد.

تبصره ـ هر قانون ویا هر جمله از قوانین سابق که با این ماده مغایرت داشته باشد ملغی است .

ماده سی وهفتم ـ وزارت مالیه مجاز است مبلغ چهارصدو نودهزار لیره انگلیسی مساعده‌هائی را که در سالهای ۱۲۹۱ و ۱۲۹۲ و ۱۲۹۳ دولت ایران از دولت انگلیس دریافت کرده است از ذخیره مملکتی رد نماید .

ماده سی و هشتم ـ مفاد مواد (۶) و (۱۸) و (۱۹) و (۲۲) و (۲۵) و (۲۶) و (۲۷) و (۲۸) و (۲۹) و (۳۱) و (۳۳) و (۳۶) از این قانون مادام که بوسیله قانون دیگری ملغی نشده‌است برای همیشه بقوت خود باقی ومحدود بدوره عمل بودجه ۱۳۱۲ نخواهد بود .

ماده سی و نهم ـ مبلغی را که در ردیف نمره (۶۴) در جزء ۱۳ بودجه کل مملکتی برای پرداخت مستمری مولیتور وهمسرش منظورو بتصویب رسیده قسمت مربوط به مولیتور قابل پرداخت نخواهد بود .

ماده چهلم ـ صرفه جوئی معارفی ایالت غربی آذربایجان در ۱۳۱۱ برای ساختمان محل سابق میسیون جهت مدارس رضائیه تخصیص داده میشود .

این قانون که مشتمل بر چهل ماده است در جلسه چهارم خرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

بودجه سال یکهزارو سیصدو دوازده مجلس شورای ملی

مصوب ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲

ماده اول ـ برای مخارج دوازده ماهه سال یکهزار و سیصد و دوازده مجلس

شورای ملی مبلغ شش میلیون و دویست و پانزده هزار و پانصد و چهل ریال (٦۲۱۵۵٤۰) موافق فقرات (۱) الی (٤) ضمیمه اعتبار به مباشرت مجلس داده میشود .

تبصره ـ مباشرت مجلس مجاز است که از صرفه جوئی ماده اول معادل سیصدو پانزده هزار و سیصد و سی و چهار ریال و نود دینار بتدریج از وزارت مالیه دریافت نموده بعد از پرداخت دویست و شصت و پنجهزار و سیصد و سی و چهار ریال و نود دینار (۲٦۵۳۳٤/۹۰) قرضه بنائی سال ۱۳۱۱ تتمه آنرا بمصرف اثاثیه مجلس برساند .

ماده دوم ـ برای حقوق ومخارج دوازده ماهه مطبعه مجلس مبلغ پانصدوچهل و نههزار و هشتصدوشصت ریال (٥٤۹۸٦۰) موافق فقره (۱) و (۲) ضمیمه اعتبار بمباشرت مجلس داده میشود .

ماده سوم ـ مجلس شورای ملی بمباشرت مجلس اجازه میدهد که عوائد مطبعه مجلس و باغ بهارستان و صورت مشروح مذاکرات مجلس را جزء جمع محاسبات مجلس محسوب دارد .

تبصره ـ معادل حقوق و مصارف سالیانه مطبعه مجلس و مخارج طبع صورت مشروح مذاکرات مجلس که از وزارت مالیه دریافت میشود از محل عواید مزبور به خزانه مملکت تأدیه خواهد شد و مازاد کلیه عوائد فوق الذکر برطبق قانون بودجه مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۱۱ بمصرف تکمیل اثاثیه و رفع نواقص مطبعه مجلس خواهد رسید .

این قانون که مشتمل برسه ماده وصورت ضمیمه است درجلسه بیست و چهارم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

صورت جزء قانون بودجه سال ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی

شــــرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
تفصیل ماده اول						
فقره (۱)						
مقرری آقایان نمایندگان محترم و تفاوت مقرری ریاست معظم مجلس (برای ۱۱ ماه و ۷ روز)	١٣١	٣٠٠٠	٣٩٦٠٠٠	٤٤٤٨٤٠٠	٤٤٤٨٤٠٠	
فقره (۲)						
تقنینیه						
معاونت						
معاون اداری ریاست مجلس	١	٢١٢٠	٢١٢٠	٢٥٤٤٠		
منشی اطاق معاونت	٢	بتفاوت	١٥٢٠	١٨٢٤٠		
کابینه						
رئیس	١	١٦٤٠	١٦٤٠	١٩٦٨٠		
تند نویسی و صورت مجلس						
مدیر	١	١٤٤٠	١٤٤٠	١٧٢٨٠		
معاون	١	٩٢٠	٩٢٠	١١٠٤٠		
تند نویس اول ومقطع	٤	بتفاوت	٣٣٤٠	٤٠٠٨٠		
تند نویس دوم وخلاصه نویس	٤	«	٢٥٦٠	٣٠٧٢٠		
تند نویس دوم وپاکنویس	٤	«	٢٥٦٠	٣٠٧٢٠		
تند نویس سوم وعضو تصحیح	٣	٥٢٠	١٥٦٠	١٨٧٢٠		

شـــرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
دارالانشاء						
مدیر	١	١٢٤٠	١٢٤٠	١٤٨٨٠		
منشی مینوت نویس	٢	٩٢٠	١٨٤٠	٢٢٠٨٠		
منشی پاکنویس	٤	بتفاوت	٣٠٠٠	٣٦٠٠٠		
منشی اداری کمیسیون عرایض و مرخصی	١	٤٩٠	٤٩٠	٥٨٨٠		
قوانین و مطبوعات						
مدیر	١	١٤٤٠	١٤٤٠	١٧٢٨٠		
معاون	١	٩٢٠	٩٢٠	١١٠٤٠		
رابط کمیسیونها و شعب پارلمانی	١	٩٢٠	٩٢٠	١١٠٤٠		
منشی قانون نویس و پاکنویس کننده	٢	بتفاوت	١٥٨٠	١٨٩٦٠		
منشی اداری کمیسیون بودجه	١	٧٩٠	٧٩٠	٩٤٨٠		
سواد نویس و مصحح	٢	٤٩٠	٩٨٠	١١٧٦٠		
ماشینیست	١	٤٢٠	٤٢٠	٥٠٤٠		
ثبات	١	٣٢٠	٣٢٠	٣٨٤٠		
ضبط جاری						
مدیر	١	١٤٤٠	١٤٤٠	١٧٢٨٠		
معاون	١	٩٢٠	٩٢٠	١١٠٤٠		
ضباط	٢	بتفاوت	١٢٠٠	١٤٤٠٠		

شـــــرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
پرسنل و تفتیش						
مدیر	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸۴۰		
عضو	۲	بتفاوت	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
ثبت						
مدیر	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸۴۰		
ارسال مراسلات						
مدیر	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
کتاب نونس وکمك ارسال مراسلات	۱	۴۹۰	۴۹۰	۵۸۸۰		
اعتبار خصوصی تقنینیه				۶۰۰۰	۴۸۲۵۲۰	
فقره (۳) ـ مباشرت						
قسمت اول						
معاون اداری	۱	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۲۵۴۴۰		
محاسبات کل						
رئیس	۱	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۲۵۴۴۰		
معاون	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
محاسب و منشی	۳	بتفاوت	۱۷۲۰	۲۰۶۴۰		
مدیر پرسنل وضبط محاسبات	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
صندوق						
مدیر	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸۴۰		
عضو	۱	۴۲۰	۴۲۰	۵۰۴۰		

شرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
ملزومات						
مدیر	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
عضو	۱	۴۲۰	۴۲۰	۵۰۴۰		
ناظر	۱	۵۲۰	۵۲۰	۶۲۴۰		
توزیع صورت مشروح مذاکرات مجلس						
مسئول (کنتراتی)	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
عضو	۱	۴۹۰	۴۹۰	۵۸۸۰		
انشاء						
مدیر	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
متصدی ضبط وارسال مراسلات	۱	۵۲۰	۵۲۰	۶۲۴۰		
بلیط ولوایح						
مسئول	۱	۵۲۰	۵۲۰	۶۲۴۰		
تفتیش						
مدیر	۱	۱۴۴۰	۱۴۴۰	۱۷۲۸۰		
معاون	۱	۶۸۰	۶۸۰	۸۱۶۰		
عضو ومأمور تفتیش	۳	بتفاوت	۱۱۴۰	۱۳۶۸۰		
ممیزی و توزیع						
مدیر	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
ممیز بلیط	۱	۶۸۰	۶۸۰	۸۱۶۰		

شـــــرح	تعداد نفرات	در ماه ریال ازقرار نفری	میزان ماهیانه هرطبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
کتابخانه						
مدیر	۱	۱۶۴۰	۱۶۴۰	۱۹۶۸۰		
معاون	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
عضو	۴	بتفاوت	۲۰۵۰	۲۴۶۰۰		
ضبط راکد						
مسئول	۱	۷۳۰	۷۳۰	۸۷۶۰		
عضو	۱	۴۲۰	۴۲۰	۵۰۴۰		
مستخدمین جزء						
دربان باشی	۱	۴۵۰	۴۵۰	۵۴۰۰		
دربان	۴	بتفاوت	۱۴۶۰	۱۷۵۲۰		
مسئول امور برقی ومکانیکی	۱	۴۳۰	۴۳۰	۵۱۶۰		
تلفونچی	۱	۳۵۰	۳۵۰	۴۲۰۰		
پیشخدمت باشی	۱	۶۵۰	۶۵۰	۷۸۰۰		
پیشخدمت	۲۵	بتفاوت	۷۶۸۰	۹۲۱۶۰		
سرایدار باشی	۱	۶۵۰	۶۵۰	۷۸۰۰		
سرایدار	۱۹	بتفاوت	۵۲۰۰	۶۲۴۰۰		
آبدار باشی	۱	۶۵۰	۶۵۰	۷۸۰۰		
آبدار وسقا	۶	بتفاوت	۱۷۸۰	۲۱۳۶۰		
فراشباشی	۱	۶۵۰	۶۵۰	۷۸۰۰		
فراش	۱۲	بتفاوت	۲۷۸۰	۳۳۳۶۰		
باغبان باشی	۱	۳۷۰	۳۷۰	۴۴۴۰		
باغبان وگلکار	۸	بتفاوت	۲۰۷۰	۲۴۸۴۰	۶۰۴۶۸۰	

شـــــرح	تعداد نفرات	در ماه ریال از قرار نفری	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
قسمت دوم						
فوق‌العاده مأمورین کشیك تلگراف						
وپست ویکنفر فراش پست	۳	بتفاوت	۴۶۵	۵۵۸۰		
شهریه ورثه مرحومان نعمت‌الله‌خان						
پیشخدمت ومیرزا عبدالله فراش	۲	«	۲۱۰	۲۵۲۰		
اعتبار برای اضافات وترفیعات فقره						
۲ و ۳ مطابق تشخیص کمیسیون						
ترفیعات مجلس از آغاز سال ۱۳۱۲				۸۳۱۶۰	۹۱۲۶۰	
فقره (۴) ـ مصارف						
روشنائی وسوخت چراغ برق وساعت						
وبادزن برقی				۱۶۰۰۰		
آبدارخانه				۳۶۰۰۰		
تنظیف				۹۰۰۰		
ملزومات دفتری				۳۰۰۰۰		
طبع لوایح				۲۰۰۰۰		
طبع صورت مشروح مذاکرات مجلس				۳۰۰۰۰		
اعتبار کتابخانه برای خرید کتب و						
آبونه جرائد				۴۲۰۰۰		

شرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
مخارج ارسال مراسلات و مخابره						
تلگراف و تلفن				۸۰۰۰		
فوق‌العاده مستحفظین مجلس				۱۶۰۰۰		
ملبوس مستخدمین جزء				۲۷۰۰۰		
سوخت زمستانی				۲۰۰۰۰		
مخارج جشن ها				۱۷۰۰۰		
اعتبار مخارج پیش بینی نشده				۱۹۰۸۰		
ساختمان و تعمیرات ابنیه و خرید اثاثیه				۲۰۵۰۰۰		
حق بیمه				۱۲۰۰۰		
عیدی نوروز کارکنان مجلس				۸۱۶۰۰	۵۸۸۶۸۰	
جمع کل بودجه سال ۱۳۱۲ مجلس					۶۲۱۵۵۴۰	
تفصیل ماده دوم						
فقره (۱)						
مطبعه مجلس						
مدیر	۱	۱۴۴۰	۱۴۴۰	۱۷۲۸۰		
معاون	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
مسئول محاسبات مطبعه	۱	۷۴۰	۷۴۰	۸۸۸۰		
محاسب	۲	۴۲۰	۸۴۰	۱۰۰۸۰		

شـــــرح	تعداد نفرات	در ماه ریال از قرار نفری	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
مسئول انبار وصندوق نقود	۱	۶۸۰	۶۸۰	۸۱۶۰		
مفتش	۱	۵۲۰	۵۲۰	۶۲۴۰		
مصحح	۱	۵۲۰	۵۲۰	۶۲۴۰		
منشی واندیکاتورنویس ومسئول ضبط	۱	۳۷۰	۳۷۰	۴۴۴۰		
تحصلیدار	۱	۳۵۰	۳۵۰	۴۲۰۰		
فراش	۶	بتفاوت	۱۱۸۵	۱۴۲۲۰		
قسمت گراور سازی						
مسئول	۱	۷۹۰	۷۹۰	۹۴۸۰		
معاون	۱	۶۸۰	۶۸۰	۸۱۶۰		
نقاش ورتوشه گر	۱	۴۲۰	۴۲۰	۵۰۴۰		
عضو گراورسازی	۶	بتفاوت	۱۳۲۰	۱۵۸۴۰		
قسمت الکتریك						
مسئول	۱	۷۶۰	۷۶۰	۹۱۲۰		
عضو	۳	بتفاوت	۳۳۰	۳۹۶۰		
قسمت ماشینخانه						
مسئول	۱	۶۶۰	۶۶۰	۷۹۲۰		
معاون	۱	۲۵۰	۲۵۰	۳۰۰۰		
عضو	۲۱	بتفاوت	۳۲۷۵	۳۹۳۰۰		

شـــــرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
قسمت اشترو تیپی و کالوانو پلاستیك						
مسئول	۱	۲٦۰	۲٦۰	۳۱۲۰		
عضو	٤	بتفاوت	۳۸۰	٤٥٦۰		
قسمت حروفچینی						
مسئول	۱	٥۰۰	٥۰۰	٦۰۰۰		
عضو	۱۹	بتفاوت	۳۰۷۰	۳٦۸٤۰		
قسمت فرم بندی						
مسئول	۱	۳٦۰	۳٦۰	٤۳۲۰		
عضو	۱٤	بتفاوت	۲۳٦۰	۲۸۳۲۰		
قسمت صحافی						
مسئول	۱	۳٥۰	۳٥۰	٤۲۰۰		
عضو	۱٥	بتفاوت	۲۱٤۰	۲٥٦۸۰		
صحافی اوراق بهادار						
مسئول	۱	۳٥۰	۳٥۰	٤۲۰۰		
عضو	۲۰	بتفاوت	۲۱۰۰	۲٥۲۰۰		
قسمت افست و چاپ سنگی						
مسئول	۱	٦٥۰	٦٥۰	۷۸۰۰		
عضو	۷	بتفاوت	۹۹۰	۱۱۸۸۰		
اعتبار اضافه کاری کلیه قسمتهای فنّی مطبعه				۳۲٦٤۰		

شـــــرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهیانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
اجرت کارگران کنتراتی	—	—	—	۱۲۰۰۰		
اعتبار برای اضافات و ترفیعات مطابق تشخیص کمیسیون ترفیعات مجلس از آغاز سال ۱۳۱۲	—	—	—	۱۱۵۲۰	۴۱۰۸۸۰	
فقره (۲)						
مرکب وروغن وژلاتین و نفت وغیره				۱۰۰۰۰۰		
سوخت زمستانی				۸۰۰۰		
اعتبار فوق العاده				۱۲۰۰۰	۱۳۸۹۸۰	
عیدی نوروز کارکنان مطبعه				۱۸۹۸۰	۵۴۹۸۶۰	
جمع کل ماده اول ودوم بودجه مجلس					۶۷۶۵۴۰۰	

اینصورت ضمیمه قانون بودجه سال ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی بوده وصحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

سیصد هزار ریال اعتبار اضافی برای مخارج عمران و تخته قاپو کردن عشایر

مصوب ۱۱ تیرماه ۱۳۱۲

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ سیصد هزار (۳۰۰۰۰۰) ریال برای مخارج عمران و تخته قاپو کردن عشایر علاوه بر اعتباریکه در بودجه هذه‌السنه مملکتی منظور است از محل ذخیره مملکتی بریال بمصرف برساند.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه یازدهم تیرماه یکهزاروسیصدو دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع باعتبار منظوره جهت کتابخانه تبریز

مصوب ۱۵ شهریور ماه ۱۳۱۲

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از محل اعتبار خرید کتب که تحت ماده ۱۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ بتصویب رسیده مبلغ بیست هزار ریال با نظارت وزارت معارف بمصرف تهیه قفسه وسایر اثاثیه کتابخانه تبریز برساند.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه پانزدهم شهریور ماه یکهزارو سیصدو دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع بتجارت اجناس دخانیه و بودجه ششماهه ثانی مؤسسه دخانیات در سال ۱۳۱۲

مصوب ۲ مهرماه ۱۳۱۲

ماده‌واحده ـ ۱ ـ دولت مجاز است تاآخر سال ۱۳۱۲ بااخذ حقوق مقرر در قانون ۱۹ آبان ۱۳۱۱ تجارت توتون سیگارو تهیه سیگار را درحدود مقررات‌مربوطه بتجار واگذار نماید .

۲ ـ تعقیب مرتکبین قاچاق اجناس دخانیه و وصول جرائم مقرره مشمول مواد ۵ و ۶ و ۷ و ۹ قانون اصلاح قانون انحصار دولتی تریاك مصوب ۴ مرداد ۱۳۱۱ خواهد بود .

۳ ـ وزارت مالیه مجازاست بودجه ششماهه ثانی هذه‌السنه مؤسسه دخانیات را درحدود مبلغ یك میلیون وهشتصد وپنجاه هزار ریال (۱۸۵۰۰۰۰ ریال) ازاعتبار صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۲ وزارت مالیه و بودجه ششماهه اول انحصار دخانیات و ذخیره موجود آن‌تأمین وبرطبق بودجه تفصیلی که بتصویب کمیسیون بودجه خواهد رسید پرداخت نماید .

این‌قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه دوم مهرماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح بودجه سال ۱۳۱۲ صحیه کل مملکتی

مصوب ٤ آبان ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ بودجه سال ۱۳۱۲ صحیه کل بطریق ذیل اصلاح میشود

کسر میشود :

از ماده (۱) قسمت اول (فصل اول مرکز) حقوق مأمورین فوق رتبه ومستخدمین رسمی	۵۸۷۵۰ ریال
از ماده (۲) قسمت اول (فصل اول مرکز) حقوق مستخدمین کنتراتی	۲۸۶۰۰ ریال
از ماده (۲۳) فصل دوم اغذیه مریضخانه‌های مرکز	۲۶۶۵۰ ریال
ازماده (۱) قسمت دوم (فصل اول ولایات) حقوق مأمورین فوق رتبه ومستخدمین رسمی	۵۳۷۵۰ ریال
از ماده (۲) قسمت دوم (فصل اول ولایات) حقوق مستخدمین کنتراتی	۱۷۵۰۵۰ ریال
از ماده (۱۷) قسمت دوم (فصل دوم ولایات) خرج سفر وفوق‌العاده اعاشه وانتقال	۱۷٤۰۰ ریال
از ماده (۲۳) (فصل دوم ولایات) اغذیه مریضخانه‌ها	۹۰۰۰ ریال
از ماده (۲۷) قسمت دوم (فصل دوم ولایات) مصارف اداری پستهای صحی	۲۱۵۰۰ ریال
از ماده (۲۳) قسمت دوم (فصل سوم ولایات) اعتبار مخارج فوق العاده قرانطینه ها در موقع اپیدمی	۳۰۰۰۰ ریال

از ماده (٤) فقره دوم (مخارج غیر ثابت) اعتبار ساختمان مریضخانه طهران ۱۳۰۵۵۰ ریال

از ماده (١٤) فقره دوم (مخارج غیر ثابت) اعتبار جهت تأسیس لابراتوار ادویه تقلبی ۵۰۰۰۰ ریال

جمع ۶۰۱۲۵۰ ریال

اضافه میشود:

بماده (۲) قسمت دوم (فصل اول ولایات) حقوق مستخدمین کنتراتی ودون رتبه ۲۳۸۹۵۰ ریال

بماده (۱۷) قسمت دوم (فصل اول ولایات) خرج سفر و فوق‌العاده اعاشه و انتقال ۸۰۰۰۰ ریال

بماده (۲۲) قسمت دوم (فصل اول ولایات) خرید دوا ولوازم پانسمان ۸۰۰۰۰ ریال

مصارف مریضخانه موقتی درطهران (صد تختخوابی) از حیث حقوق وغیره ۲۰۲۳۰۰ ریال

جمع ۶۰۱۲۵۰ ریال

تبصره ـ وزارت داخله مجاز است صرفه جوئیهای تاآخر سال ۱۳۱۲ موادفوق را که اضافه شده بمصرف تکمیل مریضخانه صدتختخوابی وخرید زمین برای‌تأسیس مریضخانه برساند.

این‌قانون‌از دهم آبان‌ماه اجرا ووزارت داخله‌مجازاست حقوق مستخدمین‌صحیه را که تاآن تاریخ مشغول خدمت هستند از اعتبارات مربوطه کماقی‌السابق بپردازد.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه چهارم آبانماه یکهزاروسیصد ودوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح بودجه سال ۱۳۱۲ صحیه کل مملکتی

مصوب ۱٤ آبانماه ۱۳۱۲

ماده‌واحده ـ بودجه سال ۱۳۱۲ صحیه کل مملکتی بشرح ذیل اصلاح میشود:

موضوع میشود :

از محل ماده ٤ قسمت اول فصل (۱) اعتبار حق‌الکفاله وحقوق مرخصی وحقوق ایام انتقال ومأمورین مرکز	۳۵۰۰ ریال
از محل ماده ۷ قسمت اول فصل (۱) اعتبار جبران خسارت مالی وجانی مستخدمین در راه ایفاء وظیفه	۱۰۰۰۰ ریال
ازمحل ماده ۱۰ قسمت اول فصل (۱) اعتبار جبران و ترمیم کسر مواد ازیك الی نه	۲۰۰۰۰ ریال
از محل ماده ۳۹ قسمت اول فصل (۳) اعتبار جبران کسر مواد از یازده الی سی‌وهشت	۱۰۰۰۰ ریال
از محل ماده ٤ قسمت دوم فصل (۱) اعتبار حق‌الکفاله و حقوق مرخصی وایام انتقال مأمورین ولایات	۳۵۰۰ ریال
از محل ماده ۱۰ قسمت دوم فصل (۱) اعتبار جبران کسر مواد ازیك الی نه	۱۰۰۰۰ ریال
از محل ماده ۳۵ قسمت دوم فصل (۳) اعتبار جبران کسر مواد از یازده الی سی‌وچهار	۳۰۰۰۰ ریال
از محل ماده ۳ مخارج غیر ثابت اعتبار خرید اراضی و ساختمانهای قرانطینه	٦۰۰۰۰ ریال
جمع	۱٤۷۰۰۰ ریال

اضافه میشود :

١ ــ بماده ٥ مخارج غیرثابت اعتبار خرید اراضی وساختمان سنا تاریوم آب معدنی رودهن واجرت متخصص وخرج سفر مفتشین وتهیه ماشین آلات ١٠٧٠٠٠ ریال

٢ ــ بماده ٦ جهت مبارزه برضد مالاریا ٤٠٠٠٠ ریال

جمع ١٤٧٠٠٠ ریال

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه چهاردهم آبانماه یکهزاروسیصد ودوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

راجع بتکمیل بیمارستان رازی و خرید زمین برای مریضخانه ها

مصوب ٢٧ اردیبهشت ماه ١٣١٣

ماده واحده ــ وزارت داخله مجاز است باتکاء تبصره ذیل قانون ٤ آبان ١٣١٢ اصلاح بودجه صحیه کل آنچه از مبلغ ششصدویکهزارو دویست‌وپنجاه ریال اقلام اضافه صرفه جوئی داشته باشد در سنه مالی ١٣١٣ بمصرف تکمیل بیمارستان رازی وخرید زمین برای مریضخانه‌ها برساند .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و هفتم اردیبهشت ماه یکهزارو سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

اجازه پرداخت تعهدات معوقه وزارت پست و تلگراف

از محل بودجه سال ۱۳۱۲

مصوب اول آذرماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است مبلغ ۵٤۸٦٦٦/٦۰ ریال تعهدات معوقه وزارت پست و تلگراف و تلفن را بشرح صورت ضمیمه پس از رسیدگی و تصدیق صحت آن از محل پانصد وهشتاد هزار ریال (۵۸۰۰۰۰) اعتباریکه ضمن ماده دو فقره دوم بودجه ۱۳۱۲ وزارت پست و تلگراف منظور شده است تأدیه نماید.

این که مشتمل بر یك ماده وصورت ضمیمه است درجلسه اول آذرماه یکهزارو سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

صورت ضمیمه قانون اجازه پرداخت تعهدات معوقه وزارت پست و تلگراف از محل بودجه سال ۱۳۱۲

شـــــرح	درجه تاریخ ایجاد شده	مبلغ ریال	مبلغ د	ملاحظات
قیمت ۴۹۳ ذرع پارچه ارباب کیخسرو وشهریار	۱۳۰۷	۲۱۸۹	۱۵	
تتمه اضافه حقوق آقای حق‌شناس از فروردین لغایت بهمن	۱۳۰۶	۴۸۰۰		
حقوق‌وعوارض گمرکی مصالح‌وارده درسال۱۳۰۷	۱۳۰۷	۲۵۳۹	۲۵	
مخارج حمل اثاثیه تلگرافخانه هند واروپ طلب دفتر زاهدان	۱۳۰۹	۴۷۶		
طلب مشهدی عبدالله بابت قیمت سنگ خاقانی بی‌سیم نجف آباد	۱۳۰۹	۳۳۳	۷۵	
طلب سید محمد حجار بابت قیمت سنگ	۱۳۱۰	۴۷۳	۶۰	
حقوق وعوارض گمرکی مصالح وارده سال‌در۱۳۰۷	۱۳۰۷	۹۰۹۳۳	۳۵	
خرج سفر ازسلدوز بتبریز ابوالقاسم‌خان‌احسانی	۱۳۱۰	۱۷۲		
حق‌الکفاله آقای میر موسی خان حجازی	۱۳۰۵/۶	۳۲۷۶		
تتمه حق‌الزحمه استاد باقر معمار درشیراز	۱۳۰۹	۱۲۲	۵۰	
حقوق‌وعوارض‌گمرکی مصالح وارده‌درسال۱۳۱۱	۱۳۱۱	۶۶۰۹۶	۴۰	
کرایه دفترپست و تلگراف رشت درسال ۱۳۱۱	۱۳۱۱	۹۶۰۰		
کرایه حمل سیم و مقره از بندر پهلوی بهمدان	۱۳۰۷	۶۸۰۹	۸۰	
طلب اداره ملزومات‌کل بابت طبع تمبر و اوراق بهادار	۱۳۱۰	۳۲۹۴۴۳	۲۵	

شـــــرح	درجه تاریخ ایجاد شده	مبلغ د	مبلغ ریال	ملاحظات
اثاثیه دفتر خرم آباد در سال ۱۳۰۷	۱۳۰۷		۳٤۰	
اسفالت ریزی جلو عمارت وزارتی طلب بلدیه طهران	۱۳۱۱	۲۰	٤۰۸۷	
تتمه طلب کمپانی ژنرال بابت قیمت آلات و ادوات	۱۳۱۰		۷٦۷٦	٦۹۰۹ فرانك
حق الشرب سه ساله ٦-۷-۸ بی‌سیم کرمان	۱۳۰٦ ۷ ۸		۹۰۰	
کسری اعتبار ماده ۲۲ بودجه ۱۳۱۱ بابت نفط و بنزین بی‌سیم		۲۵	۵۷۷۹	
مال‌الاجاره دفتر خرم دره	۱۳۰۸-۹/۱۰		۱۰٤۰	
تتمه خرج سفر آقای خواجه نوری درسال ۱۳۱۱	۱۳۱۱		۱٦٦۵	
تتمه مخارج جشن تولد اعلیحضرت همایونی	۱۳۱۱	۳۰	۸۵۷۰	
مخابرات از خرداد لغایت اسفند طلب وزارت خارجه	۱۳۱۱	۸۰	۱۲۵۸	۱۲۵۸/۸۰
کسری قیمت پنجهزار کوپن رپنس درسال ۱۳۱۰	۱۳۱۰		۸۵	
	جمع	٦۰	۵٤۸٦٦٦	

صورت فوق ضمیمه قانون اجازه پرداخت تعهدات معوّقه وزارت پست و تلگراف از محل بودجه سال ۱۳۱۲ بوده وصحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه پرداخت بقیه قیمت و مخارج تعمیر اتومبیلهای وزارت داخله

مصوب ۱۹ آذر ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است مبلغ پانزده هزار ریال بقیه قیمت دو دستگاه اتومبیل اسکس و دج را که درسنوات ماضیه خریداری شده و بقیه وجه تعمیر اتومبیل حکومت اصفهان که بکمپانی زیگلر مقروض میباشد از اعتباریکه در ماده ۲ مخارج غیرثابت بودجه سال ۱۳۱۲ وزارت داخله منظور شده بپردازد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه نوزدهم آذر ماه یکهزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اضافه اعتبار قیمت تلگرافات وزارتین عدلیه و داخله و ادارات تجارت ونظمیه وصحیه کل مملکتي

مصوب ۱۹ آذر ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است مبلغ سیصد و شانزده هزار و پانصد ریال (۳۱٦۵۰۰ ریال) بجزء ذیل برای قیمت تلگرافات داخلی وزارت عدلیه و اداره تجارت و وزارت داخله و ادارات نظمیه وصحیه کل مملکتی :

وزارت عدلیه	۳۸۰۰۰ ریال
اداره کل تجارت	۲۸۵۰۰ ریال

وزارت داخله ۸۰۰۰۰ ریال
اداره تشکیلات نظمیه ۱۵۰۰۰۰ »
صحیه کل مملکتی ۲۰۰۰۰ »

۳۱۶۵۰۰ ریال

علاوه برمبلغ منظور در بودجه ۱۳۱۲ تأدیه نموده و مبلغ مذکور را جمعاً و خرجاً در بودجه مملکتی اضافه نماید بنابراین اولا ــ بودجه ۱۳۱۲ کل مملکتی بشرح ذیل اصلاح میشود :

باب اول : عایدات

شـــــرح	مبلغ مصوب ۱۳۱۲ بریال	اضافه می شود بریال	جمع بریال
جزء سوم از قسمت ۱۵ اجرت مخابرات دولتی	۱۶۱۵۰۰۰	۳۱۶۵۰۰	۱۹۳۱۵۰۰

باب دوم : مخارج

شـــــرح	مبلغ مصوب ۱۳۱۲ بریال	اضافه می شود بریال	جمع بریال
جزء اول قسمت ۶ (اعتبار بودجه وزارتعدلیه)	۱۲۵۵۱۲۸۰	۳۸۰۰۰	۱۲۵۸۹۲۸۰
جزء اول قسمت ۵ (اعتبار بودجه وزارتداخله)	۶۳۴۵۵۰۰	۸۰۰۰۰	۶۴۲۵۵۰۰
جزء دوم از قسمت ۵ (اعتبار بودجه نظمیه مملکتی)	۲۳۲۴۶۱۳۰	۱۵۰۰۰۰	۲۳۳۹۶۱۳۰
جزء سوم از قسمت ۵ (اعتبار بودجه صحیه)	۱۰۴۱۳۵۲۰	۲۰۰۰۰	۱۰۴۳۳۵۲۰
جزء اول از قسمت ۱۱ (اعتبار بودجه اداره کل تجارت)	۲۳۳۸۹۴۰	۲۸۵۰۰	۲۳۶۷۴۴۰

ثانیاً ــ بودجه تفصیلی وزارت عدلیه ووزارت داخله و ادارات نظمیه و صحیه کل مملکتی واداره کل تجارت نیز در قسمت اعتبار مربوط بشرح ذیل تغییر پیدا میکنند :

شـــــرح	مبلغ مصوب ۱۳۱۲ بریال	اضافه می شود بریال	جمع بریال
بودجه وزارت عدلیه : ماده ۱۵ قسمت اول	۳۲۵۰۰	۲۰۰۰۰	۵۲۵۰۰
قسمت دوم	۳۲۰۰۰	۱۸۰۰۰	۵۰۰۰۰
بودجه وزارت داخله : ماده ۱۵ از قسمت اول	۳۳۹۵۰۰	۸۰۰۰۰	۴۱۹۵۰۰
بودجه نظمیه مملکتی : ماده ۱۵	۱۷۶۵۱۲	۱۵۰۰۰۰	۳۲۶۵۱۲
بودجه صحیه کل مملکتی : ماده ۱۵ از قسمت اول	۱۲۱۰۰۰	۲۰۰۰۰	۱۴۱۰۰۰
بودجه اداره کل تجارت : ماده ۱۵	۱۹۰۰۰	۲۸۵۰۰	۴۷۵۰۰

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه نوزدهم آذرماه یکهزار وسیصد ودوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون اصلاح بودجه سال ۱۳۱۲ وزارت امور خارجه

مصوب ۱۹ آذر ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ــ وزارت مالیه مجاز است مبلغ پانصد و نود هزار و دویست و چهل ریال (۵۹۰۲۴۰) بشرح صورت ضمیمه از اعتبارات بودجه ۱۳۱۲ وزارت امور خارجه کسر و باعتبارات دیگر بودجه مذکور برطبق صورت ضمیمه اضافه وتأدیه نماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده وصورت ضمیمه است در جلسه نوزدهم آذرماه یکهزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

صورت ضمیمه قانون اصلاح بودجه

الف ـ از موادی که کسر میشود:

قسمت	فصل	ماده	شرح	اصل اعتبار ریال	مبلغیکه کسر می شود ریال	باقی اعتبار ریال
۲	۱	۱	حقوق مأمورین فوق رتبه ومستخدمین رسمی	۲۱۷۸۳۶۰	۵۹۵۴۰	۲۱۱۸۸۲۰
۲	۱	۲	حقوق مستخدمین کنتراتی ودون رتبه و مستخدمین جزء وغیره	۲۵۴۳۱۴۸	۳۰۰۰	۲۵۴۰۱۴۸
۲	۱	۴	حقوق مرخصی و حقوق ایام خدمت	۶۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰
۲	۱	۵	فوق العاده بدی آب وهوا	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۲	۱	۶	سایر فوق العاده ومدد معاش مأمورین	۴۳۹۴۳۹۰	۹۲۲۵۰	۴۳۰۲۱۴۰
۲	۱	۹	برای کمك و مساعدت بمستخدمین بی بضاعت	۱۰۰۰۰	۴۹۵۰	۵۰۵۰
۲	۱	۱۰	اعتبار برای جبران کسر مواد۱ الی ۹	۱۵۸۰۰۰	۱۵۴۰۰۰	۴۰۰۰
۲	۲	۲۴	اعتبار مصارف قنسولگریهای رسمی وافتخاری	۹۹۴۶۵۰	۱۵۰۰	۹۹۳۱۵۰
۲	۲	۲۶	اعتبار جبران کسر مواد ۱۱ الی ۲۵	۴۳۴۸۱۰	۴۰۰۰۰	۳۹۴۸۱۰
فقره دوم غیر ثابت		۲	اعتبار برای پرداخت مخارج ساختمان ومرمت ابنیه در خارجه	۳۰۰۰۰۰	۱۹۵۰۰۰	۱۰۵۰۰۰
			جمع	۱۱۰۹۳۳۵۸	۵۹۰۲۴۰	۱۰۵۰۳۱۱۸

سال ۱۳۱۲ وزارت امور خارجه

ملاحظات
از این اعتبار مبلغ ۲۳۲۰۵۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۵٤۷۰ پهلوی
معادل ۱۵۰ پهلوی
از باقی اعتبار مبلغ ۲۲۵۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است
ازباقی اعتبار مبلغ ٤۰۹۷٦۹۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۲۷۳۱۷/۹۳/۳۵ پهلوی
از باقی اعتبار مبلغ ۲۵۵۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۷ پهلوی
معادل ۵۷٦۷ پهلوی
از این اعتبار مبلغ ۸٦۵۰۵۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۲٤٦۹/٤۰ پهلوی
از این اعتبار مبلغ ۳۷۰٤۱۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است
این اعتبار تماماً محدودبتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۷۰۰ پهلوی

ب - بموادی که اضافه میشود :   صورت ضمیمه قانون اصلاح بودجه

قسمت	فصل	ماده	شرح	اصل اعتبار ریال	مبلغیکه اضافه می شود ریال	جمع ریال
١	١	١	حقوق مأمورین فوق رتبه و مستخدمین رسمی	١٣٥٠٨٤٠	١٢٠٢٤٠	١٣٦٣٠٨٠
١	١	١٧	خرج سفر وفوق العاده اعاشه و انتقال	٥٦٠١٠٠	١٨٣٣١٠	٧٤٣٤١٠
١	٣	٣٤	اعتبار برای تفتیش و تبلیغات اعم از حقوق ومصارف وخرج سفر وغیره		١٠٠٠٠٠	١٠٠٠٠٠
٢	١	١	حقوق مأمورین فوق رتبه و مستخدمین رسمی	٢١٧٨٣٦٠	٢٨٩٢٠	٢٢٠٧٢٨٠
		٢	حقوق مستخدمین کنتراتی ودون رتبه و مستخدمین جزء و غیره	٢٥٤٣١٤٨	١٠٩٥٠	٢٥٥٤٠٩٨
٢	١	٦	سایر فوق العاده‌ها ومدد معاش مأمورین	٤٣٩٤٣٩٠	٣٥٨٢٠	٤٤٣٠٢١٠
٢	١	٢٤	اعتبار مصارف قنسولگریهای رسمی و افتخاری	٩٩٤٦٥٠	٥٤٠٠٠	١٠٤٨٦٥٠
٢	١	٣	اعتبار تعویض وتکمیل اتومبیل و اثاثیه نمایندگیها در خارجه .	٧٠٠٥٠٠	١٦٥٠٠٠	٨٦٥٥٠٠
فقره دوم غیر ثابت			جمع	١٢٧٢١٩٨٨	٥٩٠٢٤٠	١٣٣١٢٢٢٨

صورت فوق ضمیمه‌قانون اصلاح بودجـه سال ١٣١٢ وزارت امورخارجه بوده و

سال ۱۳۱۲ وزارت امور خارجه

ملاحظات

بر تعداد نود و هفت نفر اعضای مرکزی وزارت امور خارجه ٤ نفر دارای رتبه های ۷ و ٦ و ٤ و ۲ برای مدت سه ماه آخر سال اضافه میشود .

از این اعتبار مبلغ ٦٧٨٦١٠ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ٤٥٢٤/٠٦/٦٧ پهلوی

از این اعتبار مبلغ ۹۰۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ٦۰۰ پهلوی

بجای سه رتبه ۸ سه رتبه ۹ و بجای دو رتبه ۷ و یکرتبه ٦ سه رتبه ۸ تعیین و دو رتبه ۷ برای قنسولگریهای جدید التأسیس برای مدت سه ماه آخرسال اضافه میشود

از این اعتبار مبلغ ۲۳۳۱٤٥۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱٥٤٤۳ پهلوی

از این اعتبار مبلغ ٤۲۷۱۲۱۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۲۸٤۷٤/۷۳/۳٥ پهلوی

از این اعتبار مبلغ ۸٦٦٥۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ٥۷۷۷ پهلوی

این اعتبار تماماً محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ٥۷۷۰ پهلوی

صحیح است . رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

چهار صد و پنجاه هزار ریال اعتبار اضافي برای کسر مخارج محبوسین

مصوب ۱۷ دیماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است علاوه بر اعتباری کـه در ماده ۲۳ از فصل دوم بودجه ۱۳۱۲ تشکیلات نظمیه کل مملکتی برای مخارج محابس و نگاهداری محبوسین منظوراست چهار صد و پنجاه هزار ریال (٤٥٠٠٠٠) دیگر ازصرفه‌جوئیهای بودجه ۱۳۱۲ تشکیلات نظمیه برای کسر خرج مزبور بپردازد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه هفدهم دیماه یکهزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح بودجه سال ۱۳۱۲ تشکیلات کل نظمیه

مصوب ۲٤ دیماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است کـه مبلغ یکصد هزار ریال از اعتبار ماده ۱ فصل اول بودجه سال ۱۳۱۲ تشکیلات کل نظمیه کسر و بماده ۱۰ (اعتبار ترمیم و کسر مواد ۱ الی ۹) اضافه نماید .

این **قانون** که مشتمل بریکماده است در **جلسه** بیست وچهارم دیماه یکهزارو سیصد و دوازده بتصویب مجلس **شورای ملی** رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه پرداخت تعهدات معوقه تشکیلات نظمیه

از محل بودجه سال ۱۳۱۲

مصوب ۲٤ دیماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است از مبلغ پنجاه هزار ریال **اعتباری** که برای **پرداخت** تعهدات معوّقه بلامحل دربودجه سال۱۳۱۲ تشکیلات کل **نظمیه** منظور است مطابق صورت جزءِ ضمیمه دیون معوّقه آن اداره را **بپردازد** .

این **قانون** که مشتمل بریك ماده وصورت ضمیمه است درجلسه بیستوچهارم دیماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

صورت مطالبات معوّقه تشکیلات کل نظمیه مملکتی که از محل پنجاه هزار ریال پرداخت خواهد شد

نمره ترتیب	شرح	مبلغ دینار	مبلغ ریال	ملاحظات
١	خرج سفر سرهنگ فضل‌الله خان آقا خانی در ١٣٠٩ و ١٣١٠	٣٠	٣٤٣٣	
٢	فوق‌العاده میرزا حبیب‌الله‌خان شهردار در ١٣١٠		٣٤٠	
٣	مخارج سفر » » » » »		٩٦٦	
٤	کرایه خانه صحیه از ٢٥ الی آخر دیماه ١٣١٠		١٨٠٠	
٥	» » » » در مهر ماه ١٣١٠		١٢٠٠	
٦	» » » از اول آبان لغایت ٢٥ آذر ١٣١٠		٢٢٠٠	
٧	بابت مخارج حمل کلاه بخوزستان	٢٥	١٧٠	
٨	مخارج مراجعت ذبیح‌الله خان مقصودی		٨٠	
٩	قیمت چراغ گردسوز		١٠٦	
١٠	خرج سفر غلامحسین خان بهزادی		٢٤٠	
١١	مخارج مسافرت نایب حسینخان ومصاحبش	٥٠	١٩٩١	
١٢	اجرت دوخت لباس محبوسین		٤١٧	
١٣	» زنك وپیچ وغیره		٣٥٠	
١٤	» عملجات کارخانجات ومحبس مرکزی		٢٣٢٥	
١٥	» » محبس مرکزی	٥٠	١٠٠٩	
١٦	قیمت آهن گلخانه	٦٠	٢٥٨٣	
١٧	اجرت عملجات محبس مرکزی		١٦٣٩	

نمره ترتیب	شـــــرح	مبلغ دینار	مبلغ ریال	ملاحظات
١٨	قیمت چرخ کفاشی وخیاطی	٣٥	٤٨٧٥	
١٩	اجرت روزانه پسر ابراهیم نجار	٢٠	٦٥٣	
٢٠	« عملجات	٥٠	٤٤٠١	
٢١	قیمت چوب خریداری جهة کارخانجات		٦١٨	
٢٢	اجرت عملجات		٤٠٣٧	
٢٣	« «	٥٠	٢٤٥	
٢٤	بقیه مخارج چراغانی در ١٣١١	٦٠	٤٦٨٢	
٢٥	بابت خرج سفر سرهنگ سهیلی از طهران بکردستان		٦٧٢	
٢٦	بابت خرج سفر احمدخان فرخ فال از بیرجند بتهران		٨٧٢	
٢٧	بابت خرج سفر سلطان محمد کاظم میرزا جهانسوزی از طهران بکردستان		٥٦٠	
٢٨	بابت خرج سفر دو نفر آژان مأمور شاهی سید حسنخان نمره ١٠٢ و محمد حسینخان نمره ٥		٣١٤	
٢٩	اجرت ٢٩ روزه اسفند ١٣١١ آشپز مدرسه		٣٢٠	
٣٠	قیمت دوای حبیب‌الله آژان		٢١٠	
٣١	طلب کمپانی آ. ا. گ. بابت لوازم چراغ برق بمبلغ ٥١٥٠/٢٠ ریال		١٢١٠	فعلا اینمبلغ داده میشود

نمره ترتیب	شــــــــرح	مبلغ دینار	مبلغ ریال	ملاحظات
۳۲	طلب استاداحمد آهنکوب بابت شیروانی محبس ۸۲۰۰ ریال	۷۵	۳۰۴۳	فعلا اینمبلغ داده میشود
۳۳	بابت بقیه مخارج اتومبیل نظمیه رشت در ۱۳۱۰	۷۰	۶۷۸	
۳۴	بابت حقوق سلطان احمد خان فولادی در ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸	۲۵	۱۷۵۵	
	جمع کل		۵۰۰۰۰	

صورت فوق ضمیمه قانون اجازه پرداخت تعهدات معوّقه تشکیلات کل نظمیه از محل بودجه سال ۱۳۱۲ بوده و صحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

راجع بحقوق ومخارج دیوان محاسبات درسال ۱۳۱۲

مصوب ۸ بهمن ماه ۱۳۱۲

ماده‌واحده ـ وزارت مالیه مجاز است اعتباراتی راکه جهت حقوق و مخارج دیوان محاسبات درسال ۱۳۱۲ لازم است از محل اعتبارات بودجه ۱۳۱۲ وزارت‌مالیه وادارات ومؤسسات تابعه آن‌بدون رعایت تقسیماتی که در بودجه های مذکور منظور شده است تأمین وتأدیه نماید.

این قانون‌که مشتمل بریك‌ماده است درجلسه هشتم‌بهمن ماه یکهزاروسیصدو دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اصلاح بودجه ۱۳۱۲ وزارت پست وتلگراف

مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۲

ماده‌واحده ـ وزارت مالیه مجاز است مبالغ ذیل را از بودجه وزارت پست و تلگراف کسر :

ماده ۴ ـ از فقره دوم ۴۲۷۵۰۰ ریال معادل ۲۸۵۰۰ پهلوی

ماده ۵ ـ از فقره دوم ۲۵۷۵۰۰ ریال

جمع ۶۸۵۰۰۰ ریال

وبشرح ذیل اضافه نماید :

ماده ۲۳ ـ از فقره اول ۴۰۰۰۰۰ ریال

ماده ۸ ــ از فقره دوم بابت تعمیر

سیمهای کابل درسنه ۱۳۱۰ ۲۸۵۰۰۰ ریال معادل ۱۹۰۰ پهلوی

جمع ۶۸۵۰۰۰ ریال

این قانون که‌مشتمل بریك ماده‌است درجلسه بیست و ششم اسفندماه یکهزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

بودجه کل سال ۱۳۱۳ مملکتی

مصوب ۱۳ اسفند ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ــ مجلس‌شورای ملی بودجه سال ۱۳۱۳ مملکتی را (به استثنای عایداتی که ازمنابع نفتی‌ایران وصول وپس از وضع یك میلیون و پانصد هزار ریال که درقسمت عایدات بودجه ۱۳۱۳ مملکتی‌منظور شده‌بقیه آن بحساب ذخیره مملکتی منظور خواهد شد) مطابق صورت ضمیمه که از حیث عایدات بمبلغ ششصدو بیست و یك‌میلیون وچهارصدوسیزده هزاروچهارصد وهفده ریال وازحیث‌مخارج بمبلغ ششصد و بیست و یك میلیون و سیصدو هفت هزار وهشتصدو شصت و پنج ریال بالغ میباشد تصویب وبوزارت مالیه اجازه میدهد که‌مخارج مملکتی‌را اعم ازحقوق ومصارف درسال ۱۳۱۳ درحدوداعتبارات مصوب درصورت ضمیمه ومطابق بودجه‌های‌تفصیلی‌سال۱۳۱۲ تاحدی که اعتبارات مصوبه در بودجه های مزبور ضمن بودجه های ۱۳۱۳ نیز منظور شده‌باشد بپردازد تاوقتیکه بودجه‌های‌تفصیلی ۱۳۱۳ که باید تااول اردی بهشت سال

مذکور بمجلس شورای ملی تقدیم گردد بکمیسیون بودجه مجلس ارجاع شود ومادام که بودجه های تفصیلی از تصویب کمیسیون بودجه نگذشته مخارج مزبوره را مطابق بودجه های پیشنهادی و پس از تصویب کمیسیون برطبق آنچه که تصویب شده است بپردازد. پرداخت مخارج مزبوره ازاول اردیبهشت سال ۱۳۱۳ موکول بتقدیم بودجه‌های تفصیلی بمجلس شورای ملی خواهد بود.

و نیز بوزارت مالیه اجازه‌داده میشود دومیلیون لیره ازمحل ذخیره مملکتی برای خرید و تکمیل مهمّات قشونی تأدیه نموده وپرداختهائی را هم‌که ازمحل ذخیره مملکتی برای این منظور قبلا بانتظار تصویب اضافه اعتبار بعمل آمده است بابت این اعتبار محسوب نماید.

این قانون که مشتمل بر یك ماده وصورت ضمیمه است درجلسه سیزدهم اسفندماه یکهزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

صورت ضمیمه قانون بودجه کل سال ۱۳۱۳ مملکتی

باب اول: عایدات

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
۱		**وزارت مالیه**		
		مالیات مستقیم		
	۱	الف ـ مالیات املاك مزروعی	٤١٥٠٠٠٠٠	
		ب ـ بقایای مالیات فوق	٣٥٠٠٠٠٠	
		ج ـ باز خرید منال خالصجات انتقالی	٥٠٠٠٠٠	
	۲	مالیات برعایدات وحق تمبر	٥٥٠٠٠٠٠٠	
	۳	عواید قانونی متفرقه مستقیم	١٥٠٠٠٠٠	
		مالیات غیر مستقیم		
	٤	ذبایح	٨٠٠٠٠٠٠	
	٥	رسومات	١٨٠٠٠٠٠٠	
	٦	مالیات حق الثبت وعوارض وسایط نقلیه از مستقیم و غیرمستقیم	١٠٠٠٠٠٠٠	
	٧	متفرقه غیرمستقیم	٦٥٠٠٠٠	
		گمرکات		
	٨	حقوق واردات وصادرات گمرکی	١٦٠٠٠٠٠٠٠	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
		عوائد انحصاری		
	۹	عواید تجارتی قند و شکر	۷۰۰۰۰۰۰۰	
	۱۰	« « کبریت	۳۵۰۰۰۰۰	
	۱۱	« انحصار تریاك	٦۰۰۰۰۰۰۰	
	۱۲	« « دخانیات	٥٥۰۰۰۰۰۰	
		عواید امتیازات		
	۱۳	حق‌الامتیاز تلفن	۱٥۰۰۰۰	
	۱٤	« خاك سرخ	٥۰۰۰۰۰	
	۱٥	حق‌الامتیاز و عایدات دولت از کمپانی شیلات	۹۰۰۰۰۰۰	
	۱٦	منافع سهام دولتی از نفت جنوب	۱٥۰۰۰۰۰	
	۱۷	عواید متفرقه امتیازات	۳۲٥۰۰۰۰	
	۱۸	بقایای امتیازات	٦٤۷۰۰۰۰۰	
	۱۹	حقوق نماینده دولت در نفت جنوب که کمپانی باید بپردازد .	۲۰۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
		سهام و منافع دولتی		
	۲۰	منافع سهام دولتی از بانك ملی	٤۸۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
	۲۱	« « « « فلاحتی	۱۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
	۲۲	منافع وجوه دولتی در بانکها	۱۰۰۰۰۰۰	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
	۲۳	منافع ذخیره مسکوك نیکل	٥۰۰۰۰	
	۲٤	« سهام دولتی ازشرکت پنبه پرس خلویك	٥۰۰۰۰	
		خالصجات و معادن و غیره		
	۲٥	خالصجات	۱۹٥۰۰۰۰۰	
	۲٦	معادن	۲٤٥۰۰۰۰	
	۲۷	جنگلها	۲۰۰۰۰۰۰	
	۲۸	شیلات داخلی	٤۳۰۰۰۰	
	۲۹	بقایای متفرقه معادن ـ جنگلها ـ شیلات داخلی وغیره	۲۰۰۰۰۰	
		عواید انتقالی از وجوه مخصوصه		
	۳۰	صدی سه مخارج وصول مالیات راه وانحصار قند وچای	٤٦٥۰۰۰۰	
	۳۱	سهم معارف از مالیات راه	۲٦۰٦٦۰۷	
	۳۲	« صحیه « «	۷۲٤۱۳۰	
	۳۳	« « از عایدات بندری	۳٥۰۰۰۰	
	۳٤	عایدات پوست بره	۱٥۰۰۰۰۰	
		مطالبات دولت		
	۳٥	کارخانه نخریسی مرحوم صنیع الدوله	۳۰۰۰۰	
	۳٦	مطالبات متفرقه دولت	۲۰۰۰۰۰	

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
		سایر عواید وزارت مالیه		
	۳۷	عواید شانسلری گمرك	۲۵۰۰۰۰۰۰	
	۳۸	« سرب و مهر گمرك	۱۰۰۰۰۰۰۰	
	۳۹	« انبارداری گمرك	٤٥۰۰۰۰۰۰	
	٤۰	« متفرقه گمرك	۲۵۰۰۰۰۰۰	
	٤۱	« متفرقه وزارتمالیه	۱۰۰۰۰	
۲		**مجلس شورای ملی**		
	۱	عواید مطبعه و باغ بهارستان	٥۸۰۰۰۰	
۳		**وزارت عدلیه**		
	۱	عواید محاکم	۳۷۰۰۰۰۰۰	
	۲	عواید مأمورین صلح و نمایندگی پارکه ها	۱۰۰۰۰۰۰	جمعاًوخرجاًمنظوراست
	۳	عواید ثبت اسناد و املاك	۱۰٤۸۰۰۰۰۰	
	٤	الف ـ عواید صدی ۲٥ ثبت اسناد و املاك بموجب ماده ۱۳٥ قانون ثبت اسناد و املاك مصوبه ۲٦ اسفندماه ۱۳۱۰ ۱۹۲۹٦۷۰ ب ـ انتقالی ازمازاد عایدات صدی ۲٥ سال ۱۳۱۱ ثبت اسناد و املاك ۲۲۰۰۰۰	۲۱٤۹٦۷۰	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
	٥	عوایدحق النسبی ازحق الاجراءِثبت اسناد بموجب ماده ۱۳۱ قانون ثبت اسناد و املاك مصوبه ۲٦ اسفند ماه ۱۳۱۰	٥۰۰۰۰	جمعاًوخرجاًمنظوراست
	٦	حق السهم صاحبان محاضر رسمی	۸۰۰۰۰۰	
	۷	عایدات فروش اوراق و دفاتر	۷۲۰۰۰۰	
	۸	عواید متفرقه	۱۰۰۰	
٤		**وزارت داخله**		
	۱	عواید نظمیه	٥۰۰۰	
	۲	« تذکره و اقامت اتباع خارجه	٥۰۰۰۰	
	۳	« صحیه	۸٦۰۰۰	
	٤	« حاصله ازمعاینه صحی کشتیها در بنادر وقرانطینه ها	۱۰۰۰۰	جمعاً وخرجاًمنظوراست
	٥	عواید سجل احوال	٤۰۰۰۰	
	٦	« متفرقه وزارت داخله	٥۰۰	
٥		**وزارت امور خارجه**		
	۱	عواید شانسلری	۲۰۰۰۰	
	۲	« متفرقه	۱۰۰۰	
٦		**وزارت پست و تلگراف و تلفن**		
	۱	عواید پست (❋)	٦٦۱۰۰۰۰	

(❋) بموجب قانون ۲٤ تیر ماه ۱۳۱۳ مبلغ ششصد هزار ریال بعایدات پستی اضافه شده است .

قسمت	جزء	شرح	پیش‌بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
	۲	عواید تلگراف و تلگراف بی‌سیم	۱۱۵۰۰۰۰۰	
	۳	« متفرقه	۱۰۰۰	
۷		**وزارت معارف**		
	۱	عواید شهریه مدارس غیر ابتدائی	٥٩٤۰۰۰	
	۲	« تمبر جواز وتصدیقنامه وغیره	٥٤۰۳۹۰	
	۳	« فروش کتب وسالنامه و پروگرامها	۸۰۰۰۰	
	٤	« متفرقه	۱۳۱٦۰	
۸		**وزارت طرق**		
	۱	عوائد متفرقه	۲٥۰	
۹		**اداره کل تجارت**		
	۱	عواید تمبر	۲٥۰۰	
	۲	« متفرقه	۳٦۰۰۰	
۱۰		**اداره کل صناعت وفلاحت**		
	۱	عایدات مؤسسات و مدارس صنعتی	۱٤٥۷۱۰	
	۲	« کارخانه سیمان سازی	۹٥۰۰۰۰۰	
	۳	« متفرقه	٥۰۰	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
۱۱		**تذکره**		
	۱	عایدات تذکره	۲۳۲۰۰۰۰۰	
۱۲		**عواید متفرقه و غیرمترقبه**		
	۱	عواید متفرقه مملکتی که در سایر مواد منظور نشده	٦٥٠۰۰۰۰	
			٦۰٦٤۱۳٤۱۷	
۱۳	۱	انتقالی بحساب سال ۱۳۱۳ بابت عواید مربوط بسال ۱۳۱۲ که در نه‌ماهه ۱۳۱۳ وصول خواهد شد	۱٥۰۰۰۰۰۰	
		جمع عواید پیش بینی سال ۱۳۱۳ مملکتی	٦۲۱٤۱۳٤۱۷	

باب دوم : مخارج

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ (ریال)	توضیحات
١	١	وزارت دربار و دفتر مخصوص شاهنشاهی	٥١٧١٨٤٠	
٢	٢	مجلس شورای ملی	٧٠٦٩٠٠٠	
٣	٣	انتخابات دوره دهم تقنینیه (☆)	١٣٥٠٠٠٠	
٤	٤	ریاست وزراء	٦٨١٥٠٠	
٥		**وزارت جنگ و تشکیلات امنیه**		
	١	وزارتجنگ بانضمام خرج سفر و خرج تحصیل محصلین وزارتجنگ وبحریه وحقوق ومخارج مستخدمین خارجی لشکری و بحریه	٢٠٣٧٢٩٩٨٠	
	٢	تشکیلات امنیه : الف ـ اعتبار بودجه اختصاصی ٢٥٦٧٨٤٠٠ ب ـ اعتبار بودجه اجرائیات مالیه ٥٣٢٦٦٠٠	٢٩٢٠٥٠٠٠	
٦		**وزارت داخله**		
	١	وزارت داخله	٦٦١٠١٤٠	
	٢	تشکیلات نظمیه مملکتی	٢٥١٢٨١٣٠	
	٣	صحیه کل	٩١٢١٠٠٠	استفاده از مبلغ ٣٧٢٣٠٠ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجیست معادل ٢٤٨٢ پهلوی

(☆) بموجب قانون ٢٦ اسفند ١٣١٢ این اعتبار درسال ١٣١٤ نیز قابل تعهد ومصرف میباشد .

قسمت	جزء	شرح	پیش‌بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
	۴	صحیه کل اعتبار فوق‌العاده مأمورین صحی جهة معاینه صحی در بنادر وقرانطینه ها (درحدود عایدات)	۱۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
	۵	احصائیه و سجل احوال	۶۳۶۲۵۰۰	
	۶	نظام وظیفه	۳۵۰۰۰۰	
۷		وزارت عدلیه		
	۱	وزارت عدلیه	۱۳۱۷۸۴۵۰	استفاده ازمبلغ ۳۰۲۴۰۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۲۰۱۶ پهلوی
	۲	ثبت اسناد واملاك	۱۰۵۸۷۰۰۰	
	۳	حق مأمورین صلح و نمایندگی پارکه ها (درحدود عایدات)	۱۰۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
۸		وزارت امور خارجه		
	۱	وزارت امورخارجه	۱۸۷۱۶۱۳۰	استفاده‌ازمبلغ ۱۴۵۰۲۶۱۹/۹۰ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۹۶۶۸۴-۱۳-۶۵ پهلوی
	۲	کمیسیونهای سرحدی (بانضمام مخارج مربوطه بآبهای سرحدی) (*)	۷۰۰۰۰۰	

(*) بموجب قانون ۱۳ شهریور ۱۳۱۳ سیصد هزار ریال و بموجب قانون ۲۷ شهریور ۱۳۱۳ پانصد هزار ریال براعتبار کمیسیونهای سرحدی افزوده شده است .

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
۹		وزارت پست و تلگراف		
	۱	وزارت پست و تلگراف (*)	٢٢٦٧٩٤٩٠	استفاده از مبلغ ٢٢٢٥٨٥٠ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ١٤٨٣٩ پهلوی
۱۰		وزارت معارف		
	۱	وزارت معارف	٢٨٣٤٨٢٥٠	استفاده از مبلغ ١٩١٦٧٠٠ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ١٢٧٧٨ پهلوی
	۲	اعتبار مخارج مربوطه باجرای قانون اعزام محصلین بخارجه الف ـ اعتبار مطابق قانون ٦٠٠٠٠٠٠ ب ـ اعتبار برای تفاوت تسعیر ٨٩٢٥٠٠٠	١٤٩٢٥٠٠٠	استفاده از مبلغ ١٤٨٧٥٠٠٠ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ٩٩١٦٧ پهلوی
۱۱		وزارت طرق و شوارع		
	۱	وزارت طرق وشوراع	٨٣٤٠٢٠	
۱۲		اداره کل تجارت		
	۱	اداره کل تجارت	٢١٣٩٠٠٠	
١٤		اداره کل صناعت و فلاحت		
	۱	اداره کل صناعت و فلاحت	٩٥٩٤٦٧٠	استفاده از مبلغ ١٥٤٧٨٠٢ ریال فقط محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ١٠٣١٨-٦٨ پهلوی

(*) بموجب قانون ٢٤ تیرماه ١٣١٤ مبلغ ششصد هزارریال ببودجه مخارج وزارت پست وتلگراف افزوده شده است .

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
۱۴		**وزارت مالیه**		
	۱	وزارت مالیه با انضمام گمرکات و محصلین مالیه و دیوان محاسبات و مخارج مربوطه باجرای قانون انحصار تجارت	۳۷۶۲۸۱۲۰	استفاده از مبلغ ۵۱۹۳۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۳۴۶۲ پهلوی
	۲	حقوق و مخارج مستخدمین خارجی مالیه و گمرك و سایر مؤسسات تابعه وزارت مالیه	۳۰۴۱۳۵۰	استفاده از مبلغ ۲۴۰۰۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۶۰۰۰ پهلوی
	۳	انحصار دولتی تریاك	۴۶۵۰۰۰۰	
	۴	انحصار دولتی دخانیات	۳۹۷۰۰۰۰	
	۵	اعتبار مخارج تحصیل عواید تجارت قند و کبریت	۷۳۰۰۸۰	
	۶	اعتبار اداری ضرابخانه	۳۰۰۰۰۰	
۱۵		**اعتبار دولت**		
	۱	الف ـ مخارج مترقبه و غیر مترقبه ۱۵۰۰۰۰۰ ب ـ مخارج سری ۲۰۰۰۰۰ ج ـ اعتبار انعام ۱۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	
۱۶		**اعتبارات مستمر عمومی**		
	۱	دیون خارجی دولت	۶۸۷۵۰۰۰	استفاده از مبلغ ۶۸۷۵۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۶۸۷۵۰ لیره

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
	۲	اعتبار شهریه ومستمریات وعوض بهره ومصارف بقاع متبرکه و بازخرید مستمریات و رد قسط قرض دریافتی از بانك ملی برای باز خرید مستمریات و فرع آن	۶۰۴۱۰۰۵	استفاده از مبلغ ۱۳۶۲۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۹۰۸ پهلوی
	۳	اعتبار حقوق انتظار خدمت	۲۴۰۰۰۰۰	
	٤	مخارج نگاهداری و ساختمان مسلخها ومخارج مربوطه بتفتیش صحی روده	۱٤۵۰۰۰۰	
	۵	فرع وحق العمل بانکها ومخارج انتقال وجوه دولتی	۱۵۰۰۰۰۰	
	٦	هیئت تفتیشیه مملکتی	۳۵۰۰۰۰	
	۷	سرمایه بانك ملی از محل سهام دولتی	٤۸۰۰۰۰	جمعاً وخرجاً منظور است
	۸	سرمایه بانك فلاحتی از محل سهام دولتی	۱۰۰۰۰	جمعاً وخرجاً منظور است
	۹	سهم شیر وخورشید سرخ مشهد مقدس و تبریز	۵۱۹۰۵۰	
	۱۰	مخارج مربوطه بمحاکمات دولتی و کلیه اعتراضات ثبتی و مخارج ثبتی و قضائی و محکومیتهای ناشیه از اعمال تصدی دولت و حق الحکمیه و تصفیه محکومیتهائی که دولت دارد یا ممکن است پیش بیاید و سایر مخارج مربوطه باین قبیل امور	۷۰۰۰۰۰	
	۱۱	اعتبار نگاهداری قرق و باغات سلطنتی	۱۲۷۹۲۰	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
	۱۲	حقوق مفتش بانك ملی و مخارج تفتیش	۶۰۰۰۰	
	۱۳	کمك بمخارج عمومی بانك فلاحتی	۲۴۰۰۰۰	جمعاً وخرجاً منظور است
	۱۴	حقوق نمایندگان دولت شاهنشاهی در نفت جنوب	۲۰۰۰۰۰	استفاده از مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۲۰۰۰ لیره
	۱۵	مخارج انتفاعی مملکتی	۷۰۰۰۰۰۰	
	۱۶	اعتبار برای تفاوت تسعیر تعهدات و مخارج مملکتی که باسعار خارجی بعمل می آید	۱۰۰۰۰۰۰	
	۱۷	تشکیلات مستحفظین سرحدی	۵۵۰۰۰۰۰	
۱۷		اعتبارات غیر مستمر وزارتخانه ها و ادارات دولتی		
		وزارت امور خارجه		
	۱	اعتبار جهت ساختمان عمارت جدید مرکز وزارت امور خارجه	۱۰۰۰۰۰۰	
	۲	اعتبار جهت خرید زمین و ساختمان عمارت سفارتخانه در بغداد	۷۰۰۰۰۰	
		وزارت داخله		
	۳	اعتبار برای خرید محل یاساختمان عمارت جهة ادارات حکومتی	۱۲۸۰۰۰	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
		صحیه کل		
	۴	اعتبار جهت ساختمان سانانوریم ـ قرانطینه ها ـ مریضخانه‌ها بانضمام خرید زمین و بنای ابنیه مذکوره و سایر مخارج مربوطه بآنها ومرمت مریضخانه ها	۱۷۸۵۰۰۰۰	
	۵	اعتبار برای خشکانیدن باتلاقها	۱۰۰۰۰۰۰۰	
	۶	اعتبار برای خرید لوازم جراحی برای مریضخانه جدید طهران و خرید لوازم رادیولژی	۱۸۵۰۰۰۰	
	۷	اعتبار جهت تأسیس لابراتوار ادویه تقلبی و ایجاد مدرسه پرستاری	۸۰۰۰۰۰	
		تشکیلات نظمیه		
	۸	اعتبار ساختمان و تعمیر محبسها	۳۰۰۰۰۰۰	
	۹	اعتبار برای تکمیل ساختمان عمارت نظمیه مرکزی (*)	۱۰۰۰۰۰۰۰	
	۱۰	« « « بنای توقیفگاهها	۲۰۰۰۰۰۰	
		وزارت عدلیه		
	۱۱	اعتبار برای ساختمان	۷۰۰۰۰۰۰	

(*) بموجب قانون ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۳ مبلغ یکملیون ریال براعتبار ساختمان عمارت نظمیه مرکزی علاوه شده است .

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
		وزارت پست و تلگراف		
	۱۲	اعتبار جهت سیمکشیهای جدید	۱۷٤۲۱۰۰	
	۱۳	« « ساختمانهای جدید	۵۰۰۰۰۰	
	۱٤	« « خرید دستگاههای بیسیم و نصب آنها	۹۸۰۰۰۰	استفاده از مبلغ ۹۳۰۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۶۲۰۰ پهلوی
		وزارت معارف		
	۱۵	اعتبار برای خرید زمین وساختمان اونیورسیته	۲۰۰۰۰۰۰	
	۱٦	« « « « « مدارس متوسطه	۱۰۰۰۰۰۰	
		اداره کل صناعت وفلاحت		
	۱۷	اعتبار کارخانه بطری سازی	٦۰۰۰۰۰	
	۱۸	اعتبار برای تکمیل و بهره برداری کارخانه سیمانسازی	۸۰۰۰۰۰۰	
	۱۹	اعتبار ساختمانهای اداری وصنعتی وخرید بنا وزمین برای احتیاجات اداری و منازل مأمورین و ساختمان دستگاه و کارخانه‌های مختلفه وانبار جهت اثاثیه وطویله	۹۷٤۱٤۰	
	۲۰	سرمایه معدن شمشك (جهت حفر تونل وماشین آلات)	٦٤۳۰۰۰	
	۲۱	سرمایه اختصاصی برای معدن زیرآب (دلیلم)	٤۲۷۰۰۰	
		وزارت مالیه		
	۲۲	اعتبار خرید وساختمان ابنیه گمرکی و دوایر تابعه وزارتمالیه	۳۰۰۰۰۰۰	استفاده از مبلغ ۲۲۵۰۰۰۰ ریال فقط محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۵۰۰ پهلوی

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
۱۸		اعتبارات غیر مستمر عمومي		
	۱	اعتبار عمران وتخت قاپو کردن عشائر وتبدیل املاك : الف ــ اعتبارعمران وتخت قاپو کردن عشایر ۱۳۲۰۰۰۰ ب ــ اعتبار مصارف مربوطه به تبدیل املاك و علاقه اشخاص باالملاك دولتی ۱۸۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	
	۲	اعتبار دفع ملخ (✲)	۱۰۰۰۰۰۰	
	۳	اعتبار دفع سن	٥۰۰۰۰۰	
	٤	اعتبار تکمیل ممیزی	٧۰۰۰۰۰	
	٥	دیون داخلی وتعهدات دولت	٦۰۰۰۰۰	
	٦	اعتبار سرمایه بانك ملی	٥۰۰۰۰۰۰	
	٧	اعتبار سرمایه بانك فلاحتی	٥۰۰۰۰۰۰	
	٨	تعمیر ابنیه‌دولتی وخرید زمین یابنا برای‌دولت	٩۰۰۰۰۰	
	٩	اعتبار برای خریدقایق جهت‌جلو گیری‌ازقاچاق	٨۰۰۰۰۰	
	۱۰	اعتبار پذیرائیهای رسمی که ممکن است پیش بیاید	۳۰۰۰۰۰	
	۱۱	مخارج مربوطه باعزام مأمورین وکمیسیونهاو تقسیم اراضی وتعویض املاك واجرای‌قوانین‌راجع بتقسیم اراضی وسایرمخارج‌پیش بینی نشده مملکتی (✲✲)	٨۰۰۰۰۰	

(✲) بموجب قانون اول دیماه ۱۳۱۳ مبلغ‌چهار صد هزار ریال باعتبار دفع ملخ اضافه شده است .

(✲✲) بموجب قانون‌اول‌دیماه ۱۳۱۳ مبلغ‌پانصد وپنجاه هزارریال براعتبارتعویض املاك اضافه‌شده است.

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۳ ریال	توضیحات
	۱۲	حق الزحمه رؤسای محلی بعضی از نقاط که درامر وصول کمك میکنند	۵۰۰۰۰۰	
	۱۳	اعتبار تکمیل ساختمان موزه	۵۰۰۰۰۰	
	۱۴	« تکمیل کارخانه چراغ برق وزارتخانه ها مخارج بنای کارخانه ونقل وانتقال ونصب موتور های آن وسیمکشی	۱۰۰۰۰۰	
	۱۵	اعتبار برای سرمایه شرکت انحصار تریاك (✲)	۱۸۰۰۰۰۰۰	
	۱۶	« « تأسیسات اقتصادی عام المنفعه که بموجب قوانین مخصوص تصویب خواهد شد (✲✲)	۴۰۰۰۰۰۰۰	
			۶۰۶۳۰۷۸۶۵	
۱۹	۱	انتقالی بحساب ۱۳۱۳ بابت اعتبارات مربوطه بسال ۱۳۱۲ که در نه ماهه آخر سال ۱۳۱۳ تأدیه خواهد شد	۱۵۰۰۰۰۰۰	
		جمع بودجه مخارج سال ۱۳۱۳	۶۲۱۳۰۷۸۶۵	
		خلاصه		
		جمع عایدات پیش بینی شده ۶۲۱۴۱۳۴۱۷ ریال		
		« مخارج « « ۶۲۱۳۰۷۸۶۵ «		
		فاضل عایدات ۱۰۵۵۵۲ ریال		

جدول فوق ضمیمه قانون بودجه کل سال یکهزار و سیصد و سیزده مملکتی بوده و صحیح است

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

(✲) بموجب قانون ۲۶ اسفند ۱۳۱۲ اجازه داده شده است که این اعتبار عندالاقتضاء ازسرمایه انحصار قند و کبریت پرداخته شود .

(✲✲) بموجب قانون ۲۰ شهریور ۱۳۱۳ مبلغ یك میلیون ریال از این اعتبار کسر شده است .

قانون

متمم بودجه سال ۱۳۱۳ مملکتی

مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۳

ماده ۱

اعتباراتیکه برای مخارج انتفاعی مملکتی و مخارج انتخابات دوره دهم تقنینیّه در بودجه ۱۳۱۳ مملکتی منظور است درسال ۱۳۱۴ نیز قابل تعهد و مصرف است و همچنین اعتبار انتفاعی سال ۱۳۱۲ و اعتبار تهیه اوزان و مقادیر مندرج در بودجه سال ۱۳۱۲ درظرف سال ۱۳۱۳ نیز قابل تعهد و مصرف میباشد .

ماده ۲

وزارت مالیه مکلف است آنچه را از عایدات و وجوهی که وصول و بجمع عایدات مملکتی وارد شده است درصورتیکه تشخیص داده شود که اخذ آن برخلاف قانون و یا بیجهت جزو عایدات مملکتی وارد شده از عایدات جاری ردّ نماید و نیز مجاز است تمام وجوهی را که بابت جریمه متهمین قاچاق دریافت شده و میشود در موقعی که متهمین مذکور بموجب احکام مراجع قانونی ازجرم انتسابی تبرئه میشوند ازعایدات جرائم مربوطه سال ۱۳۱۳ ردّ نماید .

ماده ۳

وزارت مالیه مجاز است طلب مسلّم و رسیدگی و تصدیق شده اشخاص را از دولت که درحدود اعتبارات مصوب سنه مربوطه باشد درمقابل بدهی همان اشخاص احتساب و دربودجه عایدات و مخارج سال ۱۳۱۳ جمع و خرج نماید .

ماده ۴

بودجه جزء اعتبار عمران و اصلاح آن که در ظرف سال ممکن است لازم شود باید بتصویب هیئت وزراء برسد .

ماده ۵

وزارت مالیه مجاز است مازاد عایدات سال ۱۳۱۲ را وهرمبلغی که بابت عایدات سنه مزبور پس از ختم دوره عمل آن سال وصول میشود و آنچـه پس از پرداخت تعهدات از ۱۵ میلیون ریال اعتبار مصوب در بودجه ۱۳۱۳ باقی بماند پس‌از تکمیل وجه متحرك ریالی درحساب ۱۳۱۳ منظور نماید .

ماده ۶

وزیر مالیه برای اصلاحی که در تشکیلات فعلی وزارت مالیه لازم میداند مجاز است بطور استثناء برای سال ۱۳۱۳ درهریك از اعتبارات مصوب در بودجه های ۱۳۱۳ ادارات و دوایر و مؤسسات تابعه وزارت مالیه و همچنین در سایر اعتبارات مربوطه بوزارت مالیه که دربودجه ۱۳۱۳ کل مملکتی منظورشده است هر نقل و انتقال یا تغییر و تبدیلی که لازم بداند داده و از آن استفاده نماید .

ماده ۷

وزارت مالیه مجاز است مبلغ ۶۰۵۳۰ ریال اضافه مخارج سال ۱۳۱۱ ثبت اسناد را بابت مخارج مربوطه بمواد از (۱۱) الی (۲۲) متمم بودجه اداره مذکور از محل صرفه جوئی ماده (۲) و (۴) همان بودجـه تأدیه نماید و نیزمبلغ شصت هزار ریال اضافه مخارج سال ۱۳۱۲ ثبت‌اسناد را ازصرفه جوئی سایراعتبارات بودجه سال ۱۳۱۲ اداره مذکوره بپردازد .

و همچنین وزارت مالیه مجاز است هرگاه سهم صاحبان محاضر از هشتصد هزار ریالی که دربودجه ۱۳۱۳ پیش بینی شده است تجاوز کند مازاد را نیزجمعاً و خرجاً درحساب آورده وسهم صاحبان محاضر را طبق مقررات قانون بپردازد .

ماده ۸

وزارت مالیه مجاز است از ابتدای سنه ۱۳۱۲ ماهی پانصد ریال شهریه درباره

هفت نفر ورثه مرحوم میرزا احسنخان میرپنجه (امنع الدوله سابق) بالسویه به اولاد ذکور تاسن بیست و پنج سالگی و اناث مادام که شوهر اختیار نکرده اند بپردازد شهریه سنه ۱۳۱۲ آنها از اعتبار دیون و تعهدات داخلی وشهریه ازسال ۱۳۱۳ ببعد آنها از اعتبار شهریه و مستمریات تأدیه خواهد شد .

ماده ۹

طلا و نقره که بنام دولت قبل از تصویب قانون سوم دیماه ۱۳۱۲ وارد شده از تأدیه حقوق گمرکی و عوارض و مالیاتهای دیگر معاف است .

ماده ۱۰

ماده ۲۸ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ مملکتی شامل مخارج تجدید ضرب و تعدیل عیار و وزن مخارج حمل پولهائی که قبل ازسال ۱۳۱۲ تجدید ضرب شده نیز خواهد بود .

ماده ۱۱

سرمایه انحصار قند و کبریت و سرمایه انحصار تریاك تابع مقررات دوره عمل نبوده و نخواهد بود وتا موقعیکه مورد احتیاج باشد قابل استفاده است .

ماده ۱۲

وزارت مالیه مجاز است مبلغ ۱۸۰۰۰۰۰۰ ریال سرمایه شرکت انحصار تریاك را که دربودجه ۱۳۱۳ مملکتی منظوراست عندالاقتضاء ازسرمایه انحصار قند وکبریت بپردازد و نیز مجاز است که بشرکت مذکور اجازه دهد تامیزان بیست میلیون ریال ازبانك ملی قرض نماید .

ماده ۱۳

مبلغ دوازده هزار ریال حقوق سالیانه مرحوم شیخ عبدالسعید فرحانی که از محل حق الزحمه مشایخ خوزستان داده میشده درباره شیخ عباس برادر آن مرحوم

برقرار میشود وزارت مـالیه مجاز است از اول فروردین ماه ۱۳۱۳ ببعد از اعتبار مذکور تأدیه نماید .

و نیز مجاز است قانون مصوب جوزای ۱۳۰۲ شمسی راجع ببرقراری خرج تحصیل درباره دو نفر اولاد آقامیرزا محمد صادق طباطبائی وضبط شهریه خود آقامیرزا محمد صادق را باقید اینکه هشتصد ریال خرج تحصیل تنها بیکنفر از پسرهای ایشان تعلق میگیرد از خرداد ۱۳۱۲ تا آخر ۱۳۱۳ معمول دارد .

ماده ۱۴

وزارت مالیه مجاز است اضافه مخارج سال ۱۳۱۲ خود و ادارات و مؤسسات تابعه خود را بابت سوخت و روشنائی و تعمیرات و خرج تفتیش از صرفـه جوئیهای همان بودجه ها تأدیه و احتساب نماید .

ماده ۱۵

وزارت مالیه مجازاست تفاوتی را که در قیمت جنس محتاج الیه قشون مرکز تا رأس خرمن ۱۳۱۳ حاصل شده و میشود از مازاد یك میلیون و نهصد و شصت هزار ریال (۱۹۶۰۰۰۰ ریال) اعتباری که بموجب قانون ۲۰ آذر ماه ۱۳۱۱ برای تفاوت قیمت جنس تا رأس خرمن ۱۳۱۲ قشون مرکز تصویب شده است محسوب نمایـد .

ماده ۱۶

وزارت مالیـه مجاز است مبلغ (۲۴ ـ ۱۹ ـ ۱۷۰۶ پهلوی) و مبلغ (۳۰ ـ ۱۴۸۵۰۳ ریال) اضافه مخارج سالهای گذشته وزارت امور خارجـه و تفاوت تسعیر بودجـه چهار ماهـه آخر سال ۱۳۱۱ مأمورین خاک شوروی و مأمورین صندوق تذکره قفقاز را بشرح ذیل:

اضافه مخارج سفارت شاهنشاهی در پاریس ۹۷۶/۲۴/۷۴ پهلوی.

اضافه مخارج سفارت شاهنشاهی در برلن	۵۰/۹۴/۶۹۵ پهلوی
اضافه مخارج سفارت شاهنشاهی در مسکو بابت ۳۱۰	۳۴ پهلوی ۸۰/۶۲۳۸ ریال
بابت خرج سفر	/۶۰۰۰ ریال
مخارج تعمیر و حفاظت عمارت قنسولگری ارض روم	۵۰/۵۷۶۴ ریال
تفاوت تسعیر بودجه چهار ماهه آخر سال ۱۳۱۱ مأمورین
خاك شوروی بانضمام صندوق تذکره قفقاز	ـ/۷۶۵۰۰ ریال
بقیه قیمت مخابرات تلگرافی سال ۱۳۱۲	۵۴۰۰۰ ریال
از محل صرفه جوئی بودجه ۱۳۱۲ وزارت امور خارجه تأدیه نماید .

ماده ۱۷

وزارت معارف مجاز است که بتصدیقنامه‌های مدارس و جواز های طبابت و تصدیق صحت و ارزش مدارك تحصیلی و سایر جواز های عتیقات و غیره بموجب نظامنامه‌ای که بتصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد رسید تمبر الصاق و عوایدآنرا بحساب عایدات مملکتی تحویل خزانه داری کل نماید .

ماده ۱۸

الف ـ وزارت معارف مجاز است لیسانسیه های دانشسرای عالی و مشمولین ماده ۱۲ قانون تربیت معلم مصوب ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۲ را با همان حقوقی که در سنه ۱۳۱۲ دریافت میداشته اند بخدمت معلمی یا مدیری یا ناظمی یامفتشی مدارس بگمارد و بلیسانسیه های دانشسرای عالی که از سال ۱۳۱۳ ببعد وارد خدمت میشوند اضافه برحقوق رتبه آنها بعنوان حق التعلیم یاحق‌التدریس وجهی پرداخته نخواهد شد فقط درصورتیکه بنقاط بدآب وهوا اعزام شوند برطبق قانون فوق‌العاده بدی آب و هوا ممکن است بآنها پرداخت گردد .

ب ـ حداقل مقرری آموزگاران ۳۴۰ ریال است .

ماده ۱۹

برای اضافـه مخارج اداری دفتر سر پرستی محصلین ایرانی در خارجه و مخارج تفتیش احوال محصلین مبلغ ۲۱۶ پهلوی اعتبار علاوه بر آنچه بموجب ماده ٤ قانون مصوب اول خـرداد ماه ۱۳۰۷ برای مخارج سر پرستی معین شده است تصویب میشود که از سال ۱۳۱۳ از اعتبار مخـارج مربـوطه باجرای قانون اعزام محصلین باروپا پرداخت گردد.

ماده ۲۰

ماده ١٤ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه بشرح زیر اصلاح میشود :

ماده۱۴ ـ بـرای صدور اجـازه موقت یا دائم و تمدید اجـازه عبور خارجیان حقوق ذیل اخذ خواهد شد:

۱ ـ برای تمدید اجازه عبور و صدور اجازه اقامت موقت و تجدید آن معادل ده ریال طلا.

۲ ـ برای صدور اجازه اقامت دائم و تجدید آن معادل بیست ریال طلا.

تبصره ـ این ماده از اول سال ۱۳۱۳ اجرا خواهد شد و نسبت بقبل از تاریخ مربور حقوق جوازهای مذکوره دربند (۱) از قرار پنج ریال طلا وحقوق جوازهای مذکوره در بند (۲) ده ریال طلا میباشد.

ماده ۲۱

وزارت مالیه مجاز است بقایای‌قیمت مخابـرات تلگرافی وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی را در داخله بابت سال ۱۳۱۲ که تا تاریخ تصویب این قانـون حواله یا تأدیـه نشده است از دفاتر مربوطه حذف نماید.

ماده ۲۲

وزارتخانه ها و ادارات مستقل دولتی مجازند با موافقت‌وزارت مالیه اثاثیه

و ماشین آلات و وسائط نقلیه مستعمل خود را به کمك اعتبارات مربوطه خود در صورت لزوم تبدیل باحسن از همان نوع نمایند موقع لزوم را باید مأمورین مربوطه با توجه بمدلول ماده نهم متمم قانون بودجه ۱۳۱۰ تصدیق نمایند .

ماده ۲۳

وزارت مالیه مجاز است تا میزان ۵۵۰۰۰ ریال اضافه مخارج وزارت عدلیه را بابت سوخت و روشنائی از محل صرفه جوئی های بودجه ۱۳۱۲ آن وزارتخانه تأدیه نماید .

ماده ۲۴

وزارت مالیه مجاز است از محل وجوه خسارات که بحساب مخصوصی باختیار وزارت عدلیه نگاه داشته شده بدهی های اجرای عدلیه را تأدیه نماید و وجوهی که بعداً بابت بدهی های مذکور از مسئولین وصول میشود بهمین حساب رد نماید .

ماده ۲۵

وزارت مالیه مجاز است حقوقی را که دولت در قصبه شبستر واقعه درارونق از نواحی آذربایجان دارد بقیمت ده برابر عایداتی که بدولت میرسد بکسانیکه عایدات فعلی را بدولت میدهند بفروشد .

ماده ۲۶

دولت مجاز است تا آخر سال ۱۳۱۳ با اخذ حقوق مقرر در قانون ۱۹ آبان ماه ۱۳۱۱ تجارت توتون و سیگار و تهیه سیگار را در حدود مقررات مربوطه بتجار واگذار نماید .

ماده ۲۷

الف ــ وزارت پست و تلگراف و تلفن مجاز است کلیه سهام وحقوق شرکت تلفن ایران را که برطبق قانون ۳۰ دیماه ۱۳۱۰ خریداری نموده است بامنافع حاصله

تا تاریخ واگذاری بشرکت مزبور واگذار نماید بشرط آنکه شرکت تلفون ایران متعهد شود :

۱ ـ حق تقدّم باز خرید سهام و حقوق را بفروشندگان اولیه تا دوماه از تاریخ واگذاری محفوظ بدارد .

۲ ـ اصل و فرع وجوهی را که تا تاریخ واگذاری وزارت پست و تلگراف و تلفن برای خرید سهام و حقوق و سایر امور و مخارج مربوطه بتلفن پرداخته است تأمین نماید بطوریکه دولت از این معامله هیچگونه ضرری نبرد .

۳ ـ تلفونگرام قبول نکرده و نظارت وزارت پست و تلگراف و تلفن را در مکالمه تلفنی بخرج شرکت تأمین نماید .

٤ ـ توسعه تلفن شهر طهران را در مدتیکه عملا ضرورت دارد واز آن کمتر ممکن نشود انجام دهد .

ب ـ حمل محمولات دولتی بطور مجانی بوسیله پست مشروط بداشتن جای کافی در وسایط نقلیه پستی خواهد بود و الا وزارتخانه‌ها و ادارات مربوطه مکلفند کرایه محمولات خود را از اعتبارات مربوطه بودجه خودشان تأدیه نمایند .

ج ـ ماده اول وماده ۱۱قانون تعرفه مخابرات تلگرافی مصوب ٢٤جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ قمری از اول ۱۳۱۳ ملغی است و قیمت مخابرات تلگرافی در داخله مملکت که در هرحال از قیمت معمولی تجاوز نخواهد کرد بموجب نظامنامه هیئت وزراء تعیین و دریافت خواهد شد .

ماده ۲۸

اولا ـ اعتبارات مصوب ضمن ماده ۲۱ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ مملکتی و قانون ۸ مرداد ماه ۱۳۱۲ جهة کارخانجات قند سازی مربوط بکلیه قروض کارخانه

کرج ومخارج تأسیس وتکمیل آن کارخانه و شش کارخانه قند سازی دیگر و کلیه مخارج مربوطه بآنها از هر بابت تا تاریخ تحویل قطعی آن کارخانجات از طرف کمپانیهای فروشنده بدولت میباشد.

ثانیاً ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود اعتبارات مصوبه بموجب ماده ۲۱ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ مملکتی و قانون ۸ مرداد ماه ۱۳۱۲ (مربوط بکارخانجات قند سازی) و ماده ۲۳ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ مملکتی (مبنی بر اجازه استقراض ده میلیون ریال جهة مصارف بهره برداری مؤسسات صنعتی و فلاحتی) و همچنین قانون ۲۵ تیر ماه ۱۳۱۲ (راجع بخرید سهام کارخانه قند سازی کهریزك وتصویب چهار میلیون و پانصد هزار ریال اعتبار جهت بهره برداری آن کارخانه) را بدون رعایت قوانین محاسباتی و مالی و اداری (سوای اصل مناقصه و مزایده) و مطابق نظامنامه مصوب هیئت وزراء بحواله رئیس اداره کل صناعت وفلاحت پرداخت نماید و رئیس مزبور مجاز است وجوهی را که از این بابت دریافت میدارد بمصارف معینه ضمن قسمت اول همین ماده و ماده ۲۳ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ مملکتی و قانون ۲۵ تیرماه ۱۳۱۲ رسانیده و درصورت لزوم باتصویب هیئت وزراء مستخدمین فنی خارجی نیز جهت مؤسسات مزبور استخدام نماید (*) امور مؤسسات مزبور بایستی کاملا برطبق قواعد تجارتی وصنعتی اداره شده وبیلان سالیانه مشتمل بر نفع وضرر بضمیمه مدارك مربوطه توسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات ارسال گردد عایدات خالص حاصله از مؤسسات صنعتی و معدنی دولت که بمنظور تجارتی عمل میشوند کلا ومستقیماً بخزانه تسلیم خواهدشد وخزانه داری کل از آن محل ابتدا وجوهی را که مؤسسات مزبوره بموجب

(*) بموجب قانون ۲۲ اسفند ۱۳۱۳ این قسمت از ماده راجع باستخدام مستخدمین فنی در مورد مؤسسه انحصار دولتی دخانیات نیز مجری است.

قانون از بانک استقراض کرده اند و مبلغ سه میلیون ریال که طبق قسمت سوم همین ماده درسال ۱۳۱۳ جهت مؤسسه شمشك استقراض خواهندکرد بارعایت تفکیك اصلا وفرعاً رد نموده باقی باموافقت وزارت مالیه برای استهلاك سرمایه هائی که قبلا اخذ شده و اجرای ماده (۸) متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ وهمچنین جهة ایجاد وجه اختصاصی برای سرمایه بهره برداری تقسیم خواهد شد .

ثالثاً ـ اداره‌کل صناعت مجازاست قرضه‌ای‌را که بموجب ماده ۲۳ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ مملکتی جهت مخارج بهره برداری مؤسسات صنعتی و فلاحتی تصویب گردیده باموافقت وزارت مالیه و ضمانت خزانه داری کل برای سال ۱۳۱۳ تجدید نماید . و نیزجهت تکمیل سرمایه معدن شمشك مبلغ سه میلیون ریال درسال ۱۳۱۳ از بانك بضمانت خزانه مملکتی استقراض نموده وقرضه مزبور را خزانه مملکتی اصلا وفرعاً از محل عایدات خالص تحویلی مؤسسه شمشك درمدت دوسال استهلاك نماید.

رابعاً ـ برای مؤسسات مذکوره دربند (۲) فوق رعایت مناقصه و مزایده در موارد ذیل اجباری نیست :

الف ـ درفروش محصول کارخانجات وقتی‌که اعلان مزایده مقرون بصرفه نبوده و یا از لحاظ تجارتی عملی نباشد .

ب ـ نسبت بخرید های جزئی مشروط بر اینکه میزان معامله هر یك از مؤسسات نسبت بهر معامله از یکهزار ریال و نسبت بتمام سال از بیست هزارریال تجاوز نکند .

ج ـ نسبت بمعاملات مشروحه ذیل مشروط براینکه درهرمورد بتصویب قبلی هیئت وزراء برسد :

۱ ــ در خرید ادوات یدکی ومتعلقات ماشین آلات از کارخانه‌ای که ماشین آلات اصلی را فروخته است .

۲ ــ در تهیه مواد شیمیائی وبذور وهمچنین اسباب وابزاری که از لحاظ مرغوبیت جنس یا آشنائی متخصصین مؤسسات به اشیاء و اجناس معین با تصدیق متخصصین فنی همان مؤسسات بایستی از فروشندگان مخصوص خریداری شود .

۳ ــ در معاملات فوری که اجرای مقررات مناقصه یا مزایده باعث خسارت میشود .

تبصره ــ کارخانجات سیمان ــ بطری سازی ــ قطران ــ اشباع تراورس ــ معادن شمشك و زیر آب وسایر کارخانجات صنعتی و معدنی که از نظر بهره‌برداری اداره میشوند و همچنین کارخانجات و مؤسساتی که بعداً ممکن است ایجاد شوند از حیث طرز اداره شدن مشمول این ماده خواهند بود عایدات کارخانه سیمان بتدریجی که وصول میشود باید به حساب عایدات مملکتی تحویل خزانه داری کل بشود .

ماده ۲۹

علاوه بر اجرای مقررات مندرجه در قوانین مخصوصه و اسناد و کنتراتها در صورتیکه در پرداخت هر گونه مالیات و عوارض یا عواید عمومی دیگر که ازطرف وزارت‌مالیه خواه‌طبق قوانین‌مخصوص‌یاطبق قانون بودجه وخواه دراجرای‌اجاره‌نامه‌ها و کنتراتها و امتیاز نامه ها یا سایر قرار داد های مشابه آن وصول میشود باستثنای مالیات املاك اربابی و دواب‌تا یکماه از تاریخ انقضای موعدهای معینه تأخیر بعمل آید ازابتدای سال ۱۳۱۳ ماهیانه صدی‌یك ونیم بعنوان جریمه تأخیر برای‌هرماه وکسورماه دریافت خواهدگردید درصورتیکه میزان طلب دولت مورد اعتراض واقع شود منافع

مذکور درفوق بدیون قطعی مؤدی که درمورد مقرر پرداخت نشده تعلق خواهدگرفت.

ماده ۳۰

وزارت مالیه برای وصول مالیات و عوارض ومال‌الاجاره و حق‌الامتیاز ومنافع و جرایم مربوطه بآنها نسبت بسایر طلبکاران مدیونین خود و ضامنین آنها حق تقدّم خواهد داشت مگر در مواقع ورشکستگی کلیه اشخاصی که اموال یا وجوه مشمول این حق تقدم را متصرف هستند و یا آن اموال یاوجوه را مدیون هستند در صورت اخطار کتبی نمایندگـان صلاحیتدار وزارت مالیه حق نخواهند داشت کـه اموال مزبوره را از تصرف خود خارج نمایند مگراینکه قبلاً وجوهی‌راکه دراخطاریه های مذکوره فوق تصریح شده است شخصاً تأدیه نموده یا ایصال دارند و در صورت تخلف مسئول پرداخت مطالبات مذکوره خواهند بود .

ماده ۳۱

وزارت مالیه مجاز است کلیه بقایای مالیاتی تا آخرسال ۱۳۰۹ مالکینی را که مجموع بدهی سالیانه کلیه املاك هریك از آنها ازدویست ریال تجاوز ننماید باستثنای بقایای مربوطه بمالیات مستغلات از دفـاتر بقایا حذف نموده و آنها را از پرداخت بقایای مزبوره معاف دارد .

ماده ۳۲

وزارت مالیه مجاز است کـه از وصـول جرایـم سنوات ۱۳۰۹ تـا ۱۳۱۲ مشمولـین قانون مـالیات بر شرکتها مصوب ۱۲ فروردین ماه ۱۳۰۹ کـه تاکنون بحیطه وصول درنیامده است صرفنظر نماید مشروط براینکه مشمولین مزبور حقیقتاً استطاعت تأدیه جریمه را نداشته یا اینکه درظرف یك ماه ازتاریخ اخطاری که بآنها خواهد شد مالیات خود را (بدون جریمه) کاملاً تصفیه نمایند .

ماده ۳۳

وزارت مالیه مجاز است از فارغ التحصیلهای کلاس قضائی بخـدمت وزارت

مالیه پذیرفته و حقوق آنها را استثناءاً مطابق رتبه قضائی آنها بپردازد .

ماده ۳۴

بوزارت مالیه اجازه داده میشود ماهی دویست ریال از تاریخ اول فروردین ماده ۱۳۱۲ شهریه درباره عیال و صبیه مرحوم میرزا محمدباقر ادیبی بالمناصفه برقرار وتا وقتی که شوهر اختیار نکردهاند تأدیه نمایند . شهریه سال ۱۳۱۲ از اعتبار دیون و تعهدات داخلی دولت که دربودجه ۱۳۱۳ مملکتی منظور شده وشهریه ازسال ۱۳۱۳ ببعد از اعتبار شهریه و مستمریات باید پرداخت گردد .

ماده ۳۵(*)

فیلم های سینما توگراف که جنبه تربیتی و تعلیمی وفنی دارند و بوسیله ادارات دولتی وارد میشوند ازحقوق گمرکی و عوارض راه معاف خواهند بود .

ماده ۳٦

مفاد مواد ٤ - ٦ - ۸ - ۱۵ - ۱٦ - ۱۹ - ۲۰ - ۲٤ - ۲٦ - ۲۷ - ۲۸ - ۳۲ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ و مفاد مواد ۱ - ۲ - ۸ - ۱٤ - ۱٦ - ۲۰ - ۲۱ - ۲٦ متمم قانون بودجه ۱۳۱۱ و مفاد مواد ۵ - ٦ - ۸ - ۹- ۱٤ - ۱۵-۱٦ - ۲۰-۲۱ متمم قانون بودجه ۱۳۱۰ درسال ۱۳۱۳ نیزمجری خواهد بود .

تبصره - مبالغی که در ضمن مواد ۵ و٦ و۳۳ بودجه ۱۳۱۳ وزارت پست و تلگراف جهت مخارج اسعاری معین شده است از مقررات ماده ۱۵ متمم قانون بودجه ۱۳۱۲ متثنی است یعنی وزارت پست و تلگراف میتواند درمواقعی که مصرف کردن مخارج مربوطه بمواد مزبوره در داخله مملکت ضرورت پیدا کند با موافقت وزارت

(*) این ماده بموجب ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون تعرفه گمرکی و مالیات راه مصوب ۲۲ تیر ماه ۱۳۲۰ (دوره دوازدهم) نسخ شده است .

مالیه بریال دریافت و مصرف نماید (*)

این قانون که مشتمل برسی وشش ماده است درجلسه بیست وششم اسفند ماه یك هزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

بودجه سال ۱۳۱۳ مجلس شورای ملی

مصوب ۲۷ اسفند ماه ۱۳۱۲

ماده اول ـ برای مخارج دوازده ماهه سال یکهزار و سیصد و سیزده مجلس شورای ملی مبلغ شش میلیون و پانصد و نوزده هزار و یکصد و چهل ریال (۶۵۱۹۱۴۰) موافق فقره (۱) الی (۴) ضمیمه اعتبار بمباشرت مجلس داده میشود .

تبصره ـ مباشرت مجلس مجاز است که ازصرفه جوئی ماده اول معادل سیصد و پنجاه هزار ریال (۳۵۰۰۰۰ ریال) بتدریج از وزارت مالیه دریافت نموده بعد از پرداخت قرضه بنائی سال ۱۳۱۲ مجلس تتمه آن را بمصرف خرید و مبادله اثاثیه مجلس برساند .

ماده دوم ـ برای حقوق ومخارج دوازده ماهه مطبعه مجلس مبلغ پانصدوچهل

(*) بموجب قانون ۲۲ اسفند ۱۳۱۳ مفاد مواد ۲ ـ ۴ ـ ۵ ـ ۶ ـ ۱۲ ـ ۱۹ ـ ۲۴ ـ ۲۵ ـ ۲۸ و ۳۱ این قانون نسبت بسال ۱۳۱۴ و در سال ۱۳۱۴ نیز مجری خواهد شد و همچنین مفاد مواد ۱۱ ـ ۱۳ ـ ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۲۰ ـ ۲۲ و بند ب و ج از ماده ۲۷ و مواد ۳۳ و ۳۵ این قانون مادام که بوسیله قانون دیگری ملغی نشده بقوت خود باقی و محدود بدوره عمل بودجه یکسال نبوده و نخواهد بود .

و نه هزار و هشتصد وشصت ریال (٥٤۹۸٦۰) موافق فقره (۱) و (۲) ضمیمه اعتبار به مباشرت مجلس داده میشود .

ماده سوم ـ مجلس شورای ملی بمباشرت مجلس اجازه میدهد که عوائد مطبعه مجلس و باغ بهارستان و صورت مشروح مذاکرات مجلس را جزء جمع محاسبات مجلس محسوب دارد .

تبصره ـ معادل حقوق و مصارف سالیانـه مطبعه مجلس و مخارج طبع صورت مشروح مذاکرات مجلس که از وزارت مالیه دریافت میشود ازمحل عوائد مزبور بخزانه مملکت تأدیه خواهد شد و مازاد کلیه عوائد فوق‌الذکر برطبق قانون بودجه مصوب ۲۳ فرودین ۱۳۱۱ بمصرف تکمیل اثاثیه ورفع نواقص مطبعه مجلس خواهد رسید .

ماده چهارم ـ مباشرت مجلس مجاز است که از مستخدمین مجلس که برعایت مواد ۲۸ و ۲۹ قانون استخدام کشوری منتظر خدمت میشوند حقوق انتظار خدمت آنان را درسال ۱۳۱۳ ازمحل حقوق خود آنان پرداخته و در سالهای بعد نیزهمه ساله دربودجه مجلس منظور و کارسازی نماید .

این قانون که مشتمل برچهار ماده و صورت ضمیمه است درجلسه بیست وهفتم اسفند ماه یکهزار وسیصد ودوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

صورت ضمیمه قانون بودجه سال ۱۳۱۳ مجلس شورای ملی

شرح	تعداد نفرات	از قرار هر نفری درماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
تفصیل ماده اول **فقره (۱)**						
مقرری آقایان نمایندگان محترم و تفاوت مقرری ریاست معظم مجلس	۱۳۱	۳۰۰۰	۳۹۶۰۰۰	۴۷۵۲۰۰۰	۴۷۵۲۰۰۰	
فقره (۲) **تقنینیه** **معاونت**						
معاون اداری ریاست مجلس	۱	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۲۷۶۰۰		
منشی اطاق معاونت	۲	بتفاوت	۱۶۸۰	۲۰۱۶۰		
کابینه						
رئیس	۱	۱۷۸۰	۱۷۸۰	۲۱۳۶۰		
دایره تندنویسی وصورت تحریر مجلس						
مدیر	۱	۱۶۴۰	۱۶۴۰	۱۹۶۸۰		
معاون	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
مقطع و تندنویس اول	۴	۹۲۰	۳۶۸۰	۴۴۱۶۰		
خلاصه‌نویس وتندنویس دوم	۴	بتفاوت	۲۹۰۰	۳۴۸۰۰		
پاك نویس	۴	۶۸۰	۲۷۲۰	۳۲۶۴۰		
عضو تصحیح وتندنویس سوم	۲	۵۲۰	۱۰۴۰	۱۲۴۸۰		

شرح	تعداد نفرات	از قرار هر نفری درماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
دایره دارالانشاء						
مدیر	۱	۱۳۴۰	۱۳۴۰	۱۶۰۸۰		
منشی مینوت نویس	۲	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۲۴۰۰۰		
منشی پاك نویس	۴	بتفاوت	۳۳۷۰	۴۰۴۴۰		
منشی اداری کمیسیون عرایض و مرخصی	۱	۴۹۰	۴۹۰	۵۸۸۰		
دایره قوانین ومطبوعات						
مدیر	۱	۱۶۴۰	۱۶۴۰	۱۹۶۸۰		
معاون	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
رابط کمیسیونها وشعب پارلمانی	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
منشی قانون نویس وپاك نویس	۲	بتفاوت	۱۷۱۰	۲۰۵۲۰		
منشی اداری کمیسیون بودجه	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
سواد نویس و مصحح	۲	۴۹۰	۹۸۰	۱۱۷۶۰		
ثبات (ماشینیست)	۱	۳۲۰	۳۲۰	۳۸۴۰		
دایره ضبط						
مدیر	۱	۱۶۴۰	۱۶۴۰	۱۹۶۸۰		
معاون	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
ضباط	۲	بتفاوت	۱۲۶۰	۱۵۱۲۰		
دایره پرسنل و تفتیش						
مدیر	۱	۱۲۴۰	۱۲۴۰	۱۴۸۸۰		

شرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
عضو	۲	بتفاوت	۱۰۶۰	۱۲۷۲۰		
ثبت کل						
مدیر	۱	۱۲۴۰	۱۲۴۰	۱۴۸۸۰		
شعبه ارسال مراسلات						
مدیر	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
عضو کمك ثبت و ارسال مراسلات	۱	۴۹۰	۴۹۰	۵۸۸۰		
اعتبار خصوصی اداره تقنینیه	—	—	—	۶۰۰۰	۵۱۵۲۸۰	
فقره (۳)						
مباشرت						
معاون اداری	۱	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۲۷۶۰۰		
محاسبات کل						
رئیس	۱	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۲۷۶۰۰		
معاون	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
محاسب و منشی	۳	بتفاوت	۱۹۲۰	۲۳۰۴۰		
مدیر پرسنل و ضبط محاسبات	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
صندوق						
مدیر	۱	۱۲۴۰	۱۲۴۰	۱۴۸۸۰		
عضو	۱	۴۲۰	۴۲۰	۵۰۴۰		
ملزومات						
مدیر	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		

شرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
عضو	١	٤٢٠	٤٢٠	٥٠٤٠		
ناظر	١	٥٦٠	٥٦٠	٦٧٢٠		
توزیع صورت مشروح مذاکرات مجلس						
مسئول (کنتراتی)	١	١٠٠٠	١٠٠٠	١٢٠٠٠		
عضو	١	٤٩٠	٤٩٠	٥٨٨٠		
انشاء						
مدیر	١	١٠٠٠	١٠٠٠	١٢٠٠٠		
ماشینیست	١	٧٤٠	٧٤٠	٨٨٨٠		
متصدی ضبط و ارسال مراسلات	١	٥٦٠	٥٦٠	٦٧٢٠		
بلیط و لوایح						
مسئول	١	٥٦٠	٥٦٠	٦٧٢٠		
تفتیش						
مدیر	١	١٦٤٠	١٦٤٠	١٩٦٨٠		
عضو ومأمور تفتیش	٣	بتفاوت	١١٤٠	١٣٦٨٠		
ممیزی و توزیع						
مدیر	١	١٠٠٠	١٠٠٠	١٢٠٠٠		
ممیز بلیط	١	٧٤٠	٧٤٠	٨٨٨٠		
کتابخانه						
مدیر	١	١٧٨٠	١٧٨٠	٢١٣٦٠		

شرح	تعداد نفرات	در ماه از قرار نفری ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
معاون	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
عضو	۴	بتفاوت	۲۱۸۰	۲۶۱۶۰		
ضبط راکد						
مسئول	۱	۷۹۰	۷۹۰	۹۴۸۰		
مستخدمین جزء						
دربان باشی	۱	۴۵۰	۴۵۰	۵۴۰۰		
دربان	۴	بتفاوت	۱۴۶۰	۱۷۵۲۰		
مسئول امور برقی و مکانیکی	۱	۴۳۰	۴۳۰	۵۱۶۰		
میکانیک	۱	۱۹۰	۱۹۰	۲۲۸۰		
تلفونچی	۱	۳۵۰	۳۵۰	۴۲۰۰		
پیشخدمت باشی	۱	۶۵۰	۶۵۰	۷۸۰۰		
پیشخدمت	۲۵	بتفاوت	۷۶۸۰	۹۲۱۶۰		
سرایدارباشی	۱	۶۵۰	۶۵۰	۷۸۰۰		
سرایدار	۱۹	بتفاوت	۵۲۰۰	۶۲۴۰۰		
آبدار باشی	۱	۶۵۰	۶۵۰	۷۸۰۰		
آبدار و سقا	۶	بتفاوت	۱۷۸۰	۲۱۳۶۰		
فراش باشی	۱	۶۵۰	۶۵۰	۷۸۰۰		
فراش	۱۲	بتفاوت	۲۷۸۰	۳۳۳۶۰		

شرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
باغبان باشی	١	٣٧٠	٣٧٠	٤٤٤٠		
باغبان و گل کار	٨	بتفاوت	٢٠٧٠	٢٤٨٤٠		
فوق‌العاده مأمورین کشیك تلگراف وپست و یکنفر فراش پست	٣	بتفاوت	٤٦٥	٥٥٨٠		
شهریه ورثه مرحومان نعمت‌الله خان پیشخدمت و میرزا عبدالله فراش	٢	بتفاوت	٢١٠	٢٥٢٠	٦٣٣٧٨٠	
فقره (۴) مصارف						
روشنائی و سوخت چراغ برق و ساعت و بادزن برقی				١٦٠٠٠		
آبدار خانه				٣٦٠٠٠		
تنظیف				٩٠٠٠		
ملزومات دفتری				٣٢٠٠٠		
طبع لوایح				٢٠٠٠٠		
طبع صورت مذاکرات مجلس				٤٠٠٠٠		
اعتبار کتابخانه برای خرید کتب و آبونه جرائد				٥٥٠٠٠		

شرح	تعداد نفرات	در ماه ریال از قرار نفری	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
مخارج ارسال مراسلات و مخابره تلگراف و تلفن				۸۰۰۰		
فوق‌العاده مستحفظین مجلس				۱۶۰۰۰		
ملبوس مستخدمین جزء سالی نفری دو دست				۲۷۰۰۰		
سوخت زمستانی				۲۳۰۰۰		
مخارج جشن ها				۱۹۰۰۰		
اعتبار مخارج پیش بینی نشده				۲۵۴۸۰		
ساختمان و تعمیرات ابنیه و خرید اثاثیه				۲۰۵۰۰۰		
حق بیمه				۱۵۰۰۰		
عیدی نوروز کارکنان مجلس				۸۱۶۰۰	۶۱۸۰۸۰	
جمع ماده اول بودجه مجلس					۶۵۱۹۱۴۰	
تفصیل ماده دوم **مطبعه مجلس** **فقره (۱)**						
مدیر	۱	۱۶۴۰	۱۶۴۰	۱۹۶۸۰		
مسئول محاسبات مطبعه	۱	۷۹۰	۷۹۰	۹۴۸۰		
محاسب	۲	۴۲۰	۸۴۰	۱۰۰۸۰		
مسئول انبار و صندوق نقود	۱	۷۴۰	۷۴۰	۸۸۸۰		

شرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
مفتش	۱	۵۲۰	۵۲۰	۶۲۴۰		
مصحح	۱	۵۶۰	۵۶۰	۶۷۲۰		
منشی واندیکاتورنویس ومسئول‌ضبط	۱	۳۷۰	۳۷۰	۴۴۴۰		
تحصیلدار	۱	۳۵۰	۳۵۰	۴۲۰۰		
فراش	۶	بتفاوت	۱۱۸۵	۱۴۲۲۰		
قسمت گراور سازی						
مسئول	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
معاون	۱	۷۴۰	۷۴۰	۸۸۸۰		
نقاش و رتوشه کر	۱	۴۲۰	۴۲۰	۵۰۴۰		
عضو گراور سازی	۶	بتفاوت	۱۳۲۰	۱۵۸۴۰		
قسمت الکتریك						
مسئول	۱	۷۶۰	۷۶۰	۹۱۲۰		
عضو	۳	بتفاوت	۶۸۰	۸۱۶۰		
قسمت ماشینخانه						
مسئول	۱	۶۶۰	۶۶۰	۷۹۲۰		
معاون	۱	۲۵۰	۲۵۰	۳۰۰۰		
عضو	۲۲	بتفاوت	۳۴۰۵	۴۰۸۶۰		
قسمت اشتروتیپی و کالوانو پلاستیك						
مسئول	۱	۲۶۰	۲۶۰	۳۱۲۰		

شرح	تعداد نفرات	در ماه ریال از قرار نفری	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
عضو	٤	بتفاوت	۵۰۰	٦۰۰۰		
قسمت حروفچینی						
مسئول	۱	۵۰۰	۵۰۰	٦۰۰۰		
عضو	۱۹	بتفاوت	۳۰۷۰	۳٦۸٤۰		
قسمت فرم بندی						
مسئول	۱	۳٦۰	۳٦۰	٤۳۲۰		
عضو	۱٤	بتفاوت	۲۳٦۰	۲۸۳۲۰		
قسمت صحافی						
مسئول	۱	۳۵۰	۳۵۰	٤۲۰۰		
عضو	۱۵	بتفاوت	۲۱٤۰	۲۵٦۸۰		
صحافی اوراق بهادار						
مسئول	۱	۳۵۰	۳۵۰	٤۲۰۰		
عضو	۲۰	بتفاوت	۲۱۰۰	۲۵۲۰۰		
قسمت افست و چاپ سنگی						
مسئول	۱	٦۵۰	٦۵۰	۷۸۰۰		
عضو	۷	بتفاوت	۱۳٦۰	۱٦۳۲۰		
اعتبار اضافه کاری کلیه قسمتهای فنی مطبعه	—	—	—	۳٤٦٤۰		
اجرت کارگران کنتراتی	—	—	—	۱٤٤٤۰	٤۱۰۸۸۰	

شرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
فقره (۲)						
مصارف ازمرکب و روغن و ژلاتین و نفت و غیره				۱۰۰۰۰۰		
سوخت زمستانی				۸۰۰۰		
اعتبار فوق‌العاده				۱۲۰۰۰		
عیدی نوروز کارکنان مطبعه				۱۸۹۸۰	۱۳۸۹۸۰	
					۷۰۶۹۰۰۰	

صورت فوق ضمیمه قانون بودجه سال ۱۳۱۳ مجلس شورای ملی بوده و صحیح است.

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

اضافه ششصد هزار ریال برعایدات و مخارج ۱۳۱۳ وزارت پست و تلگراف

مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است مبلغ ششصد هزار ریال بعایدات پستی سال ۱۳۱۳ و مبلغ ششصد هزار ریال ببودجه مخارج سال ۱۳۱۳ وزارت پست و تلگراف و تلفون ماده ۲۳ :

اعتبار حمل و نقل و اضافه بار پستی و رسوم گمرکی و حق‌العمل فروش تمبر و حمالی اضافه نماید .

با افزایش فوق جمع پیش بینی عایدات و بودجه مخارج وزارت پست و تلگراف درسال ۱۳۱۳ بطریق ذیل خواهد بودو معادل این مبلغ بر بودجه کل مملکتی جمعاً و خرجاً اضافه میشود :

عایدات ۱۸۷۱۱۰۰۰ ریال مخارج ۲۳۲۷۹۴۹۰ ریال

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه بیست و چهارم تیرماه یکهزار و سیصد وسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون

هفتصد و نودهزار ریال اعتبار برای سه فقره مخارج اضافی

مصوب ۱۳ شهریور ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی سه فقره اعتبار جدید به مبلغ هفتصدونود هزارریال بشرح‌ذیل ازمحل‌صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۳ مملکتی تصویب‌مینماید :

۱ ــ برای کمك و مساعدت بمالکین و زارعین صفحات شاهپور وخوی و بعضی از نقاط دیگر ایالت غربی آذربایجان ۴۰۰۰۰۰ ریال

۲ ــ اعتبار برای مخارج ذهاب و ایاب و مخارج ایام توقف و سایر مخارج نمایندگانی که از طرف مجلس شورای ملی برای حضور در کنفرانس بین‌المجالس در اسلامبول اعزام میشوند ۹۰۰۰۰ ریال

۳ ــ اضافه اعتبار برای مخارج کمیسیونهای سرحدی که براعتبار مندرج درجزء ۲ قسمت ۸ بودجه ۱۳۱۳ مملکتی علاوه میشود ۳۰۰۰۰۰ ریال

جمع ۷۹۰۰۰۰ ریال

وزارت مالیه مجاز است مبلغی را که از اعتبار ۱۳۱۳ مخارج غیر مترقبه دولت برای کمك و مساعدت بمالکین و زارعین شاهپور و خوی و نقاط دیگر ایالت غربی آذربایجان تأدیه نموده است از اعتبار مزبور برگشت داده و بخرج اعتبار مذکور درفوق بگذارد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه سیزدهم شهریورماه یکهزار و سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

یك میلیون ریال اعتبار اضافی برای تکمیل ساختمان عمارت نظمیه

مصوب ۲۰ شهریورماه ۱۳۱۳

ماده واحده ــ مجلس شورای ملی مبلغ یك میلیون ریال براعتباری که درجزء ۹ از قسمت ۱۷ بودجه ۱۳۱۳ مملکتی برای تکمیل ساختمان عمارت نظمیه مرکزی

منظور شده است علاوه مینماید و در عوض معادل آن از اعتباری که در جزء ۱۶ از قسمت ۱۸ بودجه مذکور منظور شده است کسر میشود .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیستم شهریور ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون

پانصد هزار ریال اضافه اعتبار برای مخارج کمیسیونهای سرحدی

مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی مبلغ پانصدهزار ریال اضافه اعتبار برای مخارج ۱۳۱۳ کمیسیونهای سرحدی علاوه براعتباراتی که ضمن بودجه ۱۳۱۳ مملکتی و قانون مصوب ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۳ منظور شده است ازمحل صرفه‌جوئیهای بودجه ۱۳۱۳ مملکتی تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و هفتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون

تصویب نهصد و پنجاه هزار ریال اعتبار اضافی

مصوب اول دیماه ۱۳۱۳

ماده‌واحده ـ مجلس شورای ملی دوفقره اعتبار اضافی بمبلغ نهصد و پنجاه‌هزار ریال بشرح ذیل تصویب مینماید :

که از محل صرفه جوئی های بودجه **۱۳۱۳** مملکتی به اعتبارات موجوده علاوه گردد .

۱ ــ براعتبارمندرج درجزء ۱۱ قسمت ۱۸ بودجه ۱۳۱۳

مملکتی اضافه میشود		**۵۵۰۰۰۰** ریال

۲ ــ براعتبار مندرج در جزء ۲ قسمت ۱۸ بودجه ۱۳۱۳

مملکتی اضافه میشود		**۴۰۰۰۰۰** ریال

جمع **۹۵۰۰۰۰** ریال

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه اول دیماه یکهزاروسیصدوسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ داد گر

قانون

بودجه کل سال ۱۳۱۴ مملکتی

مصوب ۱۵ اسفند ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ــ مجلس شورای ملی بودجه سال ۱۳۱۴ مملکتی را (باستثناء عایداتی که از منابع نفطی ایران وصول وپس از وضع یك میلیون و دویست وپنجاه هزار ریال (۱۲۵۰۰۰۰ ریال) که درقسمت عایدات بودجه ۱۳۱۴ مملکتی منظور شده بقیه آن بحساب ذخیره مملکتی منظورخواهد شد) مطابق صورت ضمیمه که ازحیث عایدات بمبلغ هفتصد وپنجاه ویك میلیون ویکصد وبیست وسه هزارو چهارصد وهشتادوهفت ریال (۷۵۱۱۲۳۴۸۷) واز حیث مخارج بهفتصدو پنجاه میلیون وهشتصد و بیست وهفت

هزارو هفتصدونود ریال(۷۵۰۷۲۸۷۹۰ ریال) بالغ میباشد تصویب وبوزارت مالیه اجازه میدهد که مخارج مملکتی را اعم از حقوق و مصارف درسال ۱۳۱۴ در حدود اعتبارات مصوب در صورت ضمیمه ومطابق بودجه های تفصیلی سال ۱۳۱۳ تاحدیکه اعتبارات مصوبه در بودجه های مزبور ضمن بودجه های ۱۳۱٤ نیز منظور شده باشد بپردازد تاوقتیکه بودجه‌های تفصیلی ۱۳۱٤ که باید تایکماه بعد از افتتاح دوره دهم تقنینیه بمجلس شورای ملی تقدیم گردد بکمیسیون بودجه مجلس ارجاع شود و مادام که بودجه های تفصیلی از تصویب کمیسیون بودجه نگذشته مخارج مزبور را مطابق بودجه های پیشنهادی وپس از تصویب کمیسیون برطبق آنچه که تصویب شده است بپردازد . پرداخت مخارج مزبوره پس از یکماه از افتتاح دوره دهم تقنینیه موکول بتقدیم بودجه های تفصیلی به مجلس شورای ملی خواهد بود .

این قانون که مشتمل بریك ماده وصورت ضمیمه است درجلسه پانزدهم اسفند ماه یکهزار وسیصد وسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

بودجه کل سال ۱۳۱۴ مملکتی : باب اول ـ عایدات

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱٤ ریال	ملاحظات
		وزارت مالیه		
		مالیات مستقیم		
	۱	مالیات برعایدات و حق تمبر	٧٠٠٠٠٠٠٠	
	۲	الف ـ بقایای مالیات املاك مزروعی	١٤٠٠٠٠٠٠	
		ب ـ بازخرید منال خالصجات انتقالی	٥٠٠٠٠٠٠	
		مالیات غیر مستقیم		
	۳	مالیات صدی سه	٤٠٠٠٠٠٠٠	
	٤	ذبایح	٨٠٠٠٠٠٠	
	٥	مالیات رسومات	١٨٠٠٠٠٠٠	
	٦	مالیات نفت و بنزین	٢٠٠٠٠٠٠٠	
	٧	حق الثبت درشکه و کالسکه	٧٢٠٠٠٠	
	٨	متفرقه غیرمستقیم بانضمام عواید مالیات لاتار و حراج	٦٠٠٠٠٠	
	٩	بقایای مالیات حق الثبت	٥٠٠٠٠٠	
		گمرکات		
	۱۰	حقوق واردات وصادرات گمرکی	١٧٠٠٠٠٠٠٠	
		عواید انحصاری		
	۱۱	عواید تجارتی قند وشکر	٧٠٠٠٠٠٠٠	
	۱۲	« تجارتی کبریت	٣٥٠٠٠٠٠	
	۱۳	« انحصار تریاك	٧٠٠٠٠٠٠٠	
	۱٤	« « دخانیات	٧٠٠٠٠٠٠٠	
	۱٥	« « قماش	٢٦٢٣٣١٠٠	

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱٤ ریال	ملاحظات
		عواید امتیازات		
	۱٦	حق‌الامتیاز تلفن	۱۵۰۰۰۰	
	۱۷	حق‌الامتیاز و عایدات دولت از کمپانی شیلات بانضمام بقایای آن	۱۲۹۰۰۰۰۰	
	۱۸	عواید متفرقه امتیازات	۸۲۵۰۰۰	
	۱۹	بقایای امتیازات	۲۵۰۰۰۰۰	
	۲۰	حقوق نماینده دولت در نفت جنوب که شرکت نفط باید بپردازد	۲۰۰۰۰۰	
		سهام و منافع دولتی		
	۲۱	منافع سهام دولتی از نفط جنوب	۱۲۵۰۰۰۰	
	۲۲	منافع سهام دولتی از بانك ملی	٤۸۰۰۰۰	
	۲۳	منافع سهام دولتی از بانك صنعتی وفلاحتی	۱۰۰۰۰۰۰	
	۲٤	منافع ذخیره مسکوك نیکل	۷۵۰۰۰	
	۲۵	عایدات شرکت تثبیت نرخ غله	۸۰۰۰۰۰	
	۲٦	عایدات شرکت بیمه	٤۰۰۰۰۰	
	۲۷	عایدات سهام شرکت‌قماش ازابتدای تأسیس	۲۵۰۰۰۰۰	
		خالصجات و معادن و غیره		
	۲۸	خالصجات	۱۹۰۰۰۰۰۰	
	۲۹	معادن	۳۵۵۰۰۰۰	
	۳۰	جنگلها	۲۳٦۰۰۰۰	
	۳۱	شیلات داخلی	۵۰۰۰۰۰	
	۳۲	خاك سرخ	۲۰۰۰۰۰۰	

فصل	ماده	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
		عواید انتقالی ازوجوه مخصوصه		
	۳۳	صدی سه مخارج وصول مالیات راه وانحصار قند و چای	۴۸۶۰۰۰۰	
	۳۴	سهم معارف از مالیات راه	۲۶۰۶۶۰۷	
	۳۵	سهم صحیه از مالیات راه	۷۲۴۱۳۰	
	۳۶	سهم صحیه از عایدات بندری	۴۴۰۰۰۰	
	۳۷	سهم صحیه بابت عایدات پوست بره	۱۵۰۰۰۰۰	
		مطالبات دولت		
	۳۸	کارخانه نخریسی مرحوم صنیع الدوله	۳۰۰۰۰	
	۳۹	مطالبات متفرقه دولت	۴۰۰۰۰۰۰	
		سایر عواید وزارت مالیه		
	۴۰	عواید شانسلری گمرك	۲۵۰۰۰۰۰	
	۴۱	عواید سرب و مهر گمرك	۱۰۰۰۰۰۰	
	۴۲	عواید انبار داری گمرك	۴۵۰۰۰۰۰	
	۴۳	عواید متفرقه گمرك	۲۷۰۰۰۰۰	
	۴۴	عواید متفرقه وزارتمالیه	۱۰۰۰	
۲		**مجلس شورای ملی**		
	۱	عواید مطبعه و باغ بهارستان	۶۰۰۰۰۰	
۳		**وزارت عدلیه**		
	۱	عواید محاکم	۳۹۰۰۰۰۰	

قسمت	فقره	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱٤ ریال	ملاحظات
	۲	عواید مأمورین صلح و نمایندگی پارکه ها	۱۰۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
	۳	» ثبت اسناد و املاک	۹۱۲٥۰۰۰	
	٤	» صدی ۲٥ ثبت اسناد واملاک	۲۲٥۰۰۰۰	
	٥	» حق النسبی ازحق الاجراء ثبت اسناد بموجب ماده ۱۳۱ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲٦ اسفند ماه ۱۳۱۰	٥۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
	٦	حق السهم صاحبان محاضر رسمی	۱۲۰۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
	۷	عایدات فروش اوراق و دفاتر	۷۲۰۰۰۰	
	۸	عواید متفرقه	۱۰۰۰	
٤		**وزارت داخله**		
	۱	عواید نظمیه	٥۰۰۰	
	۲	» تذکره اقامت اتباع خارجه	۲۷۰۰۰۰	
	۳	» صحیه	۲۲٥۰۰۰	
	٤	» حاصله ازمعاینه صحی کشتیهاوقرانطینه‌ها	۱۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
	٥	» سجل احوال	۱٤۰۰۰۰	یکصد هزارریال ازاین قلم جمعاً و خرجاً منظور است
	٦	» متفرقه وزارت داخله	۱۰۰۰	
٥		**وزارت امور خارجه**		
	۱	عواید شانسلری	۲۰۰۰۰	
	۲	» متفرقه	۱۰۰۰	
٦		**وزارت پست و تلگراف**		
	۱	عواید پست	۷۳۸۰۰۰۰	

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
	۲	تلگراف وتلگراف بی‌سیم	۱۱۵۰۰۰۰۰	
	۳	وجهی که شرکت تلفن برای مخارج نظارت وزارت پست و تلگراف میپردازد	۴۰۰۰۰	
	٤	متفرقه	۵۰۰۰	
۷		**وزارت معارف**		
	۱	عواید شهریه مدارس غیرابتدائی	۵۰۰۰۰۰	
	۲	عواید تمبر جواز وتصدیقنامه‌وغیره	۴۵۰۰۰۰	
	۳	عواید فروش کتب وسالنامه وپرگرامها	۳۰۰۰۰	
	٤	عواید متفرقه	۲۰۰۰۰	
۸		**وزارت طرق**		
	۱	عواید متفرقه	۲۵۰	
۹		**اداره کل تجارت**		
	۱	عواید تمبر	۲۵۰۰	
	۲	عواید متفرقه	۱۵۰۰	
۱۰		**اداره کل صناعت**		
	۱	عایدات مدارس صنعتی	۲۷۵۰۰	
	۲	کارخانه سیمان‌سازی	۹٦٤٦۰۰۰	
	۳	عایدات کارخانه قیراندود کردن و اشباع	۱۴۹۰۰۰۰۰	
	٤	متفرقه	۵۰۰	

فصل	ماده	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
۱۱		**اداره کل فلاحت**		
	۱	عایدات مزارع امتحانیه وغیره	۱۸۷۴۰۰	
۱۲		**تذکره**		
	۱	عایدات تذکره	۱۳۶۰۰۰۰	
۱۳		**عواید متفرقه وغیرمترقبه**		
	۱	عواید متفرقه مملکتی که در سایر مواد منظور نشده	۹۵۰۰۰۰۰	
		جمع	۷۳۶۱۲۳۴۸۷	
۱۴		انتقالی بحساب ۱۳۱۴ بابت عوایدمربوطه بسال ۱۳۱۳ که در نه ماهه آخر ۱۳۱۴ وصول خواهد شد	۱۵۰۰۰۰۰۰	
		جمع	۷۵۱۱۲۳۴۸۷	

باب دوم - مخارج

فصل	ماده	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
۱	۱	وزارت دربار ودفتر مخصوص شاهنشاهی	۵۱۷۱۸۴۰	
۲	۱	مجلس شورای ملی	۷۳۱۰۰۰۰	استفاده از نود هزار ریال از این اعتبار محدود به تهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ششصد پهلوی
۳	۱	ریاست وزراء	۶۹۹۵۰۰	
۴		**وزارت جنگ و تشکیلات امنیه**		
	۱	وزارت جنگ بانضمام خرج سفر و خرج تحصیل محصلین وزارت جنگ و بحریه و حقوق و مخارج مستخدمین خارجی لشگری وبحریه	۲۲۳۷۲۹۹۸۰	
	۲	تشکیلات امنیه	۲۵۶۷۸۴۰۰	
۵		**وزارت داخله**		
	۱	وزارت داخله	۷۰۱۰۱۴۰	
	۲	تشکیلات نظمیه مملکتی	۲۶۵۷۹۱۲۶	
	۳	صحیه کل	۱۲۱۲۱۰۰۰	استفاده از ۲۰۲۰۰۰ ریال از این اعتبار محدود به تهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ١٣٤٦ر٦٦ر٦٦ پهلوی
	۴	صحیه کل اعتبارات فوق العاده مأمورین صحی جهت معاینه صحی در بنادر و قرانطینه ها (در حدود عایدات) (جمعاً و خرجاً منظور است)	۱۰۰۰	

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
	۵	احصائیه وسجل احوال	۷۲۶۲۵۰۰	
	۶	احصائیه وسجل احوال مخارج طبع اوراق وسایر مخارج معینه در تبصره قانون مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۱۳ (درحدودعایدات)	۱۰۰۰۰۰	جمعاً وخرجاً منظور است
	۷	نظام وظیفه	۴۰۰۰۰۰	
۶		**وزارت عدلیه**		
	۱	وزارت عدلیه	۱۳۹۲۸۴۵۰	استفاده از ۳۰۲۴۰۰ ریال از این اعتبارمحدود بخرید و تهیه اسعار خارجی است معادل ۲۰۱۶ پهلوی
	۲	ثبت اسناد واملاک	۱۱۵۸۷۰۰۰	
	۳	حق مأمورین صلح و نمایندگی پارکه‌ها (در حدود عایدات)	۱۰۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است
۷		**وزارت امورخارجه**		
	۱	وزارت امور خارجه	۲۰۳۰۱۸۰۸	استفاده ازمبلغ ۱۵۴۸۶۵۷۲ ریال ازاین اعتبارمحدود بتهیه وخریداسعارخارجی است معادل ۱۰۳۲۴۳٫۸۰٫۳۰ پهلوی
۸		**وزارت پست و تلگراف**		
	۱	وزارت پست وتلگراف	۲۴۳۶۶۲۱۰	استفاده ازمبلغ ۱۸۱۶۳۲۰ ریال ازاین اعتبارمحدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۲۱۰۸٫۸۰ پهلوی

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱٤ ریال	ملاحظات
۹		**وزارت معارف**		
	۱	وزارت معارف	۳۱۷۹۸۲۵۰	استفاده از مبلغ ۱۹۹۷۷۰۰ ریال ازاین اعتبار محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۳۳۱۸ پهلوی
	۲	اعتبار مخارج مربوطه باجرای قانون اعزام محصلین بخارجه : الف ـ اعتبار مطابق قانون ۶۰۰۰۰۰۰ ب ـ اعتبار برای تفاوت تسعیر ۸۸۵۰۰۰۰	۱٤۸۵۰۰۰۰	مبلغ ۱٤۷۵۰۰۰۰ ریال از این اعتبار محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۹۸۳۳۳ پهلوی
۱۰		**وزارت طرق و شوارع**		
	۱	وزارت طرق و شوارع	۸٤۱۹۵٦	
۱۱		**اداره کل تجارت**		
	۱	اداره کل تجارت	۲٤۰۵۰۰۰	
۱۲		**اداره کل صناعت و معادن**		
	۱	اداره صناعت	۲٤۸۹۷۱۰	استفاده ازمبلغ ۱۵٦۰۰۰ ریال محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۱۰٤۰ پهلوی
	۲	اداره معادن	۷۱۵۸۱۰۰	استفاده از مبلغ ۷۱۵۲۰۰ ریال از این اعتبار محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ٤۷٦۸ پهلوی

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
۱۳		**اداره فلاحت**		
	۱	اداره کل فلاحت	۱۲۷۶۸۰۶۰	استفاده از مبلغ ۱۶۵۰۰۰۰ ریال از این اعتبار محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۱۱۰۰۰ پهلوی
۱۴		**وزارت مالیه**		
	۱	وزارت مالیه با انضمام گمرکات و محصلین مالیه و دیوان محاسبات و مخارج مربوط باجرای قانون انحصار تجارت	۳۵۰۰۵۴۷۲۰	استفاده ازمبلغ ۳۹۹۰۰۰۰ ریال از این اعتبار محدود به تهیه و خرید اسعارخارجی است معادل ۲۶۶۰۰ پهلوی
	۲	حقوق و مخارج مستخدمین خارجی مالیه	۱۸۴۱۳۵۰	استفاده از مبلغ ۱۴۴۰۰۰۰ ریال از این اعتبار محدود به تهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۹۶۰۰ پهلوی
	۳	انحصار دولتی تریاك	۴۶۵۰۰۰۰۰	
	۴	انحصار دولتی دخانیات	۳۹۷۰۰۰۰۰	
	۵	اعتبار مخارج تحصیل عواید تجارت قند و کبریت	۷۳۰۰۸۰	
	۶	اعتبار اداری ضرابخانه	۳۰۰۰۰۰۰	
۱۵		**اعتباردولت**		
	۱	الف ـ مخارج مترقبه وغیرمترقبه ۱۵۰۰۰۰۰ ب ـ مخارج سری ۲۰۰۰۰۰ ج ـ اعتبار انعام ۱۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه‌دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
۱۶		**اعتبارات مستمر عمومی**		
	۱	دیون خارجی دولت	۶۸۷۵۰۰۰	این‌اعتبار محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۶۸۷۵۰ لیره
	۲	اعتبار شهریه و عوض بهره و مصارف بقاع متبرکه و رد قسط قرض دریافتی از بانک ملی برای باز خرید مستمریات و فرع آن	۳۵۰۰۰۰۰	استفاده‌ازمبلغ ۱۱۸۸۰۰ ریال از این اعتبار محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۷۹۲ پهلوی
	۳	اعتبار حقوق انتظار خدمت	۲۴۰۰۰۰۰	
	٤	مخارج نگاهداری و ساختمان مسلخ ها و مخارج مربوطه به تفتیش صحی روده	۲٤۵۰۰۰۰	
	۵	فرع وحق‌العمل بانکهاومخارج انتقال وجوه دولتی	۱۵۰۰۰۰۰	
	٦	هیئت تفتیشیه مملکتی	۳۵۰۰۰۰	
	۷	سرمایه بانک ملی از محل منافع سهام دولتی	٤۸۰۰۰۰	جمعاً وخرجاً منظور است
	۸	سرمایه بانک‌فلاحتی‌ازمحل منافع‌سهام‌دولتی	۱۰۰۰۰۰۰	
	۹	سهم شیروخورشید سرخ‌مشهدمقدس وتبریز	۵۱۹۰۵۰	
	۱۰	مخارج مربوط بمحاکمات دولتی و کلیه اعتراضات ثبتی و مخارج ثبتی و قضائی و محکومیت های ناشیه از اعمال تصدی دولت و حق‌الحکمیه و تصفیه محکومیت هائی که دولت دارد یاممکن است پیش بیاید و سایر مخارج‌مربوط باین قبیل امور	٦٦۰۰۰۰	

فصل	شماره	شرح	پیش بینی برای بودجه‌دوره عمل ۱۳۱٤ ریال	ملاحظات
	۱۱	اعتبار نگاهداری قرق و باغات سلطنتی	۱۲۷۹۲۰	
	۱۲	حقوق مفتش بانك ملی و مخارج تفتیش	٦۰۰۰۰	
	۱۳	كمك بمخارج عمومی بانك فلاحتی	۲٤۰۰۰۰	
	۱٤	حقوق نمایندگان دولت شاهنشاهی در نفط جنوب	۲۰۰۰۰۰	جمعاً و خرجاً منظور است این اعتبار محدود بتهیه وخریداسعار خارجی است معادل ۲۰۰۰ لیره
	۱۵	مخارج انتفاعی مملكتی (*)	۸۰۰۰۰۰۰	
	۱٦	اعتبار برای تفاوت تسعیر تعهدات و مخارج مملكتی كه باسعار خارجی بعمل میآید	۱۰۰۰۰۰۰	
	۱۷	تشكیلات مستحفظین سرحدی	٦۰۰۰۰۰۰	
	۱۸	اعتبار كمیسیون های سرحدی (بانضمام مخارج مربوطه به آبهای سرحدی)	۱۵۰۰۰۰۰	
	۱۹	اعتبار برای تبدیل مأمورین امنیه وزارتخانه‌ها بآژان اعم از حقوق ومصارف	۱۰۰۰۰۰۰	
۱۷		**اعتبارات غیرمستمر وزاتخانه‌ها وادارات دولتی**		
		مجلس شورای ملی		
	۱	اعتبار تكمیل ساختمان مجلس بـه انضمام مخارجیكه‌ازبابت ساختمان در ۱۳۱۳ شده‌است	۲۰۰۰۰۰	

(*) بموجب ماده ۱ قانون ۲۲ اسفند ۱۳۱۳ این اعتباردرسال ۱۳۱۵ نیزقابل تعهد ومصرف میباشد .

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
		وزارت امور خارجه		
	۲	اعتبار جهت تکمیل ساختمان عمارت جدید مرکز وزارت امورخارجه	۲۰۰۰۰۰۰	
	۳	اعتبار جهت ساختمان عمارت سفارتخانه در بغداد	۱۰۰۰۰۰۰	
		وزارت داخله		
	٤	اعتبار برای ساختمان عمارت جدید مرکز وزارت داخله	۵۰۰۰۰۰	
	۵	اعتبار برای خرید محل یا ساختمان عمارت جهت ادارات حکومتی و تعمیر ادارات مزبوره	۲۰۰۰۰۰	
		صحیه کل		
	٦	اعتبار جهت خرید سناتاریوم ـ قرانطینه ها مریضخانه ها بانضمام خرید زمین و بنای ابنیه مذکوره وسایر مخارج مربوط بآنها و مرمت مریضخانه ها بانضمام تعمیرات وتکمیل سناتاریوم شاه‌آباد شمیران و خرید اثاثیه و لوازم آن واعتباربرای رد وجهی که درسال ۱۳۱۳ برای تکمیل مریضخانه‌های ولایات قرض داده شده	۲۱٦۰۰۰۰	
	۷	اعتباربرای خریدزمین وساختمان مریضخانه درطهران	۲۰۰۰۰۰۰	
		تشکیلات نظمیه		
	۸	اعتبار ساختمان وتعمیر محبسها و توقیفگاهها	۳۷۰۰۰۰	

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱٤ ریال	ملاحظات
	۹	اعتبار برای تکمیل ساختمان عمارت نظمیه مرکزی	۱۰۰۰۰۰۰	
	۱۰	اعتبار برای تکمیل بنای توقیفگاه ها	۲۰۰۰۰۰	
	۱۱	اعتبار برای تکمیل ساختمان و تکمیل ساختمان و تعمیر نظمیه های ولایات	۷۵۰۰۰۰	
		وزارت عدلیه		
	۱۲	اعتبار برای خرید زمین وساختمان عمارت محاکم	۱۰۰۰۰۰۰	
	۱۳	اعتبار خرید زمین وساختمان محل عدلیه در خرم آباد	۵۰۰۰۰	
	۱٤	اعتبار تکمیل ساختمان عمارت ثبت اسناد درمرکز	۵۰۰۰۰۰	
		وزارت پست وتلگراف		
	۱۵	اعتبار جهت سیم کشی های جدید	۱۸۰۰۰۰۰	
	۱٦	اعتبار جهت ساختمان های جدید برای تلگرافخانه‌های ولایات	۵۰۰۰۰۰	
	۱۷	اعتبار برای قسط اول خرید دستگاه گیرنده صوت ونصب آن	٦۵۰۰۰۰	
	۱۸	اعتبار برای خرید چند هواپیما جهت تأسیس پست هوائی و ساختمان محل آن و خرید اشیاء وابزار لازمه آن	۱۲۹۹۹۰۰	مبلغ ۱۲۳۹۹۰۰ ریال از این اعتبار محدود بتهیه و خرید اسعار خارجی است معادل ۸۲٦٦ پهلوی

ماده	فصل	شرح	پیش‌بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱٤ ریال	ملاحظات
		وزارت معارف		
	۱۹	اعتبار برای تکمیل ساختمان دانشگاه و ساختمان وخرید زمین وبنا وساختمان وتکمیل ساختمان دبیرستانها و دبستانها و دانشسرا های مقدماتی	۸۰۰۰۰۰۰	
	۲۰	ساختمان موزه	۲۰۰۰۰۰۰	
		اداره کل صناعت و معادن		
	۲۱	اعتبار کارخانه بضری سازی	۱۰۰۰۰۰۰	
	۲۲	اعتبار برای تکمیل و بهره برداری کارخانه سیمان سازی	۱۲۵۰۰۰۰۰	
	۲۳	سرمایه بهره برداری معادن ذغال شمشك و زیراب (دلیلم) ومشهد	۱٥۰۰۰۰۰	
		اداره کل فلاحت		
	۲٤	اعتبار برای ساختمان های اداری و خرید بنا و زمین برای احتیاجات اداری و منازل مأمورین و ساختمان دستگاه های مختلفه و انبار جهت اثاثیه و طویله	۹۷٤۱٤۰	
	۲٥	اعتبار برای خشکانیدن باتلاقها	۱۰۰۰۰۰۰	
		وزارت مالیه		
	۲٦	اعتبارخرید وساختمان ابنیه گمرکی ودوایر تابعه وزارت مالیه	٥۰۰۰۰۰۰	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱٤ ریال	ملاحظات
۱۸		**اعتبارات غیر مستمر عمومی**		
	۱	اعتبار عمران واسکان عشایر وتبدیل املاك: الف - اعتبار عمران واسکان عشایر ۱۸۲۰۰۰۰ ب - اعتبار مصارف مربوطه بتبدیل املاك وعلاقه اشخاص بااملاك دولتی ۱۸۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	
	۲	اعتبار دفع ملخ	۱٤۰۰۰۰۰	
	۳	اعتبار دفع سن	٥۰۰۰۰۰	
	٤	دیون داخلی وتعهدات دولت	٦۰۰۰۰۰	
	٥	اعتبار سرمایه بانك ملی	٥۰۰۰۰۰۰	
	٦	اعتبار سرمایه بانك فلاحتی	۱۰۰۰۰۰۰۰	
	۷	تعمیرابنیه‌دولتی وخرید زمین‌یابنابرای دولت	۹۰۰۰۰۰	
	۸	اعتبار برای خرید قایق جهت جلوگیری از قاچاق	۸۰۰۰۰۰	
	۹	اعتبارپذیرائیهای رسمی که ممکن‌است پیش بیایدبانضمام‌مخارجیکه درسال ۱۳۱۳ ازبابت پذیرائی علاوه براعتبار مربوطه پیش‌آمده	٥۹۰۰۰۰	
	۱۰	مخارج مربوط باعزام مأمورین و کمیسیونها و تقسیم اراضی و تعویض املاك و اجرای قوانین راجع بتقسیم اراضی و سایر مخارج پیش بینی نشده مملکتی	۲۰۰۰۰۰۰	

قسمت	جزء	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
	۱۱	مخارج مربوط بمسافرت و مأموریت هیئت اعزامی بژنو درسال ۱۳۱۳	٤٦٦٥٠٠	این اعتبار محدود بتهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۳۱۱۰ پهلوی
	۱۲	اعتبار برای تأسیسات اقتصادی عام المنفعه که بموجب قوانین مخصوص تصویب خواهدشد	۱۰۰۰۰۰۰۰	
	۱۳	اعتبار برای کمك بساختمان طرق	۲۰۰۰۰۰۰۰	
	۱٤	سرمایه شرکت بیمه	۱۵۰۰۰۰۰۰	
	۱۵	سرمایه شرکت قماش	۲۲۳۰۰۰۰	
	۱٦	سرمایه شرکت تثبیت نرخ غله	۳۰۰۰۰۰۰۰	
	۱۷	ساختمان بند شاهپور درخوزستان	۵۰۰۰۰۰	
۱۹	۱	انتقالی بحساب ۱۳۱٤ بابت اعتبارات مربوط بسال ۱۳۱۳ کهدرنه ماهه آخر سال ۱۳۱٤ تأدیه خواهد شد	۱۵۰۰۰۰۰۰	
		(تبصره ـ وزارت مالیه مجاز است از این محل معادل اعتبار چهارماهه که از اعتبارات مخارج مربوط بآن وزارتخانه کسر شده‌است برای تشکیلات مربوط بوصول بقایای مالیات ارضی در چهار ماهه اول ۱۳۱٤ تأدیه و محسوب نماید)		

قسمت	فصل	شرح	پیش بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴ ریال	ملاحظات
۲۰		**کارخانجات**		
	۱	مخارج تأسیس کارخانه چیت سازی	۲۶۲۳۳۱۰۰	استفاده از مبلغ ۱۲۱۳۱۰۰ ریال از این اعتبار محدود به تهیه وخرید اسعار خارجی است معادل ۷۴۷۵۴ پهلوی
	۲	مخارج تکمیل و بهره برداری کارخانجات قیراندود کردن واشباع	۱۴۵۷۹۰۰۰	
		جمع کل	۷۵۰۸۲۷۷۹۰	

خلاصه :

عایدات پیش بینی شده سال ۱۳۱۴	۷۵۱۱۲۳۴۸۷/-	ریال
مخارج پیش بینی شده سال ۱۳۱۴	۷۵۰۸۲۷۷۹۰/-	ریال
تفاضل عایدات نسبت بمخارج	۲۹۵۶۹۷/-	ریال

صورت فوق ضمیمه قانون بودجه کل سال ۱۳۱۴ مملکتی بوده وصحیح است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

متمم بودجه سال ۱۳۱۴ مملکتی

مصوب ۲۲ اسفندماه ۱۳۱۳

ماده ۱ ـ وزارت مالیه مجاز است مبالغ ذیل را برای مخارج مربوط به ساختمان راه آهن بوزارت طرق بپردازد :

الف ـ از محل اعتبار تأسیسات اقتصادی بودجه ۱۳۱۳ مملکتی مبلغ سی میلیون ریال که از عایدات انحصار قند و شکر بموجب قوانین بمخارج غیرساختمان راه‌آهن رسیده بود .

ب ـ از عایدات انحصار قند و شکر مبلغ یك صد و بیست میلیون ریـال (۱۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال) .

ماده ۲ ـ وزارت طرق مجاز است تا یکصد و پنجاه میلیون ریال برای مخارج مربوط بساختمان راه‌آهن از بانك ملی استقراض کند .

ماده ۳ ـ وزارت مالیه مجاز است مبـالغ ذیل را از محل ذخیره مملکتی پرداخت نماید :

الف ـ باعتبار ۱۳۱۳ دولت	۲۵۰۰۰ لیره

ب ـ بوزارت جنگ	۲۰۰۰۰۰۰ »

استفاده ازاین اعتبار و همچنین ازاعتباری که بموجب قانون بودجه سال۱۳۱۳ تصویب شده محدود به یك سال مالی نیست .

ج ـ بوزارت طرق برای ساختمان راه‌آهن وخرید لوازم مربوط به راه آهن که بعداً باید مسترد شود	۶۰۰۰۰۰ لیره

د ـ باداره کل صناعت برای قسط کارخانه های قند	۸۰۰۰۰ »

ماده ۴ ـ وزارت مالیه مجاز است علاوه براعتباری که در ماده (۳) این قانون بلیره منظور شده تا بیست میلیون ریال مخارج مربوط بکارخانه‌های قندسازی‌را ازمحل صرفه جوئی های ۱۳۱۴ بودجه کل مملکتی بپردازد .

برای احتیاجات بهره برداری سال ۱۳۱۴ کارخانه های قند اداره کل صناعت وجوه لازمه را درحدود بودجه بهره‌برداری که بتصویب هیئت وزراء رسیده باشد برای مدت بهره‌برداری از بانك استقراض خواهد کرد .

ماده ۵ ـ وزارت مالیه مجاز است علاوه بر اعتباری که در بودجه کل مملکتی منظورگردیده تاپنج میلیون و ششصد هزار ریال بابت پرداخت اقساط کارخانه سیمان و سایر مخارج مربوطه از محل صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۴ مملکتی پرداخت نماید .

ماده ٦ ـ دولت مجاز است فروش و یا هرمعامله دیگر اسناد قرضه خارجی را در ایران اعم از اینکه اسناد قرضه دولتی باشد یا غیر دولتی ـ بالتری باشد یا بدون آن وهمچنین فروش ویا هرمعامله دیگربلیطهای لتری یا شرط‌بندی وسهام شرکتهای خارجی را مشروط بشرایطی کرده یا اساساً منع نماید .

نظامنامه هیئت وزراء برای متخلّفین جرائم نقدی معین خواهدکرد ـ فروشنده خریدار و واسطه متضامناً مسئول پرداخت جریمه خواهند بود .

ماده ۷ ـ از تاریخ اجرای این قانون اقدام به بخت آزمـائی طبع و انتشار اعلانات مربوطه بآن و فروش یا هرمعامله دیگر بلیطهای بخت‌آزمائی داخلی ممنوع است مگر با اجازه مخصوص هیئت وزراء .

میزان جریمه نقدی متخلفین بموجب نظامنامـه مصوب هیئت دولت معین خواهد شد .

درهرموردی که تمام عوایدخالص بخت‌آزمائی منحصراً بنفع مؤسسات دولتی

یا امور خیریه و ملی نباشد هیئت وزراء اجازه بخت آزمائی نخواهد داد .

ماده ۸ ـ از تاریخ اجرای این قانون حق وارد کردن کلیه وسائل نقلیه ارضی موتوردار و لوازم ومتعلقات آن منحصر بدولت است .

حقی که مؤسسه انحصار دولتی وسائل نقلیه برای خود منظور میدارد نباید بیش از مبلغی باشد که وارد کنندگان تا این تاریخ بابت تفاوت قیمت اسعار صادراتی میپرداخته اند .

برای تقلیل قیمت فروش اجناس فوق‌الذکردرداخله دولت مکلف است تدابیر لازمه اتخاذ کرده وعندااللزوم تا صدی پنجاه ازعایدات حاصله از این انحصاررا برای انجام این منظور مصرف کند .

ماده ۹ ـ بانك فلاحتی و صنعتی مکلف است شرکتی باسم شرکت رهن املاك تأسیس کرده ودر سال ۱۳۱٤ تا پنج میلیون ریال ازسرمایه و سایر وجوهی را که در اختیار خود دارد درآن شرکت بکار بیندازد .

اساسنامه شرکت مزبور و نظامنامه های مربوطه آن با موافقت وزارت مالیه تنظیم خواهد شد .

ماده ۱۰ ـ دولت مجاز است از تمام مؤسسات بیمه یامؤسساتی که عهده دار بعضی از انواع بیمه هستند اعم ازاینکه مؤسسه داخلی باشد یا خارجی مقدارمعینی وثیقه نقدی بخواهد و مقرر دارد که تمام این وثیقه و یك قسمت از حق بیمه ای که درایران گرفته میشود بصورت سهام یا اسناد قرضه شرکت رهن املاك درآمده و در بانك فلاحت بامانت گذارده شود .

نظامنامه هیئت وزراء جریمه متخلفین ازمقررات فوق‌الذکر را معین کرده و بعلاوه دولت ازمعامله آنها درایران جلوگیری خواهد نمود .

ماده ۱۱ ـ درهر مورد که عبور صادرات ایران ازطرق طبیعی ورسانیدن آن اجناس ببازارهای تجارتی دنیا بعلت گرانی کرایه یامشکلات دیگر خارج ازمصلحت تجارتی باشد دولت مجاز است وسائل عبور دادن صادرات را از طرق دیگر فراهم آورده وبرای این منظورازمحلهای ذیل تاسی میلیون ریال درسال اقتصادی ۱۵ـ۱۳۱۴ مصرف نماید.

ازمحل تفاوت بین قیمت خرید و فروش تصدیق صدور	۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال
از محل عایدات انحصار وسایل نقلیه	۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال
ازمحل صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۴	۵۰۰۰۰۰۰ ریال

ماده ۱۲ ـ ورود طلای شمش ازپرداخت حقوق گمرکی معاف است.

این ماده شامل طلا هائی نیز خواهد بود که بانك ملی ایران در سال ۱۳۱۳ برای ذخیره اسکناس وارد کرده.

ماده ۱۳ ـ ازتاریخ اجرای این قانون ورود مسکوك نقره ایران طبق نظامنامه مصوبه هیئت وزراء مجاز خواهد بود.

ماده ۱۴ ـ قانون بهمن ماه ۱۳۰۳ راجع بمعافیت ماشین‌های صنعتی وفلاحتی ازتاریخ انقضاء تاسه سال دیگر قوت خواهد داشت.

ماده ۱۵ ـ کشت توتون سیگار بموجب اظهار نامه و جواز زراعت که مجاناً داده میشود خواهد بود.

مؤسسه انحصار دولتی دخانیات حق هرگونه نظارت وتفتیش در کشت وخشك نمودن و جور کردن و دسته بنـدی توتون سیگار و دادن دستور های مربوط باین امور را دارد. جریمه متخلفین از مقررات مؤسسه را نظامنامه هیئت وزراء معین خواهد کرد. درمورد اشخاصیکه برطبق مقررات قـانون دخانیات ملزم بپرداخت

حقوق دولت میباشند و از پرداخت حقوق دولت استنکاف یا تخلف مینمایند مطابق نظامنامه راجع بتأمین وصول مالیات برعایدات رفتار خواهد شد .

ماده ۱۶ ــ هرگاه درخارج از مراکز رسومات ویا نقاطی که اداره رسومات اجازه داده باشد آلات وادوات تقطیر الکل ویا مواد اولیه تخمیر شده که معلوم‌شود برای تقطیر الکل تهیه شده کشف شود علاوه بر ضبط عین مال مرتکب و شرکاء و معاونین هریك بپرداخت جریمه نقدی ازپانصد الی یکهزارریال محکوم خواهند شد . درصورت تکرار جرم متخلف بعلاوه جزای‌نقدی بحبس تأدیبی ازیکماه تاششماه نیز محکوم میشود .

ماده ۱۷ ــ وزارت مالیه مجاز است برای تأمین وصول جرائم قاچاق اموال موضوع عایدات دولت نظامنامه بر اساس مقررات راجع باجرای اسناد ثبت شده تنظیم نماید .

ماده ۱۸ ــ علاوه بر اجرای مقررات مندرجه در قوانین مخصوصه و اسناد و کنتراتها درصورتیکه در پرداخت هرگونه مالیات و عوارض یاعواید عمومی دیگر که از طرف وزارت مالیه خواه طبق قوانین مخصوص یا طبق قانون بودجه و خواه در اجرای اجاره نامه ها و کنتراتها و امتیاز نامه ها یا سایر قرار داد های مشابه آن وصول میشود تا یکماه از تاریخ انقضای موعدهای معینه تأخیر بعمل آید از ابتدای سال ۱۳۱٤ ماهیانـه صدی یك و نیم بعنوان جریمه تأخیر برای هر ماه و کسور ماه دریافت خواهد گردید درصورتیکه میزان طلب دولت مورداعتراض واقع شودمنافع مذکوردرفوق بدیون قطعی مؤدی‌که درمورد مقررپرداخت‌نشده تعلق خواهدگرفت.

این ماده شامل مالیات بر عایدات که جریمه تأخیر تأدیه آن مطابق ماده ۲٤ قانون مالیات برعایدات مصوب آبان ماه ۱۳۱۲ وصول میشود نخواهد بود .

ماده ۱۹ ـ وزارت مالیه برای وصول مالیات و عوارض و مال الاجاره و حق‌الامتیاز و منافع وجرایم مربوطه بآنها نسبت بسایر طلبکاران مدیونین خود و ضامنین آنها حق تقدم خواهد داشت مگر در مواقع ورشکستگی . کلیه اشخاصی که اموال یا وجوه مشمول این حق تقدم را متصرف هستند و یا آن اموال یا وجوه را مدیون هستند درصورت اخطار کتبی نمایندگان صلاحیتدار وزارت مالیه حق نخواهند داشت که اموال مزبوره را از تصرف خود خارج نمایند مگر اینکه قبلا وجوهی را که دراخطاریه های مذکور فوق تصریح شده است شخصاً تأدیه نموده یاایصال دارند و درصورت تخلف شخصاً مسئول پرداخت مطالبات مذکوره خواهند بود .

مقصود از ورشکستگی مذکور دراین ماده ورشکستگی‌است که قبل‌ازپانزدهم اسفند ۱۳۱۳ ورشکسته وقرار تصفیه بدهی خودرا باوزارت مالیه نداده باشد .

ماده ۲۰ ـ وزارت مالیه مجاز است کـه در مواقع لازمه عمل مساعده دادن نقدی وجنسی را بزارعین خالصجات ادامه دهد این قبیل مساعده هائی که رویهمرفته بیش از ۸۰۰۰۰۰ ریال نقد و ۲۵۰۰۰ خروار غله نخواهد بود درظرف یکسال باید مسترد شود .

ماده ۲۱ ـ اعتباری که برای مخـارج انتفاعی مملکتی در بودجه سال ۱۳۱٤ منظور است درسال ۱۳۱۵ نیز قابل تعهد ومصرف میباشد .

ماده ۲۲ ـ مبلغ سیصد وپنج هزار ریال که وزارت مالیه در سال ۱۳۱۳ برای خرید جنس بزارعین بوشهر وسایر نقاط جنوبی قرض داده تصویب میشود .

ماده ۲۳ ـ قانون مصوب ۲۸ مهرماه ۱۳۱۱ شمسی راجع بمعاوضه خالصجات ازتاریخ انقضاء تادو سال بقوت خود باقی است .

تبصره ۱ ـ هرگاه درنتیجه معاوضه قسمتی ازملك خالصه مورد معاوضه باقی

بماند وزارت مالیه مجاز است قسمت مزبور را بدون مزایده طبق نظامنامه مصوب هیئت وزراء بشخص یا اشخاصی که ملك خالصه بآنها عوض داده شده بفروشد .

تبصره ۳ ـ چنانچه در نتیجه معاوضه ملك خالصه کمتر از ملك معوض شد وزارت مالیه مجاز است تتمه را طبق نظامنامه هیئت وزراء از محل فروش خالصجات تأدیه نماید .

ماده ۳۴ ـ حداقل حقوق ماهیانه دبیران وهنرآموزان ٦٨۰ریال و دانشیاران یکهزار ریال خواهد بود .

ماده ۳۵ ـ درمواردیکه باتشخیص هیئت وزراء احتیاج باشخاص فنی‌خارجی برای امور غیر اداری درمؤسسات دولتی و بلدی بطور موقت حاصل شود میتوان آن اشخاص را بعنوان روز مزد بخدمت گماشت مشروط بر اینکه ملیت آن اشخاص و میزان مزد بتصویب هیئت وزراء برسد .

در مقابل این اشخاص هیچ تعهدی جز اجرت یومیه و خرج سفر برای انجام خدمت نمیتوان نمود .

ماده ۳٦ ـ بر حقوق وزیر فعلی مالیه از اول فروردین ماه ۱۳۱٤ ماهیانه پنجهزار ریال اضافه میشود .

ماده ۳۷ ـ مفاد مواد ۲ ـ ٤ ـ ۵ ـ ٦ ـ ۱۲ ـ ۱۹ ـ ۲٤ ـ ۲۵ ـ ۲۸ و ۳۱ قانون متمم بودجه ۱۳۱۳ ومفاد مواد ۳ ـ ٤ ـ ۱٦ قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ نسبت به سال ۱۳۱٤ نیز مجرا خواهد بود .

مفادقسمت ثانیاً ماده ۲۸ متممقانون بودجه ۱۳۱۳ راجع باستخدام مستخدمین فنی درمورد مؤسسه انحصار دولتی دخانیات نیز مجراست .

مفاد مواد ٦ ـ ۷ ـ ۸ ـ ۹ ـ ۱۰ ـ ۱۱ ـ ۱۲ ـ ۱۳ ـ ۱۵ ـ ۱٦ ـ ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹

این قانون و مفـاد مواد ۱۱ - ۱۳ - ۱۷ - ۱۸ - ۲۰ - ۲۲ و بند ب و ج از مـاده ۲۷ و مواد ۳۳ ـ ۳٥ ازمتمم قانون بودجه ۱۳۱۳ ومفاد مواد ٦ - ۱٥ - ۱۹ - ۲۰ - ۲٤ـ ۲۷ - ۲۸ و ۳٤ ازقانون متمم بودجه ۱۳۱۲ ومفاد مواد ۱ - ۲ - ۸ - ۱٤ - ۱٦ - ۲۰ـ ۲۱ - ۲٦ از متمم قانون بودجه ۱۳۱۱ و مفاد مواد ٥ - ٦ - ۸ - ۹ - ۱٤ - ۱٥ - ۱٦ - ۲۰ - ۲۱ ازقانون متمم بودجه ۱۳۱۰ مادام که بوسیله قانون دیگر ملغی نشده بقوت خود باقی ومحدود بدوره عمل بودجه یکسال نبوده ونخواهد بود .

ماده ۲۸ ـ مواد ۳ - ٦ - ۷ - ۸ - ۱۰ - ۱۱ این قانون ازتاریخ تصویب وسایر مواد از اول فروردین ۱۳۱٤ قابل اجرا است .

این قانون که مشتمل بربیست وهشت ماده است درجلسه بیست ودوم اسفندماه یکهزار وسیصد وسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

بودجه سال ۱۳۱٤ مجلس شورای ملی

مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۳

ماده اول ـ برای مخارج دوازده ماهه سال یکهزار و سیصد و چهارده مجلس شورای ملی مبلغ شش میلیون و هفتصد و پانزده هزار و هفتصد وشصت ریال موافق فقره (۱) الی (٤) ضمیمه اعتبار بمباشرت مجلس داده میشود .

ماده‌دوم ـ برای حقوق ومخارج دوازده ماهه مطبعه مجلس مبلغ هفتصد ونود وچهارهزار ودویست وچهل ریال موافق فقره (۱) و (۲) ضمیمه اعتباربمباشرت مجلس داده میشود .

ماده سوم ـ مجلس شورای ملی بمباشرت مجلس اجازه میدهد کـه عوائد مطبعه مجلس وباغ بهارستان و صورت مشروح مذاکرات مجلس را جزء جمع محاسبات مجلس محسوب دارد .

تبصره ـ معادل حقوق و مصارف سالیانه مطبعه مجلس و مخارج طبع صورت مذاکرات مجلس کـه از وزارت مالیه دریافت میشود از محل عوائد مزبور بخزانه مملکت تأدیه خواهد شد ومازاد کلیه عوائد فوق الذکر برطبق قانون بودجه مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۱۱ بمصرف تکمیل اثاثیه و ساختمان و رفع نواقص مطبعه مجلس خواهد رسید .

این قانون که مشتمل بر سه ماده وصورت ضمیمه است در جلسه بیست وهشتم اسفند ماه یکهزار وسیصد وسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

صورت جزء قانون بودجه سال ۱۳۱۴ مجلس شورای ملی

گزارش	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
تفصیل ماده اول						
فقره (۱)						
مقرری آقایان نمایندگان محترم و تفاوت مقرری ریاست معظم مجلس (برای ۱۱ ماه و نیم)	۱۳۱	۳۰۰۰	۳۹۶۰۰۰	۴۵۵۴۰۰۰	۴۵۵۴۰۰۰	
فقره (۲)						
تقنینیه						
معاونت						
معاون اداری ریاست مجلس	۱	۲۴۷۰	۲۴۷۰	۲۹۶۴۰		
منشی اطاق معاونت	۱	۱۲۴۰	۱۲۴۰	۱۴۸۸۰		
کابینه						
رئیس	۱	۱۹۱۰	۱۹۱۰	۲۲۹۲۰		
تندنویسی و تحریر صورت مجلس						
مدیر	۱	۱۷۷۰	۱۷۷۰	۲۱۲۴۰		
معاون	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸۴۰		
مقطع وتند نویس اول	۴	۱۰۰۰	۴۰۰۰	۴۸۰۰۰		
خلاصه نویس وتندنویس دوم	۴	بتفاوت	۳۱۱۰	۳۷۳۲۰		

گزارش	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
پاك نویس	۳	۷٤۰	۲۲۲۰	۲٦٦٤۰		
عضو تصحیح وتندنویس دوم	۲	٥٦۰	۱۱۲۰	۱۳٤٤۰		
دارالانشاء						
مدیر	۱	۱٦٤۰	۱٦٤۰	۱۹٦۸۰		
منشی مینوت نویس	۲	۱۰۷۰	۲۱٤۰	۲٥٦۸۰		
منشی پاك نویس	٤	بتفاوت	۳٥۳۰	٤۲۳٦۰		
قوانین ومطبوعات						
مدیر	۱	۱۷۷۰	۱۷۷۰	۲۱۲٤۰		
معاون	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸٤۰		
رابط کمیسیونها وشعب پارلمانی	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸٤۰		
منشی قانون نویس وپاك نویس	۲	بتفاوت	۱۹۲۰	۲۳۰٤۰		
منشی اداری کمیسیون بودجه	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
سواد نویس و مصحح	۲	٥۲۰	۱۰٤۰	۱۲٤۸۰		
ماشینیست	۱	٤۲۰	٤۲۰	٥۰٤۰		

گزارش	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
ضبط						
مدیر	۱	۱۷۷۰	۱۷۷۰	۲۱۲٤۰		
معاون	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸٤۰		
ضباط	۲	بتفاوت	۱۳۵۰	۱٦۲۰۰		
پرسنل وتفتیش						
مدیر	۱	۱۳٤۰	۱۳٤۰	۱٦۰۸۰		
عضو	۱	۷۹۰	۷۹۰	۹٤۸۰		
ثبت کل						
مدیر	۱	۱۳٤۰	۱۳٤۰	۱٦۰۸۰		
ارسال مراسلات						
مدیر	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸٤۰		
عضو کمك ثبت و ارسال مراسلات	۱	۵۲۰	۵۲۰	٦۲٤۰		
منتظر خدمت	۱	۵۳۰	۵۳۰	٦۳٦۰		
اعتبار خصوصی تقنینیه	—	—	—	٦۰۰۰	۵۳۷٤۸۰	
فقره (۳) مباشرت						
معاون اداری	۱	۲٤۷۰	۲٤۷۰	۲۹٦٤۰		

گزارش	تعداد نفرات	از قرار نفری درماه ریال	میزان ماهانه درطبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
اداره محاسبات کل						
رئیس	۱	۲٤۷۰	۲٤۷۰	۲۹٦٤۰		
معاون	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸٤۰		
محاسب و منشی	۳	بتفاوت	۱۸٦۰	۲۲۳۲۰		
مدیر پرسنل وضبط محاسبات	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸٤۰		
صندوق						
مدیر	۱	۱۳٤۰	۱۳٤۰	۱٦۰۸۰		
عضو	۱	۵۲۰	۵۲۰	٦۲٤۰		
ملزومات						
مدیر	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸٤۰		
عضو	۱	۵۲۰	۵۲۰	٦۲٤۰		
ناظر	۱	٦۰۰	٦۰۰	۷۲۰۰		
توزیع صورت مذاکرات مجلس						
مسئول (کنتراتی)	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
عضو	۱	۵۲۰	۵۲۰	٦۲٤۰		

گزارش	تعداد نفرات	ازقرار نفری درماه ریال	میزان ماهانه هرطبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
انشاء						
مدیر	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸۴۰		
متصدی ضبط وارسال مراسلات	۱	۶۰۰	۶۰۰	۷۲۰۰		
بلیط ولوایح						
مسئول	۱	۶۰۰	۶۰۰	۷۲۰۰		
تفتیش						
مدیر	۱	۱۷۷۰	۱۷۷۰	۲۱۲۴۰		
عضو ومأمور تفتیش	۳	بتفاوت	۱۴۰۰	۱۶۸۰۰		
ممیزی و توزیع						
مدیر	۱	۱۰۷۰	۱۰۷۰	۱۲۸۴۰		
عضو	۱	۷۹۰	۷۹۰	۹۴۸۰		
کتابخانه						
مدیر	۱	۱۹۱۰	۱۹۱۰	۲۲۹۲۰		
عضو	٤	بتفاوت	۲۵۶۰	۳۰۷۲۰		
ضبط راکد						
مسئول	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰٤۰		

گزارش	تعداد نفرات	از قرار نفری درماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
مستخدمین جزء						
دربان باشی	۱	٤۹۰	٤۹۰	٥۸۸۰		
دربان	٤	بتفاوت	۱٦۲۰	۱۹٤٤۰		
مسئول امور برقی و مکانیکی	۱	٤۷۰	٤۷۰	٥٦٤۰		
میکانیك	۱	۲۷۰	۲۷۰	۳۲٤۰		
تلفونچی	۲	بتفاوت	٦۰۰	۷۲۰۰		
پیشخدمت باشی	۱	٦٥۰	٦٥۰	۷۸۰۰		
پیشخدمت	۲٤	بتفاوت	۷۷۲۰	۹۲٦٤۰		
سرایدار باشی	۱	٦٥۰	٦٥۰	۷۸۰۰		
سرایدار	۱۹	بتفاوت	٥٥۱۰	٦٦۱۲۰		
آبدار باشی	۱	٦٥۰	٦٥۰	۷۸۰۰		
آبدار وسقا	٦	بتفاوت	۱۸۷۰	۲۲٤٤۰		
فراش باشی	۱	٦٥۰	٦٥۰	۷۸۰۰		
فراش	۱۲	بتفاوت	۲۸٦۰	۳٤۳۲۰		
باغبان باشی	۱	٤۱۰	٤۱۰	٤۹۲۰		
باغبان و گل کار	۸	بتفاوت	۲۲۳۰	۲٦۷٦۰		

گزارش	تعداد نفرات	اضافه یا کسر از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
فوق‌العاده مأمورین کشیك تلگراف وپست ویکنفر فراش پست	۳	بتفاوت	٥۲۰	٦۲٤۰		
شهریه ورثه مرحومان نعمت‌الله‌خان پیشخدمت ومیرزا عبدالله فراش	۲	بتفاوت	۲۱۰	۲٥۲۰	٦٥٥۹٦۰	
فقره (۴) مصارف						
روشنائی و سوخت چراغ برق و ساعت وبادزن برقی				۱٦۰۰۰		
آبدارخانه				۳٦۰۰۰		
تنظیف				۹۰۰۰		
ملزومات دفتری				۳۲۰۰۰		
طبع لوایح				۲۰۰۰۰		
طبع صورت مذاکرات مجلس				۳۰۰۰۰		
اعتبار کتابخانه برای خرید کتب وآبونه جرائد				۱۰۰۰۰۰		
مخارج ارسال مراسلات و مخابره تلگراف و تلفن				۸۰۰۰		

گزارش	تعداد نفرات	ازقرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
فوق‌العاده مستحفظین مجلس				۱۶۰۰۰		
ملبوس مستخدمین جزء سالی نفری دو دست	۸۴			۲۹۵۶۰		
سوخت زمستانی				۲۳۰۰۰		
مخارج جشن‌ها				۲۰۰۰۰		
اعتبار مخارج پیش بینی نشده				۶۰۰۰۰		
ساختمان و تعمیرات ابنیه				۳۰۰۰۰۰		برای ساختمان نماهای عمارات وقسمت فوقانی عمارت پست و تلگراف مجلس ومخارج تعمیرات لازمه ابنیه موجوده و پرداخت قرضه بنائی سال ۱۳۱۳ مجلس واسفالت سازی خیابان داخلی مجلس
خرید اثاثیه و فرش و تعمیرات اثاثیه سابق				۱۶۹۷۶۰		
حق بیمه				۱۵۰۰۰		
عیدی نوروز کارکنان مجلس				۸۵۰۰۰	۹۶۹۳۲۰	
جمع کل ماده اول بودجه مجلس					۶۷۱۵۷۶۰	
تفصیل ماده دوم						
مطبعه مجلس						
فقره (۱)						
مدیر	۱	۱۲۴۰	۱۲۴۰	۱۴۸۸۰		

گزارش	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
معاون ومسئول تصحیح	۱	۶۰۰	۶۰۰	۷۲۰۰		
رئیس تفتیش	۱	۷۴۰	۷۴۰	۸۸۸۰		
معاون تفتیش	۱	۵۲۰	۵۲۰	۶۲۴۰		
مسئول محاسبات مطبعه (مدیر شعبه)	۱	۹۲۰	۹۲۰	۱۱۰۴۰		
محاسب	۳	بتفاوت	۱۱۶۰	۱۳۹۲۰		
مسئول ملزومات وصندوق	۱	۷۹۰	۷۹۰	۹۴۸۰		
منشی واندیکاتورنویس ومسئول ضبط	۱	۴۲۰	۴۲۰	۵۰۴۰		
مصحح و کمك امور متفرقه	۱	۳۲۰	۳۲۰	۳۸۴۰		
تحصیلدار	۱	۳۷۰	۳۷۰	۴۴۴۰		
ناظر	۱	۳۷۰	۳۷۰	۴۴۴۰		
کمك انبارو پیشخدمت و آبدارو فراش	۸	بتفاوت	۱۶۸۰	۲۰۱۶۰		
قسمت گراور سازی						
مدیر	۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰		
معاون	۱	۷۹۰	۷۹۰	۹۴۸۰		
نقاش ورتوشه گر	۲	بتفاوت	۱۱۲۰	۱۳۴۴۰		

گزارش	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
عضو گراور سازی	۷	بتفاوت	۱٤۵۵	۱۷٤٦۰		
قسمت الکتریك						
مسئول	۱	۸۰۰	۸۰۰	۹٦۰۰		
عضو	۳	بتفاوت	٦۸۰	۸۱٦۰		
قسمت ماشینخانه						
مسئول	۱	۷۱۰	۷۱۰	۸۵۲۰		
نوردریز	۱	۲۷۰	۲۷۰	۳۲٤۰		
عضو	۲۵	بتفاوت	٤۳۰۰	۵۱٦۰۰		
قسمت اشترو تیپی و کالوانو پلاستیك						
مسئول	۱	۲۸۰	۲۸۰	۳۳٦۰		
عضو	٤	بتفاوت	۵۵۰	٦٦۰۰		
قسمت حروفچینی						
مسئول	۱	۵۳۰	۵۳۰	٦۳٦۰		
عضو	۱۹	بتفاوت	۳۱۷۰	۳۸۰٤۰		
قسمت فرم بندی						
مسئول	۱	۳۹۰	۳۹۰	٤٦۸۰		

گزارش	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
عضو	١٤	بتفاوت	٢٥٥٠	٣٠٦٠٠		
قسمت صحافی						
مسئول	١	٤٣٠	٤٣٠	٥١٦٠		
عضو	١٧	بتفاوت	٢٦٤٠	٣١٦٨٠		
صحافی اوراق بهادار						
مسئول	١	٣٨٠	٣٨٠	٤٥٦٠		
عضو	٢٥	بتفاوت	٢٧٧٥	٣٣٣٠٠		
قسمت افست وچاپ سنگی						
مسئول	١	٧٠٠	٧٠٠	٨٤٠٠		
عضو	٥	بتفاوت	١٠٠٠	١٢٠٠٠		
قسمت حروفریزی و تیپوگراف						
مسئول	١	٨٠٠	٨٠٠	٩٦٠٠		
عضو	٢	بتفاوت	٤٩٠	٥٨٨٠		حقوق مشارالیه ماهی پنجاه پهلوی است که بنرخ روز تسعیر و تأدیه خواهد شد
اعتبار اضافه کاری کلیه قسمتهای فنّی و کارهای کنتراتی مطبعه				٥٠٠٠٠		
متخصص فنّی مطبعه	١			٩٠٠٠٠	٥٨٣٢٨٠	

شرح	تعداد نفرات	از قرار نفری در ماه ریال	میزان ماهانه هر طبقه ریال	میزان سالیانه ریال	جمع کل ریال	ملاحظات
فقره (۲) مصارف						
مصارف				۱٥۰۰۰۰		
مخارج مسافرت متخصص فنی و همراهانش بایران				٤۰۰۰		
سوخت زمستانی				۱٥۰۰۰		
اعتبار فوق‌العاده				۱٦٥٦۰		
ملبوس مستخدمین جزء سالی نفری دودست (ده نفر ۲۰ دست)				۳٤۰۰		
عیدی نوروز کارکنان مطبعه				۲۲۰۰۰	۲۱۰۹٦۰	
جمع ماده دوم					۷۹٤۲٤۰	
					۷٥۱۰۰۰۰	

این صورت ضمیمه قانون بودجه سال ۱۳۱٤ مجلس شورای ملی بوده و صحیح است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تفریغ بودجه سال یکهزار و سیصد و یازده مجلس شورای ملی

مصوب ۲۷ اسفند ماه ۱۳۱۲

ماده اول ـ مخارج مجلس شورای ملی ازبابت دوازده ماهه سال ۱۳۱۱ شمسی موافق قسمت (۱) و (۲) ضمیمه برطبق بودجه مصوبه مبلغ شش میلیون و نود وشش هزار و هشتصد و سی وشش ریال و سی دینار تصویب میشود .

ماده دوم ـ عوائد مطبعه مجلس و باغ بهارستان و صورت مشروح مذاکرات مجلس از بابت سال ۱۳۱۱ شمسی موافق قسمت (۳) ضمیمه بمبلغ هشتصد وچهل وسه هزار و هشتصد و بیست وشش ریال و سی وپنج دینار برطبق قانون بودجه سال ۱۳۱۱ مجلس مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۱۱ بطریق ذیل تصویب میشود :

ازبابت مصارف سال ۱۳۱۱ مطبعه مجلس وصورت مشروح مذاکرات مجلس عاید خزانه مملکت میشود	۵۵۶۱۹۶٫۴۰ ریال
برای رفع نواقص و تکمیل اثاثیه و ساختمان مطبعه مجلس بمصرف خواهد رسید	۲۸۷۶۲۹٫۹۵ ریال
	۸۴۳۸۲۶٫۳۵ ریال

این قانون که مشتمل بر دوماده و صورت ضمیمه است در جلسه ۲۷ اسفندماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

صورت ضمیمه قانون تفریغ بودجه سال ۱۳۱۱ مجلس شورای ملی

فقرات	شرح	مبلغ جزء (ریال)	مبلغ جزء (دینار)	مبلغ کل (ریال)	مبلغ کل (دینار)
	ماده اول ـ قسمت اول				
۱	مقرری آقایان نمایندگان محترم باتفاوت مقرری ریاست معظم مجلس	۳۵۷۰۸۰۰			
۲	حقوق اعضاء و اجزاء تقنینیّه	۴۶۹۹۵۶	۶۵		
۳	« « « مباشرت	۶۲۸۷۵۰	۷۰		
۴	مصارف ماهانه و سالانه	۵۴۳۲۵۹	۸۰		
	تبصره ماده اول بودجه				
	خرید و مبادله فرش و اثاثیه مجلس از محل صرفه جوئی ماده اول بودجه ۱۳۱۱	۲۸۷۵۰۲	۱۰	۵۵۶۰۲۶۹	۲۵
	قسمت دوم				
۱	حقوق کارکنان مطبعه مجلس	۴۰۱۲۵۸	۳۰		
۲	مصارف مطبعه مجلس	۱۳۵۳۰۸	۷۵	۵۳۶۵۶۷	۰۵
	جمع کل مصارف یکساله مجلس و مطبعه			۶۰۹۶۸۳۶	۳۰
	ماده دوم ـ قسمت سوم				
	عایدات مطبعه مجلس	۸۱۰۰۰۵	۹۰		
	عایدات صورت مشروح مذاکرات مجلس	۲۲۳۵۵	۷۵		
	عایدات خالص باغ بهارستان	۱۱۴۶۴	۷۰	۸۴۳۸۲۶	۳۵

صورت فوق ضمیمه قانون تفریغ بودجه سال ۱۳۱۱ مجلس شورای ملی بوده وصحیح است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تفریغ بودجه یکسال ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی

مصوب ۲۱ اسفند ماه ۱۳۱۳

ماده اول ـ مخارج مجلس شورای ملی از بابت دوازده ماهه سال ۱۳۱۲ موافق قسمت (۱) و (۲) ضمیمه برطبق بودجه مصوبه مبلغ شش میلیون و هفتصد و سی و هفت هزار و سیصد و نود و یك ریال و بیست و پنج دینار تصویب میشود .

ماده دوم ـ عوائد مطبعه مجلس و باغ بهارستان و صورت مشروح مذاکرات مجلس از بابت سال ۱۳۱۲ موافق قسمت (۳) ضمیمه بمبلغ هشتصد و سی و سه هزار و پنجاه ریال و بیست و پنج دینار برطبق قانون بودجه سال ۱۳۱۲ مجلس مصوب ۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۲ بطریق ذیل تصویب میشود :

از بابت مصارف سال ۱۳۱۲ مطبعه مجلس وصورت مشروح مذاکرات مجلس عاید خزانه مملکت شده	۵۵۹۸۴۶٫۹۵ ریال
برای رفع نواقص و تکمیل اثاثیه و ساختمان مطبعه مجلس بمصرف رسیده وخواهد رسید	۲۷۳۲۰۳٫۳۰
	۸۳۳۰۵۰٫۲۵

این قانون که مشتمل بر دو ماده و صورت ضمیمه است در جلسه بیست ویکم اسفند ماه یکهزار و سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

صورت ضمیمه قانون تفریغ بودجه سال ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی

فقرات	شرح	مبلغ جزء — دینار	مبلغ جزء — ریال	مبلغ کل — دینار	مبلغ کل — ریال
	ماده اول ـ قسمت اول				
۱	مقرری آقایان نمایندگان محترم و تفاوت مقرری ریاست معظم مجلس		٤١٩٥٣٠٠		
۲	حقوق اعضاء و اجزاء تقنینیّه و اعتبار خصوصی	١٠	٥١١٩٢٠		
۳	حقوق اعضاو مستخدمین مباشرت قسمت اول ودوم		٦٣٣٩١٦		
٤	مصارف ماهانه و سالانه	٦٥	٥٥٠٢٠٧		
	تبصره ماده اول				
	خرید اثاثیه و پرداخت قرضه بنائی سال ۱۳۱۱ مجلس از محل صرفه‌جوئی ماده اول بودجه مجلس سال ۱۳۱۲	٠٥	٣١٣٥٥٤	٨٠	٦٢٠٤٨٩٧
	قسمت دوم				
۱	حقوق کارکنان مطبعه مجلس	٢٠	٣٩٥٧٨٩		
۲	مصارف مطبعه مجلس	٢٥	١٣٦٧٠٤	٤٥	٥٣٢٤٩٣
	جمع کل مصارف سال ۱۳۱۲ مجلس ومطبعه			٢٥	٦٧٣٧٣٩١
	ماده دوم ـ قسمت سوم				
۱	عایدات مطبعه مجلس	١٥	٨١٠٧٦٤		
۲	عایدات صورت مشروح مذاکرات مجلس	٠٥	١٣٨٧٠		
۳	عایدات خالص باغ بهارستان	٠٥	٨٤١٦	٢٥	٨٣٣٠٥٠

صورت فوق ضمیمه قانون تفریغ بودجه سال ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی بوده وصحیح است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

ب - اعتبارات

قانون

اجازه پرداخت سی میلیون ریال بابت مخارج دوماهه فروردین واردیبهشت ۱۳۱۲ راه آهن وسیمان سازی

مصوب ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است برای مخارج دو ماهه فروردین و اردیبهشت ۱۳۱۲ قسمتهای مختلفه راه آهن ومخارج یکساله ۱۳۱۲ کارخانه سیمان‌سازی مبلغ سی‌میلیون ریال ازمحل عایدات انحصار قندوشکر وچای بوزارت طرق وشوارع پرداخت واحتساب نماید .

این‌قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه پنجم اردیبهشت ماه یکهزارو سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - داد گر

قانون

یکصد و هفتاد و پنج میلیون ریال اعتبار برای مخارج مربوطه براه آهن درسال ۱۳۱۲

مصوب ۱۸ خرداد ماه ۱۳۱۲

ماده‌واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود مبلغ یکصد و پانزده میلیون ریال برای مخارج مربوطه به ساختمان راه آهن شمال وجنوب ومبلغ شصت میلیون ریال برای تأدیه بقیه قیمت ششصد کیلو متر ریل و لوازم اتصالی آن و پیش قسط خریداری مقداری سوزن و تراورس فلزی در سال ۱۳۱۲ از عایدات انحصار قند

وچای باختیار وزارت طرق بگذارد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه هیجدهم خرداد ماه یکهزار وسیصد ودوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

دوازده میلیون ونهصد وبیست هزار ریال

اعتبار جهت مخارج مربوطه به راه آهن در سال ۱۳۱۲

مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود معادل ده میلیون ریال برای مخارج ده ماهه از اول خرداد تا آخر اسفند ۱۳۱۲ ادارات بهره برداری راه آهن شمال وجنوب وبندر شاهپور وبندر شاه از محل عواید انحصار قند و شکر و چای در وجه وزارت طرق پرداخت نماید وهمچنین مبلغ دومیلیون ونهصد وبیست هزار ریال علاوه بر مبلغ دو میلیون و پانصد هزار ریال که سابقاً برای خریداری تراورس و تخته های قیراندود شده از اداره کل صناعت تأدیه گردیده ازمحل عوائد انحصار قند وشکر وچای باختیار وزارت طرق بگذارد .

تبصره ـ اعتبارات مصوبه راه آهن جنوب و راه آهن شمال شامل پرداخت مخارج یکساله ۱۳۱۲ تأمینیه راه از حقوق مأمورین تأمین ومخارج مربوطه بآن نیز میباشد وهمچنین اعتبار مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۱۱ برای راه آهن زاهدان شامل مخارج نگاهداری خط مزبور ومتعلقات آن نیز خواهد بود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه هیجدهم تیرماه یکهزار وسیصد

ودوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

ده میلیون ریال اعتبار برای مصارف ساختمانی طرق درسال ۱۳۱۲

مصوب ۸ شهریور ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است ازوجوه ذخیره مملکتی مبلغ ده میلیون ریال برای مصارف ساختمانی طرق در سال ۱۳۱۲ بوزارت طرق بپردازد.

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه هشتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اعتبار اضافي برای مصارف ساختمانی طرق در سال ۱۳۱۲

مصوب ۱۸ آبان ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است از وجوه ذخیره مملکتی مبلغ ۷۸۵۰۰۰۰ ریال برای مصارف ساختمانی طرق درسال ۱۳۱۲ بوزارت طرق بپردازد.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه هیجدهم آبانماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

یکصد و پنجاه هزار لیره اعتبار برای خریداری واگون و لکوموتیو راه آهن

مصوب ۱۸ آبان ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود معادل مبلغ یکصد و پنجاه هزار لیره از وجوه انحصار قند و شکر و چای برای خریداری واگون و لکوموتیو و اشیاءِ لازمه تعمیرات واگون و لکوموتیو های فعلی راه آهن باختیار وزارت طرق بگذارد.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه هیجدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

یکصد و هشتاد میلیون ریال اعتبار برای مصارف ساختمانی راه آهن درسال ۱۳۱۳

مصوب ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود مبلغ یکصد وهشتادمیلیون ریال برای مخارج مربوطه بساختمان راه آهن در سال ۱۳۱۳ ازعایدات انحصار قند وشکر وچای باختیار وزارت طرق بگذارد.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه بیست ودوم اسفندماه یکهزار

وسیصد ودوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

تخصیص چهارصد هزار لیره از وجوه ذخیره مملکتی باحتیاجات راه آهن و تأسیس دستگاه فانوسها وعلائم بحری درسال ۱۳۱۳

مصوب ۳ تیر ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ــ بوزارت مالیه اجازه داده میشود مبلغ چهار صد هزار لیره از وجوه ذخیره مملکتی برای احتیاجات مربوطه براه آهن وتأسیس دستگاه فانوسها وعلائم بحری بندر شاهپور درسال ۱۳۱۳ باختیار وزارت طرق بگذارد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سوم تیرماه یکهزار و سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

سه میلیون ریال اعتبار برای مصارف ساختمانی بندر دهنو

مصوب ۲۸ خرداد ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ــ مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد مبلغ سه میلیون ریال ازعایدات قند وشکر برای مصارف ساختمانی بندر دهنو بوزارت طرق تأدیه نموده واز عایدات بندری درآتیه مبلغ مزبور را مسترد دارد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه بیست وهشتم خردادماه یکهزار

وسیصد ودوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

سه میلیون ریال اعتبار برای تعقیب عملیات ساختمانی بندر دهنو در سال ۱۳۱۳

مصوب ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود سه میلیون ریال (۳۰۰۰۰۰۰ ریال) ازعایدات مالیات راه برای تعقیب عملیات ساختمانی بندر دهنو در سال ۱۳۱۳ باختیار وزارت طرق بگذارد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه پانزدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه پرداخت پانصد هزار ریال قرضه باداره راه آهن و کشتیرانی آذربایجان

مصوب ۲ مهرماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود که مبلغ پانصد هزار ریال از محل صرفه جوئی بودجه کل مملکتی ۱۳۱۲ بطور قرض برای احتیاجات اداره راه آهن و کشتیرانی آذربایجان بپردازد کـه بعداً اداره مزبوره مبلغ مذکور را تا

آخر سال ۱۳۱۳ از عایدات خودش پس بدهد فرعی که باین قبیل وجوه عمومی تعلق میگیرد از طرف اداره راه‌آهن و کشتیرانی بمالیه پرداخته خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه دوم مهر ماه یکهزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس‌شورای ملی رسید . رئیس مجلس‌شورای ملی ـ داد گر

قانون

راجع بعواید بهره‌برداری راه آهن

مصوب ۹ مهرماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود که آنچه از بهره برداری راه آهن جنوب و شمال عاید شده ومیشود بحساب عایدات انحصار قند وشکر وچای وارد نماید که بر طبق قانون مصوبه نهم خرداد ماه ۱۳۰٤ برای احتیاجات راه آهن مملکت بمصرف برسد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه نهم مهر ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

قانون

اجازه انعقاد قرار داد های ساختمانی بوزارت طرق

مصوب ۹ مهر ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ بوزارت طرق اجازه داده میشود درموارد لازمه قرارداد های ساختمانی را برای مدتی که از یکسال تجاوز کند منعقد دارد و اقساط آنرا در هر

سال از اعتباراتی که برای آن سال جهت امور مربوطه بموضوع قرار داد های مزبور تصویب خواهد شد بپردازد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه نهم مهر ماه یکهزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون
راجع بعایدات و مخارج قسمتهای راه آهن شمال و جنوب و آذربایجان و زاهدان

مصوب ۱۸ آبان ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود مخارج بهره‌برداری قسمتهای راه‌آهن شمال و جنوب و همچنین مخارج راه آهن و کشتیرانی آذربایجان و مصارف خط آهن زاهدان را بر طبق بودجه ای که هر سال بتناسب احتیاجات آن قسمتها تنظیم میشود از عایدات قسمتهای مزبور بوزارت طرق بپردازد و هرگاه عایدات هر قسمت نسبت بمخارج آن کسر باشد از وجوه انحصار قند و شکر پرداخته بحساب قرض آن قسمت منظور دارد و در صورت اضافه بجمع عایدات قند و شکر و چای وارد نماید .

تبصره ـ ترتیب محاسبات قسمتهای بهره‌برداری شمال وجنوب و آذربایجان و مخارج خط زاهدان ازاول سال ۱۳۱۲ مطابق مقررات این ماده معمول گردیده ومبلغ پانصد هزارریال که بموجب قانون مصوب ۲ مهرماه ۱۳۱۲ ازمحل صرفه‌جوئی بودجه کل مملکتی براه‌آهن و کشتیرانی آذربایجان قرض داده شده مسترد ومبلغ ۱۳۰۳۲۰۰

ریال دینی که مؤسسه راه آهن و کشتیرانی آذربایجان به عایدات مالیات راه دارد پس داده میشود .

تبصره ۲ ـ قسمتی از ماده ۲۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ مملکتی که مربوط براه آهن آذربایجان است و همچنین ماده ۳۰ قانون مزبور و قانون استقراض ٥٠٠٠٠٠ ریال مصوب ۲ مهرماه ۱۳۱۲ که اصطکاك با این قانون دارد ملغی میشود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه هیجدهم آبان ماه یکهزار و سیصدو دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون پانصد هزار ریال اعتبار اضافی برای ساختمان راه شمشك

مصوب ۹ مهرماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است مبلغ پانصد هزار ریال از عایدات قند و شکر و چای برای احتیاجات ساختمانی راه شمشك علاوه بر اعتبارات مصوبه قبل باختیار وزارت طرق بگذارد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه نهم مهرماه یکهزار وسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

چهار هزار و دویست پهلوی اعتبار برای مخارج تکمیل ماشینهای معدن زغال سنك شمشك

مصوب ۳۰ مهرماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ باداره کل صناعت و فلاحت اجازه داده میشود تا معادل چهار هزار و دویست پهلوی طلا بابت قیمت خرید و حمل ومخارج مربوطه به

ماشینهای معدن زغال سنگ شمشك در هذه‌السنه تعهد و در سال ۱۳۱۳ ضمن بودجه خود منظور و پرداخت نماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه سی‌ام مهرماه یکهزاروسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

راجع بسهام ومخارج کارخانه قندسازی کهریزك

مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است قیمت آن قسمت از سهام کارخانه قند سازی کهریزك را که متعلق بدولت نیست و اصل و فرع قیمت سهام متعلق به دولت را که از ملکیت بانك ملی ایران بملکیت دولت انتقال یافته و همچنین کلیه قروض شرکت سهامی کارخانه را بعلاوه چهارمیلیون و پانصد هزارریال سرمایه متحرك جهت دایر نگاهداشتن کارخانه مذکور از محل ذخیره مملکتی پرداخت نماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه بیست و پنجم تیرماه یکهزارو سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تعیین طرز مصرف اعتبارات تأسیسات صنعتی ومعدنی منظوره در بودجه اداره کل صناعت و فلاحت

مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است از تاریخ تصویب این قانون تا آخر

اسفند ماه هذه‌السنه ۱۳۱۲ اعتبارات تأسیسات صنعتی ومعدنی منظوره ضمن دو ماده ۲۱ و ۲۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ مملکتی را بدون اجرای ترتیب جاری و مقرر محاسباتی باختیار اداره کل صناعت واداره کل فلاحت گذاشته وبحواله ریاست دواداره مزبور بپردازد و رئیس دو اداره مزبور مجاز است وجوهی را که از این بابت دریافت میدارد بمصارف معیّنه در مواد مذکور در فوق بدون رعایت قوانین محاسبات عمومی (بجز اصل مناقصه و مزایده) برساند و اسناد خرج آنرا بوزارت مالیه ارسال بدارد مشروط براینکه امورمزبور کاملاً برطبق قواعد تجارتی وصنعتی اداره شده ودرآخر سال بیلان مشتمل برنفع و ضرر داده شود .

عایدات خالص حاصله ازمؤسسات صنعتی کلا ومستقیماً بخزانه تسلیم خواهد شد و خزانه داری کل ازآنمحل ابتدا قرضه اداره صناعت را ببانك ملی که بموجب ماده ۲۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ اخذ شده اصلا وفرعاً رد نموده باقی برطبق تصمیم وزارت مالیه برای استهلاك سرمایه هائی که از اعتبارات بودجه عمومی هذه السنه و سالهای قبل پرداخته شده وبرای ایجاد وجه اختصاصی جهت سرمایه بهره برداری تقسیم خواهد شد .

تبصره ــ از عایدات خالص کارخانه کرج درهذه‌السنه تأدیه عایدات پیش بینی شده در بودجه مملکتی مقدم خواهد بود واز عایدات خالص معدن‌شمشك ابتدا قرضه بهره‌برداری تأدیه وباقی برطبق ماده ۸ قانون متمم بودجه برای استهلاك قرضه‌ای‌که از وجوه انحصار قند وچای گرفته شده پرداخته خواهد شد .

این‌قانون‌که مشتمل بریك ماده است درجلسه هیجدهم تیرماه یکهزاروسیصدو دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

قانون

سیصد و شصت هزار لیره اعتبار اضافی جهت خرید شش کارخانه قند سازی و مخارج مربوطه بآن

مصوب ۸ امرداد ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است که از اعتبار چهارصد هزار لیره مذکور در ماده ۲۱ قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ مملکتی پس از وضع آنچه بر طبق قانون مزبور باید بابت کارخانه کرج پرداخته شود بقیه را برای تأدیه اقساط هذه‌السنه خرید شش کارخانه قند سازی جدید و مخارج مربوطه بحمل و نصب آنها تخصیص داده و اضافه بر مبلغ مزبور تا مأخذ سیصد و شصت هزار لیره دیگر از محل ذخیره مملکتی جهت همین مقصود با رعایت قانون مصوب ۱۸ تیر ماه ۱۳۱۲ در وجه اداره کل صناعت و فلاحت بپردازد .

تبصره ـ مقررات قانون مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۱۲ شمسی شامل کارخانه قند سازی کهریزک نیز پس از انجام عمل خریداری کل سهام برای دولت خواهد بود .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه هشتم امرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون اعطای اعتبار برای تکمیل ساختمان و خرید لوازم و مخارج مربوطه بکارخانجات

مصوب ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است برای تأدیه اقساط و تکمیل ساختمان

وخرید لوازم فرعی و تهیه مقدمات بهره برداری و کلیه امور و مخارج مربوطه بکارخانجات قند سازی و چیت سازی و حریر بافی و غیره و همچنین مخارج مربوطه بمؤسسات قیر اندودکردن تراورس وروغن قطران وکرئوزد مبلغ دویست و پنجاه هزار لیره ازوجوه ذخیره مملکتی رابرای پرداختهائیکه باسعار خارجه باید بشود باختیاراداره کل فلاحت وصناعت بگذارد و بعلاوه مبلغ سی میلیون ریال برای مخارجیکه درداخله مملکت برای منظورهای سابق الذکر باید بشود بعنوان قرض طویل المدة ازبانك ملی استقراض وبه اختیار اداره کل فلاحت و صناعت بگذارد که با رعایت ماده ۲۸ قانون متمم بودجه مملکتی بمصارف مزبور برسانند .

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه پانزدهم خرداد ماه یکهزارو سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه واگذاری قراء خالصه ورامین بعنوان اجاره بکارخانه قند سازی

مصوب ٤ آبان ماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد قراءِ خالصه بلوك ورامین را که اسامی آنها ذیلاً ذکر میشود : رین باجك ـ امرآباد ـ احمدآباد ـ (چهار دانك) موسی آباد ـ (سه دانك) خیرآباد ـ پوئینك ـ صالح آباد ـ یوسف آباد ـ شمس آباد ـ کویرآباد ـ خالدآباد ـ شهرستان ـ حسن آباد ـ ظهیر آباد ـ خورین ـ کتلان ـ کل عباس (یکدانك و نیم) ـ طوغان ـ خاوه ـ ایجدان برای مدت پانزده سال بطوراجاره بدون رعایت مزایده باداره صناعت برای کارخانه قند سازی ورامین واگذار نماید

وزارت مالیه باموافقت اداره کل صناعت ترتیب تنظیم ومبادله اجاره نامه را باشرایط مقتضی خواهند داد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه چهارم آبانماه یکهزاروسیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه واگذاری اراضی خوزستان بملکیت اشخاص

مصوب ۱۶ فروردین ماه ۱۳۱۴

ماده واحده ـ دولت مجاز است اراضی خوزستان تا هرمقدار که صلاح بداند بملکیت اشخاصی که آن اراضی را آباد کرده یا آبادانی آن را تعهد کنند واگذار نماید .

شرایط واگذاری را نظامنامه هیئت وزراء معین خواهد کرد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه شانزدهم فروردین ماه یکهزارو سیصدوچهارده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استقراض برای ساختمان عمارت جدید بانك ملی و اجازه فروش آن ببانك مزبور

مصوب ۲ مهر ماه ۱۳۱۲

ماده اول ـ وزارت مالیه مجازاست تاحدود مبلغ سه میلیون وهفتصدهزارریال

برای مدت پنج سال با نفع سه در صد از بانك ملی استقراض و مخارج عمارت جدید بانك ملی را مطابق نقشه ای که قبلا با نظارت نمایندگان دولت تهیه شده از وجه استقراضی بپردازد.

ماده دوم ـ دولت مجازاست عمارت جدیدالاحداث را چه بعدازاتمام وچه قبل از آن ببانك ملی بقیمتی که اصلا و فرعاً تمام میشود بفروشد وقراری برای استهلاك این قیمت از عایدات بانك بدهد.

ماده‌سوم ـ وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون است.

این قانون که مشتمل برسه ماده است درجلسه دوم مهرماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه قرضه ببلدیه های ولایات برای تأمین ارزاق عمومی

مصوب ۲۰ مهرماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ بلدیه های ولایات که برحسب تشخیص وزارت داخله برای تأمین ارزاق و تهیه جنس بطور قطع محتاج بکمك مالی باشند مجازند منحصراً برای منظورفوق درهذه السنه ازبانك ملی‌علاوه ازمیزان مقرر درتبصره ماده٦قانون تأسیس بانك‌ملی مصوب ١٤ اردیبهشت ١٣٠٦ استقراض کرده ودرظرف مدتی که از یکسال تجاوز نکند اصل وفرع قرضه را رد نمایند.

وزارت داخله مکلف است نظارت‌کند که مجموع قرضه های مزبور ازمیزان دو میلیون وپانصد هزار ریال درسال تجاوز ننموده وفقط بمصرف تهیه جنس برسد ومرتباً استهلاك گردد.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه بیستم مهرماه یکهزاروسیصدو دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه ساختمان عمارات ثبت اسناد واملاك طهران از محل وجوه مأخوذه برای مخارج مقدماتی ثبت

مصوب ۱۰ دیماه ۱۳۱۲

ماده واحده ـ دولت مجاز است ازوجوهی که بابت مخارج مقدماتی ثبت اخذ شده یامیشود تامعادل هشتصد هزار ریال برای مخارج ساختمان عماراتی که برای اداره کل ثبت اسناد واملاك درطهران لازم است قرض نموده وازمحل منافع وجوه مذکور که در بانکها گذاشته شده وهمچنین محل کرایه محل ثبت اسناد طهران ازاول فروردین ۱۳۱٤ استهلاکاً بپردازد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه دهم دیماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استقراض ششصد هزار ریال ازبانك ملی برای اصلاح وضعیت رودخانه و پل شهر قم

مصوب ۲٤ خرداد ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ بوزارت داخله اجازه داده میشود که مبلغ ششصد هزارریال

از بانك ملی برای اصلاح وضعیت رودخانه و پل شهر قم استقراض نموده اصل و فرع قرضه را از محل سه میلیون ریال اعتبار ساختمانی ولایات نصف در ١٣١٤ و نصف در ١٣١٥ مسترد دارد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و چهارم خرداد ماه یکهزار وسیصد وسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استقراض برای ساختمان سیل بند شهر تبریز

مصوب ٢٧ شهریور ماه ١٣١٣

ماده واحده ـ وزارت داخله مجاز است مبلغ یك میلیون وپانصد هزار ریال از بانك ملی جهت ساختمان سیل بند شهر تبریز قرض نموده و در ظرف سه سال با منافع ازمحل سهمی بلدیه ها ازمالیات راه رد نماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و هفتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

اجازه استقراض دو میلیون ریال ازمحل عایدات بلدیه اصفهان

مصوب ١٦ فروردین ماه ١٣١٤

ماده واحده ـ بوزارت داخله اجازه داده میشود که مبلغ دو میلیون ریال

باعتبار عایدات بلدیه اصفهان بمدت پنج سال ازبانك ملی قرض نموده که در آخر هر سال یك خمس آنرا اصلاً وفرعاً مسترد دارد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه شانزدهم فروردین ماه یکهزار وسیصد و چهارده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

برقراری وظیفه واجازه پرداخت کمك خرج برئیس و سه نفر مستخدمین سابق بلژیکی گمرکات

مصوب ۳ خردادماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ بوزارت مالیه اجازه داده میشود که از تاریخ اول آبانماه ۱۳۱۳ وظیفه معادل مبلغ یکهزاروهفتصد و پنجاه ریال (۱۷۵۰ ریال) درماه مادام العمر درحق آقای تین ژزف گیوم دکرکر رئیس سابق اداره گمرکات از محل اعتبار شهریه و مستمریات وهمچنین برای یکمرتبه مبلغی معادل سهماه آخرین حقوق دریافتی آقایان ژرژ وادن آبل ـ پل گیوم ـ هانری پا که در وجه هریك از آنها پرداخت نماید ـ و نیز اجزه داده میشود کـه حقوق مذکور و همچنین تمام حقوق ۱۳۱۳ مستخدمین خارجی مالیه و گمرك راکه در هذه السنه از خدمت دولت ایران خارج شده اند از قسمت سعاری حقوق مستخدمین خارجی مالیه و گمرك محسوب وتأدیه نماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سوم خردادماه یکهزار وسیصد بسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

قانون

تخصیص قسمتی از بقایای عایدات صدی یك مالیات بر شر کتها بمخارج معوقه سال ۱۳۱۱ اطاقهای تجارت

مصوب اول اردیبهشت ماه ۱۳۱۳

ماده واحده ـ وزارت مالیه مجاز است وجوهی را که بابت بقایای عایدات صدی یك سال ۱۳۱۱ مالیات بر تجار و شر کتها وصول شده و میشود پس از وضع صدی سه حق الوصول باختیار اداره کل تجارت بگذارد که اداره مزبور آنرا بمصرف مخارج معوقه سال ۱۳۱۱ اطاقهای تجارت برساند .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه اول اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد وسیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

فهرست

قسمت ششم - تصمیمات متفرقه

قسمت ششم
تصمیمات متفرقه

تصمیم

جلسه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۱۲ راجع بکابینه آقای هدایت

مجلس شورای ملی در جلسه سی ام فروردین ماه ۱۳۱۲ شمسی پرگرام مورخه ۲۸ فروردین کابینه آقای هدایت را که متضمن تقاضای رأی اعتماد نیز بود باتفاق آراءِ عده حاضر (۱۱۶ رأی) تصویب نمود.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

تصمیم

قانونی راجع بتعقیب جزائي آقای حاج میرزا حبیب الله امین

مجلس شورای ملی اجازه میدهد که آقای حاج میرزا حبیب الله امین را دولت مورد تعقیب جزائی قرار داده ونتیجه را باستحضار مجلس برساند.

تصمیم فوق درجلسه سی ویکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

تصمیم جلسه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۱۲ راجع بکابینه آقای فروغی

مجلس شورای ملی درجلسه بیست و ششم شهریور ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی پروگرام مورخه ۲۶ شهریور ماه کابینه آقای فروغی را که متضمن تقاضای رأی اعتماد نیز بود باتفاق آراء عده حاضر (۱۱۳رای) تصویب نمود .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

تصمیم

قانونی راجع بتعقیب جزائی آقایان میرزا ابراهیم خان قوام - محمد تقی خان اسعد - و امیر حسینخان ایلخان

مجلس شورای ملی اجازه میدهد که آقایان ابراهیم خان قوام و محمد تقیخان اسعد وامیرحسینخان ایلخان را دولت مورد تعقیب جزائی قرار داده وپس ازتکمیل اکتشاف وچگونگی مطلب مراتب را باستحضارمجلس شورای ملی برساند.

تصمیم فوق درجلسه نوزدهم آذر ماه یکهزار و سیصدو دوازده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

تصمیم

قانونی راجع بتعقیب جزائی آقای میرزا جواد خان امامی

مجلس شورای ملی اجازه میدهدکه آقای میرزا جواد خان امامی رامورد تعقیب جزائی قرار داده وپس ازخاتمه عمل نتیجه رااطلاع مجلس برساند.

تصمیم فوق درجلسه بیستم دیماه یکهزار و سیصد و سیزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

فهرست

قسمت هفتم - نظامنامه های مصوبه کمیسیونهای پارلمانی

از صفحه ۵۷۳ تا صفحه ۵۸۱

و در ذیل قوانین مربوطه

قسمت هفتم ـ نظامنامه ها

تعرفه عوائد تمبر وزارت معارف درسال ۱۳۱۳

مصوب اول خرداد ماه ۱۳۱۳ (کمیسیون قوانین مالیه)

الف ـ ورقه کار نامه

۱ ـ کارنامه محصلین ابتدائی شش کلاسه دولتی ازقرار نفری درسال	۲ ریال
۲ ـ کارنامه محصلین متوسطه دولتی ازقرار نفری درسال	۱۰ «
۳ ـ کارنامه محصلین عالیه دولتی از قرار نفری درسال	۲۰ »

ب ـ عوائد تصدیقنامه‌ها

۱ ـ مدارس ابتدائی ازقرار نفری	۱۰ ریال
۲ ـ دوره اول متوسطه از قرار نفری	۲۰ »
۳ ـ دوره کامل متوسطه ومدارس صنعتی وحوفهٔ وفنّی از قرار نفری	۳۰ »
٤ ـ مدارس عالیه از قرار نفری	۵۰ »

ج ـ عوائد تصدیقنامه‌ها متکی بامتحانات و تصدیقنامه‌های رسمی

۱ ـ برای ابتدائی	۳ ریال
۲ ـ دوره اول ودوم متوسطه	۱۰ »
۳ ـ صنعتی وحرفهٔ	۱۰ »
٤ ـ عالیه	۳۰ »

د ـ جواز طبابت

۱ ـ جواز طبابت ودندانسازی وداروسازی	۱۰۰ ریال
۲ ـ جواز قابلگی	۵۰ »

هـ ـ تقاضانامه تصدیق صحت وارزش مدارك تحصیلی ازمدارس خارجه

۱ ـ تقاضانامه متوسطه و تصدیقات داخلی متوسطه	۱۰ ریال
۲ ـ تقاضانامه حرفهٔ وصنعتی ومعلمی وداخلی مدارس عالیه	۱۰ »
۳ ـ تقاضانامه حقوق ومهندسی و طب	۲۰ »

و ـ جواز تصدیق و ارزش مدارك تحصیلی مدارس خارجه

۱ ــ تصدیقات متوسطه کامل وحرفهٔ وصنعتی وفنی ومعلمی وداخلی مدارس عالیه ۷۰ ریال
۲ ــ تصدیقات داخلی متوسطه ۵۰ «
۳ ــ تصدیقات حقوق وطب و مهندسی ۱۰۰ «

ز ـ عوائد متفرقه

۱ ــ حفظ حق الطبع تا صد ورق ۱۰ ریال
۲ ــ حفظ حق الطبع ازصد تا پانصد ورق ۳۰ «
۳ ــ حفظ حق الطبع از پانصد ببالا ۵۰ «
٤ ــ تصدیق تطبیق کتب با دستور رسمی ۷۰ «
۵ ــ امتیاز مجله ماهیانه ۱۰ «
٦ ــ امتیاز روزنامه هفتگی ۲۰ «
۷ ــ امتیاز روزنامه یومیه ٦۰ «

ح ـ اعلانات

۱ ــ اعلانات ربع ورق ۳ ریال
۲ ــ اعلانات نصف ورق ۵ «
۳ ــ اعلانات تمام ورق ۷ «

ط ـ تقاضا نامه

۱ ــ تقاضا نامه ثبت وامتیاز نمایش ۵۰ ریال
۲ ــ تقاضانامه ثبت مدارس ۲۰ «
۳ ــ تقاضانامه حفاری ۷۰ «

تعرفه عوائد تمبر وزارت معارف درسال ۱۳۱۳ بشرح فوق بموجب اختیاری که برطبق ماده ۱۷ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۳ مملکتی مصوب ۲٦ اسفند ۱۳۱۲ بکمیسیون قوانین مالیه داده شده در جلسه اول خرداد ماه ۱۳۱۳ کمیسیون قوانین مالیه تصویب شده است .

رئیس مجلس شورای ملی ــ دادگر

نظامنامه مربوطه بعملی نمودن انحصار دخانیات

مصوب ۳۱ شهریورماه ۱۳۱۳ (کمیسیون قوانین مالیه)

ماده اول ـ وزارت مالیه مجاز است هرقسمت از حق انحصار دخانیات را که مقتضی بداند برقسمتهای دیگر مقدم داشته پس ازاعلان درمحل آنرا عملی نماید.

ماده‌دوم ـ انحصار عملی توتون سیگار بوسیله اعلان باطلاع عموم رسیده و صاحبان اجناس دخانیه اعم از زارع و تاجر طبق قانون ۱۹ آبان ۱۳۱۱ مکلفند محصول توتون سیگار هذه السنه خودرا بمؤسسه انحصار بفروشند.

ماده‌سوم ـ حد اقل قیمتی که دولت در هذه السنه از زارعین میخرد کمتر از حد متوسط قیمت خرید پنجساله اخیر نخواهد بود.

قیمت درجات مختلف توتون توسط مؤسسه انحصار تعیین واعلان خواهد شد ـ بتجاری که قبلاً جنس امسال را خریداری نموده اند ده درصد از قیمت خریدی که از زارع نموده اند علاوه پرداخته میشود درصورتیکه توتون جور و عدل بندی شده تحویل شود مخارج جور کردن و عدل بندی بنرخ عادله از طرف مؤسسه انحصار پرداخته خواهد شد.

ماده چهارم ـ مؤسسه انحصار مدت ومحلی راکه جنس در آن مدت و محل تحویل شود معین نموده و باطلاع عامّه خواهد رسانید.

ماده پنجم ـ وزارت مالیه میتواند در هذه السنه از انبارهای توتون اشخاص در هر نقطه که لازم بداند استفاده نموده و کرایه آن را بقیمت عادله بپردازد.

این نظامنامه کـه مشتمل بر پنج ماده است در تاریخ سی و یکم شهریور ماه یکهزار و سیصد و سیزده بموجب اختیار حاصله از قسمت اخیر تبصره چهارم قـانون

۱۹ آبان ۱۳۱۱ بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی رسیده و قابل اجراست .
رئیس مجلس شورای ملی ـ داد گر

نظامنامه کمك خرج مدارس ملی طهران

مصوب ۱۳ آذر ماه ۱۳۱۳ (کمیسیون معارف)

ماده اول ـ بمدارسی کمك خرج داده میشودکه واجد شرایط ذیل باشند :

الف ـ دبستانهای ابتدائی که دارای شش کلاس کامل بوده و بیش ازصد وهشتاد نفر شاگرد داشته باشند .

ب ـ دبیرستانهائی که لا اقل مجموع عده محصلین دوره اول آن درحدود نود نفر و دوره دوم آن درحدود هشتاد و پنج نفر باشد .

ج ـ نظامنامه ها و مقررات ودستورات وزارت معارف را نسبت به انتخاب آموزگاران ودبیران وتهیه اثاثیه ولوازم علمی وتدارك محل مدرسه وترتیب امورصحی کاملاً مراعات نمایند .

ماده دوم ـ اعتباری که در سال تحصیلی گذشته بدبستانها داده میشد از نیمه شهریور ماه هرساله باید بر کل عده قبول شدگان درامتحانات نهائی خرداد ماه همان سال بین دبستانهای ملی طهران که در سال تحصیلی ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۲ اعانه دریافت میداشته‌اند و واجد شرایط مندرجه درماده اول این نظامنامه باشند تقسیم‌شود تاسهم هردبستان بنسبت عده قبول شدگان تعیین و باقساط ماهیانه تا نیمه شهریور سال بعد پرداخته شود وهمچنین بدبیرستانهای ذکوری‌که درسال تحصیلی ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۲ اعانه دریافت داشته و واجد شرایط مندرجه در ماده اول این نظامنامه باشند برای کلیه

کلاسهای دوره اول منتها ماهی هزار وپانصد ریال وبرای کلیه کلاسهای دوره دوم منتها ماهی سه هزار ریال از نیمه شهریور ماه هرسال پرداخته خواهد شد .

تبصره ۱ ــ دبستانهای ملی طهران در صورتی بر طبق ماده فوق اعانه دریافت خواهند داشت که عده قبول شدگان کلاس ششم آنها کمتر از دوثلث عده محصلین همان کلاس در جریان سال تحصیلی نباشد و الا اعانه آنها قطع خواهد شد .

تبصره ۲ ــ هر گاه برطبق تبصره اول ماده دوم وماده سوم این نظامنامه اعانه یك یاچند مدرسه قطع شود وزارت معارف اعانه قطع شده را بعنوان کمك خرج بیك یــا چند مدرسه که واجد شرایط مقرره باشند میدهد .

تبصره ۳ ــ دبیرستان اقدسیه که درسال گذشته بابت قسمت متوسطه اعانه دریافت نمیداشته مبلغ پانصد ریال ماهیانه اعانه دریافت خواهد داشت .

مادهسوم ــ هریك ازدبیرستانها که برطبق این نظامنامه کمك خرج میگیرند اگر عده قبول شدگان از شاگردان کلاس سوم یا ششم آن در امتحانات نهائی دوره اول یا دوره دوم بحد نصاب نائل نشوند از اخذ کمك خرج همان کلاس (سوم یاششم) برای یك سال محروم خواهد گردید هر گاه همان دبیرستان در سال بعد قبول شدگان ازشاگردان کلاس سوم یا ششمآن بحد نصاب رسید مجدداً کمك خرج مقطوع ازنیمه شهریور ماه آن سال برقرار و پرداخته میشود .

اگر دو سال متوالی عده قبول شدگان بحد نصاب نرسد ازاخذ کمك خرج آن کلاس بکلی محروم خواهدگردید وچنانچه سه سال متوالی بحد نصاب نرسیدکمك خرج آن دبیرستان بکلی قطع میشود .

تبصره ــ حد نصاب مقرر درماده فوق عبارتست از نصف عده شاگردان کلاس سوم یاششم دبیرستان درجریان سال تحصیلی .

ماده چهارم ـ مدارسی که کمک‌خرج میگیرند باید بترتیب ذیل شاگردانی را که وزارت معارف معرفی مینماید مجاناً بپذیرند :

۱ ـ دبستانها بعده‌ای که درامتحان نهائی قبول شده اند .

۲ ـ دبیرستانها برای دوره اول چهل نفر .

۳ ـ دبیرستانها برای دوره دوم سی نفر .

ماده پنجم ـ دبیرستان سادات که اساساً مجانی است از نیمه شهریور ماه ۱۳۱۳ ببعد ماهیانه مبلغ یکهزاروپانصد ریال بطورثابت دریافت خواهدداشت.

ماده ششم ـ نظامنامه مصوب اول بهمن ماه ۱۳۱۲ از این تاریخ ملغی خواهد بود .

این نظامنامه که مشتمل بر شش ماده است در تاریخ سیزدهم آذر ماه ۱۳۱۳ بتصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی رسیده و بموجب قانون مصوب ٦ بهمن ماه ۱۳۰۸ قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ دادگر

نظامنامه مربوط بماده ۱۷ قانون مالیات برعایدات وحق تمبر مصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ که بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی رسیده است :

نظامنامه قانون مالیات برعایدات

مصوب ۲ اسفند ماه ۱۳۱۲ (کمیسیون قوانین مالیه)

ماده۱ ـ مخارج جاری و مصارف شغل که درتبصره اول‌ماده ۱ قانون مالیات برعایدات وحق تمبرمصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ قید شده عبارتست از :

۱ ـ کرایه مکانی که برای انجام شغل لازم است . اگر فقط قسمتی ازمکان مربوط بحوائج شغلی است کرایه آن قسمت جزء مصارف شغل حساب میشود درصورتیکه برای مکان کرایه داده نشود باید میزانی را حساب کرد که اگربنا بود کرایه داده شود آن میزان داده میشد .

۲ ـ کلیهٔ مخارجی که برای بیمه و نگاهداری و سوخت و روشنائی محل لازم است وامثال این مخارج ضروری مربوط بمحل .
۳ ـ منافع وجوهی که برای تکمیل حوائج شغلی ازاشخاص ثالث استقراض وبکارانداخته شده .
٤ ـ حقوق و مزد اعضاء وکارگران مؤسسه.
۵ ـ هرگونه مالیاتی که بابت دورهٔ مالیاتی (یعنی سالی که باید مالیات آن داده شود) پرداخته شده باشد .
٦ ـ هرگونه مخارج حقیقی و انتفاعی یا اداری و سایر مخارج ضروری مربوط بشغل با ارائه مدارک .

مخارجی که جنبه شخصی وخصوصی داشته باشد از قبیل کرایه خانه شخصی ـ مخارج خانواده ـ خرج اسباب واثاثیه ـ خرج تحصیل اولاد ـ مخارج تفریح و تفننی و هرگونه خرج دیگرکه مربوط بشغل مؤدی نیست مخارج جاری ومصارف شغل حساب نمیشود .

ماده ۲ ـ عایدات مؤدیان مذکور در مواد ۱۲ و ۱۷ قانون طبق قرائن و امارات ذیل تخمین میشود :

۱ ـ میزان کل معاملات درسال اعم ازخرید و فروش .
۲ ـ کرایه سالیانه مکان مخصوص شغل و منزل یا منازل شخصی (اگر کرایه داده نمیشود بترتیب مذکور دربند ۱ ماده اول این نظامنامه عمل‌خواهد شد) .
۳ ـ میزان معمولی‌حق‌الزحمه ـ حق‌العمل ـ حق‌العلاج یا دلالی .
٤ ـ عده معمولی کارگران .
۵ ـ میزان قوه ماشین .
٦ ـ مبلغ حقوق ومزدی‌که بمستخدمین و کارگران پرداخته میشود .
۷ ـ مقدارمواد اولیه که بمصرف میرسد ویا قیمت محصولاتی که بدست میآید .
۸ ـ مبلغ کل عایدات و درمورد مؤسسات بیمه مجموع حق بیمه که درظرف سال‌گرفته اند .

تشخیص اینکه قرائن و امارات فوق درهرشهر ومحل و درمورد هرنوع شغل حاکی ازچه میزان عایدات است بعهده کمیسیونهای تشخیص مذکور درماده ۱۷ قانون است .

ماده۳ ـ عایداتی که ازروی یکی ازقرائن وامارات مزبوره تعیین میشود ممکن‌است بوسیله قرائن و امارات دیگری که فوقاً ذکرشده مورد کنترل وتفتیش وتصحیح واقع شود بین نتائج حاصله از قرائن مختلفه نتیجه‌ای که از همه بیشتر است مأخذ مالیات خواهد بود مگر اینکه کمیسیون مذکور در ماده ۱۷ قانون نظردیگری اتخاذ نماید .

ماده ۴ ـ طبق مقررات دو بند اخیرماده۱۷ قانون درهرحوزه مالیاتی لااقل یك کمیسیون برای رفع اختلاف بین مؤدیان و مالیه برای تعیین مبلغ عایدات طبق قرائن و امارات مندرج در ماده ۲ این نظامنامه تشکیل خواهد گردید .

کمیسیون مزبور تشکیل میشود از :

یکنفر نماینده حکومت ـ یکنفر نماینده مالیه ویکنفر از رؤسای سایر دوائر دولتی محل بتعیین دونفر اول و دو نفرازنمایندگان مؤدیان .

مؤدیان از لحاظ این نظامنامه بچهارطبقه تقسیم میشوند : تجار ـ اطباء ـ و کلاء عدلیه وسایر مؤدیان هرطبقه دارای دونماینده و دونماینده علی‌البدل خواهد بود .

برای تشخیص مالیات هر طبقه و رفع اختلاف آنها با مالیه نمایندگان آن طبقه در کمیسیون عضویت خواهند داشت .

نمایندگان تجار را اطاق تجارت محل واگراطاق تجارت نباشد انجمن بلدی محل واگرانجمن بلدی نباشد خودتجارمعین مینمایند .

نمایندگان اطباء را اطباء و نمایندگان وکلا را وکلامعین مینمایند درنقاطیکه عده افرادهریك ازطبقات تجار واطباء و وکلا کمتر ازپنجنفر باشد نمایندگان آنها را انجمن بلدی واگرانجمن نباشد حاکم انتخاب خواهد کرد .

نمایندگان سایر مؤدیان را انجمن بلدی واگرانجمن بلدی نباشد حاکم ازبین معتمدین محل معین مینماید .

طرزتعیین ومعرفی نمایندگان هرطبقه وترتیب تشکیل کمیسیون مطابق نظامنامه‌های وزارتمالیه خواهد بود .

چنانچه نمایندگان هریك ازطبقات درظرف مدتیکه درنظامنامه های مزبور معین میشود انتخاب و معرفی نشوند حاکم محل نمایندگان آن طبقه را معین خواهد کرد .

عدم حضورنمایندگان مؤدیان درجلسات کمیسیون با اطلاع ازتشکیل کمیسیون مانع تشکیل جلسه و اتخاذتصمیم نخواهد بود .

اطلاع عضوی که حاضرنشده باید بموجب مدرك کتبی باشد .

ماده۵ ـ کمیسیون میتواند اظهارات اشخاص ثالث را استماع نموده و حق خواهد داشت هرگونه توضیح کتبی یا شفاهی که برای تعیین مالیات مورد بحث لازم بداند ازمؤدیان مربوطه تقاضا نماید ولی حق ملاحظه دفاتر و اسناد مؤدی را نخواهد داشت مگر درصورتیکه شخص مؤدی برای اثبات صحت اظهارات یا ثبوت شکایت ملاحظه دفاتر و اسناد خود را تقاضا نماید .

این نظامنامه که مشتمل برپنج ماده است در تاریخ دوم اسفند ماه ۱۳۱۲ بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی رسیده و بموجب قانون مالیات برعایدات وحق تمبرمصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ قابل اجرا است . رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

نظامنامه زیردرتبصره ماده اول‌قانون اصلاح قانون مالیات برعایدات مصوب ۲۴ آذرماه ۱۳۱۳ درتاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ بتصوب کمیسیون قوانین مالیه رسیده است :

نظامنامه اجرای تبصره اول ماده اول قانون اصلاح قانون مالیات برعایدات مصوب ۲۴ آذرماه ۱۳۱۳

مصوب ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ (کمیسیون قوانین مالیه)

ماده اول - کسبه و صاحبان حرفی که عایدات خالص سالیانه آنها دوهزار وچهارصد ریال تا سه هزاروششصد ریال است بطور مقاطعه درسال بیست و شش ریال مالیات برعایدات خواهند پرداخت .

مؤدیان فوق از دادن اظهارنامه سالیانه معاف بوده ولی باید هرسال تا پانزدهم خرداد مالیات بیست وشش ریال را باداره مالیه محل اقامت خود پرداخته و جواز دریافت دارند .

اداره مالیه میتواند مالیات را باقساط دریافت دارد - مؤدیان مزبور درصورتیکه تا انقضاء سال مالیات خود را تماماً بپردازند از پرداخت جریمه تخلف وخسارت تأخیر تأدیه معاف خواهند بود .

تبصره - مالیات اشخاصی که مشمول این ماده بوده وتا ۱۵ خرداد تحصیل جواز ننموده باشند برطبق ماده ۲۱ قانون ۲۹ آبان ۱۳۱۲ رأساً ازطرف مالیه تعیین میشود .

ماده دوم - کسانیکه بموجب تبصره ۱ ماده اول قانون اصلاح قانون مالیات بر عایدات مصوب ۲۴ آذرماه ۱۳۱۳ مکلف بداشتن جوازهستند باید تا ۱۵ خرداد هرسال جواز بگیرند .

قیمت جواز یکریال است .

ماده سوم - مالیات حقوق مستخدمین اعم ازدولتی ومملکتی و بلدی وبطور کلی اشخاصیکه از دیگران حقوق دریافت میدارند در صورتیکه حقوق ماهیانه آنها دویست ریال ببالا باشد ماهیانه برطبق مقررات ماده ۱۱ قانون آبانماه ۱۳۱۲ بنرخهای مذکور درماده اول قانون ۲۴ آذر۱۳۱۳ درموقع پرداخت ازحقوق آنها کسرخواهد شد .

این نظامنامه که مشتمل بر سه ماده است و در تاریخ هفدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی رسیده است بموجب تبصره ۱ ماده اول قانون اصلاح قانون مالیات برعایدات مصوب ۲۴ آذر ماه ۱۳۱۳ قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

فهرست تاریخی

قوانین موضوعه

دوره نهم تقنینیه

(بترتیب تاریخ تصویب)

شماره ردیف	شرح	تاریخ تصویب روز	تاریخ تصویب ماه	صفحه
۱	تصمیم جلسه ۳۰ فروردین مـاه ۱۳۱۲ راجع بکابینه آقای هدایت	۳۰	فروردینماه ۱۳۱۲	۵۷۱
۲	قانون بودجه سال ۱۳۱۲ مملکتی	۲	اردیبهشت ۱۳۱۲	۳۹۱
۳	قانون اجازهٔ پرداخت سی ملیون ریال بابت مخارج دو ماهه فروردین و اردیبهشت ۱۳۱۲ راه آهن وسیمانسازی	۵	«	۵۵۲
۴	قانون اصلاح قسمتی ازمقررات قانون انحصار تجارت خارجی و اجازه وضع مقررات جدیدی در قسمت اسعاری قانون مزبور	۱۹	«	۱
۵	قانون بودجه سال ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی	۲۴	«	۴۲۶
۶	تصمیم قـانونی راجع بتعقیب جزائی آقـای حاج میرزا حبیب‌الله امین	۳۱	«	۵۷۱
۷	قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۲ مملکتی	۴	خرداد ماه ۱۳۱۲	۴۱۰
۸	قانون اعطای امتیازنفت بشرکت نفت انگلیس وایران محدود	۷	«	۳۱۱
۹	قانون استخدام شش نفر متخصصین خارجی برای امورفلاحتی وقسمت معادن	۱۱	«	۳۷۷
۱۰	قانون اجازه استخدام اپ موچون تبعه دولت چین برای چای سازی	«	«	۳۷۹

فهرست تاریخی قوانین و مصوبات دوره نهم قانونگذاری

فهرست تاریخی قوانین و مصوبات دوره نهم قانونگذاری

شماره ردیف	شرح	تاریخ تصویب روز	تاریخ تصویب ماه	صفحه
۱۱۵	قانون راجع به اختیارات وزیر عدلیه نسبت بتشکیلات و صلاحیت و اصول محاکمات دیوان جزای عمال دولت	۱۶	اردیبهشت ۱۳۱۳	٦٥
۱۱٦	قانون راجع به سواد اسناد سجلی	۲۳	«	۲۹٤
۱۱۷	قانون اصلاح ماده پنجم قانون راجع بدعاوی بین اشخاص و دولت (مصوب کمیسیون قوانین عدلیه)	۲۷	«	۸۰
۱۱۸	قانون اصلاح تبصره ماده ۲۱۹ اصول محاکمات جزائی (مصوب کمیسیون قوانین عدلیه)	«	«	۲٦۲
۱۱۹	قانون راجع بتکمیل بیمارستان رازی و خرید زمین برای مریضخانه ها	«	«	٤٤۳
۱۲۰	قانون برقراری وظیفه واجازه پرداخت کمك خرج برئیس و سه نفر مستخدمین سابق بلژیکی گمرکات	۳	خرداد ماه ۱۳۱۳	٥٦۹
۱۲۱	قانون الحاق ماده ۲٦۹ مکرر بقانون مجازات عمومی	«	«	۲٤۲
۱۲۲	قانون الحاق ماده ۱۷٥ مکرر بقانون مجازات عمومی	«	«	۲۲۷
۱۲۳	قانون اجازه تأسیس دانشگاه درطهران	۸	«	۲۷۳
۱۲٤	قانون سه میلیون ریال اعتبار برای تعقیب عملیات ساختمانی بندر دهنو درسال ۱۳۱۳	۱٥	«	٥٥۷
۱۲٥	قانون اعطای اعتبار برای تکمیل ساختمان و خرید لوازم و مخارج مربوطه بکارخانجات	«	«	٥٦۳

شماره ردیف	شرح	تاریخ تصویب روز	تاریخ تصویب ماه	صفحه
۱۲۶	قانون الحاق ماده ۱۳ مکرر بقانون ثبت اسناد واملاك	۱۵	خردادماه ۱۳۱۳	۷۵
۱۲۷	قانون الحاق ماده ٤٥ مکرر بقانون مجازات عمومی	»	»	۲۲۷
۱۲۸	قانون اجازه استقراض ششصد هزار ریال از بانك ملی برای اصلاح وضعیت رودخانه وپل شهر قم	۲٤	»	٥٦۷
۱۲۹	قانون راجع بغیرقابل تمیز بودن بعضی ازمحکومیتهای جزائی	»	»	۲٦۲
۱۳۰	قانون اجازه تجدید قرارداد استخدام مسیو کونمان مهندس نقشه‌کش تبعه آلمان	۳	تیر ماه ۱۳۱۳	۳۸۲
۱۳۱	قانون تخصیص چهارصد هزار لیره ازوجوه ذخیره مملکتی به احتیاجات راه آهن و تأسیس دستگاه فانوسها وعلائم بحری در سال ۱۳۱۳	»	»	٥٥٦
۱۳۲	قانون راجع بمعاملات تصدیق صدور	۱۹	»	٤
۱۳۳	قانون تعیین حدودآبهای ساحلی ومنطقه‌نظارت دولت دردریاها	۲٤	»	۲۹٦
۱۳٤	قانون اضافه ششصد هزار ریال برعایدات و مخارج سال۱۳۱۳ وزارت پست وتلگراف	»	»	٥۰٤
۱۳٥	قانون اجازه استخدام دو نفر مهندس سوئدی برای تصدی کارخانجات تعمیر راه آهن	»	»	۳٦۳
۱۳٦	قانون اصلاح ماده سوم قانون تصدیق انحصار وراثت (مصوب کمیسیون قوانین عدلیه)	۲۷	»	۸۱

شماره ردیف	شرح	تاریخ تصویب		صفحه
		روز	ماه	
۱۳۷	قانون اجازه تمدید کنترات آقای دکتر هانری اشترونك آلمانی مدیر هنرستان دولتی	۳۱	تیر ماه ۱۳۱۳	۳۶۹
۱۳۸	قانون اجازه استخدام یکنفر متخصص نجاری از اتباع آلمان جهة هنرستان فارس	»	»	۳۷۰
۱۳۹	قانون اجازه تمدید کنترات آقای ویلهلم مایر هنرآموز آلمانی هنرستان دولتی	»	»	۳۷۱
۱۴۰	قانون راجع بحقوق انحصاری چای داخلی	۷	مرداد ماه ۱۳۱۳	۷
۱۴۱	قانون اجازه تمدید کنترات چهار نفر مستخدمین بلژیکی وزارت مالیه	»	»	۳۸۵
۱۴۲	قانون راجع بتعقیب جزائی مجرمین فراری ازمناطق سرحدی مجاور ایران	۱۷		۲۶۰
۱۴۳	قانون اجازه استخدام یکنفر متخصص بیطار از اتباع فرانسه	»	»	۳۸۳
۱۴۴	قانون اجازه استخدام آنطن گریش مهندس چك اسلواکی برای تدریس علوم جنگلبانی	»	»	۳۷۵
۱۴۵	قانون اجازه تمدید کنترات سه نفر معلمین فرانسوی دانش‌سرای عالی	»	»	۳۷۱
۱۴۶	قانون اجازه استخدام دو نفر معلم از فرانسه یا آلمان	»	»	۳۷۲
۱۴۷	قانون راجع برشد متعاملین	۱۳	شهریور ماه ۱۳۱۳	۸۴

شماره ردیف	شرح	تاریخ تصویب روز	تاریخ تصویب ماه	صفحه
۱۴۸	قانون تکمیل قانون قنوات	۱۳	شهریور ماه ۱۳۱۳	۸۵
۱۴۹	قانون تکمیل قانون بانك فلاحتی وصنعتی ایران	»	»	۱۵
۱۵۰	قانون هفتصدو نودهزار ریال اعتباربرای سه‌فقره مخارج اضافی	»	»	۵۰۴
۱۵۱	قانون یك میلیون ریال اعتبار اضافی برای تکمیل ساختمان عمارت نظمیه	۲۰	»	۵۰۵
۱۵۲	قانون راجع بطبع اسکناسهای جدید	»	»	۳۳
۱۵۳	قانون اجازه صدور شلتوك	۲۷	»	۸
۱۵۴	قانون اجازه استقراض برای ساختمان سیل‌بند شهر تبریز	»	»	۵۶۸
۱۵۵	قانون اجازه اجرای مواد اصلاح قانون دیوان محاسبات و قانون محاسبات عمومی پس ازتصویب کمیسیون قوانین‌مالیه	»	»	۶۰
۱۵۶	قانون پانصدهزار ریال اضافه اعتبار برای‌مخارج کمیسیونهای سرحدی	»	»	۵۰۶
۱۵۷	قانون راجع‌باستخدام فارغ‌التحصیلهای کلاس قضائی‌دروزارت داخله	۳	مهر ماه ۱۳۱۳	۳۰۷
۱۵۸	قانون اصلاح مواد ۴۱ـ۴۲ـ۴۵ قانون انتخابات	۱۰	»	۲۹۸
۱۵۹	قانون تکمیل قانون تصدیق انحصار وراثت	۱	آذر ماه ۱۳۱۳	۸۳
۱۶۰	قانون راجع بخیانت ولی قهری	»	»	۲۶۱

شماره ردیف	شرح	تاریخ تصویب روز	تاریخ تصویب ماه	صفحه
۱۶۱	قانون اجازه استخدام دکتر هاز ودکتر ادواردبلر و اصلاح حقوق دکتر هانری اشترونك	۸	آذر ماه ۱۳۱۳	۳۷۳
۱۶۲	قانون الغاءِ قانون حق الثبت وسائط نقلیه و وضع مالیات بر نفط وبنزین	۱۵	»	۳۰
۱۶۳	قانون اجازه تجدید قرارداد استخدام چهارنفر متخصصین چای ساز اتباع چین	۲۰	»	۳۸۱
۱۶٤	قانون اعسار	»	»	۸٦
۱٦۵	قانون اصلاح قانون مالیات برعایدات	۲٤	»	۲۹
۱٦٦	قانون الغاءِ مالیات ارضی و دواب	»	»	۳۲
۱٦۷	قانون تصویب نهصد وپنجاه هزار ریال اعتبار اضافی	۱	دی ماه ۱۳۱۳	۵۰٦
۱٦۸	قانون اوقاف	۳	»	۲۸۳
۱٦۹	قانون راجع بفارغ التحصیلهای دبیرستانهای فلاحتی	»	»	۳۰۸
۱۷۰	قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین المللی اتومبیلرانی	»	»	۳۵۸
۱۷۱	قانون اجازه استخدام زترهلم مهندس و متخصص پل سازی	۱۲	»	۳٦٤
۱۷۲	قانون اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه	»	»	٦۳

شماره ردیف	شرح	تاریخ تصویب روز	تاریخ تصویب ماه	صفحه
١٨٦	قانون متمم بودجه سال ١٣١٤ مملکتی	٢٢	اسفند ماه ١٣١٣	٥٢٧
١٨٧	قانون بودجه ١٣١٤ مجلس شورای ملی	٢٨	«	٥٣٤
١٨٨	قانون اجازه استخدام اتوبل تبعه آلمان جهت مدیریت فنی مطبعه مجلس	«	«	٣٨٧
١٨٩	قانون اصلاح ماده ٢١٣ قانون مجازات عمومی (راجع باعمال منافی عفت)	٢٨	«	٢٣٨
١٩٠	قانون اجازه ضرب مسکوکات مسی	١٦	فروردین ماه ١٣١٤	٣٥
١٩١	قانون اجازه واگذاری اراضی خوزستان بملکیت اشخاص	«	«	٥٦٥
١٩٢	قانون راجع باستخدام فارغ التحصیلهای مدارس متوسطه و مدارس عالیه حقوق و فلاحتی در وزارت داخله و پرداخت حق الکفاله	«	«	٣٠٩
١٩٣	قانون اجازه استقراض دو میلیون ریال از محل عایدات بلدیه اصفهان	«	«	٥٦٨
١٩٤	فصل چهارم الی نهم کتاب هفتم قانون مدنی	١٧	«	١٨٦
١٩٥	کتاب هشتم قانون مدنی	١٩	«	٢١٧
١٩٦	قانون اجازه استخدام چهار نفر متخصص برای تدریس در دانشکده‌های بیطاری و فلاحتی	«	«	٣٧٦
١٩٧	باب دوم کتاب هشتم و کتاب نهم قانون مدنی	٢٠	«	٢١٩
١٩٨	قانون تصویب قرارداد های پستی منعقده در کنگره پستی قاهره	«	«	٣٦٠